مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء

۸۵

BP
320
.M35
v.85

این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران
شید الله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر
شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمیباشد
شهرالمسائل ۱۳۲ بدیع

Provided by the Afnan Library

اصل این مجموعه کتابت مبارک حضرت عبدالبهاء، در خانه‌اش
در محفظه‌ی آثار امری ایران موجود می‌باشد. این مجموعه بجهت
لجنه محلیه استنساخ آیات تدوین و دقیقاً مقابله شده است

بواسطهٔ جناب آمیرزا حیدر علی

جناب میرزا عبدالرحمن شیرازی علیه بهاءالله الابهی

یا صاحبی السجن

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه‌ئی بجناب حیدر قبل علی مرقوم نموده بودید و
خواهش نگارش نامه‌ئی از من فرمودید لهذا بتحریر این مکتوب پرداختم
تا بدانی در این بساط مقبول و مذکوری و در درگاه جمال مبارک پرستی
و حق پرستی مشهور و بلحظات عین رحمانیت منظور خواهش کرده
بودی که بخط خویش کتابی بنگاری بسیار موافق از برای من باید
بنویسی دو کتاب بقطع بزرگ و خط یک دانگ در غایت اتقان
بر کاغذ بسیار لطیف ظریف و اندکی ضخیم نه خفیف و مرکب
باید ثابت باشد که مبادا در مستقبل از رطوبت بچسبد مندرج کتاب
الواح طرازات و تجلیات و بشارات و کلمات

واشراقات، دو نسخه مرقوم نمائید و جناب عندلیب مذهب
ظریف نمایند ولی حواشی کتاب را تذهیب نمائید نه متن
و جلد بسیار ظریف نمائید مرا مراد چنانست که این کتاب را
یکی بکتابخانهٔ اعظم انگلیس و دیگری بکتابخانهٔ اکبر فرانسه ارسال
دارم بعد از اتمام خبر بدهید تا دستور العمل داده شود که چگونه ارسال
گردد و جواب اعتراضات قاضی را نیز یک نسخه مرقوم
دارید تا در بمبائی طبع شود این جواب قاضی را مقدم بدارید
لکن بنهایت دقت در صحت عبارت و فقدان غلط بکوشید
هر صفحه که مرقوم میدارید بکرات و مرات مقابله کنید و اوّل
باید نسخه صحیحی بدست آرید و علیک البهاء الأبهی ع ع

مقابله شد

بواسطهٔ جناب عندلیب علیه بهاء الله الأبهی

جناب هوالله

الأبهی

شیراز جناب عبدالرحمن علیه بهاء الله

هو الأبهی

ای بندهٔ جمال ابهی نامه‌ات شمامهٔ مشک اذفر بود زیرا که طیب
محبت الله از آن منتشر آن ورق ورقهٔ ریاض عنایت بود و آن
رقیمهٔ لطیمهٔ عنبر سارا سبحان الله هدایت الله چه قوتی در عالم
ابداع ظاهر نموده و چه معجزهٔ باهر کرده که اثر خامهٔ کاشف حکمت
بالغه گشته و رحمت سابقه اثبات نموده ای حبیب طبیب
روحانی باش و آیت رحمت حضرت نامتناهی هیکل
خضوع شو و حقیقت خشوع فقر محض باش و فنای بحت از وصف
وجود بکلی عاری شو و در مغرب نیستی متواری گرد تا در افق هستی
چون ستارهٔ صبحگاهی بدرخشی و در ظل وجه داخل گردی و علیک التحیة
والثناء ع ع

مقابله شد

جناب زائر

میرزا محمد تقی خان قمی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای طائف مطاف ملأ اعلی الحمد لله بآنچه نهایت آمال مقرّبین است فائز
گشتی و بظلّ ظلیل رب جلیل شتافتی و غبار تربت مقدّسه را
کحل الجواهر دیده بصیرت نمودی و در انجمن رحمانی با یاران ربّانی الفت
جستی و ایّامی بنهایت روح و ریحان با عبد البهاء مؤانس و مجالس
بودی و حال چون از عتبهٔ مقدّسه اقتباس فیوضات نامتناهیه
شد چون رجوع بخطّهٔ ایران نمائی بشارت کبری ده و نعره یا بهاء الابهی
بلند کن احبّای رحمانی را مژده بموهبت جاودانی بخش و اغیار را بسبیل
هدایت کبری دلالت نما سبب سرور و حبور باش و مورث
روح و ریحان گرد جناب آمیرزا نصر الله کاشی را از قبل عبد البهاء
بموهبت کبری نوید ده و بالطاف حضرت حیّ قیّوم اعتماد
شدید بخش و جناب آمحمّد هاشم کاشی را بعنایت ربّ
قدیم امیدوار کن و مشام برائحهٔ طیّبهٔ گلشن حقیقت مشکبار
نما امة الله المحترمه ورقه موقنه والده و همشیره را از قبل من
نهایت محبّت و مهربانی مجری دار و بفیض نامتناهی بشارت
ده و از کأس الطاف ربّانی سرمست کن همشیرهٔ محترمه
که درس تبلیغ میخواند او را تشویق و ترغیب بر آن نما که شب

و روز آرام نگیرد و سکون و قرار نجوید تا نهایت اطلاع بر حجج
و براهین الهی یابد و سبب هدایت نسآء غافلات گردد
در طهران یاران ثابت بر پیمان را از قبل این سرگشته بازیچه
محبت الله تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار و پیام برسان که
ای دوستان امروز انظار جمیع ملل توجه بسلوک و روش
دوستان دارد تا ملاحظه نمایند که این قوم بنصایح و
وصایای الهیه قائمند یا غافل و ذاهل تعالیم الهیه تحقق
یافته یا در حیز تصور مانده سرگرم قولند یا قائم بعمل هذا
باید ثابتان پیمان بموجب تعالیم در الواح قیام نمایند
و بخصائل و فضائلی جلوه نمایند که محیر عقول گردد و
حیرتبخش نفوس شود لازم و واجب آنستکه در قطب آفاق
ثابت و محقق گردد که حزب الله خیرخواه عمومند و محب
خالص جمهور بجان و دل بکوشند تا بعالم انسانی خدمتی
نمایند و بنوع بشر محبتی مجری دارند صادقند
و ثابت ساعیند و مجاهد بحسن طویت و فرط محبت
و پاکی طینت و تنزیه و تقدیس قائم و عاملند اگر بچنین
موهبتی موفق و مؤید شوند در اندک زمانی انوار تائید
آنخطه و دیار را روشن کند و اقلیم ایران غبطهٔ گلزار
و گلشن گردد ای جناب زائر طلب غفران بجهت مرحوم

احوی

اخوی آمهدی نموده بودی لذا از ملکوت الطاف رجای
آمرزش خطایا گردید ای پروردگار مشتاق لقای
ابدی بندهٔ تو مهدی از این جهان بعالم لامکان شتافت و
روی از یار و اغیار و خویش و پیوند بپوشید و پنهان نمود تا در ملاء اعلی
عدم یاران وفا گردد و در دریای غفران غوطه خورد ای
آمرزگار آن بنده صادق را از ثقل ذنوب فارغ کن و در افق
مغفرت بارق نما و در فردوس عنایت نخلی باسق کن تو ئی
آمرزنده و بخشنده و مهربان ای جناب زائر آمیرزا حبیب الله
قمصری را نهایت اشتیاق ابلاغ نما تا شوقی دیگر برانگیزد و جذب
دولتی دیگر حاصل نماید و بر عبودیت آستان مقدس چنان ثابت
و مستقیم شود که فوز عظیم حاصل گردد و همچنین صحیح محترمه را بفضل
وجود رب قدیر تبشیر ده و بالطاف رب مجید نوید بخش تا شب
و روز مانند شمع بانوار محبت الله برافروزد و سائر دوستان
و اماء رحمان را یک یک بنهایت روح و ریحان بشارت الطاف
و عنایت حضرت رحمان برسان مقابله شد
و علیک البهاء الابهی ع ع

طهران

هو الله

تلمیذ حضرت صدر روحانی جناب آمیرزا تقی خیاراقمی علیه بهاء الله

هو الله

ای بندهٔ الهی نامهٔ مشکین وصل و بر مضامین اطلاع حاصل شد تا بحال
خبر مداومت حضرت صدر در مجلس بیان و برهان میرسید و سبب حصول
روح و ریحان بود از نامهٔ اخیر شما چنان مفهوم میشود که از شدت
ناخوشی و بغض از معاندین قدری فتور در تدریس حاصل شده
این خبر بسیار اثر کرد زیرا آن محفل و آن تدریس و آن تحصیل سبب سرور و قوت
و انشراح صدور بود و جاذب تأییدات غیبیهٔ الهیه حال
چون مرض خفت یافته و عنقریب زائل گردد امید چنین است که
محفلی جدید بجهت بیان معانی الهیه ترتیب گردد و ترتیل آیات توحید
شود خواهش حضور نموده بودید حال بتحصیل مشغول شوید
انشاء الله میسر خواهد گشت و من بعد اذن داده خواهد شد
در خصوص اصحاب کهف سؤال نموده بودید که در قرآن مجید تعیین
عدد نشده است و حال آنکه واضح و مشهود بیان شده میفرماید
سیقولون ثلاثة ورابعهم کلبهم و یقولون خمسة و سادسهم
کلبهم رجما بالغیب یعنی مانند تیریکه در تاریکی اندازی یعنی

۲ بعضی

این

این قول صحیح نیست بعد میفرماید ویقولون سبعة وثامنهم
کلبهم یعنی این رجم بغیب نیست وصحیحش اینست اما تفسیر این آیه
مفصل بجان عزیزت که مختصر فرصت ندارم تا چه رسد
بمفصل باوجود این در نهایت اختصار ومفید کلمه ئی چند مرقوم میشود
وآن اینست که آن قوم در نوم جسمانی نبودند آن خواب غفلت از این
سرابست وچون آن نفوس از این جهان بکلی منقطع بودند و
دل بعالم دیگر بسته بودند حکم نیام حاصل نموده بودند ورؤیای حقیقی
مشاهده میکردند وآنچه در مدت مدیده از برای خلق میسر نمیگشت
در مدتی قلیله از برای ایشان حاصل میشد چون نظر باهل عالم مینمودی
مسلکی را که سیصد وچیزی از سنه میتوانستند طی نمایند این نفوس
مقدسه در مدت قلیله آن مسافت بعیده را طی نمودند واما قطمیر
آن شخص امیری بود که محافظ آن نفوس از تعدیات هر شریر بود وعلیک التحیة والثناء
ع ع

طهران

هو الله جناب آمیرزا تقی خیاط قمی علیه بهاء الله

هوالله

خطاب

ای بندهٔ الهی از مضمون نامه چنین مفهوم شد که جمعی یاران از تو خواهش کتاب و خطابی از من نمودند و شما نیز شفاعت و توسط میفرمائید این عبد را آرزو چنانست که از عهدهٔ کار یاران برآید ولی چه توان نمود مشغولیت مانع از این خدمت و کثرت غوائل حاجز حصول این موهبت و مخابره و مکاتبه با یاران مسرت و جذابست و آرزوی دل و جان لهذا هر یک در این نامه پردازم از جملهٔ جناب آمیرزا عبدالکریم را تحیت مشتاقانه برسان از خق مبطله که در این ایام امتحان و افتتان مانند کل شکفته و خندان گردد و هم چنین جناب آسید حسین را تحیت و ثنا برسان از خدا خواهم که بمعنی این نام مبارک در میان خلق جلوه نماید و هم چنین جناب استاد مهدی قمی را ایجان جویانم و تحیت مصدع او فات و هم چنین جناب آباقر را از قبل عبدالبهاء نهایت تعلق برسان که بذکرش مسرورم و همچنین جناب تیمور خانرا اشتیاق قلبی دارم و از خدا خواهم که مانند تیمور یعنی آهن قدم ثبوت در این یوم مشکور بنمایند و امة الله الموقنه ضلع محترمه را از قبل عبدالبهاء تحیت و تکبیر ابلاغ نمائید

انوره

از پیش بخدمت اهل الله پردازد و بآنچه از لازمه عبودیّت آستان
مقدّس است قیام کند و امّا معنی آیهٔ مبارکه
یجعل الله بعد عسر یسرا اینست که هر وقت امتحانات
شدیده ظاهر شد احبّای الهی در بلیّات عظیمه افتادند
و قدم استقامت نمودند بعدش نهایت سرور و حبور و غلبه
کلمة الله ظاهر و آشکار گردد و علیک التّحیّة و الثّناء

ع ع

صحیح است

طهران

خط کاتب

جناب زائر میرزا تقی خان خیاط قمی امة الله والده ایشان امة الله
والدهٔ قدرت الله آمیرزا محمود آقدرت الله آرحمت الله
امة الله بتول خانم علیهم و علیهنّ البهاء الأبهی

هو الله

ای بنده کان و کنیزان عزیز الهی عالم انسانی از عجز
و ناتوانی خاک سیاه چون ابر رحمت خداوند آگاه ببارد تراب
اغبر لاله احمر برویاند و خاک سیاه گلشن روشن ملاء اعلی
گردد هر چند ما عاجز و ناتوانیم ولی الطاف جمال مبارک

بیحد و بی پایان در شکرانه چاره جز اعتراف بقصور نداریم و علاجی
غیر از صمت و سکوت ندانیم زیرا عاجزیم و قاصر کلیلیم و علیل
پس ستایش خداوند آفرینش را که بموجبش این موران ضعیف سلیمانی
نمایند و این پشه های عجز و نیاز شهباز اوج راز گردند و سبب ظهور
الطاف حضرت بی نیاز شوند اما حدیث وارد که در ایام سابق
دو حرف صادر ولی در ایام قائم جمیع حروف دیگر ظاهر گردد
مقصود اینست که آنچه از آثار و علوم و احکام و قانون و بدایع و
صنایع و کمالات عالم انسانی در ایام سابق ظاهر شده بمنزله
دو حرف بوده ولی در این ظهور بدیع و بروز کنز منیع کمالات
و فضائل عالم انسانی و علوم و فنون نامتناهی بدرجه ئی رسد که بمثابه
جمیع حروف دیگر باشد یعنی این دور بدیع از دورهای سابق بهمین مقدار
امتیاز و فرق دارد چنانچه ملاحظه نمائید که هنوز قرن اول است
در این مدت قلیله چه قدر اسرار کائنات از خزینه غیب بعالم شهود
آمده چه سرهای مکنون و رمزهای مصون که در غیب امکان بوده ظاهر
شده و چه اکتشافها از اسرار حقایق اشیا تحقق یافته و چه صنایع و بدایع
جلوه نموده دیگر ملاحظه نما که من بعد چه خواهد شد

باش تا صبح دولتش بدمد اینهمه از نتائج سحر است

وعلیکم وعلیکن البهآء الأبهی ع ع

طهران

هوالله جناب آمیرزا تقی خیاط قمی علیه بهآء الله

خط کاتب

هوالله

ای بندهٔ بها شکایت از تعویق جواب فرموده بودید هر چند
گله و شکوه در این مقام عین صواب است زیرا دلیل بر متانت روابط است
در بین قلوب احباب و اصحاب ولی ای یار مهربان ندانی
که مشاغل مانند بحر بی پایان و اوراق بمثابهٔ باران از جمیع
جهات متتابع الفیضان مانند دریا موج میزند و یک زبان
اگر در هر نفسی صد هزار نطق نماید از عهده بر نیاید در این صورت
قصور و فتور عبد البهآء نظر نشود بلکه محتاج دعا بدرگاه کبریاست
تا تأیید جمال ابهی این سر حلقهٔ ضعفا را قوتی عنایت فرماید که از عهده
جواب بعضی بر آید والا کار مشکلست و تدبیر محال و ممتنع از
لطف عمیم رب کریم راجی و آملم که ابواب گشایش گشوده گردد و
موهبت راحت و آسایش میسر شود تا توانی بخدمت یاران پرداز
و بعبودیت حضرت یزدان و علیک التحیة والثناء ع ع

طهران

خطاب

هوالله بواسطه حضرت افنان سدره
مبارکه جناب حاجی میرزا محمد جناب آقا میرزا
خیاط علیه بهاء الله

هوالله

ای بنده درگاه الهی از عسرت منالی ولی از غربت
وکربت ومصیبت وبیماری ومشقت که دریکدم باهم جمع شوند
خبر نداری هرصبور غیور درچنین حالی استقامت نماید و
تحمل ومقاومت کند از خدا میطلبم که عسرت بوسعت تبدیل
شود ومشقت براحت ورحمت برحمت مبدل گردد
انّ ربّک کریم رحیم وهّاب ولی قدری تحمل لازم
تا تجمل رخ دهد وصبوری واجب تا سروری حاصل گردد
دراین ایّام توجه ببقعه مبارکه نظر بحکمت ممنوع انشاءالله
درمستقبل اجازه داده میشود وعلیک التحیّة والثناء ع ع

بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله

خطاب طهران

جناب آمیرزا تقی خیاط قمی علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ای بنده صادق جمال ابهی مهید وارم که روز بروز در جرا تب
روحانیه ترقی نمائی واز شئونات نفس شهوانیه منزه و مبرا
گردی در سبیل انقطاع سلوک نمائی و در منهج تسلیم و رضا
مشی فرمائی بادیه محبت الله پیمائی و پیمانه پیمان
بنوشی نظر عنایت شامل است مطمئن باش و قیض
جمال ابهی عام است یقین بدان بمجرد استعداد آن فیض
شامل گردد و حیات ابدیه بخشد
فاشکر الله علی هذا الفضل
العظیم ان ربک
لرحمن رحیم ع ع

بخط کاتب

طهران

هوالله بواسطه جناب جذبه جناب حاجی محمد تقی خیاط

علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای خیاط رشتهٔ مریمی بدست آر و زخم آفاقرا رفو نما
قمیص یوسفی بدوز تا نفحات قدسش مشام پیر کنعان را
معطر فرماید و ردای ممتاز برازنده بر هیکل خویش بدوز تا ذیلش
خطای یارانرا بپوشاند و جناب آ محمد حسن عارف را
تحیت برسان و بگو نشان عاشق آن باشد
که سردش بینی از دوزخ نشان عارف آن باشد که خشکش
یابی از دریا دیگر تو ملاحظه فرما که عارف چگونه باید از بحر
الهی مغترف گردد تا عارف غارف
شود و علیک التحیة و الثناء

ع ع

مقابله شد



طهران

بواسطهٔ آسید محمد رضا علیه بهاء الله الأبهی

عراق

آقا بابا ابن اسحق علیه بهاء الله الأبهی

خط کاتب

هو الله

ای آقا بابا هرچند در جهان دنیائی ولی ز عالم بالائی و متوجه بملاء اعلی و ناظر بملکوت ابهی امیدوارم که آن دو برادر بشریعة الله مبشر گردند اذن حضور خواسته بودی حال حکمت اقتضا نمیکند بوقت دیگر محول دارع ع

طهران

جناب میرزا آقا جان و جناب عذرا و جناب یعقوب شرکاء جنّای کلیمی علیهم بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن هو الله

ای احبای الهی حمد کنید خدا را که در ظلّ لواء معقود ربّ الجنود
درآمدید و ببشارات حضرت داود پی بردید دیده بصیرت گشودید
و گوش جان باز نمودید مشاهده آیات کبری کردید و ندای
حضرت کبریا شنیدید حضرت خلیل جلیل را در ملکوت ابهی
خوشنود نمودید و بوصایای انبیا قیام کردید در این روز فیروز
فیض و فوز ابدی یافتید و حیات سرمدی جستید و عزّت
آسمانی طلبیدید و بمحبّت حضرت رحمانی گرویدید این
شرف و منزلت مدار مفخرت است و این فوز و فلاح
مانند سراج و مصباح درخشنده و روشن شکر خدا را
که چنین فیضی مبذول داشت و چنین الطافی رایگان
نمود و علیکم البهاء الأبهی ع ع

مقابله شد

خطاکات طهران

یا صاحبی السجن بواسطهٔ جناب سررشته دار

جناب میرزا آقا جان بزّاز سلالهٔ خلیل جلیل علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان بلبل گلشنی و مرغ چمنستان حقیقت خوب
آهنگی داری مانند نهنگ بخروش آ و بمثابهٔ ولکان آتش فشان
شعلهٔ زن که اسرائیلیان را جوق مرغان ارض مقدس نمائی و بنغمه و آواز
آری اسرائیلیان را وعدهٔ رب جلیل سبقت یافت آن وعده ها
وفا خواهد شد اولاد یعقوب عزیز کردند و در مصر هدایت مقبول و عزیز
شوند و علیک البهاء الابهی ع ع

مقابله شد صحیح است

هو الابهی

بواسطهٔ جناب میرزا علی محمد خان

خط مبارک است

ط از سلاله حضرت خلیل جناب میرزا آقا جان بزاز علیه بهاء الله
الابهی

هو الابهی

ای بندهٔ رب جنود آن خداوند ودود هر ضعیف را توانا
کند و هر فقیر را توانگر و صاحب غنا مگر آنکه حکمت بالغه
مانع باشد و نظم ملک بهم خورد این نظر بغنای جسمانیست

اما غنای حقیقی بابش مفتوحست و گنجش ظاهر و مکشوف ولی
پست فطرتان نابینا از این ثروت ملکوتی چشم پوشند و در پی
غنای خاکی افتند ع ع مقابله شد صحیح است

هو الله

طهران

بواسطهٔ جناب آغلام علی دوا فروش جناب میرزا
آقاجان بلبل علیه بهاء الله

بلبلا خوش الحانی و غزلخوانی و ترانه در محامد و نعوت
حضرت مقصود سبب سرور دل و جان اهل ملکوتست ع ع

این دو سطر بخط مبارک است
بقیه در صفحه مقابل است





Provided by the Afnan Library

هو الله

ای بلبل خوش الحان نامهٔ شما رسید از واقعهٔ محزنه تأثر شدید حاصل گردید لکن صبر و شکیب و تسلیم و رضا از خصائص اهل وفا لهذا امیدم چنانست که در چنین موارد صبور باشید و بر غفو و غفران حضرت احدیت شکور از خدا خواهم امة الله والدهٔ این از الطاف الهی بعفو و مغفرت رحمانیه تسلی خاطر یابند زیرا آن سرو جویبار آمالش قطع نشده نهایتش اینست از این گلخن فانی بگلشن الهی انتقال نمود و در جنت علیا بنهایت طراوت و لطافت جلوه نمود از خدا خواهم که بازماندگان بلبلزاده گان میرزا یعقوب و میرزا نعمت الله و میرزا شکرالله و شمت و طلا و قدسیه و روحیه و شمسیه مظاهر الطاف نامتناهی گردند و چون شاخی از شجرهٔ طیبه منفصل گردد شاخهای دیگر قوت گیرد لهذا امید چنان که این فروع تربیت باغبان الهی در نهایت لطافت و طراوت نشو و نما نموده سبب سرور و روح و طیبه گردند

فرصت بیش از این نیست معذور دارید

وعلیک البهاء الابهی

۹ صفر ۳۲ عبدالبهاء عباس

بواسطه جناب میرزا اسحق خان زائر

کاشان

خط کاتب
یا صاحب الجنة

آمیرزا ریحان آمیرزا شعبان حاجی میرزا داود علیهم بهاء الله الأبهی

هو الله

ای سرج محبت الله کاشان مانند زجاج است و نفحات
قدس مانند سراج الحمد لله این زجاج بشعاع ساطع این
سراج در نهایت ابتهاج از بدایت طلوع صبح هدی
از کاشان نفوس مقدسه مبعوث گشتند و بنهایت سرور
و شادمانی جانفشانی نمودند هر یک آیت هدی شدند
و رایت ملاء اعلی گردیدند امیدوارم که در این احیان
نفوسی بنهایت روحانیت و نورانیت در آن اقلیم مبعوث
گردند که سبب هدایت جمهور گردند و شما از آن نفوس باشید و علیکم البهاء الابهی

مقابله شد صحیح است ع ع

طهران

بواسطه جناب امین علیه بهاء الله

خط کاتب
یا صاحب الحسن

جناب مشهدی تقی تبریزی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

سوگلی یار غارم صبح احدیّت آچلدی شمس احدیّت افق
حقیقتدن دوغدی جهانی نور هدایت ایله پارلاندی ظلمت
ضلالت داغلدی شش جهت پارلادی جهان سرتاسر
نورانیّته غرق اولدی جانلر اویاندی کوکللر وه حمد اولسون
سراج محبّت الله یاقلدی و بنم سودیکم عزیزم دخی او فیضدن
بهره یاب اولدی بناء علیه درگاه احدیّته کمال شکرانیّت
تقدیم ایتمک واحد رو حقیقته تعلّق و دریای معرفته تعمّق و
و فیوضات الهیّه ایله تحقّق ایتمک لازم درسن بنم یارم سین
یاورم سین سوگلم سین هر مرغ سحر بال و پر ایله انجق
اوچر سکا قنادایسه رضای جناب دائی در آنک رضاسندن
آیرمله تا نهایت وصلته نائل اوله سین و درگاه احدیّته واصل
اوله سین باقی شاد اوله سین وار اوله سین غمدن آزاد اوله سین
سوگلی یار مهربانم ع ع مقابله شد صحیح است

یا صاحبی السجن
خط کاتب

طهران

جناب سیف الله ابن شهید تربتی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای نبئ جمال ابهی نامه شما رسید سؤال نموده بودید که تکلیف احبای قزاق چیست زیرا امور ایران دائماً در انقلابست تکلیف احبای الهی طاعت و انقیاد حکومت خواه استقلال و خواه مشروطه بجناب حاجی بابا و جناب حاجی آقا و نجل سعید حاجی قنبر اشتهاردی تحیت ابدع ابهی برسان و همچنین بجناب سیف الله قزاق اشتهاردی تحیات مهربانی مجری دار و همچنین بجناب محمد حسن بیک و احمد بیک و جناب داود و جناب محمد و جناب قاسم خان و جناب محمود از قبل عبدالبهاء بانهایت اشتیاق تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار شما و جناب محمود بیک باید در ایام تعطیل مدرسه باشتهارد تبلیغ سفر نمائید و علیک البهاء

الأبهی ع ع

مقابله شد صحیح است



طهران

بواسطهٔ جناب امین

Provided by the Afnan Library

جناب مشهدی تقی تبریزی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی الیمن هو الله

عزیزا حضرت احدیتک لطف و عنایتی بر بندهٔ صادقه شامل و پرتو هدایتی بر طالب حقیقت واصل اولنجه حجاب لن ترانی زائل و انوار انظر ترانی ساطع اولور بصیرتی منوّر و دماغی معطّر و نفسی معنبر اولور بنا علیه جمال ابهی دلبر یکتا بوعصر همایون حضرده افق احدیتدن طلوع و انوار حقیقت ایله ساطع ایلدی دیدهٔ بینایه موفق اولان هرزنده دل نعمت دیدار ایله نائل و گوش شنوا سی اولان ندای حقه سامع و قلب آگاهی اولان اسرار الهیه یه واقف اولمقده در بنا علیه لسان شکرانیت ایله درگاه احدیته ظهار ممنونیت ایله زیرا اشتیاق دیدار سنی مستغرق انوار ایلدی نور هدایت دوغدی و صبح عنایت آچلدی شمس حقیقت آفاقه بارقه نثار اولدی بوشرفه فائز و بو موهبته حائز اولان هر انسان ایکی جهانده کامران و مظهر موهبت بی پایان اولور وارا اوله

سین شاد اوله سین نائل مراد اوله

سین و علیک البهاء الابهی ع ع

مطابق است

بخط مبارک است

(۲۵)

طهران بواسطه جناب امین جناب آقا محمد تقی ترک علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

یار عزیزا

نورانیت مجسمهٔ آسمانی رحمانیت مشخصهٔ سبحانی یه انسان
انجق علویت فطرت و طهارت طینت و قدسیت جان و وجدان
ایله و قوت ایقان ایله تقرب ایده بیلور بناءً علیه یورکی طیب
کوکلی طاهر اولان انسان آئینه آسا زنک تعلق ماسوادن مبرا
اولنجه انوار شمس حقیقتدن اقتباس ایدرک صفحهٔ مجلای انوار اولور
کاشف اسرار اولور سرور ابرار اولور شاد اولور وار اولور
غمدن آزاد اولور بالام یاورم ع ع

صحیح است
مقابله شد

در همان صفحه مرقوم فرموده اند

هو الله

ای ثابت بر میثاق چون نیر آفاق اشراق بر شرق و غرب نمود
تفاوت و امتیاز ترک و تاجیک و فرانس و بلجیک و
فرس و امریک و آسیا و افریک از میان رفت شلیک
وحدت عالم انسانی برخواست اینست که مشاهده مینمائی که شرق
دست در آغوش غرب نموده و خاور و باختر مانند دو دلبر شیفته
یکدیگر شده ع ع

صحیح است
مقابله شد

ایضاً در همان صفحه

هو الله

ایها الرجل الرشید قد هتکت الأستار واشرقت الأنوار
وظهرت الأسرار وشاعت الآثار وذاعت الاذکار
وانکشفت آیة اللیل وتلألأت آیة النهار والمخلصون فی سرور
وحبور وعیش موفور وجنة عالیة ورب غفور
فیا طوبی للأبرار ویا بشری للاخیار ویا فرحا للاحرار و
یا اسفا علی الأشرار ع ع

مقابله شد صحیح است

خط کاتب بواسطه جناب آقا محمد حسین ابن وکیل

کردستان کنیز عزیز الهی امة الله راضیه علیها بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن

هو الله

ای امة الله نامه شما ملاحظه گردید مضمون مشحون ببیان
ایمان و ایقان و ثبوت بر عهد و پیمان بود حمد کن خدا را
که مظهر الطاف جمال مبارکی و مورد عنایت حضرت احدیت

دران اقلیم بذکر خدا مشغول و فی الحقیقه روح آنکشوری و سراج
آن زجاج از میرزا محمد ذکر نموده بودی که نهایت محبت بشما مذکور
فی الحقیقه این محبت خدمت باستان احدیت است
و مقبول درگاه حق زیرا لله و فی الله است امیدوار از فضل
و موهبت الهیه هستم که هر بنده ئی در بحر غفران مستغرق گردد
و در ظل عفو و احسان درآید رب غفور کناه بیامرزد و سیئات را
بحسنات تبدیل نماید از جهت صعود صبیه خویش
محزون مباش و بخون مگرو آه و فغان مکن ناله و ندبه
منما گریه و موبه منما بی صبر و قرار مشو زیرا جهان
آب و خاک آشیان مرغان آسمانی نه و عالم برای
لانه طیور آلهی نیست البته مرغ سحر بگلشن کل معطر
پرواز نماید ولابد آهوی دشت محبت الله ببر و حدت
بشتابد غریب آرزوی وطن اصلی کند و مهجور تمنای
محفل مجلی ظهور نماید شما باید سبب هدایت بعضی از امای
رحمان گردید این لازم است و واجب اینست سبب
عزت ابدیه و حیات سرمدیه هر نام و نشانی محو
و نابود شود و هر راحت و آسایشی عاقبت بازمایش

مبدل گردد پس راحت در ظل سدرهٔ منتهی طلب
و آسودگی در تنزیه و تقدیس از آلوده گی بدان و علیک
البهاء الابهی ع ع مقابله شد صحیح است

بواسطه جناب افنان آمیرزا حسن

جناب نور الله فی ای ارض کان ملاحظه نمایند

هو الله

ای بنده جمال مبارک نامهٔ شما رسید پیام آشنا بود
و دلیل بر استقامت بر امر الله رؤیا که دیده ئی
نتائجش عنقریب ظاهر گردد ملاحظه شود که انشاء الله موت
حیاتست بیش از این بیان جائز نه در خصوص حرکت
آفتاب و زمین مرقوم نموده بودی جمیع کائنات
متحرک است ساکنی در میان نه زیرا حرکت از لوازم
وجود است و سکون از خصائص عدم یعنی
وجودی نیست که حرکت نداشته باشد در الواح

الهیّه این قضیّه صریح است که جمیع اجسام مضیئه و غیر مضیئه
حتّی ذرّات کائنات متحرّک است یا بالأصاله یا بالتبع
امّا یک حرکت نسبی در میانست البتّه جسم صغیر
متحرّک حول جسم عظیم است حرکت لیل و نهار واضح و مشهود
که از ارض است برهانش لامع است و دلیلش
واضح مثلا جمیع این کره های نورانیّه در این فضای نا
متناهی در بیست و چهار ساعت ما عدا القطبین در مدّت
یکشبانه روز دوری نزنند و طلوع و افولی دارند این
خارج از دو قسم نیست یا جمیعا مرکز نقطه ارض است
و کلّ این محیط عظیم را در مدّتی قلیله که عبارت از بیست و چهار
ساعت است طی نمایند و یا انکه کره ارض در این
مدّت قلیله دوری بر محور خویش زند این واضح است
که شق اخیر صحیحست از برای این اجسام نورانیّه نامتناهیه
حرکت واحده حول ارض محال است و امّا حرکت
سنویّه که از آن فصول اربعه تحقّق یابد آن نیز بدلائل عقلیّه
و نقلیّه مثبت است که شمس دائما در نقطه احتراق مستقرّ است

وارض مستقل والشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز
العلیم یعنی شمس را حرکت مانند آسیاب بر محور
خویش است وبواسطه آلات وادوات اکتشاف
شده است که آفتاب را نیز مانند ماه کلفی واین کلف
در مدت بیست وپنج روز وچیزی نمایان میشود وغائب
میگردد این دلیل بر آنست که آفتاب بر محور خویش متحرک است
نه حرکت سنویه ونه حرکت لیل ونهار این مباحث
ریاضیین است ولی ما باید از شمس حقیقت دم زنیم که آن
نیر آسمانی طائف بر حول خویش است نه طائف
حول نفسی ومستشرق از انوار احدی بل متجلیه بنفسها
لنفسها ولا تتجلی بقوة غیرها والکل یطوفون فی حولها
ویقتبسون من انوارها ویستمدون من حرارتها وعلیک البهاء الابهی
ع ع

یا صاحبی الحسن
خطاب

هوالله
ایطائف بقعهٔ نورآء شکر کن خدارا که هزار فرسنگ
طی نمودی ومانند باد بادیه پیمودی تا از پیمانهٔ پیمان
سرمست شوی وقدح بدست گیری وبازار عاشقان

شکست دهی الحمدلله بآنچه نهایت آرزوی مخلصین است فائز گردی
سر بآستان کبریا نهادی و بجان و دل تضرع و ابتهال نمودی حال
مراجعت بصفحات ایران کن و احبای باوفای عبدالبهاء را
در کرمانشاهان و کردستان از قبل من تحیت و پیام برسان
یعنی ابوی محترم آمیرزا اسدالله را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ کن و او را
بفضل و موهبت پروردگار امیدوار نما تا همواره از جام سرشار الطاف
پروردگار سرمست و هوشیار باشد و جناب حکیم ابراهیم را
ببشارت عظیم مژده ده تا دل و جان را بنفحات محبت الله
رشک روضه رضوان نماید و جناب ذوالفقار خانرا مژده
الطاف ده تا در نصرت امرالله سیف شاهر گردد و اقالیم
قلوب را مسخر نماید این سیف نغمه توحید است و آهنگ
تهلیل و تکبیر و جناب آقا محمد همدانی را مشام بمشک جان معطر کن
تا حیات تازه یابد و وجد و وله بی اندازه جوید و جناب
اخوی میرزا عباس امیدوارم بنفحات قدس زنده و تر و تازه
گردد و جناب اخوی میرزا حسن را بتائید الهی مژده ده تا خلق
حسن یابد و مظهر موهبت احسن گردد و جناب اخوی
میرزا محمد علی را آیات توحید ترتیل نما تا حیات جدید یابد و
جناب ارحمت الله را برحمت پروردگار مژده ده تا آیت موهبت

کبر

کردد و ملحوظ بنظر عنایت امة الله همشیره را ضیه خانم را بر رضای
الهی موفق کن تا راضیه و مرضیه کردد و امة الله همشیره جبیبه خانم را
بالطاف بی پایان نوید بخش تا نفس مطمئنه شود و امة الله
همشیره سلطنت خانم را تحیت ابدع ابهی ابلاغ نما تا جانش
زنده کردد و امة الله همشیره بهیه خانم را بالطاف جمال ابهی بشارت ده
تا قلبش باهتزاز آید و والده محترمه آقا بالم را تحیت فضل و موهبت
جمال مبارک ابلاغ کن زیرا فی الحقیقه والده مظهر الطاف بی نهایت
کشته و چنین موهبتی در حق او شده که اولاد ابناء و بنات کل
منجذب بنفحاتند و هم چنین از برای من ادرک لقاء ربه امیرزا
عبد الحسین اخوی را درکاه احدیت طلب مغفرت کردید امیدوارم
در بحر عفو و غفران مستغرق کردد ای زائرباهر یاران الهی باید
کردستانرا کلستان کنند و آن اقلیم را بانوار تقدیس جنة النعیم
فرمایند در این ایام که مشام آفاق معتبر است و ندای الهی
مرتفع در شرق و غرب باید دوستان آن سامان نوعی روش
و سلوک فرمایند و چنان شوق و فرح و سرور و حبور نمایند و بنوعی
با عموم بشر از هر ملت با مانت و دیانت و مهربانی سلوک فرمایند
که قلوب باهتزاز آید و جانها همراز اهل راز کردد و بعشق
دلبر مهربان دمساز شود ایام درکذر است و اوقات بی نتیجه
و ثمر مکر نفوسیکه دهقان رحمانی شوند و در اراضی قلوب

تخم افشانی نمایند آیات توحید ترتیل کنند و آهنگ
تهلیل و تکبیر بلند فرمایند این نفوس از حیات نتیجه برند و از زندگانی
بکامرانی رسند و در جهانی دیگر خیمه برافرازند و نغمه دیگر بنوازند
و در ره عشق بسوزند و بسازند و دلها بنار محبت الله بگدازند
همدم و همرازند و از جهان و آنچه در او است مستغنی و بی نیاز
فعلیهم بهاء الله الأبهی فی الآخرة والأولی ع ع

مقابله شد صحیح است

هو الله

بخط کاتب

یا صاحبی السجن

ای یاران الهی

شما را فراموش ننموده و نخواهم نمود دائماً گوش هوش منتظر
استماع خبر یارانست تا نهایت سرور حاصل گردد شما دوستان
آن دلبر مهربانید چگونه فراموش گردید و آشفته آن موی
پریشانید چگونه از خاطر روید و مشتاق فیوضات
مه تابانید چگونه نسیاً منسیاً شوید همواره بیاد یاران

چون

چون دریا پر جوش و خروشیم و سراپا چشم و گوش تا جلوه
یاران ببینیم و آهنگ جانبخش دوستان شنویم
ایدوستان حقیقی وقت آنست که اوقات خود را
صرف در مشاهدهٔ جلوهٔ ربانی نمائید و بموجب وصایا
و نصائح الهی حرکت و سلوک فرمائید تا سبب تنبه
دیگران و تذکر آن غافلان گردید ای یاران من حضرت
یزدان انسان را تاج فضل و احسان بر سر نهاده تا بهر
ذی روحی وداود و مهربان باشد و سبب ظهور علویت عالم
انسان گردد رحمت پروردگار شود و موهبت آمرزگار
لهذا با جمیع خلق باحسن خلق رفتار نمائید و با عالمیان
در نهایت رأفت و فضل و احسان سلوک نمائید در این دور
عظیم و عصر بدیع بموجب تعالیم الهیه انسان باید چنان متخصص
تحسین اخلاق کرد که دشمن را دوست شمارد و بدخواه را
خیرخواه نگارد اغیار را یار پندارد و بیگانه را
آشنا شناسد یعنی با بیگانه و اغیار و غدّار و ستمکار
چنان رفتار نماید که دیگران با یار و آشنا نمایند و با
اهل و فا مجری دارند ای یاران در تحصیل علوم
و عرفان بکوشید و در اکتساب کمالات صوری
و معنوی جهد بلیغ نمائید اطفال را از صغر سن

تحصیل هر علمی تشویق کنید و باکتساب هر صنعتی تحریص نمائید تا قلب
هر یک بعون و عنایت حق مانند آئینه کاشف اسرار کائنات
گردد و بحقیقت هر شیئی پی برد و در علوم و معارف و صنایع مشهور
آفاق شود البته صد البته در تربیت اطفال قصور و فتور مفرمائید
و باخلاق رحمانی پرورش دهید و مطمئن بموهبت و عنایت
حضرت پروردگار باشید و علیکم التحیة والثناء ع ع

صحیح است

بغداد

خط کاتب

بواسطهٔ آ محمد حسین ابن وکیل

کردستان

جناب آمیرزا اسدالله و جناب آمیرزا نورالله و جناب
آ محمد تبریزی جناب حکیم ابراهیم جناب آمیرزا آقای
پسر جناب آمیرزا حسین خان جناب آمیرزا علیخان همدانی
جناب ذوالفقار خان جناب عزیزالله خان جناب
میرزا نصرالله خان جناب آمیرزا محمود کاشانی جناب
آفرج کلیمی امة الله ملک سیما امة الله نوش آفرین

ع الغنا

آعبدالغفار امة امین الله امة الله کبری سلطان امة الله رفیعه
ابدیع الله امة الله بیگم خانم امة الله حبیبه خانم امة الله
سلطنت خانم امة الله بهیه خانم آمحمد حسن آمحمد حسین
جناب آمیرزا عباس جناب احسن جناب
آمحمد علی جناب حاجی رحمة الله عزیز خان علیهم علیهن
البهاء الابهی

هوالله

یا صاحبی السجن

ای بندگان واماء رحمان جناب آنورالله وآمحمد
تبریزی نامه‌ئی مرقوم نموده بودند ونام مبارک آن یاران
واماء رحمان را مرقوم فرموده بودند از قرائت اسماء
نفوس منجذبه نهایت فرح وشادمانی حاصل گردید زیرا
منطوق نامه دلالت برشدت فرح وکثرت انجذاب
یاران واماء رحمان بملکوت یزدان مینمود ترتیل آیات
محبت الله گشت وتعطیر مشام بنفحات جنت ابهی گردید
بشکرانه پرداختیم که الحمدلله آن دوستان از بیگانگی
بیزار شدند وبوحدت ویگانگی پرداختند الفت
جان ومؤانست وجدان دارند محفل بیارایند و

بذکر حضرت بیچون پردازند و در ظلّ شجرهٔ طوبی بیاسایند و بثنای
حیّ قیّوم مشغول گردند و بعبودیّت آستان مقدّس
مأنوس شوند تلاوت الواح کنند و ترتیل مناجات
نمایند ربّ ورجائی تری هذه النّفوس المنجذبة
بآیات محبّتک المستظلّة فی ظلال دوحة رحمانیّتک
المثنیة علیک المتوجّهة الیک ربّ اجعل اعینهم
قریرة بمشاهدة آیاتک و آذانهم صاغیة لوصایاک
و تعالیمک و نفوسهم زکیّة بفیوضات ربّانیّتک و
قلوبهم صافیة بسطوع انوار توحیدک ربّ ایّدهم
علی خدمة امرک و وفّقهم علی عبودیّة عتبتک و انشر بهم
آثارک فی الاقطار و اجذب بهم قلوباً طافحة بصهباء
الأسرار انّک انت القوّی العزیز المختار و انّک
انت الرّحمن الرّحیم ع ع

مقابله شد صحیح است

کرمانشاه
بواسطهٔ میرزا اسحق خان

بخط کاتب

کردستان

جناب میرزا اسد الله اصفهانی علیه التحیة والثناء

یا صاحبی السجن

هو الله

ای عاشق جمال ذو الجلال نامهٔ شما رسید و مضمون شیرین
و دلنشین بود زیرا دلیل براین بود که طاؤس علیین
در بهشت برین جلوه نموده و عنقریب کردستان
بهمّت دوستان گلستان خواهد گشت اذن
حضور خواسته بودید وجود شما در انحدود و ثغور الزم از حضور
باینجاست زیرا خادم حقّید و ناصر کلمة الله باید دائماً
در انجا یک نفس نفیسی موجود باشد تا سبب تنبّه غافلان
و تذکّر جاهلان گردد حال شما باید در این فکر باشید این
الزمست در وقت مرهون اذن حضور داده خواهد شد
مطمئن باش حال بخدمت پرداز و بتربیت و هدایت
نفوس مشغول باش بشارت گذشتن عمل حکیم ابراهیم
سبب مسرّت شد سلیل جلیل آمیرزا انور الله و صبیّهٔ کریمه
امة الله راضیه را از قبل من نهایت مهربانی

مجری دارید جناب آمیرزا نورالله اذن حضور دارند و علیک
التحیة والثناء ع ع صحیح است

بخط کاتب

بغداد کردستان

بواسطهٔ آنورالله امة الله همشیره ایشان ورقهٔ راضیه علیها بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای مومنهٔ موقنه نامهٔ تو قرائت گردید و آرزوی تو سزاوار
ستایش است و شایان شمول الطاف خداوند آفرینش از فضل
نور مبین امید چنین است که جناب قرین دیده بگشاید و اذن
واعیه بیابد و مشاهده آیات کبری کند و استماع ندای
جمال ابهی نماید شما با او بنهایت محبت و خلوص و اطاعت
و رافت مأنوس گردید و بحسن اخلاق و انقطاع و انجذاب
و تبتل الی الله او را منقلب نمائید قسم بجمال قدم روحی
لاحبائه الفداء که نیت خالص و عمل مبرور در اخجار و صخور تأثیر
نماید تا چه رسد بقلوب و نفوس و علیک البهاء الابهی
ع ع صحیح است
مقابله شد

۱۷ ج ۱ ۱۳۲۸

کرمانشاه

بواسطهٔ جناب اسحق خان

کردستان

جناب آنور الله علیه بهاء الله

بخط کاتب

هو الله

یا صاحبی السجن

ای بندهٔ الهی نامهٔ شما رسید الحمد لله دلیل جلیل بود
که یاران آنسامان مستقیم بر امر حضرت رحمانند و ثابت
بر عهد و پیمان امروز مغناطیس تأیید استقامت بر
صراط است و این استقامت دلیل بر نجات باید یاران
الهی در میان خلق نفس حجت و برهان حق باشند تا جمیع
خلق شهادت بر بزرگواری آنان بدهند که اینقوم شمع هدی
برافروختند و تعلق و نزد ادیب عشق در دبستان الهی قانون
جانفشانی آموختند از غیر حق بیزارند و از پرتو شمس حقیقت
روشن و پرانوار از قبل عبد البهاء بیک یک تحیت ابدع ابهی
ابلاغ دار و نهایت اشتیاق بیان کن شخص مبلغی
خواسته بودید البته یاران کرمانشاه در این خصوص
همتی خواهند نمود یا از نفوس آنسامان و یا خود از بلدان

ماسوی نوختند

دیگر البته مبلغی تهیه و تدارک خواهند نمود و بکردستان
خواهند روانه کرد و علیک البهاء الأبهی
تقابله شد صحیح است ع ع

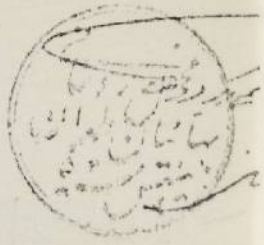

بواسطه جناب میرزا حبیب الله

بخط کاتب
یا صاحبی النجن

سنندج

جناب آمیرزا اسد الله اصفهانی علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده الهی شما در کردستانی و آمیرزا حبیب الله در ترکستان
و این عبد در سورستان و روابط رحمانیه را ملاحظه نما که یکی
از کردستان از برای احبا در ترکستان از عبد البهاء در سورستان
خواهش نگارش نامه مینماید این چه الفت است و این چه محبت
و این چه عنایتست و این چه موهبت سبحان من
انزل هذا الفیض سبحان من قدر هذا الفوز سبحان
من الف بین هذه القلوب بقوة ملکوته العظیم از حق
میطلبم که کردستان را گلستان نمائی و آن کشور را
بنور محبت الله روشن کنی و علیک التحیة و الثناء
ع ع

تقابله شد صحیح است

بواسطهٔ صبحی طهران جناب آنورالله سنندجی

بخط کاتب
یا ضاحی البحر

هوالأبهی

یار موافقا آنچه در عالم رؤیاء استماع نمودی خطاب ببعضی
از ایرانیان بود واما شما محفوظ و مصون و در ظلّ حمایت
ربّ بیچون مطمئن باش جناب آمیرزا عبّاس خان
وامة الله سکینه در بهار آینده اذن حضور دارند بامة الله
الموقنه صبیّه میرزا اسحق خان از قبل عبدالبهاء تحیّت ابدع ابهی
برسان واز دریای غفران ابوی جنّت مکان آن جناب را
عفو و مغفرتی بی پایان خواهم مختصر مرقوم میشود معذور بدارید
۲۸ رمضان ۱۳۳۹ عکّا بهجی عبدالبهاء عبّاس
مقابله شد صحیح است

بخط مبارک

هوالله

کرمانشاهان جواب جناب مشهدی حسن بزّاز علیه بهاءالله

هوالأقدس الأعلی

ای مقتبس نور هدی از مصباح الهی جمعی که خود را دلیل راه دانستند و وسیلهٔ

وصول بساحت کبریاء دربادیهٔ هوا و هوس گرفتار گشتند و
در صحرای غرور و نخوت سرگردان هریک فرعون عظیم
شدند و نمرود متکبّر شدید بکلّی از الطاف یوم نشور
محروم گشتند و از مواهب غفور مأیوس گردیدند تو
که نه مدّتی ارشادی بودی و نه در حلقهٔ اهل استرشاد شکر
کن حیّ قیّوم را که بچشمهٔ حیات پی بردی و بسر منزل جانان
رسیدی و در کوی دوست مقر یافتی و سر گشتهٔ پریشان
آن رخ چون مه تابان شدی و نفحهٔ مشکبوی استشمام
کردی و بکلّی دل ازبوی و متوجه نمودی شکر کن حضرت حیّ
قیّوم را که بچنین موهبت و عنایتی مختصّ شدی والبهاء علیک

مقابله شد صحیح است ع ع

بواسطه جناب سیناء

هوالله

جناب مشهدی حسن بزّاز

علیه بهاء الله

Provided by the Afnan Library

خط مبارک هوالله

ای پروردگار بی نیاز بندهٔ درگاهت جناب بزّاز را محرم راز فرما و در عرفانش باز کن و نامش را در ملکوت وجود باقی و برقرار فرما مکنتی بخش و ثروتی عطا فرما از کنز ملکوت توانگری حقیقی عطا کن و از غنای روحانی بهره مند مقابله صحیح است ع ع



هوالله

کردستان جناب آمیرزا اسدالله اصفهانی جناب میرزا لوالله جناب میرزا عباس امة الله آبیکم امة الله راضیه بیکم امة الله حبیبه بیکم علیهن بهاء الله الأبهی

خطابات یا صاحبی الیمن

ای بندگان یزدان و اماء رحمان قرب غروب است و افول آفتاب روبه افول عبدالبهاء بیاد شما مشغول و از فضل رب غفور راجی و مستدعیست که هریک از شما مشمول الطاف گردد و منظور نظر عنایت

احدیّت شود تا در مجمع عالم و انجمن امم بثنای حقّ ناطق و
بذکر جمال قدم ذاکر و بنفحات قدس مألوف و بتلاوت
آیات انس مشغول شوند و در کتاب ایجاد هر یک
آیتی باهره و کلمهٔ ناطقه و حجّتی بالغه باشند اینست
از فیوضات ملکوت که منتها آمال مقرّبین است و غایت
آرزوی مخلصین ای پروردگار این جمع را مظهر عواطف رحمانیّه
فرما و مطالع الطاف سبحانیّه نما از بحر بیکران سیراب کن و از آفتاب
مطلع حقیقت روشن و تابان نما فیضی بخش که انوارش در صبح
ابدی منتشر عنایتی کن که آثارش در ملک سرمدی مشتهر توئی
مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان انّک انت الکریم المتعال
و علیکم البهاء مقابله شد صحیح است

خط کاتب هو الله

کرمانشاه جناب میرزا محمود علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن هو الأبهی

ای بندهٔ میثاق الحمد لله استفاضه از مقام محمود نمودی و مظهر
فیوضات شاهد مشهود گشتی از اصحاب اخدود نجات یافتی

و برکن

وبرکن شدید حضرت عزیز ودود التجا جستی بیقین مبین بدان
که از سهام اوهام محفوظ ومصون شدی ودر پناه حی قیوم
منزل ومأوی کردی نسیم موهبت را از نظر عنایت یافتی
ونصیب رحمت را از ایادی عاطفت گرفتی نظر عطا شامل است
وفیض اعطاف کامل یار دلنشین مهربانست وفیض علیین
چون سیل نیسان در هر دمی شکرانه جمال قدم بجا آر که بچنین
الطافی مختص گشتی وبچنین موهبتی موفق عنقریب
ملاحظه خواهی نمود که این گوهر محبت الله چه قدر دری ودرخشنده
وپرلمعان است ابصار خیره کرده وانظار حیران ماند وعلیک البهاء

معامله شد صحیح است ع ع

به خط مبارک است

هوالله

ای بنده درگاه الهی هرچند بعد فاصله صد مزار فرسنگ است
ولی الفت حاصله حکم در یک پیرهن مجری داشته
فی الحقیقه در این انجمن حاضرید وشب وروز مؤانس و
مجالس بلکه در خلوتخانه قلب وستان همراز یکدیگرند

و در نهانخانهٔ جان دمساز لیل و نهار پس چرا شکایت از فراق
داری و دفتری شکایت از درد اشتیاق آیا وصلتی
اعظم از این تصوّر توان نمود و یا فسحتی اوسع از این بخاطر توان
آورد لا والله واسع و پرکشایش جهان جانست نه ابدان
و فسیح و وسیع میدان دلست نه این زندان ع ع

مقابله شد صحیح است

کرمانشاه

جناب آقا حسن بزّاز طهرانی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الابهی

ای ثابت بر پیمان حمد کن خدا را که از مطلع آمال انوار
جهانتاب طالع و لامع و از صبح احدیّت کوکب
الطاف بازغ و باهر آثار مواهب الهیّه
شرق و غرب را احاطه نموده و آیات فضل و جود
در مجامع ملکوت با بدع الحان ترتیل میشود و بمسامع

اهل بها

اهل بهاء رسیده ظلمات امکانیه محو و زائل شده
و انوار لدنیه واضح و لائح گشته امنیت که در هر اقلیم
این نسیم مرور نموده و در هر کشور این مه نور پرتو
افکنده امروز امر الله چنان نفوذ کرده که از جمیع اقطار
نصرة بهاء الأبهی بلند است و از قطعات خمسهٔ عالم
نسیم جانبخش محبت الله در هبوب است سبحان الله
این سراج قربت شمت سالست در مشکوة ایران بر افروخته
و هنوز زجاجهٔ آن کشور مخمود است و چنانچه باید و شاید از
پرتو تقدیس منور نگشته در این ایام سراج محبت الله در زجاجه
کرمانشاه پرتوی ساطع افروخته امیدواریم که جمیع
آن اقلیم بهمت یاران و انقطاع دوستان و سعی مخلصان و جهد
محبان و قوت یزدان روشن و منور گردد و لیس ذلک علی الله بعزیز
و علیک البهاء ع ع

هو الله

کردستان بواسطه جناب امین علیه بهاء الله الأمنی

جناب مشهدی حسن طهرانی جناب میرزا علی اکبر ذاکر
جناب میرزا حسن جناب خان عمو جناب
دکتر میرزا هادی خان جناب ذوالفقار خان جناب
محمد خان جناب حکیم ابراهیم کلیمی جناب آقا محمد تقی همدانی
علیهم بهاء الله الأبهی

هو الأبهی

ای احبای الهی ای یاران میثاق الحمد لله علم میثاق بلند است
و انوار اشراق از غیب آفاق در نهایت درخشندگی آثار
الطاف جمال ابهی از ملکوت اخفی چون بارقه صبحگاهی
در نهایت وضوح مکشوف و عیان تأییدات غیب ابهی
متتابع و توفیقات رب لایری واضح و مترادف باران
رحمت در نهایت ریزش تا چه خاک مبارکی آمیزش
بآن فیض و بخشش نماید و گل و ریاحین رویاند و برکت خرمن
حاصل کند الحمد لله آن نفوس مقدسه از حقائق مبارکه
بودند و اراضی طیبه که بفیض مقدس نابت شدند و بر میثاق
ثابت

ثابت گشتند عنقریب نسائم جان پرور بمرور آید و ماء منهمر از غمام
مستتر فیض مستمر گردد آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که کشت
زار حقیقت چه قدر طراوت و لطافت و حلاوت حاصل خواهد نمود
دهقان حقیقی کشت خویش را آبیاری فرماید و عنقریب مظهر کزرع
اخرج شطاه فاستغلظ و استوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ به
الکفار فرماید آندم یاران الهی همدم شادمانی ابدی گردند و غافلان
مبتلای حسرت سرمدی شمع نورانی میثاق چنان پرتوی
بآفاق دهد که عالم ناسوت عالم انوار گردد و حیز ادنی آئینه
ملأ اعلی شود هنالک یفرح الثابتون و یخسر الناقضون و علیکم

البهاء ع ع

مقابله سه صحیح است

هو الله

بواسطه کرمانشاه در سنندج احبای الهی

جناب خان عمو جناب ذوالفقار خان جناب آقا محمد
اخوی ذوالفقار خان جناب میرزا علی اکبر جناب آقا محمد همدانی
جناب حکیم ابراهیم کلیمی جناب آقا میرزا اسدالله جناب آقا نورالله
جناب میرزا عباس امة الله صبیه طیبه آقا محمد باقر اصفهانی

وامة الله الموقنة حاجی خانم همدانی امة الله راضیه خانم وامة الله
حبیبه خانم دو صبایای آقا میرزا اسد الله وامة الله ضلع
محترمه شان علیهم وعلیهن بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن
اللهم یا مقدر الامور والشئون فی ملکه بقوله کن فیکون ویا من قدر البلاء
للاصفیاء وقضی بالباساء والضراء للاحباء وذلک موهبة کبری
وعطیة عظمی لعباده الاتقیاء وارقائه النقباء تری یا الهی هجوم الاعداء
وصولة اهل البغضاء هجموا علی المظلومین من عبادک وصالوا
کالذئاب الکواسر علی رقائک فاصطفوا الوفا الوف وسلوا
السیوف واثخنوا احبائک الذین اسلموا جمیع شئونهم
لارادتک یا ربی الرؤف ورضوا بقضائک وصبروا
علی بلائک وشربوا کاس وفائک ولبوا الندائک
ورجعوا الیک بقلوب خافقه ونفوس مستبشره وارواح
مشتاقة لملکوت رحمانیتک وانفقوا ارواحهم فی سبیلک
وسرعوا الی مشهد الفداء فی محبتک واحتملوا کل مصیبة و
عذاب وعقاب شوقا الی لقائک رب
رب هؤلاء نجوم ساطعة فی افق الفداء

وسُرج لامعة فی زجاج الوفاء وطیور صادحة بابدع الألحان
فی حدیقة الشهداء ربّ ربّ اعلِ درجاتهم واکشف سجاتهم
وارفع رایاتهم وثبّت کلماتهم واشهر آیاتهم وانشر نفحاتهم
واظهر اسرارهم وتمّم انوارهم وارزقهم اللقاء فی مقعد
الصدق ومحفل المشاهدة الکبری حتّی یخلوا فی جنّتک العلیا
ویتخلّدوا فی ملکوتک الأعلی ویجلسوا علی سُرر الملاء الأعلی
انّک انت القوی القدیر المقتدر علی ما تشاء وانّک انت الکریم الرحیم
ذو العطاء لا الٰه الّا انت الرحمن الرحیم

ای یاران عبدالبهاء نفوس مقدّسی از احبّاء با سرور بمنتها بشهد
فداکاری شتافتند وعَلَم شهادت کبری افراختند ودلوئی
در آفاق انداختند وقلوب صافیه را بنار اشتیاق گداختند
دفتر عشق گشودند وطغرای سلطنت ابدیّه نمودند ومنشور عزّت
الٰهیّه تلاوت فرمودند وبخون خویش صفحات آفاق را بآیات
عبودیّت مرقوم نمودند وگوی سبقت از میدان موهبت
ربودند اما ما بیچاره ایم افتاده ایم بیکاره ایم آشفته ایم
آلوده ایم افسرده ایم که از این میدان باز مانده ایم آنان
از حیّز امکان تا قطب لامکان پرواز نمودند وبا طیور قدس
در ملکوت ابهی همسار گشتند وبا واز بلند بالیت قومی
یعلمون فریاد برآوردند وما در این جهان تنگ و تاریک

اسیر آب و زنکیم ومشغول بشئون بیگانه و خویش آن چه موهبتی
واین چه محنتی آن چه اوجیست واین چه حضیضی آن چه
علیینی واین چه سجینی آن چه عالم نورانی واین چه جهان
ظلمانی فاعتبروا یا اولی الأبصار انتبهوا یا اولی الألباب
افتکروا یا اولی الافکار وعلیکم التحیة والثناء ع ع



کرمانشاه بواسطهٔ جناب اسحق خان کردستان احبای الهی
جناب آقا میرزا اسدالله جناب حکیم ابراهیم کلیمی جناب ذوالفقار
خان جناب آقا سلطان حسین جناب آقا نورالله جناب آقا محمد
یاجی لتجن علیهم بهاءالله الابهی

هوالله

ای یاران الهی حضرت اسحق رحمانی نهایت ستایش را از محبت
و مهربانی شما نمودند که آن یاران رحمانی الحمدلله بفضل ناتمنای
جمال بهی در نهایت فرح و شادمانی ایامی بسر برند و در مجمع
یاران ندای تبتل و تضرع بملکوت رحمن بلند است
و کل مقصدی جز رضای حق و آرزوئی بغیر از جانفشانی

دلشر نفحات ربّانی ندارند ازاین خبر جان پرور نهایت
سرور وحبور حاصل گشت که الحمدلله آن نفحات مهبّت
نفحات رب الآیات است ونفوسی چند موجود
مانند شمع محبّت الله روشن ودرخشنده اند از فضل
وموهبت جمال ابهی روحی لاحبّائه الفداء امیدوارم که روز
بروز بر وجد وسرور بیفزائید وشب وروز بکوشید
وبجوشید تا مردگان را زنده نمائید کوران را بینا کنید
وکران را شنوا وگنگان را گویا وافسردگان را تر وتازه وپژمردگان را
روح بی اندازه ببخشید از هر جهت ازاین خبر روح وریحان
حاصل ولی از مشکلاتی که با مین جناب آقا میرزا اسدالله و
جناب حکیم ابراهیم حاصل نهایت حزن در قلب پیدا گشت
لابسته احبّای الهی باید بجان ودل بکوشند که این مشکل حل
شود واین حساب اتمام پذیرد تا بکلّی غبار کدورت
از میان دلها زائل گردد وکلّ متّفقاً متّحداً بخدمت امرالله
وعبودیّت درگاه کبریا پردازند ای یاران الهی وقت را
غنیمت شمرید هر زمان چنین تائیدی بدست نیاید الحمدلله
عون وعنایت جمال ابهی روحی لاحبّائه الفداء ظاهر
وآشکار ونصرت ملکوت مانند آفتاب پدیدار درچنین
وقتی باید دراین دریای مواهب غوطه خورد وخوض نمود

Provided by the Afnan Library

تا از عمق بی پایانش لئالی موهبت کبری بکف آورد و بر
سواحل قلوب طالبین نثار نمود ایام زندگانی مانند
سراب بیابانی منتهی گردد و از برای نفسی راحت و شادمانی
و آسایش و کامرانی نماند پس خوشا بحال نفسیکه از شجرهٔ حیات
ثمری یابد و از زندگانی در این جهان فانی نتیجهٔ بدست آرد و این
واضح و مشهود است که ثمرهٔ عظیمه و نتیجهٔ باقیهٔ ابدیه خدمت امر الله
و عبودیت در نشر نفحات و ترتیل آیات بینات و
روش و سلوک بندگان باوفا عتبهٔ مقدسهٔ علیا و علیکم التحیة و الثناء ع ع

متابعت صحیح است

ال ابهی است و خدمت
و عبودیت

هو الابهی

ط

جناب میرزا حق ویردی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای وجه منور بنور محبت الله در سبیل الهی سالک و چالاک شو و آهنگ
معارج افلاک نما خوی راستان گیر و بندهٔ آستان شو بعبودیت
قیام کن تا بدرقهٔ الطاف ربوبیت برسد در انجمن دوستان الهی شمع افروز

باش

باش و در حول سراج ربّانی پروانهٔ جانسوز در محضر روحانیان لسان
ذکر رحمن باش و در محفل نورانیان پرتو معرفت یزدان شو
تا آنوقت تأیید جمال ابهی بینی و الطاف حضرت بی زوال را
از افق اعلی مشاهده نمائی والبهآء علیک و علی احبّاء الله المهیمن القیّوم
ع ع

مقابله شد صحیح است

هو الابهی

ط جناب میرزا حق ویردی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای بخشش خدا حق ویردی معنیش بپارسی خداداد است و ترا از این اسم
امیدم نصیب مزداد بخشش و عطای الهی فضل و جود و احسانست
علی الخصوص اعظم موهبتش که کمالات عالم انسان امیدوارم که
این عطا را از دست ندهی و این نیّر هدی را ستارهٔ سهانه
انگاری قدر بخشش را بدان و بکمال بینش حرکت کن تا اسرار
عطای الهی در کینونت وجودت که کوکب لامع الآثار و نیّر ساطع
الأنوار است جلوه نماید والبهآء علیک و علی کلّ من ثبت
علی میثاق الله ع ع

مقابله شد صحیح است

هوالله

ورقهٔ مشتعله خالهٔ جناب میرزا حبیب علیها بهاءالله الاملا خطه نمایند

هوالله

ای ورقهٔ مشتعله اگر در کرمان و طهران عمری بسر بردی ولی فی الحقیقه در دیار الهی سیر و گشت نمودی جسم در کشور خاک سیر و سیاحت نماید روح در جهان افلاک سیر جسمانی سبب نشاط ابدانست سیر روحانی سبب نجات و انبساط دل و جان حال دریچه دیگر گشاید سیر و سفر دیگر کن یعنی از امکان بلا امکان سیاحت نما تا آثار عهد و پیمان یزدان را در ملاء اعلی مشاهده نمائی

ع ع



هوالله

بواسطهٔ آقا غلامعلی امة الله همشیرهٔ آقا میرزا مؤمن علیها بهاءالله الاملا خطه نمایند

هوالله

ای امة الله جناب آقا غلام علی ذکر شما را در مسطورات خویش نموده بودند من نیز قلم بر ذکر تو جاری نمودم تا بداند که آنی فراموش نخواهی شد بلکه شب و روز حاضری و مذکوری و در ظل کلمهٔ الهیه محشور والبهاء علیک و علی کل امة ثابته علی عهد الله و میثاقه

ع ع

هو الله

جناب میرزا اسحاق خان زائر و جناب عبدالله علیهما بهاء الله الأبهی

هو الله المهیمن القیوم

ای دو بنده جمال قدم سراج بهاج الطاف در زجاج قلوب اشراق نمود انوار هدایت کبری بتابید و اسرار ملکوت ابهی آشکار گشت هر نفسی بقدر استعداد اکتساب فیوضات نمود الحمد لله شما را از این فیض بهره و نصیبی و از این الطاف قسمتی و علیکما البهاء الأبهی ع ع

مقابله شد

بواسطه میرزا اسحق خان زائر

جناب میرزا اسحق جناب میرزا الیاس جناب میرزا یعقوب

صاحبی السجن علیهم بهاء الله الأبهی

هو الله

ای نفوس مبارکه کاشان مدتی پریشان بود الحمد لله حال پرتو افشانست اشعهٔ ساطعهٔ شمس حقیقت درخشیده

وفیوضات جدیده مبذول داشته اخبار خوش از آنخطه
و دیار متتابعاً میرسد امیدوارم که آن اقلیم فورانی عظیم نماید
و رکن شدید گردد و دلبر کلمة الله در نهایت حلاوت
و ملاحت جلوه نماید و سراج هدی شاهد انجمن گردد و علیک البهاء الابهی
ع ع

متابعت صحیح است



همدان بواسطهٔ جناب آقا داود

جناب آقا میرزا اسحق و آقا میرزا ریحان و آقا میرزا فرج الله

علیهم بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای یاران من در این دم بیاد شما افتادم و بذکر شما پرداختم
یاران الهی سلالهٔ حضرت خلیل بارض جلیل وارد و بمطاف
ملائکهٔ مقربین فائز با یکدیگر همدم شدیم و از راز و نیاز یاران
دم زدیم فی الحقیقه ذکر یاران شادمانی بخشد و سرور بی
پایان دهد و یاد دوستان نار محبت در قلوب افروزد
و هر فکر و ذکری را جز روی دوستان مانند خس و خاشاک بسوزد
من از پروردگار چنین امیدوارم که شما نیز شب و روز بیاد

اندلر

اندر بر مهربان اوقات بگذرانید والیوم را یوم میقات
وحدت عالم انسانی بدانید ابواب مواهب الهیه
مفتوح و فریاد قلب و روح ستوح قدوس رب الملائکة
والروح پس باید بجان جهد بلیغ نمود تا بر لیغ فتبارک الله
احسن الخالقین منشور آفاق گردد و جمیع شعوب در ظل کلمة الله
محشور شود خواهش حضور نموده بودید این ایام خالی از محذوریه
بوقت دیگر مرهون نمائید انشاء الله میسر میگردد ع ع

مقابله شد صحیح است

کاشان هوالله
جناب خواجه ربیع جناب الیاهو جناب آقا موسی جناب آقا محمد عطار
جناب استاد حیدر جناب آقا غلامعلی پسر آقا غلامحسین جناب علیجان
صاحبی السجن علیهم بهاء الله الابهی

هوالله
ای مهتدیان بنور هدی شمع هدی روشنست و افق اعلی بنور جمال ابهی
ساطع و لامع و مشرق بر آفاق امم پرتو تجلی چون بارقه صبح منتشر گشته و اشراقش
بر بصر و بصیرت زد هر بصر و بصیر تکه قوت مشاهده داشت روشن گشت
و هر ضعیف البصری و قلیل البصیرتی چون قوت مشاهده نداشت
دیده بربست و مانند خفاش در حفره ظلمات خزید الحمد لله که قوه

باصرهٔ آن یاران شدید بود که مشاهدهٔ شمس حقیقت کرد
وسمعشان مستعد بود که ندای ربی الأعلی شنید و در ظل عون
وصون جمال ابهی درآمد هنگام شکر و ثناست و وقت
ستایش و حمد بیمنتها و علیکم التحیة والثناء ع ع

هو الله
مقابله شد صح است
جناب آقا میرزا اسحق خان متحده علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو
ای بنده پاینده درگاه الهی سمی بزرگوار حضرت اسحق در قربانگاه سر
تسلیم نهاد و آرزوی جان فشانی نمود از الطاف حضرت لطیف
خبیر تمنی نمایم که تو نیز تأسی بسمی بزرگوار نمائی تا فدا بذبح عظیم
یابی عبد البهاء عباس مقابله شد صح است

یا صاحبی السجن

هو الله
بواسطهٔ جناب آقا مهدی
کاشان جناب آقا شکر الله جناب آقا غلامحسین جناب آقا محمد باقر
علیهم بهاء الله الابهی

هو الله
ای مقبلان ای عارفان ای عاشقان حمد کنید خدا را که بملکوت وجود

اقبال

Provided by the Afnan Library

اقبال نمودید بجمال موعود عرفان یافتید آشفته و پریشان آن دلبر
مهربان گشتید و شیدا و رسوای عالمیان شدید سر دفتر عاشقان شدید و عنوان
نامهٔ مجذوبان گشتید این از فیض ابدی حضرت یزدانست
که مانند ما گمگشتگان را بکعبهٔ رحمن دلالت فرمود و مانند شما
تشنگان را بعین حیوان هدایت کرد هر خوش بختی از این الطاف بهره و نصیب
برد و هر دلسختی مأیوس و محروم گشت پس محرمان خلوتگاه
اسرار باید بشکرانهٔ الطاف جان نثار نمایند و جهان
انسانی را بنسیم محبت الله مشکبار فرمایند هذا ما یلیق لکل
عبد شکور و ینبغی لکل حبیب غیور و علیکم التحیة و الثناء ع ع

مقابله شد صحیح است

هو الله

جناب آقا اسحق علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده حضرت کبریاء نامهٔ شما رسید و مضمون سبب فرح
و سرور گردید و دلالت بر ثبوت و استقامت شدید بود جناب
آقا یوسف ایامی چند در آستان مقدس فائز و معتکف حال
مأذون برجوع گشت تا بانصفحات باز گردد و سبب بشارات قلوب شود
ع ع

مقابله شد صحیح است

Provided by the Afnan Library

یا حبی صاحب السجن

کاشان بواسطهٔ جناب خواجه ربیع

جناب آقا میرزا اسحق شریک ایشان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بندهٔ الهی جناب میرزا ربیع ببقعهٔ مبارکه وارد و در محضر این
مسجون حاضر شد سر بعتبهٔ مقدسه نهاد و از برای تو تأیید و توفیق
طلبید فی الحقیقه در جمیع مراتب ترا شریک و سهیم خویش دانست
و از عین تسنیم نصیب خواست خوشا بحال شما که سهیم و ندیمید
و ثابت و مستقیم و از اهل جنة النعیم از خدا بخواهید که
در آن اقلیم دو رایت نبأ عظیم گردید و سبب بینائی کوران
و شنوائی کران و بیداری خفتگان و هوشیاری غافلان
گردید عون و عنایت ندیمست و فضل و موهبت همنشین
و تأیید و توفیق همدم و قرین مطمئن باش که الطاف حضرت
احدیت از جمیع جهات احاطه نماید و علیک التحیة و الثناء ع ع

مشابه شد صحیح است

بواسطهٔ جناب آقا میرزا اسحق زائر

Provided by the Afnan Library

اطفال مرحوم لاموسی علیهم بهاءالله

مناجات طلب مغفرت بجهت لاموسی

صاحبی لتجن

هوالله

اللّهم یا غافر الخطایا و واهب العطایا تغفر لمن تشآء و تعفو عمّن تشآء بیدک الأمر کلّه لا آله الاّ انت الکریم الرّحمن الرّحیم ربّ و رجائی من لی سواک راحمًا و من لی دونک عفوًا غفورا ربّ انّ عبدک موسی قد ترک الحیوة الدّنیا و توجّه الی ملکوتک الأبهی خاضعًا لسلطنتک خاشعًا لعظمتک مستغفرًا لذنوبه مستکشفًا لکروبه اسئلک بفضلک القدیم و بعفوک العظیم ان تکرم مثواه و تجعل آخرته خیرًا من اولاه انّک انت الغفور الرّحیم ع ع



احبای الهی که در مشرق الأذکار کاشان اعانت نموده اند

حضرت ابن ابهر جناب لامیرزا عبدالصمدخان از ترکه مرحوم لامیرزا هاشمخان

قمرودی از ترکه مرحوم لاموسی شهید اطفال لاموسی مرقوم جناب

لامرتضی همدانی جناب لاسید اسمعیل نداف جناب لقائی جناب
لاشموئیل بن ربیع جناب لامسیح ولد عاشور جناب لامیرزا محمد علی ارباب
نوش آبادی جناب حکیم یعقوب جناب لامیرزا علیخان سهرتیپ
جناب لامحمد باقر بن لاعلی جناب لاشهریار فارسی جناب استاد حسین
نجار جناب لامیرزا هاشم جدید لاشعبان ولد لامیرزا هاشم جناب ارباب
آقابابا مشکوهی جناب لایهودا الشهیر بابی جناب لامیرزا الیاس
بن لایهودا جناب لامیرزا نورالله ابن لایهودا جناب لامیرزا الیاس
بن ملا عاشور جناب لامیرزا یوسف علاقه بند جناب لاداود بن
رفیعا جناب حاجی فرج جناب لاریحان بن لامراد جناب
حق نظر بن ماری جناب لایهودا ولد عاشور جناب لامیرزا یوسف
شالام جناب لاداود بن ملا ابراهیم جناب لایهودا ابن ملا اسمعیل
جناب لاداود بن ملا یوسف جناب لاداود ماری جناب لارحمن
ماری جناب لاجمشید بن شهریار جناب لاهرمزدیار بن تیرانداز
جناب لارستم بن تیرانداز مرحوم لاجمشید تیرانداز جناب لازین العابدین
ابن حاجی احمد شهید جناب لامحمد هاشم ولد لاشیخ حسین جناب لامحمد
بن لاشیخ حسین جناب لامحمد علی قمصری جناب لاخدا بنده فارسی
جناب لامیرزا غلامعلی جناب لامحمد رضا بن لاعلی جناب لامیرزا
حبیب الله سنندجی جناب لامیرزا افلاطون جناب حکیم رحیم جناب

آفرج الله بیک جناب آمیرزا عنایت الله امین الله نجل آمیرزا
عنایت الله جناب استاد حسن بن آعلی جناب آحسین بن آعلی
جناب آمحمد تقی بن آمهدی خواجه ربیع خادم مشرق الأذکار
آمیرزا یوسف اخوی ایشان اخوه میرزا عاشور ابناء خواجه ربیع جناب
موسی خان داود خان میرزا بدیع الله جناب آمیرزا اسحق نجل
ایشان آمیرزا عبدالله علیهم بهاء الله الأبهی

اسامی اماء الرحمن

ضلع آمیرزا هاشم ضلع آشعبان کلیمی ضلع آشموعیل ضلع جناب
آقا بیع
آیهودا صبیه امة الله آقا بیکم خانم فاطمه بیکم خانم صبیه او خانم صغری
ضلع آمیرزا ریحان ضلع آریحان صبیه جناب آغلامعلی
ضلع آغلامعلی صبیه مرحوم آشعبانعلی عیال مرحوم آمیرزا
عبدالحسین قمصری عیال آمحمد علی قمصری خانم زینت صبیه آ
محمد علی قمصری ضلع جناب آمحمد هاشم هاجر خاتون ضلع جناب
آمیرزا اسحق صبیه او شمسیه ایضاً صبیه او بهیه ضلع جناب آزین
العابدین ابن الشهید ولد ایشان آاحمد صبیه ایشان خانم رضوان
ضلع آفرج الله بیک ضلع آمیرزا عنایت الله ضلع خواجه ربیع
خادم صبیه او مریم خانم صبایای آمیرزا عنایت الله بشارت خانم
فاطمه خانم نصرت خانم علیهن بهاء الله الأبهی

Provided by the Afnan Library

یا صاحبی السجن

هو الله

سبحانک اللهم یا الهی هؤلاء عباد مکرمون واماء قانتات سرعوا
الی معین رحمانیتک وهرعن الی ظل حمایتک ودعوا راحة
نفوسهم وودعن ثروتهن توجهوا الی ملکوت الجمال وتضرعن الی
جبروت الجلال ترکوا الهوی وتشبثوا بالهدی وابتهلوا وتضرعوا
الی ملکوتک الأعلی رب رب انهم اذلاء بباب رحمتک
وفقراء الی کنز ثروتک ومستجیرون بجوار رحمتک ولائذون بکهف
حفظک وحمایتک ومستغیثون الی سماء موهبتک رب
ایدهم بفضلک واحسانک وشیدهم بعزک وسلطانک وعلمهم
حجتک وبرهانک وانطقهم بثنائک واخلص وجوههم لوجهک
ونور قلوبهم بذکرک واشرح صدورهم بآیاتک واحشر ارواحهم تحت
رایاتک واجعلهم سرج التوحید ومعالم التقدیس وانوار التنزیه حتی
یتهللوا بذکرک فی الآفاق ویستضیئوا من نورک الساطع من مطلع الاشراق
رب انهم انفقوا اموالهم فی بناء مشرق الأذکار حتی یذکروک فی الغدو
والأسحار ویعبدوک فی اللیل والنهار رب اقبل منهم هذا الانفاق
وایدهم علی الثبوت علی المیثاق لا اله الا انت العزیز الکریم الوهاب
ای یاران الهی از فضل وموهبت حضرت یزدان عباد واماء رحمان
منجذب جمال دلبر مهربان گردیدند ومشتعل بنار محبت الله شدند دیده

گشتند

کشف وشهود کسوذند ومشاهدهٔ آیات کبری نمودند بمقام تعین واطمینان
رسیدند ونفحات قدس نفسی مشکین کشیدند. جانفشانی نمودند و
بقربانگاه حق شتافتند وآهنگ ملاء اعلی بگوش جان شنیدند
ووجد وولهٔ وطربی انگیختند وجان ومال فدا نمودند تا دراین ایام
دربنیان مشرق الأذکار همتی نمودند واعانتی کردند لهذا این عبد بدرگاه
الهی عجز وزاری نماید درجای قبول این خدمت کند امیدوارم که فیض
وبرکت حاصل گردد ودرمقابل این انفاق وله عشرة امثالها تحقق
یابد خداوند مهربان در قرآن میفرماید مثل الذین ینفقون اموالهم
فی سبیل الله کحبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مأة حبة والله یضاعف
لمن یشاء امیدست که چنین گردد وفیض مبین جلوه نماید تأیید
رب العالمین رسد ومواهب کبری رخ بگشاید وعلیکم وعلیکن
البهاء الأبهی ع خ تهران شهر

ک جناب میرزا محمد باقر معلم ابن لا محمد علی المتصاعد الی الله

هوالله

ای سلیل آنشخص مجید پدر بزرگوارت درمدت حیات درسبیل نجات
سلوک مینمود ودر منهج قویم حرکت منظور نظر عنایت ومشمول لطف و

مرحمت حضرت احدیت بود تا آنکه صعود بملکوت غیب امکان نمود
حال آن بخل سعید او نیز باید بر قدم او حرکت نماید تا مظهر الولد سر ابیه
شود الهی الهی ان عبدک المقبول فی عتبة رحمانیتک المنعوت
فی الواح وحیک قد صعد الی ملکوت روحانیتک ایرب انزله منزلاً
مبارکاً واغفر له واعف عنه انک انت الغفور الرحیم وانک انت
الکریم القدیم ع ع مقابله شد

هو الله

رشت جناب یعقوب اسرائیلی مقیم رشت علیه بهاء الله

هو الله

یا صاحبی السجن

ای سلیل حضرت خلیل جلیل پناه اسرائیل اورشلیم رب جلیلست آن اورشلیم
آسمانیست نه در زمین روحانیست و بهشت برین ملکوت ابهاست
وافق اعلی الحمد لله رو سوی اورشلیم نمودی و بادیه و بیابان پیمودی
و بقدس الاقداس در آمدی و مورد الطاف رب الناس گشتی حال
باید در رشت بکوشی تا دشت و گلگشت گردد پرتو روی جانان
بتابد و بوی خوش رحمن مرور نماید و کوی اورشلیم آسمان گردد الآن
خدمت و عبودیت مرجحست و هدایت خلق مقدم وقت حضور
بیاید و موانع بکلی زائل گردد و علیک التحیة والثناء ع ع مقابله شد

هو الله

رشت بواسطه جناب امین علیه بهاء الله جناب میرزا اسحق بهائی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای ثابت بر عهد هر چند اشتیاق این عبد بمشاهده روی دلجوی یاران بیش از ایشانست ولی مقتضای حکمت در میان اگر این نبود عبد البها را آرزو چنان که رخ یاران در این انجمن رحمن مانند مه تابان بتابد لهذا این عبد بالنیابة از شما و جمیع دوستان کاشان سر بر تراب ابتهال گذاشتم و مقابلا للبقعة النوراء مناجات و دعا مینمایم و از فضل حضرت یزدان استدعا میکنم که بنسیم عنایت حدائق قلوب یاران خویش را طراوت و لطافت بی اندازه بخشد و علیک التحیة والثناء ع ع

جناب آقا یوسف را تحیت مشتاقانه از قبل این عبد برسان و هم چنین سائر احبای الهی را ع ع مقابله شد

هو الله

قزوین بواسطه حضرت سمندر

اشتهارد جناب لارضا وجناب لاسید حسن خانواده مرحوم رضا خان
وعموم احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ای یاران این عبد مسجون حضرت طراز وحضرت علی اکبر ایام رضوان را
درآن قریه مبارکه بعشرت وسرور پرداختند واز غیش روحانی
ونوش رحمانی درآن ایام تعریف وتوصیف نمودند که الحمدلله با یاران الهی
دست درآغوش بودیم واز باده رحمن مست ومدهوش مفتون
آن روی تابان بودیم ومجنون آن زلف پریشان وبی نهایت
مسرور وشادمان ازاین تعریف وتوصیف جان ودل این زندانی
نهایت شادمانی یافت که الحمدلله چمستان حقیقت را گلهای
رنگین شگفته است وبوستان رحمانیت را درختان نازنین بار
رسیده از فضل وموهبت حضرت یزدان امیدچنانست که روز
بروز برکمالات عالم انسانی وخصائل رحمانی بیفزائید وعلیکم البهاء
الابهی ع ع

تمت شد

هوالله

اشتهارد احبای الهی علیهم بهاءالله الأبهی

هوالله

ای پروردگار مهربان این یاران خویش را از بیگانه و خویشن بیزار نما و بنفحات ریاض ملکوت ابهایت همراز و دمساز فرما چشمها را بمشاهدهٔ انوار روشن نما و جانها را گلزار و چمن قلوب را حدیقهٔ وفا کن و صدور را معین فیوضات ملأ اعلی فیض روح القدس از آسمان فرما و قوت روح الأمین را ایکان کن تا دوستانت بقوت لاهوتی و قدرت ملکوتی و سطوت جبروتی و تأییدی سمائی و جنودی آسمانی و نفثی رحمانی و بخششی یزدانی و ید بیضائی کلیمی و نفحهٔ مسیحائی و خلقی خلیلی و محبتی حبیبی و جمالی یوسفی و اشتیاقی یعقوبی و صبری ایوبی بر خدمت قیام نمایند رب وفقهم علی ذلک انک انت القوی القدیر ع ع

تمت شد

بواسطهٔ جناب حاجی میرزا عبدالله

جناب آقا سید حسن اشتهاردی علیه بهاءالله

هو الله

ای بندهٔ حق الحمد لله آنچه از خامهٔ مشتاق صادر مشهود و واضح گردید
اعلیحضرت شهریاری مؤید گردیدند و موفق شدند و علمای
سوء نتوانستند که رخنه‌ئی در امور سلطنت نمایند سبحان الله
این نفوس از ادارهٔ امور خویش عاجز چگونه توانند که مدار حکومت
کردند و بضبط و ربط مملکت پردازند احبای الهی باید شب
و روز بدعا و خیرخواهی اعلیحضرت تاجدار مشغول شوند که موفق
بر عدل و انصاف باشند و مؤید بترویج قوانین محافظت
و مساوات گردد تا این تائید باقی ماند الهی الهی
انی ارفع صوتی بالتهلیل و التکبیر الی عتبة الکبریاء و اصرخ صریخا
یتأثر منها الصخرة الصماء و ارجو العفو و الغفران لابوی هذا العبد
الاواب ثم حسن المنجذب الی رحیب الباب ربنا اغفر لهما
بعفوک و احسانک انک انت العفو الغفار الذنب قابل التوب
الرحیم الرحمن ای ربّ الهی سرنگ عمارت موروثی
که وقف مشرق الاذکار نمودی مقبول درگاه کبریا افتاد آن رویا دلیل

برآنست که مقرّب درگاه کبریا گردی وازالطاف حضرت بیچون ازجمیع
شئون بهره ونصیب گیری ودرخصوص تعلیم اطفال مرقوم نموده
بودی فرض وواجب است اگر پدررا اقتدار ووسعت باشد والاّ
لایکلّف الله نفساً الاّ وسعها بقدر امکان باید پدر بکوشد که طفل را
تعلیم دهد تا ازموهبت علم ومعارف محروم نماند ع ع

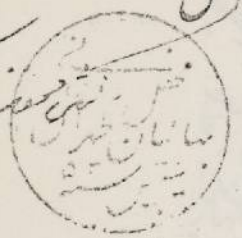

بواسطهٔ جناب سرور شته دار

جناب آقا میرزا عبدالوهّاب کاشانی علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای عبدالوهّاب در سفر اوّل جمال قدم بعراق عرب
جوانی را ملاقات فرمودند نامش میرزا عبدالوهّاب بود
بحضور مبارک واستماع بیان چنان منجذب وشادمان
گردید که خاندانرا هدایت نمود وجمعیرا بشارت داد وبعد از رجوع
باسم عظیم بطهران پاکوبان کف زنان بارض مقدّسه طهران
شتافت وبوصول درقصر زندان مقرّ یافت وبعد از
چند روز نوبت شهادت او رسید چون جلاّد

داخل زندان شد و بفریاد نام او بر زبان راند آن نوجوان برخواست
و رقصی متکمل در زندان نمود و خود را تسلیم جلاد کرد بعد بشهادت
کبری فائز شد و همواره جمال مبارک ذکر او میفرمودند امید
وارم که روح و ریحان آن عبدالوهاب در این عبدالوهاب
نیز جلوه نماید و علیک البهاء الابهی ع ع

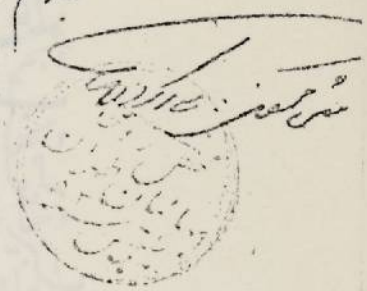

بواسطهٔ جناب سرراشته دار

جناب امیرزا عبدالوهاب علیه بهاء الله الابهی

یا حی القیوم هوالله

الهی الهی ان عبدک الوهاب حلیم اواب یدعوک بکل ضراعة
و ابتهال و یتوب من کل شئون لا تقربه الی الجناب ربّ
مهد له السبیل و یسر له الدلیل للوصول الی ملکوتک الجلیل و انطقه بالذکر
الحکیم و ایده بفیضک المبین و قدر له الفوز العظیم ربّ
قد ناجاک فی اللیالی اللیلاء و جنح الظلمة الدهماء انجلی اسراره و

بدیع مناجاته وهرع الیک وتضرع بین یدیک وتمنی
القرب الی باب احدیتک والوصول الی رضائک والرضا
بقضائک فقدر له کل خیر فی الوجود وادخله فی الظل الممدود
ووجه وجهه الی المقام المحمود وانصره بجنود مشهود من ملکوت
الوجود حتی تشغله ذکرک عن ذکر غیرک ویأخذه نفحات
محبتک وتلتهبه انوار جمالک وتضرقه فی غمار بحار الوله
والانجذاب انک انت العزیز المقتدر الوهاب وانک
انت الرب الودود التواب یارب الارباب ع ع



متابعه شد

شیراز بواسطه جناب محمد رضا میرزا اصفهان جناب میرزا الله وجناب فتح الله
علیهما بهآء الله

هوالابهی

ای ثابت بپیمان نامه شما رسید شمامه عنبر بود ومضمون
مسک اذفر دلالت بر ثبوت وخلوص ورسوخ مینمود
شکر کنید خدارا که بخدمت ملکوت مشغول ومألوف شدید ولی

بحکمت حرکت نمائید پرده دری نکنید آنانفوسیکه تعدی مینمایند
فسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون ازالطاف الهی امیدوارم
که راحت وآسایش حصول یابند وامة الله کشور وامة الله
منور وامة الله حبیبه وامة الله بهیه تحیت ابدع ابهی برسان
وهم چنین به لاجعبر ولا عباس نهایت مهربانی مجری نمائید
وبجناب میرزا حسن وجناب میرزا محمد وجناب میرزا عنایت الله
وجناب میرزا سلیمان از قبل عبدالبهاء کمال اشتیاق ابلاغ دارید

۶ ذی حجه ۱۳۳۹ حیفا عبدالبهاء عباس

بواسطه حضرت شهید ابن الشهید الاقدس
جناب دکتر محمد خان علیه بهاء الله الابهی



هوالله

ای سلیل حبیب قدیم ورفیق دیرین من پدر بزرگوار در ایام عراق بحضور
اینجانب مشتاق ومدتی در ظل مبارک بود وبا این عبد
شب وروز انیس ومجالس فی الحقیقه از حیثیت اخلاق شهد آفاق
بود درنهایت لطافت وحلاوت آنی مرا بی نشاشت
نمیگذاشت ومبدم بهر وسیله ئی بود همدم وهمنشین را مداق
بترن

شیرین و شکرین ننماید تا آنکه حکمت اقتضای مراجعت نماید رجوع
بوطن کرد و از آنجا بطهران وارد طهران بجهان بی پایان آن
سلیل محترم را از برای من یادگار گذاشت الحمدلله خلف از عنصر
جان و دل سلف است نه آب و گل نسبت حقیقی است
الولد سرّ ابیه است از این جهت بسیار مسرورم مشعوفم خوشنودم
که الحمدلله این نهال ثمرهٔ الشجر نخشید و بطراوت و لطافت
و حلاوت آن درخت فرخنده بخت جلوه نماید حال خدمات
شما و مادام در مدرسهٔ تربیت در قلب این عبد مذکور که الحمدلله
بهمت شما مدرسهٔ تربیت پر تو هدایت گرفته و روز بروز تربیتی
جدیدی مبیابد امیدوارم که این مدرسه مغرس نهالهای بیهمال
گلشن الهی گردد و مخرج نمحار بر آفاق شود بسیار همت
فرمائید چون بخدمت اطفال الهی مشغولید هر روز بزیارت
تربت مقدسه فی الحقیقه فائزید و علیک البهاء الابهی ع ع

طهران جناب دکتور محمد خان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

یار مهربانا این ایام ولولهٔ منار کاست و زمزمهٔ مصالحه

قوای عالم آشتی طلبد و از عدل و حق دم زند شخصی شهیر بیان
صریح نموده که ما را مقصد از حق و عدل کلمهٔ ملفوظ نه بلکه مفهوم
اینده و کلمهٔ مبارکه است این درست ولکن اهل حقیقت بمفهوم
کفایت نکنند بلکه مفعول این حقیقت مهمه را طلبند و کان امر الله
مفعولا الحمد لله ثابت و محقق گشت که احزاب ایران کل سبب
انقلاب و اضطراب گشتند و ایرانرا ویران نمودند و چنان بین الملل
والأمم گمنام گشته اند که فی الحقیقه نام و نشانی نمانده ولی اهل بها
از موهبت کبری امیدوارند که موفق بر آن گردند که ایران ویرانرا
راحت و امان دهند و رشک فردوس جنان نمایند اینقدر
بدانید آنچه باید و شاید قصور نشد زیرا گروهی در هلاک و دمار
کوشیدند و جمعی موفق بکار گشتند و حزبی در آبادی و عمار
کوشیدند امیدواریم که این حزب موفق و مؤید گردند و
علیک البهاء الأبهی ۳ ربیع الثانی ۱۳۳۷ عبد البهاء عباس

مقابله شد

ط جناب آقا میرزا عنایت الله خان و آقا میرزا لطف الله خان و آقا میرزا بدیع الله
خان و آقا میر عبد الله باقراف و آقا میرزا اسمعیل خان و آقا میرزا
رحیم خان علیهم بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

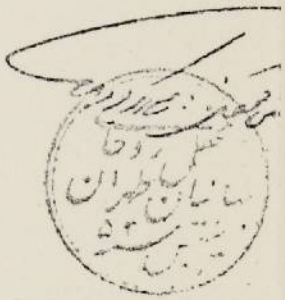

مناجات طلب مغفرت بجهت من ادرک لقاء ربه دکتور محمد خان علیه

الأبهی

بهاء الله

هو الله

یا ربی الودود الفائض علی حقیقة الوجود فیضاً ابدیاً فی حیز الشهود المقدر
لاحبائه المقام المحمود فی قوس الصعود رب ان رفیقک المسدد سمی محمد
قد اقبل الیک بصدر ممرد وقلب وروح مجرد وارداً علی شریعة رحمانیتک
ووافداً علی عتبة صمدانیتک متهنیاً القرب واللقاء مترجیاً الفوز والبقاء باسطاً
جناحی الفلاح نابت الاباهر للعروج الی اوج العطاء والصعود الی ملکوت
الوفاء والوصول الی ساحة الکبریاء والدخول فی الفردوس الاعلی والخلود فی الجنة
المأوی رب انه تمسک بالعروة الوثقی واعترف بسطوع نورک من الافق
الأعلی وقام علی خدمتک بین الملا وسعی سعیاً مشکوراً حتی ینال اجراً موفوراً
ویتجرع من کأس کان مزاجها کافوراً وتحمل ملامة اللئماء وشماتة الأعداء
وما جزع ولا فزع من هجوم الأعداء نطق بالحق وتکلم بالصدق وخضع لسلطانک
جهاراً وتبرء عن کل فاجر کان کفاراً واقام بظهورک الحجة وبرهاناً ودلیلاً واضحاً
بیاناً وتبیاناً فلما ضاق بالدنیا ذرعاً وزاد من حیز الأدنی کرهاً ونفاراً
قصد باب العطا والتجاء الی ساحة الفضل والجود والندی واحتمی بحمی العفو
والغفران والتجاء الی جوار الرحمة والأحسان رب اکرم وفوده واحسن

ورودہ فی عتبۃ قدسک العلیاء وساحۃ فضلک التوراء واجعل
لہ مقاما علیا وقرف قدس بہیا حتی ینال الموہبۃ الوافیہ والرحمۃ
الکافیہ ویقول لک الحمد یا الٰہی بما انعمت علی بنعمتہ سابغہ
ورحمتہ واسعہ ومواہبہ وافیہ ومغفرۃ کافیہ ربّ انّی مستغیث
اغثنی وغریبٌ اجرنی ومذنبٌ عفوت عنّی وذلیلٌ عززتنی وفقیرٌ
اغنیتنی ومتحیر اکرمتنی واسیر حررتنی لک الجود والاحسان ولک الفضل
والامتنان علی المستجیرین بجوار الرحمۃ والرضوان انک انت المنان
انک انت ملیک الغفران لا الٰہ الا انت الکریم الرحیم المستعان

۲۴ شوال ۱۳۳۹ حیفا عبدہ البہاء عباس

مستجیر

۲ رجب ۱۳۲۸ بواسطۂ جناب آقا عبدالوہاب زائر علیہ بہاء اللہ الابہی
والدہ محترمہ امۃ اللہ فاطمہ خانم اخوی آقا عبدالحسین اخوی آقا جمال

ہمشیرہ ربابہ خرم اخوی فاطمہ ووصیہ
مریم سلطان ربابہ وجناب آقا میرزا علی
علیہم وعلیہن البہاء الابہی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای منتسبین جناب زائر آقا عبدالوهاب آن فائز بعتبهٔ مقدسه
ایامیکه در بقعهٔ مبارکه بود در تشرف بآستان و ملاقات
با دوستان همواره بذکر و فکر شما مشغول بود هر دم یادی مینمود
و در هر نفس از جان و دل فریادی میکرد فی الحقیقه بوفا قائم بود و در محبت
و صفا دائم شرط وفا اینست که انسان در عتبهٔ رحمان بیاد یاران
افتد و عون و عنایت خواهد و صون و حمایت طلبد الیوم
میدان وسیع و گوی و چوگان سهل و یسیر و موهبت بی پایان
مشهود و عیان تا چه نفسی جولان دهد و گوی سبقت پیشی
از میدان برباید باید کل همت بگمارند و عزم جزم
فرمایند و در عالم انسانی استعداد و قابلیتی بنمایند
مهبط فیوضات گردند و مرآت تجلیات شوند مصدر انوار
گردند و محرم اسرار شوند این عبد در حق جمیع دعا نماید و
بملکوت اسرار در لیل و نهار تضرع و ابتهال کند و یاران و اماء رحمان را
روح و ریحان طلبد و فضل و موهبت حضرت
منان جوید و علیکم و علیکن البهاء الابهی

ع ع



شیراز هو

بواسطهٔ جناب بشیر الهی علیه بهاء الله

هو الله

امة الله منوّر همشیرهٔ جناب بشیر السلطان علیه بهاء الله الأبهی

خاصه هو الأبهی

ای امة الله فیض ملکوت از حدود و قیود ناسوت منزّه و مبرّاست و از شئون جهان چون و ظنون معرّا لهذا ذکور و اناثی را یک حکم و رجال و ربّات الحجال را یک شأن هر یک بشیر پیش آید مقرّب تر گردد و هر منجذب تر زودتر پس ای ورقهٔ روحانیه بکوش و منتهای جهد مبذول دار تا انکه در درگاه احدیّت بکنیزی موفّق گردی و در ظلّ حمایّت مستظل شوی و البهاء علیک

تتبع شد

ع ع

هوالله

طاهره

حیفا جناب لانصرالله یزدی علیه بهآءالله الأبهی

هوالله

ای بنده حق در اقلیم مصر قتاد فوج فوج موج میزند ولی شیرینی شما حلاوتی دیگر داشت از قرار مسموع بنده جمال محمود استاد کاظم علیه بهآءالله الأبهی تکسر مزاجی حاصل نموده اند امیدوارم مظهر عنایت حضرت خفی الالطاف گردند باز ماندگان من ادرک لقائه فی ملکوت الأبهی الا محمد علی را فرداً فرداً تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید علی الخصوص امة الله حرم مرحوم و امة الله والده اش را و در جمیع احیان در خاطر ند اطفال آن مرحوم اطفال منند باید کل نهایت رعایت را از قبل من با آنان مجری دارند تا کمان ننمایند که یتیمند و در خصوص درس و مشق آنان نهایت دقت و همت مجری دارید زیرا در نزد من عزیزند آقا میرزا محسن باید از برای عید آنان لباس تهیه و تدارک نمایند و چون فرصت ندارم که در این خصوص

نامه مخصوص بآقا میرزا احسن نبویسیم لهذا شما همین نامه را باو بنمائید
تا بجهت یوم رسمی خلق عید قربان از برای آنان لباس
تدارک نماید ولا عبدالوهاب را خاطر بپرسید ع ع
احبای الهی که بزیارت میآیند البته در حق آنان مواظبت و رعایت
مجری دارید شما محتاج بسفارش نیستید ولی مقصود ذکر احباست
وعلیک البهاء ع ع تمت

شیراز بواسطه بشیر الهی
جناب حاجی نصرالله علیه بهاءالله الا
خطاب هوالله
ای بنده آلهی نامه تو رسید تا بحال تحریر جواب ممتنع
ومحال بود زیرا عدم اعتدال مزاج مانع وحائل گشته مدتی
بود که چیزی نگاشته نمیشد حال مختصر جوابی مرقوم میگردد
که در حق تو بدرگاه احدیت تضرع وابتهال نمودم عزت
وحصول مقاصد خواستم تا بفضل ومواهب الهیه مشمول الطاف
بی پایان گردی وعلیک البهاء الابهی
عبده البهاء عباس تمت

طهران حضرت بشیر الهی علیه بهاء الله الأبهی

خطابات هوالله

ای بشیر الهی نامهٔ تو چون دیوان محامد و نعوت جمال مبارک بود نهایت فرح و سرور بخشید هر کلمهٔ یک آیت طرب بیت یک کلمه تار و طنبور است یک کلمه مزامیر آل داود یک کلمه چنگ و چغانه است یک کلمه غزلخوانی و ترانه یکدست موسیقی مکمل است که مستمعین را بوجد و سرور میآرد آهنگ تو آنجا میزنی و عاشقان را در اینجا بوجد و طرب آری الحمدلله که نامه مشکین بود و الفاظ و کلمات ملیح و نمکین برهان اتحاد و اتفاق احبا بود که عموماً مشتعلاً منجذباً متحداً متفقاً باعلاء کلمة الله و نشر نفحات الله و تبلیغ امر الله مشغول احدی ملالی ندارد چهار صفحه که بخط مبارک حضرت اعلی روحی له الفداء انعام بعبد البهاء نموده بودی رسید از درد دیوار آهنگ واطوئی واطوئی بلند شد و آغاز نغمه و ترانه نمودند عبد البهاء در گوشهٔ استماع این نغمات مینمود احسنت احسنت که ما را باین هدیه پسند خوشنود نمودی اما

تبدیل هوا در شمران در مرغ محلّه موهبت رحمن است آن مکان
محلّه مرغان نیست آشیانهٔ عنقاء مشرق است ولانهٔ
سیمرغ کوه قاف زیرا جمال مبارک روحی لاحبّاء الفداء در آن
مزرعهٔ پاک مطهّر یکسال در تابستان منزل و مأوی فرمودند
در باغ حاجی باقر که سه طبقه بود و مسلّط بدریاچه محلّ سریر ملیک
ملکوت بود و در بدایت امر بود در وسط دریاچه تخت بزرگی
از سنگ زده بودند در وسط تخت سراپرده و اطراف تخت
باغچه قریب صد و پنجاه نفر از احبّا مجتمع شب آهنگ تقدیس
بود که بملأ اعلی میرسید بسیار خوش گذشت همیشه جمال مبارک
ذکر آن مکان را میفرمودند حال خدا چنین مکانی را بتو داده شکر
کن خدا را و با یاران در آن مکان بذکر و ثنای ربّ جمیل پرداختی هر
قدر دلت میخواست آوازه خواندی و احبّا را بوجد و نشاط آوردی
وعلیک البهاء الأبهی ۱۶ ذی الحجه ۱۳۳۷ عبدالبهاء عبّاس
متابعش

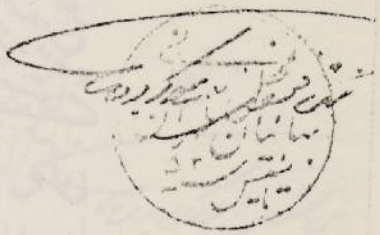

هو الله
آباده

خط مبارک

جناب افنان سدرهٔ مبارکه آقا سیّد آقا علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ای فرع شجرهٔ مبارکه فی الحقیقه در خصوص پوسته ها خدمت نمایانی
باستان مقدس عبدالبهی نمودی الحمدلله موفق و مؤیدی و منصور
و مظفر ظفر و منصوری استقامت در امر الهیست المنة لله که شما بر صراط
مستقیمی و بر آستان عبودیت معتکف و مقیم و باعبدالبهاء در بندگی
جمال ابهی همدم و ندیم ع ع شد بشد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای بشیر یوسف الهی بشیر مصری مشام پیر کنعانیرا بر آنچه قمیص یوسفی
معطر نمود الحمدلله تو مشامها را بنفحات رحمن معطر نمودی
و از این گذشته واسطهٔ مخابره بین دوستان الهی هستی آن
بشیر یک بار حامل قمیص بود تو همیشه بر جبین و لب آسمانی جمال ابهی را
بر دیدهٔ مشتاقان اندازی شکر کن خدا را که باین منقبت موفقی
عبدالبهاء مدتی بود که در دریای صمت و سکون مستغرق بود حال بعون و عنا

حق دوباره آهنگ عبودیت بلند نمود و در خاور و باختر ساز جدیدی آغاز نمود
و آن تهلیل و تسبیح حضرت مقصود و ترغیب و تحریص بجهان ملکوتست
و علیک البهاء الابهی مقابله شد
عبد البهاء عباس

بواسطه جناب بشیر الهی
ورقه موقنه امة الله المهیمن القیوم ماه رخ خانم همشیره میرزا محمد
علیخان دکتر علیها بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن
هو الله
ای امة الله هدایت الله گوهر گرانبهائیست زینت تاج عزت
ابدیه متلألأ و درخشنده و تابان قدرش را بدان که زینت افسر ربات
حجال و رایات جلال و آیات جمال است حال ملاحظه نما که خداوند
بی مانند چگونه ترا هوشمند فرمود که بچنین موهبت عظمی فائز شدی
و بچنین عنایت کبری واصل گشتی باید چنان شادمانی کنی و سرور و کامرانی
طلبی که قهقهه فرح و حبورت بملکوت رب غفور رسد و علیک
التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

طهران بواسطه جناب بشیر الهی
ضجیع محترمه ایشان امة الله ماه رخ علیها بهاء الله الابهی

هو الله

یا صاحبی السجن

ای کنیز عزیز الهی

مطمئن باش که در آستان مقدس مقرّبه ئی و مشمول نظر عنایت الحمد لله در تحت
عصمت نفسی نفیس هستی که بجان و دل انیس عبد البهاء فضل و موهبت
پرتوی بر هر دو از شما انداخته و در درگاه احدیّت عزیز نموده
شکر کن خدا را و بمحبّت الله ثابت و مستقیم باش و علیک
التحیّة والثّناء ع ع مقابله شد

شیراز بواسطه جناب بشیر الهی

حضرت حسین ابن محمود المنتسب الی صدر الدّین شیرازی علیه بهاء الله

یا صاحبی السّجن

هو الله

ایها الفاضل الجلیل قد رتّلت آیات شکرک لله بما خرق الحجاب و
کشف الغطاء و اراک الآیات الکبری و اهتدیت بنور الهدی و شرح
صدرک بمشاهدة الأنوار السّاطعة من ملکوت الأسرار فی تلک
الدّیار لله درّ المبلّغ قدوة الأبرار الّذی هداک الی نیّر الأنوار بحجّة

وبرهان خضعت لهما الأعناق وخشعت لهما الأصوات
ولمثلك ينبغي ان تحيي ذكر الأسلاف الذين سبقت
لهم من ربك الحسنى فاطمئن بفضل مولاك سيؤيدك شديد
القوى على اعلاء كلمة ربك بين اولي النهى ولا تبتئس من الضراء
خذ قليلاً من ماء الورد ممزوجاً بالشهد بائتاً تحت ظل السماء
من المساء الى الصباح وقل يا شافي القلوب ويا شارح الصدور
يا بهاء الابهى ادركني بالشفاء ثم تجرع من هذا في كل يوم في الغدو
والآصال وتناول معه الأطعمة الخفيفة في كل عشي وصبيحة هذا
شفاء القلوب بتأييد من العزيز المحبوب واسئل الله ان يشمل
اخاك بالعطية ومنحة وفية واسئل الاجر الجزيل من الرب
الجليل لمن سمي بحيدر قبل علي ايده الله بالالطاف الخفية ومواهب
جلية واتل آيات ربك بانجذاب والتهاب وصوت
حنون فيؤثر في القلوب القاسية وعليك البهاء الابهى
ع ع

شیراز بواسطهٔ جناب بشیر الهی

جناب آقا شیخ ابوالقاسم سلیل شیخ محمد حسن مرحوم علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ایها الرجل النورانی

وقفت علی ما جائتنی من صحیفتک الغرآء ونمیقتک النوآء
ولا شک ان ابواب رحمة ربک مفتوحة علی وجوه المخلصین
واما نفحات الله انما تعطر مشام الثابتین الراسخین ونور الهدی
تتلألأ فی وجوه الموحدین وملائکة التأیید انما تتنزل علی قلوب
المنجذبین ونسیم العنایة انما یحیی افئدة العارفین اسئل الله
لک التأیید من القوی الشدید وان یجعل اباک غریق
بحار العفو والغفران ویدخله فی جنة الروح والریحان واذا
شئت الأذکار فی الأسحار علیک بقرأته مناجات من اثر
القلم الأعلی فی العشی والأشراق وعلیک البهاء الأبهی

ع ع
مقابله شد

طهران جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الأبهی

ای ثابت بر پیمان درین مدت مکاتیبی از شما نرسید واگر میرسید جواب مرقوم می گشت

نهایت تعلّق قلبی بتو دارم ابداً فراموش نشده و نخواهی
شد یادت در قلب کالنّقش فی الحجر است مطمئن باش
الحمد لله امیدت عظیمست و آرزویت فوزی مبین و بنام حق
مشهوری و در ملاء اعلی معروف و بحسن خاتمه موعود حضرت
دکتور یونس خان و حضرت دکتور ارسطو خان دو مؤمن غیورند
و در نهایت ثبوت و رسوخ در درگاه احدیّت عزیزند و در
خدمت و الفت بی نظیر علیهما بهاء الله الابهی
۲۹ شعبان ۱۳۳۹ حیفا
عبدالبهاء عباس

تمام شد

۷ رمضان طهران جناب بشیر السلطان علیه بهاء الله الابهی
۱۳۳۷

ای ثابت بر پیمان

نامهٔ بشیر بشارت عزم زیارت داشت این بسیار محبوب و مرغوب
زیرا من نیز اشتیاق ملاقات تو دارم ولی چون علیلی از راه
هندوستان سفر بارض اقدس بسیار پر مشقّت است
و در چند جا معوّق خواهی ماند ممکن اقلّ سه چهار ماه باید
در راه باشی ولی راه قفقاز آسان پس صبر نما تا راه قفقاز

حاکه

چنانکه باید و شاید باز گردد آنوقت اگر از طرف اداره پست
مأذونیت حاصل نمودی عزم زیارت نما وعلیک البهاء الابهی

مقابله شد عبدالبهاء عباس

ط بواسطهٔ آقا غلامعلی جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای بشیر ربانی تحریر اخیر واصل گردید مفاد انجذاب فؤاد بود که
باوجود این بلایا و مصائب وارده از رشحات ابر عنایت
تر و تازه ئی و بکمال ثبوت و استقامت جانفشانی مظهر تحسین
ملاء اعلائی و مورد تمجید ملکوت ابهی از بدایت نشو و نما الی یومنا هذا
الحمد لله در ترقی و تقدمی و یقین است تا نفس اخیر متعارج در اوج اثیر امیدم
چنان که بجان و دل و گفتار و کردار در نشر آیات توحید بکوشی زیرا تعلق
بجمال وحید فرید مظلوم آفاق داری وعلیک البهاء الساطع من
الأوج الأعلی والتحیة البدیعة النوراء مقابله شد
۴ ذی قعده ۱۳۳۹ حیفا عبدالبهاء عباس

شیراز بواسطه جناب میرزا محسن نیریزی

یا صاحبی السجن

جناب خدا کرم قره کوزلی علیه بهآء الله الابهی

هو الله

ای یار روحانی الحمد لله بنفس رحمانی زنده شدی و از مشکاة نورانی اقتباس اشعهٔ رحمانی کردی راه طلب پیمودی و جستجوی روی دلجوی دلبر مهربان نمودی تا آنکه از یار بی نشان نشان یافتی و بمعشوق مهربان رسیدی منت خدایرا که چنین کام دل و جان شایان فرمود و آرزوی قلب و وجدان را رایگان بخشید فرصت بیش از این نیست و علیک البهآء الابهی ع ع

هو الله

عشق آباد حضرت اسم الله علیه بهآء الله الابهی

هو الله

یا من احبّ الله و احبّه من کلّ قلبی احزان و پریشانی و حسرت و حرمان

روحانی نه چنان عبد البهاء را اسیر ناله و فغان نموده که فرصت تقریر
و تحریر دهد زیرا مشاهده نماید که یاران وفا هر یک در بزم فدا جام
صهبا نوشیده و از وجد و طرب بال و پر روئیده و بملکوت
ابهی پریده و از فم مطهر طوبی ثم طوبی شنیده و ما در بادیهٔ حرمان
محروم و سرگردان آنان سرمست جشن الست قدح باده بدست
رقص کنان در قربانگاه عشق سر بباختند و بملاء اعلی دو اسبه بتاختند
و علم شهادت کبری افراختند و ما در این حیز ادنی عالم دنیا مأیوس
از آن موهبت کبری ذلک من فضل الله یؤتیه من یشاء والله
ذو فضل عظیم ربی ربی ارزقنی تلک الکأس الطافحة بصهباء
الوفاء انک انت الکریم الوهاب چون ضوضاء اعدا بلند و جهلاء در جمیع جهات
مانند ماران در گزیدن هر هوشمند مشغول و بفریاد و اشریعتا و ادینا
مألوف و بساط شهادت کبری و قربانی در سبیل جمال ابهی مبسوط
امر مشرق الاذکار اهمیت کبری یافته حال باید صد درجه بیش از پیش همت نمود
که در چنین وقتی این بنیان الهی مرتفع گردد و این اساس گذاشته شود حلاوت
و لذتش در اینست که در چنین بلوائی این لواء بلند شود و این بنا مرتفع
گردد عبد البهاء بتعمیر تربت و در فارس ببناء بیت مقدس
در این روزها قیام نموده و هذا تأیید من ربی ع ع

مقابله شد

شیراز بواسطهٔ بشیر الهی

یا صاحبی السجن

مستر ریمی و مستر استرون علیهما بهاء الله الابهی

هو الله

ای دوای ابناء ملکوت حمد کنید خدا را که فضل و عنایت الهیه شما را موفق بآن نمود که منادی ملکوت گردید و در بلدان شرق و غرب و جنوب و شمال اعلاء کلمة الله نمائید و نشر نفحات گلشن ابهی کنید این از موهبت کبری و فضل بی منتهی و تأییدات متتابعهٔ ملکوت ابهی در هر دم صد هزار شکرانه نمائید که پرتو نور مبین جلوه در جبین نموده و اکلیل جلیل خدمت ملکوت الله هامهٔ رأس را تزیین داده با صوت سافور و خیل و حشم ملکوت و چتر و علم سلطنت کبری در هر دیار سیر و حرکت مینمائید اینست الطاف بی پایان جمال ابهی اینست موهبت کبرای رب اعلی و علیکما البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطهٔ جناب بشیر عبد البهاء

جناب محمد طلعت افندی علیه التحیة و الثناء

هو الله

للنداء

یا من لبّی قد اطلعت بما جائنی من کتابکم واستجلیت تلک
المعانی الرائقة حیث دلّت علی انشراح صدرکم بمشاهدة احبّاء الله
وانجذاب قلبکم بمحبّة قلوب اصفیاء الله ولولا اضطهاد الجهلاء بالاحبّاء
لرأیتم من اخلاقهم امراً عجیباً ولکن یرصدونهم الزنماء حتّی یتعرّضوا بهم
تعرّض الذئب الکاسرة بالاغنام فلاجل ذلک لا یتمکّنون من
اظهار احساساتهم الوجدانیّة واحتفالهم بالغرباء علی الاخص نظیر
حضرتکم شخص یستحقّ کلّ حرمة وولاء وانّنی اسئل الله ان یجعل القلوب
منجذبة الیک والنفوس معتمدة علیک والوجوه مستبشرة بلقیاک
والافئدة منشرحة بمشاهدة رؤیاک وانّی ارسلت جواباً علی التحریر
الاوّل لعلّه وصل الیک الی الآن وعلیک
التحیة والثناء ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الله

اصفهان جناب سیف الله خان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

یا من اهتزّ من نفحات الله نور هویّت چون در زجاجهٔ احدیّت روشن

کشت آفاق و انفس نورانی گردید و خاکدان ظلمانی مطلع آیات
رحمانی شد سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم
انه الحق با وجود این آثار باهره انظار از توجه محروم گشت
و ابصار از مشاهده ممنوع و چون بافق عزت عروج فرمود نقض
میثاق مشتهر در آفاق گشت فبئس هذا الشأن المذموم

تمت بشد ع ع

خط اس

هو الابهی

ای شمع افروخته اگرچه افروختن خوش است ولکن سوختن خوشتر
چه که در این سوختن جان باقی یافتن است و در این فنا جوهر بقا
مقدر و محقق و فی الحقیقه این سوختن جهان افروخته گردد و جان
زنده و تازه و تر گردد والبهاء علیک ع ع

تمت بشد

حقیقت افروختن است
چه که باین سوختن

طهران جناب محمود ولد حاجی محمد علی بن عمه علیهما و علیها بهاء الله
ای بندهٔ آستان مقدس نامهٔ مختصر شما مفصل بود ایجاز اعجاز است

بسیار مقبول گردید زیرا مختصر بود و پر معنی امیدم چنانست
که بالطاف مفصل موفق گردی و علیک البهاء الابهی

عبد البهاء عباس ۲۲ رجب ۱۳۳۸ حیفا

مقابله شد



هو الابهی

رب و رجائی ان هولاء ارقائک و امائک قد توجهوا
الی ملکوت رحمانیتک و ابتهلوا الی جبروت فردانیتک
و تشبثوا بذیل رداء کبریائک و تمسکوا باهداب ازار ولائک
ایرب افتح علیهم ابواب البرکات و ارزقهم من کل الثمرات
انک انت الکریم الوهاب ع ع



مقابله شد

یا صاحبی السجن

هو الله

خلاصه

ط جناب آقا علی عسکر من اهل کاف علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای موقن بآیات الله یکی از احبای خالص الهی یعنی ثابت بر عهد و میثاق

نهایت ستایش و توصیف از شما نموده که الحمد لله در محبت جمال قدم
قلبی چون حدیقهٔ فردوس دارد و روحی مهتز بنفحات قدس در
پیمان یزدان قدمی ثابت نموده و در میثاق رحمن ولی چون
جبل راسخ اگر گردباد تزلزل آفاق را احاطه نماید او تعلقش ازدیاد یابد
و اگر سیلاب تذبذب بنیان تثبت را از اساس برافکند او تبتل
بیفزاید لهذا خواهش این سطور نمود تا معانیش شفاء صدور گردد و
مضامینش صفاء نفوس این عبد نیز بمفاد اما السائل فلا تنهر
قلم برداشته و این رقم نگاشته که ای بنده صادق حضرت
احدیت آفتاب عهد در شدت اشراقست والیوم شعاعش کوکب
آفاق و غمام شبهات از هر جهت بلند و منتشر و حاجب نور میثاق
ولی نفوس ثابته راسخه چون ارياح شديده مفرق و مشتت
این ابرها پس بکوش تا این غمام پردهٔ آن نور تابان نگردد ع ع
الهی هذا عبد قد توجه الیک و تشبث باهداب رداء الوهیتک
و یرید ان یدخل فی ملکوت رضائک ایرب احفظه عن سهام
الشبهات من الذین یتبعون المتشابهات و یتبعون تفریق کلمة وحدانیتک
و تشتیت شمل جنود ملکوت صمدانیتک و یریدون تنکیس اللواء المعقود

بید رحمانیتک وامحاء الظل الممدود الذی احاط عوالم الوجود بقوة
تأیید فردانیتک ایرب ایّد هذا العبد علی الاستقرار والثبوت
علی ما هو احرّ من جمر النار فانّ جنود النقض انتشر وغمام التزلزل ارتفع
والغراب نعق والنفوس لفی افتتان شدید ع ع

مقابله شد

بواسطهٔ حضرت علی قبل اکبر
جناب آقا علی عسکر علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای بحر پر موج موجی برآر که باوج ملاء اعلی رسد وطوفانی کن که فیضانش شرق
وغرب را مستغرق نماید لئالی متلألا بر سواحل قلوب افشان تا اهل یوحند
دامنی پر کنند وارمغان بملکوت ابهی برند ودر بازار جوهریان
ملاء اعلی جلوه دهند چه که شأن بحر چنین است والّا نهر است
نهر سقایهٔ بساتین معروشه نماید وآبیاری حدائق مؤنقه
محدود است نه مطلق مأسور است نه مستحق ولی نهریکه از فیوضات
طلعت اعلی وامدادات جمال ابهی بهره ونصیب دارد بحرها مستمد آزاد ودریای

محیط محاط او این چه فضلیست و این چه عطا ع ع

تسامح شد

ط جناب آقا علی عسکر علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط اس هو الابهی

ای مظهر امتحانات الله نفوس بشریه در این خاکدان ترابی بر دو قسمند و
مقسوم بر دو حزبند حزبی چون خراطین ارض موطن نعمت و مقر راحت
و گلزار مسرت و لاله زار موهبتشان طبقات ترابیه و درکات
سفلیه است و این جهان تاریک و تنگ در نظر پستیشان بسی وسیع
و روشن و فسیح و گلشن است لهذا اگر اسباب فرقتی فراهم آید حرقتی
زاید الوصف حاصل گردد حیات فانیه را زندگی جاودانی شمرند و لذا
جسمیه را منتهای کامرانی دانند و حزبی دیگر که از جام الهی مستند و از
شئون و قیود مادون رستند و دل بملکوت ابهی و رفیق اعلی بستند
این عالم فانی را زندان ظلمانی بینند و این جهان خاک را تنگنای تاریک
هولناک دانند و مختکده آفاق را زندان مشتاق یابند
لهذا در کل حین آرزوی صعود و عروج بمقام محمود نمایند و از مکان

وامکان بعرصهٔ لامکان شتابند از وفات هیچ عزیزی مضطرب
نشوند واز صعود هیچ قریبی محزون ومنقلب نگردند علی الخصوص
آن طیر وفا بآشیان بقا پرواز نمود وبر سدرهٔ منتهی در ملکوت
ابهی آشیانه نمود واز کوثر عطا سرمست جام لقا گردید محزون
مشو مغموم مباش شکر کن که خاتمهٔ حیاتش فاتحة الالطاف
بود طوبی لها و لثدی رضعها والبهاء علیک ع ع

مقابله شد

ط حرم جناب آقا علی عسکر علیها بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط اصل

هو الابهی

ای امة الله از صعود آن ورقهٔ طیبه فغان آغاز مکن وگریه وزاری منما
محزون مشو دلخون مگرد سینه مکوب روی مخراش گریبان
مدر چه که آن مرغ چمن بحدائق باقیه پرواز نمود وبآواز خوش روحانی
بر اعلی فروع سدرهٔ فردوس آغاز نغمه وترانه نمود اگر بدانی که بچه
نعمتی فائز گشت وبچه رحمتی نائل از فرط شادمانی پرواز نمائی واین
قالب خاکی را خلع نموده فوراً بجهان باقی شتابی ویا لیت قومی یعلمون برزبان

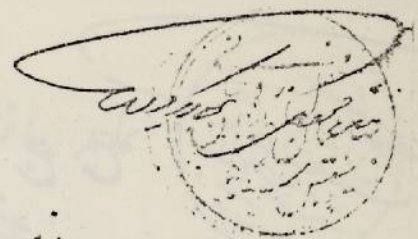

رانی والبهآء علیک ع ع مقابله شد

خط اصل

ط جناب آقا علی عسکر علیه بهآء الله

هو القیّوم

ای ناظر بملکوت الله هرچند مسافه مابین بعید است ولکن روابط قلوب مستحکم وشدید قسم بجوهر وجود وسلطان غیب وشهود که قلب در نهایت اشتیاقست وجان در غایت انجذاب در شب وروز بیاد دوستان رحمان در کمال روح وریحانیم ع ع

والبهآء علیک
مقابله شد

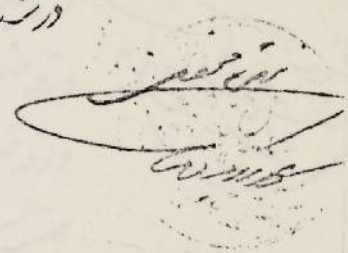

ط جناب آقا حبیب الله علیه بهآء الله

خط اصل

هو المقصود

ای موقن بآیات الله در این حشر اکبر در ظل لواء جلیل اعظم محشور شدی ودر تحت ظلال شجرهٔ طور آرمیدی از کأس عنایت نوشیدی واز شهد الطاف حضرت احدیّت چشیدی پس بشکرانهٔ این موهبت

غظمی برعهد وپیمان ثابت باش ع ع

مقابله شد

ط جناب آقا محمّد علی علیه بهاءالله

حاضر

هوالمحبوب

ای بنت جمال قدم انوار الطاف از ملکوت ابهی ساطعست ونجوم مواهب ازافق اعلی لامع شمع امرالله در هر محفلی روشن وذکر جمال قدم در هر مجمعی واضح ومبرهن الیوم قوای ملکوت ووسائط ناسوت کل خادم امرالله والبهاء علیک ع ع

مقابله شد

ط جناب آقا حسین علیه بهاءالله

حاضر

هوالمعبود

ای ناطق بثنا الله از فضل رب قیوم وغیب معلوم امیدچنانست که هریک از احبای الهی بر آنچه الیوم لائق وسزاوار است قیام

نماید باخلاق ورفتار وگفتاری مبعوث وآشکار گردند که سبب
عزّت مقدّسه احبّاء الله شود ع ع

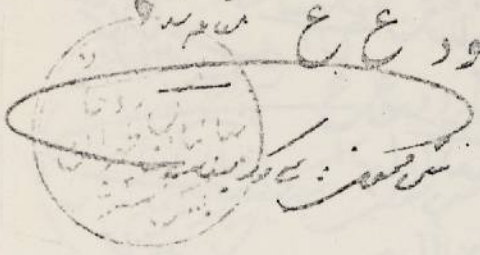

هوالله

جناب آقا علی عسکر — ورقه ضلع آقا علی عسکر — ورقه همشیره آقا علی عسکر
جناب آقا شیر علی — ورقه ضلع آقا شیر علی — جناب آقا محمد علی نقاش
ورقه ضلع آقا محمد علی — جناب استاد علی آقا — ورقه ضلع استاد علی آقا
ورقه صبیه استاد علی آقا — داماد استاد علی آقا — داماد آقا شیر علی
ورقه ضلع جناب سیناء — صبیه جناب سیناء — صبیه جناب نیّر
ورقه ضلع آقا غلامحسین — ورقه والده راضیه — ورقه طیبه راضیه
صبیه استاد علیمحمد — ضلع استاد علیمحمد — ورقه رقیه بیگم
ورقه ضلع جناب نعیم — ورقه راضیه مصومه — ورقه سوسن باجی
نه نه سلطان — والده جناب آقا حسنعلی — همشیره جناب آقا محمد صادق
دختر خاله جناب آقا میرزا علیمحمد — خاله جناب آقا میرزا علیمحمد — صبیه آقا شیر علی رضوانیه
جناب آقا سید حسن معلّم — نه نه محمّد — ضلع مرحوم آقا میرزا الوند
صبیه ایشان — ولد ایشان — والده جناب حاجی غلامعلی دباغ
ورقه ضلع استاد اسدالله — ورقه والده آقا شیر علی — والده ضلع آقا شیر علی

Provided by the Afnan Library

جناب آقا محمد تقی سدهی ورقه ماه سلطان ورقه ضلع اسم عبد البهائی
نجل اسم عبد البهائی ضلع آقا میرزا علیمحمد اسم علیهم و علیهن

الابهاء الله الابهی

خط اصل هوالأبهی

ای یاران حق وای اماء رحمن حمد حق قیوم را که سرمستان الست را از رحیق مختوم مختوم فرمود و یاران خویش را از بادهٔ پیمان بوجد و طرب آورد تا در قطب کیهان بانوار ثبوت و رسوخ رخ برافروخت و از ملکوت ابهی بجنود ملهم پروها در میدان برهان مظفر و منصور شدند لسان بستایش شهریار آفرینش گشودند و گوی سبقت و پیشی را از میدان عرفان ربودند و باغی نورانی و قلبی رحمانی و وجدانی ربانی و نطقی آسمانی و بیانی و عرفانی لدنی و جذبی لاهوتی و موهبتی ملکوتی در بین خلق محشور گشتند و بعین عنایت منظور شدند ای یاران الهی الحمد لله در ظل ملکوت وجود بفیض نیر قدم از افق غیب و مطلع لاریب موفقید و بعون و عنایت حضرت احدیت مؤیّد جنود جمال محمود از سماء موهبت حیّ ودود در تمیز و جود و مدد میفرماید و علم میثاق در قطب آفاق موج میزند و حضرت شهریار در نهایت عدل و داد و حکومت وزراء عظماء در غایت عدالت پس

کل در کمال اتحاد و اتفاق در ظل خیمه یک رنگ بر نشر نفحات
قیام نمائید تا از بوی خوش گلشن قلوب احباء مشام این
مشتاقان معطر گردد ع ع



هو الابهی

خط اصل

ط بواسطهٔ حضرت علی قبل اکبر جناب آقا علی عسکر علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

یا من توجه الی ملکوت التقدیس بال و پری بگشا و بگلشن توحید پرواز کن چشم
بصیرت باز نما و مشاهده جمال باقی کن دست تضرع بلند نما
و آنچه خواهی بطلب از فضل جمال قدم در این ایام امیدوار باش
که فیضش دائمست و نیلش کامل نورش بازغست و کوکبش
شارق روزش پانصد هزار سالست و حشر و نشرش تا ابد الآباد
والبهاء علیک یا عبد البهاء ع ع



بواسطهٔ جناب امین

هو الابهی

خط اصل

ط جناب عمو علی عسکر و جمیع احبای دروازه شاهزاده عبد العظیم علیهم بهاء الله

هوالابهی

ای بنده الهی خدمت شما و جمیع احبّاء در درگاه احدیّت مقبول و از عون و عنایت رب ودود مسئول که کلّ یاران در ظل جناح فلاح تأیید فرماید که هریک مظهر نجاح گردند و مطلع انوار شوند نظر عنایت شامل است و لطف و رحمت کامل ان ربّک لذو فضل عظیم والبهاء علیک ع ع



طهران بواسطهٔ حضرت ایادی امرالله جناب ملّا علی اکبر

جناب آقا سید حسن و منتسبین دیگر علیهم بهاء الله الابهی

مناجات طلب مغفرت بجهت عمو علی عسکر علیه بهاء الله الابهی

هوالله

اللّهم یا الهی ترى عبدک المسکین الذی آمن بنورک المبین وانجذب الی العلیین وانشهر بحبّک بین العالمین قد ترک هذه الدّار الفانیه وقصد عتبتک السّامیه وحنّ الی ساحتک فی جنّة

عالیه ربّ انّه نشر النّفحات ورتّل الآیات البیّنات
وبیّن الحجج البالغات والقی الکلمات علی کلّ نفس یجاهد
حقّ الجهاد ویتمنّی الهدی یا قیّوم الأرض والسّماء ربّ انّه
قد خلع العذار فی حبّک وترک الاستکبار علی عبادک
واحبّ الانکسار الی ملکوتک فتبتّل وابتهل الیک ووفد
علیک وتضرّع بین یدیک خاضعا خاشعا متذلّلاً
متضرّعاً مستغفراً للذّنوب طالباً الدّخول فی عالم الغیوب
مهتزّاً بنسایم الغفران متبرّأً عن الأثم والعصیان ربّ
اکرم مثواه وبلّغه مناه واجب دعاه انّک انت العفوّ الغفور
الکافی الوافی العافی الکریم المنّان ع ع

خط اص

هو الأبهی

ای سمّی ذبیح حمد حضرت احدیّت را که بقربانگاه عشق راه یافتی و بمشهد
فدا پی بردی وجام سرشار انجذاب را ازیدی ساقی هدایت الله
نوشیدی وندای سروش ملأ اعلی را بگوش جان شنیدی

ولکن

ولکن از این عبد بشنو اگر در این قربانگاه داخل شدی فدا قبول مکن بلکه
سمند شهادت کبری سوار شو و از حضیض افق ادنی باوج ملکوت ابهی
بتاز و افسر شهریاری جهان باقی بر سر نه اگر بحقیقت نظر نمائی جمیع
مواقع و موارد این جهان فانی محل قربانیست ولکن قربانیها
مختلف یکیست قربان امراض گردد و دیگری قربان اعراض
و دیگری قربان شئون عالم خاک ولکن تو از خدا بخواه قربان
جمال رحمن شوی ع ع



هو الله

جناب درویش اسمعیل علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ذبیح بقربانگاه عشق صد هزار شهیدان خون ریخته جان رایگان
بدادند و عذر قصور خواستند که چنانچه باید و شاید جان نباختند
تو در هر دمی جانفشانی کن و در هر نفسی خسته تیر پرتابی کرد تا صد هزار
جان نثار جانان نمائی و هر لحظه شهید راه یزدان گردی و در درگاه
احدیت حاضر شدی و از کأس عنایت نوشیدی و بنفحات مقدسه
بقعه مبارکه مشام معطر نمودی و بغبار آستان الهی روی منور
کردی و بآهنگ و ترانه و غزلخوانی و وجد و شوق و جذب گلزار

وگلشن وادی مقدست را آبیاری نمودی صد هزار شکر نما
صد هزار حمد ثنا ع ع

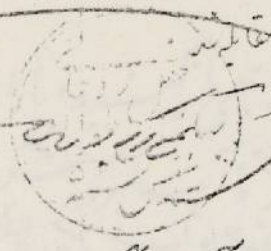

نسخه منصوری

هوالله

امة الله ورقه طیبه والده آقا ملا باقر علیها بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ای امة الله الآن در کاشانهٔ جناب امین حاضر و بمجرد دخول ذکر آن امة الله را از زبان پاک جاری نمودند و خواهش این نگارش فرمودند این عبد نیز قلم برداشته و فوراً این نمیقه نگاشته که ای ورقه موقنه چشم بگشا و دیده سائر اماء الرحمن را باز کن و بافق ملکوت توجه نما تا ببینید و بهره یابید و توفیقی را از فضل و عنایت جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء بطلبید قسم بآن روی منور و خوی معطر و موی مشکبوی که فیوضات مقدسهٔ اش از ملکوت غیب چون غیث هاطل است اگر نفسی ثابت علی عهده و میثاقه چه ذکور چه اناث قیام بر نشر نفحاتش نماید بجنود ملکوتش موفق و مؤید گردد پس تو در انجمن اماء الله چنان باش عشق دلبر آلهی برافروز که محفل را آتشخانه نمائی و مجالس را آذرکده

والبهآء علیک وعلی جمیع اماء الله

ع ع



خراسان هوالله

ط جناب آقا میرزا علی اکبر طهرانی علیه بهآء الله الأبهی

هوالأقدس الأعلی

یا من اصابته مصیبة کبری نوشته که بانفاس مقدسه اسم اعظم روح مسیح جمال قدیم زنده گشت اگر چنانچه قوای مهلکه عالم هجوم نماید نفوذی نکند وتأثیری نتواند جمیع صدمات بر جسم خاک وعنصر تراب وارد گردد نه جان پاک وکل آسیب بر قمیص تن برسد نه بروح پر فتوح ونور انجمن پس ازاین مصیبت محزون ودلخون مباش واه وفغان منما بلکه ازاین جهت مسرور باش که ثابت ورسخ بر عهد وپیمان بود ومتمسک بوصایای حضرت یزدان واز خدا بخواه که کل چنین فائز گردند وثابت ومستقیم عروج نمایند وجمیع دوستان را تکبیر برسان والبهآء علیک

ع ع

هوالأبهی

ط متعلقان جناب آقا میرزا علی اکبر علیه بهآء الله الأبهی

هو الله

خط اصل

ای متعلقان آن موقن بالله چشمی بملکوت ابهی باز کنید و باراز
او انباز گردید و بنفحات قدسش دمساز تا آیت کبری بنگرید
و شهد وفا بچشید و بال و پر عرفان بگشائید و بفضای لامکان
بر پرید آهنگ ملکوت نمائید و بنوا و آهنگ لاهوت
در صوامع جبروت سبحان الذی هو حی لایموت بنوازید تا
سامعین بشور و ولوله آیند و در ارکان ناسوت زلزله آرند
و مرغان چمنستان احدیت بنغمه در آیند و بشری للفائزین
طوبی للمتقربین و حسنی لکل مترنح الاعطاف من صهباء راقت
و فاقت و غلت فی حان محبة الله العلی الابهی ع ع مقابله شد

نشر محصل

بواسطهٔ جناب آقا میرزا حسین ابن اسم الله

طهران جناب آقا محمد حسن اخوی جناب آقا محمد علی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

خط ثابت

یا من توجّه بکلّیته الی الله هر چند در تحریر تقصیر عبد البهاء بسیار است
ولی قلب منیر یاران آگاه که دقیقهٔ نسیان حاصل نه در جمیع
اوقات بمناجات پردازم که ای پروردگار بی انباز آن ابرار را
در ظلّ عنایت پرورش ده و آن احرار را از جمیع قیودات آزاد
فرما و در هر دمی شبنمی از رشحات ابر عنایت عطا فرما و در هر نفسی
نفحهٔ مشکین نفسی بر مشامشان عرضه دار تا بجان و دل بمحبّت
روح و ریحان یابند و مانند نار موقده در نهایت التهاب
باتش عشقت افروزند توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و بینا

ع ع

مقابله شد



خط اصل

هو الابهی

جناب آقا محمد حسن اخوی جناب آقا محمد رضا علیه
بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی

ای موقن بکلمات الله صبح است و صد هزار گرفتاری و متاعب
و امور و مصاعب و مصائب در میان و باید بنفس خویش رسیده و تمشیت
داده شود و من جمیع را گذاشته و بیاد تو مشغول و بنگاشتن این ورقه
مألوف پس شکر جمال قدم را که چه بحر اعظم الفت و محبتی بموج
آورده که امواجش از اقصی بلاد غرب بساحل شرق و از دورتر ساحل شرق
بنقطهٔ غرب میرسد له الحمد و له الشکر علی ذلک و البهاء علیک
ع ع

مقابله شد

خط مکاتب

بواسطهٔ جناب امین علیه بهاء الله الأبهی

جناب آقا میرزا امین الله نفحات ولد آقا میرزا عطاء علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان جواب مختصر مرقوم میگردد معذور دارید هر دو
رؤیا دلیل بر آنستکه بنظر عنایت ملحوظی و در درگاه احدیت مقربی
و بفضل موفور در صون حمایت حضرت غفور محفوظ و مسروری
هر چند اعدا در شدت بغضا هستند ولی امید چنین است
که عدالت دولت مانع از امتداد دست تطاول گردد

و علیک البهآء الأبهی ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۳۸ حیفا عبدالبهاء عباس
ثبت شد

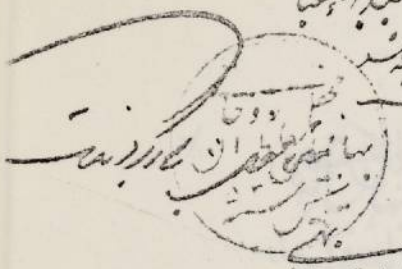

خطاب طهران

خیابان ناصریه بواسطهٔ آقا غلامعلی دوافروش علیه بهاء الله الأبهی
یزد جناب حاجی میرزا ابراهیم عطار یزدی علیه بهاء الله الأبهی
۲۴ شعبان ۱۳۳۷

هوالله

ای ثابت پیمان نامهٔ شما نامهٔ بدیعی بود بلفظ مختصر و معنی مفصل
فهرست اخلاق روحانی بود و دفتر سودائی و شیدائی حق مضامین
گلشن رنگین بود لهذا مورث روح و ریحان گشت در محفل صحبت
باید بنهایت همت جانفشانی نمائی تا فیض رحمانی احاطه کند و علیک
البهآء الأبهی عبدالبهاء عباس ثبت شد

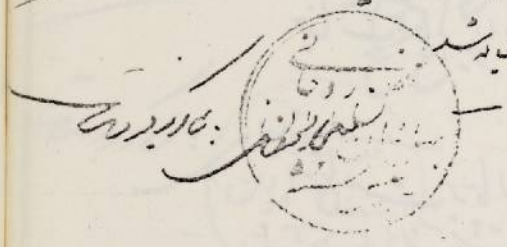

خطاب هند

هوالله

ط جناب میرزا اسدالله جناب میرزا اسمعیل جناب
محمود آقا و اخت آقا میرزا علی اکبر زائر حرم زائر علیهم بهاء الله
الأبهی

Digitized by the Afnan Library

هو الله

ای دوستان حضرت یزدان ابواب فتوح گشوده و آتش محبت الله
افروخته و سراج الهی بال و پر پروانهٔ اوهام سوخته ابر رحمت گهربار است
و نسیم مهبّ عنایت عنبربار درخت امید بارور است و صبح الطاف
رب مجید طالع از افق انور پس در این یوم پر موهبت فرصت را غنیمت
شمرید و بجان جهد و کوشش نمائید که از این بخشش نصیب وفیر
برید و باوج اثیر رسید و رکن شدید و رجل رشید گردید فنعم
اجر الثابتین جناب میرزا علی اکبر بحر و بر را طی نمود تا بعتبهٔ مقدس
خالق اکبر مشرف گشت روی را منور نمود و موی را معطر و امید
دارم که نفحات قدسیهٔ بقعهٔ مبارکه مشام شما را نیز معنبر نماید چون
نسیم شمیم عنبرین گلهای حدائق را فرسنگها برد پس بشیری نفحات
قدس قمیص یوسف مصر وفا را بکجا رساند این قوت بثبوت
بر عهد و میثاق حاصل گردد والبهاء علیکم یا احباء الله و امائه ع ع

خطابات

طهران

بواسطهٔ باقراف جناب امین الله نفحات علیه بهاء الله

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه رسید و طلب مغفرت بجهت
امة الله والده کردید الهی الهی ان امتک الطیبة سکینة قد سرعت
الیک و جزعت الی عتبة رحمانیتک تتمنی عفوک و غفرانک
تبتغی فضلک و احسانک متضرعة الی الملکوت الرحمانی مبتهلة
الی الجبروت السبحانی رب انها فقیرة قصدت بحر غنائک
و حزینة اشتاقت جوار رحمتک و ظمآنة تمنت عین رحمانیتک
و خائفة وجلة من قصورها التجئت الی جوار عفوک و مغفرتک
رب اجعلها آیة الغفران فی ملکوتک و سراج العفو و الاحسان
فی عتبة قدسک انک انت الکریم الرحیم الرحمن ۱۷ رجب ۱۳۳۸ حیفا

تقدیم شد عبدالبهاء عباس

خط اصل

هو الله

جناب آقا محمد حسین نراقی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای یار حقیقی این صحرا وسیع و این دریا هر چند عمیق بود ولی تو عاقبت
طی نمودی و باین ساحل رسیدی بعد و مشقت سبیل ترا از کعبهٔ جلیل منع ننمود

و جناب امین کمال سرور از احوال و اخلاق شما دارند حال باید احرام کعبهٔ
وجود را از این ارض ببندید و بالنّیابه از عبدالبهاء عازم کوی دوست شوید
و سر بآستان مقدس بنهید و مشام برائحهٔ طیّبهٔ روضهٔ مبارکه معطّر
نمائید انّ هذا هو الفوز المبین ع ع

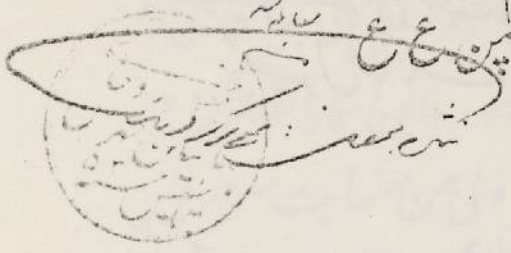

خط اصل هو الله

امة الله المقرّبه والدهٔ محترمه را از قبل عبدالبهاء تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دارید
خوشا بحال او که در یوم ظهور جمال قدم موجود بود ندای ربّانی استماع
نمود و بایمان و ایقان فائز گشت ع ع

خط اصل هو الله

سلیل نجیب آقا حسن و نجل کریم آقا عبدالله و ولد محبوب آقا فیض الله و امة الله
خدیجه گل را نهایت مهربانی مجری نما از عنایات خاصه اسم اعظم امیدوارم
که گل در پناه الهی محفوظ و مصون مانند ع ع

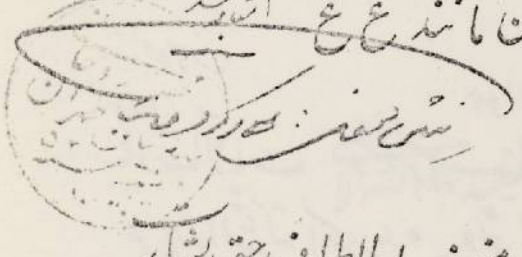

خط اصل هو الله

امة الله المشتعله بنار محبت الله ضجیع منجذبه را بالطاف حق بشارت
ده تا از فیض نامتناهی الهی مسرور و مشعوف باشد ع ع

هوالله

خط هس

ربّ ایّد هذا العبد علی ما یحبّ و یرضی و علی رضائک فی هذه النشأة الأولی و علی حصول عطائک فی النشأة الأخری ع ع

خط هس

هوالله

جناب آقا حسین این نفوس مبارکه را ذکر نموده و در این صفحه نگاشته و تمنای هریک را منظور داشته من نیز در نهایت انکسار و خضوع بملکوت حضرت بیچون رجوع نمودم و این جانهای پاک را قربیت درگاه جمال ابهی آرزو نمودم و تأیید در دو جهان خواستم از فیض ابدی ربّ سرمدی یقین است که آرزوی جان یاران را مستجاب میفرماید ع ع

خط هس

هوالله

یا ربّ الآیات و مظهر البیّنات اسئلک ان تنزل البرکات علی هذه الشرکة الجدیدة و توسّع لها الموارد و تفتح لها الابواب الیسری و الاتباع انّک انت المؤیّد القدیر ع ع

(۱۲۳)
هوالله

خطاب

حضرت زائر آقا حسین نهایت خلوص و تعلق با جبای الهی دارند
و هر یک را در این محضر آرزوی ذکر نموده و این اسمار تقدیم کرده
و جناب امین را محصل قرار داده ولی من در نهایت سرور بذکر
یاران پرداختم تا بدانند که در این بساط چه قدر عزیزند ع ع

خطاب

طهران جناب حسین نراقی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای بندهٔ حق نامه شما رسید بانفوسیکه ماذونند اذن حضور دارند
مکتوب جوف را برسانید و علیک البهاء الابهی ع ع

خطاب

طهران جناب حسین نراقی علیه بهاء الله الابهی

ای ثابت برپیمان بجان عزیزت قسم که فرصت و مهلت

مسک قلم ندارم باوجود این محض محبت و مهربانی بجواب نامه پرداختم
ولی مجبور بر اختصارم طفل عزیز را نام مبارکی نهادی انشاء الله
فیض الله است امیدوارم که از فیض جمال ابهی مستفیض گردد و در ظل
عنایت نشو و نما کند و مظهر فوز عظیم شود از کواکب مفقوده
سئوال نموده بودی کوکبی چون از ارض بعد البعد یابد و مانند
ذوی الاذناب از کرهٔ ارض ابتعاد نمایند یعنی در دور و حرکت
خویش از کرهٔ ارض دور شوند بظاهر مفقود گردند و هم چنین
نجوم ذوات الاذناب یعنی اختران دم دار که الی الآن ششصد و چیزی
برصد آمده اند آنان جمیع چنین اند و بدیهی و مسلم شده است
که چون در حرکت خویش از ارض دور شوند پنهان گردند و چون نزدیک
آیند پدیدار شوند و اما مادهٔ برق قوهٔ جاذبه و واقعه است که چون
در روز ابر و باران بیکدیگر تصادم نمایند انفجار سریع کنند و قوهٔ برقیه نمایان
گردد و چون ضیاء برق شدید است اطراف روشن و منور گردد و اما
ابوین غافلین چون از این عالم بعالم دیگر انتقال کنند از الطاف محروم و از
مشاهدهٔ محجوب و از فیض ابدی ممنوع مانند کور نابینا و کر ناشنوا
و مرکوم محروم و چون زادگان جان و دل ایشان که مؤمن بالله و موقن بایات
هستند استغفار کنند و شفاعت نمایند و بدرگاه الهی جزع و فزع

کنند و خیرات و مبرّات نمایند شاید شفاعت ایشان مقبول درگاه
کبریا گردد از خبر منع افیون فرح و سرور حاصل گردید و علیک البهاء الابهی
مقابله شد ع ع



خط کاتب

طهران بواسطهٔ جناب امین علیه بهاء الله الابهی
جناب آقا محمد حسین نراقی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ربّ و رجائی و غایة منائی و ملجئی و ملاذی و مرجعی و معاذی انّی
اتضرّع الیک بقلب طافح بمحبّتک و صدر منشرح بآیات توحیدک
و اتذلّل الی عزّ کبریائک مکبّاً بوجهی علی التراب یا ربّ الارباب
و ارجوک ان تغفر لعبدیک المتصاعدین الی العوالم الاخری و راحلین
الی ملکوت السّماء و استغفر لذنوبهما و اطلب العفو عن خطیئاتهما ربّ اغفر
الخطاء و اجزل العطاء و قدّر لهما النّعماء و الفوز بالموهبة الکبری فی الحیاة
الاخری بعد الاولی ربّ املأ لهما کأس العنایة و اجرهما فی جوار رحمتک
الکبری مؤیّدین بالفوز و الرّعایة العظمی و طهّرهما عن وضر الغفلة و النسیان
و افض علیهما سجال رحمتک یا عزیز یا منّان انّک انت ربّ
الغفران و انّک انت الکریم المستعان لا اله الّا انت الرّحیم الرّحمن
ای بنده یزدان طفل رضیع یعنی عبد الله بدیع را از قبل این عبد

دو کونه تقبیل نما وعلیک البهاء الأبهی ع ع

مقابله شد



خط کاتب

طهران بواسطهٔ جناب سیناء
جناب آقا محمد حسین نراقی علیه بهاء الله
هو الله

ای بندهٔ حق مکتوب شما از پیش جواب داده شد عجیب است که تا حال
نرسیده حمد کن خدا را که از ظلمات مدلهمه نجات یافتی و بنورانیت
یا بهاء الأبهی روشن گردیدی اقوام خویش را در کمال محبت و مهربانی
بشاطی بحر تقدیس خوان و در کمال محبت انیس و جلیس شو و بمدارا گوش
زد انها نما که حضرت اعلی روحی له الفدا بنص جلیل فرموده ایاک ایاک
ان تحتجب بالواحد البیانی او بما نزل فی البیان میفرماید در ظهور
من یظهره الله بواحد بیانی محتجب مشو و واحد بیانی نفس حضرت اعلی
و هجده حروف حی است و همچنین میفرماید بآنچه نازل شده در بیان
محتجب مشو یعنی ملاحظه نکن که واحد بیانی مؤمن است یا غیر مؤمن
و بآنچه در بیانست استدلال مکن بلکه آنجوهر حقیقت را بنفسه لنفسه
بشناس و مؤمن شو ولو واحد بیانی ایمان آرد یا نیارد ولو ما فی
البیان مطابق آید یا نیاید ملاحظه نما چگونه حجبات را خرق فرمود

و بهیچوجه عذری از برای کسی نگذاشت حال نور بهاء الله شرق
و غرب را روشن نموده و عالم آفرینش را بحرکت آورده با وجود این
سزاوار است کسانیکه خود را مؤمن بنقطهٔ اولی روحی له الفدا
بدانند و از این امر عظیم محتجب مانند حیف صد حیف که از این
الطاف بی پایان محروم گردند آن بحر اعظم عنقریب موجی زند که جمیع این
کفها را بکنار اندازد پیش از این واقعهٔ حتمیه باید نفوس متنبه شوند و بظل ظلیل
شجرهٔ توحید پناه برند امة الله والده را تحیت ابدع ابهی برسان
و همچنین امة الله ضجیع محترمه را از خدا خواهم که اخوی متوفی آقا رضا را
در بحر غفران مستغرق فرماید و آقا حسن و امة الله خدیجه را در کهف
حفظ و حمایت خویش محروس و مصون دارد ع ع

مقابله شد



خط کاتب

بواسطهٔ جناب معاون التجار میرزا فضل الله نراقی
جناب آقا محمد حسین نراقی علیه بهاء الله الابهی
هو الله

ای یار عراقی جناب نراقی در نامهٔ خویش ستایش آن یار روحانی
نموده که این فتای نراقی منجذب آن دلبر آفاقست و سرگشته و سودائی

کوکب

کوکب اشراق شب و روز چون شمع افروخته روشن است و بذکر الهی شاهد انجمن باری از تشریف و توصیف آن وجود شریف عبدالبهای ضعیف باهتزاز آمد و بنگارش این نامه لطیف پرداخت که شاید سبب سرور گردد و نور الطاف تابد و قلوب ابرار مطالع اسرار گردد ای دوست حقیقی نفوذ کلمة الله مانند روح در عروق و شریان آفاق رو بسریانست و قلب عالم در نهایت هیجان عنقریب ملاحظه نمائید که هیکل عالم ایجاد چنان بقوهٔ روح بحرکت آید که از شدت وجد و طرب آهنگ رقص کند و پاکوبان و دست افشان زنان نغمه‌ئی ساز نماید که عالم بالا باهتزاز آید و علیک البهاء الابهی

ع ع



خطاب بجناب معاون التجار

جناب آقا محمد حسین زراتی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت پیمان جناب معاون در نامهٔ خویش ذکر شما نمودند و ستایش زیاد کردند که جناب آقا محمد حسین مفتون روی آن دلبر است و مجنون آن یار مهربان سرگشته و سودائیست و در بین عاشقان مشهور بشیدائی در سبیل الهی جانفشانست و در قفر بانگاه عشق

جان نثار نشر نفحات الهی نماید آیات بینات تلاوت کنند برهان رحمان
اقامه فرماید و دلیل جلیل بر ظهور مکلّم طور بیان فرماید دوستانرا
غمخوار است و دشمنانرا شفیق و مهربان جمیع را بخلق رحمان معامله نماید
از شهادت ایشان مسرّت بی پایان حاصل که الحمد لله یاران ثابت
بر پیمانند و در سبیل اسم اعظم روحی لعباده الفداه چابک و جانفشان
مقصدی جز رضای دلبر ربّانی ندارند و مرادی جز قربانی در سبیل الهی
نخواهند علیهم التحیّة الطیّبة ولهم البرکة الوافیة والعزّة الباهیة
والموهبة الکافیة نجل سعید آقا محمد حسن و ضجیع محترمه شانرا از قبل
من تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دارع ع تتمه شد

خط رباعی

بواسطه جناب سینا علیه بهاء الله
طهران جناب آقا محمد حسین نراقی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

حمداً لمن اشرق وطلع ولاح من الأفق الأعلی وبشّر بطلوع نیّر الآفاق من المطلع الأبهی
ودعا الکلّ الی الانتباه من الرّقود والرّکوع والسّجود للجمال الموعود فی هذه النشئة الاخری
واخذ العهد الوثیق من اهل البیان ان تعنوا وجوههم وتذلّ رقابهم وتخضع

اعناقهم عند تشعشع نور التبیان وما من لوح الا مشروح فیه هذا النصح
لاهل العرفان واکد المیثاق لاهل الآفاق حتی عند ظهور الاشراق تخضع له الاعناق
مع ذلک قد غفلوا اهل البیان وترکوا العیان وتشبثوا بالاوهام وانکروا جمال
الرحمن وما استضاوا من النور المشرق علی الاکوان بل هم فی هیآء الغفلة والغوی و
اوغلوا فی ظلمات الصمم والعمی وسرعوا الی حفر الظلمة الدهماء حتی لا یروا الاشعة الساطعة
من الافق الابهی تبا لهم من هذا الضلال سحقا لهم من هذا الوبال اف لهم بما اکتسبوا
عند ظهور ملکوت الجمال فسوف یضجهم فی خسران مبین ویصدقون انهم کانوا
فی ضلال عظیم والتحیة والثناء علی اول جوهرة لمعت وتلألأت فی الاکلیل
الوجود واول نار توقدت فی سماء الشهود واول کوکب لاح من الافق الحمود
واول بحر تلاطم من ریاح الملکوت علی اهل السجود والصلوة والتحیة علی النفوس التی
ما حجبتهم ظلمات الاوهام ولا منعتهم سجات اهل الضلال عن مشاهدة الجمال ولما
سمعوا النداء هرعوا الی مرکز الهدی وقالوا ربنا انا سمعنا منادیا ینادی للایمان
فآمنا الا انهم من اصحاب الیمین متوجهین الی العلیین ناظرین الی الافق المبین
متحدین من نفس مقدسة کانت رحمة للعالمین

ای منجذب جمال ابهی هرچند تا بحال تحریری ارسال نگشت ولی بنیان محبت
تاسیس یافت زیرا کل ناظر بافق واحدیم ومستفیض از بحر واحد ومرتبط در جمیع
شئون ومنجذب بجمال حضرت یچون حمد خدا را که این قلوب در
نهایت انجذابست واین نفوس در غایت ارتباط پس باید بشکرانه این فضل
وموهبت بوصایا ونصایح الهی قیام کنید وبآنچه سبب نورانیت عالم انسانیست

تشبث جوئید و آن محبت الهیه و انجذابات رحمانیه و مواهب
صمدانیه است و محبت حق مرتبط بمحبت خلق است یعنی باید
بجمیع طوائف و امم همراز و همدم گردیم یار و اغیار را مهربان شویم بیگانه
و آشنا را محبت و وفا جوئیم در این دور کریم و عصر جمال قدیم الحمد لله
فضل بر عموم است و موهبت شامل جمهور خصائل رحمانیه و فضائل وجدانیه
مقید بقیودی نه خوان نعمت الهی در شرق و غرب گسترده و فضل و موهبت
ربانی آفاق را احاطه کرده لهذا یاران رحمانی باید بهر بیگانه آشنا گردند
و با اغیار یار و وفادار شوند دشمن را دوست دارند و اهل بغضا را اهل ولا
و جفاکار را وفاکار و خونخوار را غمخوار گردند دیگر معلوم است که با دوستان
چگونه باید سلوک و حرکت نمایند امة الله والده را تحیت محترمانه برسان
و بگو در فرقان اهل ایمان ممنوع از طلب غفران بجهت خویشان غیر
مؤمن بوده اند چنانچه میفرماید ما کان للذین آمنوا ان یستغفروا للذین کفروا
ولکن در این دور جلیل فضل و موهبت الهی شامل و عمومیت هر نفس مؤمنی از برای
جمیع یاران خویش بیگانه و خویش طلب غفران نماید در درگاه احدیت
مقبول شود لهذا این بنده آستان مقدس بکمال تضرع و ابتهال
طلب غفران از برای مرحوم آقا رضا نمایم و البته این تضرع
ابتهال در درگاه ذو الجلال مقبول گردد و همچنین امة الله ضلع خویش را
تحیت برسان و بگو قدر این ایام را بدان تا فیض ابدی یابی و حسن خدیجه

Provided by the Afnan Library

دوطفل خویش را در نهایت عزت ابدی یابی جناب آقا محمد نراقی را نثار
ده و بکو خدمت یاران سروری دو جهانست وعبودیت دوستان
موهبت حضرت رحمان الهی الهی قد غشت الأبصار حجابات
الافکار وعمت الأعین عن مشاهدة الأنوار وخرست الألسن عن الأذکار
بما قامت ثلة الأشرار وهجمت عصبة الضلال ومنعوا الناس عن
الورود علی عین التسنیم والماء المعین والسلوک علی الصراط المستقیم
والقیام علی عبودیة النور المبین وسموا انفسهم اهل البیان
واحتجبوا عن العیان وحرموا علی انفسهم کأس البیان وقالوا این ما وعد
به الله فی الکتب والألواح وکیف جاء الحق قبل ان یعم الضلال و
کیف نسخت الأحکام قبل الأجراء وقال الله ما ننسخ من آیة او ننسها نات
بخیر منها او مثلها کما ان اولوا الفرقان ارتفع منهم النحیب والعجیج لما ظهر الجمال
الموعود وقالوا این الدجال واین النصیانی من اهل الضلال این
تنزل الأرض واین جنود الملائکة واین قیام الساعة واین ارتجاج
البسیط واین الحساب واین المیزان واین الصراط واین الخشیة
واین النار واین الاعراف واین لواء الحمد واین البعث واین القیام
واین الصور فی المحشر الکبری وبهذا احتجبوا عن جمالک الأعلی فی القیامة
الکبری فطوبی لمظهر نفسک وقال قد قضیت هذه الأمور فی طرفة
عین عند ما لاح افق الشهود بالنیر المحمود فما انتبهوا اهل البیان
لسر التبیان واعترضوا کما اعترض اولوا الفرقان فیا حسرتا لهم فی هذا

العصر الذی لاح نورک وتشعشع ظهورک وارتفع ندائک
وامتد ذیل ردائک وامطر سحابک واشرق جمالک
وتأنق ریاضک وتدفق حیاضک وزئرت اسود غیاضک
لک الحمد یا الهی علی ما کشفت الحجاب وازلت النقاب
واورثت الکتاب الذین آمنوا بک فی یوم المیعاد انک
وانک انت الملک المقتدر المتعالی المؤید لاحبائک فی المبدء المآب

۲ انت العزیز الکریم الوهاب

ع ع

مقابله شد



یزد بواسطه کنیز عزیز الهی امة الله طوبی خانم

امة الله ربابه حرم آقا میرزا جواد شهید صباغ علیها بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن

هو الله

ای کنیز الهی فی الحقیقه مورد مصیبت کبری گردیدی ورزیه عظمی دیدی قرین عزیز
آقا میرزا جواد شهید را فدای آن دلبر مهربان نمودی وهمچنین صعود آقا میرزا جلال سبب
کدورت وحسرت شما گردید ولی برضای الهی موفق شدی وبعنایت سرمدی
مؤید گردیدی دیده بجمال ذو الجلال گشودی وترتیل آیات توحید نمودی قدر
این موهبت بدان ودقیقه ئی غفلت منما روزگار همه بسر آید وبساط جمیع
منطوی گردد ولی تو در این میدان گوی موهبت ربودی ورخ بتراب
خضوع وخشوع سودی بانوهای عالم باختند وتو بردی آنان حق را نشناختند

و تو بحقیقت راه یافتی و باعظم بخشایش در جهان آفرینش رسیدی حرم
شهید آقا مشهدی حسن امة الله سکینه سلطان را از قبل من تحیت محترمانه
برسان و از برای والدهٔ ایشان طلب مغفرت از درگاه ایت
نمودم و جناب آقا علی اکبر و آقا علیمحمد را نهایت نوازش بنما و بفضل و موهبتی
عظیم امیدوار کن و والدهٔ ایشان امة الله سکینه سلطان را بالطاف
حضرت رحمان بشارت ده و بگو محزون مباش مغموم مشو قرین محترم
حضرت شهید در ملکوت جدید خیمه بلند نمود و دو داماد آزاد علم در ملاء اعلی
برافراختند با وجود این چرا گریه کنی و مویه نمائی مستبشر باش عنقریب ظاهر
و آشکار گردد که آن بزرگواران در ملکوت رحمان بر سریر سلطنت ابدی
جالس و برقرار و علیک البهاء الأبهی ع ع



هو الله

جناب آقا علی اصغر علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای مشتعل بنار محبت الله حمد کن حضرت احدیت را که بنور هدایت
رویت منور شد و از جام سرشار موهبت سرمست گشتی
و این مسافت بعیده طی نمودی تا آنکه بمرکز انوار رسیدی
و جبین را بر زمین نهادی و از تربت پاک عطرناک مشام و دماغ را

معطّر نمودی حال متوکّلاً علی الله مراجعت نما و بخدمت احبّاء الله
مشغول شو و این خدمت را موهبت شمار و این فضل را عظیم دان
زیرا بنده کی احبّای الهی سلطنت عالم معناست و آزادگی در دو جهان

والبهاء علیک ع ع



رشت

هو الله

بواسطهٔ حضرت اسم الله آقا علی اصغر محسوب میرزا محمد علی خان علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

از رحمت سابقه مستدعیم که بدرقهٔ عنایت بآن اسیر محبّت الله برسد تا چون
کوه آهنین بر عهد موثوق ثابت و رزین و مکین ماند و در حصن حصین محفوظ
و مصون باشد و دمبدم بثبوت و رسوخی جدید موفّق گردد و علیک

التحیّة والثّناء ع ع



طهران

هو الله

بواسطهٔ جناب حاجی میرزا عبد الله

یا صاحبی السجن جناب آقا علی اصغر شیرازی علیه بهاء الله

هو الله

ای ثابت بر پیمان آنچه مرقوم نموده بودی ملحوظ گشت هر چند بیاد تو

بودم ولی بیشتر بیاد تو افتادم و از خدمات با حبای الهی ممنونتر شدم
و محظوظ تر گشتم الحمد لله که نور خدمت در جبین ساطعست و پرتو
عبودیت در رخسار لامع سزاوار شکرانیست که بدرگاه احدیت نمائی که
چنین توفیقی تقدیر شد ایام را در معیت جناب فاضل منقطع بتبتل
بگذران سبب تقرب درگاه کبریاست و علیک التحیة والثناء ع ع

مقابله

جناب زائر آقا علی اصغر علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای زائر مشکین نفس دوباره بدیدن این آواره آمدی و احرام طواف مطاف
ملاء اعلی بربستی و باین شرف عظیم فائز شدی سر بقبهٔ نوراء نهادی
و از موهبت کبری بهره یافتی پس رجوع بطهران کن و در خدمت
عزیز الله خان همت بی پایان نما زیرا خدمت با و خدمت بمنست
و در نزد عبد البهاء عزیز بسیار عزیز و علیک التحیة والثناء ع ع

مقابله

طهران بواسطهٔ جناب آقا میرزا عزیز الله خان سلیل شهید
جناب آقا علی اصغر شیرازی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

یا صاحبی السجن

ای بنده حق نامه تو رسید و از مضمون بهجت حاصل گردید از خدا خواهم
که همواره بکمال صداقت و امانت بخدمت ابن شهید پردازی و لوازم صداقت را
مجری داری دو مکتوب جوف را برسان فرصت نیست و علیک البهاء الابهی

ع ع

مقامی



خط اسمی بواسطه آقا میرزا حسین ابن الشهید

هو

ط جناب آقا میرزا محمد امة الله فاطمه بکم جناب آقا علی اکبر امة الله ربابه علیهم بهاء الله

هو الله

ای آزردگان سبیل حضرت یزدان آنچه در راه خدا بر سر آید هیکل وجود انسان را بیاراید
ذلت کبری عزت عظمی شود و خواری بزرگواری و کامکاری گردد زحمت عین رحمت
شود و نقمت جوهر نعمت گردد ملاحظه نمائید که در صحرای طف چه اهانت
بحضرت سید الشهداء روحی له الفدا و اهل عباء وارد آن موارد مصادر الطاف
خفیه بود و آن جام بلا کأس عطا آن زهر شهد بود و آن ذلت عزت ملأ اعلی
تالان و تاراج سبب معراج گردید و قتل و اسارت حیات ابدیت و آزادی

در جهان رحمانیت شد پس شکر کنید خدا را که باین عطا موفق شدید و البهآ
علیهم ع ع تقابد شد



خطاب هو الأبهی

جناب آقا میرزا محمد ابن المتصاعد الی الله آقا میرزا عبد الله علیهما بهاء الله
الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی

ای نورانی الوجه بانوار محبت الله چون در این ساعت بذکر احبای آذربایجان
مشغول بودم جواب مسطور ایشان مرقوم میگشت جناب ناظر حاضر
ذکر شما را نمودند و یادی از دیدار و گفتار و رفتار شما کردند و خواستند
که مشغول بذکر شما گردیم و مألوف بیاد شما باشیم و فی الحقیقه حقوق
قدیمه جناب متصاعد بملکوت ابهی را هیچ وقت نسیان نخواهیم
نمود و همچنین انجذابات قلبیه آن شجره ایمان و ایقان را دائما
متذکریم و از حق میطلبیم که در جمیع شئون و مراتب عوالم کونیه و الهیه
مؤید و موفق گردید و چنان آثار ثبوت و استقامت بر امر الله
در رسوخ و تشبث بر عهد و پیمان الهی از آن حبیب روحانی ظاهر

گردد که جمیع عقول و نفوس و ابصار و افکار ملاء امکان حیران
شود و در این فجر ابداع چون کوکب لامع ساطع و ظاهر و باهر
گردی والبهاء علیک و علی احباء الله ع ع متابعه شد



خط اصل

هو الله

ط جناب میرزا محمد ابن جناب میرزا عبد الله علیه بهاء الله الابهی

هو الله

یا من آمن بالله و صدق بکلمات الله قد تلوت آیات شکرک لله و رتلت
کلمات ذکرک فی ثناء الله و تضرعت الی الله ان یوفقک علی الثبوت و الرسوخ
علی میثاق الله در عهد و پیمان حضرت یزدان چنان پای ثبوت نما که جمله
اهل جهان حیران مانند قسم بجمال قدم که الیوم استقامت
میزان اعظم است و مغناطیس تائید امین امم والبهاء علیک ع ع
متابعه شد



خط اصل

هو الابهی

ای شمع انجمن دوستان الهی حمد کن خدا را که از صلب پاکی باین عالم خاک
قدم نهادی پاک از شئون ظلمانی و آن غفلت از جمال نورانی

الهیت ودرمهد محبت الله پرورده شدی ودرآغوش معرفت الله
نشو ونما نمودی وازپستان عرفان لبن ایقان نوشیدی ودر
بالین عنایت حضرت رب احدیت پرورش یافتی دیگر چه جوئی وچه
خواهی چنین مدد ربی داشتی که ازبدایت امر واشراق نیر آفاق ازکأس فضل سلطان
وجود آشامیدی ودربستر جود بیارمیدی اگرچه انوار این آفتاب موهبت منور عالم
امکان بقدر امکان ظاهر نه ولکن جهان لامکان را روشن ومنور نموده است
هنیئاً لک ثم هنیئاً لک تعزیتنامه که بوساطت جناب ناظر مطالعه
شد مقبول واقع اجر جزیل از درگاه احدیت نیازشد انشاءالله موفق
حاصل میشود والبهاء علیک ع ع مقابله شد



حاشیه

هوالأبهی

جناب میرزا محمد خان پسر جناب میرزا عبدالله کنجه علیه بهاءالله الابهی

هوالأبهی

ای بن صداق حق حمد حضرت رب ودود را که دربدو اشراق فجر انوار
پدر بزرگوررا بنور هدی مهتدی نمود وبموهبت کبری مختص داشت
ازچشمه حیات نوشید وازشهد محبت الله کام ومذاق شیرین نمود

ملحوظ نظر عنایت بود و منظور اعین رحمانیت در ساحت اقدس همواره
مذکور بود و لوائح الطاف دائماً در حقش ساطع و لائح مورد رحمت
خاصه بود و مظهر موهبت مخصوصه تا آنکه بملکوت عزت صعود نمود
و در جوار رحمت استقرار یافت چون تو پسری یادگار گذاشت که سر آن بزرگوار
و گلاب آن گل معطر نایاب حمد کن خدا را که مؤیدی و بایمان و ایقان
موفق در ثبوت بر میثاق اشراق تأیید بینی و در رسوخ بر پیمان نیر آفاق
آثار توفیق مشاهده نمائی جنود ملکوت نصرت نماید و جیش جبروت فتح و ظفر بخشد ابواب
مسدوده مفتوح گردد و راههای بسته باز شود ولی شرط اینست
که از امتحان نلغزی و از افتتان سست نگردی زیرا بعضی پر زور در صدد
تزلزل تو افتند و بنهایت سعی بلیغ مجری دارند البته آگاه باش و
بیدار ذلک من اسرار الغیب نخبرک به کن علی حذر عظیم ع ع



خط اصل

هو

مناجاتیکه مخصوص جناب میرزا محمد ابن عبد الله نوشته شده است که تلاوت نمایند

هو الابهی

قل سبحانک اللهم یا الهی و لک الحمد و لک الشکر بما خلقتنی من طین
عجن بماء محبتک و اظهرتنی من شدة بقوة تأییدک و ربیتنی فی مهد الایمان
و ارضعتنی من ثدی الایقان و انشئتنی فی حضن العرفان بآیات

در تبیین

توحیدک بلغتنی الی اشتدی فی ظل سدرة تفریدک ایرب
کیف اقوم علی اداء الشکر لهذه الموهبة العظمی التی وفقتنی بها بین
خلقک الا بحولک وقوتک التی یستنیر بها البغاث
فی هواء القوة القدرة والعزة والرفعة اذا ایدتنی بها حتی
اقوم علی شکر نعمک والائک فی کل عالم من عوالمک انک
انت القوی الکریم ع ع



خطابات
بواسطهٔ جناب امین

جناب آقا سید حسن جناب آقا سید جلال جناب میرزا رحیم خان
جناب میرزا مسیح خان جناب آقا میرزا نصرالله طالقانی و سایر نهالهای
باغ الهی و نورسیدگان جنت ابهی علیهم بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هوالله

ای شمعهای شبستان محبت الله الحمدلله ابواب فضل مفتوح و صدور
اهل فتوح بآیات هدی مشروح تائیدات ملکوت ابهی پی در پی متوالی
و انوار حقیقت ازاق جان و دل متلالی آهنگ ملاء اعلی بمسامع اهل بها
میرسد و صلای موهبت کبری مبدم بگوش هوش آید این فضل

وجود گوناگون از حضرت بیچون مانند بحور در نهایت موج و هیجانست
لهذا ید غیبی تربیت نفوسی میفرماید که هر یک گلشن الهی را سرو روانند
و حدیقهٔ رحمانی را گل صد برگ خندان در مجامع لاهوتیان شمع روشنند
و در صوامع ملکوتیان شاهد انجمن حضرت امین ببیانی مبین ستایش
از آن یاران نازنین نموده که فی الحقیقه این جوانان خلق جدیدند و این
نورسیدگان تربیت یافتهٔ نور مبین شب و روز آنی فراغت ندارند
و راحت نجویند همواره در گفتگویند و همیشه در جستجو راه حقیقت
پویند مفتون آن روی دلجویند و اسرار هدایت گویند و
چون جناب امین گواه آگاه است و امین درگاه ستایش
ایشان سبب آسایش دل و جان گردید دست تضرع بدرگاه
ملیک ملکوت مرتفع شد و عزیزان را از درگاه الهی طلب
تأیید نامتناهی گردید یقین است که مظاهر الطاف رحمان
گردند و بفوز عظیم رسند و سبب انتشار آثار نور مبین شوند
تا جهان خلد برین شود و نفحات مشکبار جنت ابهی روی زمین را
معطر و عنبرین نماید و علیکم البهاء الابهی ع ع

مقابله شد

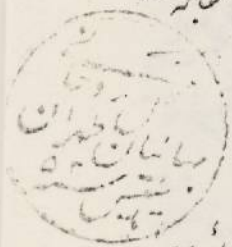

خدمت

بواسطهٔ حضرت علی قبل اکبر

طهران جناب میرزا نصرالله علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای مقبل الی الله حضرت علی قبل اکبر نهایت ستایش را از شما نموده اند
که الحمد لله بنور هدی مهتدی و با نفس زکیه مقتدی هستید
بر قدم پدر بزرگواری و بر اثر آن منجذب ملکوت اسرار ناظر
بافق احدیتی و حاضر در محفل ابرار درس تبلیغ خوانی و بر حجج و براهین
آگاهی یابی از این خبر سرور حاصل گردید امیدوارم که شب
و روز بجان و دل بکوشی و چشم از جمیع شئون بپوشی تا فارغ
القلب مستبشر الروح بتحصیل علوم الهیه و اسرار ربانیه پردازی و
بر برهان ربانی اطلاع یابی و بر دلائل واضحه واقف گردی و زبان
بهدایت نفوس بگشائی و جم غفیر را بشاطی بحر عنایت
برسانی و بنور هدایت دیده ها روشن فرمائی و علیک
التحیة والثناء ع ع

خطابت
عراق عجم بواسطهٔ جناب میرزا آقای قائممقامی علیه بهاء الله الابهی
جناب آقا میرزا نصر الله طالقانی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای یار مهربان نامهٔ بیست و نهم شعبان سنهٔ حالیه که به آقا سید اسدالله
مرقوم نموده بودید رسید مضامین معلوم گردید چون فرصت
نیست مختصر جواب داده میشود اگر مدرسه مکمّل ترتیب گردد بسیار
خوبست الحمدلله موفّق بتبلیغ گشتی و محفل روحانی ترتیب
شد سه نفس مبارک بظلّ شجرهٔ تقدیس وارد و بنور هدایت
مهتدی و از سلسبیل عنایت مرتوی شدند حضرت
میرزا آقاخان فی الحقیقه جان فشانند و در هر موردی همّتی
نمایان مینمایند بجناب آقا شیخ احمد نهایت تعلّق خاطر
این عبد ابلاغ دارید اگر مهلتی حاصل شد جواب نامهٔ ایشان
نیز مرقوم میگردد بجناب آقا مصطفی پیام عبدالبهاء برسان
و بگو ای جان روحانی وقت آنست که بنفس رحمانی چنان زنده
گردی که روح حیات بمردگان بخشی و بجناب آقای اکبر آقا بگو
که عبدالبهاء چون نام تو نوشتند بوجد و طرب آمد امیدوار است که نهایت وله

وجذب یابی وسبب سرور جمیع یاران گردی واما مسئله
معجزات جواب آن انشاء الله مختصراً مرقوم میشود واما سرکار
میرزا کلکن فباطل ماهم یعملون امیدوارم که دراین سفر چنان
موفق شوی که خود حیران مانی بجناب سید فرج تحیت ابدع ابهی
برسان وبجناب آقا میرزا محمود خان بگو امیدم چنانست
که بمقام محمودی بری وبجناب آقا میرزا مسیح ملیح صبیح نهایت
روح وریحان برسانید وعلیک البهاء الابهی عبدالبهاء
عباس

خطاب بواسطه جناب امین علیه بهاء الله

جناب میرزا نصرالله طالقانی علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ای ثابت برپیمان طالقان از قدیم زمان منبت گل وریاحین بود
ومحل انبعاث اسرار وجدان لکن جمیع آن مواهب دل وجان وآزادی
وجدان مقدمات ظهور وبروز مواهب کبری در یوم ظهور رب رحمان
بود نتیجه باید الیوم حاصل گردد وامیدم چنین است که از طالقان نفسی

در نهایت روح و ریحان مبعوث شوند که سبب سرور قلب یاران
گردند و بموجب تعالیم حضرت یزدان سلوک و حرکت نمایند
و باعمال و اقوال و گفتار و کردار سبب انتباه جمیع خلق شوند تو الحمد لله
بخدمت موفقی و بتبلیغ امر الله مؤید و علیک البهاء الابهی ۲۹ محرم ۳۳۸
عبد البهاء عباس
مقابله شد



خطاب

طهران جناب میرزا نصر الله رستگار طالقانی علیه بهاء الله

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ جدید رسید الحمد لله دلیل بر فوزی شدید
بود و نامهٔ پیش را جواب پیش از ورود نامه مرقوم گردید امیدم چنانست
که بآنچه مرقوم شد مؤید و موصوف گردی اسئل الله ان یؤیدک
علی ما ترید و یشرح صدرک بتأیید جدید مختصر مرقوم شد معذور دارید
فرصت ندارم و علیک البهاء الابهی عبد البهاء عباس ۲۰ جمادی (۱) ۱۳۳۸ حیفا
مقابله شد



خطاب

طهران جناب میرزا محمد خان ابن میرزا عبد الله خان کنجه
علیه بهاء الله

هو الله

یا صاحب السجن

ای بندهٔ حق مراسلهٔ روحانی آن جناب واصل از مضمون اگرچه بجهتی محزون شدیم
زیرا دلالت بر تأثر و حزن آن قلب منیر نمود ولی از جهتی دیگر تسلی کامل
حاصل زیرا دلالت بران مینمود که شهرهٔ آفاقی و رسوای مشتاق یعنی
بخریداری آن یوسف رحمانی مشهوری و بسرگشته و شیدائی معروف
ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی واندر همه عالم مشهور بشیدائی
در نامهٔ مجنونان از نام من آغازند زین پیش اگر بودم سر دفتر دانائی
باری شکر کن خدا را که بعشق او شهرهٔ آفاق شدی و بشیدائی آن دلبر
بیهمتا شهیر اهل اشراق زنجیری از آن زلف مشکبار در گردن داری و
بندی از آن کمند عنبر نثار در حلق چه عزت است اعظم از این که رسوای
عشق او هستی و جویای روی او ملاحظه نما که آن شخص شهیر چه قدر نوید بشما داد
ولی بعد از حصول مقصد جلیل غفلت ورزید رسم وفا بنهاد و رسم
جفا مجری داشت پس بدان که بغیر از خداوند مهربان یار وفادار نه
انشاء الله تفقدی خواهد نمود و دل افسرده را فرحی بی اندازه عطا خواهد
کرد توکل باو نما و از دون آن آزاد باش اتکال بر وزراء و وزراست
و اعتماد بر امراء ذلت کبری ای رفیق این را بدان که جز خدا کسی

بکار انسان نمیخورد توکل باو کن ویوم یغنی الله کلاً من سعته بشارت
کبری است بانشخص جواب هر قوم نما من یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله یکفی کل شئ عن کل شئ ولا یکفی عن الله ربک من شئ ودر قرآن
میفرماید ومن یتق الله یجعل له مخرجاً ویرزقه من حیث لا یحتسب
من امید برب مجید دارم واوست مجیر ودستگیر این شهرت
عزت ابدیه من است واین سوائی کامرانی سرمدی من جمیع
اولیاء الهی در ایام خویش رسوای عالم شدند ولی آن رسوائی نبود
عزت ابدیه بود آن بدنامی نبود کامرانی جاودانی بود چنانکه
حال ملاحظه مینمائی که کامکاران عالم بنسبتی از آن رسوائیان فخر
ومباهات مینمایند میرزا آقاخان نوری صدر اسبق بواسطهٔ
شخص مورخ نوری چون نسبت سلسلهٔ خانواده خویش را بجاریهٔ
اباصلت هروی رساند عموم آن خاندان جشن عظیم گرفتند
که الحمدلله این دودمان سلسلهٔ نسبشان بجاریهٔ اباصلت مهربان
رسید واباصلت درزمان خویش رسوای عالم بود وبدنام
پس اهم حال مثبوت شد که رسوائی در سبیل الهی عزت ابدیست
وسلطنت سرمدی فاعتبروا یا اولی الابصار امیدازعون
وعنایت حق چنین است که او ظهیر ونصیر گردد وشما را

از منت هر امیر و وزیر مستغنی فرماید وعلیک التحیة والثناء

ع ع

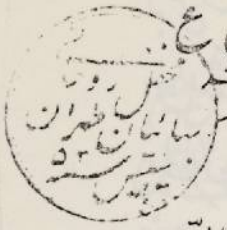

خطابت

طهران

جناب میرزا محمد خان سلیل من عرج الی الرفیق الاعلی میرزا عبد الله

کنجه ئی علیهما بهاء الله الأبهی

هوالله

ای یاد کار آن یار مهربان همان منما که دقیقه ئی فراموش کردی همیشه

در نظری و در خاطری از فضل الهی جا بینما یم که آن بنده آستان

مقدس روز بروز در درگاه احدیت مقرب تر گردد و بفضائلی مؤید

شود که پدر مهربان در رفیق اعلی هزار آفرین خواند و فرح و

شادمانی فرماید وعلیک البهاء الابهی

ع ع

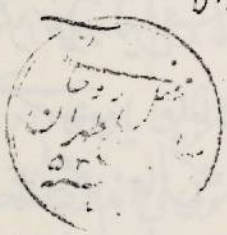

خطابت

طهران

جناب آقا میرزا محمد ابن جناب آقا میرزا عبد الله کنجه ئی

علیه بهاء الله الأبهی

Provided by the Afnan Library

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید اشعار مانند مارژالل بود و در نهایت فصاحت و بلاغت قلب عبدالبهاء از تلاوتش متأثر شد و بدرگاه جمال ابهی بتضرع و زاری پرداخت که ای دلبر آفاق این بنن مشتاق سلیل عبدالله جلیل آرزوی رضای تو نماید تا در صون حمایت از ریاح افتتان و امتحان محفوظ و مصون ماند ای خداوند مهربان این بنن آستان را در کهف عنایت از جمیع عوارض محفوظ و مصون بدار و در دون جهان کامران فرما و سرحلقهٔ عاشقان کن و در جانفشانی سرور آزادگان نما تولی مقتدر و توانا عبدالبهاء عباس

یا صاحبی السجن

خطاب

بواسطهٔ حضرت اسم الله علیه بهاء الله الابهی
مشهد جناب آقا میرزا محمد خان علیه بهاء الله

هوالله

ای ثابت بر پیمان غزل فصیح بلیغ قریحه شد و سلاست و بلاغت

بنمیتهی داشت از خدا میطلبم که این عبد حزین را در عبودیت آستان مقدس با تو
قرین نماید تا در عبودیت شریک و سهیم گردیم لحاظ عنایت الهیه شاملست
و موهبت رحمانیه کامل هر چند عاجز و قاصریم ولی او غافر است و اگر
گنه کاریم او بزرگوار امید بتأیید است و رجا بعطای جمال ابهی اگر بیچارگانیم
ولی سرگشته کوی اوئیم و تشنه جوی او و مفتون روی او و مجنون موی او
و رهبر کوی او لهذا مطمئن بفضل امر زکاریم و امیدوار بموهبت پروردگار تا توانی
قدم ثابت دار تا ثابت گردی و استقامت بجو تا مقاومت بنمائی
این طریق راه روحانیانست و این سبیل منهج ربانیان تا تحمل خار نشود
الفت با گل در گلزار میسر نگردد و تا نیش نه بینیم نوش نیابیم و تا فنا نجوئیم
بقا نبینیم الحمد لله بنور محبت الله رخی منور داری و بنفحات قدس مشامی
معطر پس تا توانی جانفشانی کن تا شادمانی جوئی و کامرانی یابی
هر دم همدم یاد توام و در هر نفس بذکر تو مشغولم از فضل حق امیدوارم که
مانند پدر بزرگوار از صهبای محبت الله همواره سرشار باشی و گرفتار آن
موی مشکبار و علیک التحیة و الثناء ع ع مقابله شد



قزوین بواسطهٔ جناب حکیم باشی

همدان جناب آقا نعمت الله ابن مرحوم آقا محمد جواد نراقی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید مضمون معانی مفصل بود و مطالب مشروح العلل این عبد نمیداند چگونه از عهدهٔ آنچه خواسته اید برآید زیرا قلب شما وسیع و قلم شما سریع و کرم شما دریای محیط ولی این عبد بیچاره مزاج پر اعتلال با وجود این چگونه از عهده برآید ولی بقدر امکان با متثال امر شما پردازم امیدوارم که در تبلیغ بلیغ تبلیغ از ملکوت ابهی بنام تو صادر گردد و هر روز تأییدی جدید یابی بکلی فدائی جمال ابهی گردی و جانفشانی در راه خدا نمائی. یاران الهی اگر از حطام دنیا بهره و نصیب نگیرند و طرفی نبندند الحمد لله کنز ملکوت روانست غنا اینست و ثروت ابدیه چنین با وجود این امیدوارم که الطاف رب رحیم شامل گردد و عسر ظاهر نیز بیسر مبدل شود و فی الحقیقه همدان بلکه ایران استعداد بی پایان دارد لهذا یاران باید جمیعاً زبان بتبلیغ گشایند یعنی هر یک از احبا در سال با یکی از بیگانگان طرح الفت اندازد و در بدایت محبت نماید و رفاقت کند و با عمال و افعال و اخلاق ایمان نماید و چون محبت حصول یافت بتدریج تبلیغ کند باین ترتیب هر نفسی را تبلیغ ممکن از درگاه تأیید توصیف نموده بودید من نیز از احبای همدان در خصوص بسیار ممنون و همچنین از اعضاء انجمن

خوشنودم البتّه جناب مسیو اندره بجان و دل همّت در
تدریس مینمایند از مؤسسین و اعضاء محفل و معلّمین و نفوسیکه اعانت کرده اند
نهایت رضایت را دارم و همچنین از معلّمین مدرسهٔ موهبت بی نهایت
مسرورم اما مسئله زنا این تعلّق بغیر محصن دارد نه محصن و اما زانی
محصن و محصنه حکمش راجع ببیت العدلست و امّا در خصوص والدهٔ مرحومه
مناجاتی در طلب مغفرت شد جوفست و علیک البهاء الأبهی

عبد البهاء عبّاس مقابله شد

مناجات طلب مغفرت بجهت والدهٔ آقا نعمت الله نراقی علیها
بهاء الله الأبهی
هو الله

الهی الهی هذه امة کانت طیّبة القلب خالصة النوایاء صادقة القول
خادمة الأماء حنونة علی الأحبّاء الهی الهی عامل امتک هذه بفضل غیر
متناهی و لا تعاملها بعدلک یا واهب العطاء لکلّ عالٍ و دانی فاغفر
لها جودا علی ابنائها و اهلها و اجعلها آیة رحمتک فی جنّة رحمانیّتک
و سمة مغفرتک فی عتبة فردانیّتک انّک انت الرّحمن انّک
انت المستعان انّک انت الکریم المنّان عبد البهاء عبّاس
مقابله شد

بواسطهٔ جناب آقا احمد قائنی

مشهد جناب آقا نعمة الله ابن آقا محمد جواد نراقی

یا حی یا قیوم

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما واصل و مضمون مفهوم شد بحمد و صعود حضرت والد منا جای متفضل طلب مغفرت مرقوم شد و ارسال گشت و حال نیز جای شما مقبول زیرا یاد کار آن بزرگوارید و در وقت مناجات تضرع و ابتهالی خواهد شد مطمئن باشید که قلب عبد البهاء مهربانست و از خدا میخواهم که بر اثر حضرت پدر مشی و حرکت نمائی و مانند مرغان چمن شب و روز بذکر رب ذوالمنن مشغول شوی امة الله جمیع محترمه را تحیت برسان امیدست که سبب انجذاب شدید در قلوب اماء رب مجید گردد و از خدا میخواهم که فی الحقیقة خیم محترم و برادر روح پرور را خادم صادق باشی و علیک التحیة والثنا ع ع

مقابله شد



مشهد

جناب نعمت الله ابن متصاعد الی الله آقا محمد جواد نراقی علیه بهاء الله الابهی

یا حی یا قیوم

هوالله

الهی الهی ان جواد از داد شوقاً الی لقائک و توقاً الی جوار رحمتک

حتّی طار باجنحة الانجذاب الی ملکوت موهبتک لیتخلّد فی ریاض مغفرتک
وعفوک وعنایتک ربّ ربّ انّه ظمأن اورده علی مناهل الطاف
واحسانک وانّه جائع اطعمه من موائدک وآلائک. انّه عریان
البسه من خلع فضلک واتمنانک وانّه مبتهل اجیره فی جوارک وارزقه
لقائک انّک انت الکریم الرّحیم الوهّاب ع ع

مقابله شد

بواسطهٔ آقا نعمت الله ابن آقا محمّد جواد
جناب آقا محمّد جعفر همدانی علیه بهاء الله

یا حیّ یا قیّوم

هوالله

ای مقبل درگاه الهی فیض ابدی پرتو عرفان بجان و وجدانت مبذول داشت
قدرش بدان وشب وروز بکوش تا این نورانیّت روز بروز روشنتر گردد
وافزونتر شود امة الله صبیه را بذکر حق متذکر نما ونفحات رحمانیّه
مشامش را معطّر کن ع ع

مقابله شد

خطاب به همدان

هوالله

جناب آقا محمّد جواد من اهل ن علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

یا من انجذب بنفحة نفحت من حدائق الملکوت انی لاشتاق الی احباء الله
اشتیاق الظمآن الی الکوثر الحیوان واتوق الیهم بقلب طافح بذکر الرحمن
واتذلل الی ملکوت الله وجبروت ربی الابهی ان یحیی قلوب الابرار
بانفاس طیب عبقت من ریاض محبة الله ویؤیدک علی نشر النفحات
بقوة من الله ع ع



همدان

جناب آقا نعمت الله نراقی سلیل من ادرک لقاء ربه جناب آقا محمد جواد
علیهما بهاء الله الابهی

هو الله

یا صاحبی السجن

ای ثابت پیمان تحریر شما رسید و از مژده اجتماع احباء کلیمی و
فرقانی در یک محفل نهایت سرور حاصل گردید از الطاف جمال مبارک
روحی لاحبائه الفداء امیدم چنین است که بکلی ذکر فرقانی و کلیمی از میان
برود و عموم بتعبیر بهائی فائز گردند لزوم بتعبیر فرقانی و کلیمی نه
زیرا هر دو طرف بهائی حقیقی هستند این عنوان فخر هر عنوانی
و این اسم و لقب سبب مباهات عالم انسانی الحمد لله محافل اناث

نیز در آنمدینه اساس یافت یقین است که سبب حیرت ناس
گردد بامة الله ضجیع آقا عباس از قبل عبد البهاء نهایت
مهربانی ابلاغ دار و هم چنین بضلع مرحوم آقا سید احمد
امة الله المطمئنه بشارت الطاف الهی ده و اما مدرسه تائید
باید البته حسن انتظامش هر روز تزیید یابد و ترقی جدید نماید
و از سائر مدارس امتیاز کلی جوید تا بدرگاه احدیت نسبت
حقیقی حاصل نماید من از ملکوت ابهی این مدرسه را تائید بی‌منتهی
طلبم و طلب مغفرت از برای حضرت آقا ابو القاسم
نراقی نمایم اللهم یا ملجاء المضطرین و ملاذ المخلصین
ان عبدک من سمیته فی ملکوتک بابی القاسم قد اقبل الیک
و توکل علیک و آمن بک و بآیاتک و سجد لک
یوم سطوع انوارک رب ان الاشقیاء هجموا علیه بسیوف مسلولة
و سهام مسمومة و رصاص مقذوف و سنان ملحوب و
قطعوه اربا اربا و زادوا ظلما و استکبارا و ما نقموا منه الا ان
آمن بک و بآیاتک الکبری رب اجعله آیة الغفران و امطر
علیه غیث العفو و الاحسان و افتح علی وجهه باب الجنان و ادخله فی روضة الرضوان

وجرّعه من عین التسنیم فی جنّة النعیم واسمح له باللقاء وخصّصه بالرحمة
الکبری واجعل له مقاماً علیّاً انّک انت الکریم انّک انت
الرحمن الرحیم واما صلوة در سفر چون فوت گردد قضا
لازم و نقصان غیر جائز واما الامام الثانی عشر حضرت
نقطهٔ اولی بودند و موعود فرقان در آن کور امام ثانی عشر
بودند و در این کور طلعت اولی مبشّر بظهور موعود بیان
من یظهره الله ولی امام حسن عسکری علیه السلام را بروایتی ضعیف
طفلی بوده و بعد فوت شده اند احادیثی در این خصوص واضح
و مشروح در رسالهٔ جناب حاجی میرزا محمد افشار مردی
و مذکور مراجعت بآن کتاب نمائید قناعت حاصل میشود
واما محلّیکه بجهت مشرق الاذکار تعیین گردید و هنوز تعمیر
نیافته تبدیلش جائز ولی در این ایام بصوابدید محفل روحانیان
و در مستقبل بتصدیق بیت العدل هر وقت که تأسیس یابد
واما بیع محلّ مشرق الاذکار بجهة تعمیر مشرق الاذکار دیگر این حکم راجع به بیت العدل است
هر وقت تشکیل شود قراری خواهند داد بامة الله المطمئنه
صحیح محترمه از قبل من تحیّت ابدع ابهی برسان

وبکو تکالیف نساء در مقابل رجال در الواح الهی نازل بآن مراجعت نمائید
وبموجب آن عمل کنند مختصرش اطاعتست و در حق ابوین آن
امة الله طلب مغفرت از درگاه الهی گردید وعلیها البهاء الابهی ع ع



مقابله شد

هو الابهی

خط اصل

هم جناب آقا محمد جواد نراقی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای آیت جود سلطان وجود چندی پیش نامه ارسال گشت و عقد
لئالی نثار شد و حرفی از لوح اسرار محبت الله اظهار گشت حال نیز
چون بحر وفا بموج آمد و نفحه مسک ولا از اوج علا ساطع شد قلب
در وجد و حرکت آمد و جان در وله و بشارت خامه ذکر برداشته
که نامه بیاد آن سرگشته بادیه عشق الهی بنگارم که تا قمیص جدید پوشد
و بصر حدید بگشاید و روحی تازه یابد و حرارتی بی اندازه شعله زند و نعره
برارد جامه درد آواز رازی برارد محفلی بیاراید و میوه ببار آرد
آستینی بیفشاند و بآنچه لایق سزاوار ایامست قیام نماید ع ع



مقابله شد

هو الابهی

خط اصل

جناب اخویرا بکمال اشتیاق با بدع اذکار مکرم بجهت ایشان
انشاء الله من بعد مخصوص نامه ارسال میشود

مقابله شد

هوالله

ط جناب آقا سید احمد صدر علیه بهاء الله الابهی

خط امنع هوالابهی الأبهی

یا من نشر نفحات الله خدمات آنحضرت در آستان مقدس مشهود و محمود و تأییدات از جمیع جهات بعون الله موجود مطمئن باشید رب ایّد هذا العبد المنقطع الیک انخادم لمشافاتک انّا نشر لنفحاتک علی عبودیّة عتبتک المقدّسة انک انت الکریم الرّحیم ع ع اگر ممکن باشد که چند صباحی در همدان و اطراف آن اعلاء کلمة الله بفرمائید بسیار محبوب زیرا احبّاء بسیار التماس مینمایند ع ع مقابله شد

هوالله

جناب ابوی آقا فضل الله جناب آقا محمّد جواد علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

خط امنع هوالله

یا من اشتعل بالنّار الموقدة تنفّس صبح الاشراق بانوار المیثاق و لاح فجر الوجود بنور الشّهود فی الیوم المشهود والغافلون لفی سکرتهم یعمهون

قد هاج ارياح الفلاح وماج بحار النجاح وتفجرت ينابيع الألطاف
وسالت سيول الاحسان والتاثهون لفي ظمأ واحتراق
ذرهم في خوضهم يلعبون ع ع

هوالله

همدان احبّای الٰهی علیهم بهآء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هوالله

ای دوستان حمن و یاران یزدان جهان جولان گاه سواران حقیقت است
و میدان رزم جنود ملکوت سلطان احدیت تا سپاه ضلالت را
صف شوکت بشکنند و لشکر جهالت را دفع صولت کنند
و جنود نور شهاب ثاقب هجوم آرد و افواج ظلمت دیجور را مقهور کند
و نور انیّت هدایت کبری عرصهٔ گیهان را رشک سپهر رخشان نماید
و صولت و شوکت پرتو یزدان قوّت و سطوت اهرمنان را نابود
فرماید حال جمعی از سواران در میدان در جولانند و عربده
در پهن دشت گیهان انداخته اند هوس استیلا دارند و سودای
فتح و ظفر بر قلاع و دیار هیهات هیهات ای شهسواران
مضمار توحید و ای لشکر مظفر ملک تجرید شما مؤیّد بجنود
ملکوت ابهی هستید و منصور بتعضید من ملائکة الملأ الأعلی

همّتی کنید و در این میدان جولانی نمائید و گوئی بیفکنید و چوگانی
بزنید و بسیف انقطاع از ما سوی الله و سنان توجّه الی الله و تیغ بیان و تیر
تبیان هجوم آرید تا ظلمات بکلّی از مطالع آفاق مفقود گردد و جهان
تاریک روشن شود ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الله

احبّای همدان علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای دوستان جمال ابهی افق آفاق بنور میثاق روشن است و ساحت
وجود بحدائق ملکوت گلشن انوار در سطوع است و آثار در شیوع
الحان طیور قدس در صعود و لوائح اعلاء کلمة الله ظاهر از افق وجود
عاشقان در وجد و طربند و والهان در جذب و شعف
تشنگان در لب دریای بی پایانند و طالبان در سر سفرهٔ لطف
و خوان احسان ولی صد حیف و افسوس که افسردگان مخمودند
و پژمردگان همدم حسرت غیر محدود با وجود آنکه تجلّی فیض عالم
گیر است و موهبت ملکوت ابهی محیط بر خطیر و حقیر و آهنگ
ملأ اعلی واصل بگوش هر برنا و پیر باز برودت است و خمودت است
و جمودت است که افسردگان را احاطه نموده
ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط اصل

همدان جناب آقا محمد جواد نراقی علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی الابهی

ای ثابت بر پیمان خلوص و ثبوت و رسوخ شما در نزد این عبد واضح و مشهود و تأییدات ملکوت ابهی شامل مطمئن باش و متیقن که قوت میثاق طهیر نصیر است الحمدلله نورانیت امر مبارک آفاق را روشن نموده و نعره یا بهاء الابهی از جمیع آفاق بلند است مکتوب جوف را بجناب صدر ارسال فرمائید ع ع

هوالابهی

خط اصل

کرمانشاهان

جناب آقا محمد علی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ای چراغ افروخته از نار موقده هر چند بظاهر هزار فرسنگ دوری و مهجوری و از بادیه اشتیاق مخموری ولی بحقیقت صد هزار فرسنگ حکم قدمی دارد و مسافت کوه و بیابان و صحرا مانع و حائل و حاجب نگردد اگر از جهت بصر دوراست ببصیرت نزدیک است و اگر از جهت جسم بعید است الحمدلله بقلب و روح قریب است پس ای مخمور صهبای

عنایت سلطان ظهور بنظر دل و جان بنگر تا خود را در محفل یاران حاضر بینی
و ببصر مشتاقان ملاحظه نما تا خود را در انجمن دوستان موجود و مشهود نگری
گوش هوش متوجه ملکوت غیب فرما تا ندای جمال ابهی و سروش جبروت اعلی
استماع کنی والبهاء علیک ع

هو الله

بواسطهٔ جناب امین

جناب آقا محمد جواد نراقی علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

یا من استشرق من انوار المیثاق طوبی لک بما وفیت بعهد الله و ادیت
امانة الله و ارویت الظماء العطاش من سلسبیل میثاق الله و تسنیم حب الله
اسئل الرب البر الرحیم ان یکافیک علی هذا العمل العظیم بالاجر الجزیل فی
رفیقه الاعلی و وصید ملکوته الابهی انه یؤید من یشاء و یوفق من یشاء
و یختص برحمته من یشاء ان الله علی کل شیء قدیر الحمد لله آن یار صادق
چون کوکب بازغ و نجم بارق از افق ثبوت طالع و لائح فاحمد الله و اشکره
علی ذلک ع ع مواظبت امر الله بسیار لازم زیرا خفاشان در گوشه
و کنار در پرواز و بصورت با ثبوت و بسیرت ناقض بجهت القاء شبهات
در اطراف چون جراد منتشر گشته و خواهند گشت شرک محض را اسم
توحید نهاده اند و بی عصمتی عظمی را عصمت کبری نام نهاده اند چه که عهد

وميثاق را عين خطا شمرده اند وتعيين وتخصيص محبوب آفاقرا سهو ونسيان
دانسته اند تبا لهم وتعسا لهم ع ع مقابل شد



قزوين بوساطة حضرت حكيم

نزاق جناب آقا محمد باقر جناب آقا محمد علی ابن آقا ملا ابوالقاسم
جناب آقا حبیب الله ونجل سعید شان آقا علی جناب آقا محمد کاظم و
سلیل مجید شان آقا علی جناب آقا نعمت الله ابن من فاز بالرفیق الأعلی

یا حی یا قیوم آقا محمد جواد علیهم بهاء الله الأبهی

هو الله

ای یاران عبد البهاء الحمد لله در سبیل الهی جام بلا نوشیدید وسهم
جفا چشیدید واز ما دون آن دلبر یکتا بریدید وباوج رفیع پریدید وبمقصود جمیع
اولیا رسیدید ندای الهی شنیدید وآیات کبری دیدید ومفتون آن مه تابان
گردیدید جانفشانی نمودید وبجانفشانی کامرانی فرمودید آن یار مهربان را بنده
باوفا شدید وجانثار دل وجان فدا کردید ولی ستمکاران جفا
روا داشتند ودرندگان بنوخواری برخواستند یکی مانند یزید پلید تشنه
خون مرغان گلشن توحید گردید ویکی مانند ولید عنید بدرندگی اغنام الهی پرداخت
آنچه خواستند نمودند ودست تطاول گشودند ولی حمد خدا را که احبای الهی
در صون حمایت حضرت ناتمنای قدم ثبوت نمودند ومقاومت آن سیل

Provided by the Afnan Library

ضلالت کردند جام بلا را شهد بقا شمردند و سم قاتل را قند مکرر دانستند
و بچوگان همتی گوی عافیت از میدان ربودند شکر کنید خدا را که چنین
استقامت نمودید و قدم ثابت راسخ نمودید و جان را رایگان در سبیل
جانان شایان فرمودید عنقریب ملاحظه فرمائید که رایت
کلمة الله بلند است و آیت موهبت در انجمن یاران با لحان روحانیان
بلند انوار هدایت کبری از ملکوت ابهی چنان بدرخشد که ظلمات
پی در پی بکلی متلاشی گردد هر نفس عنودی فریاد برارد که من هر چند بظاهر بیگانه
ولکن بدل آشنا بودم و پیش از ظهور مؤمن گشتم و قبل از خطاب الست بلی گفتم
یومئذ یفرح المؤمنون الحمد لله نفوذ کلمة الله آفاق را مسخر نموده و نفحات
قدس مشام اهل خاور و باختر را معطر فرموده جمیع ملل حیرانند که این چه صوتیست
و چه صیتی و چه آهنگیست و چه کلبانگی و چه اشراقی و چه نقطهٔ احتراقی
وعلیکم التحیة والثناء ع ع

خط اصل

ای یاران روحانی من نراق در اوائل ظهور نیر اشراق بمحبت شمس حقیقت مشهور
آفاق گشت شور و وله و جذب و شوق کل را احاطه نمود و روز بروز در ازدیاد بود
تا آنکه آن سرمای زمهریر وجود نامبارک جعفر اعرج نفسش تأثیر نمود بعضی
از بیخردان یعنی معدودی عنود پا گرفت و مضمحل شدند ولی از نحوست نفس و نفس
آن کرهٔ زمهریر تأثیر باقی ماند حال یاران الهی که کواکب دری و درخشنده فلک
اثیرند باید چنان شعله زنند که تأثیر آن زمهریر را بکلی زائل نمایند و نراق دوباره برج

اشراق کرده و کل مفتون و لبر آفاق شوند وصوت وصیت یا بشری بملاء اعلی
رسد ع ع سواد این مکتوب را باطراف ارسال دارید ع ع



هوالله

خط اصل جناب ج وبا علیهما بهاء الله الأبهی

ایرب هذان عبدان همرالله قد التجأا الی کهف رحمانیتک ولاذا الی
عتبة ربانیتک وتوجها الی ملکوت صمدانیتک واخلصا وجههما فی
وتمسکا بعروتک الوثقی یا مالک الآخرة والأولی ایرب وفقهما
علی خدمة عبادک وایدهما برضائک وارفعهما فی ملکوت الوجود
وازهما بانوار فضلک فی عوالم الغیب والشهود انک انت الکریم الودود
ع ع

مقابله شد



بواسطهٔ جناب آقا میرزا نعمت الله نراقی

همدان اعضاء محفل تبلیغ جناب استاد احمد زرگر جناب آقا غلامعلی امزاجرد
جناب استاد عبدالله بزاز جناب آقا حسین آقاحسن جناب میرزا مراد زرگر جناب
آقا شیخ علی کربلائی جناب آقا غلام خیاط جناب استاد محمد علی خیاط جناب
مشهدی علی عطار جناب آقا نعمت الله نراقی جناب استادان نهاوند
جناب آقا عبدالمحمد خادم علیهم بهاء الله الأبهی

Provided by the Afnan Library

هو الله

ای نفوس مبارکه محافل در هر دیار موجود و آشکار ولی نام این محفل آرزوی اهل دل دلیل
بر تبلیغ است و از ملکوت ابهی مشمول بیریغ بلیغ محفل یعنی نشر نفحات الله
نه مجمع محفل یعنی خشوع و خضوع با حبّاء الله محفل یعنی اعلاء کلمة الله محفل
یعنی تنزیه و تقدیس از ما سوی الله اینست محفل روحانی اینست انجمن
الهی اینست مجمع ربّانی عبدالبهاء را نهایت تأسیس چنین محفل است
و او خادم محفل زیرا این خادمی اکلیل سلطنت ابدیست و این بندگی
آزادگی از دو جهان پس ای یاران الهی بجان و دل بکوشید تا در محفل
آسمانی و انجمن ملکوت ابهی عضوی ابدی گردید و رکنی سرمدی و علیکم
البهاء الأبهی عبدالبهاء عبّاس مقابله شد

همدان احبای الهی فرقانی علیهم بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن

هو الله

ای یاران عبدالبهاء حمد خدا را که نسیم جنّت ابهی یاران را بوله
و حرکت آورده و رشحات سحاب عنایت طراوت و لطافت
بخشیده و نغمه و آهنگ ملکوت ابهی بوجد و طرب آورده این خبر
سبب سرور و حبور عبدالبهاء شده لهذا وجدی موفور و شوقی مافوق

تصوّر اهل شعور حاصل گردیده و بدرگاه احدیّت عجز و نیاز شده که یارانرا وجدی
جدید و سروری بدیع حاصل گردد و روز بروز نفحات الهیّه انتشار یابد و نفوس
ترقّی کند و قلوب پاک و مقدّس از هوا و هوس گردد نور وحدت
انسانی پرتو افکند و یگانگی آزادگان و اتّحاد یاران جلوه نماید
سرور و حبوری بی اندازه حاصل گردد عقول حیران ماند و نفوس شادمان
شود و علیکم البهآء الأبهی ع ع مقابله شد



بواسطهٔ جناب آقا نعمت الله نراقی

احبّای الهی و امآء رحمن در همدان و امزاجرد و بهار و حسین آباد و غیرهم
علیهم و علیهنّ البهآء الأبهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای احبّای عزیز الهی و ای امآء محترمهٔ ربّانی این بنده آستان بها
چندیست باقلیم مصر وارد و در این کشور ایّامی بسر میبرد مدّت چهل
سال در زندان ظلم و اعتساف در نهایت مشقّت و عذاب بود و در زیر
شکنجه و عقاب دو حکومت استبداد هر دم بهانه ئی مینمودند
و باهانتی میپرداختند و اذیّتی مجری میداشتند کسیرا گمان نبود
که عبد البهآء دقیقهٔ امان یابد همواره در زیر شمشیر بود و در تحت
تهدید عبد الحمید با وجود این الحمد لله بعون و عنایت

جمال مبارک فتور ننمود و مقاوم اهل شر و ریا بود و متضرع بدرگاه
ربّ غفور و مقر و معترف بقصور تا آنکه آوازهٔ ملکوت راز
جهانگیر گشت و صیت حضرت مقصود در آفاق وجود منتشر شد ارکان
امکان باهتزاز درآمد و کوکب درخشندهٔ لامکان بر جمیع اقالیم تابان
و تابان شد صریر قلم اعلی کوشزد اقالیم قصوی گردید و هدیر
حمامهٔ وفا تودهٔ غبرا را جان بخشید خیمهٔ وحدت عالم انسان
در قطب امکان بلند شد علم توحید بین امم در اوج اعظم
موج زد و نفحات قدس منتشر شد مشام اهل انس معطر
کشت جنت ابهی تزئین یافت و اسرار الهی تلقین گشت
بلبل معانی کلبانگ رحمانی زد و اسرار معنوی بیان نمود نسیم
جانبخش حبّ عموم وزید و پرتو شمس حقیقت آفاق عالم را منور
کرد حال وقت آنست که یاران بترویج خلق چمن پردازند و
بموجب وصایای جمال مبارک بمحبّت جمهور مشهور گردند و بتمشیت
تعالیم الهی برخیزند و بموجب نصایح جمال مبارک عمل نمایند
تا احکام رحمانی و تعالیم ربّانی و فرائض ایمانی از حیّز سطور بحیّز ظهور
آید و حصول پذیرد و این شجر ثمر بخشد و این کشت آبیاری گردد
جمیع اعمال و اخلاق را باید تطبیق بآیات کتاب نمود و بموجب

تعالیم الهی حرکت کرد و سبب نورانیّت جهان و ظهور رحمانیّت در عالم
انسان شد ای یاران وای امآء رحمن ید عنایت احبّا را ردائی
از مواهب آسمانی در بر کرد و تاجی از فیض نامتناهی بر سر نهاد تا
در این رستخیز عالم انسانی جلوهٔ ربّانی نمایند و چهرهٔ نورانی
بنمایند و به تنزیه و تقدیس عالم فانی بیارایند پس باید کلّ
بجان و دل متّفق شویم تا باین الطاف و فیوضات متحقّق گردیم عالم
بشر را رهبر شویم و نوع انسان را مونس دل و جان گردیم قلبی
گلشن جوئیم و جانی بجانان رسانیم روش دلبر مهربان گیریم
و این راه را بپایان رسانیم ملاحظه نمائید که طلعت
مقصود و حضرت موعود در ایّام نامحدود چه صدمه و بلائی و مشقّت
و ابتلائی و حبس و زندانی و تاراج و تالانی و اوارگی و بیسر و سامانی و نفی
و سرگونی پی در پی تحمّل فرمودند تا آنکه تأسیس وحدت عالم انسانی گردد
و بنیان بیگانگی برافتد و دلبر یگانگی جلوه نماید اهل عالم تربیت
کردند و بنورانیّت الهیّه فائز شوند و موهبت آسمانی جویند و سعادت
دو جهانی طلبند پس ملاحظه فرمائید که ما باید چگونه بشکرانه
پردازیم و روش و حرکت نمائیم وقت را از دست ندهیم
ایّام را غنیمت شمریم بهدایت خلق پردازیم و نفوس را بیدار

کنیم و غافلانرا هوشیار نمائیم و علیکم و علیکن البهآء الأبهی ع ع

بخط مبارک مولد صحیح این نامه را بطهران نزد آقا میرزا علی اکبر میلانی علیه بهاء الله الابهی بفرستید که طبع نموده انتشار دهند ع ع
تمت بعلیه شد

همدان

بواسطهٔ جناب آقا نعمت الله

جناب حاجی آقا خان نراقی جناب آقا محمد باقر نراقی جناب آقا میرزا عنایت نراقی جناب استاد احمد و خاندانش جناب قربانعلی امزاجردی جناب کربلائی محمد جعفر جناب آقا غلامحسین و سایر دوستان همدان و امزاجرد و بهار و عراق و توسرکان و بیجار و اطراف

علیهم بهآء الله الأبهی

هو الله

الهی الهی تری هذه الوجوه الناضرة بنور الهدی و هذه الأعین الناظرة الی ملکوتک الأبهی و هذه القلوب الطافحة بمحبتک بین الوری و هذه الصدور المنشرحة بآیات توحیدک فی بسیطة الغبرآء رب انهم ترکوا حضیض الأوهام حتی یناغوا السبع الطباق فی اوج العرفان رب ایدهم بالحجة والبرهان و وفقهم علی العلم والتبیان و انطقهم بالدلائل التی تخضع لها الأعناق و تخشع لها الأصوات رب انهم فقرآء اغنهم بکنوز ملکوتک و اذلآء عززهم بفیوضات لاهوتک و ظمآء جرعهم من عین

التّسنیم وعرات البسهم قمیص التّقدیس انّک انت الکریم انّک
الرؤف اللطیف انّک انت الفضّال القدیم عبدالبهاء عبّاس



خط اصل

هو الابهی

ای حبیب قدیم و مونس دیرین آنچه مرقوم نموده بودید بکمال انبساط
و نشاط قرائت کردید عهد قدیم بخاطر آمد و یار و ندیم بیاد آمد
بهجت و مسرّت آورد در هر دمی همدم دلی و در هر ساعتی حاضر
خاطر چه که یار دیرینی و مونس قدیم از فضل حق امید است
که در کلّ عوالم همدم باشیم و در ساحت ملکوت دمساز و مبدم
بفضل موفور سلطان ظهور مطمئن و مسرور باش والبهاء علیک
ع ع

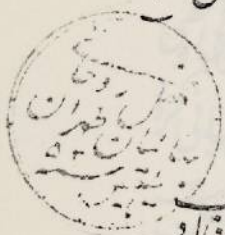

خط

هو الابهی

ای بنده بها ای محمّد باقر اطفال را در دبستان الهی داخل کن و چون ادیب
عشق تعلیم حقائق و معانی ده تا بقوّه ملکوتیّه ببلوغ رسند و از شمس حقیقت
فروغ گیرند و هر یک معلّم آفاق گردند و از اهل اشراق شوند
ع ع



Provided by the Afnan Library

خط بهی

الهی الهی ادرک عبدک محمدی بعفوک و غفرانک و ادخله
فی جنة احدیتک و اسقه کاس اللقاء من ید رحمتک و ارزقه
مائدة العطاء بجودک و احسانک انک انت الغفور ع ع

۲ انک انت الکریم

خط بهی

هوالابهی

ای عبد الهی خوشا بحال تو که موفق بخدمت پدر شدی و سبب آسایش
آن مقرب جلیل اکبر هستی قدر این پدر سرور بدان و شکر کن که پسر این
مهر پروری جمال مبارک روحی لاحبائه الفدا نهایت عنایت را در حق
او داشتند والبهاء علیک ع ع

خط اصل

هو

طلب مغفرت بجهت جناب آقا حسین علیه بهاء الله الابهی

خط بهی

هوالابهی

یارب الجنود و مربی الوجود و موجد کل موجود اترامی فی سدة رحمانیتک
علی التراب و رجته عتبة فردانیتک ان ترسل نفحات قدس
عفوک و غفرانک تعطر مشام عبدک الحسین نور الخافقین الذی
حل مساطیبة بصیب رحمتک الفائضة من الرفیق الاعلی ایرب نور

وجهه

وجهه بشعاع ساطع من مقعد قدسک الأبهی وافض علیه بحار
المواهب الکبری واجره فی جوار مغفرتک العظمی انک
سمیع الدعاء وانک انت الغفور التواب

ع ع تبلیغ شد

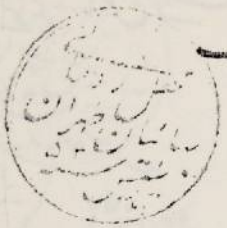

هوالأبهی

خط امین — جناب آقا عبدالحسین من اهل الکاف علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالأبهی

ای موقن بآیات الله اگر در سامعهٔ جسم خللی عارض و در اذن غیر واعیه
فتوری حاصل غم مخور و محزون مباش چه که سمع رحمانی و اذن واعیهٔ
روحانی بفضل و فیض کلمات الهی باز گردد این کوش از اصل بهشت است
و این سمع معرض صد هزار خطر پس از خدا بخواه که سمعی عنایت
فرماید که ندای جمال ابهی را از ملکوت ابهی استماع نماید و اذنی
احسان کند که واعیه و سامعهٔ نغمات طیور بقا گردد الحمد لله
بفضل جمال قدم روحی لاحبّائه فداموفق بر کتابت آیات الهی هستی و اوقات
خویش را در اعظم خدمات صرف مینمائی چه نعمتی فی الحقیقه اعظم
از این موهبت است فسوف تری آثارها فی مقعد صدق

عند ملیک مقتدر چه که مثوبات دنیوی موقت است والباقیات
الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر عملا ع ع مقابله



بواسطه جناب آقا غلامعلی

هو الله

جناب میرزا عبدالحسین ابن همشیره حرم ک علیه بهاء الله الابهی

الله ابهی

خط اصل

ای ثابت بر میثاق الهی خوشا بحال تو که چون بنیان از صفائح حدید بر عهد
جدید ثابت و پایدار گشتی و در امر جمال بیمثال مستقیم و استوار
شدی و مظهر تحسین ملاء اعلی شدی و مورد تکریم سکان جبروت
اوادنی در ستایشت این بس که بهیچ حجابی محتجب نشدی و بهیچ عرضی
منسوب نشدی خداوند ستایش تو نموده و مدح و تمجید تو فرموده
لا تأخذهم فی الله لومة لائم فرموده الیوم ستایشی اعظم از ثبوت
بر پیمان نه و تمجیدی اعلی از استقامت نیست باین موهبت عظمی
مسرور و خوشنود باش و در انجمن ثابتان شمع مشهود باش
چه که فیوضات مقام محمود بر تو فائض و الطاف سلطان وجود بر تو شامل

فاشکرالله علی ذلک جمیع یاران آلهیرا تکبیر برسان ع ع

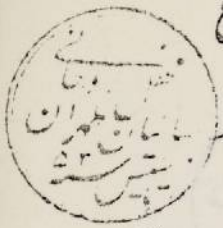

خط اصل

هوالله

ای موقن بآیات الله حمد کن حیّ قیّوم میرا که بنور هدی که مشرق گشت از ملکوت ابهی در سدرهٔ منتهی مهتدی شدی و بعون و عنایت حضرت احدیّت در ظلّ کلمهٔ رحمانیّت داخل گشتی و از چشمهٔ حیات آبی نوشیدی و در سبیل نجات کوشیدی حال بقوّتی الهی و قدرتی رحمانی در زیر علم عهد الطی در رایت میثاق صمدانی چنان شجاعت و شهامتی بنما که جنود شبهات اهل ضلالت در مغرب نیستی متواری گردد چه که آفتاب عهد یزدان در اعظم نقطهٔ حرارت و سورت و اشراقت ع ع



خط مبارک

هوالله

حضرت مؤیّد علیه بهاء الله الأبهی

ای یار دیرین و همدم قدیم در زندان عکّا ایوان کسری بود و جنّت علیا زیرآن سجن و زنجیر در سبیل یوسف رحمانی و چون رهائی

حاصل تسلّی خاطر نماند و خود را خائب و خاسر یافتم و مریض و سقیم
گشتم لهذا باقلیم مصر شتافتم و امید خدمتی بآستان مقدّس
داشتم ولی افسوس که مور بی نام و نشان را حشمت سلیمان
ممتنع و محال با وجود این حرکت مذبوحی شد و جام صبوحی بدور
آمد و در خطّه مصر غلغلهٔ افتاد و ولوله بلند شد پس بی درنگ
عزم فرنگ شد حال با لطاف حضرت بیچون در تونون در ساحل
دریاچه جینوا از حسرت آستان مقدّس فغان برآرم و زمان الفت
با شما را بخاطر آرم و هر روز جمعی از رجال و نساء اوربا حاضر و بذکر
دوستان تسلّی خاطر حاصل امروز عازم پاریس شویم و با سلاله
لویس و گروه فرانسیس از مراتب تقدیس دم زنیم ولی بعید بنظر آید زیرا
این گروه پرشکوه هرچند پرخطّ و خالند ولی اسیر عالم طبیعت و بی
مجال و هرچند طیور مشکورند ولی محروم و بطئ الشعور هزار گلزارند
ولی بی شهناز بلبلان جهان مدنیّتند ولی بی بانگ و آواز
نه آهنگی نه نوائی نه گلبانگی و نه شنوائی با وجود این از رحمت پروردگار
امیدواریم که عاقبت ناقوس ملکوت ابهی و کوس ملاء اعلی
ولوله و غلغله اندازد و نعرهٔ یا بهاء الابهی هیجانی شدید انگیزد
و فریاد یا بشری یا بشری بمسامع اهل صوامع ملکوت رسد

۱۸۰۱۸

تا چه کند قوّت بازوی دوست فیض روح القدس ار باز مدد
فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد ع ع



۲۳ ربیع ا
۱۳۲۸

بغداد حضرت مؤیّد علیه بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السّجن

هو الله

یا من انقذه الله من مخالب الذّلّ و الهوان نامهٔ مفصّل شما رسید
حین قرائت بسیار بشاشت حاصل گردید که اگر از سمت بادکوبه و رشت
مراجعت میفرمودید حال در سیر و سیاحت ملکوت بودید یقین است
هیچ شبههٔ در آن نیست و هرچه آنحضرت اظهار مشقّت سفر راه بغداد
فرمودید ابداً دل و جان راضی نشد که از راه دیگر سفر بفرمائید الحمد لله
بنهایت راحت و آسودگی و خوشی ببغداد رسیدید و مخابره فرمودید
حال بر جناب حکمت آنچه گفته شد واضح و آشکار گشت لهذا بموجب
همان دستور العمل که حکمتش محقّق شد عمل فرمائید احتیاط شرط است
و مفتریات بسیار و بهتان عظیم در کار این عبد بآنجناب در ایّام
استبداد مرقوم نمود که بکمال قوّت ملاحظهٔ مشروطه طلبان را بنمائید
و محافظه و صیانت کنید تأکید شد حال معلوم و واضح گشت

که حکمت آن چه بود باری توکّل بخدا کن وتوسّل بذیل کبریا جو
حقیقت حال لابد آشکار گردد واین غبار احزان بنشیند واین آوار
مبدّل بآسودگی شود مطمئن باش بفضل حق امیدوارم این انقلاب
حالت مبدّل بسکون شود واین اضطراب قلب باطمینان
محوّل گردد بمتعلقین از قبلِ عبدالبهاء تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دارید و
همچنین یاران رحمانی نهایت اشتیاق بیان فرمائید وعلیکم البهاء الابهی
ع ع

طهران

جناب مؤیّد السّلطنه وجناب میرزا یونسخان علیهما بهاء الله الابهی

هُوالله

ای ثابتان بر پیمان جمال مبارک بقلم اعلی عهد وثیقی ومیثاق
عظیمی تأسیس نمود وبموجب عهد ومیثاق باید کل باطاعت وانقیاد
نمایند مفرّی از برای نفسی باقی نگذاشتند وبشرطی مشروط نفرمودند لهذا
در هر امر مهمّی که تعلّق بعموم دارد باید احبّای الهی استیذان نمایند واجازه
طلبند وآنچه از قلم میثاق صادر مجری دارند هذا هو الحق حال
احبّای الهی باید شب وروز بکوشند تا ترویج کلمة الله گردد ونشر
نفحات الله شود این امر مهمّ است وتشبّث بما دون سبب

فتور کردد هرچند نوایا خالص است ومقاصد خدمت امر ولی
باید آنچه از قلم میثاق صادر مجری کردد وآن اینست که احبای
الهی حصر افکار در تبلیغ امرالله نمایند اوّل باید بایحتاج بنارا
حاضر کرد پس به بنیان پردا خت تا سنک وآهک بدرجهٔ کفایت مهیا نکردد
دست بنیان زدن ویا بفکر نقش ونکار افتادن سبب فتور شود
حال ما نند عبدالبهاء باید جمیع احبّا فکر خویش را حصر در اعلاء کلمة الله نمایند
بعد از حصول مقصود باید بنظم وترتیب پرداخت افکار را متفرّق
نمائید زیرا تشتّت حاصل میشود جمیع همّت را حصر در امری که اهمّ
امور است نمائید وآن تبلیغ امرالله است چنانکه جمیع الواح مبارکه حصر
در اینست در هیچ لوحی ذکر دون آن نه ما آنچه بکوشیم وتصوّر نمائیم
ابسته آنچه از قلم اعلی صادر آن مواقق در ایّام مبارک چکونه بود.
همان باید مجری شود وما دون آن اهمّیّتی ندارد عبدالبهاء بجهت اعلاء
کلمة الله ونشر نفحات الله از عتبهٔ مقدّسه که روح وروان اوست هجرت نموده
واز تقبیل استان آرزوی دل وجان مهجور کشته محض اینکه بلکه موفق بخدمتی
وعبودیّتی شود وهیچ فکر وترتیبی جز اعلاء کلمة الله ندارد چکونه سر از حجاب
برآورم بر دوست که خدمتی بسزا بر نیاید از دستم زدست

ع ع

هوالابهی

خط امین

ای متوجه بملکوت ابهی ورقهٔ مبارکه خالهٔ خانم در جمیع اوقات ذکرت را در انجمن رحمان مینمایند ودر محافل انس یادت می کنند ودر تضعه مبارکه دعا مینمایند که بعون وعنایت جمال قدم سرور ابرار گردی وسردار لشکر احرار یعنی از هر قیدی آزاد شوی واز هر آلودگی بیزار منقطع الی الله شوی متشبث بعروة الوثقای حضرت مختار انشاءالله چنین شوی تا بخیر کل واصل گردی ع ع

هو

بیروت

خط مبارک حضرت مؤیّد علیه بهاءالله

هوالله

ای متوسل الی الله نامهٔ بیروت وصول یافت سفر از راه عراق عرب موافق وباید در بغداد جواب از طهران تلغرافیا طلبید و مفصّل مخابره کنید وتا کار محکم نشود ایران مراجعت عبث است زیرا مفسدین بسیار وطمعکار بیشمار از الطاف حضرت احدیّت عون وصون وحمایت وعنایت جوئیم ان ربّک هو الحافظ

الکریم ترتیب استخاره بهمان قسم است که مرقوم نموده اید ع
احبای بغداد را با یکدیگر صلح حقیقی دهید والّا دیگر با ایشان ع
ابداً مخابره ننمایم و هیچیک از ایشان نباید ادّعای ریاست نماید
جمیع بندهٔ حضرت احدیّت هستند رئیس و مرؤس شأن این خلق نیست
ع ع
مبارک شد



بیروت حضرت مؤیّد علیه بهآء الله الأبهی
هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید جزع و فزع از امتحانات
فرموده بودید حق با شماست ولی آیات قرآن را بخاطر
آرید ولی امید از الطاف جمال جانان چنانست که محفوظ
و مصون مانید در خصوص استخاره بیان صریح شده بود
که اگر محسّنات و منافع امری مهم یا مضرّات واضح و مشهود نه و تردید
داشته باشید در چنین موقع استخاره از برای شما وحده جائز
ولی در امور عادیه غیر جائز حال باید بران منوال مجری دارید
و اذا عزمت فتوکّل علی الله و ضرر تلغراف مقبول و در حساب

مرقوم ولی حساب باکرام الکاتبین درخصوص مراجعت
از قبل مرقوم شد که راه عراق مواقق تراست وصلاح
دید حضرت فرمان مواقق حکمت است مخابره نمائید و
تکلیف نخواهید اگر باذن واجازهٔ نایب السلطنه و مجلس
مراجعت نمائید البته بهتر است وازپیش نیز مرقوم شد که از
عراق مخابره نمائید ومقصود از مخابره حصول جازه بود
زیرا که حکومت مانند فؤاد ام موسی فارغ واز هرکس بهر
وسیله باشد نظر باحتیاج تحصیل مبالغی خواهند اگر بدون اجازه
تشریف ببرید همین وسیله طلب نقود نمایند توقف
درعراق اولی زیرا مخابره آسانست آنچه جناب سلیل جلیل در
خصوص سفر شما مرقوم نموده اند عین واقع است فی الحقیقه اگر مانده
بودید مضرات کثیره داشت حال بعضی معلوم ومن بعد
نیز بیشتر معلوم گردد این سفر عین موهبت بود ظاهرا
باطنا دو نامهٔ مختصر ازبرای آن دو شخص باثر خامه خود مینگارم
ودرطی این نامه میفرستم برسانید ع ع
اول بطهران رفتن اولی پس بشیراز ع ع تمت

خط مبارک

بیروت

هو

بواسطهٔ جناب میرزا حبیب الله کلیمی حضرت مؤیّد علیه بهاء الله

هو الأبهی

ایها المؤیّد المشید از فضل و جود سرّ وجود امید دارم که در صون
حمایت حضرت رحمن رحیم محفوظ و مصون گردی در خصوص
تبلیغ و هدایت بعضی نفوس در عتبات عالیات شخص دیگر تعیین شد
رفتن شما مصلحت نیست از بغداد بایران مخابره نمائید
بعتبات از پیش مشرّف شدید لهذا تکرار لزوم نیست و اگر
رفتید بعتبات ابداً با علما ملاقات مکنید حکمت و احتیاط چنین اقتضا نماید ذاتاً
با انها آشنائی ندارید و علیک البهاء مبارکه شد

ع ع

خط مبارک

هو الله

طهران بواسطهٔ باقروف جناب مؤیّد علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای حضرت مؤیّد بعون و عنایت حضرت احدیّت موفّقی العاقبة
للمخلصین در چنین انقلابی در چنین اضطرابی در صون حمایت

ربّ الأرباب باحضرت سپه تا توانی الفت وتوجّه
بملکوت رحمانیّت وانشراح بنسیم رحمانیّت انّ ربّک لقوی
قدیر وعلیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس تحریر شد

هوالله

خطّ مبارک حضرت ذ علیه بهآء الله

هوالله المعین المجیب للمضطرین

هین مشو نومید بس امیدها است حصول و وصول موکول بهبوت است تیم استقاموا
برهان مشهود مصر عیت مشهور مرغ زیرک چون بدام افتد تحمل
بایدش لاتقنطوا من رحمة الله مقاصد ارجمند را عقبات شدید
مسلّم والعاقبة للمتّقین مقرّر بگذر این روزگار انّ ربّک یؤیّدک بفضل
من عنده انّه علی کلّ شیئ قدیر ع ع تحریر شد

طهران جناب آقا میرزا نعیم علیه بهآء الله الأبهی

یا باهی السجن هوالله

ای منادی پیمان دم صبح است و در خیابان باغ نیویورک راه
میروم باید تو اقدام و بذکر تو پرداختم و در این راه رفتن این نامه نگارم

من میگویم وجناب آقا میرزا احمد مینویسید نامه‌ئی که مرقوم نموده
بودید باتفاصیل تاریخ لا میرزا جانی کاشی وتحریف بخروان
جمیع واضح ومعلوم گردید البته آن تحقیقات را بزودی اگر نفرمائید
ونزد جناب ابی الفضائل محرمانه بفرستید وهمچنین جوابی که خود آنجناب
مرقوم مینمائید غداً لاتمام یک نسخه نزد ابی الفضائل ویک
نسخه بجهت عبدالبهاء ارسال دارید من شب وروز مشغولم
ودر مجالس ومحافل ومعابد نعره میزنم وبحسب استعداد ولیاقت
قوم صحبت میدارم زیرا در این بلاد بدایت تاسیس است باید
ملاحظه استعداد وقابلیت قوم را نمود ودر صحبت مدارا کرد
واز مسائل ابتدائی صحبت نمود زیرا این صفحات مبتدی
هستند نه مثل احبای ایران منتهی علی الخصوص عبدالبهاء
در مجامع عمومی صحبت میدارد که جمیع ملل ونحل حاضرند نه احبا
تنها لهذا بجهت عموم ملل باید صحبتهای ابتدائی داشت نه از
حقایق معانی وغوامض مسائل الهی باری اگر فرصت
داشتم من مینوشتم ولی ابداً فرصت ندارم باید شما
بعون وعنایت جمال مبارک از عهده این کار برائید

ویقین است تأیید میرسد جمیع یاران آلهیرا تحیت ابدع ابهی برسان
وعلیک البهاء الأبهی ترجمه شد

ع ع

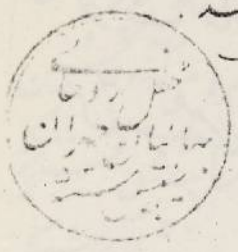

طهران

حضرات جناب آقا میرزا نعیم علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه با منظومه ملاحظه رسید فی الحقیقه اشعار
جوابی آبدار بجهت اغیار است از قضا عبدالبهاء در مین راه فرصتی یافت
ومنظومه چون لئالی منثوره را قرائت کرد فی الحقیقه آن قریحه فصیحه
صریحه الألهام گوهر افشانست حمد خدارا که شب و روز بنگارش میکوشی
و در عبودیت آستان مقدس شریک و سهیم عبدالبهائی لهذا
منظومه را طبع و تمثیل نما و در نجم باختر هم انتشار خواهد یافت
و در خصوص دخل مقتربات برون و اثبات تحریف کتاب باید
خدمتی نمایان بدرگاه آلهی نمائید آن جناب با جمیع یاران
مقتدر باید در این مسئله متفق شوید جناب سمندر را هم
در این مسئله شریک فرمائید تا معلومات کل جمع گردد
وجواب شافی کافی مرقوم شود این قضیه باید بانجا

سرعت مجری شود جناب آقا میرزا ابوالفضل مستعدند عنقریب
جواب اتمام خواهند نمود لهذا معلومات کافیه خود را در تحریف
کتاب میرزا جانی بجناب آقا میرزا ابوالفضل سریعاً ابلاغ دارید و
علیک البهاء الأبهی ع ع تمام شد

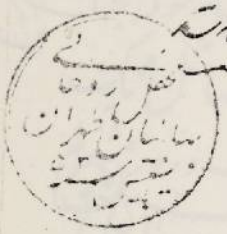

بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله
هو الله
طهران
خط مبارک جناب آقا میرزا نعیم علیه بهاء الله

ای ثابت بر پیمان مدتیست هو الله مسموع گردید که آن نفس زکیه لسان
انگلیسی تحصیل مینمایند این خبر سبب سرور شد مقصود اینست که در تحصیل
این لسان نهایت همت را مجری دارید زیرا اسباب خدمات
عظیمه در امر الله است ید قدرت میادین وسیعه مهیا فرموده
ولی فوارس نادر لهذا باید در تحصیل السن اجنبیه منتهای جد و جهد را
مبذول داشت و علیک البهاء ع ع تمام شد

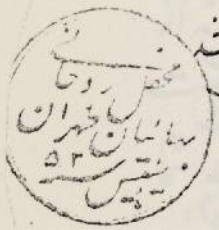

هو الله
خط مبارک
جناب میرزا نعیم علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای هزار هزار آواز در این ریاض چه آهنگی آغاز نمودی که طیور حدائق
قدس را بوجد و طرب آوردی و چه نغمهٔ ساز کردی که آواز تحسین
از هاتف غیبی بلند است خوشا بحال تو خوشا بشدی عزیزیکه
رضیع او گشتی و شیر محبت الله از او نوشیدی و خوشا آغوشیکه
در آن پرورش یافتی و بتربیت روحانی نشو و نما نمودی و در ظل کلمهٔ الهیه
ببلوغ رسیدی و بر سریر رشد استقرار یافتی این نیست مگر
از فیوضات الهیه که از جمیع جهات احاطه نموده است والبهاء علیک
ع ع

مقابله شد



بخط مبارک

هو الله

ط جناب میرزا نعیم علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی

یا من انجذب بنفحات الله قد تموّج بحر ودادی و اشتدّ قواء فؤادی لمّا
تخطّرت ذکر احبّائی الذین بوجوههم استضاء افق الوجود و بمشاهدتهم
جلا بصر عالم الشهود و بنسائم حبّهم اهتزّت اشجار التوحید و
بشمائم الشوق الیهم تعطّر مشام اهل التجرید فریاض الملکوت

ترتّبت

تزیّنت وحیاض الجبروت تدفّقت وغیاض القدس تأنّقت وحمامات
الافریدوس صدحت وورق ایکة الفردوس غرّدت والبحر الاعظم
فاض والنهر الاکرم سال ونیّر القدم اشرق ولاح وبدر القدم
سطع وظهر وبهر بنور وضّاح کلّ هذه نعمة للابرار ونقمة علی الفجّار
یا عباد الرّحمن قوموا علی خدمة الربّ الحنون المختار بالاعمال الصّالحة
وحسن الاطوار والبهآء علی من ثبت علی المیثاق ع ع
وکبّر من قبلی علی وجه الضجیع التّی آمنت وقنتت ولبّت وصدّقت
وبشّرها بفضل مولاها القدیم وقل لها یا امة الله طوبی وبشری
لک بما حشرت فی ایّام الله وفزت بهذا الفیض الاعظم الجلیل
واشکری ربّک بما ایّدک علی نیل موهبة تغبطها القانتات وتتمناها
الآماء المقدّسات فی السّرادق المرتفعة فی اعلی الاعلام وسوف
تری المقعد الصّدق الّذی قدّر الله للورقات المؤمنات الموقنات
وقدّسه الله عن ادراک مدارک غایات العقول فی عالم الطّبایع والعناصر
والمواد والبهآء علی کلّ امة تمسّکت بمیثاق الله ع ع

متابع شد

هو الله

خط کاتب

طهران جناب آقا میرزا نعیم علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن هو الله

یا نعیم عبد البهاء همواره در قلب حاضری و در خاطری از یادت فراغتی نه
و از ذکرت فراموشی نیست زیرا مؤمنی و سالک موقنی
و مهربان ثابتی و نابت مطیعی و منقاد منجذب جمال بهائی
و متوجه بطلعت اعلی ناطقی بثناء و مبلغی بین الوری حضرت
صدر الصدور روحی لرمسه الفداء تأسیس درس تبلیغ نمودند و بنهایت همت
سعی بلیغ فرمودند و در این گلشن الهی نهالهای تازه پرورش دادند و
لطافت و طراوت بی اندازه بخشیدند مرغان صامت را ناطق
کردند و طفلان بیخبر را مبشر بجمال جلیل اکبر فرمودند این تأسیس
تسلسل یابد و این انوار بر قرون و اعصار بتابد حال آن روح پاک
بملکوت ابهی عروج نمود و آن ورقاء بایکه بقا طیران کرد و آن
پروانه بحول سراج ملأ اعلی پرواز نمود لهذا محلش در ملأ
ادنی خالی ماند عبد البهاء آرزو و مقصد چنان که این تاج را بر سر تو گذارد
تا در محل آن بزرگوار نوجوانان را درس تبلیغ دهی و حجت و برهان
بیاموزی و دلیل و آیات و اخبار بنمائی نورسیدگان ملکوت
ابهی را تربیت کنی و بفیض ملاء اعلی نشو و نما بخشی تا این تعزیت
منتهی شود و تهنیت جدید جلوه نماید و سبب تسلی قلب عبد البهاء

گردد زیرا از مصیبت حضرت صدر الصدور بعد از مصیبت کبری بسیار
متأثر شدم واین درد را درمانی واین زخم را مرهمی جز آن نه
که ملاحظه شود که جای آن بزرگوار شخصی استوار یافته و بنفحهٔ مشکبار مشامها را
معطر مینماید واین را بدان که هر نفسی پی آن روح مجرد گیرد و بتعلیم و تدریس
پردازد تأییدات متتابعاً و متوالیاً در رسد حتی خود او حیران ماند

وعلیک البهاء الأبهی مقابله شد

ع ع

طهران

سلیل جلیل حضرت نعیم من ادرک لقاء ربه جناب آقا میرزا عبد الحسین خان علیه
بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ مشکین گلشن معانی بود و مندرجاتش آیت
حقیقت پدر بزرگوار که تا نفس اخیر بلسانی طلیق و قلبی منیر و رخی
روشن بخدمت قیام داشت الحمد لله که چنین خلف صادق و سلیلی
موافق یادگار گذاشت که او نیز بتمام قوت و همت قیام بر خدمت
دارد قرائت نامهٔ شما باعث زحمت نیست بلکه سبب مسرت است از عناد
اعدا خوف و هراسی مدار در صون حمایت حق هستی بامة الله المقربة

Provided by the Afnan Library

والده محترمه رقیه سلطان دامت الله المنجذبه محبوبه دامت الله
الثابته آفاقیه هریک از قبل عبدالبهاء نهایت مهربانی تحیت
محترمانه برسان از الطاف بی پایان امیدوارم که کل موفق شوند
وبجناب آقا میرزا احمدخان صهیمی پیام پرسور از این مشتاق
محزون برسان وعلیک البهاء الأبهی حیفا ۱۷ جنوری ۱۹۲۱
عبدالبهاء عباس

تلگرافیه طهران
جناب نعیم افندی علیه بهاء الله
هوالله
اثری بدست برسیمان منظومه آن جناب ملاحظه گردید ونهایت
بلاغت وفصاحت در بیان واضح وآشکار سبب سرور وحبور
گشت وملاحظه اش موجب فرح وروح وریحان گردید زیرا
دلالت بر نعوت ومحامد جمال ابهی ورتبا علی مینمود واین موهبت
کبریست ونام آن دلبر یکتا از هر زبانی بگذرد چون صهبای
روحانی نشئه رحمانی بخشد تا چه رسد بقصائد ونعوت
الهی از فضل بیمنتهای حضرت یزدان میطلبم که مانند مرغ سحر در گلشن

بترانهٔ ملکوت ابهی در محامد و نعوت حضرت کبریا لسان بگشائی و حق
فصاحت و بلاغت بدهی و از عهده برائی و علیک التحیة والثناء ع

مقابله شد



خطاب

جناب آقا میرزا جلال خان ذبیح و آقا میرزا عبدالحسین خان نعیمی و دکتور ارسطو خان

هو الله

ای ثابتان بر پیمان لانهٔ شما کاشانهٔ تبلیغ و آشیانهٔ مرغان آسمانیست
بلکه روضهٔ رضوانست و حدیقهٔ رحمن و طیور شکور بآن گلشنهای سرور پرواز
مینمائید و آهنگ ملأ اعلی می شنوند و چون بجذب و وله آیند
بنغمه و ترانه پردازند و بمحامد و نعوت رب غفور بسرائید شکر کنید خدا را
که موفق بچنین حبور و سرور گشتید و مؤید بچنین امر شکور در آن
محافل نورانی عبدالبهاء بروح حاضر و رب غفور را حامد و شاکر که آن
نفوس مبارکه را چنین مظهر الطاف بی نهایت فرمود بجمیع یاران
حاضر نهایت اشتیاق این بندهٔ قاصر را ابلاغ دارید و از اختصار
نامه معذور نمائید زیرا وقت بسیار تنگست و تحریر و تقریر
و مشاغل بی پایان الحمد لله در طهران محافل تبلیغ مطابق آرزوی عبدالبهاست

کل موفق و مؤید وعلیکم البهآء الأبهی ۴ شوال ۱۳۳۹ حیفا

عبدالبهاء عباس

مقابله شد

هو الأبهی

جناب آقا محمد جواد نراقی علیه بهآء الله الأبهی

هو الأبهی

ای یار قدیم و حبیب و ندیم الفت عراق در خاطر است و مصاحبت روزها و شبها کالنقش فی القلوب و چون تذکر شود فرح و سرور رخ دهد و روح و ریحان حاصل گردد الحمد لله که آن ملحوظ نظر عنایت همیشه منظور نظر است و محفوظ در کهف حفظ و حمایت هوا تاریک و افطار نزدیک شده است و قلم از کثرت رقم از صبح تا بحال الآن چون اسبی میماند که از میدان اسب دوانی آمده است دیگر ملاحظه نمائید که با وجود این خستگی چه حبی او را بحرکت آورده که مینگارد تا بدانی که در این بساط چه قدر عزیزی و در این انجمن چه قدر محترم

ع ع

مقابله شد

بواسطهٔ جناب امین جناب آقا میرزا عبدالله المطلق علیه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بی سر و سامان و سرگشته کوه و بیابان در ره یزدان نامهٔ شما که
که بتاریخ ۱۷ جمادی الاول بود رسید و مضامین چون شهد و شکر شیرین بود
زیرا ناطق براین بود که در یزد احبای الهی در استقامتی عظیم و ترتیبات امریه
منظم و مرتب و محافل تشویق و تبلیغ بلیغ و مکمل و در رفسنجان دریای محبت الله
پر موج و در کرمان جلوهٔ رحمن جمیع چون مهر درخشان رویها روشن و تابان
جناب آقا میرزا محمد آقای اشراقی مفتون نیر اشراق و بجهت تحصیل لوازم
تبلیغ عازم طهران باری سفر شما در انصفحات بسیار موافق ولی باید
مطابق آنچه مرقوم نموده بودی باشد یعنی اقامت زیاد در جائی جائز نه باید
مانند نسیم همیشه در مرور بود و بعد از آنکه در انصفحات چندی عبور و مرور
نمودی بعراق مراجعت کن ولی در عراق در نهایت حکمت باش اینست
خط حرکت شما جناب میرزا اسحاقخان متحده را فی الحقیقه همت کامل
و در جانفشانی باذل در درگاه احدیت مقرب و در نزد عبدالبهاء محبوب و بخل جلیلشان
آقا میرزا عبدالله خان نیز سزاوار الطاف بی پایان امیدم چنانست که این
سلیل جلیل در جانفشانی و اخلاق رحمانی بر کل سبقت گیرد حال وجود شما

در انصفحات مثمر ثمر است البته تبلیغ پردازی بهتر است بعد اجازهٔ حضور داده میشود وعلیک البهآء الأبهی حیفا ۱۰ صفر ۱۳۴۰ عبدالبهاء عباس

مقابله شد

طهران

بواسطهٔ حضرت شهید سلیل اسم الله الأصدق علیه بهآء الله الأبهی

تجارتخانهٔ متحده

وجناب عبدالله طهرانی مشهور بمطلق وامة الله والدهٔ جناب آقا میرزا هاشم وامة الله ضلع جناب آقا میرزا هاشم وجناب آقا مهدی بزاز وامة الله شمسی خانم ضلع آقا مهدی بزاز وامة الله ضلع مرحوم آقا سلیمان وصبایای مرحوم آقا سلیمان وآقا عبدالله پسر آقا سلیمان وامة الله طوطی خانم ضلع مرحوم آقا یهودا وجناب آقا حییم ابن آقا یهودا وجناب آقا میرزا آقا ابن آقا یهودا وجناب آقا مراد آقا حییم وامة الله ضلع آقا میرزا آقای آقا یهودا علیهم وعلیهن البهاء الابهی

هو الله

ای سلالهٔ حضرت خلیل جلیل شکر کنید خدا را که اب رحیم حضرت ابراهیم را در ملکوت الهی مسرور وخوشنود نمودید از ملاء اعلی ندا میفرماید ای پسران ودختران عزیز حمد خدا را که بعهد وفا نمودید ودر یوم موعود از جمیع یهود ممتاز گشتید از آتش افروخته در شجرهٔ مبارکه ندای رب الجنود شنیدید ولبیک گویان بمنتهای مقصود رسیدید فی الحقیقه

سلیل جلیل منید و شمعهای روشن اسرائیل عنقریب مشاهده مینمائید
که تاج عزت ابدی بر سر نهادید و خلعت بزرگواری در بر نموده اید و از الطاف
حضرت رحمن امیدوارم که آقا سلیمان غریق بحر غفران گردد و مرحوم
لا یهودا در جوار رحمت کبری ملجاء و ماوی گیرد و علیکم و علیکن البهاء الابهی

۵ رجب ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس مقابله شد

هو الابهی

ای سرگشته کوی الهی و آشفته روی جمال حقیقی قد سمعت صحیح فؤادک
و صریخ کینونتک و عویل قلبک و زفیر نارک و نحیب بکائک
و عرفت احتراقک و التهابک و وجدک و اضطرابک فی هذه النازلة
القاصمة الحاصبة العاصفة التی احترقت بها کبد الآفاق و اقامت
قیامة الآماق و اضرمت نیران الحزن و الشجن و اللهف فی قلوب اهل
الوفاق و لکن یا ایها المشتعل بنار محبة الله علیک بالصبر الجمیل و الجلد
و التحمل فی هذا الخطب الجسیم و الفزع العظیم ستنجو من هذه الفرقة العظمی
بحول الله و قوته و فضله و جوده و تطیر الی جوار رحمة ربک الکبری فی
ملکوته الابهی و رفیقه الاعلی و تفوز بمقام المشاهدة و اللقاء
فی عالم البقاء ع ع مقابله شد

القاصفه

هو

ای ثابت راسخ جمیع احبای الهی را بعنایت رحمانی و فضل و رحمت غیر متناهی
صمدانی بشارت ده و چون شعلهٔ آتش قلوب دوستان را
مشتعل کن و باین انوار الهی منور نما که مبادا مخمود گردند
عنقریب انوار ملکوت ابهی آفاق وجود را روشن کند بشری
للمخلصین و ثبوت و استقامت هر کس الیوم معلوم و واضح
گردد ع ع . مقابله شد

یا صاحبی السجن

بغداد

۳ رجب
۱۳۲۸

حضرت مؤید علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای مؤمن ممتحن نامهٔ پر آه و ناله سبب تأثر و تحسر گردید فی الحقیقه
تحمل عسر بعد از یسر مشکل است ولی محن و آلام یار مهربان را اشتراک لازم
بهره و نصیبی باید گرفت لهذا اگر بر شما ایام سخت گردد این از مبارکی
بخت است محزون مباش بگذرد این روزگار تلختر از زهر
توکل بخدا کن و صبر بر بلا نما در ایام خوشی و سرور و فرح

وحبور هرکس مرد میدانست ولی سزاوار اصفیا فرح وشادمانی
وسرور وکامرانی درزمان بیسر وسامانیست تکرار مراجعت
بحضرات وزراء نمائید که مرا مقصد چنان بود که مجاور عتبات
عالیات شوم وچندروزی که از عمر باقی سبیل عبادات
پویم وبا فراغت دل وجان مقیم آستان شوم ولی جمیع
امور مشوّش وپریشان گشته متعلّقین بزحمت ومشقّت افتاده اند
لهذا مجبور بر رجوع بایران گردیدم که بلکه امور را اندکی انتظام دهم
ومراجعت بعتبات نمایم بعد چون آثار قبول مشاهده نمائید
رجوع بایران کنید . وعلیک البهاء الأبهی ع ع

مقابله شد



هو

سلیل جلیل حضرت مؤیّد علیه بهاء الله الأبهی

خط اصل

هو الله

ای نهال بوستان الهی شکر کن حضرت بیچون را که در جویبار هدایت
کبری روئیدی وبرشحات سحاب عنایت نشو ونما نمودی حال
وقت آنست که برگ وشکوفه نمائی وبار وثمر بخشی ودر شاخسار حقیقت

بکمال تزیین جلوه نمائی ع ع مقابله شد

خط اصلی

هو الله

جناب محمد میرزا علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای نهال بوستان محبت الله آنچه بحضرت والا مرقوم نموده بودید عین
واقع وذلک من الهام ربک الرحمن الرحیم این سفر ظفر
بود والا در گیر و دار مستمر تضرع بملکوت ابهی نمایم و ترا
عون و عنایت طلبم ع ع مقابله شد

هو الله

به خط مبارک

اصفهان

امة الله المقربه کوکب سلطان حرم محترمه جناب محمد رضا میرزا رئیس پوست

هو الله

ایورقه مهتزه بنفحات الله شکر حضرت رب قیوم را که از موهوم رستی و در
ظل عنایت جمال ابهی حضرت معلوم در آمدی رؤیای صادقه دیدی
و عبد البهاء را مشاهده نمودی و بخدمت امر الله قیام کردی

قدر این موهبت بدان و تا جان در بدنست شکرانه نما و علیک
البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

بخط مبارک است

اصفهان

امة الله المشتعله بلقیس نفیس صبیه حضرت محمد رضا میرزا رئیس پوست

هو الله

ای کنیز مبارک بهاء الله بلقیس قدیم را تخت و تاجی از طلای قشنگ
و سنگ خوشرنگ بود و عاقبت آن نیز بباد رفت زیرا که خاک
بود و بخاک برگشت ولی تو بکوش تا تاجی متلألأ بجواهر ملکوت
ابهی بسر نهی و بر سریری از اوج اثیر نشینی و آن نطق گویاست
که زبان و بیان بگشائی و تبلیغ امر الله نمائی و چنان ناطق گردی که عموم
نساء حیران گردند که این چه فضل و کمالست حقا که این کنیز حضرت
بهاء الله است ع ع مقابله شد

خط کاتب ناصر علی السلجی

اصفهان

امة الله بلقیس علیها بهاء الله الأبهی

هو الله

ایورقه مطمئنه منجذبه تحریر بلیغ و مسطور فصیح رسید معانی دلالت
بر استغراق در بحر محبت الله مینمود و مضامین برهان بثبوت

برامر نور مبین الحمدلله کریبان بمحبت الله دریدی و بمقصود روحانیان
رسیدی و مانند شمع بنور عرفان درخشیدی ولی باید چنان
برافروزی و چنان شعله زنی که اصفهان را آتشکدهٔ دل و جان
نمائی و بنار موقده مانند کوه آتشبار نمائی و قلوب
خامدهٔ جامده را بفوران آری ولیس هذا علی فضل ربک
بعزیز ای محترمه آرزوی خدمت امام رحمن و دوستان
نموده بودی این نیت بسیار مبارک است و سبب فیض
و برکت امیدوارم که بان موفق گردی بامة الله المحترمه
والده مطمئنه تحیت ابدع ابهی از قبل عبدالبهاء برسان و امیدوارم
که قرین همنشین زوج محترم امین و نازنین گردد و در درگاه احدیت
مقبول نور مبین شود و علیک البهاء الأبهی ع ع

هوالله

طهران جناب حاجی لا محمد علاقه بند علیه بهاء الله

ای ثابت بر پیمان هوالله الآن که یوم یکشنبه شانزدهم ربیع الثانی

سنه هزار و سیصد و بیست و یک هجریست بواسطهٔ میرزا محمود
خان جناب لا سید تقی سه طغرا مکاتیب مفصله شما را ارسال
داشت فوراً هر سه را بدقت تمام از بدایت تا نهایت خواندم و
حال انکه ابدا فرصت نداشتم محض محبت قلبی و تعلق خاطری که
با آن یار قدیم دارم جمیع مشاغل مهمه را کنار گذاشتم و بقرائت آن
سه طغرای مفصل پرداختم جمیع تفاصیل معلوم شد این فتنه و فسادها همه را
سبب بدخواهان دولت و ملتند نقص حکومت الحمد لله عادلست
و باذل ولکن فتنه جویان آرام نگیرند و اهل فارا جفا روا
دارند فغم ما قال جغدها بر باز استم میکنند پر و بالش
بی گناهی میکنند که چرا تو یاد آری ز اندیار یار یاز قصر و ساعد
آن شهریار جرم او اینست کو باز است و بس غیر خوبی جرم یوسف
چیست پس ظلمت لابد دشمن نور است و کرگ عدو اغنام الهی
ما ریا نکرده و عقرب وجد و طرب ندهد شما از اشرار
خصلت ابرار نطلبید و از اهل جفا طمع وفا ننمائید الحمد لله
دولت کاملست و اعلیحضرت شهریار عادل و

حضرت صدارت پناهی کاردان و کارآزموده عاقل اصل است
اما خلق گمراه تا بسر حقیقت آگاه نگردند آرام نگیرند و این
از مقتضای جهلست پس احبای الهی باید بجان و دل
بکوشند و بکفتار و رفتار ثابت و آشکار نمایند که راه
خدا پیمودند و در سبیل رضا سلوک نمودند و بمحبت الله افروخته
و پرده شبهات سوختند و آن جند نا لهم الغالبون عاقبت
این قبه های کرد سفید و سبز و نیلگون سرنگون گردد و فیض
روحانی و پرتو نورانی از حضرت بیچون عالم را احاطه نماید
چنانکه مشاهده مینمائی که هر چه جهلاء بیشتر جفا نمودند علم و فا بلندتر
و هر چند مقاومت بیشتر کردند سطوع انوار افزونتر شد
تا نفس اعدا سبب گشت که صیت امر الله در شرق و غرب منتشر شد
و آوازه جمال ابهی جهانگیر گشت اگر چنین تعرض و تعرض جهلا
امتی نبود بجان عزیزت صیت امر الله تا بحال از ایران تجاوز
نمود نبود شرق منور نبود غرب معطر نبود جنوب و شمال معنبر نگشته بود

این از مواهب

این از مواهب کلیهٔ الهیه است ای بندهٔ بها تا بحال مکاتیبی که بخود
شما مرقوم گشته البته کتابیست و آنچه بواسطهٔ شما مرقوم گشته صحف
و زبر گردد با وجود این کلمه مفرما شکر سبب ازدیاد نعمتست و با لشکر
تزید النعم جمیع احبای الهی را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ دارید و علیک التحیة والثناء
ع ع

مقابله شد

هو الله

احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای دوستان الهی در این ایام که افتتان و امتحان لوح فتنه جمیع آفاق را احاطه
نموده است و شدائد سنهٔ شداد جمیع بلاد را متزلزل نموده اوراق
شبهات است که منتشر در سائر جهات است و عین یحموم است
که نابع در ارض مقصود است رائحهٔ گلخن است که منتشر در هر انجمن است
و رایات جهل است که بر فراز هر کوه و تلال است معارضه با حقیقت
که در هر خطه و بوم است ای دوستان پناه بجمال مبارک برید و ندای
منادی الی الحق شنوید بانگ دیوانست که بلند از هر گوشهٔ ایوانست

وهمسات غافلانست که مضلّ بیچارگانست زلزلهٔ میثاقست
که در ارکان اهل آفاقست و روائح نفاقست که مهلک
اهل وفاقست پس بکوشید تا خمر ثبوت بنوشید و بعروهٔ وثقی
تمسّک نمائید و بحبل تقوی تشبث نمائید تا از کوثر کافور
حق بنوشید والبهاء علیک ع ع

هو الله

طهران بواسطهٔ جناب افنان سدرهٔ مبارکه علیه بهاء الله الابهی
جناب حاجی آقا محمّد علاقه بند علیه بهاء الله الابهی فی ایّ ارض کان
هو الابهی الابهی

ای ثابت بر پیمان کسیکه پیمانهٔ پیمان پیمود و در صحرای محبّة الله باد پیما
گشت دیگر چه احتیاجی بقطرات میاه دارد بلی حق با شماست
مدد لشکر جنگجو در حدود و ثغور لازم و واجب اما این مدد بر
دو قسم است یکقسم تقویت است و قسم دیگر تهنیت
الحمد لله شما لشکر جنگ جوئید و سپاه پر انتباه محتاج
بتقویت نیستید من باب تهنیت ذکر میشود ای بندهٔ صادق جمال مبارک

بیقین حتمی بدان که ابداً نسیان نشدی همواره در خاطر بوده و هستی
از فیض ابدی حضرت رحمانی امیدوارم که همیشه پر روح و ریحان باشی
و در نشر نفحات کوشی و امت نقض را شهاب ثاقب شوی عقاب
کاسر گردی اگر چنانچه در مکاتبه قصور و فتوری رود این گناه مشاغل و
شواغل و غوائل است که چنان احاطه نموده که ابداً مجال تحریر نیست
با وجود این هر وقت این عبد فرصت یافت بتحریر پرداخت
ای ثابت راسخ اعتبار هر ثابتی را باین استدلال نمائید که امین کنوز ملکوتند
و معتمد رب جبروت پس ملاحظه کنید که اعتماد و اعتبار بچه درجه است
نقودی که بجهة بنای حمام ارسال نموده بودید مقبول ولی از قضای واقع
بعضی از یاران عازم رجوع بودند ولی گنج در آستین و کیسه تهی ملاحظه
شد که حلاوت مصروف راه یاران بیش از راحت و نظافت
حمام است لهذا بالنیابه از شما صرف مصروف ملزوم شد لهذا باید بدرگاه
احدیت شکرانه نمائید که موفق باین خدمت گشتید بجناب
منتصر الدوله مکتوبی از پیش مرقوم شد و ارسال گشت حال نیز مجدداً
مرقوم میشود جناب حاجی محمد حسین حاجی بیک علی مأذون حضورند باری
ای موقن بالله مطمئن باش که عبد البهاء دمی ترا فراموش ننموده

ونخواهد کرد همیشه بآستان مقدّس سر نهاده تمنّای تأیید وتوفیق
مینمایم وعلیک البهآء ع ع

طهران جناب حاجی آقا محمّد علاقه بند علیه بهآء الله الابهی

هو الله

ای ثابت پیمان مکتوبیکه بجناب منشادی مرقوم نموده بودید ملحوظ شد
ما ازتو راضی خواه شکرانه نمائی وخواه شکوه کنی خوشنودی
من ازتو لن تتغیّر ولن تتبدّلست وهرچه شکایت کردی و
خواهی کرد ازپیش بگویم حق باشماست پس رعد امتحان وبرق افتتان
مقاومت نما واستقامت بنما صلابت ظاهر کن وشجاعت
اشکار فرما ازهایهوی زمانه وجفای آشنا وبیگانه وبلایای
پنجگانه ازمیدان درمرو صبور باش وقور باش شکور
باش تاعون وعنایت موفور بینی ازنزول مصیبت جدیده
برآنجناب نهایت اضطراب ازبرای قلوب حاصل گشت سبحان الله
این چه پیرتیست عجیب وبلائی غریب نبیان صبر وشکیب رابرانداز

باوجود این چون این جام از دست حبیب است باید مانند شهد
در مذاق شیرین آید داروی مشتاق چیست زهر ز دست نگار
مرهم عشاق چیست زخم ز بازوی دوست باری رفتن آنجناب
بیزد مجربست در وقت آسایش دشمنان قصد جان نمودند حال
که روز آزمایش است اگر ممکن باشد که اطفال را بطهران بطلبید بهتر
و اگر چنانچه بدون وجود شما عدیم الامکان است چه ضرر دارد ایامی
چند بنوع حکمت در نهایت ملاحظه قصد یزد نمائید و بکمال سرعت
اسباب را جمع کنید و اطفال را بطهران آرید گر در عطا
بخشد اینک صدفش دلها ور تیر جفا آید اینک هدفش جانها
و قل باسم الله مجریها و مرسیها و توکل علی الله و علیک التحیة و الثناء ع

مقابله شد

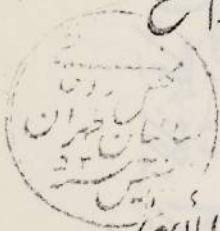

ظ اصل

هو الله

ط جناب حاجی آقا محمد علاقه بند علیه بهاء الله الابهی

هو الحق

ای بنده الهی آنچه مرقوم نموده بودی ملحوظ گشت و مفهوم

گردید دوستان الهی باید در انجمن عالم چون شمع روشن بسوزند و بدرخشند
و چون ستاره صبحگاهی بنور بخشند بجمیع فضائل و خصائل حمیده عالم انسانی
شهیر آفاق گردند و بدیع منیر اهل وفاق قدر نیکوکاران بدانند و پاس الطاف
بزرگان بدارند در خدمت عادلان رعیت پرور بکوشند و در جانفشانی
در راه سروران داور فریادرس کوتاهی ننمایند سرکار والا مظهر جلال
انشاء الله مطلع جمال میگردد و مشرق نور اجلال در این سفر خیر
در ریز نهایت عدالت را جاری نمودند و بندگان حضرت را راضی کردند
دوستان باید قدر این لطف و رعیت پروری را بدانند و قیمت این عدالت
و عنایت را بشناسند و شب و روز بدرگاه احدیت عجز و نیاز
آرند و دعای خیر کنند و مکافاة و جزای خیر طلبند و البته این دعا
در درگاه احدیت مؤثر گردد و آنچه آنجناب ستایش در حق ایشان
نموده بودید جمیع صحیح و مصدق انشاء الله بانظم از آن موفق گردند
والبهاء علیک ع ع

هوالله

مناجات طلب مغفرت بجهت جمیع جناب لاقمحمد علاقه بند

هوالله

پروردگارا آمرزگارا توئی مهربان توئی خداوند عظیم الغفران

ما جمله سراپا قصوریم تو ربّ غفور ما گنهکاریم تو امرزگار هر
بندهٔ پرعصیان را غفران بخش و این بیچارگان را ملجاء و پناه ده
اسیر زنجیر خطا یاران را رها فرما و فقیر آوارگان را در عتبهٔ مقدّس جای و مأوی ده
دریای مغفرت بی پایان و آفتاب موهبت درخشنده و تابان
دیگر ظلمات گناه را چه حکم و اثری و گنهکاران را چه خوف و خطری
این کنیز مؤمن موقن را در درگاهت عزیز فرما و این فقیرهٔ سرگردان را
بگنج غنای عفوت رهنمائی کن کمگشتهٔ صحرای اشتیاق را بوثاق
رهبری فرما و تشنهٔ جگرسوختهٔ صحرای بُعد را بجرعهٔ قرب و وصال
دلالت کن این ورقهٔ موقنه را در مغتسل هذا بارد و شراب غوطه ده
تا از جمیع علل و امراض عالم امکان پاک و مقدّس شده بملکوت عزّت
درآید و در ظلّ شجرهٔ رحمانیّت بیاساید از جام تقا بنوشد و
در محفل تجلّی مشاهدهٔ پرتو جمال نماید تو ئی آمرزنده و مهربان و تو ئی

بیت طاهر خداوند عفو و غفران ع ع

ای بنده مقرّب درگاه بها محزون مباش و سرشک از دیده
مپاش در رحلت آن ورقهٔ موقنه حکمتهاست و در آن حکمتها
رحمتها عنقریب این احزان منتهی گردد و این ماتم زائل شود

آن طیر حدیقهٔ تسلیم در آستان تعالانه نمود و راحت و آسوده گشت شما در فکر
راحت جان و آسایش وجدان و عفو و غفران حضرت رحمن باش والسلام
ع ع

مقابله شد

بواسطه جناب حاجی آقا محمد علیه بهاء الله

هو الابهی

ط جناب سعید الملک علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای پروردگار توئی آمرزگار و ملجاء و پناه هر گنهکار بیچارگانیم چاره
بخش دردمندانیم درمانی عطا فرما بی سر و سامانیم ملجاء و پناهی ده
گمگشتگانیم بدرگاه هدایت فرما آوارگانیم منزل و مأوائی عطا
فرما توئی مهربان توئی رحمن توئی منان توئی مستعان
ای منجذب بنفحات الله شکر کن حضرت احدیت را که از بیگانگی
به یگانگی او پی بردی و از درماندگی بآزادگی راه یافتی از شام ظلمانی
بصبح نورانی پیوستی و از طبقات سفلی باوج علویت
کبری صعود نمودی وجود مخمود بودی بمقام محمود رسیدی مرغ خاکی

بودی طیر آسمانی شدی ذباب جفا بودی عقاب وفا گشتی
این چه موهبتی است واین چه عنایتی برادر مکرم را چون
کار درهم شد بعضی از یاران مستدعی فرج بعد از غم از برای او
شدند در آستان مقدس بتمام عجز و نیاز در حق او دعا شد چون
از آن دام رهائی یافت و آن درد بصفا تبدیل گشت ایشان
بعوض شکرانه پاپی دوستان یگانه گشتند بعد مستدعیان
تأیید شکایت آغاز نمودند و فریاد و فغان براوردند که عزت
ایشان سبب ذلت ما شد و راحتشان علت زحمت ما گشت
این بود که جام صافی درد آلود شد و نسیم روحبخش ریح صرصر ایام
نحس مستمر شد باز نظر بخواهش آنحضرت انشاء الله در عتبهٔ مقدسه
بر خاک آستان افتاده تمنای عفو و مغفرت میشود والبهاء علیک
ع ع

مقابله شد

هو الابهی

جناب استاد آقای صباغ علیه بهاء الله الابهی

خط اصل

هو الابهی

ای استاد آقا در این دم که بیاد حضرت دوست همدمم و در کمال خضوع
و خشوع بملکوت ابهی متضرع دمبدم عریضهٔ تو بدست آمد امعان
در مضمون شد بعجز و انکسار مشحون بود و استدعای حضور
در آستان حضرت پروردگار نموده بودید بسیار سبب تأثیر شد
چه که نهایت احتراق از فراق بود لهذا اذن و اجازه داری که در درگاه
احدیت حاضر گردی و یک روز دو روز سه روز نه یکماه در این درگاه ملجأ
و پناه جوی و در جوار رحمت پروردگار استراحت نما والبهاء علیک
مقابله شد ع ع

خط اصل

هو الابهی

منشاد اخی رضی الروح جناب ملا علی اکبر علیهما بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای برادر آن پاک جان و مقبول ساحت قدس حضرت رحمن
حمد کن خدا را که صنوان شجرهٔ طیبه هستی و ثانی پیکر آن دو پیکر
آسمان محبت الله بودی آن وجود مبارک از بدو نشو و نمایش از بادهٔ

محبت الله سرمست شده جام عرفان را بدست گرفت و در گلگشت
ایقان صهبای عنایت حضرت رحمن را سبیل نمود در محبت الله
جوان بود و در معرفت الله کهل دانشمند گشت و در تتبع امر پیر
و ناتوان شد و عاقبت با وجهی نورانی و شوقی وجدانی
و جذبی رحمانی و توجهی آسمانی بافق عزت شتافت و در ملکوت ابهی
و رفیق اعلی مقر یافت پس بکوش و بجوش که بر قدم آن بزرگوار
باشی و در انجمن اخیار محشور گردی و البهاء علیک . مقابله شد

ع ع

خط اصل

هو الابهی

امة الله ورقهٔ موقنه حرم جناب زائر حاجی آقا محمد علیها بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای امة الله ای ورقهٔ موقنه جناب معلوم هر چند مدتی غائب و غارب
بودند انشاء الله عنقریب طالع و حاضر گردند افق بیت روشن
و خانه و کاشانه گلزار و گلشن گردد فی الحقیقه ستم نمودند و تعدی
کردند و شما آنچه بگوئید و شکایت نمائید و فریاد و فغان

برارید محقق ومن آنچه ایشانرا زجر نمایم اجرمایم وایشان آنچه تو کنند
وانا به نمایند معذور ومعفو خواهند شد بشما محقق واو محقوق
بلکه مستحق قصاص نا محدود ولی در قاعدهٔ شرع انور اینست
که مدعی ومدعی علیه هر دو چون حاضر کردند حکم صادر کردد وقصاص جاری
شود جناب حاجی محاجه مینمایند که باید من ومدعی هر دو موجود
وباهم حاضر شویم آنوقت حکم وقصاص هر دو را جاری کنید
باین بهانه شمارا هم میخواهند بانجا بکشد عجب نقشی است
جناب حاجی واین را نیز میداند چون کار بقصاص انجامد چوب وقنار بانه
بمیان آید آنوقت شما فوراً حق خود را حلال مینمائید واز قصاص رها
یابد ولی زیارت روضهٔ مقدسه حاصل کردد دراین صورت
تو کرو بردی اگر جفت واگر طاق آید جناب حاجی غالب وغنائم را سالب
کردند پس چه باید کرد چاره جز عفو وسکوت نیست والا من دراین میانه
باخته ام زیرا جناب حاجی دوباره حاضر شوند وآنچه عرایض
بهمراه دارند جواب خواهند ومن نیز باید شب وروز بتحریر مشغول کردم
پس شما بهتر اینست که جناب حاجی را معذور واز قصور ماضی معاف
بدارید انشاءالله آیندهٔ تلافی مافات مینمایند علی الخصوص که در زیارت



روضهٔ مبارکه بیاد شما بودند ع ع مقابله شد

خط اصل

هو الابهی

یا من اختاره الله لتبلیغ امره و اعلاء ذکره آنچه مرقوم قلم وداد بود تلاوت
شد از معانیش نفحات مشک جان وزید و از مضامینش بوی خوش
محبت الله رسید و لمثلک ینبغی مثل هذا فی هذا الزمن الذی اخذت
سکرات المصیبة الکبری اهل حظائر القدس فی الفردوس الاعلی باری
از این فزع اکبر اگرچه وجود آرزوی عالم عدم مینماید لکن امر الله اعظم و اهمست
باید تحمل جمیع آلام و محن در سبیل جمال قدم نمود و احبای الهی را تسلی داد که نار
محبت الله در قلوب افسرده نگردد بلکه آناً فاناً شعله ور شود و چنان برافروزد
که عالم امکان را روشن نماید فاسع بروحک و جسدک و فؤادک فی خدمة امر الله
و کن مشعلاً نورانیاً بین ملاء الاکوان ع ع مقابله شد



هو الله

بواسطهٔ جناب آقا محمد علاقه بند

جناب فاضل تفتی جناب آقا حسنعلی فیروزآبادی جناب آقا علی مهرجردی جناب
آقا سید علی محله تلی جناب آقا حسین صدرآبادی مصیبت زدگان یزد علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ای یاران باوفای جمال ابهی هرچند جمیع دوستان در میدان عرفان سمند
الهام برانند ولی نفوسیکه در امتحان افتادند ودر آتش افتتان چهره افروخته
وقدم ثبوت واستقامت ننمودند آنان را مقامی دیگر ومنزلتی دیگر وموهبتی
دیگر است ودر ایام جوشش وآسایش هر نفسی خود را مظهر بخشش خداوند
آفرینش بیند ولی روز آزمایش معلوم وواضح گردد یکی مانند ابر
بریزد در آتش امتحان جلوه نماید ورخ بگشاید دیگری مانند نحاس
منحوس افسرده وپژمرده وسیه رو گردد یکی چون شمع شاهد انجمن شود
دیگری مانند بوم شوم در گوشهٔ کهنهٔ خرابهٔ مأمنی جوید یکی فریاد یا بهاءالابهی
بلند کند دیگری نعرهٔ انی بریئ من الله زند یکی سرمست صهبای شهادت
گردد شود ودیگری خمور خمر غرور گردد وباطل شرور پیوسته گردد باری
شما حمد کنید خدا را که بفضل وموهبت الهیه در صراط مستقیم ثابت ماندید و
عنقریب نابت خواهید گشت هرچند بیچاره وآواره گشتید ولی
عنقریب شادمان وکامران خواهید شد صد هزار آسودگی فدای
این آوارگی وهزاران سرور وحبور قربان این کأس مزاجها کافور

از خدا خواهم که سبب ثبوت دیگران شوید وباب
مسرت دل وجان وعلیکم التحیة والثنا ع ع

Provided by the Afnan Library

ظاهر هوالابهی

ای ناشر لوای ذکر و رافع اعلام ثنای الهی جناب خان در این سجن اعظم وارد و بزیارت مرقد مطهّر فائز و محافل و مجالس را بذکر گفتار و رفتار شما مزیّن مینمودند که انوار هدایت را از آن مکان رحمت و زجاجهٔ موهبت اقتباس نمودم و نفحات عنایت را از آن مهبّ استشمام نمودم و از انفاس آن منجذب الی الله بروح هدی فائز و از اشتعال آن جذوهٔ موقدهٔ بنار مشتعلهٔ در سدرهٔ سینا، بنار محبّت الله روشن و افروخته گشتم باری نهایت ستایش را از خلق کریم و لطف قدیم شما نمودند و مارا بسیار بروح و ریحان آوردند چه که وجهی بسیم و جبینی منیر و خلقی وسیع و صدری رحیب و قلبی منوّر بانوار عرفان دارند نضرهٔ رحمن از اشراق رویش ظاهر است و از فضل حضرت یزدان امیدواریم که موفّق بر خدمت احبای الهی گردند و مؤیّد بر نشر آثار رحمانی شوند و در این انجمن الهی بعلای کلمه موفّق و در این جمع چون شمع روشن و مؤیّد گردند والبهاء علیک ع

Provided by the Afnan Library

امة الله حاجی بی بی صاحب علیها بهاء الله

خط اصل

هو الابهی

الهی الهی هذه امتک التی آمنت بک وبآیاتک
الکبری وصدّقت بکلماتک فی ظهور جمالک الابهی و
تشبّثت بذیل عطائک یا ربّ الملکوت الاعلی ایرب
نوّر زجاجة قلبها بمصباح ایتک الکبری انّک انت
الکریم المتعال ع ع

امة الله بی بی فاطمه علیها بهاء الله الابهی

خط اصل

هو الابهی

اللّهم یا الهی ایّد امتک هذه علی الاخلاص فی دینک
وقدّر لها المناص عن شرّ اعدائک واحفظها فی کهف
صونک وولائک واجنبها عمّا تکرهه وتخالف
رضائک وقدّسها عن اتباع الشهوات انّک انت

مظهر الآیات



مظهر الآیات ع ع مقابله شد

خط اص

هو الله

ط جناب حاجی آقا محمد علاقه بند علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای ثابت بر عهد چندیست که چیزی بشما ننگاشتم ولی اگر صد کاتب موجود گردد از عهدهٔ تحریر بر نیاید اگر در هر قرنی سطری مرقوم شود باز بسیاری از جواب محروم مانند در این صورت ملاحظه نما که محبت در دل بچه درجه است که مکاتیب متعدده متکاثره تا بحال بشما مرقوم گردید با وجود این یا حبیبی زدنی میفرمائید تا مظهر آیت انا اعطیناک الکوثر شوید باری کوثر اصلش مشتق از کثرت است که بمعنی ازدیاد است کوثر

الهی الیوم نفحات قدس است که مجیی ارواحست ع ع مقابله شد

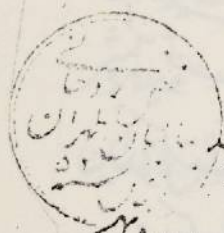

طهران جناب حاجی آقا محمد علاقه بند علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن هوالله

ای ثابت پیمان الحمدلله آنچه مأمور گشتی مجری داشتی بیزدشتافتی
و آن اسرا را بطهران آوردی و فی الحقیقه بسیار مشقت کشیدی و زحمت
دیدی و صدمات خوردی ولی این بلایا و صدمات در سبیل حق است لهذا ارزد
جان و تمنای وجدانست باید صبر نمود و بشکرانه قیام فرمود در خصوص اختلاف
ورثهٔ من ادرک لقاء ربّه جناب استاد محمّد حسین حرفوم فرموده
بودید البتّه باید وصیّت را مجری داشت تقسیم میراث بعد از اجرا
وصیّت است و این منصوص کتاب اقدس من شاء فلیعمل و من شاء
فلیترک انّ ربّک غنیّ عن العالمین و اینکه بیان شد محض
تعلیم حکم الهیست والّا آن ران ملخی که وصیّت نموده اگر ورّاث
عموماً راضی شوند بجهت مصارف مشرق الاذکار در عشق آباد
ارسال نمایند و یا انکه بر فقرا از جمیع ملل توزیع نمایند این هر دو
عمل مقبول درگاه کبریاست و آنچه خواسته بودید در طیّ مکتوب
امة الله ورقهٔ موقنه بدیعه و هم چنین بدیع الله و نیّره و وصیّه
لا محمّد حسین زهرا سلطان از قبل عبد البهاء نهایت مهربانی مجری
دارید و علیک التحیّة والثناء ع ع مقابله شد

طهران جناب آقا محمد علاقه بند علیه بهاء الله الأبهی

خط اهل هوالله

ای رفیق روحانی اگر بدانی که مشغولیت بچه درجه است البته بیک کلمه کفایت فرمائی مختصر اینست که جمیع محررات آن جناب بمنشادی علیه بهاء الله الأبهی حرفا بحرف بکمال دقت ملاحظه گردید واز حالات و صدمات و شقات آنجناب بی نهایت محزون شدم ولی کلام همان است که از پیش مرقوم گشت تا من در صدمه و بلا هستم یاران عزیز نیز باید سهیم و شریک باشند والبته آن یار موافق راضی نشود که این شرکت بهم خورد مولوی گفته این روا باشد که من در بند سخت که شما بر سبزه و که بر درخت رفیق داد و فریاد مکن اگر این شرکت را فسخ نمائی فوراً دعا نمایم که اسباب خوشی و راحت فراهم آید والسلام درخصوص رفتن بیزد مرقوم نموده بودید موقت بسیار خوب و لازم اما دائمی نیز جائز امید وارم که مسرور گردی و راحت روح حاصل نمائی و تا بحال از برای هر نفسی تحریری خواستی ارسال کردید چرا کلمه میفرمائی امید که چون بیزد رسی سبب سرور و حبور

بازماندگان شهدا کردی وجمیع یاران علی الخصوص مصیبت
زدگان را در نهایت مهربانی از قبل عبدالبهاء تحیت و اشتیاق
برسانی همواره بذکر آنان مشغول و مألوف و از فضل بها الطاف
بی منتها نیاز نمایم و علیک البهاء ع ع
رفیق انصاف ده این مکاتیب را بخط خود با کمال مشغولیت
مرقوم نمودم باز کله کن ترا بخدا قسم من بعد بهلهله فرما
و علیک البهاء الأبهی ع ع جناب منشادی بخط خود مرقوم نمودم

مقابله شد

بواسطه جناب حاجی آقا محمد علاقه بند

طهران جناب لا میرزا علی ماز ندرانی جناب لا مشهدی علی اکبر جناب
لا مشهدی ابوالقاسم جناب لا حاجی ابوالقاسم علیهم بهاء الله الا

یا صاحب السمین هو الله

ای یاران روحانی جناب حاجی لا محمد نهایت قوت بر نصرت و معاونت
شما قیام نموده و در نامه ئی که به لا میرزا حسین مرقوم نموده خواهش
نگارش تحریری بجهت شما از من فرموده هر چند

من فرصت و مهلتی ندارم ولی قوّت بازوی جناب حاجی لامحمّد
نچنان شدید است که مقاومت توان نمود بنا علیه در چنین
وقتی که آفتاب آسمانی رو بغروب است و ریح سموم در شدّت
هبوب و هو القسمی کرم که جناب قاضی افندی حاضر
والغوث الغوث میفرماید با وجود این من بتحریر مشغول
تا بدانید که روابط حبیّه چگونه حکم برانسان مینماید باری از کثرت
عصیان و طغیان اهل ایران حرض و با مستولی بران شد در آیه
مبارکه میفرماید ولنذیقنّهم من العذاب الأدنی دون
العذاب الأکبر لعلّهم یرجعون لکن بیهات بیهات انتباه
کجا و بیداری کجا غفلت نچنان احاطه نموده است که انذار بیدار نماید ولا
یزید الظّالمین الّا خسارا لا تغنی الآیات والنّذر باری اگر دیگران نخوابند
غفلت گرفتارند شما بیدار گردید و شب و روز استغفار نمائید
و طلب عفو گناه فرمائید انّ اللّه یحبّ التّوابین میفرماید
و هم چنین میفرماید اتّقوا فتنة لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّة
یعنی از بلای ناگهانی بپرهیزید که اختصاص بستمکاران ندارد

من میدانم از فضل و موهبت خداوند مجید دارم که یاران الهی مانند
شمع نورانی بنور محبت الله برافروزند و شب و روز بتضرع
و ابتهال پردازند و مناجات بدرگاه ذوالجلال کنند و ربنا لاتزغ
قلوبنا بعد اذ هدیتنا گویند باید در جمیع احوال از امتحانات الهیه در خدر بود
الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لایفتنون
ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یاتکم مثل الذین کانوا من قبلکم اصابتهم
البأساء والضراء وزلزلوا حتی یقول الرسول ومن معه متی نصر الله
باری مقصود اینست که باید یاران الهی در مورد بلا و شدت و بادکشر
ابتلا در نهایت استقامت و وفا تضرع بدرگاه کبریا نمایند که فضل
شامل و رحمت کامل و شفا حاصل و مرض زائل گردد و علیکم التحیة والثناء
ع ع مقابله شد

بواسطه جناب حاجی محمد تقی طبسی علیه بهاء الله الأبهی

هو الأبهی

یزد جناب علی ابن مرحوم حاجی عبد الرحیم اخوی جناب حاجی محمد
یزدی علیه بهاء الله الأبهی

Provided by the Afnan Library

خط اصل

هو الأبهی

ای مخلص در امر الله آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید فی الحقیقه مدتی بود
که در خاطر بود که زیارت بجهت آن مستشهد فی سبیل الله مرقوم گردد و
لکن للأمور مرهونة باوقاتها لهذا چون مکتوب شما رسید زیارت مرقوم
شد و ارسال گردد بورود زیارت باید احباء الله بالنیابه
از این عبد آن زیارت را متوجهاً بمحل شهادت آن مظلوم تلاوت نمایند
والبهاء علیک ع ع مقابله شد

هو الله

بواسطهٔ جناب آقا هاشم جناب حاجی آقا محمد علاقه بند علیه بهاء الله

یا صاحبی السجن هو الله

ای رفیق دیرین الحمد لله رفاقت و محبت و الفت پا برجاست
زیرا همدمی ما در عتبهٔ مقدسهٔ حضرت کبریاست هر دو در آن آستان همرازیم
و هم آواز تو فریاد یا بهاء الأبهی براری و من یا ربی الأبهی نعره زنم
تو بانگ مرده کانند در این انجمن اندر ره دوست زنی من آهنگ

ای مسیحای زمان هان نفسی کرم برار بلند کنم تو در خمخانه محبت الله
کهنه باده نوشی ومن در میکدهٔ عبودیت بها گریبان دریده و برهنه
ودیوانه ومدهوش پس بیا دست در آغوش کنیم وآنچه سروش
درگوش میدمد متابعت نمائیم یعنی بجوشیم وبخروشیم وفرح
وشادمانی نمائیم وبجانفشانی سرور وکامرانی جوئیم وعلیک التحیة والثنآء

ع ع
مقابله شد



خط صبی هوالله

ای بندهٔ مقبول جمال مبارک اگر بدانی چه نظر عنایتی متوجه شماست
قسم بجمال قدم که چون طیور شکور بال و پر بکشائی وبسمآء مطلع نور
پرواز نمائی وفریاد طوبای لی وحسن مآب برآری این کاس طافح
بعنایات مجلی جبل طور ومزاجش کافور است والبهآء علیک

ع ع
مقابله شد



خط صبی ابهی
الله

ای ثابت بر میثاق درقطعه منشور ثبوت ورسوخ مسطور گردید وبعین رأفت
ملحوظ افتاد از مضامین لوائح استقامت کبری ساطع ولوامع محبت

بر پیمان جمال ابهی باهر حمد خدا را که چنین بندگانی در آغوش عنایت
پرورده که حصن حصین میثاق را علم مبینند و برج عظیم پیمان را بدر منیر ناقضین
عهد را شهاب ثاقبند و راتعین در مهد را مقاوم عظیم ثنای
محبوب آفاق لسان ناطقند و در حدیقهٔ وفا نخلی باسق پس
آنجناب باید بشکرانهٔ این موفقیت بذل جهد نمائید که بهیچوجه
در میان احباب صحبتی واقع نگردد که سبب اختلاف و نزاع و جدال شود
اگر چنانچه در مسئلهٔ تباین فکر حاصل گردد طرفین بکلی سکوت نمایند و سؤال
کنند و آنچه جواب ارسال میشود مجری نمایند باری من از شما اینرا
میخواهم که بعون و عنایت جمال ابهی این اختلاف از میان احباب
در طهران برخیزد چه که سبب شماتت گشته و این عباد را ملامت مینمایند
از معویه سؤال نمودند که با وجود آنکه حضرت رسول در حق تو
لا اشبع الله بطنه فرمود و لعن الله الناقة و راکبها و قائدها گفت
و پدر تو دندان پیغمبر بشکست و مادر تو جگر حمزه عم پیغمبر بمکید و خود تو
مبغوض بودی چگونه شد که شهریار سریر اسلام شدی و بر تخت
خلافت استقرار یافتی گفت از بسکه اصحاب امیر المؤمنین

اختلاف کردند هرچه انها اختلاف کردند من قوّت گرفتم باری
حال نیز از اختلاف احبّاء ناقضین در نهایت سرور و فرحم و این
عبد در مدّت های حزن و الم البتّه شما بحزن من مسرور را ضی
نمیشوید ای ثابت بر پیمان وقت آنست که کمر همّت بر بندید و این
مبانیت را از میان احباب بنیاد برانداز این تعدّد تحیّت اهمیّتی
نداشته که در بین احباب باین درجه اسباب اختلاف شود که زلزله
اش بارض اقدس رسد واحزان وارده یک برصد گردد این
چهار تحیّت را حضرت اعلی روحی له الفدا قرار فرمودند و از این
تحیّات اربعه مقصود جمال قدم و اسم اعظم روحی له الفدا است
چه که او ست اسم اعظم و نیّر اعظم و ظهور اعظم و هیچیک
در شریعت الله منسوخ نه ولی در ایّام مبارک سمّه موحّدین
وصفت مخلصین الله ابهی بود و آنچه در ایّام مبارک
جاری تا یوم بعث جدید باقی تغییر و تبدیلی نه چون
الله ابهی سنّت موحّدین بود لهذا باید تحیّت الله ابهی
باشد و از این گذشته منتها آرزوی این عبد اینست

که جمیع اذکار و اوراد اسم مبارک باشد وچون ندای الله
ابهی شنوم روحم مهتز گردد وجانم مستبشر شود فوراً
بذابرارم این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست
ولی اگر نفسی الله اجل بر زبان راند نباید تکفیر کرد و تحقیر نمود زیرا
در نصّ شریعة الله ناسخی ندارد باید با کمال ملایمت
و مهربانی گفت که در زمان ظهور تحیّت الله ابهی بود
و در ایّام بطون نیز بمثابت ثابتین و صفت راسخین حتّی تحیّت
من اراده الله الله ابهی پس ما باید متابعت کنیم و اطاعت نمائیم
اگر پذیرفت فبها والّا کیفیّت محرمانه بارض اقدس مرقوم
نمائیم از انجا حکم قاطع خواهد آمد اگر قرار بر این
باشد که در این امور جزئیّه در بین احبّاء الله اختلاف
حاصل شود پس بعد چه خواهد شد باری رفع این اختلاف را
از میان احبّای شما باید بنمائید وابدًا هیچیک خطی
نیستند تشبّث بمنتهای محبّت والفت و یکانگی و دو

نمائید تا متزلزلین مسرور و مشعوف نگردند ع

مقابله شد

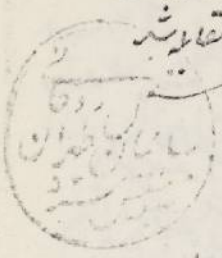

باصاحب السجن

هوالاء

ای ثابت راسخ بر عهد و میثاق بعد از رجوع آن جناب
الی الآن از عدم ارسال مکاتبات ناله و فریاد فرمودید و حال آنکه
در این جا بصر و بصیرت هر دو ملاحظه فرمودید که مشغولیت این عبد بچه
درجه است مهام امور داخل و خارج از جهتی تمشیت جزئیات
کل امور از جهتی هجوم اعدا از جمیع انحاء از جهتی خصومت خصماء و فساد
و فتن منابع جفا از جهتی مخابرات بجمیع جهات از داخل و خارج
یوماً فیوماً در تزاید قسم بمربی غیب و شهود که دقیقه فرصت و آرام
و آسایش نه تا بترویح جمیع رجا ها بپردازد والّا دقیقه فراغت
از یاد و ذکرت نبوده و نیست همیشه در محفل حاضر و در خاطر
مذکور بوده و هستید از تائیدات غیبیه حضرت احدیت
مستدعی و راجی هستیم که در جمیع احوال و در هر مکان مظهر عون

و عنایت حضرت رحمن باشید و در هر موقعی بخدمت امر الله مؤید
و سبب اتحاد و یگانگی و الفت و محبت گردید زیرا الیوم اعظم خدمت
بامر الله التیام و ارتباط و اتحاد و اتفاق احباء الله است
رب آید عبدک هذا علی التوفیق بین قلوب احباء الله و التألیف بین
نفوس الارقاء واجعله قوة جاذبة تجلب القلوب مشتتة الآراء
فی مرکز الوحدة فی امر الله انک انت المقتدر علی ما تشاء انک
انت القوی القدیر در خصوص تکلیف خویش سؤال نموده بودید
تکلیف آنجناب اینکه در ارض یا بنهایت انقطاع و انجذاب و اشتعال و سکون
و وقار با احباء الله مجالس و معاشر گردید و اگر چنانچه دو نفس
ملاحظه فرمائید که در مابینشان اغبراری بهر وسیله که ممکن باشد تألیف
مابین فرمائید و هم چنین بکمال حکمت حرکت کنید و احبا را
بحکمت و مدارا دلالت نمائید که مبادا ناس از عدم حکمت
بفزع و جزع آیند و هم چنین در محافل انس و مجامع قدس
چون شمع روشن و بانوار ذکر الله ساطع و لامع گردید و چون امور خویش را
در ارض یا تمشیت دهید یا اهل و عیال را بارض ط بمعیت خویش

آورید ویا آنکه اگر مصلحت چنان باشد که در ارض یا بمانید اشیاء
موجوده در حجره در طهران را بطلبید و در خصوص اول عید
رضوان استفسار نموده بودید اول یوم رضوان همان روز است
که دو ساعت بغروب مانده داخل عید میشوید آن یوم از ایام
رضوان معدود مکتوبیکه بجهت جناب سعید الملک
خواسته بودید در جوفست برسانید والبهاء علیک
رب انی ابتهل الی ملکوت احدیتک بان تجعل عبدک هذا
سراجاً منیراً ساطعاً بنور معرفتک ونخلاً باسقاً ثمر رطباً
جنیاً فی ریاض محبتک وناطقاً بذکرک فی صوامع التسبیح
والتهلیل متبتلاً الی حضرة رحمانیتک انک انت المؤید الموفق
المعطی الکریم ع ع مقابله شد

هو الابهی

خط اصل

ای بدیع الله شکر کن حضرت مقدسه جمال ابهی را که در آستانه
مقدسه اش راه یافتی و بعنایات عظیمه اش فائز گشتی در ظل ملکوتش در آمدی

دبر معین صافی مصر فتش وارد شدی واز کأس عنایتش نوشیدی
وازشهد الطافش چشیدی ع ع مقابله شد



بواسطهٔ جناب مطلق

جناب میرزا عبد الوهّاب زاهد الزّمان علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ای نفس مطمئنه جناب مطلق لسان ستایش کشوده ونیایش فرموده
که الحمد لله آنوجود محمود مظهر الطاف ربّ ودود است ومطلع
موهبت ربّ وهّاب وبزهد وتقوی موصوف وباخلق مروج
دریحان مألوف ازاین خبر سرور پرور نهایت مسرّت
وشعف وشغف حاصل گشت توجّه بملکوت راز شد وازحضرت
بی نیاز رجای فضل موفور گردید تا آن منجذب ملکوت قیّومی
تازه وهمّتی بی اندازه مبذول دارد ونفوسی درآنکشور مبعوث
گردند ترتیل آیات توحید نمایند وتأیید از ملکوت ربّ جلیل
بیابند فی الحقیقه خطّهٔ زنجان بدمآء مطهّره مخمّر است بسا نفوس

مبارک که مشکوة عالم ناسوت را بگذاشتند و در زجاج عالم
لاهوت مانند شمع برافروختند آن نجوم ساطعه و آن کواکب
لامعه از افق ابدی میدرخشند و خطاب بباز ماندگان میفرمایند
که ای باز ماندگان ما بالطاف الهی باین اوج نامتناهی رسیدیم
و شما را بنهایت مهربانی نظر میکنیم تا مانند سرو روان جویبار آمال
ما را طراوت و لطافتی بخشید و فروع تابع اصول گردد ما جان
فشاندیم و نور شما افشاندیم نیز پرده بدرید و اوهام را ریشه براندازید بنظر پاک
بآنچه در الواح الهی بصریح عبارت بشارت است تمسک
نمائید الحمد لله که حضرت اعلی روحی له الفداء حجابی نگذاشتند
و سدها را بنیان برانداختند جمیع بیان عیان من یظهره الله است
و جمیع امور مشروط و منوط بتصدیق آن ساذج وجود میفرماید
ایاک ایاک ان تحتجب بالواحد البیانی لانه خلق عنده
ایاک ایاک ان تحتجب بما نزل فی البیان و هم چنین
آیات دیگر مفصل است بنص بیان مراجعت گردد سبیلی را

که آنجوهر

که آنچه هر وجود تمهید فرمود سلوک باید نمود نه بشبهات
معتاده در هر ظهور بیان فارسی را از بدایت تا نهایت
از برای یاران بخوانید و تشریح مسائل بنمائید انشاءالله
روزی آید که آن خطه و دیار گلشن الهی گردد و ملکوت ابهی احاطه کند
اینست آرزوی مخلصین و امنیت آمال موحدین و علیک
البهاء الابهی ۲۴ صفر ۳۳۹ عبدالبهاء عباس مقابله شد

۲۱ ربیع ۱
۱۳۲۸ مرو بواسطهٔ جناب میرزا منیر ابن نبیل ابن نبیل
زنجان جناب آقا ملا عبدالوهاب زاهد علیه بهاءالله الابهی

یا صاحبی الیمین هوالله

الحمدلله الذی فتح علی قلوب المخلصین ابواب العطاء و انعم علیهم بمائدة
من السماء و ایدهم بعرفان جماله الاعلی و اضرم فی قلوبهم نار
الهدی باشراق الانوار من ملکوته الابهی و انطق الورقاء بالثنا
حتی حیرت الملاء الاعلی و کشف سبحات الجلال و رفع النقاب

عن وجه الجمال فنادی یوم الوصال وظهور الأنوار فی الغدو الآصال
والتحیة المعطرة لمشام اهل الملاء الأعلی علی الدرة البیضاء والکلمة
النورآء وسدرة المنتهی والکلمة العلیا التی بشرت بطلوع شمس
البهآء علی کل الأرجآء وعلی من اتبع هداها واتبع هدیها ومسراها ویتبع
خطاها ویتبرء من خطاه بالتجود لرب الجود ومالک الوجود
فی جنة لاتتناهی ای فاضل جلیل نامه اشخص نبیل در بهترین اوقاتی
رسید الحمد لله آیت هدائی ومظهر رعایت ملاء اعلی وشمول
الطاف ملکوت ابهی مؤیدی وموفق ومقربی ومظفر پس تا توانی
در میدان تبلیغ وتحریر جولان کن ونعوت ابلیک لامکان
بخوان مانند ابر بهار بر هر دیار ببار وخاک سیاه را منبت
کل ورياحین نما واشجار بی برگ را کل وشکوفه برویان وثمره طیبه
محبت وعرفان بخش الهی الهی هذا عبدک لاذ بساحة
بالتهلیل والتکبیر الی ملکوتک الجلیل واتبع الدلیل فی هذا السبیل
حتی ورد علی عین السلسبیل التی شفاء لکل علیل وروآء لکل غلیل
رب انطقه ببرهان لامع ودلیل ساطع وحجة بالغة وقوة
دامغة حتی تحقق کلمتک الفارقة جاء الحق وزهق الباطل

ولاريب انّ الكلمة الباطلة زائلة سافلة ربّ انّ عبادك
المخلصين فى ارض الزّاء البلد الجليل قد تحمّلوا كلّ مشقّة وبلاء فى هذا
السّبيل وتجرّعوا من كأس علقم مرير ووقعوا تحت مخالب
كلّ جبّار عنيد فهرقت الدّمآء وقطّعت الرّؤس وتقطّعت
الأحشاء وسلبت الأموال بالغارة الشّعوآء وهدمت البيوت
بكرات من افواه نارية ذات الوقود وتيمّت الاطفال
واسرت النّسآء وارتجّت الأرض والسّمآء مع ذلك صبروا
على البلآء وتحمّلوا كلّ مشقّة وجفا يسمع منهم الضّجيج الى ملكوتك الجليل
بالتّسبيح والتّهليل فى البكور والعشى ولم تسمع الشّكوى من احد ما فى بحبوحة
البلآء فلك الحمد يا الهى على ما بعثت هذه النّفوس القدسيّة
والكينونات النّورانيّة والحقائق الرّبّانيّة ثابتة الاقدام راسخة
القلوب مطمئنّة النّفوس مستبشرة الأرواح ناظرة الاعين الى
ملكوتك الأبهى انّك انت الكريم انّك انت الرّحيم وانّك
انت القوّى المتين ع ع مقابله شد

قزوين بواسطه حضرت حكيم الهى زنجان جناب ملّا عبد الوهّاب زاهد الزّمان عليه بهاء الله الابهى

هُوَ الأبهی

ایها الفائز بعلم الیقین والمؤید بتعیین امین والموفق بحق الیقین
علیک التحیة والثناء انی رتلت کتابک المبین وانشرح صدری بتلک
المعانی البدیعة الرائقة الدالة علی الصدر المنشرح بهدایة الله
والقلب المضطرم بنار محبة الله والدمع المنسجم من شدة الشوق
الی ملکوت الله والصبر المنصرم توقاً الی لقاء الله طوبی لک
من هذا المقام الکریم بشری لک من هذا الفضل العظیم فاستبشر
وفؤادی بما تأنس محفل الملاقات ومحفل نشر النفحات فی تلک الناحیة
المقدسة التی سفکت فیها دماء الشهداء واحمرت بها مشارق انوار الأولیاء وهذا
الخبر اورثنی فرحاً وسروراً وانجذاباً وحبوراً وکان قلبی تمنی ذلک قبلاً وتمناه
ما دمت حیاً فبلغ تحیتی واشواقی وفرط انجذابی وکثرة حنانی وشدة وطنی
احباء الله الذین طابت سرائرهم وصفت ضمائرهم ونضرت
وجوههم وفرحت قلوبهم بشبارات الله بما تجلی مکلم الطور بلمعات
النور من مطلع الآفاق تباشیر اشراق الهی الهی ان هؤلاء نفوس زکیت
واطمئنت بنفحات قدسک فی بلادک ووجوه استبشرت بطلوع انوار
بین عبادک الملک برحمتک الکبری وموهبتک العظمی ونور هدایتک التی

یتلألأ بین الأرض والسماء ان تجعل هؤلاء آیات تقدیسک بین الوری
وزین رؤسهم بتیجان یتلألأ علی ممر القرون والأعصار انک انت
الکریم وانک انت العظیم وانک انت الرحمن الرحیم ۲۵ ذیقعد ۱۳۲۹
حیفاء عبدالبهاء عباس مقابله شد

هو الله

ط جناب میرزا عبدالحسین علیه بهاء الله الأبهی

هو الأبهی

الهی الهی تعلم وتری امواج البلاء تتلاطم علی عبدالبهاء تتری وجنت
نار اعلام الوفاء وشب ضرام نیران الجفاء وهجم القبائل والشعوب
وضاقت القلوب واشتدت الکروب وهبت عواصف حاصبة
اشد هبوب وعبدک الوحید ایدته بالثبوت کبنیان مرصوص
من زبر الحدید لایهاب الصدام الشدید یقاوم اولی التورات بآیاتک
البینات ویصادم اولی الانجیل بتأیید ملکوتک الجلیل ویتجلد فی هجوم
اولی الفرقان بعونک وصونک یا رحمن ویستهدف سهام الطعان
من اولی البیان ویتحمل اسنة مشروعة وسیوفاً مسلولة وسهاماً
مصوبة ونبالاً مفوقة من کل هاجم وطاعن وقاذف وفاضح من الأمم

القاصیة والدّانیة وهو معتکف علی عتبة عبودیّتک السّامیة ومترام
علی فناء باب احدیّتک الباهیة یقول ربّ ربّ ایّد عبدک
عبد الحسین المنتمی بالعبودیّة لاسمک الاعظم علی خدمة امرک والمسابقة
الی مشهد الفدا بعونک وعنایتک والنّداء بمیثاقک بین الوری
وتبلیغ امرک فی کلّ الانحاء ونشر انفاس طیب ریاض قدسک
فی کلّ الارجاء ایربّ اشرح صدره بانوار التّقدیس ونوّر بصره
بمشاهدة آیات التّوحید وقوّ ظهره علی خدمة امرک المجید واجعله
سهماً نافذاً فی صدور المغلّین وسناناً ثاقباً لقلوب المتزلزلین
وشهاباً مشتعلاً لرجم المتکبّرین وسلوة لقلوب الثّابتین
انّک انت القوّی القدیر ع ع

تمّت

خط کاتب بواسطهٔ جناب امین علیه بهاء الله

هو الله

مناجات رجای غفران بجهت متصاعد برفیق اعلی میرزا ان حید علیخان والملک علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

یا غافری ویا عفوّی لم ادر کیف اشفع لاحد وانا احتاج لشفیع مشفّع

اتشفّع به الی باب غفرانک والوذ به رجاء لاحسانک وانحاطأ العظیم
کیف یرجو العفو لکلّ عبد اثیم والعاص المُلیم کیف یتجرّء طلبا لغفران
غیره من ربّ کریم ولکن فضلک العمیم جرّئنی علی هذا الخطب
الجسیم والّا ما انا وهذا الشأن القویم کفانی ذنبی اثقل ظهری و شتّت
شملی وکثّر شعثی معذلک ارجوک وافزع الیک واتوکّل علیک
واتضرّع بین یدیک ان تجعل عبدک الوحید غریق بحرک
المحیط ملتجأً الی رکنک الشّدید مستجیراً بجوار رحمتک الکبری متمنّیاً
الرّفیق الأعلی مستغرقاً فی بحار رحمتک الکبری انّک انت الغفور
الکریم الوهّاب وانّک انت العفوّ العزیز المنّان
یا امّ الوحید واخت ذلک الرّجل الرّشید از صعود
آن بندهٔ محمود ربّ ودود محزون ودلخون مباشید آن
شعاع بشمس حقیقت رجوع نمود وآن مرغ آشیان توحید بشاخسار
ملکوت تفرید پرواز کرد وبا مرغان چمن زار موهبت وطیور
حدیقهٔ رحمت همدم وهم آواز گردید
وعلیکما التّحیّة والثّناء ع ع



طهران جناب دکتور یونس خان علیه بهآء الله الابهی

یا صاحب السجن هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید و از خبر اتحاد و اتفاق و روحانیت و نورانیت
محفل روحانی نهایت فرح و سرور حاصل گردید و هم چنین از تأسیس مدرسه بنایت
این امور بسیار اهمیت دارد انشاء الله عنقریب معلم و معلمه از امریکا میرسد و باید
منتهای همت مبذول گردد که هر نفسی از صفحات غرب بشرق آید نهایت
فرح و سرور یابد و از یاران الهی ممنون و خوشنود گردد محفل روحانی
اگر التیام و ارتباط و امتزاج و امتشاج تام یابد بامور عظیمه موفق گردد
آثار تأییدات الهی ظاهر و آشکار شود و انوار تقدیس بتابد و قوهٔ
تأیید روح القدس مشهود و عیان گردد و این وحدت وقتی جلوه
نماید که هر جزئی از اجزاء منطوق کلمات مکنونه گردد و معانی آن
در نفوس مجسم و مصور شود آنوقت ملاحظه کنید که چه تأییدی است
و چه توفیقی و هم چنین از جهت عموم ملاحظه نمائید که چون میان
یاران طهران عموماً الفت و یگانگی چنانکه باید و شاید تأسیس ندارد لهذا
بحیائیها فرصت شمردند و بانواع حیل و خداع از این آب انبار بقول شما
خفیاً میدزدند و یاران ابداً ملتفت نیستند و حال آنکه باید قضیه

برعکس باشد بحیائیها را منتها آمال و آرزو که یکنفر بهائی را از صراط
مستقیم و منهج قویم منصرف نمایند و در این مقصد نهایت اتفاق
و اتحاد را دارند دیگر اختیار با یاران است مهمانی نوزده روزه در نهایت
همت بین عموم باید مجری گردد و این مهمانی چون بین یاران است باید
بیان دلائل قاطعه از برای بیانیها گردد تا مبتدئین بیخبر باخبر گردند و
علیک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

۲۵ ج ۱
۱۳۲۱ طهران جناب یونس خان علیه بهآء الله الابهی

یا صاحب السجن هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه ئیکه بحضرت حیدر قبل علی ارسال نموده بودی ملاحظه
گردید سبب روح و ریحان گردید که الحمد لله یاران بنفحات رحمانی مأنوس و
قلوب بجمال دلبر آفاق مفتون نفوس در ترقی و ارواح مستبشر و صیت
امر الله مرتفع و مغناطیس کلمة الله جاذب حال چیزی که باقی مانده
آنست که یاران الهی باید بموجب تعلیم ربانی و وصایای الهی و نصایح رحمانی
با خلق محشور شوند تا خلق بدانند که شمس حقیقت بچه شعاع ساطعی تجلی
بر جان و وجدان یاران نموده که هر یک شمع روشنند و شاهد انجمن نفوسیکه

در دوائر حکومت مستخدم باید بنهایت استقامت و پاکی و آزادگی و عفت و عصمت حرکت و بمواجب خویش قناعت نمایند دامن پاک را بارتکاب و ارتشا نیالایند الیوم اگر یک نفس از احباب معاذالله ارتکاب قبحی نماید ذیل مطهر امرالله آلوده گردد و از برای کل رسوائی باشد بلکه باید حکومت و ملت چنان اعتمادی حاصل نمایند که آرزوئی آن کنند که جمیع امور در ولایات مفوض بدست پاک طیب یاران الهی باشد و باین سبب ایران و ایرانیان ترقی سریع نمایند و اسباب راحت و آسایش بجهت جمیع طوائف فراهم آید اگر چنین مجری گردد یقین بدانید که در اندک زمانی ایران مانند مه تابان روشن و منور گردد و در جمیع مراتب مادی و معنوی ترقی زایدالوصف نماید این است نصایح و وصایای عبدالبهاء بجمیع یاران و علیکم البهاء الابهی ع ع

مقابله شد

طهران جناب میرزا یونس خان

یا صاحب السجن

ای ثابت بر پیمان نامه‌ئی از صبیه من استغرق فی بحر الانوار مخلی المتجلی فی عالم الاسرار حضرت رضی الروح علیها بهاء الله لا

رسید مضمون انکه مرحوم میرزا هادی خان سه اولاد داشت و این
خواهر مهربان پرستاری نمود و صبیهٔ بزرگ آن مرحوم در تحت عفت
و عصمت شماست و آن مرحوم قریب ده هزار تومان میراث گذاشت
واتا سه خواهر سهم خویش را ندر نموده اند که قبر منور حضرت رضی الروح و سائر
شهدای منشاد تعمیر شود اگر چنین است البته بکمال همت کمر بر این
خدمت بندید تا جدث مبارک آن فدائات محترم ظاهر شود و مشاهدهٔ آن
چشمها روشن کند و رائحهٔ طیبهٔ اش مشامها معطر نماید
وعلیک البهاء الابهی ع ع رب لک الحمد بما جعلت
رضی الروح کوکبا مشرقا من ملکوت الاسرار علی قلوب الابرار
وسراجا منیرا فی زجاج الملاء الاعلی یوقد و یضیئ من ملکوت الابهی
وینادی اهل الناسوت الادنی طوبی لی بما اکرمنی ربی و ضیفنی فی محفل قدس
کریم ع ع

خط مبارک

مقابله شد

طهران جناب میرزا یونس خان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

یا صاحب السجن

ای ندیم قدیم در این ایام مژدهٔ رسید که آن بنده نورانی الهی اقتران

بورقهٔ محترمهٔ نورانیّه حفیدهٔ رضی الروح خواهند نمود این اقتران مبارکست
ومتیمّن امید چنانست که عائلهٔ تشکیل شود ونفوسی مبعوث شوند
که سراج وهّاج رضی الروح را در مشکاة جدیدی روشن نمایند وعلیکما البهاء الابهی
ع ع

خط اصل

هو الله

جناب خان از اتّفاقات عظیمه در این چند روز قبل اینکه مقارن جمعیّت
شما زیارت بسیار مفصّل بجهت حضرت رضی الرّوح مرقوم شد
وارسال یزد گردید یعنی نزد آقا طاهر اگر بخواهید از یزد بطلبید
وعلیک البهاء ع ع

مقابله شد

بواسطهٔ جناب یونس خان

طهران جناب میرزا فضل الله وامة الله والدهٔ محترمه علیهما بهاء الله الابهی
یا صاحب السجن هو الله

ای دو منجذب جمال الله جناب یونس مدّتی مونس بود ودر کمال
محبّت ندیم مستدیم بود بعد او را بجهت تحصیل علم طب به بیروت
فرستادیم ودر مدّت اقامت بخدمت مشغول بود وبقدر
امکان در هدایت بعضی تلامذه میکوشید حال اکمال تحصیل نمود

وبوطن قدیم شتافت امید چنانست که سبب مسرّت قلوب
گردد وشما را شادمانی دهد وکامرانی بخشد دل وجان روح وریحان
یابد قلب مطمئن گردد ودیده از مشاهدهٔ روی او روشن شود پدر محترم
بجهان قدم قدم نهاد وبظل اسم اعظم شتافت بترتیل آیات رحمت
مألوف وبتسبیح وتهلیل در ملکوت مغفرت مأنوس زیرا عبد البهاء
بنهایت تضرّع ودرجا طلب عفو وغفران کرد وفضل واحسان خواست
یقین است که این دعا در عتبهٔ جمال ابهی مستجاب گشت وعلیکما البهاء
الأبهی ع ع مقابله شد

بواسطهٔ جناب میرزا یونس خان

سلاله حضرت رضا الروح رضی الله عنه وامة الله زرین تاج وامة الله
روح انگیز علیه وعلیهم بهاء الله الأبهی

یا صاحب السجن هو الله

ای یاد کارهای حضرت رضا الروح آن سرور ابرار چون بپناه حضرت
پروردگار پیوست شما الحمد لله یاد گار او هستید لهذا در نزد عبد البهاء
بسیار عزیزید آن شخص در این سبیل بلایای شدیده دید هر روزی

از جام بلا جرعه‌ئی نوشید هیچ شامی در بستر خویش آرام نیافت
و هیچ صبحی راحت دل و آسایش جان نجست همواره مورد بلا بود و هدف
تیر جفا امید چنانست که شما سبب اعلاء ذکر او شوید و کشت
او را آبیاری نمائید تا مظهر الطاف و سبب سرور و شادمانی عبد البهاء
شوید و علیکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد



عشق آباد جناب حسن ابن حاجی ایمان از اهل زنجان علیه بهاء الله

هو الابهی

خط مبارک

الهی الهی قد خلقت امة من جوهر محبتک و برئت ورقة من دساج
معرفتک و نورت وجهها بنور الایمان و زینت قلبها باسرار الایقان
و بشرت روحها بنفحات القدس من فردوس الجنان و شرحت صدرها
بآیات الرحمن و البستها رداء التقی و اشهدتها ملکوت الهدی فانجذبت
انجذاباً فدت قرة عینها فی سبیلک و فلذ کبدها فی محبتک و برد لوعتها
فی امرک و شفاء علتها بین یدیک و رداء غلتها بین عینیک و رسخت قدماها
کالجبال الراسیات فی حبک و ثبت جنانها کالطود العظیم فی ودک و اشتعلت
بنارک و نطقت بثنائک الی ان فدت فی حبک بنفسها و صعدت الیک

بروحها ایرب اجرها فی ملکوتک الابهی فی ظل سدرتک المنتهی و من علیها
باللقاء یا مالک الارض والسماء ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک

ای یاد کار آن ورقهٔ محترمه و یاد کار آقا سید اشرف ان مشتهد در سبیل الله همچو
کامنما که فراموش شده اگر بزبان و قلم مذکور نشدی ولی در عالم دل و جان مشهور
و مذکوری زیرا تو یاد کار دو بزرگواری و باز ماندهٔ دو منیر روشن اشراق انوار
در ملکوت ابهی در ساحت قدس مذکوری و در معشر مقربین مشهور دیگر چه غم
داری بشرلک ثم بشرلک طوبی لک ثم طوبی لک وانت لعلی صراط مستقیم
ع ع
مقابله شد

هوالله

خط مبارک

جناب آقا ایمان زنجانی الذی سجن فی سبیل الله علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای جوهر ایمان چه خوش بخت بودی و خوش طالع و خوش وقت در راه
حق زنجیر در گردن و خلیلی بر پا و اسیری در نهایت سرور و صفا چه موهبتی
اعظم ازاین و چه عنایتی اکبر ازان سلاسل حکم عقد لئو دارد و قید و بند
حکم آزادی در جهان بی مثل و مانند قسم بجمال قدم روحی لمن سجن فی سبیله
الفدا که اهل ملأ اعلی آرزوی این موهبت کبری نمایند جمیع دوستان را

که مسجون بودند از قبل این عبد تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید
ع ع
مقابله شد

هوالله

خط مبارک جناب آقا حسن ولد جناب حاجی ایمان علیه بهاء الله الأبهی

هوالأبهی

اسلیل ایمان و قرین ایقان جناب ابوی حاجی استدعای تنسیق این رقیم نمود من
بتعجیل در تحریر و ترقیم مشغول زیرا این بنده زحمات و مشقات بعید و عسیر در راه حق
تحمل نمود بدین جهت بی نهایت عزیز است و چاره ئی جز ردای حامیش نه جز
که تسلیم و رضا کو چاره ولی من چه قدر خوشنودم که چنین مهربان و حنون است
و تو باید حمد شکرانه نمائی که چنین او مقرب و مقرون عنایت موفور است
باوجود نهتهای مشغولیت بتحریر این نامه پرداختم مقابله شد
ع ع

هوالأبهی

خط مبارک امة الله ام کلثوم ضلع سلیل حاجی ایمان علیها بهاء الله الأبهی

هوالأبهی

ای امة الله ورقهٔ مقربه درگاه کبریاء جناب حاجی ایمان در جمیع مواقع
بذکر تو

بذکر تو مشغول بود حتی در آستان مقدس زیارتی الحقیقه صبیهٔ صلبی خویش
شمارد و نتیجهٔ خانوادهٔ خود چه بسیار دختر بلند اختر که از صلب دیگر ولی دختر
روحانی و صبیهٔ رحمانی انسانست ع ع مقابله شد



بواسطهٔ ضجیع لامیرزا حسین

امة الله ضلع ابالبصیر شهید علیها بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای امة الله قرین محترم از ید ساقی عنایت شربت شهادت
نوشید و بقربگاه عشق بشتافت و بمال و جان جانفشانی نمود
اگر در این جهان فانی بود تا بحال یقین کوس رحلت میکوفت
و در بستر بیماری مدتی صدمه و زحمت می کشید تا این قالب
خاکی را تخلیه نمود لکن حال مانند سروسهی در گلشن شهادت
کبری در ملاء اعلی در نهایت طراوت و لطافت میبالد و مشمول
عفو و مغفرت حضرت پروردگار شده است پس شکر کن که آن بصیر
در مدت حیات خاطری نیازرد و کلمهٔ بر زبان نراند که دلی مکدر شود
و همواره بجمیع خلق مهربان بود و کل البشر را بجان و دل خدمت میکرد

عاقبت این حسن نیّت او را برتبهٔ شهادت رساند و بموهبت
کبری فائز کرد این قضیّه سزاوار شکرانیت است پس حمد کن
خدا را که آن خاندان و دودمان را الی الابد چنین منقبتی برگذار گذاشت
ع ع
مقابله شد

بواسطهٔ مشهدی رحیم

خط مبارک

هو الله

عشق آباد ضجیع متصاعد الی الله الشهید ابا بصیر علیها بهاء الله

هو الله

ای ضجیع آن بصیر شهیر بی نظیر چه خوش طالع و خوش بخت و خوش
سیرت بودی که قرین آن نازنین گشتی و انیس آن سرور مقرّبین آن
جان پاک از اوج افلاک ملکوت ابهی ندا میفرماید که ای قرین دلنشین
در ذروهٔ علّیینم و در اوج فردوس برین اگر بدانی بچه عنایتی مخصّصم و بچه
موهبتی ممتاز در هر نفس البتّه قالب عنصری بیندازی و قفس ترابی
بشکنی و باین اوج پرواز نمائی و آنی تحمّل و صبر ننمائی و در فراق نیاسائی
ولی حکمت بالغه این گلشن وسیع را مستور فرموده
و این فضای بی پایان را پنهان کرده
والبهاء علیک ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک

عشق آباد ضجیع متصاعد الی الله حضرت ابا بصیر علیها بهاء الله

هوالله

ای ضجیع حضرت ابا بصیر بی نظیر آن مرغ باغ الهی آشیانی
در شاخ سدره رحمانی ساخت و در کاخ ملکوت ربانی لانه و ماوی
نمود آن آشیان تو نیز خواهد گشت مطمئن باش چه خوش بخت
بوی که قرین چنین نازنینی گشتی و در سرادق موهبت راه یافتی
ان سرور ابرار چون هزار هزار دستان در مرغزار حضرت تقدیس
بانالهٔ زار در ترنّی و تغنّی است هرچند ناله است ولی از شوق
و طرب و جذب و وله منبعث است والبهاء علیک ع ع

سرمست بادهٔ میثاق جناب اخوی آقا عبدالله را تکبیر برسان

مقابله شد

هُوَ اللّٰه

خط مبارک

عشق آباد جناب حسن ابن حاجی ایمان علیه بهاء الله الاهی

هو الابهی

ای ابن ایمان و سلالهٔ ایقان نجابهٔ ایمانی و از سلالهٔ ایقان در صون و عون
جمال ابهی گریز تا از سهام اهل بغضا محفوظ و مصون مانی و از سنان اهل جفا
محروس و مکلوء گردی توجه بملکوت ابهی کن و توسل بذیل کبریاء
جو و در ظل سدرهٔ منتهی منزل و ماوی جو و از ثمرهٔ شجرهٔ انبیا تناول
نما تا در این تنگنای جهان فانی در کمال گشایش کامرانی نمائی و در عالم
سرمدی بعد از صعود روح زندگانی کنی ع ع مقابله شد

هو الله

زنجان جناب آقا حسن کفاش علیه بهاء الله الابهی
یا صاحب السجن

هو الله

ای بندهٔ آستان بزم خوشی برپاست و جشن بلا در نهایت ترتیب و تنظیم
آراسته گشته و عبد البهاء در این بزم سرمست و می پرست و جام عطا
در دست چه قدر شکرانه باید که مورد این الطاف گشتی خدمات
باحبای الهی واضح و مشهود و همچنین زحمات قرینه ات

مقبول از خدا میطلبم که عون و عنایت مبذول فرماید و علیک
التحیة والثناء ع ع مقابله شد

هو الله

زنجان جناب پیغمبر قلی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن هو الله

ای پی رو پیغمبر یار قدیمی و در محفل قلوب انیس و ندیم بذکر تو
مشغولم و بیاد تو مألوف در این بقعهٔ مبارکه تا مغبوط مقربین گردی
و مذکور در علیین و علیک التحیة والثناء مقابله شد
ع ع

جناب آقا محمد حسن زنجانی علیه بهاء الله

هو الله

ربی ربی ان هذا عبد توجه الی وجه رحمانیتک و قصد باب فضل ربانیتک خط مبارک
و تمسک بحبل فردانیتک ایرب اشمله بلحظات اعین صمدانیتک ایرب
ایده علی الثبوت علی عهدک و میثاقک والرسوخ فی امرک و محبتک
انک انت الکریم الرحیم الوهاب عبد البهاء عباس مقابله شد

هو الله

خط مبارک امة الله رقیه از منسوبان حاجی ایمان علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای امة الله در سبیل جمال قدم فدای جان خود را قربان خاک آستان رحمن نما پس اگر جان جاودان خواهی فدائی شو و اگر حیات بی پایان جوئی محو و فانی گرد اگر عزت قدیمه طلبی هر مشقتی را چون ورقهٔ نورآء والدهٔ علی اشرف الذی استشهد فی سبیل الله در راه خدا تحمل نما هذا هو العز العظیم هذا هو الفضل المبین

ع ع

مقابله شد

هو الله

خط مبارک عشق آباد جناب استاد محمد حسن داماد جناب حاجی ایمان علیه بهاء الله الابهی

ملاحظه نمایند

هو الله

ای مستفیض از نور ایمان از فضل جمال قدم آن دودمان اشرف همیشه مظاهر الطاف بودند و مطالع انوار اعطاف منظور نظر عنایت بودند و مستغرق در بحر هدایت آن روح مجسم و نور مشخص صاحب روی منور و خوی معطر حضرت اشرف بشهادت خویش تاجی بر سر آن خانواده نهاده که روشنی در شاهوارش

جمیع آن دودمان را منوّر نموده عبدالبهاء عبّاس مقابله شد

هوالله

خط مبارک

ربّ ورجائی اسئلک بسلطان غفرانک الّذی احاط اهل العصیان بان تغفر لوالد عبدک الّذی ناجاک فی خفیات سرّه وجهاره ان تغفر لابیه الّذی توفّی ایّاک اغرقه فی بحار رحمتک الکبری واورده علی مناهل عفوک یا غافر الخطایا ع ع مقابله شد

هوالأبهی

خط مبارک

امة الله قدسیه بنت حاجی ایمان علیها بهاء الله الابهی

ای امة الله

هوالابهی

پدر وفا پرورت در این محضر یاد تو نمود و نامهٔ بحلاوت شهد و شکّر رجا بنماید هر نامه که ذکر جمال قدم و نعت اسم اعظمست حلاوتش فائق بر انگبین است پس در وقت که خواهی کام جانت شیرین شود و مذاق وجدانت پر از انبسین گردد فریاد یا بهاء الأبهی برار

ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک امة الله والدهٔ آقا محمد حسن ابن ملا عبد الحسین علیها بهاء الله الابهی

هوالله

ای امة الله عنقریب روی ماء الله در ملکوت ابهی چون شمع روشن گردد وقلبشان چون کهسار در فصل بهار گلزار و گلشن انشاء الله تو جان بنور ثبوت در سوخ منور میسازی و جای نشین آن ورقهٔ مقدسهٔ نورانیه والدهٔ میرزا اشرف میشوی ع ع

مقابله شد

هوالله

خط مبارک زنجان داماد جناب حاجی ایمان علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی

ای جوان روحانی جناب حاجی ایمان کوه وبیابان طی نمود وصحرا ودریا قطع کرد تا ببقعهٔ مبارکه نورآباد وارد ودر عتبهٔ مقدسهٔ علیا ساجد شد فیض عظیم برد وفوز جلیل یافت میمنت آن مملکت شد وبرکت آن امت گشت زیرا در آستان مقدس تشبث وتوسل نمود ودر درگاه احدیت عجز وزاری کرد که آن اقلیم جنت نعیم شود وآن حزب یوم مشارق نجوم گردد وهر یک از دوستان

مظهر الطاف حی قیوم شود والبهآء علیک ع ع

مقابله شد

هوالله

خط مبارک

بستگان وخویشان جناب حاجی ایمان علیهم بهآء الله الاحدیه

هوالابهی

ای خویشان حاجی ایمان شما یاران وخویش منید وهر نهم رحیم وریش عالمید دردی درمان جهانیانرا دریابی فاروقید و مزاج مختل آفاقرا علاج سریع الانتیاج عنقریب طبیب تجارکان گردید وادیب بستان طالبان شوید زیرا امر الله چنان قوت گیرد که عموم چون مریض از پی طبیب روند ومثال مجروح از پی مرهم عظیم بشتابند شکر کنید جمال قدم روحی لاحبائه الفدا را که مظاهر تأیید ومطالع تجرید والبهآء علیکم یا احبآء الله

ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک

تبریز جناب حاجی ایمان علیه بهآء الله الابهی

ایها المتوجه الی الملکوت الابهی تالله الحق آن قبائل الملاء الاعلی

یصلّین علی الثابتین علی میثاق الله و ینصرن عباد الا تأخذهم
لومة لائم فی الرسوخ علی عهد الله و انک انت یا من ذاق
حلاوة شهد المیثاق لا ترد بصرک عن نور الاشراق لعمرک
ان شمس الحقیقة من ملکوت غیبها تبذل انوارها و شعاعها علی
کل الآفاق و لکن المحتجبون لفی حجاب حالک مظلم صیلم ظلمات ثلاث
بعضها فوق بعض و هم لا یهتدون ع ع مقابله شد

هو الله

یا صاحبی السجن زنجان ایران احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای احبای الهی از آن خطه و دیار که قربانگاه عاشقان کوی
دلدار است نسائم خوشی میوزد که روح و ریحانست و مسرت
دل و جان خبر انجذاب و اشتعالست و ثبوت و استقامت
در امر پروردگار ای یاران تخم پاکی در آن مزرعهٔ الهیه افشانده گشت
و بخون شهیدان آبیاری شد بکوشید و بخروشید تا
در این ایام از شبنم عنایت سبز و خرم شود و خوشهٔ فیض و ریع

ببار آرد و برکت خرمن گردد البته آن دماء مطهره عاقبت
آن اقلیم را زنده نماید و حیات روحانی بخشد و انوار حق بتابد
و دشت و صحرا و کوه و بیداء منور گردد و اما شما بکوشید
که در این زمان دلبر این آرزو و آمال شاهد انجمن گردد. و علیکم
التحیة والثناء

ای سوکلی یارانم زنجان شمس حقیقتین طوغدی کوندن انوار معرفت الله
بارقهٔ سحر آسا آفاقنده منتشر اولدی و هدایت یلدزلری مشرق
عنایتدن پارل پارل پارلادی مشکاة نور اولدی و جلوه گاه ظهور
اولدی آتش عشق شعله ور اولدی و دلبر رعنانن عاشقانی هر بری
بر آهنگ مشتاقانه ایله نغمه ساز محفل آشفتگان اولدی قربانگاه عشق
قپوسی آچلدی و عاشقان جمال ذو الجلال کمال وجد و سرور ایله رقص ایدرک
جانفشانی ایدرک جشن عظیم برپا اولدی جام فدا صونلدی یریوزی قان
ایله بویاندی سرمست الست نشهٔ صهباء بولدی و قیامت شهدا قوپدی
میدان شهادت جنت مأوی اولدی هر عاشق صادق مسرت
جان و راحت وجدان بولدی صبح موهبت آچلدی و نور احدیت
پارلادی و ندای ملاء اعلی قولاقلره دیدی و تحسین ملکوت ابهی

دو یولدی وطوبی لکم وبشری لکم ترانه مطربان بزم حضرت رحمن
اولدی سزکه اول گلستانن شکفته گللری سنز واو بوستانن
سرو خوش خرامی سنز واول جویبارن نهال بیهمالی سنز جهد ایلین
وسعی ایلین تا که انلرن کشتزار هدایتلرینی جویبار حقیقت ایله صولایه
سنیز ودیکدکلری درختان موهبتی نسیم جانپرور استقامت ایله
طراوت بخشا اوله سنز تا جنت ابهانن لطافت هواسی وحلاوت
منظره سی کوکللرنزی باغ جنان ایلیه روضه جنان ایلیه جلوه گاه
رحمن ایلیه شاد اوله سنیز وار اوله سنیز ای بنم سوکلی یارانم ع ع

واول اسلافن اخلاف بی مثالی سنز

مقابله شد

هو الله

زنجان جناب لا یوسف علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن هو الله

ای یوسف زنجانی من یوسف کنعان چهره برافروخت
وشهرهٔ آفاق گشت تو در چه بلا پرورش یافتی انشاء الله اوج
ماه خواهی یافت عزیز مصر محبت الله شو وجلوه
بکوه وبازار کن وعلیک التحیة والثناء
ع ع

مقابله شد

هوالله

بواسطهٔ جناب لاحسن زائر زنجانی علیه بهاء الله احبای زنجان

جناب لا محمد قلی انجانشان لا عبدالله لا نورالله لا نعمة الله
لا شکرالله لا عبادالله لا روح الله لا ابراهیم مع ضلع و ذیل بیت جناب
حاجی ایمان و منتسبینشان لا حسن فضل الله و حب الله جناب نجارباشی
اخویشان لا باقر لا محمد تقی ابن ایشان لا علام حسین علاقه بند
جناب استاد محمد علی حداد جناب لا پاشا کفاشش لا می
سعد الحکما میرزا موسخان . اخوانشان لا میرزا عیسخان حکیم
جناب لا میرزا ابراهیم خان جناب لا میرزا خداداد لا میرزا محمود خان
جناب لا مهدی لا میرزا عزیز خان لا عزت الله خان چاپار
لا میرزا اسدالله جناب لا سید فتاح جناب لا سید احمد جناب
لا سید مختار مع والده شان جناب لا میرزا لا جناب لا شیخ محمد
جناب لا شیخ علی اصغر جناب لا سید علی اصغر وابنشان سید مجتبی
جناب میرزا محمود خان سرهنگ مع اخویشان مهدیقلیخان جناب
لا میرزا شفیع خان جناب لا میرزا عبدالوهاب زاهد جناب لا اسدالله
شانه ساز جناب لا مشهدی حسین صندوق ساز جناب لا میرزا هادی نجار

جناب نصیر بیک جناب علی حسین بیک جناب داداش دائی
جناب استاد محمجعلی سلمانی جناب استاد محمجعلی حدّاد
جناب استاد محمجعلی کلاه دوز مع اخویشان کربلائی فتحعلی
جناب لا محمّد صبّاغ جناب لا علی اکبر دباغ جناب لا علی بشیر اخوی ایشان
جناب لا میرزا اسحٰق جناب لا عبدالله بنّاء جناب لا علی شریف
جناب لا تقی حدّاد جناب استاد ابراهیم حدّاد جناب لا تقی جناب لا تقی
کفّاش جناب لا جعفر کفّاش جناب حاجی مکارم کفّاش
جناب لا عبدالمجید جناب لا علی اکبر قزاز جناب لا ابوالحسن جناب لا عنایت الله
جناب استاد نوروز علی حدّاد جناب ملا ایمان جناب لا علی اکبر کاشی پز
جناب لا یعقوب جناب کربلائی بابا جناب لا خوندکو شکنی
جناب عبدالرزاق بیک جناب استاد عبدالرسول جناب ناظم
درویش جناب لا محمّد دائی جناب استاد کاظم حلاّج جناب لا عنایت الله
کفّاش جناب لا ملا محمّد جناب استاد ابوالفضل جناب لا عبدالعلی
واخویشان جناب لا عبدالرحمن لاحن داماد ایمان وصادق
ابنشان جناب لا سبز علی پسر استاد مهرعلی آهنگر
لا اسدالله نجل استاد ابراهیم آهنگر نجار باشی مع اهل بیتشان علیهم وعلیهن
بهاء الله الأبهی

Provided by the Afnan Library

هوالله

یا حبی السجن

ای یاران عزیز عبدالبهاء واماء رحمن صحبت و نسیم جانپرور جنت ابهی بجمیع کائنات سرور کند ولی تأثیر در قلوب صافیه نماید و مشام پاک را معطر فرماید پرتو آفتاب را دیده بینا بیند و آهنگ ملاء اعلی را گوش شنوا شنود باران رحمت یزدانی و فیض آسمانی هرچند بر عموم اراضی فائض است ولی از خاک پاک انبات نماید اما از شوره زار بیزار است زیرا آثار فیض ظاهر و آشکار نه حال نفحات قدس ملکوت ابهی در هر دیار منتشر ولی نفوس زکیه منتفع و منجذب از فضل حی قیوم امید انمنظلوم چنانست که تقوه باهره کلمة الله مشام غافلان باز گردد و از رائحه گلستان راز نصیب و بهره گیرند

ای یاران الهی دوستان حقیقی طبیبان حاذقند و تعالیم الهی در یاق رحمانی و درمان وجدانی مشامهای مذکوم باز نمایند و از مشموم نصیب موفور بخشند خفتگان را بیدار کنند غافلان را هوشیار فرمایند محرومان را نصیب بخشند و مأیوسان را امیدوار فرمایند الیوم اگر نفسی بموجب وصایا و نصایح الهیه

روش و حرکت نماید عالم انسانیرا طبیب روحانی گردد و مردن کا
امکانیرا صور اسرافیل شود زیرا تأییدات ملکوت ابهی پی در پی است
و نصرت ملاء اعلی همدم هر نیک پی پشه ضعیف عقاب
قوی گردد و عصفور نحیف شهباز اوج عزت قدیم شود لهذا نظر
باستعداد و قابلیت خویش ننمائید بلکه اعتماد بر عون و عنایت
و فضل و موهبت جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء نمائید
و در میدان جان فشانی سمند همت را جولان دهید
تا گوی الطاف را از این میدان وسیع بربائید

ای اماء رحمن بانوهای جهان سر ببالین خاک نهادند و محو و
نابود گشتند نه اثری و نه ثمری نه نامی و نه نشانی نه جودی
و نه وجودی ولی کنیزان درگاه احدیت هر یک در افق
عزت قدیمه مانند ستاره درخشیدند و بر قرون و اعصار تابیدند
و در ملکوت ابهی بمنتهای آرزو رسیدند و از شهد لقا در محفل کبریا
چشیدند این نفوس از وجود بهره ئی گرفتند و ثمره ئی بردند و ما عدا
قد اتی علیهم حین من الدهر لم یکونوا شیئا مذکورا

ای یاران این مظلوم نظر را از مشاهده غیر پاک نمائید بیگانه نبینید

بلکه جمیعرا آشنا دانید زیرا باوجود ملاحظه بیگانگی محبت
و یگانگی مشکل است و در این دور بدیع منصوص الهی باید با جمیع
طوائف و ملل یگانگی نمود و نظر بضعف و شدت و سوء نیت
و ظلم و عداوت ننمود بلکه باثبوت عزت قدیمه باید نظر کرد که این
کائنات هریک آیتی از رب الآیات اند و بفیض الهی و قدرت
ربانی بعرصهٔ وجود قدم نهادند لهذا آشنا هستند نه اغیار بیگانه یار هستند
و باین نظر باید معامله نمود اسپران باید در نهایت مهربانی
و محبت با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نمایند دائماً
نظر باستحقاق و استعداد نکنند در هر صورت نهایت مهربانی
فرمایند از شدت عناد و جدال و بغضا و عدوان خلق
نگذرند اگر آنان تیز زنند اینان شهد شیر بخشند
اگر زهر دهند قند بخشند اگر درد دهند درمان بیاموزند اگر
زخم زنند مرهم نهند اگر نیش زنند نوش روا دارند
الهی الهی انّ هؤلاء عبادک الضعفاء و ارقّائک الأمناء و ایائک
اللائی خضعن لکلمتک العلیا و خشعن لعزتک النوراء و اعترفن
بوحدانیتک التی ظهرت ظهور الشمس فی وسط السّما و سمعن ندائک

من ملکوتک الاخفی ولیبیّن لدعائک بقلوب خافقة بالمحبّة والولاء
ربّ افض علی الجمیع سجال رحمتک وامطر علی الکل من سحاب
موهبتک وانبتهم نباتاً حسناً فی حدیقة رحمانیّتک واجعل
هذه الریاض نضرةً خضلةً خضرةً ریّانة بفیوضات غمام احدیّتک
ومؤنّقة هذه الریاحین النّابتة النّامیة بمیاه حیاض الالطاف
انک انت المقتدر المتعالی العزیز قیّوم الارض والسّموات
لا اله الّا انت ربّ الآیات البیّنات ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت سمندر زنجان
هو الله
جناب میرزا هدایت الله جناب حاجی یوسف جناب آقا حسن
ابن ایمان وجناب آقا حسن صهر ایشان وجناب آقا محمّد
وجناب استاد مهر علی وجناب عبد الرحمن
وجناب حاجی مراد علی علیهم
بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن هو الابهی

ای یاران الهی همواره در ارض مقدس در آستان پاک مذکور بوده
و هستید و همیشه مورد عنایت خواهید بود آن قطعه مبارکه
صیت امر الله را بآفاق رسانید و هزاران نفوس
در کمال سرور جانفشانی نمودند و روح و روان و مال و منال و
خانمان در ره یزدان رایگان انفاق کردند حال یاران الهی باید که
آن کشتگان را آبیاری کنند و نهال آن فدائیان را پرورش
دهند شب و روز در نشر نفحات کوشند و بکمال حکمت
تأسیس بنیان کنند هر یک آیت هدی گردند و موهبت
ملکوت ابهی شمع هدایت افروزند و مشکاة موهبت را
ساطع و لامع کنند ای ثابتان ای راسخان وقت بیداری
و هنگام هوشیاری و دم بیقراری ایام این عالم در گذر است
و فنای ابدی از برای نفوس غافله مقرر تا وقت هست فرصت
غنیمت دانید شمعی برافروزید علم تقدیس برافرازید آیات توحید
ترتیل کنید و بنیان جاوید تأسیس نفحات قدس محفل
انس را معطر نماید و انجذابات قلبیه عالم کون را بحرکت

آرد اینست نصیحت عبدالبهآء بجان بکوشید و محب عالم
باشید خادم صلح و صلاح شوید و کافل فوز و فلاح گردید
خیرخواه عموم عالم باشید و خدمت بهیئت عالم انسانی
کنید جمعیت بشر را صلح اکبر گردید و شرق و غرب را آشتی
پرور نمائید تا توانید روح حیات بخشید و راحت
و سلامت بآسایش عموم عالم آرزو کنید و علیکم البهآء ع
مقابله شد

زنجان بواسطهٔ جناب شیخ احمد

جناب لاحسن کفش دوز علیه بهآء الله الأبهی

یا صاحبی السجن هو الله

ای بندهٔ منجذب جمال ابهی نامه‌ات رسید و مضمون مفهوم گردید
دلیل جلیل بر سلوک در سبیل الهی بود و برهان واضح بر انجذاب
بانجمال نورانی تا توانی جهانسوز گرد و شمع شب افروز
شو تا ایام را همه نوروز یابی آرام مجو سکون و قرار مطلب سر ببالین
راحت منه و در بستر پرند و پرنیان مخسب روز و شب شور

و وله طلب و ذوق و طرب نما و شوق و جذب خواه چون دریا
بجوش آ و مانند نهنگ الهی خروش نما تا آن اقلیم را که بخون شهیدان
رنگین است بهشت برین نمائی و جنة النعیم فرمائی از فضل پروردگار تعجب مدار
پرتو عنایتش چون شامل گردد مور سلیمانی کند و بشهٔ نسر طایر آسمانی گردد
ذباب حقیر عقاب اوج اثیر شود آنچه کند پرتو عنایت کند یؤید من یشاء
علی ما یشاء بما یشاء و یختص برحمته من یشاء و علیک التحیة و الثناء ع ع
مقابله شد

زنجان

جناب لا حسن ارسی دوز و جناب لا محمد صادق و والده محترمه
صاحبی السجن هو الله

ای منجذبان نامه رسید از ورود جناب لا سید جلال و جناب
لا سید حسن خبر داده بودید که سبب فرح و سرور گردید و علت انجذاب
قلوب شد الحمد لله که چنین گشت و چنان شد امروز روز
سرور است و یوم حبور تأییدات جمال مبارک میرسد و بشارات
ملکوت ابهی متتابع است جان و دل در وجد و طرب است و باطن و ظاهر
در نهایت روح و ریحان احبای الهی مظاهر تأییدند و مطالع توفیق

از خدا خواهم که چنان بنار محبت الله برافروزند که پرده ظنون و اوهام خلق بسوزند سبب هدایت کل گردند و علت مسرت عموم شوند بالکمال مهربانی با خلق بیمیزند و فضائل مقدسهٔ انسانی بیاموزند خود را خادم بشر دانند و خویش را جانفشان بیگانه و خویش شمرند کمراها را نور هدایت گردند و محرومان را ظهور موهبت شوند اللهم ایدّ احبائک علی الفضل و الاحسان انک انت الکریم الرحمن و انک انت الملک المقتدر العزیز المنّان ع ع مقابله شد

زنجان بواسطهٔ جناب آقا حسن کفش دوز

یا حی القیوم جناب نائب حسین علیه بهاء الله

هو الله

ای نائب منتاب یاران هرچند والدهٔ ساده دل کوش بفرمایش شما ننمود و پند و نصیحت نشنید و کار را بجائی رساند که پسر مهربان بفیرین نمود و قدرت حضرت رحمان ظاهر شد تا سبب اطمینان نفوس گردد ملاحظه فرمائید که بچه سرعت وصولت علت موت عارض گشت ولی محزون مباش و متأسف و متحسر

ودلخون نگردید باز خداوند منان بجهت شفاعت آن پسر مهربان
مادر نادانرا عفو وغفران میفرماید ودر دریای آمرزش خویش مستغرق
میفرماید زیرا فضلش عمیمست ولطفش عظیم وخواطر احبایش بسیار
عزیز شکر کن این پروردگار را که در ظلّ عنایتش درآمدی وبموهبتش موئید گشتی
راه هدایت گرفتی ونکهت معرفت بیافتی بشکرانه چنین بخشش
که آمرزش ما دراست نهایت جهد وکوشش بکار محبت الله در آن
دیار نما وعلیک التحیة والثناء ع ع

طهران

هوالله

الأبهی

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاء الله

صاحبی السجن

هوالله

ای افنان سدرهٔ مبارکه برتفاصیل مرقومه از حوادث طهران اطّلاع
حاصل شد فی الحقیقه چنانست که هر قوم نمودید که از اضراب موجوده در ایران
سبب بحکومت اطاعت وتمکین دارد ضرب اللهست زیرا نه بتلویح
بلکه بنص صریح مأمور باطاعت حکومتند وصداقت بدولت ملکه
بجانفشانی بجهت عزّت ابدیه عالم انسانی واگر چنانچه نفسی از اتباع

بمنصبی رسد ومشمول نظر عنایت اعلیحضرت شهریاری گردد وبهامور
منصوب شود باید در امور موکوله خویش بکمال راستی وپاکی وصدق
وعفت واستقامت بکوشد واگر خیانتکاری کند دار
تشائی نماید مبغوض درگاه کبریاست ومغضوب جمال
ابهی وحق واهل حق ازاو بیزار بلکه بمثونه وموجب خویش قناعت
نماید وراه صداقت پوید ودرره ملک وملت جانفشانی
فرماید اینست روش وسلوک بهائیان وهرکس ازاین تجاوز
کند عاقبت بخسران مبین افتد ای بهائیان گروه نگروه
ایران راویران نمودند شما همتی کنید بلکه روحی درجسم آن
اقلیم بدمید وزنده نمائید تاتلافی مافات گردد وآیات
بینات جلوه نماید انسان راعزت وبزرگواری بپاکی وراستی
وخیرخواهی وعفت واستقامتست نه بزخارف ودنیا
اگرنفسی موفق براین گردد که خدمتی نمایان بعالم انسانی علی الخصوص
بایران نماید سرور سروران است وعزیزترین بزرگان امنیت
غنای عظیم واینست گنج روان واینست ثروت بی پایان
والاّ ننگ عالم انسانیست ولودرنهایت شادمانی است
چه قدر انسان باید که غافل ونادان باشد وپست فطرت

دست طینت که خوشیرا باو سباخ ارتکاب وخیانت دولت بیالاید والله
حشرات ازاو ترجیح دارد انتهی
ای افنان انجناب درحق ورقهٔ مبارکه المنتسبة الیک باید رأفت
وعدالت بحکم الهی معامله نمائی یا آنانرا بطهران بخواهی یا خود
بیزد بشتابی سالهای چند است که مهجور ومحزون و
مأیوس مانده اند بیش ازاین جائز نه وعلیک التحیة والثناء ع ع
مقابله شد

ط حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد
علیه بهاء الله الأبهی

هو الأبهی

ایها الفرع البدیع من الشجرة المبارکه آن حضرت از قبل این عبد
وکیل ملکه اصیل گشته جشن عظیم جناب ابن ابهر را برپا نمائید
وخود انجناب متحمل اصرف شوید ومبلغ صد تومان خرج این
جشن بنمائید مکاتیبکه مرقوم فرموده بودید ودرخصوص عزل مختار
نگاشته بودید ذلک جزاء بما فرطت فی جنب الله نسئل الله
بان یؤید حضرة السلطان علی نشر رایة العدل مظفرا فیکل الاحوال
علی الآمال ویؤید سریر سلطنته باتکرار الجدیدان واختلاف المیلوان والبهاء
علیک ع ع

هو الابهی

حضرت افنان جناب حاجی میرزا سید محمد علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک ملاحظه نمایند

هو الابهی

ایها الفرع البدیع من السدرة الالهیه در اینحین تلطف
آنحضرت وارد و بخلاصی جناب ابن ابهر مبشر چون باز شد خط
معکوس و لفظ مأنوس موجز و مفید و مختصر و پر معانی فوراً در اینمحل
که از تنور تموز مثال مجسم است . و از حرارت و تاب آفتاب کورهٔ
مصور قلم برداشته و بتحریر این نامه پرداخته احبای حاضر و
غائب کل مسرور و خوشنود گشتند و هر یک اظهار فرح و شادمانی
کردند علی الخصوص حضرت ابی الفضل که الآن حاضر محفلند و مؤانس
در منزل باری چون اعلیحضرت شهریاری چنین عدالت و نصفتی
مجری داشتند و آن بندهٔ الهی را بصرافت طبع از قید و زنجیر
آزاد فرمودند و مظلومیت او در پیشگاه حضور معلوم و مشهود گردید
جمیع احبای الهی باید بشکرانهٔ این عنایت پادشاهی و عاطفت شهریاری
در خدمت و اطاعت و انقیاد و صداقت ید بیضائی بنمایند و بآنچه
نص کتاب مبین اقدس و صریح کتاب عهد و پیمانست قیام کنند

ودر انجمن عالم مشهود و واضح گردند که بحکم کتاب قائم و در اطاعت اوامر الهیه طائع و بخصوص عامل و بفرائض مقرر و مکلف شدند و در منتهای سکون و قرار و وقار بعبادت حضرت پروردگار و خدمت شهریار عدالت شعار و خیرخواهی عموم سکان بلاد حرکت نمایند باری فی الحقیقه باوجود موانع شدیده یعنی سعایت و روایت و تهمت زدن بعضی ابداً کسی را گمان نبود که جناب ابن ابهر خلاصی یابد این منیت مگر آثار عدالت پادشاهی

ربّی ورجائی هذا فرع من فروع سدرة رحمانیتک وقضیب رطیب من جنة غفرانیتک قد وفقته علی القیام بخدمتک والتصدیق بکلمتک والدخول فی کهف حفظک وکلائتک ایرب قد اشتهر ذکره بین خلقک وشاع وذاع انتمائه بعتبة قدس الوهیتک ایرب اجعله عزاً بین خلقک وعظیماً بین بریتک واشدد ازره بقوتک القاهرة علی کل شیء واجعل له یداً بیضاء فی خدمة امرک الذی لاتقاومه قوات الارض والسماء ایرب نور وجهه بانوار رضائک واشرح صدره بظهور آثار فضلک وعطائک واجعله مستقیماً من جمیع الشئون فی دینک وثابتاً راسخاً فی عهدک وبثاقک انک انت المعطی الکریم الجواد مقتدر

Provided by the Afnan Library

هو الله

ط حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

هو الله

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه تحریر قرائت و مضمون مفهوم شد
در خصوص لا سید میرزا مرقوم نموده اید ما آنچه مکلف بآن هستیم
از محبت و مهربانی قصور ننموده ایم حتی مدتی پیش از ورود توبه نامه
بمشهدی عباد سفارش مفصل مرقوم نمودم که نهایت مساعده را
در حق او مجری دارند و از طهران مشهدی مرقوم نمود که با وجود آنکه
در سفارت ما این مسئله را محکم گرفتیم بغتة ملاحظه کنند که
سست انداختیم گمان و ملاحظه دیگر کنند مگر آنکه بگوئیم که اشاره
از جای دیگر شد این عبد مرقوم نمود که صراحة بگوئید که چنین سفارشی
باین مضمون آمده است باری بر ماست مهربانی دیگر هر نفسی خود مختار است
فقط بر این عبد سخت است که نفسی از افنان سدرهٔ مبارکه از عهد و پیمان
محروم ماند والا ان عبد البهاء لفی شغف من محبة الله و غنی عن العالمین
جناب سید میرزا مثل آفتاب میداند ان القوم لفی خسران مبین اما
در خصوص رئیس اداره نظمیه که مقصدش اتهام بی گناهان است ان ربک

هو الحافظ العظیم شما بموجب نصّ الهی بسریر تاجداری صادق و خیر
خواه و امین و مطیع باشید حق خود حقیقت امور را ظاهر میفرماید
امّا در خصوص رفتن بیزد بچاپاری آنچه حضرت فرع جلیل سدرهٔ مقدّسه
مبارکه امر نمایند اطاعت کنید ع ع مقابله شد

سرای امیر
هو الابهی

حضرت افنان سدرهٔ مقدّسه جناب حاجی میرزا محمّد علیه بهاء الله الابهی
ملاحظه نمایند

خط مبارک
هو الابهی

ایها الفرع النجیب الرطیب من السدرة المبارکه جواب مراسلات
آنحضرت انشاء الله در پوستهٔ آینده ارسال میشود در آستان مبارک
شب و روز بتضرّع و ابتهال مشغولیم که آن شاخ سدرهٔ منتهی و اوراق
و ریاحین گلشن کبریا در کلّ احیان بنفحات قدس ملکوت
مهتز و از فیض سحاب جود مالک وجود تر و تازه باشند ربّ ایّد
عبادک علی الاستقامة علی امرک القویم و صراطک المستقیم انّک

انت الرحمن الرحیم مبلغ پنجاه تومان بضلع حضرت علی قبل اکبر
و پنجاه تومان بضلع حضرت میرزا حیدر علی تسلیم فرمائید
و البهآء علیک ع ع

بجناب شیخ حیدر و جناب ملا آقا نیز بواسطهٔ حاجی
عبد العظیم علیهم بهآء الله الأبهی بهر یک ده تومان تقدیم
فرمائید ع ع مقابله شد

خط مبارک هو الله

ای افنان سدرهٔ مبارکه جناب ابراهیم صفار از شدت تعرض
اهل جفا پریشان گشته اند و حال در طهران هستند تقدیر امکان
مراعات و معاونتشان فرض است لهذا اگر شدید بلکه بکلی
مشغول گردد و قدری راحت کردد و البهآء علیک ع ع
مقابله شد

خط مبارک هو الله

ط حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد افنان علیه بهآء الله

هو الله

ای حضرت افنان سدرهٔ مبارکه حضرت اسم الله علیه بهآء الله الأبهی

بجهت کاری اگر مبلغی نخواهند البته ولو بقرض باشد باید مدارک فرمود تسلیم فرمائید زیرا مانزدم قطعی نباشد اقدام نمیفرمائیم ع ع

مقابله شد

بواسطه جناب ابن ابهر علیه بهاء الله

هوالأبهی

ط جناب حاجی میرزا محمد افنان علیه بهاء الله الأبهی

هوالأبهی

الهی الهی انی بکل خضوع انکسار اتضرع الی ملکوت الاسرار ان تؤیّد و توفق الحقیقة النورانیه التی اقتبست الانوار من سماء حیاتیتک والکینونة الروحانیة التی استضائت من انوار احدیتک ایرب هذا انجم سنخ فی افق محبتک و هذا شجر نبت فی ریاض معرفتک و هذا فرع تفرع من شجرة فردانیتک ایرب ایده علی خدمتک و وفقه علی القیام علی ذکرک و ثنائک و قرر عین ابیه ان تشاهد نجذابه بنفحات قدسک و موفقیته علی عمل الامانة الکبری بفضلک و جودک انک انت الکریم المعطی الغفور الودود ع ع

مقابله شد

یا حبی السجن

خط مبارک

هو الابهی

ط جناب حاجی میرزا محمد افنان علیه بهاء الله الابهی ملاحظه فرمایند

هو الابهی

ایها الفرع المتصاعد علی السدرة المبارکه در این اوقات در حفظ و حمایت
و صیانت ضعفای احبا از جمیع جهات لازم و در کل احیان باید بنفحات
تقدیس و تنزیه و اشتعال بنار محبت تربیت نمود و بدلائل و وصایای
الهی متذکر گردد که مبادا فطرتشان مخمود گردد الیوم بهر وسیله
باعلای کلمة الله باید پرداخت که محتجبین بیدار شوند و مضطربین سکون و استقرار
یابند و افسردگان مشتعل گردند و مخمودان متحرک شوند
پوست در حرکت است فرصت بیش از این نه امور در این سجن
اعظم در نهایت تنگی است و دیون متراکم اگر چنانچه چیزی از سائر
جهات نزد شما باشد کاغذ بنک گرفته نزد آقا محمد جواد ارسال
دارید ع ع مقابله شد

هو الله

ط

حضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاء الله الابهی

هو الله

خط مبارک

هو الله

ایها الفرع البدیع من السدرة المبارکه اگرچه چندیست
نظر بحکمت بالغهٔ الهیه حمامهٔ ایکهٔ ابتهال از بیان مقامات
معنوی ساکت گشته ولی در جمیع احیان از حضرت بیمثال بتضرع
و ابتهال استدعا شده و میشود که آن شاخ سدرهٔ مبارکه را بنسائم
عنایت تازه و سبز و خرم نماید و در کل شئون تأیید فرماید
اگر تأیید ملکوت ابهی خواهی بر عهد و پیمان چنانچه باید و شاید ثابت
و راسخ باش و تمسک بذیل عنایت حضرت رحمن جو لعمر الله
ان هذا هو الحبل المتین و المیثاق العظیم و البهاء علیک ع ع
آنچه در خدمات امر الله جهد و کوشش نمودید و انجمن انس بیاراستید
و در تخلیص من سجن فی سبیل الله کوشیدید کل عند الحق و لدی العبد
مذکور و معلوم و آنجناب مأجور از فضل بدیع امید است که من
بعد در سبیل الهی بیش از این بلکه ثعبان مبین بنمائی و ید بیضا بگشائی
یعنی چون رائحهٔ تزلزل در میثاق از اهل آفاق استشمام گردد وساوس
آن نفوس را که بمثابهٔ حبال سحره است چون ثعبان موسوی
محو نمائی جناب میرزا یوسف را تکبیر
ابدع ابهی ابلاغ نمائید ع ع مقابله شد

هوالابهی

ط حضرت فرع سدرهٔ رحمانیه جناب حاجی میرزا احمد علیه
بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

هوالابهی

ای شاخ فرخنده و نهال خجسته حدیقهٔ رحمانیه وقت عصر است
با کمال ضعف قلم برداشته و بیاد روی و خوی تو مشغولم ملاحظه
فرما که نفحات انجذاب سدرهٔ ربانیه چگونه این مشت استخوان را
بحرکت و اهتزاز آورده که با کمال سستی و فتور اصابع بر رقم
این بمیقه پرداخته خاطری بیاد افنان و رحمهٔ صمدانیه در کمال
روح و ریحان داریم و در این حال نهایت تضرع و ابتهال از درگاه
ذوالجلال استدعا مینمایم که موفق بخدمت امرالله گردی
و در این کور عظیم و دور جلیل مظهر فیوضات نامتناهیه شوی و چنان
قیام نمائی که السن کائنات بستایش خدمات ناطق گردد و بصر
وجود بمشاهدهٔ آثار انقطاع و خلوصیت منور شود و البهاء علیک
ع ع

مدتیست که از آن جناب مکتوبی نرسیده البته در خصوص مکاتبه فتور

مفرمائید والبهآء علیک وعلی کلّ فرع ثبت علی المیثاق
وتمسّک بالعروة الوثقی ع ع مقابله شد

هوالأبهی

ط حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب حاجی میرزا محمد افنان
علیه بهآء الله الأبهی ملاحظه نمائید

خط مبارک هوالابهی

ایّها الفرع المبارک من السّدرة الرّبانیّه علیک بهآء الله وثنآءه
کما تشیٔ وفضله وجوده واحسانه فی کلّ الشّئون اسئل الله ان ینوّر وجهک فی
ملکوته الأبهی ویشرح صدرک بنفحات ریاض جبروته الأعلی
ویجلی بصرک بمشاهدة آیاته الکبری وثبّت قدمک علی الصّراط
المستقیم متشبّثا بعهده ومیثاقه الشّدید ومتوسّلا بعروته الوثقی
تارکا اوهام اهل الشّبهات خلف الفناء مستبشرا بنفحات
قدسه مستضیئا بانوار ملکوته ومستجیرا بخضرة جبروته محفوظا فی
کهفه المنیع مصونا فی ظلّ جناح عونه الرّفیع ملحوظا بعین
الرّحمانیّه منظورا بانظار العنایه وانّی لاتهلّ فی کلّ حین الی الرّبّ

القدیم ان یدیم علیک الفیوضات وینزل علیک
البرکات انه مجیب المضطرین عبدالبهاء ع
جناب تاجر باشی علیه بهاء الله الابهی را از قبل این عبد تکبیر
ابدع ابهی ابلاغ فرمائید وچون جواب از پیش بایشان مرقوم
شده بود لهذا تصدیع نگشت انشاء الله چون خبری از ایشان
برسد باز تصدیع خواهد شد مقابله شد

خط مبارک هو الله

ایها الفرع البدیع من السدرة المبارکه بجناب آقا میرزا محمود فروغی
نهایت رعایت را مجری دارید واحترامات فائقه کنید
وابداً سخنی که سبب کدورت قلبشان گردد نفسی نزند آنچه
ما خواستیم که کدورت میان احباب زائل گردد نمیشود از حق
میطلبیم تأیید فرماید جمیع این مشکلات زائل خواهد شد مطمئن باشید
ولی بنهایت بکوشید که درمیان عموم علی الخصوص
خصوص التیام ومحبت کلی حاصل گردد
بتعجیل مرقوم شد ع ع مقابله شد

هوالله

الأبهی

خط مبارک

حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاءالله

ملاحظه نمایند

هوالله

ایها الفرع المستهل الی ملکوت الاصل القدیم الحمدلله تضرع وزاری این عبد بدرگاه احدیت رسید وبعد از ظلمت کرفتار صبح امید دمید وفی الجمله آنجناب براحتی حاصل کردید. چون ثبوت ورسوخ بر عهد وپیمان حضرت رحمن موجود هر مشکلی آسان کردد وهر مشقتی بدل براحت دل وجان تأییدات ملکوت رسد وتوفیقات جمال موعود شجرهٔ رجا ثمرهٔ امید بار آرد وبحر آمال لولوء جدید نثار نماید حقیقه روح فتوح یابد ودریای دل طوفان نوح جنود ملکوت ابهی رایت حمایت برافرازد وملیک جبروت بقوات عنایت نماید بر عهد وپیمان ثابت وراسخ باش وبفضل عنایت پروردکار مطمئن جناب مشهدی عبادرا نظر بانتسابش بان منصا عدالی الله باید بهر قسم است نکاه داشت

اکر چیزی ارسال میشود من بعد باسم حاجی رشید جواد ع ع

ارسال شود آنچه ارسال نموده

بود بتاریخ ۲ شوال رسید

خطاب بکی

هُوَ الأبهی

ط حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب حاجی میرزا محمّد علیه بهاء الله الأبهی

ملاحظه نمایند

هُوَ الأبهی

ایّها الفرع البدیع من السدرة الربّانیه وعی اشارات اهل البهاء وتمسّک بالعروة الوثقی التی لا انفصام لها وثبت اقدامک علی عهد الله میثاقه وتمّم قیام الذی تتزلزل منه ارکان المستضعفین لعمر الله لم یسبق هذا العهد میثاق فی الوجود من الغیب والشهود انه من اثر القلم الأعلی لا یقابل کلمة منه صحف الأولین وانک انت فاستبشر بهذه الموهبة واسع فی نشر نفحات الله کما وفقک علی خدمته امره لانک فرع رفیع من السدرة الرحمانیه وشعب منیع من الشجرة الربّانیه اسئل الله ان یؤیدک علی اعلاء کلمته ونشر بیّناته وظهور آیاته بین العالمین

مبلغ بیست و پنج تومان تسلیم جناب لطف الله من اهل اسد آباد همدان بالکمال اعتذار بفرمائید عبد البهاء ع شد

خط مبارک

هو الابهی

ط حضرت افنان سدرهٔ الهیه جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاء الله الابهی

ملاحظه نمایند

هو الابهی

ای فرع لطیف سدرهٔ رحمانیه خدماتت در این ساحت مذکور و مشقاتت معلوم و مشهود
از الطاف جمال ابهی روحی لاحبائه فدا مستدعی هستیم که در جمیع شئون آنحضرت را
تأیید فرماید حضرت والده علیها بهاء الله الابهی الحمد لله در کمال
صحت و عافیت در طواف مطاف ملاء اعلی مداومند و بدعای شما مشغول
مبلغ هشتاد و چیزی تومان جناب مشهدی عباد علیه بهاء الله الابهی
مصارف و خرجی راه جناب میرزا اسد الله را داده اند و من بایشان
نوشته بودم لهذا شما آنچه جناب مشهدی عباد بفرمایند تسلیم
کنید و بحساب اینجا محسوب دارید و هم چنین بجناب اسم الله ج
علیه بهاء الله الابهی مرقوم شد که آقا میرزا محمود را روانه فرمایند
اگر چنانچه فرمودند مصارف راه آقا میرزا محمود را نیز تسلیم فرمائید
دیگر جمیع احبا و دوستان الهی را فرداً فرداً از قبل این عبد تکبیر
ابدع ابهی ابلاغ فرمائید ع ع مقابله شد

هوالابهی

ارض ط حضرت افنان شجرهٔ مبارکه جناب حاجی آقا میرزا محمد

علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی

ایها الفرع العظیم من السدرة المنتهی تالله الحق ان الشرق والغرب والشجر والحجر تهتز من نسیم المیثاق وان الظلام الدجور قد بدل بالنور من مطلع شمس عهد ربک المشرقة علی الآفاق وان الارض الهامدة اهتزت وربت وانبتت من فیض سحائب الالطاف وان البیض فی اجمة اللاهوت تألقت من امطار الاسرار وان حیاض العرفان ترنقت فی غیاض الرحمن بمیاه الآثار وان سطوة آیات ربک زلزلت الارض فخرت لها الوجوه علی الاذقان وان ربک الذی اظهر هذه الانوار وکشف الاسرار ومن علی الابرار وفرح الاحرار والقی الفجار فی البر الظلماء وحفرة الغضاء وسعیر الحقد بما کسبت ایدیهم وبما فرطوا فی جنب الله وحرفوا کتاب الله وصحفوا الواح الله ومحوا کلمات الله الا انهم فی عذاب خزی عظیم

والحمد لله رب العالمین ع ع

خطاب بک

هوالابهی

ط جناب حاجی میرزا محمد افنان علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ایها الفرع المقدس من الشجرة الربانیه درخصوص برات جناب تاجر باشی وحواله بر شما بعضی روایات مرقومه در آن ارض بسیار باعث استغراب گشت چه که اولاً آنچه کنز اعظم است انشاء الله قلوب جناب تاجر باشی وخویشانست وآنچه در نزد این عبد مهم است اینست وما عدا غیر مذکور ما از عنایات جمال مبارک این استمداد داشتیم که ایشان را در ظل نخل امید و برشریعهٔ رب مجید داخل فرماید الحمد لله آن رجا حاصل دیگر امور سائره هرقسم باشد تفاوتی ندارد ثانیاً انکه اگر کسی به آنحضرت حواله من فی الوجود بدهد در اینمقام مقبولست باری این اذکار را بگذاریم و بذکری دیگر پردازیم در این ایام اعظم امور نشر نفحات رحمانیت وثبوت ورسوخ برعهد و پیمان الهی الیوم افنان سدره تنبهی باید که بجمیع اسباب تشبث نمایند تا بفضل حق کل چون جبل راسخ ثابت برعهد وميثاق الله مستقیم گردند و در اعلاء کلمة الله بجان ودل کوشند و برخدمات امر قیام نمایند جناب تاجر باشی را از قبل ابهی تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید بگونیکه من از خدا خواسته ام که در محل آن

سراج محبّت الله مشعلهٔ روشن گردد والبهآء علیک عبدالبهآء ع
این عبد را لقب عبودیّت درگاه احدیّت ذلک منتهی عزّی و علوی
و اعظم مقامی
بجهت مصارف اسیر غل و زنجیر در سبیل الهی جناب ابن ابهر هر ماهی سه چهار
تومان بایشان برسانید والبهآء علیک و علیه و در حساب در خانه مرقوم
فرمائید ع ع مقابله شد

هو الله

خط مبارک

ط خادم حضرت افنان جناب آقا مرتضی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای مرتضی چه خوش بخت و فرخنده طالع بودی که بخدمت
یاران و خصوصاً حضرت افنان موفق گشتی این خدمت نیست
سلطنت است خادمی نیست بزرگواریست منصب نیست
و مأموریّت من در ملاء اعلی افتخار نمایم که کمترین خادم یاران
جمال ابهی هستم و در ملکوت ابهی مباهات میکنم که کهین چاکر دوستان
اسم اعظم پس تو نیز افتخار کن و مباهات نما ع ع
مقابله شد

هو الله

حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب میرزا محمد علیه بهاء الله الابهی

ملاحظه نمایند

هو الابهی

خط مبارک

ایها الفرع الخضر النضر الرفیع من السدرة المبارکه آنچه مرقوم بود معلوم
شد و هر چه مسطور بود مشهود شد ارواح بلطائف معانیش مسرور
شد و دلها ببدایع مبانیش محظوظ گشت هر کلمه که از منبع
خلوص در امر الله صادر چون ماء زلال که از غمام بهار نازل دل را طراوتی
بخشد و روح را لطافتی و نفوس را بشارتی فی الحقیقه از برای این گمگشتگان
بادیهٔ محبت الله تسلی مفقود جز نفحات قلوب احباء الله و فسحتی معدوم
جز مشاهدهٔ آثار ثبوت و رسوخ بر امر الله زیرا این اصل متین قائمهٔ امر است
و منشاء آثار قضا و قدر انوار یقین باین قوت آفاق وجود را احاطه نماید و
اسرار محبوب العالمین باین آثار ملکوت وجود را روشن کند
پس ای مبارک شاخ سرو حقیقت نورانیه جمیع انظار را متوجه
این امر اتم اعظم کن که احبای رحمن ثابت و راسخ مانند و در خصوص مسئله
حضرت مرفوع همان قسم که شما صلاح دانستید اجرا نمودیم نوشتیم

که کسی حرفی نزند آنچه خود آقا قاسم مجری نماید همان بهتر والبهاء علیک

ع ع

خدمت بزرگ

هو الابهی

ایها الفرع المنشعب الممدود المرتفع من الشجرة المبارکة التی ارتفعت بالحق
فی سیناء الظهور بقعة النور وادی الایمن فاران الرحمن صحراء الطور قد تلوت
ما هدرت به ورقاء الحب علی افنان دوحة الاشواق بکل ضجیج واجیج
واحتراق تشکو بثها وحزنها من هذا الفراق الذی به اظلمت الآفاق وتواری
نیر الاشراق وذابت المقل والاحداق وجرت دمعا من الاجفان والآماق
والتهبت لواعج الاشجان والاحزان بین الجوانح وضلوع اهل
الوفاق وفوقهم غمام القضاء یمطر الحزن والشجن والبلاء وتحتهم بحار
تتدفق بالجوی والاسی بین حسرات وسکرات وعبرات
حتی غلق قلب النبیل الاعظم وخفق فؤاده واضطرم نیران الحرمان فی احشائه
وتزلزلت اعضائه وارتعدت ارکانه وارتج بنیانه وصاح وناح
فی جنح اللیالی واطراف النهار فی البوادی والوادی والشواطی مناجیا
ربه فلم تبرد لوعته ولا تروی غلته الی ان اغرق نفسه فی لجج البحر المتصل

بالبحر الاعظم متضرعا مبتهلا مشتاقا متوجها الی الملکوت الابهی
جوار رحمة ربه الکبری فاشتدت الاحزان علی اهل الله وعظمت رزیته لانها
اردفت بالمصیبة الکبری بالیت کان مع هذا الانقطاع علی الله والانجذاب
بنار محبت الله صبر وتحمل وتجلد وترفق فی بیداء الوجود وناد وبشر بنفحات الله
واطلق اللسان بثنائه وذکره فی ملکوت الانشاء ولکن کان ذلک
تقدیر من عزیز علیم ع ع

هوالله

خدمت سدره منتهی جناب حاجی میرزا مهر علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفرع المجید من الشجرة المبارکة مراعات بقیة خضرت ورقاء
حدیقة ملکوت ابهی روحی لشهادته الفداء بر جمیع ما چون عباد
مولا واجب ولازم لهذا درخصوص امور شان بحضرت امین
چیزی مرقوم کردید آنحضرت ملاحظه فرموده آنچه مصلحت بیت
مجری فرمایند مقصود اینست نوعی گردد که امور معیشتشان

بگذرد ویرزق الله من یشاء بغیر حساب ورقه مبارکه والده ماضیه
تکبیر میرسانند والبهاء علیک وعلی کل ثابت علی المیثاق ع ع

عشق آباد

حضرت ایمان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا مظهر علیه بهاء الله الابهی

ایها الفرع الرفیع من السدره المبارکه تحریریکه بجناب سید تقی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید الحمدلله محفوظ و مصون بمدینه عشق رسیدید واین عظیم دلیل خیراست این سفر مانند سیل وحرکت بدر منور است مبدء ومنتهایش مبارک وپر میمنت وصول حضرت فرع جلیل شجره رحمانیت سبب حصول سرور گردید واز فضل نهایتهای جمال ابهی امیدوارم که این سفر سبب حصول موهبت کبری گردد ونتیجه اش مقبول درگاه کبریاء بجناب نایب تقی وجناب مشهدی علی اکبر وجناب میرزا جلال مکاتیب مرقوم گردید برسانید



وعلیک التحیة والثناء

ع ع

طهران

بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاء الله

جناب لطف الله جهرمی علیه بهاء الله

هو الله

یا صاحبی السجن

ای بندهٔ الهی صدمات شدیده دیدی و مشقات عظیمه کشیدی و بشماتت و ملامت اعدا گرفتار شدی ملال نیاوردی تحمل نمودی حقا که صبوری و غیوری و شکوری باید شکرانه نمائی که باین موهبت یگانه مؤید شدی زیرا این جام سرشار بلا در سبیل بها مخصوص ملاء اعلی است هر حلقی سزاوار آن شراب نه و هر گیاهی لائق فیض آن سحاب نیست در عشق جمال آن گل بلبل معانی را جانفشانی لایق نه جعل ظلمانی دلبر آفاق را عاشق صادق آشفته و مشتاق نه هر کاذب بد اخلاق شمع نورانی را پروانهٔ رحمانی سرگشته و سرگردان نه خفاش کور نادان پس حمد خدا را که باین موهبت موفق شدی و باین عنایت مؤید باز بیشتر جانبازی کن و نغمه سازی نما و بآهنگ و ترانه پرداز تا گوشها همدم راز

کردند و بجهان خداوند بی نیاز پی برند و علیک التحیة والثناء
ع ع
مقابله شد

هو الله

زشت جناب شفاء الملک علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن هو الابهی

ای طبیب حبیب شفاء جسمانی بگیاهی و معجونی و خلاصه و دریاقی میسر
گردد و موقت است عاقبت بیمار از دار اکدار بیزار گردد و ناچار روزی
بدار القرار پرواز کند ولی شفاء روحانی و صحت و عافیت وجدانی
مطلوب و محبوب و منتهی آرزوی اصحاب قلوب زیرا شفای
ابدی است و بقای سرمدی و مزاج روح را علاج ماء طهور
و کأس کان مزاجها کافور و فیض مجلی طور و تعالیم رب غفور
تا توانی خلق و خوی حق گیر و واله و شیدای روی او شو و در سر
کوی او مأوی گزین و بوی دلجوی او بمشام آر و بسوی او نماز آر
تا از جهان و جهانیان بی نیاز گردی و بعجز و ابتهال همراز و انباز
عبد البهاء شوی و علیک البهاء ع ع مقابله شد

هو الله

هوالله

جناب علی قلی خان اشتعال ابن کلانتر علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی الابهی

ای مخمور بادهٔ میثاق اشعار ابدار که فی الحقیقه چون آب روان بود و سلسبیل عرفان
و در نهایت فصاحت و بلاغت و عذوبت و حلاوت بروح و ریحان
تلاوت شد از شعلهٔ جانسوز دل مشتاق آتشی در قلوب برافروخت
که بجمیع اعضا و ارکان شعله زد نار عشقی برفروز و جملهٔ هستیها بسوز
پس قدم بردار و اندر کوی عشاقان گذار ستایش این عبد در جهان
آفرینش پرستش آستان مقدس است و عبودیت عتبهٔ حضرت احدیت
این است بخشش جاودانی این است موهبت یزدانی
این است غایت قصوی و این است سدرهٔ منتهی ازاین شأن عظیم
و مقام کریم دم زن و لسان ستایش باین نیایش بگشا ساز عشق بنواز
ساز کن و بنغمه و آهنگ بندگی جهان را ایقاظ نما این ماء طهور است
این تجلی نور است این فیض مشکور است این فردوس سرور
و حبور است این فضل موفور است این نهایت آرزوی عبدالبهاء
و غایت آمال این مظهر فقر و فنا ذکر احبای امر اجرد منوه

بودید ورجای توجیه خطاب فرموده بودید اینک در طی این
مکتوبست برسانید والبهآء علیک ع ع یا صاحبی السجن

مقابله شد

خلد برکه

هوالله

سمنان صبیهٔ مرحوم میرزا سید حسین علیها بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

ایورقهٔ مطمئنه چون در جهان حوادث واخبار وتاریخ قرون ودهور واعصار
نگری اعظم وقایع وآثار در ممر اعصار از جنس نساء صادر وظاهر ولی بعضی
مظاهر آیات کبری بودند وبعضی اسیر سطوت نفس وهوی یکی
سبب حیات ابدی جهان وجهانیان شد ودیگری سبب ممات
سرمدی بیچارگان پس معلوم شد که این ماده مؤید بقوه قاهره
ونفوذ وقدرت کامله است ولی تا این قوت وقدرت را در چه موردی
صرف نماید اگر در سبیل الهی وانجذاب رحمانی صرف نماید حقیقت نورانیه
آیة الله الکبری مشهود گردد واگر در وساوس شیطانی صرف نماید
انه من کیدکن ان کیدکن عظیم رخ گشاید پس از خدا بخواه که مظهر آیت
کبری گردی ومطلع موهبت عظمی والبهآء علیک ع ع

مقابله شد

بواسطهٔ حضرت امیرزا اسدالله مازندرانی

جناب شیخ محسن علیه بهاء الله الأبهی

یا حبی السجن

هوالله

ایها المقتبس من نار التجلی فی سدرة الانسان هنیئاً لک بما سرعت الی الوادی الأیمن ووجدت علی النار الموقدة فی الشجرة المبارکة نور الهدی وآویت الی الکهف الاوفی وناویت باسم ربک الأعلی ووفیت بعهد الله رب السموات العلی. وقاسیت البلاء فی سبیل الله ووالیت من والی الجمال الأبهی وعادیت من نقض المیثاق وترک العروة الوثقی وساویت احباء الله فی هذه النشئة الأولی طوبی لک ثم طوبی هنیئاً لک هذه الکأس المتدفقة بماء الحیات الممتلئة بصهباء محبة الله وانی اضع وجهی علی التراب وانادی رب الارباب ان یحسن لک المآب ویشملک عواطف الألطاف فی هذا الیوم یوم الأیاب وان ینزل علیک آیات الرحمة ودلائل الرأفة وآثار المنحة ویزیل المحنة ویکشف الغمة وتسبق منه الرحمة حتی یشتد ازرک وتقوی ظهرک وینشرح صدرک وتیسر قلبک من فضل مولاک فی هذا الیوم المشهود وعلیک البهاء الأبهی من ربک الرؤف الودود ع ع

Provided by the Afnan Library

یا صاحبی السجن همدان جناب آقا شیخ محسن علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان الحمد لله در هر محفل و مکانی موفق بخدمت حضرت یزدانی زیرا بیزار از نام و نشانی و مفتون آن دلبر مهربان و مجنون آن زلف پریشان از الطاف حی قدیر امید شدید است که یاران همدان هر روز جلوه دیگر نمایند و ثبوت و استقامت بیشتر از پیشتر بنمایند فی الحقیقه خادمند و ثابت و سامعند و ناطق از تأییدات رب الآیات آنانرا هر دم عون و صون طلبم و موفقیت ملک و ملکوت خواهم و یقین دارم که بعنایت حضرت خفی الالطاف روز بروز بر ائتلاف بیفزایند و از اختلاف بپرهیزند کلیمی و مسلمان مانند گل و شکر با یکدیگر بیامیزند امتزاج تام حاصل نمایند امواج یک بحر باشند افواج یک لشکر گردند طیور یک حدیقه باشند تا در درگاه احدیت مقبول و مشکور گردند

از لاتری سؤال نموده بودید فی الحقیقه در ممالک غرب رشته تجارتست ولی جواز و عدم جواز آن راجع ببیت عدل عمومی است یعنی بیت عدلی که از جمیع بهائیان عالم انتخاب شود زیرا هر حکمی که مصرح کتاب نیست راجع ببیت عدلست عبد البهاء مبین کتاب است نه مؤسس احکام غیر مذکوره

در کتاب آیا تواریخ این ظهور اعظم بعضی شمسی است و بعضی قمری عید رضوان و عید نوروز و لیلهٔ صعود شمسی است ولی عیدین مبارکین بصریح کتاب تو ام است و این جز بحساب قمری محقق نگردد و در ایام مبارک بعثت حضرت اعلی روحی له الفداء و شهادت حضرت نقطهٔ اولی بحساب قمری گرفته میشد ولی صریح کتاب اقدس نه و از الطاف حضرت چنین رجا چنانست که تأییدات عظیمه و توفیقات جلیله همدم و همراز گردد

و علیک البهاء الأبهی ع ع

خط مبارک

هو الله

رب احتکم فی من حشم و اعتدل و اعتزل من غیر رضائک راجیاً صونک و عونک و حسن قضائک رب احفظه من اهل العدوان و عامله بالفضل و الاحسان انک انت الرحمن ع ع

طهران جناب شیخ محسن امین معلم مدرسهٔ تربیت علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای شخص مؤید نامه که بآقا سید اسد الله مرقوم نموده بودید از بدایت
تا نهایت بدقت تلاوت گردید از ترقی تلامذه و حسن نتائج مدرسه
تربیت و از حسن امتحان نونهالان باغ الهی انبساط بی پایان حاصل گشت
فیا طوبی لک بما وفقک الله علی خدمته در این قرن نورانی بنصوص
الهی اعظم منقبت انسانی تعلیم و تربیت نورسیدگان باغ الهی است
الحمد لله که بآن موفقی مدرسه تربیت در صون حمایت حضرت
احدیت است لهذا هر نفسی اقدام بخدمت کند موفق گردد من از ارکان
آن مدرسه مبارک بی نهایت رضایت دارم و همواره تضرع و ابتهال
ببارگاه ذو الجلال مینمایم و از ملکوت جمال آنانرا عون و عنایت
میطلبم چون این مدرسه عنوان بهائی یافته احبای الهی باید بدل و جان
بکوشند که روز بروز این مدرسه ترقیات معنویه و تحصیل کمالات صوریه
نماید بلکه انشاء الله در آبادی ایران ویران رکن عظیمی گردد و نورسیدگانی
تربیت شوند که سبب انتشار انوار شمس حقیقت گردند اطفال بهائی مستمد
از قوه معنوی هستند اگر مدرسه انتظام کلی یابد و تعلیم در نهایت ترتیب
باشد و معلمین دانا و جانفشان شبهه مدان که نفوس تربیت تام شوند
و خدمتی بایران کنند که صیت عز ابدی ایران بهانگیر گردد مسئله
اخلاق را بسیار اهمیت بدهید جمیع آباء و امهات باید اطفال را متمادیا

نصیحت کنند و بر آنچه سبب عزّت ابدیّه است دلالت نمایند
اطفال مدرسه را از صغر سنّ بنطقهای مکمّل دلالت نمایند که در اوقات
فرصت و راحت مشغول بنطق فصیح گردند و بیان بلیغ نمایند
مختصر اینست باید نهایت همّت و مواظبت را مجری دارید تا نتائج عظیمه
ظاهر شود عبدالبهاء با وجود ضعف و خستگی از این سفر عظیم که مجال قرائت
یکحرف نداشت بمجرّد قرائت عنوان لائحه شما چنان حالتی یافت
که تا بنهایت بمقّت خواند و فورا بتحریر نامه پرداخت

پس این مناجات بنما الهی الهی نوّر فؤادی والهم جنانی واشرح
وجدانی وانطقنی بالثناء علی جمالک الابهی بین الوری حتّی
یدلع لسانی بالحجّة والبرهان بین ملاء الأدیان وادلّ الکلّ الی
سواء السبیل واسقی الکلّ من زلال هذا السلسبیل ربّ انّی کلیل فانطقنی وخئیل
فالهمنی وضعیف فقوّنی وفقیر فاغننی من کنوز ملکوتک الأعلی
وایّدنی علی خدمة عتبتک العلیا واهدنی نفوسا ضلّت فی بادیة
الجهل والعمی واروِ بی کلّ ظمآن من ماء معین ونوّر بی ابصارا
عمیت عن مشاهدة النّور المبین انّک انت الکریم انّک انت
العظیم انّک انت الرّحمن الرّحیم عبدالبهاء عبّاس

طهران جناب آقا شیخ محسن علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحب السجن

هو الله

والله یحب المحسنین حقاً که محسنی و متحصن در حصن حصین لهذا محفوظ و مصونی و مانند لؤلؤ مکنون نامه ئیکه بجناب آقا سید اسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید و همچنین روزنامه مثل مشهور است الفضل ما شهدت به الأعداء محرر این جریده خواسته است بهتان فساد زند الحمد لله نامه ئی را که اس اصلاح و صلاح است در نفس روزنامه نشر نموده شما آن نامه را برای نفوس بخوانید و ترجمه نمائید از برای هر منصفی برهان کافی است که بندگان حضرت بهاء الله رحمت پروردگار از دوام و ثبات محفل روحانی نهایت سرور حاصل شد امیدوارم که موفق و مؤید باشید و اما از آیه پانزدهم تورات مثنی خطاب بحضرت موسی مراد حضرت رسول علیه الصلوة و السلام است همان است که جناب ابی الفضائل مرقوم نموده اند زیرا میفرماید نبی ئی مثل تو از میان برادران اسرائیل مبعوث خواهم نمود برادران بنی اسرائیل اولاد اسمعیلند نمیفرماید از میان ایشان از میان ایشان مسیح

بود میفرماید میان برادرانشان این وضعست که برادران
بنی اسرائیل بنی اسمعیل است فرصت بیش ازاین نیست معذور
دارید وعلیکما البهاء الابهی ع ع



همان جناب آقا شیخ محسن علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت برپیمان مناجات ومکاتیب متعدده درحق مدارس
همدان ونفوسیکه باعانه قیام نموده اند وهم چنین نفوس مبارکی که اعانه تبلیغ
مینمایند هرقومی وارسال گشت حال نیز مکتوبی ازشما باسامی منفقان
بجهت نفوسیکه معاونت مدارس ومعاضدت تبلیغ مینمایند
تحریر گردید دیگر ملاحظه کنید انصاف دهید که عبدالبهاء با این مشاغل
لایحصی ومحاربه شرق وغرب بالانفراد وهجوم اعداء وحصول مشکلات
لایعد ولایحصی درزمانی اندک دو مرتبه درین مورد مبارک تجاریر اوراق
متعدده پرداخته واضح ومعلوم گردد که چه قدر اهتمام دارد ومافوق
تصور بذل جهد بلیغ مینماید این برهان کفایتست که چه مقدار تعلق خاطر

Provided by the Aihan Library

بشما و آن نفوس مبارکه دارد باز شما کلمه دارید ضرر ندارد دلیل بر اشتهای
شماست وزودی یا عبدالبهآ میفرمائید باری مطمئن باش که همیشه
نفوس خالصه مورد عنایت بوده و هستند و علیک البهاء الابهی

حیفا ۲ ج ۱۳۳۸ عبدالبهاء عباس

همدان نفوس نفیسه که اقدام برای حرکت دادن مبلغین فرموده اند

هوالله

ای منفقان برهان ایمان انفاق مال و جانست الذین یجاهدون
فی سبیل الله بامواهم و انفسهم الحمدلله شما قیام بآن دارید این اعمال
مقبوله در ملکوت ابهی شکل مجسمی یابد و ثمرات بیحد و پایان مبذول
دارد این شجری که در حیز امکان غرس میشود بشاخسار ملأ
اعلی میرسد پر برگ و شکوفه گردد و پر بار و ثمر شود و آن اثمار بر عالم وجود
نثار کردد یک عمل مبرور سبب فیض موفور شود الحمدلله
که شما بآن مؤید گشتید و علیکم البهاء الابهی

الهی الهی ان هؤلاء الابرار یبذلون الاموال فی نشر العلوم باللیل والنهار
وینفقون فی السر والجهار ولا یألون جهدا بمقدار ربّ توجههم تبیان

الافتخارین الاحرار و متجلل علیهم بانوار المجد فی اناء اللیل و اطراف النهار انک
انت المعطی الباذل الکریم الوهاب عبدالبهاء عباس ۲ ح ۱۳۳۸ سنه
حیفا



همان بواسطه جناب آقا شیخ محسن علیه بهاء الله الابهی

نفوس مبارکی که بهمت نشر نفحات الله و تبلیغ امر الله سالیانه مبلغی
مبذول میدارند علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای نفوس مبارکه فی الحقیقه آستان مقدس را خادم صادقید
و انجمن یار از اشعاع بارق این همتی که مینمائید سبب احیای
نفوس است زیرا انفاق بر مبلغین مینمائید و مبلغین بهمت شما
باطراف سفر مینمایند و احیای نفوس میفرمایند و عمل
مبرور عظیم از انفاق در سبیل نیر آفاق بهمت اعانه مبلغین
نمیشود و برهان ثبوت بر ایمان در عالم انسان انفاقست
این امتحانست لهذا نهایت خوشنودی از همت شما حاصل
که چنین بجانفشانی قیام نموده اید
الهی الهی هؤلاء عبادک انفقوا فی سبیلک من اموالهم لتنتشر

نفحاتک فی بلادک وتعلو کلمتک بین خلقک وتمکن تعالیمک
من بریتک ولیس لهم مقصد الا رضائک ولا جاء
الا التقرب الیک فی ملکوتک رب انزل علیهم برکة
من السماء وموهبة من الملاء الأعلی انک انت المقتدر علی
ما تشاء وانک لعلی کل شیء قدیر عبدالبهاء عباس

۶ ج ۲ سنه ۱۳۳۸ حیفا



همدان بواسطهٔ شیخ محسن علیه بهاء الله

اشخاص محترمی که اعانهٔ سالیانه تعهد نموده اند که بمدرستین
تأیید وموهبت برسانند علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای مظاهر الطاف الهی درین دور بدیع اساس متین تعلیم فنون ومعارف است ونقص صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند لهذا باید در هر شهری وقریه ئی مدارس ومکاتب تأسیس گردد وجمیع اطفال بقدر لزوم در شهر ولزوم در قریه تحصیل بکوشند لهذا هر نفسی که انفاق درین

مورد نماید شبهه نیست که مقبول درگاه احدیت شود و مورد تحسین
و تمجید ملاء اعلی گردد چون در این امر عظیم شما جهد بلیغ مبذول داشتید
لهذا امید چنین که مکافات از رب الآیات البینات حصول
یابد و مشمول لحظات عین رحمانیت گردید و علیکم البهاء الابهی
الهی الهی ان هذه العصبة الکبری و الثلة العظمی قامت علی خدمتک
و ترویج الفنون بعزم موفور بلا قصور و فتور رب اقبل منهم هذا
الانفاق و ایدهم بجنودک فی یوم المیثاق واجعلهم الآیات
الکبری بین الوری انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت
القوی القدیر عبدالبهاء عباس ۶ جمادی (۲) ۱۳۳۸ حیفا

همدان بواسطه جناب آقا شیخ محسن علیه بهاء الله الابهی
نفوس مبارکی که بجهت نشر نفحات الله و تبلیغ امر الله سالیانه مبلغی مبذول
میدارند علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای نفوس مبارکه فی الحقیقه آستان مقدس را خادم صادقید و انجمن یاران را

مکرر نوشته شده است

شعاع بارق این همتی که مینمائید سبب احیای نفوس است زیرا انفاق
بر مبلغین مینمائید و مبلغین بهمت شما باطراف سفر مینمایند
و احیای نفوس میفرمایند و عمل مبروری اعظم از انفاق در سبیل نیر
آفاق بجهت اعانهٔ مبلغین نمیشود و برهان ثبوت بر ایمان در عالم
انسان انفاقست این امتحانست لهذا نهایت خوشنودی از
شما حاصل که چنین بجانفشانی قیام نموده اید

الهی الهی هؤلاء عبادک انفقوا فی سبیلک من اموالهم لتنتشر نفحاتک فی بلادک
وتعلو کلمتک بین خلقک وتتمکن تعالیمک من قلوبهم
ولیس لهم مقصد الا رضائک ولا رجاء الا التقرب الیک
فیملکوک رب انزل علیهم برکة من السماء وموهبة من الملاء الاعلی
انک انت المقتدر علی ما تشاء وانک لعلی کل شیء قدیر ع ع ج ۲ سنه ۱۳۳۸

حیفا عبدالبهاء عباس ثابته

طهران جناب آقا شیخ محسن نائینی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید با وجود موانع شدیده

محض خاطر مبارک جواب مختصر محرر میگردد ولی از برای آن نفوس محترمه
متعدده فرداً فرداً انگاشتن نامه با وجود غوائل عامه ممتنع و متعسر است
لهذا بیک کلمه اکتفا میکنم و علیک البهاء الابهی عبدالبهاء
عباس

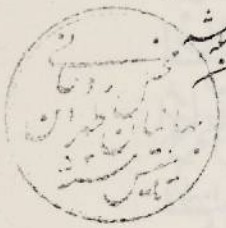

بواسطهٔ جناب امین علیه بهاء الله الابهی

جناب شیخ محسن دبیر مؤید علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان در این ایام منادی نادر شده است و مبلغ کمیاب
از هر طرفی فریاد این المبلغ این المبلغ بلند است زیرا استعداد
در نفوس بسیار و طالب استماع مژدهٔ پروردگار بیشمار الحمدلله
تو باین نعمت عظمی موفقی مشتعل منجذبی مبلغی فی الحقیقه سراج
حضرت نعیم را روشن نمودی و حضرت نعیم را در نعیم ابدی
مسرور مینمائی جان او از همت تو در نهایت روح و ریحان
چه موهبتی اعظم از این که عاشق بذکر جمال و کمال حضرت معشوق پردازد
علی الخصوص معشوق دلبر آفاق لذت و حلاوتی در انست که ای

الابد کام جانرا شیرین نماید طوبی لک ثم طوبی لبشری لک
ثم بشری الی ابد الآباد ۲۹ محرم ۳۳۸

عبد البهاء عباس تقابله شد

همدان جناب آقا شیخ محسن علیه بهاء الله

خط مبارک

هو الله

ای ثابت عهد نامه در اسکندریه رسید در حالتیکه ابداً مجال
ندارم و بی نهایت خسته ولی تحریر آن تحریر قرائت شد چون
ناطق بعلو همت و پاکی طینت و سمو منقبت دوستان بود لهذا
نهایت مسرت حاصل گردید ایستاده خامه بدست گرفته و در صفحه
مقابل نامه شما بخط خود مختصر جواب مرقوم میشود احبای همدان
فی الحقیقه سزاوار ستایشند و مظهر الطاف خداوند آفرینش از قبل من
جمیع را تحیت و اشتیاق ابلاغ دارید الحمد لله در این طوفان در امن
و امانند و تحت حمایت شخص عادل و کامل و مهربان هر چند
احزان سوهان دل و جانست که ایران از بی فکری علمای رسوم ویران
شده است ولی امید بالطاف حضرت رحمن است که این
زخم مرهم یابد و این درد درمان گردد ع ع تقابله شد

بواسطه

بواسطهٔ حضرت آواره

جناب دبیر مؤید علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای دبیر شهیر حضرت حی قدیر امیر مدینهٔ تدبیر و انشا را ستایش فرموده این نام و لقب آثار عجیبی در عقب دارد که هر امیر و دبیر واله و حیران ماند و آن شهیر ملاء اعلی چنان جلوه نماید که مه تابان گردد و سرور دو جهان شود و این موهبت در سلاله مانند گل و لاله جلوه خواهد کرد حال از قلم میثاق بدبیر مؤید مخاطب شدی امیدم چنانست که تو نیز موج آن دریا شوی و اوج اعلی یابی

و علیک البهاء الابهی ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۰

بدون انفصال مبارک

همدان بواسطهٔ جناب شیخ محسن مدیر مدرسهٔ تربیت علیه بهاء الله الابهی

امة الله المقربه محبوبه بنت من ادرک لقاء ربه حضرت نعیم علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

مناجات

طلب مغفرت بجهت من استغرق فی بحر الغفران فی عالم الانوار فی ملکوت الرحمن آقا میرزا نعیم علیه البهاء و الرضوان

هو الله

اللّهم يا من سبقت رحمته كلّ شيء وكملت نعمته على كلّ شيء وتمّت حجّته
على عباده وشاعت وذاعت آياته بين عباده واختصّ بفضله من شاء
وكلّل رأسه باكليل الساطع الجواهر على الأرجاء واضاء وجهه بنور اشرقت
به الأرض والسّماء يؤتي من يشاء ما يشاء انّه لهو اللّطيف الودود
ربّ ربّ انّ عبدك نعيم من آمن بالنّور المبين وهدى الى الصّراط
المستقيم ونادى باسمك بين العالمين ورتّل آياتك وبيّن
بيّناتك واظهر حجّتك وبرهانك ونطق باسمائك وصفاتك
وزيّن المحافل بذكرك والثّناء عليك وانشاء قصائد في محامدك
كاللّؤلؤ النّظيم والدّرّ اليتيم وانشده في المحافل الكبرى مبتهلاً الى
ملكوتك الأبهى وكم من اصمّ اسمعت به النّداء وكم من ابكم
انطقت به بالثّناء وكم من اكمه ارتدّ بصيراً بما هداه الى طريقتك
المثلى وكم من اموات احييتهم بنفسه الطّاهر يبذل الرّوح لاهل الاصغاء
قد سمع نداء الرّجوع الى ملكوتك الأبهى فرجع اليك مبتهلاً
اليك ربّ انّه كان صبيح الوجه فصيح النّطق بليغ المعاني
سريع الفهم لطيف القلب قوّي الحجّة شديد القوى في اعلاء
كلمتك بين الورى ولا زال يتلاطم امواج البيان من فمه

الطاهر کالبحر الزاخر ویبث الأسرار علی مسامع الأبرار وتلو
آیاتک فی اللیل والنهار ویناجیک بقلب منجذب الی ملکوت
الأنوار رب انه کان له ورد واحد وشغل شاغل بذکرک عن کل
الأشیاء یهدی الناس الی سبیل الرشاد ویدعوهم الی جمالک
الموعود فی کل الزبر والألواح فیاتی ببراهین ساطعة ودلائل بالغة وحجة
دامغة یفحم کل مجادل ویصمت کل معاند ویمهد السبیل ویوضح الدلیل لکل
ذی قلب سلیم وقضی ایامه فی القیام علی خدمتک وانتهت انفاسه وهو
منشرح بعبوق انفاس طیب رحمانیتک واشتاق الی لقائک
وتمنی الصعود الی جوارک والوفود علیک والورود لدیک فطار روحه
بجناح الفلاح الی الترفرف الأعلی وقصد السدرة المنتهی حتی یتخذ
وکرا فی شجرة طوبی ویترنم بفنون الالحان علی افنان ذوحه البقاء
ویستغرق فی بحار الأنوار ومشاهدة العرز الجبار ومکاشفة الأسرار
رب ادم علیه فیض اللقاء واسبغ له بالموهبة الکبری والنعمة العظمی انک
انت المعطی الکریم العفو الغفور الوهاب ۵ رجب ۱۳۲۷ عبد البهاء عباس



بواسطهٔ جناب میرزا احمد قائینی

جناب حاجی آقاجان نراقی وسلیل نجیب خانم نصرالله علیهما بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای پدر و پسر مهربان الحمد لله پدر مهرپرور است و پسر پاک گهر و آمیخته مانند شیر و شکر پدر باید فریاد یا بهاء الابهی برارد پسر باید نعره یا علی الاعلی بزند تا هر دو در افق وجود مانند دو کوکب رخشان و دو ستارهٔ فرقدان ساطع و لامع گردند الحمد لله هر دو گریبان بمحبت آن یار مهربان دریدند و ندای جمال ابهی شنیدند و ذوق محبت چشیدند و از قیود عالم ناسوت رهیدند حال وقت آنست که بنفحات قدس حدیقهٔ شهداء مشام را مشکبار نمائید و شعله بشیر زنید و قدم پیشتر نهید اینست سزاوار ابرار در این یوم پرانوار ع ع

بواسطهٔ جناب آقا میرزا احمد

مشهد جناب حاجی آقا جان و سلیلشان حاجی آقا نصر الله علیهما بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای دو گل نوبهار محبت الله جناب فروغی علیه بهاء الله ذکر خدمتگذاری شما را با احبای الهی که اعظم بزرگواری در جهان باقیست نموده اند خدمت گذاری مگو تاجداری بگو شهریاری بگو سروری بگو جهان پروری بگو در عالم وجود مقامی محبوب تر

از خدمت یاران نه و حلاوتی شیرین تر از الفت دوستان نه علی الخصوص
در این زمان که نار محبت الله چنان شعله بآفاق زده که کبد عالم را
آتش فشان نموده جمیع یاران الهی را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید ع ع

بواسطهٔ جناب آواره

جناب سلیمان ولد داود علیه بهاء الله الابهی

ای سلیمان تأسی بآن امیر سریر سلطنت عظمی نما و با جمیع وحوش
و طیور همدم و همراز شو و هم آهنگ و هم آواز بلکه بتوانی این طیور
پرشکوه را شکور نمائی تا هر بال و پر شکسته درست شود و بتواند
پرواز نماید و تأسی بحضرت موسی نما که چون ندای سدره سینا
شنید بجان بهدایت ناس پرداخت ولکم فی کلیم الله اسوة حسنة
یا اولی الألباب بآستان مقدس جمال ابهی تضرع و استدعا
کردید که مظهر آن آیه مبارکه گردی که مرقوم نموده بودی و شدة
برخا و بأسا بسرّاء مبدل گردد و علیک البهاء الابهی غره ع ماتی

۱۳۳۸ حیفا

عبد البهاء عباس

یا صاحبی السجن ص بواسطهٔ حضرت خان

حضرت مؤید علیهما بهاء الله الابهی

ای مؤید آسمانی خداوندیرا بستا که تأییدش ابدیست و بخششش سرمدی بندهٔ مؤید را مانند دُر یکتا در آغوش صدف بخشایش پرورش دهد و در فردوس ابهی مؤید فرماید قدرتش را ملاحظه نما که بنور شرق ظلمات غرب را زائل کند و بفیض جنوب مزارع شمال را آبیاری فرماید بوی خوش از گلشن خاور بمشام اهل باختر رساند و آهنگ ملاء اعلی را بگوش ملاء ادنی بنوازد گلبانگ بلبل وفا را ترانهٔ ملکوت ابهی فرماید و انغام حمامهٔ قدس را محرک ملاء اعلی نماید و علیک التحیة والثناء ع ع

بواسطهٔ جناب خان

یا صاحبی السجن جناب محمد حسین میرزا مؤید علیه بهاء الله الابهی

هو الله

الهی الهی قد حیرتنی فی قدرتک واقتدارک وادهشتنی من ارادتک واختیارک حیث حرمت الذین کانوا یحومون حول حماک و

يتدنون لحرم قدسك وعلاك وينتمون الى عتبة رحمانيتك
ويأوون الى كهف وحدانيتك فلما نقضوا عهدك
ومياثاقك القيت عليهم كلمة العذاب واخذهم باشد عقاب
وطردتهم عن حضرة فردانيتك ومنعت عنهم انوار رحمانيتك
وحرمتهم من عواطف مظاهر فردانيتك ثم اخترت نفوساً روحانية
واجتبيت حقائق نورانية وانتخبت هياكل ربانية وادخلتهم في جنتك
الابهى وفردوسك الاعلى ونسبتهم الى نفسك ووثقت حبل
نسبتهم اليك وادخلهم عليك وجعلتهم آياتك الباهرة وبراياتك ٢ وادخلتهم
المخافقة وسيوفك الناهرة ونجومك الزاهرة
وسراجك اللامعة وانطقتهم بثنائك واقامتهم بحجتك
وبرهانك وتفسير آياتك وتأويل كتابك وبيان اسرار
ظهورك منهم هذا العبد الذي ورد على شريعة رحمانيتك ووفد بعتبة
وحدانيتك واقبل بكليته الى طلعة فردانيتك والتهب قلبه بنار
محبتك التهاباً انطقه ببيان اسرارك وترتيل آياتك و
توضيح بيناتك ايرب اجعله نجماً بازغاً في افق العرفان
ونوراً بارقاً في اوج الايقان وكوكباً شارقاً في سماء المشاهدة
والعيان حتى يهدي الناس الى منهجك القويم وصراطك

المستقیم وینوّر ابصارهم بنور الیقین ویشرح صدورهم بفیضک العظیم انّک انت الکریم وانّک انت الرّحمن الرّحیم وانّک انت البرّ الرّؤف المجیب ع ع

بواسطهٔ جناب میرزا محمّد باقر خان
شاهزاده مؤیّد السّلطنه علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السّجن

هو الله

الهی الهی هذا عبد قد ازلت عن بصره الغشاء وملئت له کأس العطاء وکشفت عن بصیرته الغطاء ورأی جمالک الأبهی وآمن بآیاتک الکبری وشاهد رآیاتک الخافقة فی اوج العلی وشدّد ازره علی خدمتک وقام علی عبادتک وعبودیّتک باعظم القوی وهدی الی کلمتک بین الوری واقام برهانک السّاطع الضّیاء ودلّ علی دلیلک وحاجج بحجّتک البالغة کلّ اصمّ واعمی واحیی بروح العرفان قلوب الموتی واسکر بصهباء حبّک اهل النّهی ونطق لسانه بذکرک وانشرح صدره بمعرفتک وفاض قلبه بحکمتک بین ملاء الانشاء ربّ اعل رایته وثبّت آیته ونوّر برهانه وتمّم حجّته وسلطانه وکمّل روحه وریحانه واجعله سراجاً منیرا ونجماً

مضیئا و شجرة ثابتة نابتة مظللة تظل ممدود خضلة نضلة ریانة من فیض
سحابک المحمود انک انت العزیز الودود و انک انت العطوف
الرؤف ای مؤید ملکوت ابهی بلقب مؤیدی و بمنقبت موفق
بقلب منجذبی و بروح مستبشر ببصر ناظری و بسمع سامع بلسان
ناطقی و بقلم کاتب و بجمیع قوی در سبیل جمال ابهی قائم ذلک
من فضل الله یختص به من یشاء و قد یختصک به فی هذا العصر الجلیل و القرن
الجدید و اشکر الله علی هذا و اجتهد فی تألیف کتاب البرهان علی تجلی
الرحمن عن مطلع الامکان و یؤیدک علی ذلک نفثات روح القدس فی کل
حین و آن و ما قدمت من الاعانة لمشرق الاذکار قد قبل فی عتبة
ربک العزیز المختار و علیک التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن شیراز جناب مؤید علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای نفس مؤید نامهٔ بلیغ رسید مضمون مشحون از راز درون بود
و آن خجلت و شرمساری در درگاه حی قیوم بلی این سزاوار نفوس راضیه
مرضیه است و در این مقام شرمساری عین بزرگواری و مغناطیس عون و عنایت حضرت

باری بنده باید چنین باشد ولو از سراج علیین باشد همواره تقصیر خویش
بیند ولو کان عبداً شکوراً زیرا قصور از لوازم ذاتیهٔ حقیقت امکانیه است
انفکاک بتمامه ممتنع و محالست ولی انسان هوشیار از انتباه بر قصور
شرمسار است و ابلهان در نهایت غفلت و استکبار

و اما مسئلهٔ نطق و بیان و اقامهٔ دلیل و برهان بر ظهور جمال یزدان چون باید
برسد سهل و آسان گردد لهذا توجه بحضرت رحمن نما و زبان بگشا و در
گهر بیفشا ولیس ذلک علی الله بعزیز

و سؤال فرموده بودید که چه افعال و اعمال و اذکار و اقوال موافق رضای خداست
و اکسیر اعظمست بدان که هر روزی را اقتضائی و هر عصری را اختصاصی و
هر فصلی را اصلی و هر موسمی را لوازمی و رسمی امروز اخص اعمال و افضل
افعال ثبات و استقامت در امر ذو الجلال ان الذین قالوا ربنا الله ثم
استقاموا تتنزل علیهم الملائکة و استقم کما امرت و هم چنین مقاومت
سیل امتحان و طوفان افتتان و چون انسان با کمال حکمت به تبلیغ
پردازد تأیید رسد و جمیع مقامات حاصل گردد چه اکسیریست اعظم از ذکر
حق و چه دریاقیست شافی تر از فکر حق لعمرک ان القوم لفی خسران مبین
الا من ثبت فنبت و استقام بقدم راسخ فی هذا الامر العظیم ان ربک لهو المؤید الموفق الکریم

ع ع

شیراز بواسطهٔ جناب عبدالحسین خان

صاحبی السجن جناب مؤیّد السلطنه علیه بهآء الله

هوالله

الهی الهی ان عبدک الملتهب بنار محبتک المنجذب الی ملکوت رحمانیتک قد احبّ ان یدعوک بلسانی و یناجیک بنفسی و یطلب منک تأییداً روحانیاً و فیضاً نورانیاً حتی تطیب به نفسه و ینشرح به صدره و یطرب به روحه و یستبشر به فؤاده حیث امرت موسی الکلیم ان یدعوک بلسان معصوم و فم طیب طاهر عن کل الذنوب فناجاک قائلاً ربّ اتنی لی لسان معصوم او فم طاهر من الذنوب فامرته ان یدعوک غیر دعاء حسناً مقبولاً فی ساحة قدسک و انی یا الهی ادعوک بقلبی و اناجیک بروحی و اتضرّع الیک بجمیع شئونی ان تنزل علی عبدک هذا کل الرحمة و تشمله بلحظات عین رحمانیتک و تجعله آیة الهدی بین الوری و مؤیّداً بسلطنتک القاهرة علی الاشیاء انک انت القوی العزیز المتعال

ای نفس مؤیّد جناب خان در نامهٔ حوشش بجناب رضا خواهش جواب نامهٔ شما نمود هرچند مکاتیب متعدده بنام آن جناب ارسال گشت ولی بعضی نرسیده لهذا بنگارش این نامه پرداختم ولی مختصر زیرا مفصل فرصت ندارم التوجه هوالتعلق و الارتباط الروحانی والاستخاره

امر قلبی رحمانی بالهام الهی والذکر لربک الکریم بانجذاب وجدانی مقدس
عن الجهات لان کل الجهات جهاته واما الصلوة لها قبلة مقدسة
طیبة مبارکة مخصوصه از حق میطلبم که ابواب عرفان این مقامات را
بر قلبت بگشاید تا بآنچه باید و شاید پی بری فیض روحانی را از ملکوت
رحمانی گیری و تجلی معرفت را از شمس حقیقت بجوئی مظهر الهامات
غیبیه گردی و مصدر سنوحات رحمانیه شوی و علیک التحیة والثناء

ع ع

شیراز بواسطهٔ حضرت مؤید علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن بحضرت نصر و معتمد ابلاغ گردد

هو الله

لک الحمد یا الهی بما اشرقت شمس الحقیقة من الافق المبین و تلوح
علی هیاکل التوحید بنورها المنیر و اشتد ضیائها و حرارتها فی منطقة
الاشراق نقطة الاحتراق علی العالمین فثارت الغیوم و هطلت الغیوث
و حیت المعاهد والربوع فاحیت الحدائق والریاض و طفحت
الحیاض و ازدانت الغیاض و نبتت ریاحین التوحید فی ربیع
جدید فائتلفت و ائتنست و اتحدت و اتفقت و تعارفت

وتعاونت وتحابّت بفيضك البديع حتّى اجتمعت كالنّجوم
في البروج وانتظمت كالفرائد في العقود على النّحور ربّ
ربّ ارجع هذه الكثرات الى الوحدة الفائضة بالآيات
البيّنات واجعل عبادك ازهار الرّوض المحمود في حديقة الوجود
ناشرة لنفحات الوحدة والسّجود ربّ انّ هذه الأشجار
ولو اختلفت من حيث الالوان والأثمار ولكن بما غرست
في حديقة غلبا وروضة غنّاء تسقى بماء واحد وتنمو بحرارة كوكب
واحد وتستمدّ من تراب واحد تزداد رونقا بتنوّع الوانها وتعدّد
ثمارها وكلّ واحدة منها تزداد لطفاً وجمالاً باقترانها بغيرها وليس
هذا الّا من قوّة غارسها وعزّة خابرها فلك الشّكر على هذا الفضل
العظيم ولك المنّ على الأحبّاء من هذا الفيض المبين
الهي الهي هذان عبدان منجذبان الى جمال وحدانيّتك مشتعلان
بنار محبّتك بين بريّتك مشتغلان بخدمة عتبة
صمدانيّتك قد ثار بينهما الغبار من حلول الاغيار فتكدّر صافي
الصّهباء بهذا الأثناء ربّ ربّ ازل بينهما الغبار واقطع
عنهما مساعي الأغيار واجعلهما سراجاً واحداً يتلألأ بالأنوار بين الاخيار

وامزجهما مزاج الماء بالراح والشهد بلبن العذراء حتی تحلو الاذواق
من حلاوة هذا الوفاق یا رب الاشراق علی الانفس والآفاق انک
انت المؤلف بین قلوب الاصحاب لا اله الا انت الموفق الموحد
العزیز المتعال ع ع

مقابله شد

شیراز جناب غلامحسین میرزا علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای بندهٔ حق فی الحقیقه آنچه مدح و ستایش زاید الوصف از حضرت
مؤید نمودی محققست خلوص بوضوحست و خدمت ظاهر و عیان
یاران باید قدر این همت را بدانند و همواره عجز و نیاز کنند و طلب
تأیید و توفیق فرمایند یار عزیز خادم باشی آقا میرزا محمد صادق
فی الحقیقه مواظب خدمتند و مداوم در عبودیت جمیع یاران الهی را
تحیت مشتاقانهٔ این عبد فانی برسانید
بجان مشتاقم و بدل آرزوی دیدار
نمایم و علیک التحیة والثناء
ع ع

مقابله شد

خط مبارک

(۳۳۴)

هو الله

ای حضرت مؤید با وجود عدم مجال و تشتت بال و اعتلال احوال
مختصر جواب بر سؤال مرقوم گشت البته معذور خواهند داشت
در میان حضرات افنان علیهم بهاء الله از قراری که جناب ادیب
میفرمودند اختلافی در میراث واقع این قضیه بسیار سبب حزن
قلب عبد البهاء است ولله میراث السموات والأرض وترکتم
ما خولناکم وراء ظهورکم باری آنحضرت باید همتی در این خصوص بفرمایند
که این اختلاف بدل با ئتلاف گردد وعلیک البهاء ع ع

شیراز حضرت مؤید علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

اناجیک یا الهی فی غدوی واصالی وبهرة نهاری وجنح اللیالی وادعوک
بلسانی وجنانی وروحی ووجدانی واعفر وجهی وامرغ جبینی بالثری عند
حنینی وانینی الی افقک المبین وصبحک المنیر مبتهلاً الیک ان تشید
عبدک المؤید من عندک المعترف بوحدانیتک المنجذب الی رحمانیتک

المشتعل بنار محبتك المنشرح الصدر بنور معرفتك رب نزهه
عن الخطاء واجزل عليه العطاء واطفح له كأس الصفا ورنحه من
سلاف الوفاء واجعل له لسان صدق عليا رب انه خاطر
بنفسه وروحه عند ما تسعرت نيران البلاء وهبت ريح الصفر صرصر دفراء
على موطن جمالك الأنور الأعلى رب انه ترك الراحة والرخاء
والدعة والهناء وما استراح في مساء وصباح وخاض في غمار العناء
وقام على خدمة امرك ووقاية الاحباء والخلطاء بل صيانة عموم
البرايا في تلك العدوة القصوى ويشهد بذلك ملك الأعلى فاكتب له
يا الهي اجر الفداء وخرج الضحية الكبرى وقدر له مقعد صدق
في جنة الأبهى وايده بجنود السماء واحمله في سفينة الكبرياء وانشر له
شراع العلى وسيره في البحر المقدس عن الأرجاء واكشف له الغطاء
حتى يرى ما لا يرى الا بفضل تخص به من تشاء من المشاهدة واللقاء
انك انت الكريم المعطي العزيز الوهاب

ايها المستريح من مدامة محبة الله قد انتشقت نفحات رياض
معرفتك بالله وانتشيت من صهباء محبتك في جمال الله وانشرحت
من وليمك في النور المبين وشوقك الى محبوب العالمين

وضاء

وظمأ قلبك رشفاً من الرحيق في هذه الكأس الأنيق فيا فرحا
لك بما آويت الى كهف منيع واحتميت بملاذ رفيع قد حرت
له اعناق العالمين فاستدعيت لك الفوز العظيم والفيض الجليل
الدافق كسيل منحدر وماء منهمر من السحاب المدرار الى بطون الأودية
والقفار وجوت لك العون والعناية والصون والرعاية الى النهاية
وامليٰ ان تربت الغيوران ينصرك في مهام الأمور وينجدك بجنود من
الملاء الأعلى وجيوش من ملكوت السماء انه على كل شئ قدير
واما ما سئلت من الآية المباركة في القرآن العظيم والفرقان المبين
قوله تعالى بلىٰ من اسلم وجهه لله وهو محسن الى آخر الآية اعلم
ايدك الله ان هذا الاسلام والتسليم لهو الصراط المستقيم والمنهج القويم يستحيل
حصوله الا لمن القى السمع وهو شهيد وهذا هو الايمان الصحيح بزعم
العالمين لان التسليم فرع الايمان فلا يكاد الانسان ان يسلم
الا بعد الايقان ثم ارداف هذا البيان بامر آخر وقال وهو محسن
واطلق في الاحسان ولم تقيده بشئ في خير الامكان فوجوده هذا الان
رحمة للعباد لانه يزداد لطفاً واحساناً فيكل آن وحيث استحال على هذا
المنوال عرفنا ان الفلاح والنجاح والفوز والنجات لمن اسلم وجهه لله

بلغ مقام التسليم والرضاء وفوض امره الى الله ووجه وجهه للذى فطر الارض
والسماء واحسن الى الورى واعان الضعفاء واغاث الفقراء وضمد
جريح الفؤاد وقريح الأحشاء وداوى كل طريح الفراش سقيم الانعاش
بل فدى حياته حبا بالله لراحة عباد الله واما الاحسان الحقيقى
والعطاء الموفور هو الهدى من اهل التقى لكل من يتذكر ويخشى ان هذا
لهو المنة العظمى والعطية التى سجدت لها ملائكة السماء وهذا المعنى قد
نزل فى القرآن فى مواقع شتى بعبارة اخرى منها ان الذين آمنوا والذين
هادوا والنصارى والصابئون من آمن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا ومنها
والعصر ان الانسان لفى خسر الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات
فبالاختصار الاسلام الطوعى الاختيارى ومقام الرضا والتسليم اخص
من الايمان والايقان من حيث علم اليقين لان الايمان فى هذا المقام
التصديق بالنباء الصادر من الصادق الامين واما عين اليقين وحق اليقين
لا يكاد ان يضئ مصباحه فى زجاجة القلوب الا بعد الاسلام الطوعى والتسليم
لرب العالمين واما الاسلام الاجبارى كما قال الله تعالى ولا تقولوا
امنا بل قولوا اسلمنا لسنا بصدده الآن وبالجملة ان تسليم الوجه امر
عظيم من ايده الله به ادخله فى جنة النعيم ووقاه من عذاب الجحيم والوجه

له عدة معان منها بمعنى الرضا كما قال الله تعالى يريدون وجهه وكذلك
انما نطعمكم لوجه الله اى رضائه ومنها الوجه بمعنى الذات وقال الله
تعالى كل شئ هالك الا وجهه ومنها الوجه بمعنى الجلوه قال الله
تعالى واينما تولوا فثم وجه الله والوجه له معان شتى تفسيرا وتاويلا وتشريحا
غير ما بنينا ولكن لعدم المجال غمضنا اطرف عن الأطناب والاسهاب
فبناء على ذلك ان تسليم الوجه امر من اخص فضائل الأبرار واعظم منقبة
الأحرار من ايد بذلك وفق على الأيمان التام فى اعلى درجة الايقان
والاطمينان ثم اردف الله سبحانه وتعالى اسلام الوجه بالاحسان
وقال وهو محسن اى لا يكمل اسلام الوجه والأيمان الحقيقى الا بالاحسان
وصالح الأعمال ثم الأحسان الحقيقى ان تمع الى الهدى وتحرض على
التوجه الى الأرقى الأعلى وتبرء الأصم والأعمى وتهدى الى الصراط
السوى بقوة برهان ربك الأبهى ولا شك ان النجاة
تحوم حول هذا الحمى واى فضيلة اعظم منه اذ ان سلم الأنسان وجهه
لله ويحسن الى الورى وكذلك الأحسان الحقيقى ان تكون آية رحمة
ربك الكبرى شفاء كل عليل ورواء كل غليل وملاذ كل ضعيف
ومعاذ كل رفيع وملجاء كل مضطر ومرجع كل مقتدر هذا هو الأمر
المبرور والفيض الموفور والسعى المشكور ان ربى لغفور رحيم
واما ما سئلت ما ورد فى دعاء كميل والمهمنى ذكرك

اى وفقنى على ذكرك والهمنى ان اذكرك لان الهام الالقاء
فى القلوب والتلقين التعليم الشفاهى الكفاحى الوافى واما الهام
اللهى لا يكاد الا بواسطة الفيض الربانى والنفس الرحمانى مثل نوره
كمشكاة فيها مصباح المصباح فى الزجاجة وما دون ذلك
احلام واوهام وليس هنا بمقام لان الالهام من حيث تعريف
القوم واردات قلبية والوساوس ايضا خطورات نفسية
وباى شئ يستدل الانسان انه ما وقع فى قلبه هو الهام الهى الا ان يكون
بواسطة الفيض الرحمانى والدليل على ذلك انك لتهدى الى
صراط مستقيم فالواسطة هى الوسيلة العظمى ومشكاة نور الهدى
وكل الهام شعاع ساطع منها هذا السراج الذى يوقد من شجرة
منها هذا الزجاج واما الذكر المذكور فى الرق المنشور وهو التحقق
بالذكر لان المرء اما يتفوه بالذكر او يتخطر بالذكر او يتحقق بالذكر فالتحقق
هو الذكر الحكيم وقال الله تعالى شغفها حبا هذا هو التحقق
بالذكر لان الذكر يسرى كالروح فى العروق والشريان وما
احلى سريان هذا الذكر فى القلوب والاحشاء وهذا الذكر لا يتحقق الا
بالهام الهى وفيض ربانى والتفات من المظهر الكلى واقتباس من النير
المتلالى فالذكر المذكور فى الكلم المكنون كن عفيفا فى الطرف

وامينًا في اليد وذاكرًا في القلب ايضًا التحقق بالذكر الحكيم وانّ هذا لهو الصراط المستقيم

واما ما سئلت من اللؤلؤ المصون في الكلم المكنون مخاطبا الى همج رعاع اياك ان تحرم نفسك ملكًا لا يزال بسبب من الانزال اى لا تحرم نفسك عن المواهب الالهية والمنح الرحمانية والعطاء الموفور والجزاء المشكور بسبب اتباع الشهوات النفسانية واللذائذ الجسمانية والاحلام الشيطانية فالانزال كناية عن اتباع الشهوات وارتكاب الخطيئات من اى نوع كان ولله الآيات البينات نسئل الله ان يجعل النفوس تنشرح باكتساب الفضائل وتضيق ذرعًا بالبوادر الرذائل وتنجذب الى الله وتشتعل بنار محبة الله ولا تستبدل الهدى بالضلالة والعمى ولا تستعوض بالفريدة النوراء واليتيمة العصماء خزف الجهل والسفاهة والشقى

واما ما سئلت عن جنة الاسماء انها لهى الهيكل المرقوم بالخط الابهى اثر القلم الاعلى النقطة الاولى روحى له الفداء على ورقة زرقاء وفى الهيكل اشتقاق شتى من كلمة البهاء وهذا الهيكل الكريم قد سرقه يحيى الاثيم ومعه الواح شتى باثر النقطة الاولى روحى له الفداء ظنًا منه

انّ ذلک یجدیه نفعا کلّا انّ هذا العمل حسرة له فی الآخرة والأولی
ولکن سواد ذلک الهیکل موجود عند الأحبّاء حتّی نسخة منه
بخطّ یحیی وبُعث هذه النّسخة مع جملة کتب من الواح ربّک
الی الهند امانة ولکن مرکز النّقض القی فی قلب الامین ان یستولی
علیها ولا یؤدّی الأمانات الی اهلها هذا شأنهم فی الحیوة الدّنیا
وبئس التّابع والمتبوع ویا حسرة علی الّذین اتّبعوا من الّذین اتّبعوا فی هذه
الخیانة العظمی فسوف یظهر الله بقوّة من عنده انّ الخائنین
لفی خسران مبین وعلیک التّحیة والثّناء ع ع مقابله شد



ارومی بواسطهٔ حضرت لسان حضور
جناب میرزا رضاخان جناب باباخان سلیل مؤیّد لشکر جناب
باباخان سلیل اعتضاد نظام جناب علیخان جناب بیوک آقا
یا صاحبی السّجن جناب یحیی علیهم بهاء الله الأبهی
هو الله

ای مجذوبان دلبر حقیقت حضرت مسیح ملیح روح الوجود له الفداء
در انجیل میفرماید المدّعون کثیرون والمختارون قلیلون

یعنی امّت دعوت بسیارند ولی نفوسیکه بفیض هدایت
وبدرقهٔ عنایت فائز گشته اند قلیلند زیرا موهبت هدایت
صرف فضل و احسانست نه باستعداد و لیاقت یختص برحمته
من یشاء حال الحمد لله شما بهمّت و دلالت حضرت لسان
حضور اقتباس نور نمودید و بسرور و حبور ابدی پی بردید و از بحر البحور نصیب
موفور گرفتید باید بجان و دل ممنون این دلالت باشید که
حضرت مذکور آن نفوس تشنه را از کأس مزاجها کافور سرمست
نمود و بماء معین از عین یقین سیراب کرد اگر مادام الحیات
خدمت نمائید از عهدهٔ شکر این نعمت بر نیائید یاران رحمانی
هر یک باید منادی الهی گردند و نفوس انسانی را از فیض ابدی
و حیات سرمدی بهره و نصیب بخشند الهی الهی هؤلاء
عباد انجذبت قلوبهم الی مرکز الجمال و اشتعلت نفوسهم بنار
محبتک یا ربّ العزّة و الجلال و اشتاقت افئدتهم الی
ملکوتک الأبهی و قرّت اعینهم بمشاهدة آیاتک الکبری
ربّ اجعلهم من جنود الملاء الاعلی و ملائکة قدسک حافین
حول عرشک فی اوج العلی و ناطقین بثنائک علی الملا انّک
انت الکریم المتعال و انّک انت العزیز القوی المستعان ع ع

مقابله شد

بواسطهٔ جناب ابن الشهید میرزا ولی الله خان

جناب میرزا جلال ابن میرزا غلامعلی نجل حضرت ذبیح من اهل کاشان
یا صاحبی السجن

هو الله

ای یادگار حضرت ذبیح آن خاندان و دودمان همیشه مشمول نظر عنایت
جمال قدم روحی لاحبائه الفداء تاجی بر سر آن خانواده نهاد که گوهر آبدارش
الی الابد ساطع و بر قرون و اعصار لامع لهذا من نیز نهایت محبت را
بشما و جمیع آن خانواده دارم و از فضل و عنایت حضرت احدیت مستدعی باشید
و توفیقم تا بخدمت امر الله قائم گردید و سبب علویت عالم انسانی
شوید امة الله المطمئنة و ورقهٔ موقنه والده محترمه را تحیت
عبد البهاء برسان و بفضل و موهبت جمال مبارک بشارت ده و
همچنین دو ورقهٔ منجذبه امة الله منور و امة الله اشراقیه را تحیت
ملکوتیه ابلاغ نما و بگو ای منتسبین حضرت ذبیح آن بزرگوار در ملکوت
اسرار ناظر بشماست هر وقت شور و ولهی نمائید و بنار موقدهٔ
محبت الله شعلهٔ تازه ئی بزنید فرح و شادمانی نماید و در ملکوت ابهی
کامرانی کند و علیکم التحیة و الثناء

ع ع مقابله شد



هو الله

طهران بواسطهٔ جناب حاجی امین

حرم مرحوم آقا میرزا غلام علی نجل ذبیح علیها بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای امة الله آنچه مرقوم نموده بودید ملحوظ افتاد و از استقامت شما
بر محبت الله قلوب محظوظ گردید آنخاندان از بدایت امر حضرت یزدان
داخل در جنت الرضوان شدند و بظل حضرت رحمن شتافتند بی سر و سامان
شدند و در صحرای عشق سرگشته و حیران گشتند از هر قبیل مصیبتی
تحمل نمودند لهذا در آستان مقدس منسوبان محترمند و محسوبان
مکرم امة الله المقربه منور خانم و امة الله المحترمه اشراقیه خانم را از قبل
عبد البهاء نهایت مهربانی مجری دار از خدا خواهم که هر دم بخدمتی
جدیده موفق گردند آنچه شما در مواظبت ابن الشهید جناب آقا عزیز الله
و آقا ولی الله مجری داشته اید سبب سرور قلوب ملاء اعلیست جناب
امین همیشه نهایت ستایش را از خانوادهٔ عطار مینمایند که فی الحقیقه
راسخند و ثابت و مثمرند و نابت و مستحق عنایت و الطاف بی پایان
و علیک التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو

ای امة الحق حضرت ذبیح جلیل در عراق با عبد البهاء در نهایت
وفاق همدم عشی و اشراق بود لهذا با آن خاندان بی نهایت

مهربانست وتعلّق بی پایان دارد وامید چنانست که دران
دودمان نفوس مبارکی از رجال و نساء مبعوث گردند ولیس
هذا من فضل ربّی ببعید وعلیک التّحیّة والثّنآء ع ع
مقابله شد

خط مبارک هوالقیّوم

اخت وسطای جناب آقا محمد کریم ضلع میرزا غلامعلی علیها بهاء الله الاملا حظه نمایند

هوالابهی

ای امة الله هرچند بجسم دراین آستان حاضر نشدی ولی بروح انشاء الله
درجمیع اوقات حاضری ذکرت را دراین درگاه نمودند وعبادت
مشغول شدند واستدعای ذکری درحق تو نمودند پس ملاحظه
کن که در مقامی بیاد تو افتادند مقامیکه ملاء اعلی آرزوی ذکر
دارند وملائکه جبروت همی طواف نمایند وقت کن که چه
محبّتی بتو کردند تا بدانی که روابط حبّ درین قلوب بچه درجه است
والبهاء علیک ع ع مقابله شد

ورقا

بواسطه جناب آقا میرزا جلال ذبیح

هوالله

السلیل حضرت ذبیح جدّ بزرگوار آیت هدی بود ودر ملاء اعلی در
کاشان نور افشان بود ودر طهران جوهر محبّت رحمن تو حفید آن

بزرگواری البتّه ثابت مینمائی که الحفید سرّ جدّه المجید بر منهج او سلوک
نما تا در جهان معنوی روحانی رایت ملک الملوک برافرازی
این خطاب عالم انسانرا بجوش و خروش آرد بامة الله المقرّبة
والدهٔ محترمهٔ و امة الله المنجذبه قرینهٔ موقّره و سلیل مکرّم فرهنگ
و دو خواهر مهر پرور پاک گوهر از قبل عبد البهاء نهایت مهربانی و وفا
برسان و علیک البهاء الأبهی ۱۹ محرّم ۳۹ حیفا عبد البهاء عباس
مقابله شد

خط مبارک

هو الله

ط جناب آقا جلال ابن جناب آقا غلامعلی نجل حضرت ذبیح علیه بهاء الله

هو الله

ایسلالهٔ ذبیح ملیح با وجهی صبیح و نطقی فصیح و قلبی جریح چون جدّ بزرگوار در لیل و نهار
معتکف قربانگاه عشق پروردگار باش تا هر دم فدای رخ دلدار گردی
و در هر نفس بنفس مسیحائی زنده شوی شب و روز بکوش تا روش
او یابی یعنی منقطع از ما دون گردی و در کلّ شئون جانفشان درگاه
ربّ حنون شوی والبهاء علی اهل البهاء ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله

ط جناب آقا میرزا جلال ابن مرحوم آقا میرزا غلام علی علیه بهاء الله الأبهی

هوالأبهی

ای ابن حق خوشا بحال نفوسیکه از انفاس طیبه یثاق مشام معطر نمودند و از ریاح شدیده نقض و نکث متزلزل نگشتند چنان از حرارت آفتاب عهد گرم شدند که دریای یخ متزلزلین ایشانرا سرد نکرد والبهاء علیک ع ع مقابله شد

خطاب بکو هوالله

ای شهید حضرت مسیح تأسی بجد بزرگوار کن و همیشه در قربانگاه حق حاضر باش نام او را زنده کن و شمع او را روشن نما ولی شمع او الحمدلله در ملأ اعلی روشن است و نام او مشهور انجمن ع ع مقابله شد

بواسطه جناب ابن شهید جناب آقا جلال علیه بهاء الله الأبهی

یا حی القیوم هوالله

ای جلال منجذب بجمال ذوالجلال باش و مشتعل بنار موقده در شجره اجلال الطاف بی نهایت از حقیقت وحدانیت جو و احسان از حضرت رحمانیت بر قدم پدر بزرگوار حرکت و رفتار نما و بر روش سید ابرار سلوک کن تا مصدر انوار گردی و مهبط اسرار و علیک التحیة والثناء ع ع مقابله شد

خط مبارک — نور محمد خان

هوالله

جناب میرزا جلال ابن من صعد الی الله میرزا غلام علی علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ایسلاله آن ذبیح قربانگاه عشق چه شود که تو آن شجرهٔ متصاعد را
شاخ واجعل لی من لدنک ولیّاً چون ذکریا یحیی کردی تا پرتنی
وبرث من آل یعقوب واجعله ربّ رضیاً ثابت ومشهود
کردد والبهاء علیک وعلی کلّ حفید احیی معالم جدّه الفرید
ع ع

مقابله شد

خط مبارک — بواسطهٔ امة البهاء

طهران امة الله اشرافیه زاده علیها بهاء الله

هوالله

ای ورقهٔ متعلّمه حمد کن حضرت معبود را که بمقصود رسیدی وبایمان
وثبوت برپیمان موفقی وتحصیل علم نمودی حال باید بخدمت وتبلیغ
پردازی والده واخوی وهمشیره جمیع خاندان حضرت عطار را
تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار عزت الله منوچهر ملوک وملیحه را

نیز پیام روحانی برسان وامة الله المقربه دکتر مودیر انهایت
مهربانی از قبل من برسان عبدالبهاء عباس تقدیم شد



طهران جناب ناظم الحکماء علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن هوالله

رب رجائی وحرزی وملاذی لک الحمد بما خلقت نفوساً رحمانیة وقلوباً نورانیة وارواحاً مجردة ربانیة وحقائق منجذبة الی ملکوت الجمال متضرعة مبتهلة الی مرکز الجلال فانتبهت من نیامها وانکشف ظلامها وانشق حجابها وارتفع نقابها فاستشرقت واستضائت واستنارت و استنبئت من آیات بارئها ونطقت بکلمات ذارئها وصاحت فی ایکة العرفان بابدع الالحان کالطیور الصادحة فی ریاض الأسرار واثنت علی منیر الآفاق الساطع الأشراق علی المحافل النورآء والمجامع المبارکة السمحآء رب رب ان عبدک هذا رنحة کاس العطآء وادرکته نسائم الوفآء وجذبته مغناطیس الهدی ونطق بالثنآء فی حدیقة البقآء رب اجعله سراجاً لامعاً وشعاعاً ساطعاً وطیراً صادحاً ونجماً بازغاً تتشعشع من افق محبتک ویستفیض من انوار معرفتک وینباء

بآیاتک وینطق باسرارک انک انت الکریم انک انت العظیم
وانک انت الرحمن الرحیم

ای ثابت بر پیمان در نامه اشاره بانتشار اشراق نموده بودی
ستایش پاک یزدانرا که شرق منور است و غرب معطر ولوله در شهر نیست
جز شکن زلف یار فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست
در خاور ندای یا بهاء الابهی بلند است و در باختر نغمه یا علی الاعلی
گوش زد هر دانشمند صیت امر الله جهانگیر گشته و آوازه
ملکوت ابهی بسیطه غبرا را باهتزاز و حرکت آورده له الحمد علی ذلک
وله الشکر علی هذا الفضل العظیم ولی عجب در آنست که بعضی از اهل ایران
هنوز در زوایه نسیان معتکف و در خواب بی پایان مستغرق
بعضی بکلی اصم و ابکم و اعمی با وجود اشراق شمس در کبد سما سرا در نزد بیخبران
ذکر یحیی نمایند که چنین است و چنان با وجود آنکه شخص معلوم
موجود و مشهود اقلا طالبان قدم رنجه فرمایند و بقبریش شتابند
تا بدیده خود ببینند که در چه حال و اولاد در چه اطوار و بگوش خویش شنوند
که زبان الکن و بیان بی تبیان نه نطقی نه بیانی نه حکمتی نه اسراری
نه بدیع اذکاری و اگر ذهاب و ایاب نتوانند از اهل قبرس
استفسار نمایند که آن نفس موهوم با وجود حریت معلوم چهل
سال در آن جزیره آیا نفس واحدی را تبلیغ و تقلیب نموده و یا اثری

از اقتدار در امری از امور نموده جمیع اهالی جزیره شهادت دهند که الکن و
ابکم است لکن نفوسی از اهل اوهام در ایران او را طوطی شکرشکن خوانند
و ورقاء خوش الحان نامند فبئس ما ظنّوا فبئس ما اعتقدوا
باری ذرهم فی خوضهم یلعبون بمطلب خود پردازیم در بدایت
انقلاب ایران و مغلوبیّت حکمران و غلبه مشروطیّت
خواهان صراحتاً مرقوم شد که این جمع پریشان کردند و مقاومت
نتوانند ارباب عمایم ذلیل و پیشوایان حقیر و مریدان اسیر
کردند و کسی را گمان اینمطلب ابداً نبود صریحاً مرقوم شد
که هذا وعد غیر مکذوب ولیس من عندی بل من لدن عزیز علیم
مدّتی نگذشت که این وعد مانند آفتاب واضح و آشکار گشت
ولی در سیرجان جناب آقا سیّد یحیی را دولتیان شهید نمودند
و در تبریز میرزا حسن مجتهد خونریز ستم انگیز شد و فتوی بقتل
یاران جمیعاً داد دو نفس مقدّس را شهید نمودند و اگر یاران
متفرّق نمیشدند کل طعمهٔ شمشیر میگشتند و همچنین در سنگسر
غلیانی شدید شد و ظالمان دست تطاول گشودند و بر یاران
تعدّی فاحش نمودند مرقوم گردید که بشکرانه باید خونخواهی
این مظلومان شود تا ظفر مستمر گردد شیخ فضل الله شب

و روز

و روز واضحًا جهار افزاید نمود که موسّس مشروطه این طائفه مظلومه اند
و مرادشان انتشار امر خویش در بین ناس تا بحریّت نشر الواح نمایند
و نفوسرا بطرف خویش کشند این اشهار و آن اهمال سبب
فتور گردید و اگر چنین ننمائید حال اقلیم ایران در نهایت اطمینان
بود بجناب میرزا آقا سیّد ضیاء الله خان جواب مرقوم میگردد
برسانید امة الله المقرّبه رباب خانم را با قرین محترم از قبل
عبد البهاء تحیّت برسانید تغیّر حال جسمانی او مبنی بر حکمتی بود
جمیع منسوبان و اطفالرا از قبل من تحیّت ابدع ابهی برسانید
و جناب میرزا شعاع الله خان را تأیید و توفیق خواهم و امة الله
علویّه تبریزیّه را با دو نجل سعید نهایت مهربانی از قبل من ابلاغ
نمائید و هم چنین امة الله قدسیّه خانم و امین الله خانرا ابشار
الهیّه مسرور و خوشنود فرمائید و هم چنین امة الله خدیجه و امة الله
ربیعه را بفیض ابدی نوید بخشید و هم چنین اخوان و اخوات
و اولاد و ابناء و بنات و ذراری آنانرا

و علیک البهاء الابهی

ع ع مقابله شد

طهران جناب ناظم الحکماء آقا سید محمد خان علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ مفصل شما را با وجود آنکه بجان عزیزت فرصت
قرائت یکسطر نداشتم محض خاطر شما بدقت مکرر خواندم و جمیع اسما که از
خاندان آنحضرت مرقوم نموده بودید کل را فرداً فرداً نام برده و در حقشان
بدرگاه جمال مبارک تضرع نموده بخط خود نگاشتم در جوفست ملاحظه
میفرمائید اما مسئله ایران ویران معلومست منبت شجرهٔ مبارکه است
و مغرس سدرهٔ منتهی آنچه ستایش و ثنا نمایم از عهده برنیایم آن
ارض مقدسه موطن جمال مبارکست و این کفایتست و ستایشی اعظم
از این نیست ولی ایرانیان از این موهبت کبری بیخبر و از این عزت
ابدیه بی اثر بجای شکرانه شکایت نمایند بجای افتخار ننگ و عار
دارند چنانکه در لندن و پاریس هر نفس نفیس حیران بود و طوبی ثم
طوبی لکم با ایرانیان میگفت ولکن از بعضی ایرانیان خسیس نهایت
اشمئزاز مشهود و از علو صیت امر الله عبوساً قمطریرا ملاحظه میگشت
در حالتیکه ناله میکردند یا هلاک یا استقلال میگفتند ولی
هیچ سامعی در میان نبود در چنین حالتی فتوحات معنویه در پاریس
شلیک مینمود ملاحظه کنید که چه قدر احمق و نادانند و میگفتند

دین سبب اضمحلال است واول مخرب عالم انبیا لهذا ما از آوازهٔ جهانگیر
این امر ممنون نیستیم باری رسالهٔ سیاسیه که بیست سال پیش تألیف
شده ودر بدایت سلطنت مظفر الدین شاه بخط مشکین قلم در بمبئی طبع ونشر
گشته لابسته آن رساله را مطالعه فرمائید در انجا بصراحت منصوص است
که اگر علما در دین مداخله در امور سیاسی نمایند یقین بدانید که نظیر ایام شاه سلطان
حسین در زمان فتحعلیشاه واواخر عبد العزیز خان عثمانی کرده در واقعهٔ اول
ایران را افغان ویران کرد در واقعهٔ ثانیه نصف ایران ببا در رفت
در واقعهٔ ثالثه نصف ممالک عثمانی بهدر رفت وبقدر ده کرور نفوس
تلف وبیسر وسامان شد ومجبور بهجرت گردید ولی با وجود این صراحت
واین برهان قاطع کسی گوش نداد بازماندند دم پیروی ثعالب
نمودند وبآیات متشابهه غیر باهره وحجج غیر بالغه یعنی علما رسوم
پیروی نمودند ایرانرا ویران کردند واز کوکب درخشندهٔ ایران غافل
مظهر خیر بون بیوتهم بایدیهم شدند کما قال الشاعر

اذا کان الغراب دلیل قوم فیهدیهم الی جیف البراری

بازایرانیان بیدار نمیشوند بخواب خرگوشی مبتلا هستند وچنان این
پیشوایان بی عقل مانند مرض کابوس برانها مسلط شده اند که دقیقه ئی
از مرض سبات نجات نداشتند علی الخصوص وزادنی الطنبور نغمة اخری

وآن مداخله قوم بیجا در جمیع امور هنوز ایرانیان نفهمیده اند که این
بلا یا را این حزب خاسر بر سر ایران آورده اند میرزا محسین نمسوب
صدر العلماء بنجف اشرف رفت وانجا یک مجلس سری تشکیل
کردند هر روز صبح دست مرحوم خراسانی را میبوسید وریش مبارک او را
میبوسید ونهایت خضوع وخشوع مینمود ومیگفت ای آقایان دست
ایران را بگیرید ایران وایرانیان را نجات بدهید استبداد یان
چنینند واعتدالیون چنان وحزب اتحاد بدخواه اینها
جمیع ایران را برباد نمایند ما بنده تو هستیم شرمنده
تو هستیم تو ئی محیی ایران تو ئی ملجاء وپناه ایرانیان ومرکز
شریعت مقدسه ئی ومحور مذهب حق جعفری اگر تو فتوا
مذهبی بدهی وچون بیرون میامد چند نفر رفیق داشت
با انها استهزا میکرد که بریش او خندیدم وانها را
وادا شتم تا فتوا بدهند واحزاب بهم بریزند همدیگر را
بکشند بعد از برای ما (از لیها) میدانی واسع پیدا
میشود آن بیچاره ها هم که نمیدانستند این قول را از او میپذیرفتند
ومتصل فتوی میدادند تا اینکه ایران را باین خاکستر
سیاه نشاندند وحکمتهای بالغه الهیه بسیار اگر این وقایع

مؤلمه نبود البتّه وقوعات شدیدهٔ غیر ازاین بود فکر کنید
بخاطرتان میگذرد باری قوم بچیا پردهٔ حیا را دریدند
و هر تجمّ فسادی که خواستند در کشور ایران افشاندند
بعضی ازان تخمها روئیده معاذالله اگر تمام برویید باری
احبّای الٰهی باوجود اینها باید خیرخواه حقیقی ایران و ایرانیان باشند
و بر غفلت و نادانی آنان بگریند شما ملاحظه کنید که چه
قدر نادانند باوجود انکه ظاهر و آشکار شد که جمیع احزاب
از جادهٔ صواب دور بودند حزبی که مصیب بود و سبب
خرابی و ویرانی ایران نگشت حزب الله بود که در منازعات
و مجادلات مداخله ننمود بلکه همواره بنصیحت میپرداخت که عاقبت
این انقلاب اضطرابست و تشکیل احزاب آتش پرالتهاب
باوجود این احبّای الٰهی را هر جا فرصت یابند میکشند
پس اگر دست یابند چه خواهند کرد امّا ایران البتّه
از نور حقیقت بدرخشد و عزّت معنویّه از برای ایران و ایرانیان
مقرّر است اگر استقلال سیاسی نماند الحمدلله
نورانیّت روحانی از ایران بشرق و غرب عالم تافته

این عزّت پایدار است نهایت ندارد و این موهبت
ابدیّه است منتهی نشود ولمثل ذلک فلیتنافس المتنافسون
وعلیک البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران جناب ناظم الأطبّاء علیه بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن
هو الله

اللّهمّ یا ربّی الرّحمن انت الکریم وانت المنّان انّی اتضرّع الیک
باللّسان والجنان وابثّ شکوای بین یدیک علی اهل العدوان
ربّ تری انّ الخونة الجهلاء قد افتروا علی الأحبّاء والأصفیاء
یصوّبون الیهم سهام البهتان فی کلّ حین وآن ویشرعون
الیهم اسنّة الطّعن والافتراء بلسان حداد وانّک لتعلم
انّ احبّائک برآء من کلّ فساد ومتجنّبین عن اهل العناد
سالکین سبیل الرّشاد قد اشتغلوا بانفسهم وسلکوا فی سبیل
رضائک ورضیوا بقضائک وصبروا علی بلائک
ونطقوا بثنائک وسرعوا الی مشهد الفداء یتمنّون کأس
الرّدی حبّاً بجمالک ویبتهلون الیک بقلوب طافحة
بالولاء ولا یتقرّبون الی الثّوار ولا یستمعون من اولی

الجهلاء

الأستكبار ولا يتكلمون بكلمة تشمئز منها قلوب الفجار فكيف
الأبرار مع ذلك ترى الأعداء لا يمهلونهم طرفة عين من الجفاء
ولا يسكتون عن كلمة السوء بهذا الأثناء ربّ احفظ عبادك المخلصين
من سهام المبغضين واحرس احبّتك الموقنين من ظلم الجائرين
وقهر عذاب اللئماء وتعدّي الخصماء وطوة الزمناء وعدوان
كلّ عتلّ لئيم معتد اثيم انّك انت الحافظ الواقي الحارس القوي المتين
حمداً لمن اشرق ولاح من الأفق الأعلى على القلوب الصافية المنجذبة
الى الملكوت الأبهى وتلئلئت انوارها المقدّسة على الحقائق المستنيرة
من الحقيقة المقدّسة العليا فانطق الورقاء في الحديقة النورا
على الأفنان بفنون الألحان وابدع الأنغام في جنّة الرضوان فترنّح
المنجذبون بنسائم الرحمن كأنّها صهباء صافية طافحة من كأس
السماء وانجذبت القلوب وانشرحت الصدور وانتعشت الأرواح
من انوار ذلك المصباح الذي اشرق ولاح من ملكوت العلى
والتحيّة والثناء على الحقيقة النورانيّة والكلمة الجامعة الرحمانيّة
والجلوة الصمدانيّة والطلعة السبحانيّة الواسطة الكبرى والوسيلة
العظمى والمشيّة المقدّسة البيضاء الدالّة على الطريقة المثلى
الهاديّة للورى الى السبيل الأعوج فيها ولا امتى وعلى من اتبعه فيهذا

الصّراط المستقیم وسلک فی المنهج القویم وشرب من عین التّسنیم و
ثبت علی العهد القدیم وما اخذته لومة لائم من کلّ عتل زنیم
الی ابد الآبدین وسرمد الدّهر فی القرون الآخرین

ای ثابت بر پیمان نامه نامی مشحون بجواهر ولئالی وحقائق
ومعانی سرور مبذول نمود وحبور مشهود کرد فی الحقیقه چنانست
که مرقوم نمودی یاران از هر فساد وفتنه در کنار ومجتنب از
حرکات وسکنات اهل استکبار ساکت وخاموش
سرمست ومدهوش واز نفحات قدس در جوش وخروش
نه با اهل سیاست همراز ونه با حریّت طلبان دمساز نه
در فکر حکومت نه مشغول بذمّ احدی از ملّت از جمیع جز ذکر
حق غافل وبیزار وبنصّ قاطع مطیع حکومت شهریار وبامر شدید
منقاد سریر سلطنت بخود مشغولند وبسلوک در سبیل رضای
الهی مألوف تعدیل اخلاق کنند وتشویق بصفات ممدوحهٔ
انسان بتصفیهٔ قلوب پردازند وبتزکیهٔ نفوس مشغول
کردند زیرا در جهان دل وجان تأثیر ونفوذ جویند واز عالم
امکان وشئون نفس وهوی بیزارند باری یاران باید بر مسلک خویش
برقرار باشند واز غلوّ واستکبار بیگانگان تغییر وتبدیل

در روش و سلوک بدانند در هیچ امری مداخله ننمایند و بهیچ مسئله‌ئی
از مسائل سیاسیّه نپردازند شب و روز منجذب بنفحات قدس
گردند و متذکّر بذکر حق در محافل انس از راز و نیاز دم نزنند و باوج
عزّت پرواز کنند و با آهنگ و نغمه و آوازی پرداز نند که عالم
آفرینش را بوجد و طرب آرند اینست روش و تکلیف بهائیان
اینست مسلک روحانیان اینست مشرب ربّانیان طوبی
لمن فاز بهذا الأمر العظیم و قام علی اطاعة ربّه الکریم انّ لک
لهو الفوز العظیم و علیک البهآء الأبهی جمیع متعلّقان را ذکور
و اناث تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دارید ع ع

هُوَ الأبهی

جناب ناظم الأطبّا آقا سیّد محمّد رشتی علیه بهآء الله الأبهی
ملاحظه نمایند

خط مبارک هُوَ الأبهی

یا ایّها الرّوح المستبشر بنفحات قدسیّه انتشرت من ریاض الملکوت
الأبهی و الفردوس الأعلی علیک بهاء ربّک فی الآخرة و الأولی
قد ملوت بملاء السّرور ما رقمت علی صحائف البیان المتضمّن

مواهب ربّك الرّحمن في حقيقة الأنسان وتمعنت في بديع معانيه
وحقائقه ومبانيه واذا هي لؤلؤ منثور في رق منشور وجواهر
متلئلئة خرجت من عمّان العرفان ومعدن ذكر ربّك الرّحمن
فتموّج بحر ودادي وتلاطم قلزم فؤادي واخذ زمام الارادة من يدي
وتمكّن من قيادي واجراء قلمي ومدادي على ذكر من اخذ بمجامع قلبي
وشرح صدري بفنائه في حب محبوبه وانجذابه بنفحات مقصوده
واستقامته في صراط معبوده وثبوته ورسوخه في امر مسجوده
وتشبّثه بميثاق ربّه وعهوده وتمسّكه بذيل مقام محموده طوبى
لك ثمّ طوبى لك بشرى لك ثمّ بشرى لك من هذه
الموهبة التي يتلئلأ بها وجهك فيملكوت ربّك الودود
وتتباهى بها بين ملاء الغيب واحزاب الشّهود فسوف ترى
لهذه الاستقامة الكبرى مآثر تنتشر في الأفق الأعلى ومفاخر
تزدان بها فجر العلى ويصلّين عليك اهل سرادق البقاء في
الملاء الأبهى فسبحان ربّي الأعلى كبّر من قبلي على احبّاء الله
واصفيائه الذين ما تزلزلت اقدامهم في الرجفة الكبرى والفاجعة
العظمى وثبتوا فنبتوا في رياض المنحة العلياء
وحدائق العناية الغلباء
ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الابهی

از انتشار اجنحهٔ طیور لیل مرقوم نموده بودید هذا ما اخبر به القلم الأعلی
فی جمیع الزبر والألواح فعلیک بتلاوتها وامعان النظر فیها حتی تظهر
البرهان الأعظم بأن ربک احاط بکل شیء علما ولکن انک انت
یا ایها الثابت الراسخ علی دین الله لا تبتئس بما کانوا یعملون وان
جندنا لهم الغالبون این رفرفة الذباب من حرکة اجنحة العقاب
فی هذا السماء الرفیع واین طیران البغاث من النسور الصافات
فی هذا الأوج العظیم عنقریب اشعهٔ آفتاب ملکوت توحید آفاق
کور جدید را چنان روشن نماید که خفاشان ظلمانی را اسیر مهالک
تنگ و تاریک گلخن فرماید فی الذاهبین الأولین من القرون لنا بصائر آیا
در هیچ عهد و عصر بی مظاهر نفی یومی گذشته در قرون اولی مظاهر
بطلان که در مقابل مطالع رحمن بودند بحسب ظاهر وجودی و ظهور و بروزی
داشتند وقتی نمرود عنود بود که سرور جهانیان بود زمانی
فرعون اعظم بود که بظاهر فیلسوف مصریان و شهیر عالمیان بود
مالک ممالک مصر بود و فرید ابناء عصر وقتی قیافای بیحیا
بود که سر دفتر دانایان و حبر اعظم اسرائیلیان بود و قس علی
ذلک حال حمد کنید خدا را که شجرهٔ نفی در این کور شخصی بود

مجهول و محقور و مردول در نزد کل طوائف عالم و آثار جهل و بطلان و ذل و خذلان
از جمیع اطوار و آثار و افعال و نوشتجات و اشعار خود و اعمال
قبیحهٔ اولادش ظاهر و عیان قبرس که در لسان ترکی بشیطان
جزیره سی مسماست حال موجود و مهیاست و جمیع اهالی انجا
از تفاصیل مطلع و آگاه جناب میرزا یحیی قزوینی در نهایت ارادت
بآن جزیره وارد شدند و بخضوع و خشوعی که فوق آن تصور نتوان
بآن شخص ملاقات فرمودند بعد باین ارض آمدند چون بساحت
اقدس رسیدند و عظمت امرالله را مشاهده فرمودند و آثار
علو و امتناع و ظهور سلطنة الله را در سجن اعظم مقابل جمیع دول
و ملل ملاحظه کردند و تنزیه و تقدیس احبای رحمن را دیدند و برهان
واضح و دلیل لائح و حجة قاطعه و موهبت کاملهٔ لامعه را در جمیع
شئون حتی در جزئیات امور بعین بصیرت ادراک کردند و در حین
نزول آیات در ساحت اقدس حاضر شدند از ظلمات بطلان
بیزار شدند و بانوار رحمن پیوستند و آیهٔ انی و جهت وجهی للذی
فطر السموات و الأرض تلاوت نمودند از جمله از شخص مجهول
نوشتهٔ بخط دست او داشتند آیهٔ مبارکهٔ
قرآن ماهذه التماثیل التی انتم علیها عاکفون را عاقلون

نوشته بود و الآن در نزد میرزا یحیی قزوینی موجود ملاحظه فرمائید
که مقتدای این قوم عاکف را از عافک فرق نمیدهد و چگونه
آیهٔ صریحهٔ کتاب الله را بخط خویش تحریف مینماید رغماً عن
انفه از قلمش این خطا صادر تا واضح شود که رئیس اهل تحریف است
و زعیم اهل جحیم بعضی از تابعین آن مجهول ها وجود آنکه برای العین این را
مشاهده نمودند باز بیدار نشدند تا ثابت کردند که بهیچ رعاع اتباع
کل ناعق میلولن بکل ریح هستند هادی مضل در سر منابر
از حضرت اعلی در اصفهان بکرات تبری جست حال اقلاً
خجالت بکشد دیگر اسم امر حضر ترا نبرد با وجود این حسارت
و شقاوت خود را صنم اکبر بعد از صنم اعظم میشمرد فاعتبروا یا اولی
الابصار

ع ع

مقابله شد

بواسطه حضرت علی قبل اکبر

هو الله

ط جناب ناظم علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

الله ابهی

اللهم یا الهی یا الطف سریان محبتک فی القلوب المنجذبة بنفحات

قدسك وما احلى مشاهدة آيات وحدانيتك في الحقائق المستنبطة
من فيض رحمانيتك وما اعذب سلسال كوثر عرفانك
النابع من قلوب اهتزت بنسائم رياض عبوديتك ايرب
ما خلقت شأنا في الابداع ابدع من هذا ولا قدرت مقاما في الاختراع
اعظم من هذا ايرب ان العبودية بديعة في الانظار والرقية
نصب اعين اولي الابصار والفناء في باب احديتك منتهى آمال اهل
سماء الانوار والمحوية غاية مآرب اولي الاسرار فبعزة قيوميتك
لو ترفعني الى اعلى افق الجلال وتجلسني على عرش الاجلال ويشرق وجهي
بنور الجمال ويتلاطم في حولي امواج بحر الكمال وتكمل علي جميع النعماء بازي
المتعال وتؤيدني بجميع جنود الملاء الاعلى وترفع لواء وجودي على اعلى
قلل الكبرياء وتقدر لي كل خير خلقته فيملكوت الانشاء لانقابل
عندي عشر معشار ذرة من عبوديتك في عتبتك السامية
والرقية لحضرتك العالية فانها راحة روحي وبهجة فؤادي وشفاء علتي
وبرد لوعتي ورواء غلتي ونور وجهي وقرة عيني وبياض وجهي وتعطر
مشامي وحلاوة مذاقي وطمأنان قلبي وسكينة نفسي اذا يا الهي شيئني
على هذا المقام الذي اتمنى رشحات من طفحات بحره القلزم

المواج واتحسر علی استنشاق نفحاته التی تعطرت منها الآفاق
انک انت الکریم المتعال ع ع
ایرب هذا عبد قد توجه بکلیته الی ملکوتک الابهی وانقطع عن کل
ماسواک واشتعل بالنار الموقدة فی سدرة رحمانیتک وانجذب
بانفاس طیب عبقت من ریاض وحدانیتک وتمسک بعروتک
الوثقی وتشبث بذیل رداء الکبریاء ایرب اجعله علما بین الملاء
وسراجا ساطعا فی ملکوت الانشاء ولسانا ناطقا بذکرک یارب
الآخرة والاولی ومنادیا باسمک فی مجامع اولی النهی وهادیا الی
سبیلک بین الوری ومروجا لدینک یارب السموات العلی
انک انت المقتدر الوهاب ع ع مقابله شد

هو الابهی

ط جناب ناظم علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

هو الابهی

ای مستقیم بر صراط امر الله استقامت اعظم منقبت عالم انسانی وابهی
موهبت حضرت رحمانیت چنانچه میفرماید الذین قالوا
ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة ودلیل این استقامت

و برهان این موهبت جانفشانی و همّت و غیرت در سبیل آلهیست هر
شجری بیخ محکم کند و ریشه مستحکم گرداند ثمر و بر براورد و میوهٔ
تر مبذول دارد یعنی نفوس ثابتهٔ مستقیمه در امر الله موفّق بر اعمالی گردند
و مؤیّد بر اطواری شوند که سبب حصول روح و ریحان دوستان
گردد و علّت خوشنودی قلوب یاران در اوقاتیکه حضرت
علی قبل اکبر علیه بهاء الله الابهی در سبیل الهی قرین اغلال بودند و انیس
زندان از بلایای متتابعه در محبّت نور مبین در گردن
طوق زرّین داشتند و سلاسل چون حمائل ملوک روی زمین آنجناب
نهایت تفقّد احوال از منتسبان فرمودند و تسلّی دادند لهذا ایشان
از این همّت آنجناب زبان پر شکری باز نمودند و بشکرانه آغاز
فرمودند ربّ و رجائی هذا عبدک الّذی تشبّث بذیل الطافک
و انجذب بنفحات قدسک و اشتعل بالنّار الموقدة فی سدرة
فردانیّتک و قام بجمیع قواه علی اعلاء کلمتک و نشر نفحاتک
و سطوع انوارک و ظهور اسرارک و تعظیم شعائرک و تزیین معالمک
و تشهیر مناقبک و تعمیم مراحمک ایربّ ایّده بتأییداتک
و اجعله علماً مبیناً فی امرک و سراجاً منیراً فی زجاجة حبّک و معیناً
عذباً لظماء احبّتک و حدیقة مؤنّقة لطیور رحمتک و ادم

علیه

علیه فیوضاتک وافض علیه وابل برکاتک انک انت
الکریم العزیز الرحیم ع ع
ورقهٔ طیبهٔ زکیهٔ امة الله ضلع را بتکبیر ابدع ابهم مذکور دارید
وهمچنین انجال عظام وجناب مستشار وجناب میرزا صادق
واخوان ومنتسبان را از فضل حق امید واریم که کل در ظل سدرهٔ
مستریح وتأییدات ملکوت ابهی مؤید باشند والبهاء علیک
وعلی کل من ثبت علی میثاق الله ع ع مقام شد

هوالأبهی

ط جناب ناظم الأطباء میرزا سید محمد ملاحظه نمایند

خط مبارک هوالأبهی

اوراق آنجناب ملاحظه شد جمیع اذکار منبعث از محبت وخلوص بود
وتفاصیل موجود در قوم وچون اثر قلم آنجناب بود این عبد با وجود
عدم فرصت دقیقه بکمال شوق قرائت نمود ولی اهم را الیوم
باید بر مهم ترجیح داد الیوم یومیست که این عباد باید کل اوقات
واذکار واحوال را حصر در نشر نفحات الله نمائیم بکلی خود وغیر خود را
ومقامات ومراتب شئونات را فراموش نمائیم وبکلی کرشمهٔ جمال

مبارک کردیم جز او ندانیم غیر از او نبینیم جز او نبینیم اصل
شجرهٔ وحدانیت را خدمت کنیم چه که ذکر او مغنی از ذکر کل است
و نعت و ستایش او ثنای عموم این عبد خود را در نزد عبد
از عباد مخلصین او فانی می بیند و مضمحل و دانی میشمرد و کمان وجود را
شرک محض میدانند با وجود این فنا و اضمحلال چگونه تصور مقامات
و مراتب نماید قطره را چه شأنی از نسبت خویش بدریا دم زند
و ذره را چه جسارت که از ارتباط خود با آفتاب شرح دهد
کل عباد له و کل به یعملون باری جمیع انکار و اوراد را منحصر
بذکر واحد فرما و شب و روز در اعلاء کلمة الله بکوش و در نشر
دین الله تا نفحات قدس مشام روحانیان را معطر نمائی و بدرياق
فاروق اعظم جسم عالم و امم را بشفا ملی الهی فائز کنی و قسم بمربی
غیب و شهود که اگر بانچه مقام چنانچه باید و شاید کسی موفق گردد
ندای تحسین را از ملکوت ابهی و جبروت اعلی بگوش باطن و ظاهر
استماع نماید اینست الیوم فوز عظیم اینست الیوم
جود مبین طوبی لمن سعی و اجتهد و اشتغل و انجذب و البهاء
علیک و علی اهلک و اولی قرابتک و احبائک و آوائک عبد البهاء

ع ع مقابله شد

خط مبارک هوالله

ای مستبشر ببشارت الله در هر عصر و قرنی مطلع آفاق تجلّی خاصّی
مشرق و لائح و آیت کبرائی باهر در عصر خلیلی افق وجود بانوار خلّت
ساطع در عصر کلیمی مشرق شهود پرتو لمعهٔ طور لامع در قرن
روح اللّهی انجاء وجود بنفحات قدس معطّر در یوم طلوع نیّر تیرین فجر ابدا
بشعاع محبّت و عظمت منوّر و در وقت کشف غطاء از جمال نقطهٔ
اولی صبح هدی باشعهٔ ساطعهٔ بشارت کبری مزیّن و در ظهور اعظم و طلوع
جمال قدم آفاق عالم بجمیع فیوضات و تجلّیات و اسماء و صفات محاط و مستفیض و من
و کمّل حیه که محیط اعظم دارنده و جامع جمیع کمالات کلّ بحور و خلجان و نهور
و عیون و شئونست بقلم سرشکسته مرقوم شده بود قلم تغییر نافت
مطلب تفصیل چست ملاحظه در آثار جمال مبارک در جمیع مراتب فرمائید
حقیقت واضح و مشهود گردد اشاره میشود در آثار قلم اعلی ملاحظه شود
و موازنه با سائر آثار گردد و ظهور عظمت و اقتدار وقتی شود که فردا
وحیدا من غیر ناصر و معین در سجن اعظم در کمال سلطنت و عزّت مقاومت
با جمیع ملل و دول عالم فرمودند مثلا منکرین در زمان حضرت رسول روح العالمین
له الفدا بصریح آیهٔ قرآن واذا رأوک ان یتخذونک الا هزوا و اهذا الذی
بعث الله رسولا میکفتند و در این ظهور اعظم کلّ السن مقبل و مدبر معترض
و منکر بعظمت امر ناطق و بزرگوای جمال مبارک نهایت مؤمن و

موقن باصل امر نه چنانچه ملاحظه فرمودید که جمیع اوراق منشوره عالم شهادت
داده و میدهند و خضوع و خشوع اعدا در جمیع مواقع حتی در سجن اعظم
اکبر دلیلیست و هم چنین آثار ظهور و علو و طلوع که پرتو نورش بر جمیع
وجود افتاده چنانچه جمیع مورخین این عصر مجید و قرن جدید را سلطان
اعصار و قرون نگردیده و آثارش را فائق و زاید بر جمیع اعصار اولیه
مشاهده کردند یعنی آثار صدر امر را چون موازنه با آثار این یک
قرن کلی مقابلی ننماید باری این ظهور در جمیع شئون مستثنا و ممتاز است
پس بشکرانه این الطاف و عنایات باید جمیع مراتب را بقوه بشغف
حب جمال مبارک فراموش نمود و بکمال قوت و قدرت فکر و
ذکر را در تبلیغ امر الله و نشر نفحات الله حصر کرد الیوم این امر
مؤید است یعنی تبلیغ امر الله و موعود بنصرت جنود ملکوت
ابهی قسم بجمال قدم روحی لتراب اقدام احبائه فداکه اگر
ضعف موجودات الیوم قیام بر این امر اعظم یعنی نشر نفحات
الهی نماید اقوی الممکنات گردد قطره حکم دریا یابد و ذره قوت
آفتاب هدهد اگرچه طیر ضعیف و طائر نحیف بود لکن سپاه سلیمانی
در عقب ظهیر بود لهذا بالیقین با جمیع جنود مقاومت نتوانست
و خبر تسلیم چاره ندانست حال اگر نفسی بر انتشار رائحه رحمن قیام
نماید جنود ملکوت ابهی ظهیر و معین است و رب عظیم پناه و مجیر مقابله

تبریز بواسطهٔ آقا میرزا حیدر علی اسکوئی
جناب ناظم الحسینی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ مفصّل تلاوت و مرتّل گردید و نهایت
روح و ریحان حاصل شد زیرا نامه نبود نافهٔ مشکین بود از ریاض
معانیش رائحهٔ محبّت الله منتشر و نفحهٔ معرفت الله استشمام
گردید زهی موهبت که انسان را برحمت پروردگار رساند و خوشا
موفقیّت که سبب تقرّب درگاه کبریا گردد باری حال که در تبریز عزیز
هستی شوری انگیز و قندی بریز و مشکی بیز در فکر آن باش
که آن دم مطهّر بجوش آید و آن اقلیم معطّر گردد و آن افق منوّر شود
آذری بجان آذربایجان زند و آهنگی از تبریز بلند شود که ملاء اعلی باهتزاز
آید امیر آن اقلیم را الحمد لله قلب سلیم است و عدل مبین رعیّت
پرور است و دادگستر و مهربان بجمیع بشر حامی انسانست نه همداستان
ستمکاران حزب پیشینیان اطاعت خواهد و صداقت جوید
احبّا باید شب و روز بدعا و نیاز پردازند تا کاشف راز و حضرت
بی انباز این امیر شهیر را مهر منیر فرماید و پرتو عزّتش جهانگیر
گردد در جمیع نواحی ایران در عهد اخیر ظالمان دست تطاول

کشودند مگر اقلیم آذربایجان محفوظ و مصون ماند و این نیست مگر از
عدل و داد حکومت عادله آنسامان و علیک التحیة والثناء ع ع
مقابله شد

خط مبارک هو الابهی

ای ثابت نابت چون بآن بر و بوم رسیدی اگر ممکن سفری باطراف تا بارومی
فرما تا یاران رحمانی را سبب هیجان دل و جان گردی و نفوس ساکت
صامت را ناطق نمائی زیرا انسان مانند نهال جویبار است
آبیاری الهی خواهد و مانند سراجست دائماً مدد از دهن حکمت لازم دارد
اگر این مطلب سبب ضوضاء بیگانه نگردد و آشنا ممنون و شادمان شود
و بسهولت و خوشی میسر گردد موافقست و سبب حصول تأیید شود و الا فلا
ع ع مقابله شد



هو الابهی

ط جناب آقا سید محمد طبیب علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط مبارک هو الابهی

ای طبیب روحانی جسد امکان بامراض شدیده و عوارض مزمنه
و علل ساریه و حمای مطبقه مبتلا گشت دریای بخشش الهی بجوش آمد
و ابر حقیقت و عنایت در جهان آفرینش بخروش آمد آفتاب فلک
توحید بدرخشید و نفحات جانبخش از حدائق تجرید بوزید و نفس مسیح
الهی برسید پزشک دانا کشف نقاب نمود و طبیب حاذق صادق پرده

بدرید اجزائی از جواهر مکنونه وعقاقیری از لطائف مخزونه ترتیب
داده درياق فاروق اعظم عطا فرمود وباوزر هر درمان اکمل
احسان کرد معاجین روحانی ترکیب فرمود ومفرحات لئالی ویواقیت
رحمانی ترتیب نموده معرّقات ومخدّرات ومحلّلات از جواهر بوحید
وخلاصات تجرید تعریف وتعلیم داد تا این جسم علیل وجسد ذلیل
از حرارت وغلیل ضلالت وجهل وشدّت واضطراب آلام غفلت
وعقر نجات یافته بصحّت تامّه آلهیّه وعافیت کاملهٔ ربّانیّه فائز
گردد لکن طبیبانی جاهل وحکیمانی کاهل درمیان افتادند وادویهٔ
برءات آلهیّه را منع وآنچه سبب طغیان مرض وعصیان عرض است
بذل مینمایند تو که باجزاخانهٔ لاهوتی وادویهٔ قاطعهٔ رحمانی
پی بردی همّتی فرما که بلکه راحت کبری وصحّت عظمی چون بوبهدی
از مطلع شفا لائح گردد وظلمت حالک امراض ومصیبت مهلک اعراض

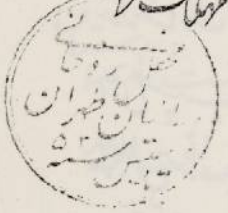

زائل شود ع

مقابله شد

بواسطهٔ میرزا علی بنکدار

تبریز جناب میرزا سیّد محمّد ناظم الحسینی لایبجانی علیه بهاء الله الا

یا بهی الابهی هوالله

ای یار مهربان من لوح مسطور رقّ منشور گشت و چون گشودم
و در بدایع معانی نظر نمودم مضمون مشحون بروح محبت
نیّر آفاق بود و الفاظ اصداف دراری عرفان الله اگر در جواب از پیش
فتوری رفت و یا قصوری واقع این تقصیر بیوفا یانست که از شدّت
جفا فرصت و مجالی ندهند و شب و روز متمادیاً مرا مشغول
بدفع فساد کنند و اطفاء نار عناد حال که به تبریز رسیدم جام
لبریز گردید و وله انگیز و شکیب اگر بدانی در این بساط چه قدر غریبی
البتّه از شدّت سرور پرواز نمائی و با نغمه و آواز دمساز
گردی الحمدلله نسیم آذربایجان معطّر است و نفحات
ریاض قلوب احبّاء الله جانپرور شمس حقیقت را عنقریب
در آن کشور پرتو جهان افروزی ساطع گردد که عقول حیران
ماند پس تو بجان و دل بکوش که آئینه صافی کردی و پرتوی
کافی وافی گیری شمعت شعله جهانسوز گردد و سراجت لمعه
عالم افروز ریحانت شجر بارور گردد و جویت دریای
پر درّ و گهر بفضل جمال ابهی امیدوار باش که قطره را دریا نماید
و دخمه را صحرا کند خارزار را گلزار نماید و خزانرا نوبهار

جهان آرا فرماید ونریدان نمن علی الذین استضعفوا
فی الأرض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین ع ع

مقابله شد

بواسطه حضرت علی قبل اکبر

هوالله

خط مبارک طراز جناب ناظم علیه بهاء الله الابهی

یا من توجّه الی الله قد فرح القلوب انکشف الکروب وقرّت
البصائر والأبصار وتنوّرت الضمائر وسرّت السرائر بما سطعت انوار
الألطاف من ملکوت الأبهی واشرقت الآفاق بنور ربّها
والمؤمنون فی فرح عظیم والمتزلزلین لفی کدّ مبین تلفح وجوههم
نار الجحیم وتحترق افئدتهم بشواظ وظی وعذاب السّعیر ذرهم
یتهافتوا علی نیران الحسرة ذلک هو الحرمان الشدید والخسران
العظیم وانک انت وعهم فی غمرات الأوهام وانشر نفحات الله
فی شرق الأرض وغربها وذلک هو الفوز العظیم ع ع

مقابله شد

هوالابهی

ط بواسطه حضرت علی قبل اکبر

خط مبارک جناب ناظم علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی

یا من اشتعل بنار موقدة فی شجرة المیثاق قم علی اعلاء کلمة الرب و قل ایها الغافلون
انتبهوا ایها الراقدون تیقظوا ایها المحتجبون اکتشفوا ایها الصامتون فاسرعوا
ایها العطاش فاشربوا ایها الجیاع کلوا ایها العرات البسوا
ایها المحبون اخلصوا وجوهکم لله الحق ان الله هو الرحمن الرحیم ع ع

تکلموا ایها الطالبون

مقابله شد

هو الأبهی

ط جناب ناظم علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

هو الأبهی

ای ناظر بافق ابهی الیوم جمیع من علی الأرض از پی سراب دوانند و از عقب
ظل زائل روان قطرهٔ فانی را بحر مواج دانستند و ذرهٔ دانی را نیر وهاج شمردند
خاک مهین را فلک علیین گمان نمودند و تودهٔ زمین را بهشت برین
انگاشتند گلخن فانی را گلشن باقی تصور نمودند و شمع افسرده را شعلهٔ
نورانی دانستند لهذا منهمک در شهوات شدند و مستغرق در بحر ظلمات
بقطرهٔ ماء منتن حیات فانیه قانع شدند و از حیات باقیه در ملکوت
ابهی چشم پوشیدند و از بحر حیوان گذشتند آفتاب را فدای

ذرّه نمودند و دریا را قربان قطره چون کرم مهین در اسفل طبقات
زمین مسکن و مأوی نمودند و از مقعد صدق عند ملیک مقتدر دور
جستند اینست شأن ناس و ثمرهٔ وسواس نفس ناپاس
فباطل ما هم یعملون فسوف تریهم فی خسران مبین
ع ع مقابله شد

طهران بواسطهٔ حضرت علی قبل اکبر
جناب ناظم الحکما علیه بهاء الله

یا صاحبی السجن
هو الله

ای ثابت بر پیمان آنچه نگاشتی ملاحظه گردید حمد خدا را که
دلالت بر استقامت در محبت حضرت رحمانیت داشت استقامت
در این کور عظیم آثارش بسیار واضح و آشکار است و هر نفسی از یاران
باستقامت پدیدار شود فی الحقیقه اوست از اعظم موهبت
حضرت پروردگار از برای نوع انسان آن یار الهی الحمد لله
باین صفت مبارکه متصف و بر این صراط الهی ثابت و مستقیم
امتحان و افتتان هر چند از جهتی در تناقص است زیرا روز بروز رایت
امر الله موجش بیشتر و ارتفاعش عظیم تر است و لکن از جهتی دیگر امتحانات

خفیه واضح و مشهود یاران الهی را نصیحت نمائید که همواره مانند کوه آهنین مقاومت
هجوم شبهات ظالمین نمایند علی الخصوص شکوک اهل فتور این نفوس
مانند آهن سردند که ابداً از چیزی متأثر نشوند حتی در زیر پتک
و سندان ابداً تأثری حاصل ننمایند و تحققی و تفکری و تعمقی نجویند و جز معیشت
دنیویه چیزی نخواهند الحمد لله آن یار مهربان و جمیع بستگان
در صون حمایت رحمن از این نفحهٔ کریهه محفوظ و مصون و در غایت اطمینانند
و علیکم التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

هو الابهی

خط مبارک جناب ناظم الاطباء آقا سید محمد رشتی ملاحظه نمایند

هو الابهی

تعیین قبله و شهرتش الآن مقتضای حکمت بالغه نیست در وقتش اعلان خواهد شد

ثم انشر شمیم مسک التکبیر و نسیم الالطاف علی مشام ضلعیک الورقتین
الطیبتین الموقنتین القانتتین و بشرهما بعنایات ربک الکریم الفائضة
علیهما و لحظات الاعین الرحمانیة الشاملة علیهما و کبر من قبلی

علی وجوه ازهار ریاض محبة الله واوراد حدیقه موهبت الله ابنائک
وکرائمک وبلّغهم فرط توجّهی وعظیم حبّی وشدید تذکری باذکار احبّاء الله
ع ع مقابله شد

طهران بواسطهٔ جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی
جناب شعاع الدّین خان سلیل جلیل ناظم الحکماء رشتی علیه بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السّجن
هو الله

ای جوان نورانی آن فتای رحمانی آقا میرزا علی اکبر میلانی نهایت سرور
وشادمانی از شما دارد که همّتی فرمودید تا بخدمتی معیّن شد من
نیز از این خبر روح وریحان یافتم ومسرور وشادمان گردیدم که دوستان
نصیر وظهیر یکدیگرند ویاران غمخوار همدیگر چنین شایگان که
جان در ره یکدیگر رایگان نمایند این است بنیان آئین رحمن
لهذا از حضرت یزدان میطلبم که پاداش این خدمت شمول عنایت
باشد وسبب فرح ومسرّت یاران روحانی را یکان یکان اشتیاق
دل وجان ابلاغ دار برادران مهربان خویش را نهایت تعلّق روح ووجدان
برسان از خدا میطلبم که جمیع در این قرن بدیع مظاهر الطاف
حضرت رحمن ورحیم باشند
وعلیک البهاء الأبهی
ع ع مقابله شد

Provided by the Afnan Library

خط مبارک

هو الله

جناب شعاع الله ابن جناب ناظم علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای شعلهٔ محبّت الله شعاع را سطوعی باید و آفتاب را طلوعی و بدر را نوری و نجم را ظهوری پس تو که شعاعی از خدا بخواه که نوری بیفشانی و پرتوی اندازی و جهانی افروزی و عالمی بنار محبّت الله بسوزی و امیدوارم که بفضل حق چنین کردی و اعظم از این شوی والبهاء علیک ع ع مقابله شد

جناب شعاع الله علائی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای بندهٔ حقیقی بهاء الله نامهٔ مختصر را معانی مفصّل بود بلکه سفری جلیل بود و دلیل بر نورانیّت آن حبیب تو را تأیید میطلبم و توفیق میجویم و کامرانی در دو جهان میخواهم و علیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس ۲۰ جمادی (۱) حیفا ۱۳۳۸ مقابله شد

ط متعلّقین جناب ناظم الحکماء

جناب حسین ابن ناظم



خط مبارک هو الله

ای سمی حضرت مقصود دست بذیل اطهر زن و از ما سوی الله منقطع شو و در ظل شجرهٔ انبیا مستریح گرد والبهاء علیک

ع ع
مقابله شد

دو نامه مورخ به نوزدهم رمضان و چهارم شوال سنه ۱۳۲۸ وصول یافت

طهران جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی لنجن

هو الله

ای منادی پیمان نامه ها ملاحظه گردید الحمد لله حقیقت حال آن دو مظلوم بزرگوار بر یار و اغیار واضح و آشکار گشت و سید عبدالله اصفهانی در نجف بجزای خویش گرفتار تهمتی که بیاران زد گریبان خویش گرفت و بچاه خذلان ابدی در افتاد فاعتبروا یا اولی الأبصار

در خصوص امر تبلیغ مرقوم نموده بودید امروز اعظم امور و اکمل شئون انتشار نفحات قدس ملکوت ابهی است زیرا این امر مؤید است و هر نفسی بر آن قیام کند منصور و مسرور و موفق بالطاف موفور گردد چنانچه ملاحظه گردید هر نفسی در این سبیل قدم نهاد مظهر عنایت جمال قدم گشت و هر سواری که در این میدان بتاخت بچوگان همت گوی موهبت کبری بربود سپاه جسور جنگجو که در میدان حرب منصور و مظفر در نزد شهریار منظور

ومقرب ملحوظ نظر عنایتند واز مرکز سلطنت امداد و استعداد
پیاپی بیابند هم چنین نفوس مبارک از جنود ملکوت که در میدان تبلیغ
سمند برانند و شجاعت و متانت بنمایند البته مظاهر الطاف
بی پایان ملکوت ابهی شوند وامداد روحانی و تأیید صمدانی پی در
پی رسد علی الخصوص اگر ورقاتی نورانیه وامائی رحمانیه در نهایت تنزیه
وتقدیس و وجد وانجذاب وانقطاع قیام نمایند و بادله و براهین الهی
اطلاع یابند و حجج قاطعه اقامه کنند و در کمال وقار و حکمت باطراف
شتابند یقین است سبب هدایت جمعی از نساء گردند والطاف
وعنایت حی قدیر همدم و نصیب گردد قضیه جدیده بسیار سبب احزان
والام گردید اگر چنین است خسران مبین است الیوم باید احبای الهی نوعی سلوک
نمایند که سبب عزت امر الله گردند البته قرار در قعر زمین بهتر
ازاین واما قضیه شاهزاده و جناب عزیز اگر چنین بماند نتائج وخیمه بخشد
حال جناب والا البته مدارا خواهند فرمود و هم چنین جناب عزیز
از منافع غیر مشروع چشم خواهند پوشید واین قضیه بهمت شما و همت
احباء الله بکمال عدل و انصاف و عدم اعتساف منتهی خواهد گشت
از پیش نیز در این خصوص مرقوم شده البته تا بحال رسیده
واما قضیه بیطرفی احبای الهی باید بدرجه ئی باشد که کلمه بر زبان نرانند
ونهایت صداقت بحکومت محلیه داشته باشند اگر غیر ازاین باشد موفقیت
ممتنع و محال واما قضیه وصلت دو نفر از احباب با وجود تقرر

هشتصد تومان

هشتصد تومان مهر بمجرد اطلاع حکم کتاب بکمال رضا زوجه راضی به سه واحد
گردیده و آن جمعیت مبارکه عقدیه در نهایت شکوه بوده و تلاوت
آیتین گردیده و قضیه سنگسر که با وجود طالبان توانگر والده زوجه مؤمنه
بواحد واحد دختر خویش را بمؤمنی عقد و نکاح نموده بسیار سبب
سرور گردید فی الحقیقه این قضیه دلیل بر آنست که اماء رحمن در سنگسر ثابتند
و راسخ و ثابتند و قائم و انی ادعو الله بقلب خافق و لسان ناطق
ان یجعلهن آیات التوحید و اثمار شجرة التجرید ان ربی لعلی کل
شیئ قدیر اما شرکت خیریه امیدوارم که بعون و عنایت جمال مبارک
روز بروز ترقی نماید و اعضاء شرکت بهمتی بلند و مقاصد
ارجمند بخدمت پردازند و امر تبلیغ قوامی یابد و نفحات الله
انتشار جوید فی الحقیقه جناب حاجی محمد جواد و جناب صنیع همت
بلیغ فرموده اند و اما قضیه مدرسه فقراء و تشکیل انجمن جدید از رجال
و نساء بجهت تنظیم این امر عظیم و آراستگی محفل امتحان و نجاح و فلاح
کودکان و هم چنین انجمن امتحان دختران و اجتماع یار و اغیار در این
دو محفل در نهایت الفت و محبت و یگانگی و مهربانی سبب نهایت
روح و ریحان گردید و هم چنین تأسیس محافل تبلیغ انشاء الله سبب نجاح
و فلاح بلیغ گردد در خصوص آن دو عالم بزرگوار طالبان کشف اسرار
نگاشته بودید البته بحقیقت امور از جمیع جهات و سلوک و روش

یاران و اساس سبیل رحمن و وحدت عالم انسان و تألیف قلوب جمیع
ملل و توحید طوائف و نحل و جانفشانی در سبیل الهی و خیرخواهی و مهربانی
با جمیع نوع انسانی و احترام و رعایت رؤسای روحانی اطلاع یافته اند و
حجت قاطعه و برهان لامع و دلیل ساطع مشهود و واضح گردیده اندکی انصاف
سبب قناعت گردد که بهائیان خیرخواه جهانیانند و در این سبیل جانفشانی نمایند
و عاقبت بتألیف و توحید ادیان بتأیید رب رحمن موفق خواهند
شد و این نزاع و جدال صد قرون و اعصار را از میان زائل و این آتش را
خاموش و فراموش خواهند نمود و اما قضیهٔ چهره نما از قضا چند روز
پیش بنزد این عبد شتافت و آنچه باید و شاید باو بیان نمود بعد مراجعت
بمصر کرد و سؤال و جواب را بدرجه ئی در جریدهٔ خویش درج نمود ولی بعضی
از ایرانیان او را از درج چند فقره ممانعت نمودند و آن فقرات را در مقاله
ننگاشت و آن سه فقره بود اول اینکه جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء
بنص صریح در کتاب اقدس عبدالحمید را توبیخ میفرمایند
و نص خطاب اینست یا معشر الروم نسمع بینکم صوت البوم و
یا ایتها النقطة الواقعة بین البحرین قد استقر علیک سریر الظلم
کسی را که جمال مبارک بوم تعبیر میفرماید و امیر سریر ظلم خطاب میکند
و جاهل تسمیه میفرماید و نری فیک الجاهل یحکم علی العاقل خطاب
مینمایند چگونه عبدالبهاء چنین شخص ظلومی را مظلوم میشمارد مانند
آنستکه محبان اهل بیت یزید را تمجید کنند و سنان ابن

انس را شاه مظلومان شمرند و فقرهٔ دیگر اینکه ما از تیر و سنان افترا
خوف و هراس نداریم زیرا شصت سال است که هدف سهم افترائیم
و آماج تیر بهتان در این دریا مستغرقیم لهذا از نم شبنمی چرا
خوف و هراس نمائیم چنانچه شاعر عرب گفته
رمانی الدهر بالأرزاء حتّی فؤادی فی حدید من نبال فصرت
اذا اتتنی من سهام تکسّرت النّصال علی النّصال و شاعر ترک
گفته کارگر اولمز خدنگ طعنهٔ دشمن بکا کسرت پیکانن ایتمشدر
و میرون تن بکا ولی تأسّف در اینست که از مقام مقدّس حدث مطهّر
و مرقد منوّر حضرت امیر علیه السّلام که باید نور حقیقت بآفاق بتابد
نفوسی چند پیدا شدند که آنمقام مبارک را مصدر نشر اکاذیب
و مفتریات و بهتان عظیم نموده اند این جای تأسّف است
باری این فقرات را در چهره نما درج ننموده با وجود این تکذیب
اقوال پیش است البتّه بانجا خواهد آمد و ملاحظه خواهید نمود
و علیک البهآء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران

حضرت ایادی جناب ابن ابهر علیه بهآء الله الأبهی

یا صاحبی السجن هو الله

ای یار قدیم و همدم و ندیم عبد البهاء نامه رسید در این روزها
مصمم حرکت امریکا هستم زیرا از مجامع یار و اغیار و انجمنهای
علمی و سیاسی و عمومی امریکا دعوتنامه ها متتابعاً میرسد هر چند
بجسم ناتوان و قوا تحمل سفر دریا ابداً ندارد و احتمال خطر دارد علی الخصوص
محیط با سفیک و اتلانتیک ولی امید بتأییدات جمال مبارک است
که پشه قاصر را نسر طائر نماید و مور ضعیف را ثعبان مبین کند
متوکلاً علیه و معتمداً علی فضله و احسانه بادبان کشتی بگشائیم و
در موسم طوفان سفینه برانیم تا به بینیم چه مقدر شده مقصود
اینست که فکر مشغولست ابداً فرصت ترتیب و تمشیت امور
نیست لهذا باید محفل روحانی بهر قسمی باشد امور را در مجاری موافق
جاری نماید و مرا چندی مهلت شایان و رایگان دهد تا این سفر
پر خطر را بدون تشویش افکار بمنتها رسانم و مشغول آنسامان گردم
زیرا الحمد لله ایران منبت شجره مبارکه است و مطلع نیر اعظم
و احبا قدیما هستند و در ظل تربیت جمال مبارک تربیت
شده اند و ممتحنند و جانفشانند و هر یکرا نهایت آرزو میدان فدا
این نفوس تمکن تام حاصل نموده اند و استقامت شدید دارند

اما جهان غرب بدایت تأسیس است باید نهایت
کوشش را نمود تا ترویج کرده و تأسیس شود و نفوس مبارک
ثابت ناطق مانند احبای ایران مبعوث شوند آنوقت
کار آسان کردد عبدالبهاء جمیع او قاتش را بیاد یاران شرق
کذراند زیرا السابقون السابقون اولئک هم المقربون
مقرر است باری از احبای الهی علی الخصوص ایادی امرالله
رجای عبدالبهاء اینست که بملکوت جمال مبارک شب و روز
عجز و زاری نمایند و عبدالبهاء را در این سفر عون و صون و حمایت طلبند
که شاید پشه آسا حرکتی نماید و نظیر ذره در شعاع آفتاب نمودار کردد
یعنی بعبودیت و خدمتی موفق شود تا بحال محروم بلکه در آینده
بهره و نصیبی کیرد و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

طهران حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

صاحبی لسجن هوالله

ای منادی میثاق مکتوبیکه بجناب نشادی مرقوم نموده بودید ملاحظه
کردید در خصوص اختلاف در شئون بین بعضی از اولیای امور مرقوم نموده

بودید که احبّا متحیّرند با این اختلاف چگونه حرکت نمایند احبّای
الهی را کاری باختلاف و اتّفاق اولیای امور نه ابداً چنین اذکار را
حتّی بزبان نباید برانند بر احبّای الهی اطاعت اوامر و احکام
اعلیحضرت پادشاهیست آنچه امر فرماید اطاعت کنند و
همچنین کمال تمکین و انقیاد بجمیع اولیای امور داشته باشند ولی در بین
آنان اگر برودتی حاصل چه تعلّق باحبّای الهی دارد حافظ وظیفهٔ تو دعا
گفتن است و بس مقصود اینست که احبّا نباید کلمهٔ از امور سیاسی
بر زبان رانند زیرا تعلّق بایشان ندارد بلکه بامور و خدمات
خویش مشغول شوند و بس در فکر آن باشند که بخدا نزدیک شوند
و برضای الهی قیام نمایند و سبب راحت و آسایش و سرور و شادمانی
عالم انسانی گردند و هر نفسی بخواهد در نزد احبّا ذکری از امور حکومت
و دولت نماید که فلان چنین گفته و فلان چنین کرده آنشخص که
از احبّای الهیست باید در جواب گوید ما را تعلّق باین امور نه ما رعیّت
شهریاری هستیم و در تحت حمایت اعلیحضرت پادشاهی صلاح
مصلحت خویش خسروان دانند و بس امروز عالم انسانی محتاج تحسین
اخلاقست و تربیت بنفحات الله و تأسیس بنیان محبّت و راستی
و صلح و آشتی و حقیقت و درستی و الفت بین جمیع افراد
انسانی باید خدمت باین امر مهم نمود امور دیگر را اهمیّتی نه

مداخلهٔ در امور حکومت و مذاکرهٔ در آن اهمیتی ندارد زیرا امر مهم آنست
که ما ترویج مینمائیم و آن نورانیت و راحت و آسایش عالم آفرینش است
آیا جایز است در آن فتور نمائیم و بامور دیگر مشغول شویم لا والله
علی الخصوص که بنص قاطع الهی ممنوع از مداخله و محاورهٔ در امور حکومتیم شما
اینمطلب را بجمیع احبا تفهیم و توضیح نمائید این اذکار سروش غیبی
و لسان غیبی ابداً جایز نه بکلی اینگونه امور مباین رضای رب
غفور است

اما روزنامهٔ ثریا در مصر بسیار سبب زحمت ما گشت در بدایت
با علی محمد خان بالاتفاق این روزنامه را ایجاد نمودند بعد هم زدند سبب
عداوت میرزا علی محمد خان شد روزنامهٔ پرورش احداث کرد و
بجهت عداوت با صاحب ثریا نهایت مذمت را از احبا علی الخصوص
جناب آقا میرزا ابوالفضل نمود و در مجالس و محافل افترا و بهتان زیاد
زد و حال آنکه ما ابداً تعلق بهیچ روزنامه نداریم و مسلک ما تعلق
بروزنامه ها نیست روزنامه بالنسبه بمقاصد روحانیهٔ الهیه ما
ملعبه صبیانست روزنامه بجهت سیاسیون است نه روحانیان
بعد میانهٔ ثریا و حبل المتین اختلاف آراء حاصل شد از آنوقت تا بحال
صاحب حبل المتین بگمان آنکه صاحب ثریا را تعلقی در افکار سیاسیه
با ما لهذا نسبت باین امر نهایت تحریک و مذمت را مینماید و آنچه
از قلمش جاری میگردد مینگارد اگر چنانچه ممکن باشد که نسبت

هر روز نامه‌ئی از امر منقطع گردد که ابداً مردم بدانند ما را ابداً با روزنامه‌ئی تعلقی نه و در تقاریر تعلقی با فکار ما ندارد بسیار خوب بود کار بجائی رسیده که من هم روزنامه نمی‌خواهم بشنوم از بس که در مشکلات افتاده‌ام و حال آنکه ابداً تعلق باین امور ندارم احبا در هندوستان خواستند روزنامه‌ئی تأسیس نمایند منع نمودم در قفقاز خواستند تأسیس نمایند منع نمودم در ارو پا خواستند تأسیس نمایند منع نمودم در امریکا خواستند تأسیس نمایند منع نمودم ولی در طهران متحیرم زیرا اگر منع نمایم شاید نپذیرند والا حکماً منع ننمودم و ظیفه ما ترویج نور مبین است یعنی آنچه سبب حصول کمالات و فضائل عالم انسانی و راحت و آسایش عالم وجود است بآن تشبث کنیم نه با فکار و اذکاری که بهیچوجه در شرق ثمری ندارد علی الخصوص که ما تعلقی بآن نداریم مارا روش مسلکی دیگر حال نفسی از احبا اگر بخواهد در امور سیاسیه در منزل خویش با محفل دیگران مذاکره‌ئی بکند اوّل بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع نماید و بسیج بداند که تعلق باین امر ندارد خود میداند والا عاقبت سبب مضرت عمومی گردد یعنی

مسلک روحانی ما را بهم زند و احبا را مشغول

باقوالی نماید که سبب تدنّی و حسرت و ندامت آنان

گردد و علیک التحیة والثناء

ع ع مقابله شد

طهران حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله

یا صاحبی السجن هو الله

ای منادی میثاق عبدالبهاء در ارسال اجوبهٔ متتابعه حضرت
ایادی امرالله مقرّ بقصور است ولی هردم معرض هجوم هر تیز
چنگی از وحوش و طیور و دریای بلا بحر مسجور و دائما
مشغول باصلاح مفاسد اهل غرور و همچنین اوراق از جمیع آفاق
متتابع علی الخصوص از خطهٔ امریک که فرصت بترک و تاجیک نمیدهند
و در نهایت تعجیل جواب میطلبند با وجود این چگونه عبدالبهاء از عمق
این دریا سر برارد و لئالی معانی بر جمیع سواحل افشاند مگر آنکه قدرت قدیمه
صد هزار لسان در لسانی و هزاران اقلام در قلمی تعبیه فرماید و ودیعه گذارد
باز گمان نمیرود که کفایت کند زیرا حرارت عطش یاران بیشتر
گردد باری یقین فرما همیشه خواهم که هردم بنگارش نامه پردازم و با شما
گفتگوئی تازه نمایم و سبب سرور قلب آن یار مهربان شوم ولی میسّر
نمیگردد چه چاره کنم

مطالبیکه مرقوم نموده بودید معلوم گردید از پیش نگاشته بودم
که از افتراء مرجفین و سعایت مفترین متأثر و متأسف نشوید حضرت
احدیت ناصر صادقانست و حامی نیکخواهان معین مظلومان است

وهمین بدخواهان عنقریب مفسدان بیخردان رسوای عالم گردند و
ذلیل وحقیر درنظر امم شوند ومخذول ومنکوب اهل عالم الحمدلله
حقیقت عیان شد وسرّ پنهان اهل طغیان آشکار گشت امیر
وفقیر آگاه شدند ووضیع وشریف انتباه یافتند که منشاء
فساد اهل عناد ومخرّب بنیان اماهائیان الحمدلله خیرخواه
وبری وبیزار ازاین کذب وبهتان اینست موهبت یزدان
ونصرت رحمن باری اینقدر بدانید که اعلیحضرت شهریار
مهربان است ومقصدی جز راحت زیردستان ندارد دولی
بیخردان مهلت ندهند وبفراغت نمیگذارند هرروز ولوله
اندازند وفتنه آغاز کنند حکومت را مشغول بامور عادیه نمایند
واز مهام امور ممنوع کنند حال وقت آن است که جمیع عباد
بکمال صداقت وامانت واطاعت بکوشند تا نهایت راحت
وآسایش در مرکز سلطنت حاصل گردد واولیای امور بتمشیت امور
داخله وملاحظات وروابط خارجه وتأسیس قوانین سعادت بشریه
وتعدیل معاملات مرعیه وتحکیم قواعد قانونیه وترتیب وراثت
ملّیه وترویج فوائد علمیّه وصیانت وتأمین استقبال پردازند
ولی واأسفا که بیهوشان سبب تشویش خاطرند وتخدیش

اذهان ما دعا نیمائیم که خداوند بهوشانرا هوشیار فرماید
و از خواب بیدار کند تا بآنچه الیوم سبب بزرگواری ایرانست
نشئت نمایند و کوکب عزت ابدیه از افق ملکه جم بر جمیع
آفاق جهان بتابد و اریکهٔ اعلیحضرت شاه مظفر باذل سریر
حکومت نوشیروان عادل گردد و ستارهٔ دولت و حشمت
و عظمت سابق دوباره طلوع نماید و سطوع کند و علیک
التحیه و الثناء ع ع مقابل شد

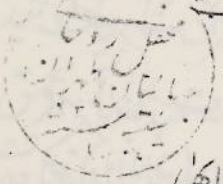

طهران جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

جناب حاجی امین

هوالله

ای منادی پیمان نامهٔ که در خصوص دو نفس محترم و خلاصی آنان
مرقوم نموده بودید رسید نهایت سرور حاصل گردید و
فی الحقیقه دو شخص محترم نهایت همت در این خصوص فرمودند و عنقریب
مکافات الهیه را مشهوداً ملاحظه خواهند نمود ایران در باطن
مضطرب است سکون ندارد و عنقریب این قضیه ثابت گردد
ولی ان دو شخص محترم تأیید خواهند یافت ولی شرط اینست
که با یکدیگر در نهایت محبت و الفت باشند ولی اگر کلفت

درمیان آید یقین بدان که اسباب پریشانی مهیا گردد و تهمتها
بمیان اید و افترا ها زده شود وحال از اسکندریه این نامه مرقوم میشود
زیرا آن نوبهٔ عصبی که میدانید در این ایام شدت نمود بقسمیکه
از تقریر و تحریر باز ماندم وچون ملاحظه شد که هوای عکا وحیفا هیچ وجه
موافق نه محض انکه از خدمت آستان مقدس باز نمانم و تحریر و تقریر
ممکن باشد لهذا چندی با نیصفحات آمدم الحمد لله از الطاف جمال
مبارک تغییر هوا بسیار مفید افتاد اما قضیهٔ جناب آقا
عزیز الله خان وحضرت شخص محترم در انخصوص توصیهٔ
محکم مرقوم گردید وارسال شد و باز نیز مرقوم میشود یقین بدانید
که ابداً کوتاهی نخواهد شد انورقه فوق العاده بنجف اضغاث
احلام است جمیع خلق میدانند که منشاء این بنیان ظلم و طغیان
معاندین آن میرزا یحیی وبعضی هزله و رزله است جوابی مرقوم
شد وارسال گردید که طبع شود وانتشار داده شود شما آن را بعضی
از بغیر ضان از اهل مجلس بنمائید ولی نسخه ندهید وبگوئید
که مرقوم این ارجیف وافترا حاجی میرزا یحیی که عضو منتخب کرمانست
و داماد میرزا یحیی ازل است ومدعی وصایت میرزا یحیی است
چون گمان میکند که اگر بنیان بهائیان برافتد یحیائیها

میدان کیرند لهذا باین مفتریات میکوشند باری شما از لیهارا
بمردم بشناسانید و بگوئید اینها که فریاد مینمایند که بهائیان
چنین و چنانند مقصودشان از این افترا حمایت مذهب شیعه
نیست بلکه مرادشان آنست که بهائیانرا منصوب و منفور
جمیع طوائف کنند و خود را عزیز جلوه نمایند بمردم بفهمانید
شما که صدر العلماء از رفقای اوست و یحیائی و پسر صدر العلما
یحیائی قح است این سکوت شما باسبب جسارت آنها
گشته این مسئله بنحو یحیائیها ترتیب دادند شما بمردم
بفهمانید و این نامه ضد احرار ابرار از لسان من
آنها نوشتند مردم خبر ندارند و علیک البهاء الابهی ع ع

مقابله شد



طهران حضرت ایادی امر الله علیه بهاء الله الابهی

هو الله

یا صاحبی السجن

ای منادی میثاق دو نامه یکدفعه وارد و مشروحات
بدقت ملاحظه گردید با وجود کثرت شواغل و تحلیل قوی و جسم
ضعیف نحیف محض محبت بشما بجواب جمیع مسائل پردازم

Provided by the Afnan Library

وتفصیل دهم مکتوبی بجناب آقا سید نصرالله بوساطت حضرت
حیدر قبل علی تازه مرقوم شده بود نامه‌ئی بمضمون رحمانی تحریر
یافت ودر جوفست نامه‌ئی باسم الله الموقن ورقه مطمئنه
والده مرقوم گشت نامه‌ئی به آقا محمد حسن سبزواری محرر گردید
مکتوبی بحضرت مسعود وجناب بصیر وبرادران مرقوم شد
وخطی بمشهدی رضا ومشهدی مصطفی ترقیم گردید وسطری چند
بغلام معلم جابسی نگاشته گشت وجمیع در طی این مکتوبست
درخصوص مکتوبیکه بواسطهٔ آقا میرزا طراز ارسال انضمامات شد
مرقوم نموده بودید تنسیخ آن دراین ایام موافق حکمت نه نفس
مضمونرا برای طالبان بیان کنید وبجسب دستور العمل عهد
ومیثاق محبت وثبات واستقامت را باایشان بنمایند
وچون آقا میرزا طراز مراجعت نماید مکتوبرا ازبرای طالبان بخواند
تأسیس اعانت خیریه بجهت تربیت اطفال ومعاش معلمین ومتعلمین ازاهل محفل تدریس
تبلیغ وهم چنین ارسال مبلغین باطراف بسیار موافق باید اعضای محفل
تأسیس نهایت همت را مجری دارند وبجان ودل بکوشند
تادر کمال اتقان این محفل تأسیس گردد درخصوص مسئلهٔ معهوده جناب

شوکت علیه بهاء الله باید نهایت همّت و مواظبت را مجری دارند
هر وقت که مناسب افتد در نزد سفیر شرح و تفصیل دهند و آنچه
جمال مبارک روحی لاحبّائه الفداء در اطاعت ملوک و صداقت
و خیرخواهی بسیر تاجداران علی الخصوص ادعیّه خیریّه که در حق اعلیحضرت
سلطان و اعلیحضرت پادشاه ایران فرموده اند بیان کنند
تا در نزد اولیای امور حقیقت حال واضح و آشکار و مشهود گردد زیرا
دشمنان آشنا و بیگانه با فترا و بهتان بی پایان قیام نموده اند
و خواهند نمود تا بکلّی حقیقت حال را مشتبه نمایند اقلاً حضرت
سفیر باید که بنای امر بر چه منوال است در خصوص تشکیل هیئت عدل
منتظر وقت مساعد باشید. بهمان قسم که از پیش مرقوم شد در نهایت
حکمت و سکون و تأنّی شیئاً فشیئاً مجری دارید تا مبادا این
مسئله سبب وحشت قلوب گردد و حقیقت حال گرانداشته
و گمان اجتماع کنند و مفسدین تحریک پردازند و فساد کلّی
پیش آید خیلی احتیاط دارد بسیار باید ملاحظه نمود زیرا اعدا
در کمینند امنیت که اینعبد بکرات و مرّات تأکید نموده که بیش از
ده نفر در محلّی احیاناً اجتماع ننمایند دیگر معلوم است که تشکیل هیئت
العدل محفل روحانی چه قدر مشکل است زنهار زنهار نوعی ننمائید
که سبب اوهام شود و بیش از این تأکید نتوان نمود و علیک التحیّة و الثناء ع
مقابله شد

طهران حضرت ابن ابهر علیه بهآء الله الابهی

یا صاحبی السجن هو الله

ای ثابت بر پیمان در خصوص معلم مرقوم نموده بودید همان قسم
که مجری داشتید همان موافق و اما جنابان آقا مهدی و آقا
میرزا حبیب الله که بتبلیغ باطراف رفته اند الحمد لله مؤید و موفق
گردیدند الیوم هر نفسی منجذباً بنفحات الله سفر باطراف نماید
و در نهایت خلوص و انقطاع بتبلیغ مشغول شود البته تأییدات
ملکوت الله برسد و موفقیت عظمی حاصل گردد اما شرط اینست
که مانند حواریین مسیح سلوک نمایند که میفرماید از هر شهر که بیرون
آئید نعلین خویش را بتکانید که تا غبار آنشهر نیز زائل گردد
چون چنین شود بسیار مفید گردد در خصوص شرکت خیریه مرقوم
نموده بودید این شرکت خیریه را باید محافظت و صیانت نمود و در
انتظام تام کوشید و هم چنین مدرسه را باید نهایت اهمیت داد
اما مبلغان که بتبلیغ میروند باید در نهایت محویت و فنا سفر کنند
تا نفس در نفوس تأثیر نماید اگر براحت و رخا و وسعت و صفا حرکت
کنند ابداً تأثیر ننماید و بکرات تجربه گردیده البته

در عمل مدرسه

در عمل مدرسه بکوشید که بسیار اهمیت دارد و نفوس مبلغه باید
متوکلاً علی الله منقطعاً عما سواه منجذباً بنفحاته متوکلاً علیه
مانند جناب آقا میرزا علی اکبر و آقا میرزا طراز الله سفر نمایند از
اعانه باز ماندگان شهدای نیریز بسیار مسرور شدیم و در خصوص
کتاب استدلالیهٔ حضرت صدر الصدور و جمع و ترتیب آن
مرقوم نموده بودید نهایت مسرت حاصل شد آن کتاب را
ببقعهٔ مبارکه بفرستید تا بعد طبع و نشر شود اما در خصوص
طلب مغفرت بجهت متعارج الی الله آقا علی عسکر که حضرت
علی قبل اکبر علیه بهاء الله خواهش نموده بودند از پیش مرقوم شد و ارسال
گردید اگر نرسیده است دوباره ارسال شود و هم چنین اذن
حضور عزیز الله خان خیاط از پیش مرقوم شد بحضرت ثمره علیها بهاء الله
الابهی تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید امة الله المطمئنه ورقهٔ منجذبه والدهٔ باهره را
از قبل من نهایت مهربانی مجری دارید و علیک البهاء الابهی ع ع

مقابله شد

یزد حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی
یا حبی السجن هو الله

دو طغرا مکتوب آنجناب دارد ولی هیچیک تاریخ نداشت مکتوب

اوّل حکایت جناب استاد آقای صبّاغ بود بایشان وامة الله صبیّه
شان مکتوبی مخصوص مرقوم گشت درجوف است اما قضیّه آن مبلغ
از پیش یعنی دو ماه قبل از ظهران استفسار نموده بودند که چه کنند جواب
مرقوم شد که بجهت بنای مقدّس درحیفا که در این ایّام بنهایت
عسرت میشود ارسال دارند واگر شما از پیش مرقوم نموده بودید تقسیم میشد قسمی
بجهة بنای مقدّس وقسمی بجهت مشرق الاذکار تخصیص میگشت
ولکن حال گذشت واما مکتوب ثانی قضیّه محافل تعلیم ومجالس درس
تبلیغ ذکور او اناثاً بسیار موافق درغرب اکثر رجال ونساء مؤمنین
ومؤمنات بتدریس وتدرّس بلکه بتألیف مشغول حتّی تا بحال
از پنجاه بیشتر استدلالیّه در اثبات امر الله حضرات ورقات نوشته اند
وطبع نموده انتشار داده اند احبّای ایران ومؤمنات آن اقلیم مبارک
حضرت یزدان البتّه باید از اقالیم دیگر سبقت جویند و برتری
خواهند واین منوط بتشکیل مجامع تعلیم ومحافل درس تبلیغ است
اسماء یاران الهی احبّای قصر واحبّای مازکان واحبّای جاسب
وسائر جهات نظر بدفتری که مرقوم نموده بودید بهر محلّی مدّتی قلیله پیش مکتوب
مفصلی مرقوم شد وارسال گشت وقضیّه تنفیر از دخان بسیار بجا
بود اگر این تعمّم یابد بسیار مناسب است ولی بنوع تحریص
وتشویق بر ترک اما قضیّه مشرق الاذکار در کلّ اقطار
بسیار مهمّست این مسئله را خیلی اهمیّت بدهید که مغناطیس

تأییدات و توفیقات آلهیه است الیوم این دو قضیه یکی تأسیس
مشرق الأذکار و دیگری ترتیب محافل تبلیغ و تدریس در حجت و براهین
آلهی مهمست بر هر یک از احبای آلهی فرض و واجب که [illegible] و دل در این
قضیه بکوشد در خصوص نزول رحمت پروردگار و فیض امطار بدرگاه
حضرت پروردگار تضرع و زاری شده و خواهد شد انشاء الله فیض و برکت
آسمانی شامل خواهد گشت و خدا شما را در این تعهد معاونت خواهد فرمود
و اما در خصوص مال الوصیه مرحوم آقا ابوالقاسم قمصری علیه بهاء الله الأبهی
که تقسیم بین یاران نموده اید نظر بعسرت ایشان مقبول واقع گشت
و قبض وصول در جوفست ع ع مقابله شد



بمبای حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی
یا صاحبی السجن
هو الله
ای منادی میثاق نامه ئیکه بتاریخ ۲۰ جمادی الأول مرقوم نموده
بودی واصل گردید مضمون مطابق حقیقت واقع آن شخصی که
کتاب اقدس را بدون اذن و اجازه اعلیحضرت شهریاری طبع
نموده فی الحقیقه مخالفت با حق کرده بعضی نفوس اوامر قطعیه الهیه را
بهوای نفسانی اهمیت ندهند و مخالفت را در بعضی موارد نظر بمصلحت
و حکمت جائز دانند و این از ضعف ایمان و عدم اعتقاد و قلت

ثبات وتذبذب حاصل گردد امر قطعی الهی امنیت که باید اطاعت
حکومت نمود این هیچ تأویل برنمیدارد و تفسیر نمیخواهد
از جملهٔ اطاعت امنیت کلمهٔ بدون اذن و اجازهٔ حکومت
نباید طبع کرد والسّلام ومن خالف ذلک خالف امر الله
وانکر آیاته وجاحد بنفسه واستکبر علیه واستحسن رأیه السّقیم وترک
نصًّا قاطعًا من ربّه المنتقم الشّدید در این خصوص مکتوبی مخصوص
بطهران مرقوم خواهد گردید درخصوص طبع مکاتیب ناصحانهٔ
این عبد مرقوم نموده بودید اگر مکاتیب عمومیّه جمع شود وبخطّ
خوشی مرقوم گردد وطبع شود فی الحقیقه مفید است ودر این خصوص
نیز بایران مرقوم خواهد شد وانجناب در هندوستان الحمد لله
بکمال همّت بنشر نفحات الهیّه پرداختید وزحمت شدیده
تحمّل نمودید والحمد لله موفّق شدید ونفوس را بهدایت کردید
حال چون حضرات طهران واطفال بی تابی مینمایند
ونهایت اشتیاق اظهار میکنند اگر مراجعت فرمائید سبب فرح
وسرور جمعی گردد وعلیک البهاء الأبهی

ع ع مقابله شد

هو الله

خط مبارک

تبریز حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

یا خادم الابهی آنچه بجناب میرزا اسدالله مرقوم نموده بودید معلوم گردید

حمد حضرت احدیت را که در نشر روائح حیات و بث آیات بینات

ایام را میگذرانید همه اهل مسجد و صومعه پی ورد صبح و دعای شب

من و ذکر طره و طلعتت و من الغداة الی العشاء شکر کن جمال قدیم را

که موفق باین خدمت گشتی و مؤید باین موهبت عظمی که جمیع

اوقات را در سبیل حضرت دوست وقف نمودی نه آسایشی جوئی

نه آرایشی نه راحتی و نه عزتی نه سکونی و نه سروری نه نعمتی و نه وسعتی

سرگشته دشت و صحرا گشتی و آواره کوه و گمگشته دریا گاه در عشق

آباد نرد عشق باختی و گهی در قفقاز با اهل راز دمساز شدی گهی در طهران

اسیر زندان شدی و گهی در آذربایجان آذربیجان هر مشتاقی

انداختی حال توکل بحضرت احدیت نما و چون شعله آتش

بخرمن تزلزل و اضطراب زن خفتگان را بیدار کن و

غافلان را هشیار کوران را بقوت اسم اعظم بینا کن و کران را

شنوا جمال مبارک روحی و ذاتی و کینونتی لاحبائه الفداء ما را

بجهت عبودیّت آستان مقدّسش ترتیب فرمود تا در روی
زمین در خدمت امرش هر یک علم مبین کردیم و در افق
انقطاع نجمی منیر سر در بیابان عشق نهیم و از هر تعلّقی برهیم
مشام را از شمیم حدائق ملکوت ابهی معطّر نمائیم و لسان را بذکر و
ثنائش بیارائیم جز او نجوئیم و غیر از او نطلبیم هستی خویش فراموش
کنیم بتمامه گرفتار او گردیم آنی نیاسائیم و دمی آرام نگیریم
گهی سر بصحرا نهیم گهی در انجمن چون شمع برافروزیم گهی اسیر
زنجیر شویم و گهی ندیم هر خطر عظیم یومی در زندان حشمت
ایوان جوئیم و روزی ذلّت کبری را عزّت عظمی دانیم ع ع

مقابله شد

خط مبارک

هو الله

تبریز جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله

الله ابهی الهی تری عبدک الأبهر ورقک الأصغر
قد تحمّل کلّ مشاق فی سبیلک و کلّ تعب فی محبّتک و قاسا کلّ
مصیبة فی امرک ابتلی بالغربة والکربة و وقع فی کلّ مخمصة

وغمّه واودع فی سجن الظّلمه وتسلسل فی الاغلال وابتلی بالکبول والوثیق
اشدّ وقعه وبام فی بهماء التّعب والآلام وهو مع ذلک
لم یفتر فی اعلاء کلمتک ونشر نفحات قدسک بین الامم
ایرب ایّده علی ذکرک وتثبیت الاقدام علی عهدک ومیثاقک
انّک انت الکریم الرّحیم العطوف ع ع

محرمانه

فی الحقیقه حکومت حاضره ایران در خصوص احبّای حسن بهجوجه
قصور ندارد وبقدر امکان صیانت ومحافظه مینمایند
ولی چون هجوم عام گردد کار مشکل شود وحکومت عاجز ماند
لهذا باید نهایت حکمت را مجری داشت که فزع عام حاصل
نشود مثلاً مجالس با صد نفر ترتیب اگر بشود مردم بشور
آیند ومحذورات کلّیه حاصل گردد اجتماع در محفلی
بیش از نه ویا نوزده جائز نه ودر جمیع اجتماعات اگر مجلس
صحبت والفت باشد باید نبذه از محامد اولیاء امور ودر حمیت
پاشا ذکر گردد واگر مجالس تذکّر وتبتّل باشد البتّه در نهایت
باید دعای خیری نمود چه که حقوق صیانت وحمایت دارند اگر

حکومت نباشد دقیقهٔ آسایش بجهت عباد میسّر نگردد
و هیچ آفریده در ظلّ جبال آرام نیابد
دیگر انکه از نفوس متزلزله باید احتراز نمود نه تعرّض یعنی
معاشرت آن نفوس چون تقرّب بجمر ملتهب است
اگر سبب سستی نگردد بروز و تشان یقین تأثیر مینماید
سکون شعلهٔ نار محبّت الله میگردد چون با بلبلان گلشن
آلهی الفت جوئی نغمات بدیع استماع نمائی و بوجد و طرب
آئی و چون با زاغان جفا مجالست کنی نعیب و نعیق شنوی
و کسالت و رخاوت حاصل نمائی دلی تعرّض بکسی و تهتک
جائز نه باید بقدر امکان صبر و تحمّل نمود لعلّ الله
یحدث بعد ذلک امرا بسیار نفوس بودند که در اوّل
تزلزل یافتند حال ملتفت غرض اهل فتور شده اند در نهایت
ثبوت و رسوخند و چون جبال راسخ ثابت
جناب ملّا ولی الله علیه بهاء در سفر قفقاز بسیار زحمت کشیدند
و حال پیر شده اند و مشقّت دیده اند البتّه آنچه سبب آسایش
حال ایشانست و صلاح بدانند مجری دارند در راحت و فرح و روح و ریحان ایشان بسیار
اهتمام نمائید ع ع مقابله شد

رنگون بواسطهٔ جناب آقا سیّد مهدی

حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر علیه بهاءالله الابهی

یا صاحبی السّجن هوالله

ای بندهٔ صادق جمال مبارک و مبشّر میثاق و منادی حق
در آن اطراف الحمد لله در این سفر با مستر هریس و مستر اوبر
و جناب میرزا محمود موفّق بر اعلاء کلمة الله گردیدید حضرات را
از قبل من تحیّت مشتاقانه برسان و باید در هر دمی صد هزار
شکرانه نمایند که چنین تاجی بر سر نهادند و چنین حمائلی بر هیکل
انداختند و چنین نشان درخشنده ئی بر سینه گذاشتند که پرتو نورانیش
بر قرون و اعصار بتابد مکتوبیکه بجناب منشادی مرقوم نموده
بودید مطالعه گردید و هم چنین نامهٔ مخصوص که بمن مرقوم نموده
بودید و تفاصیل طرق و تار در آن مذکور و هم چنین تفاصیل همدان
جمیع سبب سرور و حبور گردید فی الحقیقه در آن صفحات رایات
آیات بلند است و احبّای الهی منجذب و هوشمند بخدمات
عظیمه مشغولند و بتأییدات ملکوت ابهی همدم و مألوف
ربّ ایّد هؤلاء علی اعلاء کلمتک بین الوری و نشر نفحات
ریاض قدسک فی کلّ الانحاء و اعلاء ذکرک علی الغبراء حتّی
یرتفع ضجیج التهلیل و التکبیر الی الملاء الاعلی انّک انت

المقتدر علی ما تشآء وانک انت القوی القدیر یک ثوب
جبه ملبوسی خود را بجهت حضرت بیضآء بواسطهٔ حاجی سیاح
فرستادم ومکاتیبی را که فرستاده بودید انشآء الله جواب
مرقوم میشود ورآسانز حضرت علی قبل اکبر ارسال میگردد
وعلیک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

طهران حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر علیه بهآء الله الابهی
صیاحی السجن

هوالله

ای منادی حق نامهٔ ثانی بتاریخ ۲۶ ذیقعده ۳۲ ملاحظه
شد درخصوص ارسال معلم باسکندرونه مرقوم نموده بودید
اگر چنانچه احبای اسکندرون مصمم برانند ودوباره طلب
نمایند معلمی ثابت وراسخ ودانا ومناسب ارسال نمائید
از اعلام مرفوعهٔ حریت واخوت وعدالت ومساوات درمدینهٔ
عظیمه مرقوم نموده بودید هرچند آزادی آرزوی آزادگانست
ولی مانند آنکه نگاشتید باین وسائل جزئیه مقاصد
کلیه انجام نیابد امآ علم ملاء اعلی که در اوج ملکوت ابهی موج میزند
هر مشکل آسان نماید وهر مقصدی حصول یابد ولی

افسوس که آن علم مبین را اهل ایران منکوس خواهند اما عاقبت
عجز و ضعف خویش محسوس ببینند از الطاف حضرت یزدان
امیدواریم که رایت وحدت عالم انسانی چنان مرتفع گردد که
پرچم تقدیسش بر شرق و غرب موج زند یاران الهی را که ستایش
زاید الوصف نمودی و از برای هر یک طلب نوازش و
نگارش فرمودی و در تربت مبارکه تائیدات ربانیه خواستی
عبدالبهاء در نهایت تضرع و وفا در آستان مقدس دعا نمود و
هر یک را توفیقات الهیه طلب کرد تا بنصایح و وصایای
جمال ابهی روحی لاحبائه الفداء قیام نمایند جوهر تقدیس
شوند و حقیقت تنزیه گردند و بجهان تجرید درایند و باعمال
و افعالی مبعوث شوند که سبب تنبه دیگران گردد و علت
تقرب آستان یزدان شود الیوم اهل بها نفوسی هستند که باخلاق
و اطوار و رفتار ملاء اعلی مشهور آفاق گردند زیرا در مواضع
متعدده این قضیه را بنص صریح میفرماید که در این
دور بدیع بهائی آنست که مانند شمع
برافروزد و بر شرق و غرب
پرتو تقدیس و تنزیه اندازد و الا اسمی است بی مسمی و لفظی است بی معنی و علیک البهاء الابهی
ع ع مقابله شد

Provided by the Afnan Library

هو الله

حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن

هو الله

ای منادی میثاق مکتوبیکه بجناب آقا سید تقی مرقوم نموده بودید
ملاحظه کردید از خبر ترویج دین الله و انتشار کلمة الله و اعلاء
امرالله نهایت سرور و تسلّی بجهت قلب عبدالبهاء حاصل
کردید زیرا از برای این عبد نه سروری نه حبوری نه فرحی نه خوشی
نه شادمانی نه کامرانی مگر انتشار نفحات قدس در آفاق رحمانی
اینست تسلّی قلب عبدالبهاء اینست سرور روح عبدالبهاء
هذا غایتی القصوی و هذا جنّتی المأوی و هذا مسجدی الاقصی
و هذا سدرتی المنتهی امیدوارم که هر یک از احبّای الهی
باین موهبت کبری موفّق و مؤیّد گردد
در خصوص مشرق الاذکار در مدینهٔ قم مرقوم نموده بودید مشرق
الاذکار در آن اقطار الیوم از اعظم تأسیسات حضرت پروردگار
است مکتوبی بجناب مشهدی عبدالرزّاق مرقوم شد
در طیّ این مکتوبست ملاحظه خواهید فرمود ولی در جمیع
اطراف و اکناف در مدن و قری تأکید شدید نمائید که نوعی ننمایند که

مخالف حکمت باشد وسبب جزع وفزع اهل غفلت گردد
حضرت فرع جلیل سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی افنان را
بعشق آباد فرستادیم تا در انجا بفضل وعنایت جمال ابهی ورود حا
حضرت اعلی تاسیس مشرق الاذکار نمایند آوازه وصیت
این مشرق الاذکار بجمیع اطراف خواهد رسید وتأثیر عجیبی خواهد داشت زیرا
ملت غافله ایران بارود سادگی بکمال قوت شصت سال مقاومت
نمودند تا آن کوکب دری درخشنده افل گردد حال ملاحظه کنند که
از مطلع آفاق ممالک خارجه باشد طلوع اشراق نموده وبنیان
مشرق الاذکار بلند گشته وآهنگش در جبکاه بلاء اعلی میرسد
امینست منطوق آیهٔ مبارکه که میفرماید وینصر الی آخر الآیه وعلیک
التحیة والثناء ع ع مقابله شد

طهران حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن هوالله

ای یار مهربان نامهٔ سلخ شهر ربیع الأول سنه ۳۲۷ وصول یافت
و بر مضمون اطلاع حاصل شد ازعدم فرصت مختصر مرقوم
میشود زیرا نامه های مفصل از پیش ارسال گردید درخصوص
نیریز آنچه باید وشاید مرقوم گردید نسخه ای از بعضی نامه ها ارسال

Provided by the Afnan Library

بطهران میشود اطّلاع خواهید یافت در خصوص بعضی ترتیبها
وارسال بعضی باطراف مرقوم نموده بودید بسیار موافق و امّا
قضیّهٔ بدخواهان که یاران را بهواخواهی دولت نسبت میدهند
حقیقت حال یقین است که واضح و آشکار گردد و نامهٔ که بجناب
حاجی میرزا عبدالله صحیح فروش در این پست ارسال میگردد
ملاحظه نمائید ما را بهیچ طرفی تعلّقی نه نه طرفدار دولت قاهره ایم
نه هم افکار ملّت باهره از جمیع نزاعها در کناریم و خیرخواه عموم و تضرّع
و دعا بدرگاه خدا کنیم که این دو عنصر محترم را بایکدیگر آمیزش دهد
بقسمیکه عنصر واحد گردند و سبب عزّت و ترقّی و بزرگواری دولت
و ملّت شوند الحمد لله بفضل حق با جمیع فرق عالم بصلح و آشتی کوشیم
و محبّت و دوستی نمائیم و خیرخواهی و راستی طلبیم و در این سبیل جانفشانی نمائیم
و امّا مسئلهٔ ئیکه تعلّق بخود شما دارد آنچه ممکن انشاء الله قصور نگردد
جمیع یارانرا تحیّت مشتاقانه برسانید و علیکم البهاء الأبهی ع ع
مقابله شد

طهران

یا صاحبی السّجن حضرت ایادی جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی
هو الله
ای منادی پیمان دو عدد نامهٔ آنجناب در یک آن ملاحظه گردید

یکی سبب حزن و حسرت بی پایان شد زیرا خبر عروج یار باوفا
معدن صدق و صفا ثابت میثاق مفتون دلبر آفاق جناب
میرزا عبدالله داشت از اینجهت نهایت احتراق از این فراق
حاصل گردید و مناجات مفصلی بدرگاه احدیت شد و طلب
مغفرت و علو درجات گردید و ارسال طهران شد و اما از نامه
ثانی که ناطق بسفر جناب اخوان صفا بسمت یزد و نواحی آنشهر
بود نهایت سرور حاصل گردید و همچنین از حرکت آقا سید
جلال بسمت لاهیجان در معیت جناب باقراف از الطاف
بی پایان امیدوارم که موفق بر نشر نفحات الله گردند و همچنین
از سفر جناب آقا میرزا حاجی آقای سنگسری و از بشارت ترویج
تبلیغ و قیام احبا بر خدمات نهایت مسرت حاصل گردید الیوم یاران
باید وقت را غنیمت شمرند و بتمام قوت بهدایت
من علی الأرض قیام کنند زیرا تبلیغ مغناطیس هدایت است
هر نفسی تبلیغ پردازد جنود ملاء اعلی نصرت
نماید و هذا امر محتوم و علیک
البهاء الأبهی
ع ع مقابله شد

طهران

جناب ایادی حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای منادی پیمان نامه های سابق جواب ارسال گردید و از برای
نفوسیکه خواهش نگارش نامه نموده بودید آن نیز تحریر یافت
و ارسال گردید حال مکتوبیکه بجناب منشادی مرقوم نموده
بودید نزد من فرستاد جواب آن مرقوم میشود مژده
عدالت پادشاهی داشت که منع از انتشار اوراق جدال نمودند
این خبر نهایت روح و ریحان بخشید سزاوار شهریاران
داد پرور چنین است

بدو کنیز عزیز الهی صبایای حضرت رضی الروح مکاتیب تحریر
یافت در طی این مکتوب است اوراق استدلالیه
مطبوعه تألیف دوستان امریک را نوشتیم که یکسر بطهران
بفرستند در خصوص جناب بینش و جناب آقا محمد علی
آبادهٔ مرقوم نموده بودید فی الحقیقه خوب صنعتی پیش گرفته اند
سبب انتشار نفحات قدس شوند حال اگر دوری در ولایات ایران زنند

اعظم
۱۰۲۱

این عظیم خدمتست و بعد قصد زیارت کنند بهتر است دیگر در خصوصیکه
مرقوم نموده بودید که عاقبت سبب اختلاف خواهد شد
در مکاتیب متعدده مرقوم گردید وعلیک التحیة والثناء

مقابله شد

هوالابهی

تبریز حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

الله ابهی

یا من اراد خره الله لحظ المیثاق بانک بانک میثاق است
ونور شعلهٔ اشراق شمع روشن است ومحامد وستایش جمال
قدم شاهد هر انجمن ندای الست بلی بلند است وپیمان الهی در آن
بزم از دست بدست انوار حقیقت چون مه تابان
واسرار ربوبیت مکشوف در انجمن جمن شمس میثاق در افق
اشراق ونیز پیمان پرتو بخش بر آفاق امکان اگر خفاشی طیور
پرتو خاور را انکار نمایند ویا خود ضعف بصر خویش را آشکار
نمایند ضرری ندارد عنقریب شمس میثاق بتمامی اشراق نماید که
این طیور بجحرهٔ خمول روند واین ضعفا در پس پردهٔ اختفا بمانند
ولا تسمع لهم صوتاً ولا ذکراً ملاحظه فرمائید که میثاق باین عظمت

میشود که بی طوفان باشد استغفرالله شاملاحظه فرمائید
کلمه اللهم وال من والاه ازسان منظهر نفس رحمن درکور فرقان چه طوفان
داشت حال میشود که عهد و میثاق الهیرا اهل تزلزل و شقاق
حاصل نکرد و جمیع فریاد از صمیم فؤاد برآرند آمنا وصدقنا
در قرآن حضرت رسول روحی له الفداء میفرماید ماکنت بدعا من الرسل
باری عاقبت امور را باید ملاحظه کرد حضرت روح
روحی له الفدا با آن عظمت ابن اللهی و قوت مسیحانی
و نفس اسم اعظمی یازده نفر از مؤمنین بتوراة اذعان
نمودند این عبد باضعف و ناتوانی و وحدت
و تنهائی و عجز دانکسار ظاهری و باطنی حال مبلغی
بر عهد و پیمان باقی باید شکر الهی کرد ولی عاقبت را
ملاحظه کن که نفوسیکه در ظل حق بودند هر چند در بدایت مخمور
شدند ولی در نهایت چون علم مبین سر برآوردند و چون کوکب
منیر از افق اثیر اشراق کردند ع ع
یا من استبشر و بشر ببشارات الله قم و نادبا علی الندآء من فی الابداع
حتی تسمع الصم لندآء من اهل ناسوت الادنی الی افق ملکوت
الاعلی حیّ علی المیثاق حیّ علی الوفاق حیّ علی الاشراق

حیّ علی الانوار الساطعة فی اشرف نقطة من الآفاق تالله الحق انّ سطوة
العهد ورجفة المیثاق قد اخذت من فی الآفاق والمستضعفون فی
خوضهم یلعبون ویتحیّرون ویضطربون ویستکبرون ویبکون
وینوحون والثابتون یستبشرون بفضل ربّهم ویفرحون ویطربون و
ویخضعون ویخشعون ویحمدون ویشکرون علی هذه الموهبة التی توقد
وتضیئ کالسّراج فی زجاج الأمکان والرّحمة التی احاطت الاکوان
والسّطوة التی خشعت وخضعت لها الرّقاب والأعناق وانّک انت
یا منادی المیثاق لا تبتئس بما کانوا یتوهمون دع الضعفاء فی وهاد الجهلاء
واسمع الحدیث عصبة خلقت من عناصر القوّة والاقتدار وذوّتت
من معادن العظمة والجلال فانّهم نصرائک فی الأمر ورفقائک
فی الحبّ وقرنائک فی البلاء وجلسائک فی المحنة الکبری وخلصائک
فی الوفاء یسمعون قولک وینتبهون لبیانک ویستیقظون من رقد
الاضطراب ویتخلّصون من زلّة الزلزال اولئک امناء الله العزیز
المنّان علیهم صلوات من ربّهم ورحمة واولئک هم المفلحون
والبهاء علیک وعلی کلّ ثابت شکور

ای بنده بهاء الله در آذربایجان بقراء وقصبات چون نسیم روح
عبور ومرور نمائید ودر هر جا مناسب دیدید عدد اسم اعظم نفوس را معیّن نمائید
که بتعاون یکدیگر نشر نفحات الله نمایند وحفظ میثاق الله ومحافظه وصیانت

احبّاء الله وچون این ایّام یوم رنج عظیمست وهمچنین خسران مبین باید در هر مملکت نفوسی باشند که هادی سُبل و مروّج دین الله منادی میثاق الله باشند ع ع

هوالله

طهران حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

هُوَ الأبهی

ای منادی میثاق مکتوب اخیر شما ملاحظه گردید در خصوص سفر یزد بسیار موافق ولی بحکمت حرکت نمائید وبا حضرات علما طرف نشوید البتّه سبب ضوضاء عظیم خواهد شد وازاین گذشته بین الطّرفین فصل قطعی حاصل خواهد شد وامر تبلیغ مختل خواهد گشت لهذا حکمت لازم وآن اینست که با جناب میرزا سید علی خلوت ملاقات نمائید وابدًا با او طرف شدن ودر مجمع ملاقات نمودن جائز نه وتنها مدارا وملایمت صحبت نمائید وبشخص معلوم نیز بگوئید که مجادله ومباحثه جهارًا حال مصلحت وحکمت نه وفتنه خواهد آمد لهذا در خلوت ملاقات مینمائیم وشبهات ایشانرا ازاله مینمائیم وهم چنین بجمیع احبّا تنبیهات قویه نمائید که پرده دری ننمایند وبحکمت حرکت کنند

تا اسباب معاشرت و الفت باشد و سبب نشر نفحات الله
گردد و الّا بکلّی فصل واقع خواهد شد لهذا قدری مدارا و تقیه لازم و واجب
تا رشته الفت بکلّی منقطع نگردد ع ع

خط مبارک

در یزد اهل بغضا و کین در کمینند و مقصودشان هجومست حال چون
حکومت عادله موجود مقصودشان این که نوعی نمایند بغتة
هجوم عمومی شود که حکومت چاره نتواند حتّی عونهٔ آقا سیّد علی را
نیز مقصد سرّی اینست لهذا شما بشخص محترم ملاقات
نمائید و عذر موجّه را بیان نمائید و بگوئید که حضرات مقصدشان
تحرّی حقیقت نیست و اجتماع باین نوع سبب ازدیاد لجاج و
ظهور شرارهٔ فساد است زیرا سلامی
جز این ندارند مقابله شد

یا صاحبی السّجن

هو الله

یا من جعله الله من ایادی امره مکاتیب متعدّده از آنجناب واصل و
هیچیک را جواب نوشتن ممکن نشد و سبب ضعف مزاج
و وجود اسقام و امراض و آلام بود ولی این عبد بهیچوجه اظهار نمینمود
بلکه صبور و کتوم و راضی در جمیع شئون بود و اگر سطری مرقوم میگشت
بزور و زحمت موفور بود و سبب ازدیاد علّت و اسقام میشد لهذا

Provided by the Afnan Library

اتّفاقاً نامهٔ تحریر میشد حال چون قدری صحّت بهتر شده مشغول
بتحریر و تقریر گشتن فی الجمله آسان گشته من نیز بنگاشتن
پرداختم و انشاء الله من بعد جوابها مرقوم میشود مطمئن
باشید و از خدا خواهانم که در جمیع امور مؤیّد و موفّق گردید
و خبرهای خوش در نامه ها مرقوم دارید که روح و ریحان آرد و سبب
سرور قلوب گردد از امتحانات هیچوقت محزون نگردید
زیرا امتحان در دبستان حصاد اشرار و سبب ظهور کمالات
ابرار است لهذا باید بسیار ممنون و خوشنود بود چه که مقصد
از ظهور نور مبین ترییت نفوس مبارکه است و این جز با امتحانات
الهیّه ممکن نه اگر امتحانات الهیّه نبود ابداً نفوس ترییت
نمیشدند بلکه جمیع مستغرق بحر هوی و هوس میماندند چون
شدائد امتحان بمیان آید نفوس منقطع گردند و منجذب
بحق و متوجّه الی الله و متخلّق باوصاف رحمانی و مستمدّ
از فیوضات آسمانی شوند حال مختصر چیزی مرقوم
شد انشاء الله من بعد مکاتیب متعدّده
ارسال میگردد و علیک التحیّة
والثناء ع ع مقابله شد

عشق آباد

حضرت ابن ابهر علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

هو الله

ای منادی باسم الله در سبیل الهی گردن را وقف زنجیر نمودی
و پای را مرهون کند ثقیل جسم را در زندان انداختی و جان را رهین
صد هزار آفات نمودی و چون از سلاسل رها یافتی سرگشته
کوه و هامون شدی و آوارهٔ صحرا و دریا و کشور روس و مرز و بوم
روم تا آنکه در بقعهٔ مبارکه وارد شدی و بشرف تقبیل آستان
مقدس موفق گشتی هنوز نفس نکشیده که هاتف ملکوت
جلیل حی علی الرحیل فرمود سریعاً توجه بآنسمت نمودی و عاجلاً
دشت و بحر و جبل قطع نمودی تا در محفل یاران درآمدی و در انجمن
دوستان داخل شدی امید است که تلافی بشود جمیع مکاتیب
که تسلیم فائزه مسافره نموده بودید جواب مرقوم شد و باو تسلیم گشت

ع ع

مقابله شد

یا صاحبی السجن

طهران

حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای منادی پیمان روزنامه ملاحظه گردید فی الحقیقه عبارت سلیس و روان و در نهایت

وضوح و بلاغت بود از مضامین چنین معلوم میشد که مقصد و آرزوی مدیر محترم
محترم مهر و نیت خالص و خیر خواهی عموم ملت و صداقت بدولت است
لهذا از حقشان بدرگاه احدیت تضرع و زاری کشت که تائید جدید رسد
و موفق بخدمت عموم ایرانیان گردند بلکه خیر خواه عموم بشر باشند و
سبب ترویج وحدت عالم انسانی گردند و امیدوارم که سائر جرائد نیز
روش و سلوک ایشان گیرند

ای منادی پیمان احبای الهیرا همواره دلالت و وصیت نمائید که جمیع
شب و روز بآنچه سبب عزت ابدیهٔ ایرانست پردازند و در تحسین
اخلاق و آداب و بذل همت و مقاصد ارجمند و الفت و محبت و ترقی
و اتساع صناعت و زراعت و تجارت سعی بلیغ و جهد عظیم مبذول
دارند و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هو الله

خط مبارک حضرت ایادی امرالله ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای ایادی امرالله مکتوب جوف را بشخص معلوم در کمال حکمت بدا
بید برسانید و یا خود بواسطهٔ معتبری و همچنین مکتوب فارسی
که در جوفست اگر مصلحت است باو بنمائید و در نهایت محبت
و ملایمت با او مکالمه کنید اگر چنانچه از قرائت مکتوب فارسی

ملول خواهد شد نشان ندهید تکلیف با رسالت ولی شما حکمت را
در این قضیه ملاحظه نمائید ع ع
این مکتوب بشخص مذکور در حضور حاجی میرزا حسن مدیر مدرسه که از حج
مراجعت نموده بود مرقوم گردید ولی حاجی نمیدانست که خطاب
بکیست اگر جناب شیخ از او استفسار نمایند تفصیل را بیان خواهد
نمود ع ع
فیما بین شخصین معلومین که ذکر شان از قلم این عبد جائز نه در خصوص
وقوعات و منازعات چرا شما حضرات علی قبل اکبر ساکت و صابر
و صامتید رفع این مجادلات فوراً لازم چند مرتبه مرقوم شده است
که بمحض اینکه ملاحظه کنید که در میان دو نفس اندک اغبراری حاصل فوراً
باید رفع نمود والّا عاقبت سبب فساد کلّی خواهد گردید باوجود
این چگونه در این خصوص بال تشبثی نشده است والبهاء علیک ع ع
سبحان الله یاران الهی در کل آفاق در نشر نفحات مشغول طهران
که باید تفوّق بر کل داشته باشد آن آثار مقطوع و باین شئون وقت
میگذرد ع ع مقابله شد

یا صاحبی السّجن هوالله
ای منادی پیمان نامه شما رسید و نفحهٔ خوشی استشمام گردید
و آن وفای بحقوق پدر و ثبات بر محبّت آن نور انور فی الحقیقه

ایام حوشیرا بمصائب و بلایا در سبیل الهی بپایان رساند از کاس هر
بلائی نوشید و زهر هر ابتلائی چشید تا بمقامی رسید که غبطه
اصفیا گردید و زیارت مخصوص از قلم اعلی نازل شد این فضل را هیچ موهبتی
معادل نکند و موازی نشود ان زیارت تلاوت گردید فضل
و موهبت مخصوصه واضح و آشکار شد
ای رفیق شخص شاخصی که بعد از صعود مورد الطاف ملیک مقتدر شد
و از قلم اعلی ذکر او نازل و زیارت نامه صادر دیگر عین گستاخی و
جرئت و جسارت و ناداینست که نفسی نظیر این عبد چنین جسارتی نماید
و زیارتی از برای ایشان بنگارد نفسیکه غرق بحر الطاف گردید دیگر
اگر قطره ئی عواطف خویش مبذول دارد خطای محض است
و گناه صرف و سیئه لم تغفر این عبد زیارت مرقوم ننماید
ولی از برای نفوسیکه از قلم اعلی صادر نشده و علیک التحیة والثناء
ع ع
مقابله شد

طهران

حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی الحسین هوالله

ای منادی پیمان نامه های متعدد رسید از مضمون روح

در بجان حاصل گردید از عدم فرصت نامهٔ پیش را بعد جواب
مرقوم کردد حال جواب مکتوب اخیر را سریع میدهم زیرا
مهم است در خصوص جمعیت خیریهٔ مدرسه مرقوم نموده بودید
الحمدلله بخدمت قائم و بجان و مال باذلند البته صدمات
مدرسهٔ بهائیان را نهایت اهمیت بدهید عبدالبهاء همواره
در فکر آن مدرسه است و آرزو چنان که عاقبت بدرجهٔ رسد
که مدارس متعدده کردد از ابتدائی تا نهائی و از اعظم
مکاتب عالیه شمرده شود بلکه بر جمیع مدارس فنون عالم تفوق
یابد زیرا منسوب باهل بهاست ولا تعجبوا من امرالله
صاحب جریدهٔ ایران را محترم دارید زیرا مقصدش خیرخواهی
عالم انسانیت و اگر بخواهد از رسالهٔ مدنیه بقصرقه در جریدهٔ خویش
مندرج نماید باسی نیست جناب آقا میرزا اسدالله مازندرانی را البته
بصفحات عتبات عالیات بفرستید زیرا عتبات استعداد
پیدا نموده و بشخص محترم معلوم در انجا نیز بکمال حکمت صحبت
دارد و هم چنین درس تبلیغ اما در حجاز را
اهمیت بدهید و علیکم
البهاء الابهی
ع ع مقابله شد

خط مبارک

هوالابهی

وانت تعلم یا الهی ذلتی ومسکنتی وفقری وفاقتی وتبتلی وتضرعی وتذللی وانتهالی بفنائک وباب احدیتک وعبودیتی الخالصة ورقیتی المخصصة لعتبتک الطاهرة وانتها نور حقیقتی وظهور کینونتی وشرف ذاتی وعزة نفسی وانتها افق تقدیسی واعلی مراقی تکریمی واحسن تقویمی ومقعد صدقی ورفرف علائی مع ذلک انت تری یا الهی بعض عبادک لن یسمعوا التصریحی واعترافی واقراری ولم ینتبهوا الاعلانی واشهاری ولم یلتفتوا الحالی وتحققی لاشکونّ الیک یا الهی من هذه الاوهام والظنون ولا مکبنّ بین ایدیک فی عتبتک الطاهرة من هذه الترهات السموم مالی الا ان اقول ما قال عبدک یسوع روحی له الفدا واذ قال الله. یا عیسی ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذونی وامّی الهین من دون الله قال سبحانک ما یکون لی ان اقول لیس لی بحق ان کنت قلته فقد علمته تعلم ما فی نفسی ولا اعلم ما فی نفسک انک انت علام الغیوب ما قلت لهم الا ما امرتنی به ان اعبدوا الله ربی وربکم وکنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت الرقیب علیهم وانت علی کل شیء شهید ان تعذبهم فانهم عبادک وان تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم والبهاء علیک

عبدالبهاء ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله

ای شخص شخیص خلق ضعیفند و محیل عاجزند و ما گر باید ایشانرا
بخوف و رجا نگاه داشت یعنی نفسی مأیوس از عفو خطا
نباشد و خوف از ارتکاب عصیان و طغیان نماید تا اگر
قصوری نموده امید عفو داشته باشد و اگر چنانچه فساد و فتنه
بخاطر گذراند خوف از باز خواست داشته باشد دوست را
بنوازید و دشمن را بقدر امکان بکوشید که پشیمان گردد و دوست شود
اغیار یار گردد و بیگانه آشنا شود الحمد لله آنچه دو سال پیش
خبر صریح داده شد واضح و پدید شد حال وقت رأفت
و مهربانیست و ثبات و استقامت در عدل و انصاف بنوع
انسانی ع ع مقابله شد

طهران

حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای منادی پیمان نامه های متعدد واصل و از ملاحظه اش
روح و ریحان متواصل زیرا دلالت بر اعلاء کلمة الله و انتشار
آیات الله مینمود علی الخصوص مکتوبی که وزیر معارف بحضرت

مدیر مدرسه تربیت مرقوم نموده بود چون آن نامه دلالت بر حسن انتظام
مدرسه مینمود بی نهایت مسرّت حاصل گردید امیدم چنانست
که مدرسهٔ تربیت در صون حمایت حضرت احدیّت باشد
و ترقّیات فوق العاده نماید و جمیع یاران همّت بگمارند که روز
بروز انتظام بیشتر یابد و علوم و فنون انتشار فزونتر جوید خاتمی
که جناب صنیع السّلطان بواسطهٔ جناب زائر اهل یا فرستاده بودند
بسیار مقبول گردید و محبوب واقع شد و علیک البهاء الابهی

ع ع
مقابله شد

طهران

حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی السّجن

هو الله

ای منادی پیمان نامه مفصّل که در بیروت مرقوم نموده بودید رسید
و بدقّت ملاحظه گردید از عدم فرصت جواب مختصر مرقوم میشود
در خصوص مکتب که با حضرات قرار داده بودید در اسکدرونه بسیار
مقبول اوّل این لازم و واجب و همچنین امر مشورت نیز بسیار
موافق و چون این دو قضیّهٔ مهمّه حصول پذیرد آنوقت اگر بتوانند
و از عهده برآیند مسافرخانه که هم مشرق الاذکار نیز باشد ترتیب
دهند و من بحضرات مکتوبی در اینخصوص مرقوم خواهم

نمود وجمیع یاران وأحبّای آنحدود تحیّت ابدع أحلی ابلاغ دارید وعلیک
البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

طهران

جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

یا صاحبی السّجن هوالله

الهی الهی انی اتبتّل الی ملکوت رحمتک واتذلّل الی جبروت سلطانک
وادعوک بقلب خاضع خاشع الی مرکز الجلال واقول ربّ قدّر الشّفاء
لعبدک المتبتّل الی ملکوتک الأعلی واجعله آیة رحمتک بین الوری
وقدّر له البرء منکلّ سقم ووداء حتّی یشکرک علی کشف الغمّه و
سعة الرّحمه وسیوغ النّعمه وظهور الرّأفه والشّفاء من کلّ
علّه ربّ قدّر له خیر فی خیّز الأمکان وادخله فی حدیقة
الرّضوان وانشله من غمرات العلل والأمراض وایّده علی مبتک
یا ربّی الفیّاض انّک انت الکریم انّک انت العظیم انّک
انت الرّحمن الرّحیم ع ع مقابله شد

خط مبارک هوالأبهی

ای محنت زده در سبیل میثاق صلابت وخدمات در سبیل

رب الآیات البیّنات عنایاتست و رحمت رحمتست
و محنت منحت زهر شکر است و قهر لطف جان پرور
پس باید شکر پروردگار مهربان نمود که چنین مشقت
که صرف موهبت است مقدر فرمود گر در آتش رفت
باید چون خلیل و ور چو یحیی میکنی خونم سبیل و ور چو یوسف چاه و
زندانم کنی و ور ز فقرم عیسی مریم کنی سر نگردانم نگردم از رهت من
بهر فرمان تو دارم جان و تن والبهآء علیک ع ع
مقابله شد

طهران

حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر علیه بهآء الله
یاصاحبی السجن ۹
لایحه ئی که بحسب اصطلاح این ایّام راپورت میگویند در خصوص
انتشار امرالله در خطّهٔ امریکا از آقا میرزا احمد اصفهانی رسید با
مقاله ئیکه در یک جریده ئی از جرائد امریکا درج شده ارسال
میشود مقاله جریده را ترجمه نموده با سواد راپورت طبع کرده در سایر جهات
انتشار دهید وعلیک التحیّة والثنآء ع ع
مقابله شد

طهران بواسطهٔ حضرت علی قبل اکبر

جناب میرزا مسیح جناب میرزا محمّد طاهر جناب میرزا مهدی
وجناب میرزا هادی علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

ای یاد یکارهای آن نفس مقدّس مبارک جناب سمّی حضرت مقصود
الحمدلله بمقصود رسیدند ونداء ربّ ودود شنیدند وبجمال
موعود گرویدند وبظلّ ممدود دویدند وبمقام محمود رسیدند
وچون پرواز بملکوت راز کردند از ملاء اعلی ندای اهلم و
تعال شنیدند لهذا باید آن یاران عبدالبهاء بشکرانهٔ
جمال ابهی زبان کشایند که بچنین فیضی موفق وبچنان موهبتی
مؤیّد شدند آن طیر حدیقهٔ وفا بگلشن ملکوت ابهی پرواز
نمود ودر خطائر قدس با اهل بها همدم و همراز گشت حال
شما باید حدیقهٔ انیقهٔ اورا باغبانی کنید وکشت زار
مجتثش را آبیاری فرمائید تا شمع آمال در شبستان وفا روشن گردد
وسبب روح وریحان در ملکوت رحمان شود وهر چند
آن نفس زکیّه غائب و پنهان شد الحمدلله شما را در این
جهان فانی باقی وپایدار گذاشت تا پی او گیرید ره

او پوئید و مقصد او جوئید و ثنای او گوئید زیرا
نفحهٔ از گلشن جان و دلش وزید و شما را بیدار کرد و هشیار نمود
و از نفس و هوی بری و بیزار فرمود باری امید عبدالبهاء
چنین است که اخلاف سبب عزت اسلاف گردند و ابناء
شکوفهٔ باغ آمال آباء شوند من هر دم بکمال انابه و زاری
و آرزو و بیقراری طلب شمول الطاف کنم و ظهور موهبت
اسلاف در اخلاف خواهم و یقین است که این دعا
در بارگاه کبریاء مقبول و مستجاب گردد و علیکم التحیة والثناء
ع ع
ترجمه شد

بواسطهٔ جناب طالقانی

جناب میرزا ابوالقاسم کسمائی ملاحظه نمایند

یا صاحبی السجن

هو الله

الهی الهی ان عبدک ابوالقاسم یقتسم احبائک فیوضات
رحمانیتک و اقسم بجمالک المنیر ان یسعی فی خدمة عبادک
بین العالمین حتی تنتشر آیاتک و تظهر بیناتک و تنفذ
کلماتک فی قلوب الطالبین انک انت الرحمن الرحیم
و انک انت العزیز الکریم ع ع
ترجمه شد

طهران جناب آقا ابراهیم طالقانی نجل سعید آقا محمد حسین علیه

یا صاحبی السجن بهاء الله الابهی

هو الله

ای بندهٔ حق از فضل حق جمعی تو نه پریشان در پناه الهی هستی

نه بی سر و سامان منظور نظر عنایتی نه اسیر حرمان و سرگردان

شادمانی کن و کامرانی نما امید است که گشایشی و آسایشی

در امور ظاهر نیز حاصل گردد مکتوب جوف را بگماشته نواب والا

برسان و علیک التحیة والثناء ع ع

بواسطهٔ جناب طالقانی

جناب آقا سید احمد ملاحظه نمایند

یا صاحبی السجن

هو الله

الهی الهی انی ابتهل بلسانی واتضرع بجنانی ان تجعل لعبدک

هذا حظاً موفوراً من الحقائق والمعانی رب اضرم بین ضلوعه

والاحشاء نار المحبة والولاء وبیض وجهه بنور الهدی حتی تقر عینه بمشاهدة

آیات خضعت لها رقاب الکبراء وخشعت منها اصوات اولی النهی رب

اجعل له مخرجاً وقوم له منهجاً واوقد له سراجاً وهاجاً فی زجاج الحیات

انک انت القوی العزیز الودود لا اله الا انت البر الرحیم الرؤف ع ع

بواسطهٔ جناب طالقانی

جناب آقا میرزا علی جان علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

یا صاحبی لتجل

هو الله

اللهم یا فاتح الأبواب ومتحیر القلوب والألباب ومهیأ الأسباب لنجاح عبادک فی المبدء والمآب رب اجعل عبدک هذا غریق بحر رحمتک ورقیق عتبة قدسک ورفیق اصفیائک واحبتک وایده علی خدمة خلقک والشفقة بریتک والخلوص فی امرک واجعله آیة موهبتک فی بلادک وسمة رحمتک بین عبادک انک انت المقتدر العزیز الکریم الرحمن ع ع

بواسطهٔ جناب طالقانی

جناب آقا میرزا عبد الکریم جناب آقا میرزا محمود جناب آقا میرزا مهدی

جناب آقا میرزا هادی جناب آقا میرزا الوطات علیهم بهاء الله الأبهی

یا صاحبی لتجل

هو الله

اللهم یا موید المخلصین علی السلوک علی صراط مستقیم والورود فی جنة النعیم والتجرع من عین التسنیم ایدهولاء علی السلوک فی المنهج القویم واجعلهم سرجا نورانیة ونجوما رحمانیة ونفوسا ربانیة وانشر بهم النفحات السبحانیة واهد بهم القوم وایقظهم من النوم انک

انت القوی المقتدر العظیم رب ان هؤلاء یشکرونک
فی البأساء والضراء ویتحملون کل بلاء وشقاء ویصبرون علی
جمر الغضاء ولا یشکون سهام الابتلاء رب وفق علی اعلاء
کلمتک بین الوری وایدهم بنفحات قدسک التی تتعطر
منها کل الارجاء انک انت العزیز المقتدر المهیمن القیوم ع ع

هو الله

طهران بواسطهٔ جناب زائر آقا شکر الله کلیمی

جناب آقا میرزا مهدی ولد حاجی لاله زار وسلیل مجید آقا میرزا آقا علیهما بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن

هو الله

ای دو بندهٔ صادق رب ابراهیم جناب آقا شکر الله در بقعهٔ نوراء
بیاد احبا افتاد و بدعا پرداخت و یاوری حضرت باری جست
و مواهب موفور خواست و الطاف رب غفور طلبید امیدوارم
که آرزویش حصول یابد زیرا شرف مثول بآستان رب غفور
یافت و بنهایت تضرع و تبتل ترتیل مناجات کرد و حصول
حاجات خواست البته این عجز و نیاز قبول گردد و این آمال و آرزو
حصول یابد ایدوست حقیقی مواهب این عصر موعود عنقریب مشهود گردد
و اسباب حصول مقصود موجود شود یاران بفضل رحمن شادمان گردند و غافلان بزیان

وخسران ابدی مبتلا شود الحمدلله شما سبب سرور انبیاء در ملکوت ابهی
شدید لهذا در نهایت فرح وسرور بشکرانه غفور پردازید تا میدان
وسیع تر گردد ومجال فسیح تر شود وعلیکما البهاء الابهی ع ع

طهران بواسطه جناب امین

جناب آقا میرزا مهدی همدانی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
مناجات طلب مغفرت بجهت حاجی لاله زار وضجیع محترمه علیهما
یا حی یا قیوم بهاء الله الابهی

هوالله

سبحانک اللهم یا الهی ان هاتین النفسین المؤمنتین بک وبآیاتک
المعترفتین بظهور آثارک المنجذبتین الی جمالک المشتعلتین بنار
محبتک قد حصل لهما الملل من مخالطة الملل والمؤانسة مع اهل الارض
وضاق علیهما فضاء الناسوت فانجذبتا الی ذروة الملکوت
وترکتا القمیص الترابیة ولبتا حلل التقدیس ورجعتا الیک
متوکلتین علیک وقصدتا الوفود علی رحابک والورود
علی جنابک حتی تستغرقا فی بحور عفوک وغفرانک وتتطهرا
عن وضر الذنوب وظلام الکروب ولوث العیوب اغتسالا
فی مغتسل الطیب بارد وشراب واقتباسا من انوار العطاء دون

الحساب ربّ أنر لهما سراج الحیات وقدّر لهما خیر المآب
والصعود الی ملکوت الأنوار والدّخول فی محفل الأسرار والخلود
مع الأبرار آنک انت المقتدر العزیز المختار وآنک انت الغفور
الودود الکریم الوهّاب ع ع

بواسطهٔ جناب سینآء

هو الله

جناب عزّت الله خان جناب عیسی خان جناب
آقا محمّد صادق زرگر جناب میرزا مهدی خطّاط شیرازی
جناب آقا میرزا ابراهیم نقّاش نبیره مشکین قلم جناب
داداش علی قنّاد جناب آقا علی اکبر ابن استاد شعبانعلی
جناب آقا میرزا محمّد علی ابن آقا محمّد ابراهیم دلّال جناب
آقا محمّد حسین عارف جناب آقا محمّد حسین شیرازی جناب آقا
غلام حسین کلاه مال و ضلع جناب آقا حسین ابن جناب
آقا ملّا علی زائر علیهم بهآء الله الأبهی

Provided by the Afnan Library

هوالابهی

ای دوستان الهی قریب شامست و غروب افتاب
و این انامل از کثرت تحریر خسته و مانده و ناتوان با وجود
این از شدت انجذاب بمحبت یاران الهی قلم در جولان
آمده و انامل بکلی خستگی و ماندگی و درد و جع فراموش نموده چه
که اعضا و جوارح اسیر دلند و اجیر روح دل و جان بذکر یاران
پر روح و ریحان لهذا جوارح و ارکان بی فتور در جولان
ولی جناب سینا علیه بهاء الله الابهی از برای هر یک احبّاء
محرّری بالاستقلال خواهش نموده اند چه از این بهتر ولی لازم است
که کارخانهٔ طبع از پاریس یا دستگاه عکس از انگلیس نیز ارسال
فرمایند بلکه آنوقت از عهده توان برآمد و مقصود از این رس یاد
یاران و تشویق و تحریص دوستانست که از هر ثیابی برهنه
و عریان گردند تا قمیص طاهر یا ایها المدثر بپوشند و منظر
قم و انذر و رتبک فکبر شوند

ای سرمستان بادهٔ پیمان آهنگ تضرّع و تبتّل بملکوت ابهی

بلند کنید وجزع وفزع نمائید که ای پاک یزدان
من وای خداوند مهربان من قوتی ده که مقاومت
قبائل بسیط زمین نمایم وقدرتی بخش که چون بحر بسیط
موج بر ساحل شرق وغرب زنم والبهاء علیکم ع ع
رب اغفر عبدک القاسم المتصاعد الی ملکوتک تقدیسک
وجبروتک توحیدک واقدره کل خیر بفضلک انک
انت العفو الرحیم ع ع

هوالله

بواسطهٔ جناب نیّر علیه بهاء الله الأبهی جناب میرزا
جهرمی علیه بهاء الله الأبهی

یا صهبای امین هوالأبهی

ای ثابت بر پیمان در آیهٔ فرقان میفرماید ثم اورثنا
الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا ومنهم ظالم لنفسه ومنهم
مقتصد ومنهم سابق بالخیرات میفرماید
که اصطفا نمودیم عباد خود را اما برسه قسمند ظالمند
بر نفس خود یعنی با وجودیکه اصطفا نمودیم اورا خود را از بخشش

الهی و فیوضات رحمانی محروم مینماید و قسمی دیگر نفوس
مقتصده اند یعنی در حالت متوسطه نه در اسفلت دره
در اعلی بلکه در وسطند این نفوس از بحر الطاف نصیبی دارند
ولی غریق و سیراب نیستند و قسم ثالث که مسابقت
بخیرات نمایند و با علی افق رب الآیات صعود کنند
آیات کبری گردند و مظهر فیوضات عظمی نجوم ساطعه
شوند و سرج لامعه

پس ای ثابت بر میثاق جهدی کن و سعی بنما و همتی بفرما تا از سابقین
الی الخیرات باشی و مظهر موهبت رب الآیات
الباهرات کوکب روشن گردی و با انوار خضوع
و خشوع و تجرد و نیاز و انقطاع جهان فانی را آئینهٔ عالم
باقی کنی و علیک البهاء ع ع

مصر نوه حاجی محمد علی برادرزاده حاجی ملا علی تبریزی

هو الله

ای بندهٔ الهی الحمد لله بدون واسطه موسوط شدی و بحضرت مقصود

پی بردی از کأس هدی نوشیدی شکر کن خدا را و از هیچ
علتی هراسان مباش زیرا احبای الهی را فنائی در پی نه و زوالی از
عقب نیست روز بروز بر بقا بیفزایند و حیات بی پایان یابند
بوطن مألوف رجوع کن و بقدر امکان بهدایت نفوس بپرداز
و علیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس ۲۶ رجب ۱۳۳۸ حیفا

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله

خط مبارک هوالله

ای بنده حال حقیقی الآن در شهر ماندن امریکه بذکر آن یار مهربان
پرداختم شب و روز دقیقه ئی آرام مفقود است همواره بعبره
در محافل و مجامع مشغول از عدم فرصت با قلم شکسته سر مرقوم شد
فریاد از بی مدادی که مانند خمیر بی جریانست پای خامه لنگ
و منزل نگاه نامه بس دراز باری در این سفر پر خطر دعای احبای
الهی لازم که همعنان مانند فرسی رهوان باشیم والا کار
مشکل است و علیک البهاء الأبهی
ع ع بمقابله شد

خط مبارک شیراز جناب بشیر آلهی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

جناب بشیر آلهی مکاتیب جوف ارسال گشت برسانید
فی الحقیقه ابدًا فرصت تحریر این جوابها نبود اما عون وعنایت
جمال مبارک تائید کرد هر نوع بود مرقوم شد برسانید
ما در این اقلیم وسیع سرگشته وسرگردان هر روز در شهری
هر ساعت در جائی حال عازم گرین عکائیم ماتحدا
چه مقدر فرماید شب وروز نعره زنان فریاد برآرم
وبشارت بظهور موعود جمیع ملل دهم چون در حیفا در خانه
لازم اگر مبلغی هست بحیفا نزد آقا میرزا محسن افنان ارسال دارید

ع ع مقابله شد

۹

شیراز جناب بشیر آلهی علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

هوالله

ای بشیر آلهی دیگر شکایت از انقطاع مرا سلات مفرما
ملاحظه کن که در جوف چند نامه موجود دیگر انشاء الله
تتابع حاصل خواهد نمود نامه جناب عندلیب بمحفل روحانی

طهران مناسبت نداشت زیرا در آن ورقه شکایت شدید از احبای
شیراز بود و این شهرت میکردند آنان اعانتی نمی‌توانستند و
احبای شیراز چون می‌شنیدند جواب مرقوم مینمودند
بسیار سبب برودت و خمودت و ضرر و افسردگی جناب
عندلیب میگشت لهذا ارسال نشد شما از حقوق که شما میرسد
چنان که از پیش مرقوم شد بجناب عندلیب بقدر امکان تقدیم
نمائید اخلاق والده عبدالحسین امور جناب عندلیب را
مشوش نموده است مسئله آقا عبدالحسین برهان کافیست
که ما اینقدر متوجه او بودیم و تربیت میشد عبدالبهاء عباس
مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای ثابت برپیمان نامه نمره ۵۶ رسید از برای عبدالبهاء
آسایش جسم و راحت جان فضل و عنایت جمال مبارکست آنانی
غمخواری من نموده بودی این از نجابت است که نهاد تعلق مهربانی
باین سرگشته و سودائی داشته و داری سبحان الله نامه نوزدهم
جمادی الثانی مرقوم و در همان ایام از خیفا حرکت بطبریا شد و ایامی چند

Provided by the Afnan Library

درانجا در خلوت و سکون بسر رفت ودر حصول صحت و راحت تفاوت
کلّی حاصل شد الحمدلله بفضل و عنایت جمال مبارک براحت و صحت
مراجعت بحیفا کردید و نامهٔ شما وصول یافت وجواب مرقوم کردید
جمیع احبّای الهی را فرداً فرداً از قبل من تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دارید
وعلیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عبّاس مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه‌های متعدّد شما چون ابر بهار فیض معانی و چون
جواهر و لئالی نثار نمود ومشام مشتاقان را مشکبار کرد ولی تا بحال
از عدم اعتدال مزاج جواب تأخیر افتاد حال چون ببرکت آستان
مقدّس راحتی حاصل بتحریر این سطور پرداختم تا سبب سرور موفور کردد
هرچند پیام جسمانی منقطع بود ولی پیک این روحانی مستمرّ
انجذابات وجدانی و انعطافات قلبی متتابع مراکمال تعلّق
بانوجود مؤمن موقن موجود لهذا همواره با تو گفتگو خواهم پرداخت بدل
وجان وچه بقلم و بنان از الطاف بی پایان آرزو یم چنان
که همواره در نهایت اطمینان باشی وراحت دل و جان یابی
وعلیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عبّاس مقابله شد.

Provided by the Afnan Library

هو

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

هو الله

جناب عندلیب علیه بهاء الله الابهی از جهت خانشان بشخصی
از احبّاء الله هفتاد تومان قرض دارند چون حال تأدیه اش از اینجهت
ممکن نیست شما در انجا هر وقت حقوقی حاضر شد فورا ادا نمائید
و علیک البهاء الابهی عبد البهاء عبّاس مقابله شد

با صاحبی السجن شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان از قلّت فرصت مجبور بر اختصارم نامه مورّخ
بیست و چهارم جمادی الاوّل وصول یافت از صولة الدّوله مرقوم
نموده بودی ممکن نیست نفسی ضرّی بامر الله وارد آورد و بجزای
اعمال خویش نرسد نهایت اینست که مهلتی دهد تا سبب
انتباه گردد وصولت بکلّی از صولت خواهد افتاد از خبر
اعتلال مزاج جناب عندلیب بسیار اندوه رخ داد زیرا آن وجود
شریف از شدّت متاعب نحیف شده و ضعیف گشته
احبّای الهی باید نهایت مواظبت را در حقّ او مجری دارند و مراعاتشان را
منظور نمایند زیرا نزد عبد البهاء بسیار عزیز است
و از قدمای احبّای جمال مبارکست
و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

Provided by the Afnan Library

خط مبارک شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

یا حضرت بشیر الهی نصف شب است این چند
کلمه مرقوم میگردد روز ابداً دقیقه ئی فرصت ندارم
جمیع یاران را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید علی الخصوص
حضرت عندلیب را ع ع در پاریس رسیده است مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن هو الله

ای بشیر الهی نامهٔ شما رسید و همچنین نامه دیگر که در جوف
بود الحمد لله بشارت قیام احبا بر خدمت امر الله داشت از اینجهت
روح و ریحان حاصل گردید ولی از زحمات و مشقات جناب
عندلیب افسردگی رخ داد اما اگر چندی سفر نمایند بهتر از حضر است
لابد راحت فکری حاصل میشود و بهر طرفی میل و رغبت داشته
باشند سفر اولی و مقننی را جناب میرزا محمد باقر خان و جناب
کیخسرو پارسی و جناب جعفر قلیخان البته همت مینمایند
و باید باهل خانهٔ ایشان برسد بجهت مسافرت ایشان از حقوق فتوغراف بحسب دستور العمل
ارسال گردید البته تا بحال رسیده تلغراف تهنیت شما نیز
رسید

شصت تومان تقدیم ایشان نمائید

رسید وسبب خوشنودی گردید ممنون از همّت شما شدیم
تا بحال قبوضات متتابعاً ارسال شده حال نیز ارسال میگردد ع ع

مقابله شد

۹ شیراز جناب بشیر آلهی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السّجن هو الله

از آیهٔ مبارکه ان یا رئیس قد تجلّینا علیک مرّة فی جبل تینا ومرّة فی زیتاء
وفی هذه البقعة المبارکه وانّک ما استشعرت بما اتبعت هواک
وکنت من الغافلین سؤال نموده بودید هرچند فرصت تفسیر
وتشریح وتوضیح ابداً ندارم یک قلم است وباید با جمیع آفاق
مکاتبه کند دیگر چنین خامه کجا فرصت تفسیر وتأویل دارد
با وجود این مختصر مرقوم میگردد تا آنکه امعان نظر فرمائید وابواب
معانی از هر جهت مفتوح شود
تینا وزیتا بظاهر دو جبلند در قدس که بر انبیای آلهی در آن دو جبل
تجلی رحمانی شد ومراد از تجلّی خطابات آلهیّه است که در کتب
سماویّه واخبار بظهور کلّیه است واین بواسطه انبیا چنانکه کتب
مقدّسه را ملاحظه نمائید بشارات آلهیرا در آن واضح ومشهود می بینید
وهم چنین تجلّی خطاب از بقعهٔ مبارکه بدون واسطه بر رئیس گردیده
ولی آن رئیس خسیس از جمیع این تجلّیات ومخاطبات غافل وذاهل بود
وهم چنین مقصد از جبل تینا حقیقت عیسی بود واز جبل زیتا حقیقت

Provided by the Afnan Library

محمدیه که مفسر شجره مبارکه زیتونه لا شرقیه ولا غربیه یکاد زیتها یضئ ولو لم تمسسه نار نور علی نور بود تینا در لغت عبری تین و زیتون زیتون و این همان تین است که در قرآن قسم بآن یاد کرده. زیرا محل تجلیات بودند این است که میفرماید والتین والزیتون وطور سینین که محل تجلی بحضرت موسی بود وهذا البلد الامین که مکه باشد لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم یعنی فرد کامل انسان جامع جمیع کمالات است

این مختصر بیانست که شد بیش ازین فرصت نیست البته معذور میدارید که در هر روزی مکاتیب متعدده پر از سؤالات از جمیع اطراف میرسد که اگر صد قلم بتحریر پرداز از عهده جواب سؤالات برنیاید تا چه رسد بمکاتیب سائره لهذا احبای الهی باید توجه بملکوت ابهی نمایند وطلب فیض نامتناهی کنند تا کشف اسرار گردد وحقایق ومعانی جلوه نماید مرقوم نموده بودید که در شب اول وثانی محرم در بیت مبارک اجتماع نموده بودید وبکمال سرور وفرح شب را صبح فرمودید حضرت موقر فی الحقیقه بخدمت قائمند عبد البهاء ولو بجسم غائب ولی در انجمن بجان ودل حاضر بود جسم در مصر ودل در شیراز ولی ملاحظه بیت مبارک بسیار لازم تا سبب دقت نظر بیگانگان نگردد

زیرا خطر دارد ایرانیان هنوز از درندگی و بی باکی و ویران نمودن نگذشته اند
در چنین قرنی که مدنیت و آداب عموم آفاق را احاطه نموده بعد از
ششصد سال تعرض بمقبرهٔ سعدی و حافظ مینمایند لذا شاید
از اجتماع اطلاع یابند و در وقت شورش و انقلاب بی ادبی
به بیت مقدس کنند لهذا محل اجتماع در جای دیگر باشد بهتر
و اولی تر است و علیکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطهٔ آقا سید اسد الله
شیراز بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن
هو الله

ای بشیر الهی نامه مختصر شما مفصل بود لفظ موجز بود ولی معانی
مفصل زیرا دلیل بر انجذاب و اشتعال و التهاب بنار محبت الله بود
من الآن در شهر اماها در وسط امریکا هستم و شب و روز بدرگاه جمال ابهی
تضرع و زاری مینمایم بلکه در خدمت امر مبارک نفسی برآرم ولی
هیهات هیهات این عجز صرف و فناء بحت چگونه از عهدهٔ
این امر عظیم برآید ولی امیدوارم و این آرزو را بر صفحهٔ دل مینگارم
جمیع یارانرا تحیت ابدع ابهی برسان
و علیک البهاء الابهی ع ع
عبد البهاء عباس مقابله شد

Provided by the Afnan Library

خط مبارک

ای حضرت بشیر این نامه پانزده روز پیش مرقوم شد ولی فرصت ارسال نشد حال در سانفرانسیسکو هستم شب و روز آنی فراغت ندارم مختصر قیامت است ع ع مقابله شد

شیراز جناب بشیر آلهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده جمال ابهی نامهٔ پنجم شعبان سنهٔ حالیه به آقا سید اسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید چند روز است که در رملهٔ اسکندریه اقامت دارم و شب و روز مشغول بیاد یاران آلهی هستم من بعد نامه را یکسر بپور تسعید بنام جناب لا احمد یزدی بفرستید در هر کجا که باشیم میرساند بعد از ورود بپور تسعید از خشکی راه نقاهتی حاصل الحمد لله بفضل و عنایت جمال مبارک حال اکمل جسد هر چند خسته و ناتوان ولی روح مستبشر بمبارات الله با وجود تأیید روحانی اگر در عالم جسمانی فتوری حاصل گردد ضرر ندارد زیرا این جسم خاکی از عناصر جهان فانی و مرکب است البته صحت و سلامت مستمر نیست اهمیتی ندارد باری حال در باغی در سایهٔ درختی تحریر این نامه پرداختم جمیع یاران آلهی را تحیت ابدع ابهی

Provided by the Afnan Library

برسانید و جمیع را ببشارات الهی مسرور دارید و علیک
البهاء الابهی عبد البهاء عباس مقابله شد
جناب شیراز بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده حق جناب لورد لامینگتون بشیراز تشریف آورند شخص
محترمیست و سیاسی در حق ایشان نهایت رعایت و محبت
باید مجری داشت از آشنایان هستند یکمرتبه در لندن
ملاقات شده اند و علیک التحیة والثناء عباس مقابله شد

یا صاحبی السجن
شیراز

اجزای محفل خادمین عهد محفل خادمین میثاق محفل خادمین پیمان علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

اللهم یا الهی و کهفی الواقی و ملاذی السامی تری احبائک الثابتین علی
المیثاق البرآء من اهل النفاق المتضرعین فی بادیة الفراق المستهدفین
سهام اهل الشقاق کیف انجذبوا الی مرکز الجمال مشهد الکبریاء رب
لک الحمد بما جعلت لهم اقداما راسخة علی العهد و انجزت لهم
الوعد و جعلتهم آیات توحیدک فی عالم التکوین و هدیتهم الی النور
المبین و ثبتهم علی الصراط المستقیم و ادخلتهم فی جنة النعیم

Provided by the Afnan Library

وقیتهم فی عذاب الجحیم ربّ قدّرلهم الفوز بلقائک فی ملکوتک
العظیم واجعلهم نجوماً بازغة فی الأفق المبین ورجوماً ثاقبة
للمذبذبین اخوان الشیاطین من حزبة تنطق السنتهم بالثناء علی ربّ
المیثاق ویتخذون ولیجة خفیّة من اهل النفاق ربّ اجعل
الثابتین فی حصن حصین وایّدهم بالملائکة المقرّبین وانصرهم
بجنود من الملاء الأعلی انّک انت المقتدر العزیز الکریم لا الٰه الّا انت
البرّ الرؤف الرّحیم ع ع مقابله شد

صاحبی لسجن شیراز از جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ای یار خوش مزه نامه های تو از بس شیرین ولطیف وخوش
طعم وبامزه است فوراً قرائت میگردد وهم مختصر است
ومفید واز اطناب واسهاب در گریز علی الخصوص خبر
از مهمانی بطعامهای لذیذ شده بود ازاین خبر خوشتر اینکه الحمدلله
یاران شیراز در فکر اعانت بازماندگان یزدند که آن قهرمانان را
قوت ضروری برسانند اظهار امید بحصول تأیید
نموده بودید دیگر چه تأییدی اعظم از خدمت بیازماندگان
شهداست وعلیک البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده صادق جمال مبارک نامهٔ بیست و دوم محرم ۱۳۳۰ وصول یافت و ملاحظه گردید و هم چنین صد و پنجاه عکس رسید از این عکسها باز ارسال نمائید بشاشت جناب عندلیب از سفر سبب مسرت شد ولی بشرط اینکه شکوهٔ قرینهٔ ایشان را ازاله بتوانید که ناله و فغانی نداشته باشد الحمد لله حضرت بینش از این اتهام نجات یافتند بسیار سبب سرور قلب من شد بایشان نهایت رضایت از قبل من ابلاغ دارید فرصت بیش از این نیست و علیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و بشارت انجذاب و اشتعال احبای الهی از ورود جناب شیخ علی اکبر داشت فی الحقیقه جناب شیخ بجمیع قوت در نشر نفحات الله میکوشد لهذا باید دو سه ماهی در شیراز و اطراف شیراز مشغول بخدمت گردد بعد از انجا سفر بهندوستان نماید و از هندوستان

بارض مقصود ازپیش مرقوم شد که بجناب عندلیب علیه بهآء الله بقدر
معیشت معتدلانه که لازمست ازحقوق تقدیم نمائید تا مستریح باشند
ومشغول بنشر نفحات الله گردند وعلیه وعلیک البهآء الأبهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهآء الله الأبهی

هوالله

نامه آن جناب وصول یافت ولی فرصت جواب مفصّل نیست
مختصر مرقوم میشود ملاحظه جناب عندلیب لازم است اگر چنانچه
وجوهی برسد از قبل عبدالبهآء بقدر امکان معتدلانه معاونت
او نمائید وعلیک البهآء الأبهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهآء الله الأبهی

یا حاجی السجن

هوالله

ای پسر صادق جمال مبارک درهر ماهی نامه های متعدّد
بشما مرقوم میگردد ملاحظه فرمائید که چه قدر بتو محبّت دارم
فاشکر الله علی هذا الفضل العظیم والحمد لله علی هذا الفوز المبین واما
قضیّه فارس این هرج ومرج وانقلاب واضطراب را اعلا

Provided by the Afnan Library

جز نفحات قدس مبین تشنه را آماء عذب فرات
سیراب ننماید نه ملح اجاج فضل و عنایت الهیه واروی هر وارد
بید رمانست و بدون آن شفا ممتنع و محال خونرا بجوشن
شوید و دردرا بدرد معالجه نمایند بیهات
بیهات لما یوعدون لاخلاص و لامناص الا لاهل الاخلاص

وعلیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

یا حبی الرحمن هو الله

ای رفیق روحانی نامه نمره اول رسید باد و مکتوب ملفوف
فوراً جواب مرقوم میگردد تا بدانی که جمیع کارها را کنار گذاشتم و بجواب
مکاتیب مرسله تو پرداختم این دلیل واضحست که عبد البهاء چه قدر
بتو محبت دارد مرقوم نموده بودی که احبای الله
همه روزه مجالس و محافل دارند از این بشارت
نهایت مسرت حاصل گردید
وعلیک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطهٔ جناب آقا سید اسد الله

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

خط مبارک

ای ثابت در عهد و پیمان از سفر امریک و فرنگ بسمت افریک شتافتم
و حال در پور تسعید بتحریر این نامه پرداختم ملاحظه نما که چه قدر عزیزی
که جمعی از یاران حاضر و کل ساکت و صامت و من بنگارش پرداخته
فی الحقیقه بتو گفتگو مینمایم الحمد لله انوار ملکوت ابهی بشرق و غرب
تافته آفاق روشن گردیده زجاج قلوب بسراج هدایت الله
منیر شده از هر کرانه ندای یا بهاء الابهی بلند است عبد البهاء عباس
مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بشیر روحانی نامهٔ دوازدهم شعبان سنهٔ حالیه که بآسید
اسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید و هم چنین دو غزل
شیرین جناب محرق و اشعار آبدار جناب بینش علی العجاله مادر رمله

اسکندریه ئیم و از جمیع اطراف احبّا متتابعاً میرسند و اوراق
بیحد و پایان میآید که اگر روز و شب حصر در قرائت شود اکتفا
ننماید و علیک البهاء الابهی عبدالبهاء عبّاس مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای یار غمخوار نامه های شما الحمد لله کل رسید و مضمون کل
مقرون بمژدهٔ ثبوت و استقامت یاران بود. لهذا قلب حزین را فرح
مبین بخشید که الحمد لله یاران ثابت در خدمت حضرت یزدان و
در بادیهٔ محویّت و فنا گمگشتهٔ بی نام و نشان و در عبودیّت آستان
مقدّس جانفشان دلدادهٔ روی دلبرند و آشفتهٔ روی آن ماه منوّر
سرگشتهٔ کوی اویند و تشنه گان چشمه و جوی او زنده ببوی
اویند و شب و روز در جستجوی او دلهای یاران سوی او
و جانها حیران خوی او باری من با احبّای شیراز همدم و همرازم
و در نهایت محبّت بجان و دل دمساز امّا روایت معاهده
بمکن سامعین ملتفت نبوده اند مقصد چیز دیگر بوده آنان
چنین فهمیدند من از یاران شیراز در نهایت رضا در هر صورت
مقصد راویان نیز خیر بوده تا جوش و خروشی در یاران اندازند

Provided by the Afnan Library

من از آنان نیز راضیم باری امیدوارم که احبای شیراز از آشوب
لب آن شکرلب بنغمه و آواز آیند متانت و استقامت در امر الله
ابراز دارند و چون شمع بنار محبت الله بگدازند و مبلغینی از میان آنها
منبعث گردد که آن کشور را منور نمایند امروز اول شخص در این
نبأ عظیم مبلغ فصیح و بلیغ است و مقرب درگاه رب عزیز حضرات
مبلغین نفوس محترمه اند و سزاوار خدمت و رعایت در جمیع
مراتب و علیکم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

خط مبارک

هو

یا امة الله فاطمئنی بذکر الله وطیبی نفسا بموهبة الله وانشرحی صدرا
بفضل الله ان فضل ربک علیک عظیم عظیم عبدالبهاء عباس

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی مقابله شد

یا صاحبی السجن

هو الله

ای بشیر روحانی نامهٔ شما رسید والبته تا بحال عکس فانی بدست
مبارک آنحبیب نورانی وصول یافته است دیگر انتظاری نمانده است
اما مسئله تاج مبارک نهایت آرزوی عبدالبهاء این بود که بعد از
صعود حضرت مقصود روحی لعتبة تربة الفداء عکسی بر ندارم
مگر در یوم فدا در پای دار یا خود بر سر دار در حالتیکه تاج مبارک
زینت سر گردد در چنین حالت عکس برداشته شود ولی توفیق

رفیق هر کس نگردد این آرزو هنوز میسر نشده در پاریس و لندن جمع
کثیری از اصحاب جرائد و روزنامه اصرار زیاد داشتند که عکس بردارند ولی
این عبد راضی نشد یکروز چهار دستگاه عکاسی درب خانه حاضر شده
بودند که بمجرد خروج عکس بردارند این عبد آنروز از خانه بیرون نرفت
تا شب تاریک شد روز ثانی باز حاضر شدند چاره نیافت جز اینکه
عبا بسر کشد و از در خانه بسرعت تمام داخل اتومبیل گردد باز ممکن نشد زیرا روزی
بمنزل امة الله المنجذبه مسس کرو پر مدعو بودیم با نهایت محافظه از اینکه عکس
بردارند چون از اتومبیل بیرون آمدم بکمال سرعت وارد خانه گشتم ولی روبرو
خانه بود از آنخانه اطاقی رو بکوچه آئینه عکس را مسلط نموده بودند از عقب سر
عکس بدی برداشته شد روز ثانی در جرائد طبع گردید ولی بهیئتی نامناسب
لهذا مجبور شدم که بواسطه عکاسی ماهر عکس برداشته شود تا عکسهای بیجا
موقوف گردد با وجود این از الطاف خفیه جمال مبارک روحی لعتبة قدسه
الفداء رجا دارم و آرزو مینمایم که عکس با تاج و هاج مانند سراج بردارم
اگرچه لیاقت ندارم که مثابه آن اکلیل جلیل کلاهی بر سر نهم ولی آرزویم چنانست
شما دعا بفرمائید که این آرزو حصول پذیرد البته
عکس مکمل گرفته خواهد شد اما سیاحتنامه و
وقایع سفر نگاشتن موکول بهمت خود
آقا میرزا اسدالله است و علیک
البهاء الابهی ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

نامه شماره ۴۸ وصول یافت قدوم آن نفس مبارک با دو فرزند و یک یار عزیز سبب سرور گردید بالعکس خبر واقعهٔ مؤلمهٔ حضرت افنان جناب آقا میرزا عبدالحسین خان بسیار سبب احزان گردید و بدرجهٔ تأثر حاصل شد که تحریر و تقریر نتوان سزاوار تعجب است و شایان تأسف و موقع تحسر انی ادعو الله ان لا یرینی بعد هذا مثل هذا و مناجاتی در ذکر آن متصاعد الی الله بدرگاه خداوند آگاه گردید علیک

البهاء الابهی

الهی الهی مالی اری نفسی فی کل یوم خائض الغمرات فائض العبرات مبتلیا بالسکرات من الیم الرزایا و شدید البلایا منها صعود فرع دوحتک الرحمانیة القضیب الرطیب الریان من سدرتک الربانیة رب انه عاش خالص الوجه صافی القلب زاکی النفس مستبشر الروح فی قربک العظیم و عصرک المبین رب انه اتقد بنار محبتک من الشجرة المبارکة المرتفعة فی سیناء الجمال مرکز الجلال یکاد زیتها یضیئ و لو لم تمسسها نار و ما اخذته لومة لائم و لا نقمة ناقم فی حبک بل فدی روحه فی کل آونة و لم یخش بأس الملوک و لا الصفوف و السیوف المسلولة من الالوف قد نطق بالذکر و الثناء و انجذب بنفحات القدس التی تمر من جنة الابهی رب قدر له کل خیر فی السماء

واجعل صعوده الشهادة الکبری سبباً للوصول الی الرفیق الأعلی رب
جد واسمح بالورود فی جنة اللقاء لذلک الفتی النورانی والدخول
فی جنانک الرحمانی وافرغ الصبر علی ابیه الجلیل ذوی قرابته
انک انت الکریم انک انت الرحیم انک انت اللطیف الخبیر ع ع مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای ثابت پیمان نامه شما ملاحظه گردید فی الحقیقه جناب آقا میرزا
محمد باقر خان همیشه نهایت جانفشانی را نموده و مینمایند
و از آنجمله این یکصد و پنجاه تومان که بجهت بازماندگان شهدای یزد
تلگرافاً فرستادند این همت فی الحقیقه شایان مدح و ستایش است
اگرچه من پانصد تومان حواله دادم ولی این هم منضم باو خواهد شد
دیگر راحت خواهند گشت نامهٔ جناب سالار ملاحظه گردید
و جواب مرقوم شد در این چند وقت یکدو سه ماه پاکتهای
زیاد ارسال گردید معلومست سبب نرسیدن توقیف
پوسته ها در میان شیراز و بوشهر است لهذا مکاتیب
من وصول نیافت و اما رؤیائیکه مشاهده نموده بودید

که فرموده بودند بلی آدم میشوی یعنی شخص کاملی خواهی شد
سوامّا قلمدان با یکصفحه کاغذ اشاره بآنست که سبب نشر
نفحات الله خواهی شد لهذا بر روی کاغذ کلمهٔ هو مرقوم
گشت یعنی اسرار هویّت ظاهر خواهد گردید مختصر
تعبیر شد زیرا فرصت بیش از این نیست وعلیک البهاء الابهی
ع ع مقابله شد

۹

یا صاحبی السجن شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده آستان حق نمره ۵۱ رسید مطمئن بفضل و عنایت حق
باش روزی خواهد آمد که بتقبیل آستان مقدّس مشرّف
خواهی گشت از مصیبت جدیده محزون مباش و لحزون مگرد
راضی بقضا باش ولله الحکمة البالغة فی جمیع الشئون والاحوال
وعلیک البهاء الابهی چاره جز اختصار نیست
ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله

ای ثابت بر پیمان از مشاکل و غوائل محزون مشو زیرا شریک
عبد البهائی از این جام سرشار البتّه ترا نصیبی باید تا حق رفاقت
در نهایت کمال بجا آری نظر بعاقبت است نه بدایت ع ع
مقابله شد

۲

یا صاحبی السجن

شیراز حضرت بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان از قرار معلوم میرزا حسینعلی جهرمی از بمبائی
بجهرم میرود و اظهار رجوع از نقض میکند و بیان پشیمانی مینماید
ولی شما بشخص مهمی کاردانی اهل رازی محرمی از احبای جهرم محرمانه از زبان خود
مرقوم دارید که یکنفر از احبای زیرک را با او معاشر نماید و اظهار خلوص
و خصوصیت کند و آنچه بگوید تصدیق نماید و میدان وسیع باو
بنماید تا سر مکنون میرزا حسینعلی مذکور را آشکار کند چون
آشکار گردد بموجب آن سر مکنون و حقیقت حال احبا با او معامله
نمایند ولی این مسئله را بسیار محرمانه بنویسید که نفسی دون
این شخص محرم مطلع بر این کیفیت نگردد و بکسی براز ندارد و علیک

البهاء الابهی ع ع

این مسئله را اهمیت بدهید و محکم تشبث نمائید

ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده آستان حق نامه شما رسید از عدم فرصت مختصر

مرقوم میشود عبارتیکه در نامه جناب عندلیب مرقوم گردید
همان صحیحست جلوه ئی در خارج بغداد بود و جلوه دیگر
در عکّا عبارت را تغییر مدهید حکمتی در آن و علیک البهاء الأبهی
ع ع مقابله شد

شیراز جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای یار عزیز در این ایّام مصمّم و یار غمخوار شاید در عبودیّت آستان
احدیّت نفسی برآرم و بقوّت بازوی تأیید قفسی بشکنم
و اندک پروازی حاصل شود ولی هیهات هیهات این مور ضعیف
سلیمانی خواهد و این پشّه بی توشه عنصری بیشه جوید مگر
بدرقهٔ عنایت رسد و قوّت حرکت بخشد و الطاف
حضرت بهاء الله شامل شود تا پشّه سیمرغ گردد و
بعوض خاسر عقاب کاسر شود امید یکه هست نه باستعداد
و لیاقتست بل بقوّت تأیید و توفیق ربّ احدیّت
جمیع یاران را تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دار علی العجاله وداع
مینمایم و علیک البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

شیراز جناب بشیر روحانی علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای بنده حضرت بی نیاز شیراز در بدایت طلوع صبح حقیقت
خلوتگه راز شد و آهنگ ملاء اعلی آغاز بساز گشت
ولی چندی گذشت نه آهنگی ماند نه شهنازی حال الحمد لله
مرغان بپرواز آمده اند و بتسبیح و تقدیس دمساز گشته اند ولی
شما را هجوم اعدا همیشه پریشان دارد توکل بخدا کن هر چه
پیش آید همان خوشست اضطراب جائز نه دنیا تماشاگاه
انقلابست انسان نباید از چیزی متأثر شود بلکه در نهایت
آسایش قلب و سرور و وجدان و اطمینان خاطر و متانت و استقرار
رفتار کند ای پروردگار هر چند عاجز و ناتوانم ولی تو
قادر و توانا شرمنده ام درمانده ام و عاجز مانده ام
تو معینی تو ظهیری تو دستگیری آنچه سزاوار پروردگاریست شایان
فرما و آنچه شایان آمرزگاریست ارزان کن توئی بخشنده
و دهنده و حفظ کننده و مهربان ع ع مقابله شد

یا بهی الابهی

جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی شیراز

هوالله

ای بنده حق نامه نمره ۸ رسید وهم پیشین نامه هائی که در طی آن بود ولایت فارس بلکه اقلیم ایران ویرانست امناء عاقل ودانا باید تا حسن انتظام یابد این مریض طبیب حاذق خواهد واین مملکت امیر ماهر جوید حال تا این طوفان برپاست ایران ویران ازخدا خواهیم که طبیب ماهری پیدا کردد تا این بیمار را اسباب شفائی عاجل شود انمملکت فی الحقیقه مصرض مرضهای بی پایانست از هر جهت مضطرب بیک قوت ربانی میخواهد که از عهدهٔ انتظام آن برآید قوای بشریه تا بکدرجه تمشیت امور تواند ولی چون خلل از هر جهت حاصل کشت بیقوتی ربانیه وموهبتی رحمانیه وعنایتی سبحانیه لازم تا این خلل برطرف شود لهذا ما دعا میکنیم که الطاف حضرت احدیت شامل کردد واین جسم مرده زنده شود واین ناتوان توانا کردد چاره ئی جز این نه شما متوکل برخدا باشید ومتوسل بذیل کبریا محزون مباش دلخون مکرد ان ینصرکم الله فلا غالب لکم وان یخذلکم من ذا الذی ینصرکم بعده وعلیکم التحیة والثناء ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن جناب بشیر الهی علیه بهاء الله الابهی

ای بشیر الهی از تو نامهای متعدده رسید ولی مکتوب
اخیر دلیل سرور قلب منیر بود و مانند تعارف شال کشمیر بسیار مقبول
افتاد زیرا ناله ئی نداشت بلکه مانند لاله گل رائحه معطر داشت
مژده انهدام بنیان ظلم و ظلام داد و دلیل بر راحت جان و وجدان
آن یار مهربان بود و همچنین در طی آن سواد تلغراف عبد البهاء
و اشعار آبدار عندلیب خدا جمیع مقبول افتاد الحمد لله در پاریس
جمعی همدم و انیسند و هر یک نفس نفیس با وجود اینکه عالم مادی
حکمرانست و سروران اسیر طبیعت و در جمودت و خمودت تام
باز کلمة الله نافذ شد و صیت امر الله در شهر مشتهر گشت در مجامع
عمومی باقتضای حال حاضره پاریس بعضی نطقها شد با وجود سادگی
نطق تائید ملکوت ابهی رسید و از الطاف جمال مبارک تأثیری
بخشید هر روز جمعی نفوس تازه حاضر و تبلیغ میشود ولی فرصت
بیان برهان نیست فقط یک نفخه دمیده میگردد و ملاقات
هر یک نهایت پنج دقیقه است ولیکن فیض ملکوت ابهی
منقلب میکند نه نفثات ضعیفه این عبد هر چه هست

ازاوست ومقلّب القلوب اوست امید وارم که تخمی افشانده
گردد بعد حرارت شمس حقیقت وریزش باران رحمت
پرورش دهد وارياح لواقح جنّت ابهی نهالها را بهتر از
آرد جمیع یاران الهی را بنهایت اشتیاق ومهربانی تحیّت
ابدع ابهی برسان وچون ابداً فرصت ندارم عذر تحاریر علیحده
بخواه وتا در اقلیم فرنگ باید یاران صبر ودرنگ نمایند
ومرا مهلت دهند تا بقدر ضعف خویش تبلیغ پردازم انّ
ربّی یهدی من یشاء الی صراط مستقیم واین نامه بجمیع احبّا
تحریر شد از برای کل بخوانید وعلیک وعلیهم البهاء الابهی

خط مبارک ع ع مقابله شد

هو

جناب بشیر الهی همواره بشارت از روحانیّت بندگان
حضرت رحمانیّت میدهی وعلیک البهاء الأبهی

جناب بشیر جناب اقا ملا میرزا محسن خواهش مهر این قبوضات ع ع
نموده است مقابله شد

خط مبارک هو الأبهی

ط جناب آقا عزیز الله نجل من استشهد فی سبیل الله ملاحظه نمایند

هو الأبهی

ای یادگار آن فدائی جمال ابهی مراسلات متعدده شما واصل و بر دلتنگی و احزان شما
اطلاع حاصل گردید احزان و آلام و بلایای من علی الأرض بتمامها اگر جمع
شود و با محن و رزایای این عبد مقایسه گردد قسم بحضرت
مقصود که حکم قطره و دریا دارد با وجود این از هر یک از احباب
مکتوبی رسید جمیعش آه و ناله و فریاد و فغان و انین و حنین دیگر
معلوم است با وجود صد هزار احزان قرائت آن اوراق چه تأثیری
میبخشد با وجود آنکه الحمد لله ابواب احزان بر وجه دوستان مسدود
امر الله روز بروز در اعتلاء بشارات ملکوت ابهی از جمیع جهات
محیط تأیید و توفیق یوماً فیوماً در مزید باید در امور بعین تعقل نظر نمود
بفکر و ملاحظه نظر کرد حال آن عزیز در بدایت نشو و نما باید بعون و عنایت جمال
ابهی در فکر تحصیل کمالات صوری و معنوی باشید و در ترتیب امور بکوشید و کارهای
خویش را منتظم نمائید در ارض اقدس بجمال قدم قسم که نهایت احزان موجود
و از کثرت آلام فرصت نفسی نه اگر حال شما را بخواهیم شما نیز مبتلا
باین محن و آلام میگردید و بکلی دلتنگ میشوید حال آنچه
بشما وارد گردد تذکر بذکر ما سبب تسلی قلب است و اشتغال بتبلیغ

باعث انشراح صدر باری امور تازه را بنحو نظم و ترتیب دهید
و همّت بنمائید و بجناب ادیب مراجعت کنید و مشورت
نمائید و آنچه مصلحت دانند مجری دارید سفارش بایشان
مرقوم میشود والله الذی لا اله الا هو که دقیقه از یاد تو فارغ ننشستم
و از فضل حق میطلبم که تأیید و توفیق عنایت فرماید که شمع مناقب
آن دودمان در قطب امکان روشن گردد و ذکر و اوصافشان
در صحائف کیهان ثبت گردد ولی باید شما آنچه امر میشود بکمال رضا
و سرور امتثال نمائید و فکر خود بکنار گذارید علی العجاله در طهران
باید امور شما نظم و ترتیب داده شود و بکاری مشغول گردید و در مسئله
عقل و دانش حرکت نمائید و کاری کنید که روز بروز اسباب روح
و ریحان فراهم آید نه اینکه اسباب تشتت و پریشانی فراهم
آید و در استقبال افسرده گردید باری آنچه جناب ادیب مصلحت
بینند مجری دارید و یقین بدانید که خیر شما در همانست و بدون آن
نجاح و فلاح نه شب و روز در خاطری و در محضر حاضر دعای تائید
میکنیم و طلب توفیق مینمائیم زیارتی در حق جد مجید و روح فرید
الذی تحمّل المشقات فی سبیل ربّه الوحید مرقوم شد در حق مکتوبست

والبهاء علیک ع ع

بورود زیارت اوّل باید با چند نفر از قبل عبدالبهاء قصد مرقد منوّر
آن متصاعد الی الله نمائید و بالنّیابه زیارت کنید والبهاء علیک
ع ع
مقابله شد

هو الله

جناب آقا عزیز الله علیه بهاء الله الأبهی

خطّ مبارک

هو الأبهی

ای یادگار آن دو کوکب درخشنده چندی بود در این ارض مقدّسه
در جوار روضهٔ مبارکه در مدینهٔ عکّا بودی و طائف حول مطاف
ملاء اعلی باین موهبت که منتهی آمال ملاء اعلیست موفّق و مؤیّد گشتی و در مجامع
توحید حاضر شدی و بذکر و ثنای جمال مبارک مشغول شدی
حال متوکّلاً علی الله قصد بلاد الهی نما و باطراف و اکناف توجّه
نما و بستایش خداوند آفرینش بپرداز تا چون طیور قدس در حدائق
عبودیّت بنغمات بدیعه مشغول گردی و انجمن ذکر را بشوق آری والبهاء
علیک ع ع مقابله شد

خطّ مبارک

هو الله

زنجان حرم من استشهد فی سبیل الله علیها بهاء الله الأبهی

(۴۷۳)

هو الله

ای مظلومهٔ آفاق دیدهٔ زمین و سپهر برین بر مظلومی آن خاندان
گریانست و قلب امکان سوزان کبد آفاق در اشدّ
احتراقست و احشاء کائنات در شعلهٔ لایطاق ولی
آنچه بران مظلومه وارد در سبیل الهی بوده و هر مصیبتی
که حاصل قطرهٔ از مصیبات چون دریای محبوب یکتاست
پس جزع و فزع مکن و گریه و مویه منما آن ستارهٔ روشن
اگرچه از افق این انجمن متواری شد امّا سر از مشرق ملکوت
بر آورد و در مطلع الهی طالع و لائح گشت و چون شمع در
محفل ربّانی روشن شد والبهآء علیه یوم ولد و یوم استشهد
فی سبیل الله و یوم بعث فی الملکوت الابهی

ع ع مقابله شد

خطّ مبارک

هو الله

ط ثمره شجرهٔ شهادت جناب آقا میرزا عزیز الله علیه
بهآء الله الابهی

هو الله

ای یادگار آن نجم بازغ همیشه بیاد توام و در فکر تو آنی فراموش نشده
و نخواهی شد مطمئن باش و مستریح چون این ارض این ایّام از دسائس
و وساوس بعضی نفوس بسیار در سر سر مضطرب است لهذا
شما را فرستادم زیرا نورین شهید شده اند و شما یادگار مانده اید
محافظه شما لازمست یقین است که شما را خواهم خواست ولی
تا این ارض مستریح شود صبر داشته باشید تأمّل کنید والبهاء علیک ع ع
جناب خان علیه بهاء الله الأبهی را تکبیر ابلاغ نمائید در آستان
مقدّس بذکرشان مشغولیم و ابداً فراموش نخواهیم نمود از ایشان
خبری تا حال نرسید جز آنکه وصولشان را احبّاء الله مرقوم نموده بودند
والبهاء علیک ع ع مقابله شد

هو الله

ط یادگار حضرت ورقاء جناب آقا میرزا عزیز الله علیه بهاء الله الأبهی
خطّ مبارک

الله ابهی

ای یادگار آن طیر حدائق ملکوت محرّرات متعدّدهٔ آن جناب
واصل و آه و انین از فراق بسمع واصل گشت حق با شماست
و این عبد آن جناب را احضار مینمایم یقین است ولی این ارض حال بغایت

مضطرب لهذا آنجناب باید امور آنامان را درست
تشییت بدهید وجمیع امور را منتظم نمائید انشاء الله چون
این ارض سکون حاصل نمود شما را خواهیم خواست مطمئن
باشید این را بدان که من بیش از شما در فکر شما هستم وامیدوارم
که بعنایت جمال ابهی شمع نطق حضرت ورقاء وانقطاع
حضرت روح الله کردی والبهاء علیک ع ع

دو محرّرات که خواسته ارسال کردید در جواب مقابله شد

جناب ورقا علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

ای ثابت بر پیمان الیوم خدمت عظمی بعتبه علیا ثبوت واستقامت
وثائی مژده وبشارت بطلوع شمس حقیقت این اعظم خدمات تا توانی پای
پرداز چون باین منقبت موفق گردی در ارض مقصود حاضری ودر محفل
ضیافت ناظر حال باین بپرداز تاج وهاجی که موفق بر تحصیلش
شدی تاج مبارکست مطمئن باش وبحضرت اخوی نهایت مهربانی
وتعلق وجدائی این بنده فانی جمال مبارک برسان او را دوست
میدارم وهمچنین حرم محترمش واطفال نازنینش دائمه الحق

والده محترمه را هردم سرور بی پایان خواهم و ترقی در عالم قلب و جنان

وعلیک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس ۱۹ محرم سنه ۱۳۳۹

حیفا

خط مبارک

در خصوص مسئله معهوده حال صبر کنید و در فکر راحت و روح و ریحان خود باشید تا مراجعت از اوروپ کند شما میدانید که عبدالبهاء چه قدر سعی و اهتمام نموده و مینماید عبدالبهاء عباس

مقابله شد

یا صاحبی السجن

در خصوص جناب آقا میرزا حبیب الله این سلیل الرضای جلیل است هر قسم باشد همتی نمائید با سایر یاران که بلکه انشاء الله مشغولیتی از برای او مهیا گردد ولو در سائر ولایات و یا خارج مملکت در نزد من این مسئله اهمیتی دارد نظر بمحبتی که بجناب آقا رضا دارم بجناب مؤید مدتی است جواب مرقوم شد و ارسال گردید البته تا بحال رسیده در خصوص عضویت در مجلس احبای الهی لازمست که بتمام قوت بخدمت دولت و ملت پردازند و بنهایت صداقت و خیرخواهی و پاکی و آزادگی حرکت کنند حضرات ایادی امر الله دائمی باید بهر قسم باشد عضویت در مجلس روحانی داشته باشند بجناب امام نهایت محبت مهربانی مجری دارید وعلیک البهاء الابهی

ع ع مقابله شد

خط مبارک

هوالله

ای امین عبدالبهاء در خصوص جناب عزیزالله خان مرقوم نموده
بودید شما میدانید که من چه قدر با وی محبّت روحانی وجدانی دارم و
اگر چنانچه خود را فانی در عبدالبهاء نماید چه ثمرات عظیمه در هر جهان
خواهد یافت چنانچه تجربه نموده است از روزیکه از عکّا
بطهران رفت متصل رجای مدن بعکّا نمود من در جواب
قطعیاً مینوشتم که باید در طهران مکث نمائی فی الحقیقه بزور
او را در طهران باقی گذاشتم بعد ثمرات معلوم و واضح گردید
حال نیز باید که محو و فانی باشد و بآنچه گفته میشود رفتار نماید
تا آنکه مشاهده کند که تأییدات ملکوتیّه از هر طرف
احاطه نموده است در خصوص مسئلهٔ معلومه عبدالبهاء
بموجب شریعت الله نجود او یعنی ورقه واگذاشته
بروح مبارک که ابداً دخل و تصرّفی ننماید اگر عبدالبهاء بموجب
شریعت الله عمل ننماید کسی چگونه باطاعت دین الله
دلالت نماید شما نهایت مهربانی مرا بایشان برسانید
و بگوئید که من او را پسر خویش میدانم و از درگاه احدیت

همواره رجا مینمایم که در آستان مقدّس بنده مقرّب
گردد شما او را بمحبّت من اطمینان دهید و مکتوب
جوف را برسانید والبهاء علیک
ع ع مقابله شد

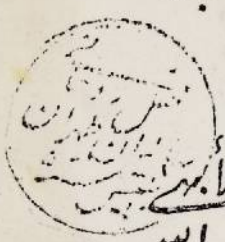

الأبهی

طهران جناب میرزا ولی الله خان ابن شهید علیه بهاء الله
یا صاحبی السجن
هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه رسید و تضرّع شدید
و ابتهال عظیم سبب شد که بدرگاه ربّ قدیم عجز و زاری گردید
و طلب تأیید بدیع شد که در پناه صون و عون اسم اعظم از مخاطرات
نفس و هوی محفوظ و مصون مانی و از بحر تقدیس نصیب گیری
و در هوای انقطاع پرواز نمائی و از هر تعلّقی آزاد باشی
و از هر آلودگی آزادگی یابی و امیدم چنانست
که روح مجسّم شوی و نور مصوّر گردی آسمانی شوی ربّانی
گردی رحمانی شوی نورانی گردی و اگر ممکن شود که در
نظارت خارجه بماموریّتی تعیین گردی بسیار مناسب است
و باین وسیله بخدمت امر پردازی و بعضی از نفوس دائره

خارجه را تبلیغ نمائی مرقوم نموده بودید که محفل ارتباط
شرق و غرب در ترتیب و تنظیم مدرسه نهایت اقدام را
دارند این خبر مشعر سرور عظیم گردید و محفل ارتباط
بالطاف خفیّه حضرت پروردگار مؤیّد و موفّق خواهد گشت
و همچنین مدرسه بنات انشاء الله بهمّت یاران نظیر مدرسه ذکور خواهند
گردید و انشاء الله معلّم و معلّمه از امریک خواهند فرستاد
حضرت عزیز عبد البهاء اخویرا تحیّت ابدع ابهی برسان
و علیک البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله

ایعزیز عبد البهاء جمال ابهی شاهد و واقف که من بجه مثابه بتو محبّت
دارم و در جمیع مراتب ترقّی و علوّ تو را خواهانم تا در درگاه احدیّت
اعظم بنده صادق باشی و مانند ستاره روشن و بارق
آنچه ترا بآن دلالت نمایم پی آن گیر مرا مقصد چنانست
که بخدمات فائقه موفّق شوی ملاحظه نمودی که آنچه خواستی
از طهران انفکاک یابی راضی نشدم عاقبت چه قدر مثمر ثمر
بود حتّی بآن حدّ نمت معلومه موفّق گشتی باجناب امین
در امور

در امور مشورت نما زیرا امین من است وعلیک البهاء الأبهی

ع ع

گوش بروایات و حکایات کسی مده اضغاث احلام است

ع ع

حتّی مخابره بالنفسی در اینجا منما هر کس بخیال خود حرفی زند و اظهاری کند والسلام

ع ع

مقابله شد

حضرت مؤیّد الدّوله علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای نفس مؤیّد نامهٔ فصیح و بلیغ چون نافهٔ مشک معطّر بود رائحهٔ
ایمان و ایقان و ثبوت بر پیمان منتشر نمود فی الحقیقه آیت حبّ
بود و برهان ثبوت قدم در امر جمال قدم بمجرّد قرائت
توسّل و تبتّل بدرگاه احدیّت گردید که ای خداوند مهربان
این بندهٔ آستان را روح مؤیّد کن و نور مجسّم فرما آرزوی
دل و جان بخش و پاسبان عتبهٔ علیا فرما موفّق بنفثات روح
القدس کن و در صون حمایت محفوظ و مصون دار در دنیا
مورد عطا کن و در جهان بالا محبوب اصفیا فرما شفای حقیقی بخش و اطمینان نفس عطا کن در دو جهان بعتبهٔ مقدّسه مشرّف فرما
الهی الهی هذا عبدک المنجذب بنفحات قدسک المشتغل بذکرک
المشتعل بنار محبّتک قد تأجّجت فی قلبه شعلة الهدی و توقّدت

نیران الشوق بین ضلوعه والأحشاء وقام بالوفاء فی عتبة
قدسک العلیاء رب رنحه من کأس مزاجها کافور وادخله
فی حدیقة السرور بالفضل الموفور ویسر له کل معسور واستجب دعائه ووفقه
فی جمیع الأمور رب انه اتبع الهدی بین عصبة من اهل الهوی وثلة من اولی
الشقی قدر له ما یتمنی واجعل له مقاما علیا

ای ثابت بر پیمان آنشخص محترم بآیه مبارکه قرآن تمسک فرمود
قال اولم تؤمن قال بلی ولکن لیطمئن قلبی این آیت عین حقیقت است
هرچند این طلب از لسان قوم بود ولکن حضرت خلیل موفق بایمان
تام برب جلیل شد بعد اطمینان عظیم خواست نه اینکه بجهت ایمان
خدا را امتحان کرد لیس لاحد ان یمتحن اهل الحق بل لاهل الحق ان یمتحنوا
العباد اقوام شتی سرور کائنات حبیب حضرت کبریاء
علیه التحیة والثناء را امتحان نمودند واین را شرط ایمان قرار دادند
قومی گفتند لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الأرض ینبوعا
حزبی گفتند او تکون لک جنة من نخیل وعنب فتفجر الأنهار
خلالها تفجیرا رهطی گفتند او تسقط السماء کما زعمت علینا
کسفا وامثال ذلک درجواب اینها مأمور شد که بفرماید
سبحان ربی هل کنت الا بشرا رسولا لهذا آنشخص محترم
باید بایمان تام فائز شود تا لیطمئن قلبی فرماید ومفاد این آیه را

حضرت ابراهیم از برای ضعفا خواست ولکن محض خضوع و خشوع نسبت
بخود داد چنانچه حضرت حبیب نجار در خطاب بقوم فرموده
مالی لا اعبد الذی فطرنی والیه ترجعون مقصود مبارکش مالکم لا تعبدون
الذی فطرکم والیه ترجعون والا حضرت خلیل جلیل بود نفس مطمئنه
بود راضیه مرضیه بود نفس قدسیه بود مع ذلک یؤید من یشآء
علی ما یشآء و یفعل ما یشآء ولا تیأسوا من روح الله ولا تقنطوا من رحمة الله بین رحمة الله
ورحمته ویجعل له من امره رشدا و تیقن بقوة القلب ان الشفاء بید الله
لیس بید الاطباء ویترک آلة التحلیل بید ه لان تحلیل الماء یورث
التردید ولیس علاج الاطباء الا وسیلة ضعیفة لیه تأثیر فی
وصف الشفاء لا فی اصل الشفا شخص محترم اگر بایمان تام راسخ
ثابت چون خلیل جلیل فائز گردد شفا را حتما مقتضیا اند و عنوان
مستعار از برای ایشان محرم جنوبی باشد وعلیک
البهآء الابهی عبد البهآء عباس ۹ محرم ۱۳۳۹ حیف

مقابله شد

۹

جناب محرم جنوبی بجهت این نقاهت بسیار متوهم حتی نفس
خود تحلیل فاروره میسپارند و معالجات متنوعه مینمایند اگر
چنانچه مصر در معالجه هستند شب را عادت کنند زود بخوابند

در لوح اصلی در سه کلمه محو شده

بعد از خروج از طهران از کرمانشاهان نامه ئی از شما رسید و بس
دیگر خبر منقطع گردید البته تفصیل احوال مرقوم دارید و در هر ماهی
باید نامه ئی از شما برسد و از آقا میرزا ولی الله خان نیز خبری نیست
اگرچه قلب در نهایت انتباه و انجذابست ولی چشم را نیز
بهره و نصیبی ع ع مقابله شد

طهران جناب ابن شهید آقا میرزا عزیز الله خان علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن
هو الله

ای سلیل حضرت شهید عزیز عبد البهاء نامه ۲۹ ربیع الثانی رسید
و از تفاصیل اطلاع حاصل گردید الحمد لله بخدمت موفقی و بعبودیت آستان
حضرت بهاء الله قائم و مؤیدی و در نزد عبد البهاء معزز و مقربی
پروردگار عالمیان محض فضل و احسان هیکل ایران را بخلعتی مفتخر فرموده
و ایران را تاجی بر سر نهاده که جواهر زواهرش بر قرون و اعصار بتابد
و آن ظهور این امر بدیعست زیرا هر امتی و ملتی که بنهایت انحطاط
و اضمحلال مبتلا شد تا رستخیز عظمی نگردد برنخیزد مانند مریضی
که مرض مزمن یابد با رهنگ و خاکشیر تأثیر نکند و خطمی و بنفشه
دفع اندیشه ننماید طنطور خطائی خواهد و معجون الهی شاید تا هیجان عظیم
در خون حاصل گردد و بحران کافی وافی نماید باید در تاریخ سلف تعمق

نمود

نمود مثلاً قوم عرب باسفل درکات انحطاط افتاد و بپستی
و نیستی معتاد گشت و از علویت هستی محروم گشت . بتدابیر
ترقی و نشاط ممتنع و محال بود زیرا قوهٔ تدبیر ابوذر فقیر را
امیر نمیکرد و فکر و اندیشه انسانی عمار یاسر تمار را کامرانی
نمیداد افکار و آراء عقلا جزیرة العرب را باوج عزت
ابدیه نمیرساند و قیاصره و اکاسره را مغلوب و مقهور آنقوم
بیسر و پا نمینمود ولی قوت معنویه بمیان آمد نور نبوت درخشید
رستخیز عظیم حاصل گشت هیجان شدید در عروق و اعصاب
ظاهر شد لهذا آنقوم بلید را در ایامی عدید از اسفل درکات
ذلت باوج عزت رساند ایران و توران مقهور شد
و امپراطوری رومانی مخذول و منکوب گشت حال چنین امر
عظیمی بقوه تدبیر ممکن لا والله این قضیه مثل آفتابست
اکنون ایران نیز چنین است بعربده و های و هوی انقلابیون
و حسن تدبیر اعتدالیون و کفایت و درایت سیاسیون
از این انحطاط نجات نیابد ولی ملاحظه خواهید کرد که بتأیید
الهی ایران چنان فوران نماید که سیل جانبخشش اقالیم عالم را سبز و خرم
نماید ولی افسوس که ایرانیان از این موهبت کبری در نهایت غفلت و نسیان

کوهسری طفلی بقرص نان دهد اما مشیت الهیه تعلق یافته
و قوهٔ معنویه در ایران نبعان نموده هذا امر محتوم و وعد غیر
مکذوب بحضور فاضل معالیموفور این قضیه را عرض نمائید
که با وجود اینهمه اخراب متخاصمه و آراء مختلفه و مفاسد خفیه و جمعیتهای
سریه معلوم است که نتائج مفیده مستحیلست انسان باید بنیاد
بنهد و بنیانی بنماید که ایوانش از کیوان بگذرد پس شخص دور
اندیش تا تواند خدمتی بدیوان الهی کند تا بایوان رحمانی پی برد
یعنی ایرانرا بیدار کند که بآنچه سبب استحکام بنیانست تشبث
نمایند و آبادی ابدی جویند و قوتی در عروق و اعصاب
مانند روح سریان نماید که در کمال سرعت ترقی کند و بر سایر
ملل تفوق جوید ملاحظه نمائید که دو دولت استبداد بر قلع
و قمع این آوارهٔ سالهای چند قیام نمود علی الخصوص عبد الحمید ولی
این عبد توکل بر حق نمود و با تمام قوت مقاومت کرد و استقامت
نمود عاقبت ایوان وسیع آنان ویران شد ولی بنیان ضعیف
این عبد نمایان گشت آنان تاج و تخت را بباد دادند و با وجود
دو کرور سپاه مغلوب و مقهور گشتند ولی این عبد بی ناصر و معین
فرید و حید در حالت اسیری و بی مجیری مسجون در قلعهٔ
عکا بود با وجود این بحمد الله بقوهٔ محبت الله چنان فتوحی

حامل شد که در زیر زنجیر تسخیر کشور امریک کشت و در زندان تاریک
و تنگ غلم در ممالک فرنگ بلند شد حال اگرچه معلوم نیست
ولی بانگ این دهل بما داد معلوم میشود
حضرت رسول روحی له الفدا، وقتیکه در حرب خندق محصور
احزاب بودند و بحفر خندق مشغول شدند سنگی
گران پیدا شد و یاران نتوانستند از جای برانداز ند حضرت
باعموم اصحاب حاضر شدند که آن سنگ را قلع و قمع فرمایند
عصائی در دست مبارک بود در چنین حالت بران سنگ
زدند فرمودند ممالک اکاسر فتح شد دوباره زدند فرمودند
اقالیم قیاصره بستخر کشت جمعی از منافقین که در انجا همراه
حضرت بودند گفتند سبحان الله این چه حرفیست ما
محصور قبائل ضعیفهٔ عرب هستیم حتی آب و کیاه از ما مقطوع
و مخذول و منکوب این شخص فتوح ممالک اکاسره و قیاصره
مینماید این چه حکایت است و این چه روایت چندی
نگذشت وقتیکه همان اشخاص عرب وارد ایوان کسری شدند
گفتند هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق المرسلون
حال ملاحظه نمائید که قوت معنویه چه میکند علی الخصوص
تعالیم بهاء الله و اسرار این امر و اساس این ظهور

Provided by the Afnan Library

منکر ندارد آفاق مانند ماهی لب تشنه است و
تعالیم جمال مبارک آب روان نه جیفی و نه سیفی
و نه تکفیری و نه تدمیری و نه تضییقی و نه تعرضی
و نه تکلفی شمشیرش اعلان وحدت عالم انسانی تیغ
جهانگیرش موهبت رحمانی قوهٔ جنديهٔ اش محبت الله
قوانین و آئین سپاهش پیمان معرفت الله پهسالارش
نور هدایت الله اصول و قوانینش محبت و مهربانی با جمیع
نوع انسانی بدرجه ئی که حتّی بیگانه آشنا است اغیار یار
دشمن دوست بدخواه خیرخواه و باین نظر رفتار میشود
زیرا خطاب بعالم انسانی میفرماید یعنی جمیع ملل

که همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار

ع ع مقابله شد

طهران

جناب آقا میرزا عزیز الله خان سلیل حضرت شهید علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ دوم رمضان ۱۳۳۲ وصول
یافت مضمون تبتّل و تضرّع بملکوت ابهی و معانی

دلیل ثبوت و وثوق در امر الله حمد خدا را که سلیل شهید
بر مشرب پدر جلیل و جانفشان در این سبیل و همواره بعجز و انکسار و ذل
و اشتعال خادم این امر عظیم و ملتهب بنفی هذا ان
لک مقام لمع ابیک فی ملکوت الأبهی

از ملاقات سروران ایران اشخاص محترمه مرقوم نموده بودی
بسیار موافق این نفوس هنوز بعظمت امر ملتفت نشده
و خبر ندارند که چگونه در آفاق شعله زده چندی در پیش مکاتیب
بسیاری از المان رسید بسیار خوب بود اگر خیر خواهان
ایران اطلاع بر این مکاتیب می یافتند انشاء الله بایک
امین ارسال میشود ملاحظه خواهید نمود که در چنین وقتی که جمیع اهالی
المان ذکورا و اناثا حتی اطفال شب و روز بفکر جنگ و جدال
و در نهایت جوش و خروش آهنگ قتال بلند است در چنین وقتی
بلبل گلشن توحید در آن گلزار و چمن چه کلمات معنوی زده است
و نار محبت الله چه شعله ئی افروخته است فریاد یا بهاء الابهی
که باوج ملاء اعلی میرسد در هر روز جمعی بظل سدره منتهی میشتابند
نور هدایت میتابد و خورشید حقیقت میدرخشد باری دفکر

آن باشید که بعضی از علما بیدار کردند و اشخاص مهمّه
آگاه شوند بشخص محترم عرض کنید که آن دو شیر همسایگان
شمال و جنوبند آنچه در دهن داشتند ایرانست امید
دارم که در دستمال شما بیندازند چنانکه در پاریس صراحتاً
ذکر شد که هر چند ایران پر انقلابست ولی مستقبل
دیگران نیز در خطر است شاید بخاطر آرند باری مقصود اینست
الیوم فلاح و نجاحی جز روش و حرکت بموجب نصایح و وصایای
الهی نه این تعالیم آسمانیست که ایرانرا احیا میکند امّا بشرط
عمل ملاحظه کنید که خطّهٔ ایران الآن اقلیم صغیریست و احزاب مختلفه
با یکدیگر در نهایت بغض و عدوان تجارت مختل صناعت
معدوم زراعت ناقص چیزیکه بسیار است مفسدین که بانواع
حیل میکوشند تا بنیان ایران برافتد با وجود این چه امید
نجاح و فلاح مگر اینکه موفّق بامری گردد که در بین جمیع عالم و جمیع
ملل ممتاز بلکه اقالیم سائره خادم ایران گردد بدون این این
کشور افسرده تازه و تر نگردد و این اقلیم ویران معمور و آبادان
نشود در المان محفلهای متعدّده تشکیل شد در یک
طرف بیرق المان و طرف دیگر علم مبارک

ایران و حاضرین فی الحقیقه آن علم را پرستش مینمودند و بنهایت
احترام می پرداختند و رسم آداب مجری میداشتند و علیک
البهاء الابهی مقابله شد

طهران

جناب عزیز الله خان ابن شهید علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی الجن هو الله

العزیز عبد البهاء نامهٔ ۲۵ صفر ۱۳۲۹ رسید از مضمون چنان
معلوم گردید که جواب نامه از عبد البهاء هنوز بشما نرسیده
و حال آنکه بخط خود نگاشتم و ارسال داشتم امید چنین است
که تا بحال رسیده همچو گمان منما که دقیقهٔ از ذکر تو فارغم تو یادگار آن
شهید جلیلی چگونه فراموش نمایم و هر وقت بتو نامه نویسم
بیاد آن بزرگوار افتم و نهایت تأثر حاصل گردد حتی در اکثر اوقات
وقت تحریر نامه چنان حسرتی حاصل شود که چشم اشکبار گردد
با وجود این چگونه از ذکر تو فراغت حاصل شود مطمئن باش که
من از خود تو شنودم و از الطاف جمال مبارک مستدعی که در جمیع امور
مؤید و موفق باشی تکلیف شما اینکه حال در ایران باشی و منزل
و خانهٔ خویش را محل تبلیغ اعاظم رجال نمائی یا موقع دیگر محل خلوت
تهیه و تدارک نما تا طالبان از بزرگان خوف حضور
نداشته باشند مکالمهٔ که با آن شخص مهم نمودید

بسیار مواقق خوب جواب دادید مارا با حزب انقلاب
واضحست که ارتباطی نیست و عداوت و بغضای بعضی از حزب
انقلاب حزب یحیی با این حزب مظلوم برهان کافی است و نزد کل
واضحست بستگان یحیی غیر حضور با حزب انقلاب ارتباط دارند
وآنان در نهایت عداوت و بغضا باری بهائیان در امور سیاسی
دخل ننمایند بلکه بتربیت ابنای ملت پردازند و ترویج علوم
ومعارف کنند و تحسین اخلاق بکوشند خیمهٔ وحدت عالم
انسانی برافرازند و ندای مساوات بشری بلند نمایند
بنیان جنگ و جدال براندازند و ایوان صلح و صلاح بیارایند
با وجود این چگونه با حزب انقلاب ارتباط نمایند و بسبب
این مقاصد مقدسه و نوایای طیبه بهائیان نفوذ در آفاق نموده اند
و نصیحتی که شما کردید فی الحقیقه راست گفته مارا با امور سیاسی
چه کار حزبیکه تاسیس وحدت عالم انسانی نماید البته
توغل در امور سیاسی منافی آن زیرا شخص دیپلومات باید همیشه مقاصد
خفیهٔ خویش را ترویج نماید و این منافی نوایای صلح و سلام و خلوص
و وفاست من در حق ایشان دعا نمایم و تائید و توفیق
آسمانی خواهم فی الحقیقه خیر خواهند و ملت پرست و غیور و صبور

در جمیع امور ایکاش دیگران نیز تأسی بایشان مینمودند آنوقت ایران
و ایرانیان مشمول لحظات عین رعایت گردند و توفیقات و تأییدات
ناکهانی رسد بحضرت احمد شخص محترم پیام آشنائی برسان و بکو
انسان باید در مزرعهٔ پاک تخم افشاند تا انبات کرده و بر سحاب
ابر عنایت سبز و خرم گردد و توده توده ثمر من تکمیل نماید جمیع خلق از دنیع
و شریف در شوره زار تخم افشانند لهذا عاقبت بی شکوفه و برگ
و ثمر مانند سالار محترم را بقوت و نفوذ اسم اعظم آگاه نمائید
و جلال معلوم را هر نوع هست مسرور و خوشنود نمائید بقسمیکه
آزردگی و دلگیری نماند حضرت اخویرا با ضلع محترم تکبیر ابدع ابهی
برسانید و علیک البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله

یا ابن الرجال الرشید الشهید از شهر مالدن مصمم عزیمت بمنتریال قناد اشمال امریکا شدم
و آواره در آن دشت و صحرا مزاج بی نهایت محتاج راحت است ولی روح در نهایت
هیجان ابداً راحت و آسایش نخواهد و آرزوی مشاد در این سبیل نماید قوای
جسمانی بکلی در تحلیل است ولی الحمد لله تأییدات ملکوت ابهی محرک
قوای روحانی نهایت آرزو اینست که تا نفس اخیر عون و عنایت
معین و ظهیر باشد شاید موراینه عبودیتی باستان سلیمان حقیقی کرده و نفسی
در محویت و فنا در درگاه جمال ابهی کشیده شود ولیس ذلک علی الله بعزیز

تاکنون موفق نشدم بلکه بتضرّع و ابتهال یاران در پایان حیات
قدمی در این راه نجات بگذارم باری عبدالبهاء از آن عزیز همواره
راضی و خوشنود است و از الطاف حضرت مقصود امید تأیید موفور
دارد جناب ولی الله خان حاضرند و بمعاونت قائم الحمد لله سلاله
حضرت شهید مجید مانند پدر بزرگوار بخدمت قائم ابداً فرصت تحریر ندارم
کلّ یاران را نهایت اشتیاق ابلاغ دارید و علیک و علیهم البهاء الابهی
بنهایت استعجال مرقوم شد ع ع مقابله شد

طهران جناب عزیز الله خان ورقا

هو الابهی

۱۳۳۹

ایثابت بر پیمان نامهٔ شما که بتاریخ نهم شوال بود رسید بشخص
محترم و والاحضرت پدر مکرّم و برادر مبارک اختر ایشان از قبل من نهایت
احترام و تعلق قلب عرض نمائید از الطاف الهیّه امیدوارم
که بتأییدات ملکوت الله مؤیّد شوند تا تلافی مافات گردد بصراحت
پیش از واقعه پیام فرستاده شد و تأمینات کافیه داده گشت امید است
که آنچه از قلم میثاق صادر محقّق و واقع گردد امّا ایران را انقلاب در پیش زیرا
ایرانیان هنوز بیدار نشدند که جز تعالیم الهی پناهی نه و جز روش و سلوک
بهائیان حقیقی نجاتی نیست لابد زواجر میرسد تا سبب انتباه گردد و علیک
البهاء الابهی ۶ ذیقعده ۱۳۳۹ حیفا عبدالبهاء عباس
۵ شوال سنه ۳۳۹ مقابله شد

طهران جناب عزیزالله خان ابن الشهید علیه بهاءالله الابهی
یا صاحبی بسجن

هوالله

ایعزیز عبدالبهاء نامه رسید از تکسر مزاج شما و ناتوانی
و اسیری فراش حزن و اندوه حاصل گردید ولی
عاقبت انشاءالله صحت و عافیت است و شفای
تام در خصوص والا یفعل الله ما یرید و یشاء مرقوم نموده بودید
در اینخصوص مکاتیب متعدده مرقوم شد مفصل
بآذربایجان نگاشته گشت و بصراحت مرقوم گردید
که چون میرزا حسن مجتهد فتوی بقتل جمیع یاران داد و یکی از یارانرا
پاره پاره نمودند و اعلان کردند که جمیع بهائیان را باید قتل نمود
البته مسئله تبریز معکوس گردد و نتائج وخیمه بخشد و آن نامه
چهار پنج ماه است که در بادکوبه در نزد حاجی درویش مانده است
و در تفلیس نیز بعضی مکاتیب بتبریز در نزد حاجی محمد علی مانده است زیرا
از جهت اغتشاش ارسال ممکن نشده است تا آنکه دو ماه قبل شخص
مخصوصی از اینجا بآذربایجان روانه شد که آن مکاتیب را گرفته ببرد
و برساند در آنمکاتیب از پیش اخبار داده شد که تبریز
خونریز گردد و حزب میرزا حسن مجتهد مغلوب و معکوس
و مخذول شود اگر چنین نمیشد جمیع احبای الهی را در آذربایجان بقتل

میرساند وهم چنین مسئلهٔ یفعل الله ما یشآء و یرید بطهران مرقوم شد
و مسئلهٔ سنکسر نیز منضم باین مسائل کردید و اما سید یحیای بزرگوار
نیز در سیرجان شهید کردید و حکومت خونخواهی ننمود
لهذا در تأیید فتور حاصل شد ولی بجمیع مرقوم کردید که باید نهایت
اطاعت بحکومت نمائید و بی طرف مانید و بجمیع احزاب
مهربانی نمائید ولی در نزاع و جدال ابداً مداخله ننمائید و بکرات
و مرات مرقوم شد که تا دولت و ملت با یکدیگر مانند شیر و شکر
آمیزش نیابند راحت و مقصود حصول نپذیرد باری احبای الهی
باید بکلی اجتناب از مداخله کنند و هر کس در امور سیاسیه بکلمهٔ
مداخله نماید البته بمشکلات عظیمه افتد زیرا مخالفت نص الهی
نموده شما جمیع را منع از مداخله کنید ما بر حالت اولی هستیم
ابداً در فکر و رأی تغیر و تبدلی حاصل نخواهد شد در حق دولت
دعا نمائیم و از برای ملت روح و ریحان طلبیم اما شما مأذون حضورید
تا با شما ملاقات نمائیم و بعد عازم فرنگستان شوید اما زفاف
میرزا ولی الله خان را مجری دارید بجناب مستر اسپراک تحیت
ابدع ابهی ابلاغ دار و در نهایت مهربانی باشید دو بسته
اوراق که محب السلطان ارسال نموده بودند رسید و بجناب

این تحیت ابهیٰ بلاغ کن وجناب ارسطوخان اگر نخواهند در سفر
همراه شما باشند مأذونند جناب آقا سید جلال اجازه
حضور دارند وعلیک البهاء الأبهیٰ ع ع مقابله شد



خلیل جلیل حضرت شهید جناب آقا عزیزالله خان

هوالابهی

ای بنده آستان مقدس نامهٔ شما که بتاریخ ۷ رمضان ۳۳۹
بود رسید واز مضمون عبودیت آستان حضرت یچون
مشحون بود همانست که مرقوم نموده بودی مشاغل عبدالبهاء
بی پایان ودر زیر بار گران باو گو واین همه دم تفقد از حال
یاران حقیقی ننماید ملاحظه فرما که محبت بچه درجه است فاشکرالله
علی ذلک انقلاب ایران ساکن نگردد پی در پی است
تا ثابت ومحقق گردد که جز نقاليم ووصایای جمال
مبارک سبب راحت وسکون نشود مقصود اینست این تعالیم
که در یاق این سم نقیع وعلاج سریعست مجری گردد حتی
هر ملتی ودولتی از قریب وبعید آشنا وبیگانه اگر بموجب
وصایا وتعالیم الهی در امور سیاسیه قیام نمایند

یقین است که موفّق و مؤیّد گردند ای دوست حقیقی آنچه از قلم
میثاق در حق بعضی بکرّات و مرّات صادر آشکار و ظاهر
شد حال باید که تلافی مافات گردد ما در حق ایشان بدرگاه
احدیّت تضرّع و ابتهال مینمائیم و طلب تأیید و توفیق میکنیم
بجناب اخوی نهایت محبّت و مهربانی از قبل عبدالبهآء ابلاغ
دار حیفا ۱۱ ذیقعده ۱۳۳۹ عبدالبهآء عبّاس

خط مبارک در قضیّه معهوده تا یک سال مراجعت خواهد نمود آنوقت
بقدر امکان آنچه باید و شاید گفته میشود تو میدانی که من
چه قدر بتو مهربانم ع ع مقابله شد

طهران سلیل شهید مجید جناب عزیزالله خان علیه بهاءالله
یا صاحبی السجن

هوالله

ایثابت بر پیمان و یادگاران یار مهربان مکتوب شما رسید و بر مضمون
اطّلاع حاصل گردید و تلغراف فوراً ارسال شد که رفتن باروپ را
موقوف نمائید زیرا رفتن بانصفحات نظر بحکمتی از برای شما جائز
نه شما محض سیاحت روید ولی اولیای امور تصوّر دیگر نمایند
و وجود شما الآن در طهران بسیار لازم لهذا اذن حضور نیز داده نشد
بسیار محرمانه مرقوم میشود بعضی از اولیآء امور را ظن و اوهام چنان که شما

راپورت امور ایران بخارج میدهید و باین سبب در نزد خارج
مقرب شده اید اگر چنین است مخالف اوامر قطعیه نور مبین است
و کل مأمور بآنیم که بکمال صداقت و امانت بحکومت محلیه رفتار کنیم
بلکه خدمت فرض و واجب است بر هر فردی از افراد من این را باور نکردم
و ابداً قلبم باین راضی نشود که تصوری چنین نمایم ولی من باب تکلیف الهی
این خبر را مینگارم بدون آنکه ادنی تصدیق نمایم من باب حکایت
و روایت است بلی اگر نفسی در نزد اداره از اداره های خارجه موظف
باشد باید در نهایت صداقت و امانت بآن اداره خدمت کند
آرام نگیرد و استراحت ننماید تا آنچه مکلف بآنست در خدمت
آن اداره مجری دارد و هر چه بیشتر بذل همت کند بهتر است ولی
بشرط آنکه ضرر بدولت متبوعه خویش و مملکت و وطن نداشته باشد
اگر چنانچه انسان چشم از این بپوشد مخالفت علویت عالم انسانیت
و ممنوع بموجب نصوص قطعیه ربانی باری امیدوارم که احبای الهی چنان
سلوکی نمایند که جمیع جهانیان از ملوک و مملوک امین از آن نفوس باشند علی الخصوص
شما که ثمره شجره شهادتید و سلیل آن سلاله عظیم المنقبت آنچه نگاشته شد
من باب حکایتست نه تصدیق این روایت را
جواب زود مرقوم نمائید
و علیک التحیة و الثناء مقابله شد

هوالله

طهران جناب ابن الشهید آقا میرزا عزیزالله و آقا میرزا ولی الله و آقا
خط مبارک میرزا افضل الله علیهم بهاء الله الأبهی

هوالله

ای رشحهٔ مقرّب درگاه کبریا آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید حق با شماست
و من نیز در نهایت محبّت بشما هستم امّا الآن حکمت چنین اقتضا مینماید
که آقا عزیزالله بشغل خویش در نهایت غیرت و صداقت و همّت مشغول
باشند و جناب میرزا ولی الله نیز بکمال همّت در تحصیل فنون بکوشند
و جناب آقا میرزا افضل الله نیز بشغل و عملی مشغول شوند و در ضمن کل بقول
و عمل و رفتار و اخلاق ترویج امر الله نمایند تا وقتی که حکمت
اقتضای حضور نماید من دائماً در حق شما عجز و نیاز نمایم و طلب
تأیید کنم والبهاء علیکم ع ع مقابله شد

یا بهی الابهی

هوالله

طهران بواسطهٔ جناب امین

جناب میرزا عزیزالله خان ابن الشهید علیه بهاء الله الأبهی

هوالله

ایسلیل آنشخص جلیل هرچند چندیست که این خامه بنام تو نامه ننگاشت
ولی دائم ذکر ترا نمایم و بیاد تو مألوفم و همواره از خدا خواهم که
در جمیع موارد مؤیّد گردی تا بتوفیق ربّانی خدمتی بعالم
انسانی

انسانی نمائی و مصدر سنوحات رحمانیّه شوی و بروش و
سلوک سبب تربیت دیگران گردی و علّت عبرت
غافلان شوی بصفات و کمالاتی محشور گردی که نادانانرا ادراک
و شعور بخشی و فضائل عالم انسانرا بنمائی علی الخصوص با حضرت
رئیس نفیس چنان صداقت و امانت و دیانت و همّت بنمائی
که خدا از تو راضی گردد و عبد البهاء از تو مسرور شود آنشخص
محترم نهایت امنیّت و اطمینانرا از شما دارد شما نیز بمقابلی پاکی
نیّت ایشان بخدمت پردازید و آنچه سزاوار شخص بهائی
و لایق بندهٔ آستان مقدّس است بکار برید و علیک
التّحیّة و الثّناء ع ع مقابله شد

طهران جناب آقا میرزا عزیز الله خان سلیل حضرت شهید علیه بهاء الله
یا صاحبی السّجن
هو الله

ای عزیز عزیز گمان منما که نفسی برآرم مگر آنکه بیاد تو افتم و از فضل
و عنایت حق عون و حمایت تو خواهم و صون و رعایت تو
جویم از خدا خواهم که همواره ملحوظ نظر عنایت باشی و منظور
عین رحمت الحمد لله اسبابی بجهت مشغولیّت شما در آنجا فراهم آمده ولی باید
که در نهایت صداقت و همّت و غیرت و خیرخواهی و راستی بخدمت

حضرت رئیس بنک بپردازی و چنان رفتار کنی که قلبا از تو راضی باشد بلکه خدمت نمایان ظاهر و آشکار کنی الآن میتوانی که آنچه از صدق و صفا و علو همت در قوه و استعداد داشتی ظاهر و عیان نمائی قدر حضرت رئیس را بدان و نهایت اهتمام در آن نما که روز بروز صدقت ظاهر تر گردد و نیتت واضح تر شود و خدمتت بیشتر گردد و علیک التحیة والثناء

ع ع مقابله شد

جناب میرزا عبدالله خان علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

هو الله

یا الهی کیف اذکرک وانطق بثنائک واتفوه بنعوتک ومحامدک ولم یکن ذکری وثنائی الا اصوات مرتفعة من فم اشتغل بذکر غیرک منبعثة من قلب التهی بشئون منعته عن جمالک واشغلته بسواک فکیف یلیق ان یتصاعد الی سماء بهاء احدیتک وینبغی ان یصل الی ساحة قدس حضرة الوهیتک وانی یا الهی بعزة فیوضک اختجل من ذکری وثنائی واستحیی من نعتی وبیانی فانی اری بان النفوس المقدسة یحررون ثنائک بمداد دمائهم المسفوکة فی سبیلک علی الالواح المنشورة فی صحائف الآفاق ویثبتون محامدک ونعوتک

باقلام اهدابهم ودموع آماقهم على صفحات الخدود والوجوه
لطائف تحيه بشارات يوم الاشراق مع ذلك يا الهي
فهل من الانصاف ان اشق لشفتي بكلمة من النعوت والاوصاف
لافوحضرة عزك لايجوز لي لاهمس ولاذكر ولاغنت ولانسبح من يديك
عند توجهي اليك وتوكلي عليك اذا يا الهي اصدقني وامنع
نطقي عن البيان واسكت العنان في هذا الميدان وارجع
الى ذكر نفوس انجذبوا بنفحات قدسك واشتعلوا بنار محبتك
وخاضوا في بحار معرفتك وطاروا الى افق توحيدك وساحوا
في امواج تحميدك واستنشقوا نفحات ازهار الاسرار من رياض
تفريدك وتضلعوا نسمات الاسحار من هبوب حدائق تجريدك
ومنهم ورقاء ايكة تقديسك الذي تغرد على فروع سدرة
رحمانيتك وترنم بابدع الالحان في جنة الرضوان بايقاع
منع الطيور من الطيران والمياه عن الجريان وصدح بنغم جذب
به قلوب الملاء الاعلى واطرب حوريات الجنان المقصورات
في خيام العرفان فكانت كل نغمة منه كلمة عليا بل فريدة
نوراء وخريدة غراء وتيمة عصماء تهتف بذكره طلعات النور
في الجذور العليا ايرب انه شرب رحيق عرفانك منذ نعومة

اطفاره واشرقت انوار اسراره واستبشر بنفحات رياض
الطافك وبنى لندائك واصغى بنسمة حبك وانشرح
صدر ابظهور جمالك واخذته نشوة صهباء توحيدك
اخذا نسى نفسه وروحه وذاته وطار من رياض الى غياض وغرد وصدح
وترنم بنغمات اهتزت منها الارواح وحنت الى ملكوت توحيدك
يا خالق الاصباح ومنور مصباح وجهه بنور الافراح فى يوم الميعاد وبلغ
امرك ودعى النفوس الى مشرق وحيك ومطلع الهامك ونشر نفحاتك
واعلى كلمتك وهدى الطالبين الى صراطك المستقيم واخذ الكائنين
الظهور مزاجها كافور وسقى المتعطشين لزلال عذب معرفتك الظمآء
لمعين تسنيم مودتك وهاجر فى البلاد وسرع حتى تمثل بين سلطان
احديتك وتشرف بلقاء ملكك وحدانيتك وفاز بالاصغاء
لخطاب جمال ربوبيتك وفاض عليه البحر الاعظم بامواج اغرقته فى طمطام
فضل الوهيتك ثم رجع منك اليك ناطقا بثنائك مناديا
باسمك مستبشرا بعطائك محدثا بنعمتك بين بريتك
فلما يا الهى ابتلى بالفراق وشرب سم الابتعاد حنين حنين الى العزام الى
افقك الاعلى وملكوتك الابهى وناح وبكى وصاح واشتكى و
انقطع عن الخير الادنى وتعلق بالملاء الاسنى وسرع الى ميدان
الفدا مهللا مكبرا وفدا روحه فى سبيلك يا مالك الاخرة
والاولى واستشهد منقطعا منجذبا مشتعلا ناطقا مناجيا

فرحًا مستبشرًا ايرب اسئلك بانقطاعه عن سواك وانجذابه
بنور جمالك واشتعاله بنار محبتك وانسجام عبراته في
حبك وانصرام صبره في شوق جوارك واضطرام نار غرامه في
عشقك وفدآء روحه في سبيلك بان تجعلني من عبادك
الذين ركضوا الى مشهد الفدا بشوق تهلل به وجوه الملاء الاعلى
وتهلهل به اعين الحوريات في الجنة المأوى ثم اثبت اقدام اهل الوفا في
على عهدك وميثاقك يا خالق الورى وايدهم على التمسك بالعروة الوثقى
والتشبث بذيل رداء الكبريآء ثم احفظهم عن الشبهات المنتشرة
في بعض النحلات في حصن الشبوك والكهف الرسوخ
برحمتك يا قديم الذات واجعلهم سرجًا نورانية في زجاجات
الانجذاب ونجومًا زاهرة شعشعانية في آفاق التركوز على الثبات
وجبالًا راسيات على ارض الرسوخ والايقان ايرب
انى فقير اغنني بغنائك وذليل عززني بسلطانك و
متضرع اجرني في جوارك ومتبهل ارضني الليك ونجني من زلات
المتزلزلين وهمات الناكصين انك انت الكريم
الرحيم ع ع مقابلة

هوالله

بواسطهٔ آقا میرزا یوسفخان

طهران جناب آقا میرزا عزیزالله ابن حضرت شهید علیه بهاءالله الأبهی

یا صاحبی السجن

هوالله

ایّا بست بریمان مکتوبیکه از طهران مرقوم نموده بودی ملحوظ و مقروء گردید الحمدلله دلیل بر روح و ریحان بود و شاهد کافی بر ثبوت و رسوخ بریمان در خصوص تکلیف رئیس بنک مرقوم نموده بودی که خواهش همدمی در سفر نموده بود آنچه جناب ادیب موافق دانسته صلاح در آنست البتّه بآن موجب عمل نمائید اگر چندی در تحصیل طب فتور حاصل گردد ضرر ندارد بجناب آقا میرزا اسدالله خان مکتوبی مخصوص مرقوم خواهد گشت و چون مکتوب او بوساطت جناب آقا محمد آمده بود باز بوساطت او جواب ارسال میشود وعلیک التحیّة والثناء

ع ع مقابله شد

هوالله

جناب آقا میرزا عزیزالله ابن حضرت شهید سبیل عهد و میثاق علیه بهاءالله

خط مبارک

هوالأبهی

ای یادگار آن شهید بزرگوار چند روز پیش نامه‌ئی ارسال گردید و حال نیز باثر خامهٔ خویش این نامه مینگارم یعنی جناب خان مرقوم نموده اند که مکتوبی بخطّ خود بجناب عزیز بنگارم من نیز بحسب عادت

محفل روحانی بهائیان طهران ۵۳۰

Provided by the Afnan Library

دیرین خویش تمکین از احباب مذهب و کیش خود میشمارم لهذا در نهایت
محبت این چند سطر نگارش یابد و همواره بدرگاه ذوالجلال
عجز و زاری نمایم که ترا موفق برضا فرماید و مظهر عو و عنایت
نماید تا در دو جهان موفق و مؤید گردی تا توانی در ادارهٔ نی که هستی
بکوش که بصدق و راستی مسلم گردی و بغیرت و همت موفق
شوی تا حرکات و رفتار و گفتارت سبب تذکر و تنبه دیگران شود
و علیک البهاء و التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

محرمانه جز شما نفسی نباید مطلع گردد اگر مضمون این تحریر افشا شود نهایت مضرت را دارد

خط مبارک

هو الله

ای عزیز عبدالبهاء نصوحی بیک سفیر جدید دولت علیهٔ عثمانیه شخص کامل و
صادق دولت متبوعهٔ خویش است و بیغرض و عادل است
و آنچه بتواند در حق هر مظلومی کوتاهی ننماید نامهٔ جوف را در وقتی
بدون آنکه احدی از یار و اغیار احساس نماید باو برسانید
در خصوص شخص محترم اگر ممکن است بایشان محرمانه تاکید فرمائید که بهائیان
در این انقلابات ابداً مداخله ئی ننمودند و خیرخواهی و دولتخواهی در نهایت
استقامت ظاهر نمودند من از جمیع احزاب جز این حزب اطمینان
ندارم که در نهایت صداقت و امانت بحکومتند و مکلف بخدمت
و صداقت با ملوکند زیرا حضرت بهاءالله ایشانرا بنص قاطع امر نموده
ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک مناجات طلب تأیید بحضرت امین الله

هوالله

اللهم یا الهی انی اتضرع الی ملکوت وحدانیتک وجبروت فردانیتک ان یؤید بقدرتک النافذة فی حقائق الاشیاء وقوتک القاهرة المحیطة بعوالم الانشاء عبدک الذی لم یال جهدا فی صیانة المظلومین الفقراء ووقایة المضطهدین من الاحباء وتمسک بالعدل القویم وسلک فی الصراط المستقیم وما انحرف من القسطاس العظیم بهدی ایدته بجنود مجندة من الملاء الاعلی وجیوش عرمرمة من ملکوتک الا وانکمل علیه بفضلک النعمة العظمی بالتوفیق علی خدمة الشدة الملوکیة ومحافظة السلطنة الکبری حتی یکون حصنا للضعفاء وملاذا للفقراء وملجا لکل مستجیر وامنا لکل خائف ورکنا شدیدا لکل اسیر وغیثا لکل مستغیث وقاما لکل ظالم ودافعا لکل هاتک انک انت المقتدر العزیز القدیر وانک انت الرحمن الرحیم ع ع

جناب معلوم فی الحقیقه در جمیع مواقع خدمت بحق قیام فرمودند نصرت مظلوم فرمودند وحمایت محکوم حامی عدل بودند وبانی اساس انصاف وفضل این عبد در کل اوان حتی الغدات والاسحار در کمال تضرع وابتهال بدرگاه احدیت مبتهل که روز بروز چون تیر

شب افروز در بزم عزت ابدیه رخ روشن کنند وچون ستاره صبحگاهی ازافق کامرانی بدرخشند ولیس هذا علی الله بعزیز ع ع

مقابله شد

طهران بواسطهٔ خباز امین

جناب آقا میرزا عزیزالله خان علیه بهاءالله الابهی

۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۴

یا صاحبی السجن هوالله

العزیز من مکتوبیکه بواسطهٔ جناب میرزا ولی الله خان مرقوم بودید ملاحظه گردید وحوالی در خصوص محفل روحانی مرقوم شد ولی ملاحظه گردید حال مصلحت نیست لهذا ارسال نگشت زیرا ملاحظه شد ما آنچه خواستیم که اختلاف را از میان احباب برداریم سبب ازدیاد شد لهذا چاره جز سکوت نه این مسئله اختصاص بطهران دارد قزوین را ملاحظه نمائید که احبا چگونه در نهایت اتحاد و اتفاق اند باری شما سلیل جلیل آن شهید دشت بلا هستید از شما میخواهیم این کار را بکنید که بالکلیه انشاءالله این اختلاف آراء در طهران زائل گردد کسیرا با کسی تعرض نباشد و کسی بر کسی نخنده نگیرد جمیعا بالاتحاد والاتفاق بنشر نفحات الله مشغول شوند حال وقت آنست که کل ببناء بنیان پردازند نه بنقش و نگار این

Provided by the Aihan Library

اختلافات همه در سر نقش و نگار است و حال آنکه ابداً وقت آن
نیست و اگر کسی بآن پردازد اوقات را بیهوده گذراند باری ای عزیز من از تو
میخواهم که انشاء الله سبب شوی این بهانه ها در میان نماند کل بندهٔ
یک درگاهیم و عبید آستان یک بارگاه خواجه تاشانیم و
موعود به بهترین پاداش جمیع یاران الهی را تحیت ابدع ابهی
ابلاغ دارید و علیک التحیة والثناء ع ع مقابله شد

طهران جناب آقا عزیز الله ابن الشهید علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن

هو الله

ای یادگار آن شمع روشن شهادت کبری مکتوبی از شما رسید
و بر مضمون اطلاع حاصل گردید از خدا بخواه که در جمیع موارد مورد
تأیید رب مجید شوی و مؤید برکن شدید این ایام بسیار
عزیز و عظیم است اما جهد و کوشش شدید لازم تا تأیید عبودیت
حاصل گردد و انسان بخدمت آستان مقدس موفق
شود پدر بزرگوار را ملاحظه کن که بچه انقطاع و جانفشانی باینمقام
روحانی رسید و مظهر فیض نامتناهی شد آن
صبیه را نام بهائیه گذارید و علیک
التحیة والثناء ع ع مقابله شد

Provided by the Afnan Library

خط مبارک هوالله

ای ابن شهید همواره در نظری پیش بصری در آنچه از پیش مرقوم کردید سعی و جهد نمائید انشاءالله مؤید بشوید ع ع

صاحبی لتجن طهران جناب آقا عزیزالله ابن شهید علیه بهاءالله مقابله شد

هوالله

ای ابن جمال الهی تحریرت واصل و مضمون مفهوم ولی آنچه که این عبد خیر آنجا بست و مصلحت شما و سبب علویت عالم انسان به میکویم باید رضای مرا طلبی نه رضای خویش را ملاحظه نما عبدالبهاء

درچه حالتی در این سجن اعظم مبتلا و در آتشی پر شعله در سوز و گداز دمی راحت نیابد و نفسی بآسایش نگشاید و شب و روز در فکر خدمت و عبودیت آستان مقدس است و جز این امال و آرزو ندارد شما نیز باید بر قدم او حرکت کنید و در این فکر و آرزو باشید آنچه که بآن امر میشود باید بدانی که خیر تو در آنست فوراً متابعت نمائی بکرات مرقوم شد که شما فن طبابت را باید بکمال متانت تحصیل نمائید شب و روز بکوشید تا طبیب ماهر شوید باز میکویم بسته در اخصوص قطعیاً فتور ننمائید و من باستان مقدس تضرع مینمایم که شما را بروحانیت موفق فرماید و بحقیقت دلیل

شهید جلیل فرماید تا الولد سر ابیه گردی از برای نفوسی که طلب نامه
نموده بودید محض خاطر شما مرقوم شد والا قسم بجمال قدیم که آنی
فرصت ندارم و بامور مهمه مشغولم و علیک التحیة والثناء ع

هو الله

مقابله شد

طهران جناب آقا عزیز الله ابن الشهید علیه بهاء الله الابهی
یا صاحبی السجن

هو الابهی

ای سلیل شهید محزون مباش مغموم مگرد الحمد لله نجل سعید آن
شخص فریدی و مشمول الطاف خداوند مجید با وجود تأکیدات متعدده
بسبب خروج از ارض طا اسباب مشقت راه فراهم آمد ضرری ندارد
عاقبتش خیر بود دوباره مراجعت شد تا واضح و مشهود گردد که جوهر کل خیر رضاست
و باید احبای الهی جز برضا حرکت ننمایند و بغیر از راه خدا نپویند از بادهٔ
تسلیم سرمست باشند و در اقلیم تفویض حرکت نمایند باری چون عین عنایت
ناظر بود اسباب مراجعت حاصل گشت تا محلی که مجمع دوستان بود بسته
نشود و موقعی که محل مؤانست یاران بود خالی نگردد باید بهر قسمی باشد
مغازه را بگردانی و بکمال همت مشغول بکسب و تجارت
شوی اینست رضای من انشاء الله مؤید
و موفق خواهی شد و نتایج مستحسنه مشاهده
خواهی کرد و علیک البهاء ع مقابله شد

طهران جناب آقا میرزا عزیز الله ابن حضرت شهید علیه بهاء الله

طاهی السجن

هوالله

ای نهال بهمال حدیقهٔ محبت الله نامهٔ آنجناب واصل مفهوم و معلوم گردید تضرع و ابتهال بود و مناجات بدرگاه رب الآیات و البینات آنکه این عبد در نهایت ذل و انکسار بدرگاه احدیت عجز و نیاز مینمایم که آن نهال آمال حضرت شهید را ببرشحات سحاب عرفان طراوت و لطافت و حالتی ببخشد تا در هر دم کل و شکوفه نماید و رائحهٔ طیبهٔ معرفت الله نثار کند و جهانرا مشکبار نماید و لیس هذا علی الله بعزیز در تحصیل طب همت فوق العاده نما و علیک التحیة و الثناء ع ع

هوالله

خط مبارک جناب آقا عزیز الله علیه بهاء الله الابهی

هوالله

یا ابن من استشهد فی سبیل الله رقیمهٔ لطیفه بلیغه قرائت گردید سبب کشایش دلها گشت زیرا لیل بود که مشغول بکار شده اید در خصوص محل حجره هر موقعی که یاران را مناسب دانند موافقست و در خصوص شرکت با جناب افنان و حضرت ادیب هر دو مناسب ولی باید که شما در تجارت نهایت غیرت و همت و مهارت را ابراز نمائید که کل تحسین نمایند زیرا هر کاری که انسان مباشرت نماید باید بنهایت اتقان کند و در این ایام ارض مقدس

بدرجهٔ منقلب که وصف ندارد البته از جناب میرزا مؤمن اطلاع بر وقایع
خواهید یافت ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن طهران جناب عزیز الله خان علیه بهاء الله الابهی
هو الله

ای عزیز عبد البهاء دو طغرا نامهٔ شمالی در پی رسید مضمون یکی
تفصیل لایحهٔ مزوره و گیر افتادن شخص محیل و ثبوت برائت احبای
الهی بود سبحان الله این مفتریات بکرات و مرات صدور یافت
و عاقبت بوضوح پیوست که یاران الهی از اینگونه وساوس نفسانی
بری و بیزارند و بر صداقت بدولت و ملت ثابت و برقرار
و از اینگونه لوائح و مفتریات مقصد انکار آیات بینات است و
سفک دم مطهر اهل نجات با وجود این بازظنون و اوهام در کار اگر این
شخص ظلوم جهول وقت ارتکاب جرم معلوم بدست عسس و تفتیش گرفتار
نمیگشت چه قیامتی بود و چه مصیبتی الحمد لله که قوهٔ حفظ و حمایت
حق مجرم را رسوای عالم کرد ان ینصرکم الله فلا غالب لکم و ان یخذ
لکم من ذا الذی ینصرکم بعده و اما قضیهٔ تشهیر بواسطهٔ فتوغراف بسیار
عجیب است قطعیاً لا یجوز اما قضیهٔ جناب اخوی آقا میرزا ولی الله
ذهاب و ایاب بدرب خانه ضرری ندارد و حصول منصبی اگر بشود

بجاست باوجود این در تحصیل لسان انگلیسی باید همت نماید و اگر چنانچه
مصمم امریک شود و تعهد نماید که در مدتی قلیله تحصیل نماید و مراجعت
کند و در آنجا نیز چنان سلوک و حرکت نماید که سبب انتباه و عبرت
ناس شود این نیز جائز ولی این حکم نیست نظر بمصلحت است
و اما مسئله بلایای این عبد احبای الهی باید خود را مشغول بتأثرات قلبیه
ننمایند زیرا من ببلایا و محن و رزایا خو کرده ام و چون اخوان بجفا برخواستند
و جدا شدند من با بلایا و رزایا عقد اخوت بستم حال الحمد لله
چنین برادران عزیزی دارم و فی الحقیقه مونس و انیس منند و سبب
تسلی قلب اگر این آلام و محن نبود ما را در سبیل الهی چه خدمتی و در آستان
مقدس چه عبودیتی اوقات بیهوده میگذشت ثمر و نتیجه نداشت
حال الحمد لله شجر وجود را ثمری و آه و ناله سحرگاهی را اثری از این جهت
نباید یاران الهی متأثر و محزون بمانند بلکه بخدمت خود پردازند
و بجان و دل بکوشند و جانفشانی نمایند بقعه مبارکه لابد در جمیع احیان
مورد طوفانست گاهی خفت یابد و گاهی شدت جوید مقصود
اینست این عیش و طرب مستمر است و الحمد لله منتج و مثمر دیگر چرا
باید آه و فغان نمود و با چشم گریان و قلب سوزان همدم جزع و فزع
گردید حضرات حواریون حضرت مسیح روحی له الفدا را برفراز دار دیدند
اگر چنانچه بآه و انین مشغول میشدند چگونه آفاق را برائحه محبت الله معطر مینمودند

این بود که متفق و متحد شدند ویوم صعود شمس حقیقت را از افق ابدی مشهود
دیدند و بخدمت پرداختند و جهان را منور کردند پس معلوم شد
که مصائب وارده بر مظاهر مقدسهٔ الهیه نیز نباید سبب تأثرات
شدیده گردد تا چه رسد بامثال ما. بقول ملا عبد الرحیم مرحوم اما
جوهر الکلام و نبض المسئله اینکه باید احبای الهی بنشر نفحات مشغول شوند
نه بالسنهٔ عبرات و نه مشغولیت بآه و حسرات و نه استغراق در بحر سکرات
امنیت حقیقت حال. در خصوص طبع کتب مرقوم نموده بودید هر کتابیکه
طبع میشود باید باذن و اجازهٔ حکومت باشد باری نفس قاطع جمال مبارک
روحی لاحبائه الفداء ابداً بدون اذن و اجازهٔ حکومت جزئی و کلی نباید
حرکتی کرد و هر کس بدون اذن حکومت ادنی حرکتی نماید مخالفت امر
مبارک کرده است و هیچ عذری از او مقبول نیست این امر الهیست
ملعبهٔ صبیان نیست که نفسی چنین مستحسن شمرد و بمیزان عقل خود بسنجد
و نافع داند عقول بمنزلهٔ ترابست و اوامر الهیه نصوص رب
الأرباب تراب چگونه مقابلی با فیوضات آسمانی نماید. بعمرک

هذا وسم مشهود وکل من خالف سیقع فی
خسران مبین وعلیک التحیة
والثناء ع ع مقابله شد

طهران بواسطهٔ جناب زائر آقا میرزا عزیزالله خان

صاحبی السجن شخص محترم امام معصود علیه بهاء الله الابهی

هوالله

تعالیت یا الهی وتقدست یا ملجئی ومنائی قد ابدعت الأشیاء بحکمة بالغة فی ملکوت الأنشاء واخترعت الممکنات بسر مکنون ورمز مصون مستور عن الاعین والأنظار ترفع کل وضیع الی اعلی المقامات وتضع کل رفیع فی ادنی المراتب فی حیز الموجودات تعز من تشاء بقدرتک النافذة فی الاشیاء وتذل من تشاء بتقوتک الباهرة فی عالم الانشاء قد جعلت کل قلیل جلیلا باطاعة امرک وقدرت کل جلیل ذلیلا بالعصیان فی حکمک لیس لأحد مقام الا ما قدرته ولیس لأحد شأن الا ما قررته قد تعز الاذلاء وتذل الأعزاء تمردوا عن حکمک وانی لما امعنت النظر یا الهی فی سر القدر وشاهدت الرمز المصون فی عالم البداء امنت بان قدرتک نافذة وحکمک سار جار فی حقائق الأشیاء لو علم اولوا الالباب اسرار حکمتک واطلع الغفلاء باسرار موهبتک وآمنوا بالآیة الکبری یتصرف فی ملکه کیف یشاء لأطاعوا امرک وخضعوا لحکمک وتصدعوا لارادتک ونالوا اعظم المنی ووصلوا الی المرکز الأعلی وطاروا الی الأوج العلی ولکن بما کانت القلوب مرتابة والنفوس مضطربة والأفئدة

غیر مطمئنة قد ترددوا فی الأمر القاطع والحکم النافذ فظهر سر البدآ و تبدل
الأوج الأعلی بالحضیض الأدنی رب لا تعاملنا بسوء الأعمال ولا
تؤاخذنا بطول الآمال فاعف عنا واجعل لنا مخرجا وارزقنا من حیث
لا نحتسب رب اشرح الصدور بالنجاة من تعدی أهل الفتور وقدر لنا
النجاح والخروج من کبول ثقلت علی الجمهور رب انی واقع علی
التراب متضرع الیک یا رب الأرباب ان تنقذ ذلک الجناب
من اضطهاد الأحزاب وقدر له کل خیر فی المبدء والمآب وانزل
علیه آیات الانشراح فی کل مساء وصباح انک انت الکریم انک
انت العظیم انک انت الرحمن الرحیم ع ع

خط مبارک

ای محترم محزون مباش مأیوس مگرد انسانست همیشه
در کامرانی زیست ممکن نیست گهی چنین گهی چنان این نیز
بگذرد اگر بعد از تزلزل ارکان استقبال بموجب نصائح عمل شده بود این
مشکلات حاصل نمیگشت مع ذلک ناامید مشو الطاف حق ابواب
ملکوت بگشاید و مسرت روحانی و فرح وجدانی حاصل گردد انقلاب
و اضطراب سرا فی الحقیقه هنوز باقی و برقرار امید از الطاف رحمانیه داریم
که اطمینان حاصل شود ع ع



طهران بواسطهٔ جناب آقا عزیز الله خان ابن شهید
امة الله الموقنه والدهٔ محترمهٔ ایشان علیها بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای کنیز عزیز الهی شکر کن خدا را که عاقبت محمود بود و
خاتمة المطاف فاتحة الالطاف گشت اگر ثابت بمانی کنیز
مقرب درگاه کبریا گردی زیرا استقامت شرط است
و در قرآن میفرماید ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل
علیهم الملائکة انسان در هر امری استقامت کند مغناطیس
تائید و توفیق الهی شود حال تو شکر کن خدا را که چنین سه پسری
بتو عطا فرموده که مانند علی اصغر علیه السلام یکی طفل صغیر بود جام
شهادت کبری نوشید و دلهای مقربین درگاه کبریا الی الآن
از این مظلومیت در سوز و گداز است دیگری خادم درگاه کبریا و
مقرب بارگاه اله و دیگری منجذب نفحات الله علی
الخصوص که ام شهید و ضلع شهیدی قدر این موهبت
بدان و در هر دم هزار شکرانه نما و علیک البهاء الابهی ع ع
طهران آقا سید نصرالله باقراف و آقا میرزا عزیزالله خان ورقا

هو الله

ایدو دوست حقیقی سرکار لورد لامینگتون عازم سیاحت
ایرانند شخص محترمی هستند و خیرخواه ایرانیان
و سیاسی در حق ایشان نهایت رعایت و حرمت را
مجری دارید عباس

۲۰ ربیع ۱
۱۳۲۸

طهران

حضرت میرزا عزیز الله خان سلیل حضرت شهید علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای عزیز عبدالبهاء نامه مفصل شما بنهایت حزن و افسوس و غم و الم قرائت
گردید فی الحقیقه حضرت علی قبل اکبر سرور ابرار بود و خادم ملکوت الله و ناشر
کلمات الله و مروج دین الله ایام حیات را در عبودیت آستان
مقدس صرف نمود و راحت و آسایش خویش را فدای آسایش آفرینش
نمود روزی آرام نیافت شبی براحت صبح نکرد همیشه در تحت تهدید
بود و مادام الحیاة در معرض تیغ و شمشیر با وجود این فتور نیاورد
قصور ننمود شب و روز سعی و کوشش مینمود ترتیل آیات توحید
میکرد طوبی له و حسن مآب تلغراف آنجناب رسید چنان تأثیر
نمود که چند روز مکتوم داشتم یعنی قلب راضی بگفتن این خبر با حبا نبود
بعد دیگر مجبوراً بیان شد تسلی در این مصیبت کبری بیک چیز ممکن
و بدون آن مستحیل و محال و آن اینست که نفوسی مانند آن متصاعد
الی الله بخدمت ملکوت الله قیام نمایند و باعلاء کلمة الله پردازند
و بنشر نفحات الله مشغول شوند بحضرت رئیس المجاهدین تحیت ابدع
ابهی از قبل عبدالبهاء ابلاغ دارید در حق ایشان تضرع بدرگاه
احدیت شد که در خدمت عالم انسانی موفق و مؤید گردند

وهم چنین بجناب اخوی میرزا ولی الله خان از قبل عبد البهاء تحیت
ابدع ابهی ابلاغ دار امید از سر وجود ذو الفضل و الجود چنانست
که روز بروز در خدمت بامر الله با دو شخص جلیل حضرت نصر الهی و
جناب حاجی محمد رضا موفق و مؤید گردید تأییدات ربانیه و توفیقات صمدانیه شامل
حال است مطمئن باشید و علیکم البهاء الابهی ع ع تمام شد

این لوح مکرر شد

طهران جناب میرزا عزیز الله خان ابن حضرت ورقاء شهید علیه بهاء الله الابهی
هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ دوم رمضان ۱۳۳۲ وصول یافت مضمون تبتل
و تضرع بملکوت ابهی و معانی دلیل ثبوت و وثوق در امر الله حمد خدا را
که سلیل شهید بر مشرب پدر جلیل است و جانفشان در این سبیل و همواره
بعجز و انکسار و ذل و اشتعال خادم این امر عظیم و لمثلک ینبغی هذا
ان لک مقام مع ابیک فی ملکوت الابهی از ملاقات
بسروران ایران و اشخاص محترمه مرقوم نموده بودید بسیار موافق این نفوس
هنوز بعظمت امر ملتفت نیستند و خبر ندارند که چگونه در آفاق شعله زده
چند روز پیش مکاتیب بسیاری از المان رسید بسیار خوب بود اگر خیرخواهان
ایران اطلاع بر این مکاتیب مییافتند انشاء الله با پیک امین ارسال
میشود ملاحظه خواهید نمود که در چنین وقتی که جمیع اهالی المان

ذکورًا و اناثًا حتی اطفال شب و روز بفکر جنگ و جدال و در نهایت
جوش و خروش آهنگ قتال بلند است در چنین وقتی بلبل
گلشن تو چند در آن گلزار و چمن چه گلبانگی معنوی زده است نار
محبت الله چه شعله‌ئی افروخته است فریاد یا بهاء الابهی است که باوج
ملاء اعلی میرسد و هر روز جمعی بظل سدرهٔ منتهی میشتابند نور هدایت
و خورشید حقیقت میدرخشد باری در فکر آن باشید که بعضی از غلما
بیدار گردند و اشخاص مهمّه آگاه شوند بشخص محترم عرض کنید
که آن دو شیر همایکان شمال و جنوبند و آنچه در ذهن داشته
ایرانست امیدوارم که در دست شما بیفتد چنانکه در پارسی صراحتًا
ذکر شد که هر چند ایران پر انقلابست ولی مستقبل درخشان
نیز در نظر است شاید بخاطر آرند باری مقصود اینست الیوم
فلاح و نجاحی جز روش و حرکت بموجب نصایح و وصایای
الهی این تعالیم آسمانیست که ایران را احیا میکند امّا بشرط عمل
ملاحظه کنید که خطهٔ ایران الآن اقلیم صغیر است و احزاب
مختلفه با یکدیگر در نهایت بغض و عداوتند تجارت مختل صناعت
معدوم زراعت ناقص چیز یکه بسیار است مفسدین که بانواع
حیل میکوشند تا بنیان ایران برافتد با وجود این چه امید نجاح و فلاح

مگر اینکه موفق بامری گردد که در بین جمیع عالم و جمیع امم ممتاز بلکه اقالیم
سائره خادم ایران شود بدون این این کشور[1] تازه و تر نگردد
و این اقلیم ویران معمور و آبادان نشود در المان محفلهای متعدده
تشکیل شد در یکطرف بیرق صلح عمومی و طرف دیگر علم مبارک
ایران و حاضرین فی الحقیقه آن علم را پرستش مینمودند و بنهایت احترام میپرداختند
و رسم آداب مجری میداشتند و علیک البهاء الابهی جناب آقا میرزا محمود را مقابله نمودند
عبدالبهاء عباس
ترجمه شد

[1] افسرده

پور تسعید جناب عزیزالله خان
هوالله

ای سلیل شهید جلیل دو نامه از پاریس از شما رسید اول در
اوراق غرق شد با وجود غرق جواب مرقوم میشود مکتوب
که بتاریخ ۱۸ سپتمبر بود نیز رسید سؤال از روش حین مراجعت
نمودید تکلیف شما این است که در نهایت اشتعال و انجذاب
و تمام روح و ریحان مراجعت فرمائید و بحکمت حرکت نمائید جناب باقراف
مرقوم نموده بودند که وجود شما لازم و حضور شما واجب اصل روحانیت است
باید کل از شما نفحات الهیه استشمام نمایند شوکت دیموقرات
عنقریب شکست فاحش خواهد خورد و شخص معهود برجوعش بایران

خسرانست با ارباب کیخسرو بقدر امکان مدارا نمائید و بحسن
تدبیر بمناسبتی ببزرگان وغیره بفهمانید که این محرکین یحیائی شدیدی
هستند و چون با بهائیان کمال عداوت و حسد دارند ناسرا
بعنوان تعصب مذهبی جعفری دعوت میکنند تا عداوت بهائیان حاصل نمایند
و فتنه و آشوبی در میان اندازند و تماشا کنند زهر طرف که شود کشته
سود یحیائیست یکروز کمیته جعفری تشکیل نمایند و یکروز کلوب ملی
و مؤسس خفی یحیا و از حسدی که ببهائیان دارند بلکه در میان بهائیان
و سائرین نزاع و جدالی اندازند این قضیه را بمناسبتی و بعنوان روایت
و حکایت بیان کنید نه بشدت بلکه بتوانید که اغیار را وادارید
آنان ناسرا بیدار کنند جناب میرزا علی محمد فی الحقیقه حال تنبهی
حاصل نموده بهمشیره محترمه او نهایت محبت و مهربانی مجری دارید
و بگوئید در خصوص حجاب آنچه از قلم میثاق صادر حال ملاحظه
مینمائید که عین حکمت بود و یحیائیها هتک حجاب را اعظم وسیله
فساد مینمودند ولی بخود آن محترمه بسیار محبت و نوازش کنید قبر
حضرت ادیب و قبر حضرت ابن ابهر را سفارش نموده ام بنا نمایند
شما در اینخصوص تأکید کنید بسیار لازم است حضرت والا نصرة
العدل چون بایران رسد البته با ایشان ملاقات کنید لکن

بکمال حکمت و بگوئید که مطمئن باشد که نصرة حق خواهد رسید باری
حکمت بسیار لازم امثال این گونه اشخاص را ابداً نباید پیش
کسی ذکر کرد و علیک البهاء الأبهی عبد البهاء عباس ۱۹ محرم ۱۳۳۹
حیفا
مقابله شد

طهران

جناب آقا میرزا عزیز الله خان علیه بهاء الله الأبهی

صاحبی السجن

هو الله

ای عزیز عبد البهاء جناب میرزا حبیب الله عازم طهران شد زیرا در اینجا
کاری از برای ایشان ممکن و میسر نشد در وقتیکه در ارض مقدس بودند
در حق او سفارش تام بشما گردید حال نیز تأکید میشود که بهر قسمی باشد
از برای او مأموریتی در طهران و اگر ممکن نه منصبی در بلاد خارجه تحصیل
نمائید که بلکه بهمت شما راحتی از برای ایشان میسر گردد و علیک
البهاء الأبهی ع ع

هو الله

یا عزیزی البته بقدر امکان در نهایت همت در این خصوص بذل مقدرت
خواهید نمود ع ع مقابله شد

هو الله

خط مبارک

طهران جناب میرزا عزیز الله خان ابن الشهید علیه بهاء الله

هو الله

ای عزیز عبد البهاء روز فیروز عید است و اشراق انوار ملکوت ابهی

در سطوع و لمعان شدید عبد البهاء بخامهٔ وفا بتو نامه نگارد و تهنیت عید
نماید خدمات در آستان حضرت احدیت مقبول بشری
لک فتوغراف مبارک حضرت شهید در یوم عید با عکس روح الله
روحی له الفدا رسید از جهتی دیده خون گریست و از جهت
دیگر عید مبارک گردید میرزا روح الله را اشتیاق ع ع

یا صاحبی السجن

طهران

۲۷ ربیع ۱
۱۳۲۸

جناب میرزا عزیز الله خان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان الحمد لله در جمیع امور مؤیدی امر مریضخانه پیشرفت
دارد مدرسه روز بروز در ترقی است و امیدوارم که این مدرسه سبقت
بر جمیع مدارس گیرد از ایران باسم مدرسه طلب اعانه جائز نه ولی اگر خود
امریکائیها بکمال ممنونیت اقدام در اعانه نمایند محض ارتباط شرق و غرب
ضرر ندارد ولی باید محفل روحانی طهران تصحیح آن اعلان بنماید و بامریکا
بفرستد تا در امریکا تصحیح نمایند و علیک البهاء الابهی بجناب میرزا
ولی الله خان تحیت ابدع ابهی برسان ع ع

طهران

جناب میرزا عزیز الله خان

هو الله

یا صاحبی السجن

هو الله

ای یار عزیز البته نامها رسیده حال چون یار و ندیم و مونس جان و دل عبد البهاء جناب قائم مقام از اسلامبول راجع بانصحاب شده البته تا بحال رسیده اند در حق ایشان از هر جهت احترامات فائقه و خدمت نمایان بنمائید تا از مرارت قدری راحت حاصل گردد وجود ایشان واسطهٔ خوشی است بجهت بینائی بزرگان لهذا محفلی محرمانه بیارائید و نفوس طالبه را از حقیقت و اسرار این امر واقف نمائید و علیک البهاء الأبهی ع ع

طهران جناب عزیز الله خان علیه بهاء الله الأبهی

یا صاحبی السجن

هو الله

ای عزیز عبد البهاء نامهٔ اخیر شما وصول یافت و فوراً جواب ارسال میگردد در خصوص آن قضیه مرقوم نموده بودید قبول آن موافق مصلحت آنجناب نیست همانست که مرقوم نموده اید دیگر رجوع بایران ممتنع و محال و جمیع آنچه بدخواهان افترا و بهتان زدند ثابت و محقق میگردد و از این گذشته شما کارهای زیاد در طهران دارید از جمله گرفتاری قضیهٔ املاک جلال البته چنانکه از پیش مرقوم گشت بمحبت و مهربانی و انصاف و اخلاق رحمانی معامله نمائید تا نوعی شود که طرفین هر دو از صهبای عدل و انصاف سرمست گردید و عبد البهاء از شدت حبی که بشما

دارد این تکلیف را مینماید زیرا نظر بعواقب و وصایای جمال مبارک
دارد و علیک البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

خط مبارک

هو الله

ای عزیز عبد البهاء چندی پیش بخط خویش بشما نامهٔ در تهنیت عید نگاشتم
البته تا بحال رسیده حال نیز صحبت و بخاطر و یادی لهذا بتحریر
این سطور پرداختم و از جود ملیک وجود ترا تأیید غیب و شهود طلبم
فی الحقیقه قائم بر خدمتی و در کمال همت جناب میرزا حبیب الله ولد آقا
رضای مهاجر مجاهد مقرب درگاه جمال ابهی در مصر در معیت مقتدر الملک
با پانصد تومان مواجب مأموریتی داشت چون مقتدر الملک باورپ
سفر نمود او را نیز گفت که از مصر مراجعت نما حال میرزا حبیب الله سفیل و
سرگردان بیکار و عمل مانده شما بکوشید و نهایت همت را بفرمائید
که بهر قسم است یا دوباره در مصر و یا در اورپ در هر نقطهٔ از آن که
باشد بمأموریتی تعیین شود میل بایران ابداً ندارد یعنی والده اش راضی
نمیشود قطعیاً که بایران آید این قضیه بسیار لازمست و علیک
البهاء الأبهی ع ع مقابله شد

یا صاحبی السجن طهران سلیل حضرت شهید جناب عزیز

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ اخیر وصول یافت و از گفتگوی با شخصین محترمین
بشاشت حاصل گشت مادر حق ایران و سروران محترم ایرانیان

تبتل و تضرع باستان یزدان نمائیم تا خدا چاره نماید این جسم ضعیف ایران علل
مزمنه پیدا کرده است طبیبان عادی علاج نتوانند طبیب حاذق
آن حضرت رحمن است تا تریاق فاروقی دهد و معجون الهی عنایت
فرماید چاره جز این نیست من امیدوارم که این جسم علیل شفای رب
جلیل یابد و امراض و اعراض خفت یافته اسباب غیبی فراهم آید مستقبل
ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواریست زیرا موطن جمال مبارک
جمیع اقالیم عالم توجه و نظر احترام بایران خواهند نمود و یقین بدانید
که چنان ترقی نماید که انظار جمیع اعاظم و دانایان عالم حیران ماند هذه
بشارة کبری بلغها الملأ الاعلی و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نبأه بعد حین
در خصوص میرزا حبیب الله البته نهایت همت را خواهد نمود بشخصین
محترمین که مذاکره فرمودید اگر تصادف ملاقات کنید ابلاغ نمائید
که ما در حق ایشان دعا کنیم و در آنچه سبب عزت ابدیه ایران و ایرانیا
بکوشیم بحضرت اخوی نهایت مهربانی از قبل من برسانید
و بگوئید که در هر دائره از دوائر حکومت چون مستخدم گردد شب
و روز آرام نگیرد و بخدمت دولت و ملت پردازد و نهایت راستی
و صداقت و امانت و پاکی و آزادگی اثبات نماید و بموجب خود
ولو جزئی باشد قناعت کند و از جمیع آلودگی ها منزه و مقدس
باشد تا واضح گردد که بهائیان فرشتگان آسمانند و جز خدمت
بعالم انسانی علی الخصوص وطن خویش آرزوئی ندارند و این وصایا

باید دستور العمل جمیع بهائیان که بخدمت و منصبی مخصص گشته اند
گردد آنچه ارسال نموده بودید قبض وصولش آمد حمی چند پیش ارسال شد
وعلیک البهاء الأبهی ع ع

طهران

جناب آقا غلامعلی دوافروش علیه بهاء الله الأبهی
یا بهی الابهی
هوالله

ای بنده جمال ابهی نامه تو رسید واز وقایع طهران و پریشانی افکار ایرانیان
شرح مفصلی مرقوم بود حق بجانب شماست این طوفان سزاوار آه
وافغان است ووقت ناله وندبه بی پایان ولی این انعصیان خود
ایرانیان ملاحظه نمائید که این قوم چه بر سر یاران آوردند چه خونها نریختند
چه بنیانها برباد دادند چه قدر نفوس شهید نمودند چه قدر زنان
اسیر کردند چه قدر اطفلان شیر خوار را بخنجر آبدار آزردند جسمهای
شریفه شرحه شرحه را سوزاندند ممکن نیست که هیچ عملی بی تأثیر ماند اگر دانه پاک در خاک
بیفشانی خرمن مبارکی بدست آید چون تخم کین در زمین کشته شود
البته روئیدنی چنین حاصل خرمن کردد ملاحظه نمائید که این قوم در
چنین غرقاب لوم باوجود استغراق در بلایا بی سر و سامان و خائف
وهراسان باز یاران را هدف گلوله نمایند در همین چند روزه در صفحات
قم جناب میرزا بابا خان را نصف شب در بخانه در زدند و آن مظلوم

باپسر بنهایت محبّت آن اشرار را درون خانه بردند وغایت حرمت مجری داشتند بغتةً کلوله ها بسینهٔ المظلوم زدند و اهل و اطفال را بناله وفریاد آوردند درصفحات عراق ببین چه کردند باوجودانیکه جنگها بریده ودندانها ریخته باز اگر فرصتی یابند یقین بدان جمیع یاران را هدف تیر و شهید شمشیر نمایند باوجود این اعمال واین نوایا البتّه خدا نیز چنین نماید ولی شما باید باکل نهایت محبّت ومهربانی وصدق ووفا وخیرخواهی باشید ودراین سبیل جانفشانی کنید ومرهم هرزخمی باشید ودرمان هردردی هرتشنه ئی را ماء عذب فرات باشید وهرگرسنه ئی را مائدهٔ آسمانی رب الآیات هرمریضی را پرستار باشید وهرمبتلای خوف وبیم را پناه امن وامان ولی درامور سیاسی چنانکه ازپیش گذشت ابداً مداخله ننمائید زیرا نبصّ قاطع جمال مبارک مداخله ممنوع است وعلیک البهاء الأبهی

ع ع

هوالابهی

مناجات لطلب المغفرة لمن صعد الی الله جناب غلامحسین علیه بهاء الله

خط مبارک

الأبهی

هوالابهی

الهی الهی قد طار طیر من طیور ریاض العرفان الی حدائق قدسک

ورجع نسیم من نسائم غیاض الایقان الی مهب عنایتک وکان بدء منک
وعوده الیک ووفد علیک وسعی الیک مشتعلاً بنار محبتک
مستقیماً علی امرک متشبثاً بعروة دینک ثابتاً علی عهدک ومیثاقک
ایرب نور وجهه بنور العفو والغفران وادخله فی ملکوتک یا ربی الرحمن
واسکنه فی جوار رحمتک یا حنان یا منان وشرفه بلقائک فی
قطب الجنان انک انت العزیز الکریم المستعان ع ع مقابله شد

طهران جناب آقا غلام علی صهر من ادرک لقاء ربه فی مقعد صدق کریم
یا صاحبی السجن

هو الله

ای منسوب آن نفس مطمئنه راضیه مرضیه این مصیبت هائله قلوب
عموم را پرخون نمود وجان ودل یاران را بحزن وحسرت بی پایان
انداخت هر چشمی گریان است وهر دلی بریان جمیع احبا علی الخصوص
عبد البهاء نهایت تعلق را باو داشت ولی وقوع این مصیبت را
حکمت بالغه مستور ومکنون هر حیاتی را عاقبت موتی وهر بقائی را
فنائی این جام بجهت کل سرشار است وهر نفس عاقبت از جرعه سرمست
گردد وبجهان دیگر شتابد وحکمت الهی چنین اقتضا نماید فی الحقیقه عین
عنایت است واعظم موهبت چنانکه غیبوبت از عالم رحم ودخول در این عالم

انت

از توفیقات صمدانیه است و هم چنین خروج از این جهان و
دخول در جهان جانان از اعظم مواهب حضرت رحمن و غایت
قصوای روحانیان و مقصود از حیات در این عالم دنیا آن است
که انسان اکتساب فیض ابدی نماید و روی بنور ایمان روشن نماید
از عین یقین نوشد و بملکوت الهی پی برد و اکتساب فضائل عالم
انسانی نماید و برضای الهی موفق شود آن بزرگوار الحمدلله بجمیع
این مواهب فائز پس از آن بقا در این جهان لزومی نه البته
حسن خاتمه اعظم موهبت حضرت رحمانیت و الحمدلله بآن فائز گردید
جمیع متعلقین آن درگاه کبریا را از قبل من تسلی دهید و نوازش کنید مبادا
مأیوس شوند و نومید گردند امید کل بخداوند مهربانست نظر بخدمات
مشکوره آن مقرب درگاه کبریا شما در مقام او مقرر گردید فابشر بالله
علی هذا الفضل العظیم قدر این موهبت را بدان و علیک البهاء الا ع ع

مقابله شد

خط مبارک هوالله

جناب لا علا معلی علیک بهاء الله و ثنائه و تحیت اهل ملکوت
الأبهی فی الحقیقه در خدمت امر الله ثانی اثنین من ادرک لقاء ربه مرحوم
حاجی میرزا عبد اللهی چراغ او را روشن نمودی مدتی بود که تحریر
ممکن نبود حال دوباره اندکی تحریر پرداختم مکاتیب جعفر را برسانید
جمیع احبّا را تحیت ابدع ابهی بلاغ دارید عبد البهاء عباس

مقابله شد

هو الأبهی

ط جناب میرزا غلامحسین علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی

ای قبسهٔ نار محبت الله در این وقت که برودت قلب دل اهل افق ادنی را احاطه نموده
و خمودت نفس و روح اهل طبقهٔ سفلی را استیلا کرده فرصت غنیمت است
شعلهٔ زن و شوری بیفکن حرارتی ابراز کن و شوق و ذوقی
اظهار فرما لسان فصیح بجو و نطق بلیغ بخواه برهان قاطع
شو و دلیل واضح کرد نجم بازغ بین و حکم فارق بشنو صدری
از اسرار منشرح کن و قلبی از انوار منبسط نما حمامهٔ حدیقهٔ توحید
شو و عندلیب گلزار تفرید کرد موهبت الهیه عظیم است
و خلق رب کریم رحیم است رجای بزرگ از فضل و جودش بدار
و امید شدید بکرم عمیمش بدار تا آثار ملکوت بینی و آیات
جبروت استماع کنی کبّر علی وجه امة الله الورقة الانزعیة والدتک
الطیبة الکریمة و علی الورقة الخاضعة الخاشعة ضلعک القانتة
لله و علی ابنک النجیب المحفوف بعنایة
ربک المتعال والبهاء
علیک و علی احباء الله
ع ع مقابله شد

هوالأبهی

ط جناب میرزا غلامحسین اهل حق علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

خط مبارک

هوالأبهی

ای شیدای روی دلجوی حق این کرهٔ خاک آشیان مرغ خاکی و پرنده طلمانست لهذا پرندگان حدائق الهی آشیان در این خرابه دیرینه ننمایند و منزل و مأوی در این گلخن خاکی نخواهند بلکه در تحت اوقات اشتیاق گلشن حمائی نمایند و آرزوی لانه در شاخسار روحانی کنند از قفس ناسوت نجات طلبند و در فضای لاهوت پرواز نمایند جبروت حیات جویند علی الخصوص آن طیر حدیقهٔ وفا که بگلستان ابهی پرواز نمود و در ریاض قدس بر فروع سدرهٔ منتهی آشیانه ساخت دیگر شما اگر از این مصیبت محزون و دلخون هستید او در نهایت سرور و حبور در جوار رحمت کبری مستریح و تسبیح و تقدیس مشغول ربنا ادخل الورقة الزکیة الطاهرة فی حدائق توحیدک و جنة تقدیسک آنک انت الغفور العطوف الرحیم ع ع

طهران جناب آقا غلامعلی علیه بهاء الله

خط مبارک

هوالله

جناب غلام آقا علی در پناه حق باش و مشمول الحاظ عنایت مکاتیب شما رسید پوسته را عنوان چنین بنویس پور تبعید جناب آقا احمد و از او بعبدالبهاء نام نفسی دیگر لزوم ندارد بموجب دستور العمل من عمل لنا عبدالبهاء عباس

۵۴۷۰

طهران جناب آقا غلامعلی دوافروش علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

هوالله

ایثابت پیمان جمیع مکاتیب تا پنجم محرم ۱۳۳۱ سنه باجمیع رواست رسید مطمئن باش فرصت بیش ازاین نیست جمیع یاران را تحیت ابدع ابهی

عبدالبهاء عباس

مقابله شد

طهران لامیرزا غلامعلی دوافروش علیه بهاء الله الابهی

یا صاحبی السجن

هوالله

ایثابت پیمان مکاتیبیکه ارسال نموده بودی رسید ازوقایع طهران نهایت احزان رخ داد ازعون وصون حضرت محسن مطلق که این طوفان بپایان رسد وراحت وآسایش حاصل گردد لامملک الا الدعا نصایح ووصایای عبدالبهاء تاثیری بایرانیان ننموده ونمنماید وسبب جمیع مشکلات همین مسئله امید چنانست که بعد متنبه شوند وعلیک البهاء الابهی ع ع

روی پاکت پوستی طهران را باسم من مرقوم نمائید وان پاکت را در پاکت دیگر بگذارید روی پاکت ثانی را باسم آقا احمد یزدی مرقوم دارید ع ع

مقابله شد

خط مبارک

طهران اجزاء دوائر خانهٔ آقا غلامعلی علیهم بهاء الله الأبهی

هو

ای بندگان حضرت مقصود جناب آقا غلامعلی وارد و از ایمان و ایقان و خلوص آن یاران نهایت ستایش مینمایند لهذا مورث سرور گردید از الطاف خاصهٔ ربّ غفور امید موفور است که در پناه نیّر یوم ظهور مؤیّد بخدمات مرضیّه گردید و در درگاه احدیت مقبول و مقرّب باشید وعلیکم البهاء الأبهی ع ع

مقابله شد

خط مبارک

هوالله

طهران یاران و اماء رحمن علیهم وعلیهنّ البهاء الأبهی

هوالله

ای یاران مهربان و اماء رحمن الآن در پاریس مشغول تحریر این نامه مختصر گشتم جناب آقا غلامعلی ذکر جمیع یاران الهی و اماء رحمن را نمودند وعبدالبهاء در حق کل از ملکوت ابهی سرور دل و جان رجا مینماید مطمئن باشید که کل در نظرید وهمواره بیاد یاران و اماء حضرت ربّ مهربانم و هر یک را جواب و یا خطاب منفصل نگاشتن آرزو دارم ولی مستحیل و ممتنع وجناب آقا غلامعلی تفصیل حالرا بیان خواهند نمود ع ع

مقابله شد

طهران ناصریه جناب آقا غلامعلی دوافروش علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک

هو الله

جناب آقا غلامعلی زحمات شما بسیار بود حال که عبدالبهاء بشرق مراجعت کرد بیشتر خواهد کشت حضرت عبدالله از ملکوت ابهی ترا هزار تحسین مینماید که الحمد لله بعد از او خوب از عهده برآئی مطمئن باش که جزای خیر این خدمات باستان جمال ابهی از سلطنت جهان اعظمت وعلیک البهاء الأبهی عبدالبهاء عباس

این کتاب مستطاب که از براعه فضل و عطا حضرت عبدالبهاء روحی لرمسه الفداه نازل بر حسب امر محفل مقدس روحانی مرکزی طهران بر تحریر آن موفق و مؤید شد کمترین عبد الرحمن حقی شیرازی الذی آمن بالله و یرجو الهدایة لاهل العالم کلها نسئل الله ان یغفر له ذنوبه بالفضل والموهبة والاکرام

فی ۷ ربیع الثانی سنه ۱۳۴۶ مطابق ۳۱ شهریور ماه سنه ۱۳۰۷ در پارزدهم شهر العزة سنه ۸۵ من ظهور نقطة البیان روح ماسواه فداه

طهران جناب محمود ولد حاجی محمد علی بن عمه علیهما بهاء الله نخواهی است

هو الله

ای بنده آستان مقدس نامه مختصر شما مفصل بود ایجاز اعجاز است بسیار مقبول گردید زیرا مختصر بود و پر معنی امیدم چنانست که با لطاف مفصل موفق گردی

علیک البهاء الابهی عبد البهاء عباس ۲۴ رجب ۱۳۳۱ حیفا مقابله شد

حضرت امین

تا میرزا علی اکبر هو الابهی

جناب میرزا محمد اخوی تا میرزا علی اکبر نائر علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی یا من توجه وجهه للذی فطر السموات و الارض به فضل و موهبتی جمال قدم درحق اجدادش فرموده که کل را در ظل تربیت گرفته و با نواع لطافت و عواطف ملکوت احدیتش مجاله و معامله فرموده ولی باید قدر این الطافات رحمانیت را بدانیم و بکوشیم تا بذر موهبتش در مزرعه وجود ثابت گردد و اسرار عنایتش واضح شود این جهد و کوشش بجهت حصول نتایج فیض از شروط مهمه است والبهاء علیک ع ع

مقابله شد

طهران بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر سلمه الله

سبزوار جناب میرزا محمد سلمه الله علیه التحیة والثناء

هو الله ای ثابت بر پیمان مکتوب مفصل قرائت گردید و مضمون مفهوم شد الحمد لله دل
از قید آب و گل رهیده بذکر جانان مسرور و شادمان است جان پر بشارت باید و وجدان در نهایت
مسرت که الحمد لله الطاف رب رؤف شامل حال است و محبت و عرفان حضرت بیچون نهایت آمال
لهذا ابداً سکوت منما در هر محفلی که در آئی توجه بملأ اعلی کن و تأیید روح القدس طلب و تکلم نما و تتبع
رسائل و دلائل و براهین کن البته تأیید میرسد مطمئن باش مکتوبی بجناب مسیو مارکار مرقوم گردید
در طی این نامه است برسانید و علیک التحیة و الثناء ع ع مقابله شد

هو الابهی

جناب آقا میرزا محمد علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

خط اصل

هو الابهی

ای رب هذا عبد قد توجه الیک بصفقة رابحة و حقیقة ناجحة و کینونة فالحة و قلب منجذب الی ملکوت توحیدک
و روح مستبشر بنفحات تقدیسک و بصر ناظر الیک و صدر منشرح بآیاتک و اذن مستمعة لکلماتک و وجه
متوجه بجمال قیومیتک ای رب ثبت قدمیه علی عهدک و میثاقک و اجعله محفوظاً مصوناً فی کهف
حفظک و حراستک انک انت الحافظ الناظر المقتدر القدیر ع ع مقابله شد

فهرست

صفحه

۱ بافتخار جناب میرزا عبدالرحمن شیرازی امر مرکز پیمان بتحریر دو جلد کتاب خطی از الواح طرازات و تحلیات و بشارات و اشراقات و ارسال بکتابخانه انگلیس و فرانسه و نیز نسخه در جواب اعتراضات قاضی

۲ شیراز بافتخار جناب عبدالرحمن ظهور عنایت من طاف حوله الاسماء بمشارالیه و امر بخضوع و فنای بحت

۳ بافتخار جناب زائر میرزا محمد تقی خان قمی امر طلعت پیمان بادای شکرانه از طواف مطاف ملا اعلی و ظهور عنایت در حق آقا میرزا نصرالله کاشی و جناب آقا محمد هاشم کاشی و امة الله والده و همشیره و امر بانتباه طهران در سلوک بتعالیم الهیه و ظهور مکرمت در حق آقا میرزا حبیب الله قمصری و ضجیع محترمه

۷ بافتخار تلمیذ حضرت صدر روحانی جناب آمیرزا تقی خیاط امر حضرت عبدالبهاء بترتیب محفل بجهة بیان معانی الهیه و بیان مبارک در خصوص اصحاب کهف

۸ طهران بافتخار جناب آمیرزا تقی خیاط قمی ظهور عنایت میثاق غلیظ الهی در حق جناب آمیرزا عبدالکریم و جناب آقا سید حسین و جناب استاد مهدی قمی و جناب آقا باقر و جناب تیمور خان و ضلع محترمه و تبیین آیه مبارکه سیجعل الله بعد عسر یسرا

۱۰ طهران بافتخار جناب زائر میرزا تقی خان خیاط قمی امة الله والده ایشان امة الله والده قدرت الله آمیرزا محمود آقدرت الله آرحمت الله امة الله بتول خانم بیان مفسر شارع قدیر در خصوص حدیث مذکور مبنی بر اینکه در ایام سابق دو حرف

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

صادر و در ایام قائم جمیع حروف ظاهر میگردد

۱۲ طهران بافتخار جناب آمیرزا تقی خیاط قمی ظهور عنایت حضرت غصن الله الاعظم در حق مشارالیه

۱۳ طهران بافتخار جناب آمیرزا تقی خیاط ظهور عنایت حضرت مولی الوری بمشارالیه و نوید گشایش در امور

۱۴ طهران بافتخار جناب آمیرزا تقی خیاط قمی نصح حضرت من اراده الله بمشارالیه بسلوک در منهج تسلیم و رضا

۱۵ طهران بافتخار جناب حاجی محمد تقی خیاط ظهور عنایت فرع منشعب از اصل قویم در حق مشارالیه و پیام بجناب آقا محمد حسن عارف و بیان شرایط عرفان

۱۶ عراق بافتخار آقا بابا ابن اسحق ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و رجاء ورود دو برادر ایشان بشریعه الهیه

۱۶ طهران بافتخار جناب میرزا آقاجان و جناب عذرا و جناب یعقوب امر حضرت عبدالبهاء باداء شکرانه بدرگاه کبریا از فوز بموهبت ایمان

۱۷ طهران بافتخار جناب میرزا آقاجان بزاز بشارت میثاق الهی در عزت اولاد یعقوب

۱۸ ط بافتخار جناب میرزا آقاجان بزاز بیان مبین آیات در خصوص غنای جسمانی و غنای حقیقی

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۱۹ طهران بافتخار جناب میرزا آقاجان بمبل تمجید حضرت عبدالبهاء از الحان خوش مشارالیه و در تعقیب این لوح مبارک لوح دیگری است که مشارالیه و امة الله والده امین را از فقدان متصاعد الی الله تسلیت میفرمایند

۲۱ کاشان بافتخار آمیرزا ریحان آمیرزا شعبان حاجی میرزا داود بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه نفوس مقدسه ئی از کاشان مبعوث گردیده اند

۲۱ طهران بافتخار جناب مشهدی تقی تبریزی لوح مبارک حضرت عبدالبهاء بلسان ترکی و بروز مکرمت در حق مشارالیه

۲۲ طهران بافتخار جناب سیف الله ابن شهید تربتی امر حضرت مولی الوری باطاعت و انقیاد از حکومت و ظهور مکرمت در حق عده ئی از احباء

۲۴ طهران بافتخار جناب مشهدی تقی تبریزی لوح مبارک حضرت عبدالبهاء بلسان ترکی و بیان مبارک در طلوع جمال ابهی از افق احدیت و نیای بینایان زنده دل بنعمت دیدار

۲۵ طهران بافتخار جناب آقا محمد تقی ترک بیان میثاق الهی بلسان ترکی باینکه چون انسان آئینه آسا از زنگ تعلق ماسوا آزاد شد قادر باقتباس انوار شمس حقیقت میگردد و در تعقیب لوح بعنوان (ای ثابت پریمان) میفرمایند بواسطه اشراق نیر آفاق بر شرق و غرب امتیاز ترک و تاجیک از میان رفت و نیز در تعقیب آن بعنوان (ایها الرجل الرشید) میفرمایند هتک استار و اشراق انوار پس یا طوبی برای ابرار و یا اسفا

صفحه

فهرست

بحال اشرار

۲۶ کردستان بافتخار امة الله راضیه تسلی پیمان حضرت رحمن بمشار الیها از صعود صبیه و امر بهدایت بعض از اماء برای تحصیل عزت ابدیه

۲۸ بافتخار جناب نور الله بیان حضرت عبد البهاء در حرکت اجسام مضیئه و غیر مضیئه و گردش ارض و حرکت محوری شمس

۳۰ بعنوان (ای طائف بقعه نوراء) ظهور مکرمت میثاق الهی بمشار الیه و عده ئی از احباء و همچنین عائله ایشان و طلب مغفرت جهة آمیرزا عبد الحسین اخوی

۳۳ بعنوان (ای یاران الهی) نصح حضرت عبد البهاء بحسن سلوک با جمیع خلق و تعلیم و تربیت اطفال از صغر سن

۳۵ کردستان بافتخار جناب آمیرزا اسد الله و عده ئی از احباء و اماء الرحمن ظهور عنایت میثاق حضرت احدیت در حق آنان و نزول مناجات طلب تأیید

۳۷ کردستان بافتخار جناب میرزا اسد الله اصفهانی ظهور عنایت حضرت مولی الوری بمشار الیه و سلیل جلیل آمیرزا نور الله و صبیه کریمه امة الله راضیه

۳۹ کردستان بافتخار امة الله ورقه راضیه بیان مرکز پیمان الهی در حسن سلوک و محبت و خلوص با قرین خود و رجای دخول ایشان بشریعه الهیه

۴۰ کردستان بافتخار آنور الله ظهور عنایت حضرت عبد البهاء باحباء کردستان و امر بارسال مبلغی از نفس آن سامان و یا بلدان دیگر

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۴۱ سنندج بافتخار جناب آمیرزا اسدالله اصفهانی ظهور عنایت حضرت من طاف حوله الاسماء نسبت بمشارالیه

۴۲ طهران بافتخار جناب آنورالله تفسیر مبین آیات الهیه در خصوص رؤیای مشارالیه و اذن حضور بجناب آمیرزا عباس خان و امة الله سکینه در جای مغفرت در حق ابوی آنورالله

۴۲ کرمانشاهان بافتخار جناب مشهدی حسن بزاز امر حضرت من اراده الله بمشارالیه در ادای شکرانه بدرگاه حی قیوم از وصول بچشمه حیات

۴۳ جناب مشهدی حسن بزاز نزول مناجات از قلم میثاق الهی در حق مشارالیه و طلب تأیید

۴۴ کردستان بافتخار جناب آمیرزا اسدالله اصفهانی وعده‌ئی از احبا و اماء الرحمن ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق آنان در جای شمول تأیید

۴۵ کرمانشاه بافتخار جناب میرزا محمود امر میثاق الهی بادای شکرانه باستان جمال قدم از فوز بمقام محمود

۴۶ بدون عنوان مرکز عهد الهی باین بیان اصلی ناطق قوله جل ثناؤه «... هر چند بعد فاصله صد هزار فرسنگ است ولی الفت حاصله حکم در یک پیرهن مجری داشته...

۴۷ کرمانشاه بافتخار جناب آقا حسن بزاز طهرانی بیان حضرت عبدالبهاء در نفوذ کلمه الهیه باقطار آفاق و محمودی اهل ایران

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۴۸ کردستان باُفتخار جناب مشهدی حسن طهرانی وعده‌ئی از احباء الله میثاق حضرت قیوم باین بیان ناطق قوله عز برهانه «شمع نورانی میثاق چنان پرتوی بآفاق دهد که عالم ناسوت عالم انوار گردد و حیز ادنی آئینه ملأ اعلی شود . . .

۵۰ در سنندج احبای الهی باُفتخار جناب خان عمو وعده‌ئی از احباء و اماء الرحمن بیان حضرت عبدالبهاء در شهادت نفوس مقدسه و عروج بقطب لامکان و ماندن بیچارگانی چند در این جهان تنگ و تاریک و اسیری در آب و رنگ

۵۳ کردستان احبای الهی باُفتخار جناب آقا میرزا اسدالله وعده‌ئی از احباء الله ظهور عنایت طلعت پیمان در حق احباء آن سامان و تأکید بسعی در رفع اختلاف حساب بین جناب آقا میرزا اسدالله و جناب حکیم ابراهیم

۵۵ ط باُفتخار جناب میرزا حق ویردی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و امر بسلوک در سبیل الهی

۵۶ ط باُفتخار جناب میرزا حق ویردی نصح حضرت من طاف حوله الاسماء در سلوک در منهاج بینش لاجل ظهور اسرار عطای الهی در کینونت وجود

۵۷ باُفتخار ورقه مشتعله خاله جناب میرزا حبیب میثاق حضرت پروردگار باین بیان اصلی ناطق قوله جل ثناؤه «. . . حال دریچه دیگر گشا و سیر و سفر دیگر کن یعنی از امکان بلامکان سیاحت نما تا آثار عهد و پیمان یزدان را در ملأ اعلی مشاهده نمائی . . .

۵۷ باُفتخار امة الله همشیره آقا میرزا مؤمن ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیها

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۵۸ بافتخار جناب میرزا اسحق خان زائر و جناب عبدالله ظهور عنایت مرکز عهد الهی در حق مشارالیهما

۵۸ بافتخار جناب میرزا اسحق جناب میرزا الیاس جناب میرزا یعقوب رجاء طلعت پیمان در فوران اقلیم کاشان و جلوهٔ کلمة الله در آن سامان

۵۹ همدان بافتخار جناب آقا میرزا اسحق و آقا میرزا ریحان و آقا میرزا فرج الله در ظهور میقات وحدت عالم انسانی و بروز مواهب الهیه

۶۰ کاشان بافتخار جناب خواجه ربیع و عدهٔ از احبّاء الهی پیمان حضرت یزدان باین بیان جان افزا ناطق قوله الاصلی ((... هر بصر و بصیرتیکه قوّت مشاهده داشت روشن گشت و هر ضعیف البصری و قلیل البصیرتی چون قوّت مشاهده نداشت دیده بربست ...

۶۱ بافتخار جناب آقا میرزا اسحق خان متحده رجاء حضرت عبدالبهاء در تأسّی مشارالیه بحضرت اسحق و جانفشانی در قربانگاه الهی

۶۱ کاشان بافتخار جناب آقا شکرالله جناب آقا غلام حسین جناب آقا محمد باقر امر مرکز پیمان در ادای شکرانه بدرگاه حضرت یزدان از عرفان بجمال رحمن

۶۲ بافتخار جناب آقا اسحق ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و اخبار مراجعت آقا یوسف

۶۳ کاشان بافتخار جناب آقا میرزا اسحق ظهور عنایت حضرت من اراده الله در حق مشارالیه

بیان حضرت عبدالبهاء

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۶۴ بافتخار اطفال مرحوم آقا موسی نزول مناجات طلب مغفرت در حق آقا موسی

۶۴ " احبای الهی که در مشرق الاذکار کاشان اعانت نموده و همچنین حضرات اماء الرحمن نزول مناجات از یراعه میثاق الهی و طلب تأیید در حق آنان بواسطه بذل اعانه جهة مشرق الاذکار

۶۸ ک بافتخار جناب میرزا محمد باقر معلم ابن آقا محمد علی المتصاعد الی الله نزول مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق الهی در حق آقا محمد علی مرفوع

۶۹ رشت بافتخار جناب یعقوب اسرائیلی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و امر بخدمت و عبودیت و موکول داشتن تشرف برفع موانع

۷۰ رشت بافتخار جناب میرزا اسحق بهائی ظهور عنایت حضرت مولی الوری در حق ایشان و عدم اجازه تشرف نظر بمقتضای حکمت و بروز مکرمت درباره آقا یوسف و احبای سائره

۷۰ قزوین اشتهارد بافتخار جناب آقا رضا و جناب آقا سید حسن و خانواده مرحوم رضاخان و عموم احبای الهی ظهور عنایت طلعت پیمان در حق آنان و رجای ترقی در کمالات عالم انسانی

۷۲ اشتهارد بافتخار احبای الهی نزول مناجات طلب تأیید از قلم میثاق الهی در حق آنان

۷۲ بافتخار جناب آقا سید حسن اشتهاردی بیان پیمان حضرت یزدان در عجز علماء سوء از اداره حکومت و خیرخواهی اعلیحضرت تاجداری و طلب عفو و غفران در حق ابوی مرفوع

۷۴ بافتخار جناب آقا میرزا عبدالوهاب کاشانی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

عبدالوهاب شهید در جاء ظهور روح و ریحان آن عبدالوهاب در این عبدالوهاب

۷۵ باُفتخار جناب آقا میرزا عبدالوهاب نزول مناجات از خامه میثاق الهی و طلب تأیید در حق مشارالیه

۷۶ اصفهان باُفتخار جناب یدالله و جناب فتح الله ظهور عنایت مرکز عالم الهی در حق آنان و عده‌ئی از احبّاء الله و امار رحمانی

۷۷ باُفتخار جناب دکتر محمد خان تمجید میثاق رب مجید از اب بزرگوار و تشرف در عراق بحضور نیّر آفاق و تقدیر زحمات خود ایشان در خدمات مدرسه

۷۸ طهران باُفتخار جناب دکتور محمد خان بیان طلعت پیمان در خرابی و انقلاب ایران بواسطهٔ احزاب و اهتمام اهل بها بآبادی و امان آن

۷۹ ط باُفتخار جناب آقا میرزا عنایت الله خان و آقا میرزا لطف الله خان و آقا میرزا بدیع الله خان و آقا میر عبدالله باقراف و آقا میرزا اسمعیل خان و آقا میرزا رحیم خان نزول مناجات قلم میثاق بدرگاه حضرت قاضی الحاجات و طلب مغفرت و علو درجات در حق جناب دکتر محمد خان مرفوع

۸۱ بواسطهٔ جناب آقا عبدالوهاب زائر باُفتخار والدهٔ محترمه امة الله فاطمه سلطان اخوی آقا عبدالحسین اخوی آقا جمال همشیره ربابه حرم اخوی فاطمه دو صبیه مریم سلطان ربابه و جناب آقا میرزا علی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء و طلب تأیید در حق آنان

۸۳ شیراز باُفتخار امة الله منوّر همشیرهٔ جناب بشیر السلطان بیان طلعت پیمان در عدم تقیید فیض ملکوت بحدود عالم ناسوت و تساوی شئون رجال و

صفحه

فهرست

ربات حجال و تقرب هر یک معلق بانجذاب او

۸۴ حیفا بافتخار جناب آقا نصرالله یزدی تمجید حضرت عبدالبهاء از شیرینی تقدیمی مشارالیه و طلب شفا درباره استاد کاظم و سفارش در خصوص بازماندگان آقا محمد علی و حرم مرحوم و امة الله والده اش و تأکید بآقا محسن در تهیه لباس جهة اطفال

۸۵ شیراز بافتخار جناب حاجی نصرالله بشارت قلم میثاق در استغاثه بدرگاه حق تعالی و طلب شمول فضل درباره مشارالیه

۸۶ طهران بافتخار حضرت بشیر الهی اظهار مسرت طلعت میثاق از وصول چهار صفحه خط مبارک حضرت رب اعلی و شرح بیت مرغ محله شمیران در باغ حاجی باقر که یکسال در تابستان محل سریر ملیک ملکوت بود

۸۷ آباده بافتخار جناب افنان سدره مبارکه آقا سید آقا اظهار رضایت میثاق الهی از مشارالیه راجع به پیوسته ها

۸۸ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی ظهور عنایت پیمان حضرت رحمن در حق مشارالیه

۸۹ بافتخار ماه رخ خانم امر میثاق الهی بمشارالیها در ابراز شادمانی از فوز بهدایت الله

۸۹ طهران بافتخار امة الله ماه رخ ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیها

۹۰ شیراز بافتخار حضرت حسین ابن محمود ابراز مسرت پیمان حضرت یزدان از مشارالیه بواسطه مهتدی شدن بامر الهی و تجویز آشامیدن گلاب ممزوج بشهد جهة استشفاء از مرض

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۹۱ شیراز باُفتخار جناب آقا شیخ ابوالقاسم ظهور عنایت میثاق رب غفور در حق مشارالیه و طلب مغفرت در حق اب مرفوع

۹۲ طهران باُفتخار جناب بشیر الهی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و حضرت دوکتور یونس خان و حضرت دوکتور ارسطو خان

۹۳ طهران باُفتخار جناب بشیر السلطان ظهور عنایت حضرت من طاف حوله الاسماء بمشارالیه و اجازهٔ تشرف باستان مقدس از طریق قفقاز

۹۴ ط باُفتخار جناب بشیر الهی تمجید و تحسین قلم میثاق از استقامت و جانفشانی مشارالیه

۹۵ شیراز باُفتخار جناب خدا کرم قره گوزلی محمدت طلعت میثاق بدرگاه الهی از شمول فضل حق تعالی دربارهٔ مشارالیه و منور شدن بنور ایمان

۹۵ عشق آباد باُفتخار حضرت اسم الله اظهار حزن میثاق الهی از شهادت احباء و ضوضاء اعداء و فریاد و اشرتعیا و امر باهتمام در ساختمان مشرق الاذکار و بیان مبارک در قیام هیکل اطهر بتعمیر تربت و در فارسی بنا بیت مقدس

۹۷ شیراز باُفتخار مستر ریمی و مستر استرون امر میثاق حی قدیر بمشارالیهما باداء شکرانه بدرگاه الهی در توفیق بسیر و حرکت در دیار و نشر نفحات گلشن ابهی

۹۷ باُفتخار جناب محمد طلعت افندی بیان طلعت پیمان در اینکه هرگاه اضطهاد و جهلاء مانع نبود آنگاه احساسات وجدانیه احباء را نسبت بخود مشاهده مینمودند

۹۸ اصفهان باُفتخار جناب سیف الله خان بیان حضرت عبدالبهاء در اشراق

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

نور هویت در زجاجه احدیت و نقض میثاق

۹۹ بعنوان (ای شمع افروخته) حضرت عبدالبهاء باین بیان اصلی ناطق قوله عزّ اعزازه

«اگرچه افروختن خوش است ولکن سوختن خوشتر . . .

۹۹ طهران بافتخار جناب محمود ولد حاجی محمد علی بن عمه رجاء حضرت مولی الوری

در شمول الطاف الهیه

۱۰۰ بدون عنوان نزول مناجات قلم میثاق و طلب تأیید در حق احبّاء و آماء الرحمن

۱۰۰ ط بافتخار جناب آقا علی عسکر ظهور عنایت مظهر عبودیت در حق مشارالیه

و در ذیل لوح نزول مناجات و استغاثه بدرگاه الهی از محفوظی از سهام شبهات

۱۰۲ بافتخار جناب آقا علی عسکر میثاق حی قیوم باین بیان جان فزا ناطق قوله

جلّ تبیانه «ای بحر پر موج موجی برآر که باوج ملاء اعلی رسد و طوفانی کن

که فیضانش شرق و غرب را مستغرق نماید . . .

۱۰۳ ط بافتخار جناب آقا علی عسکر بیان طلعت پیمان در اینکه نفوس بشریه

بر دو قسمند حزبی چون خراطین و مقرشان طبقات ترابیه و حزبی دیگر سرمستان

جام الهی که عالم فانی را زندانی ظلمانی مشاهده نمایند

۱۰۴ ط بافتخار حرم جناب آقا علی عسکر تسلیت حضرت عبدالبهاء بمشارالیها از

صعود ورقه طیبه

۱۰۵ ط بافتخار جناب آقا علی عسکر ظهور عنایت پیمان الهی بمشارالیه

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۱۰۵ ط باُفتخار جناب آقا حبیب الله بیان حضرت عبدالبهاء ثبوت بر عهد و پیمان

۱۰۶ ط باُفتخار جناب آقا محمد علی بیان پیمان حضرت یزدان در اینکه الیوم قوای ملکوت و وسائط ناسوت کلّی خادم امرالله است

۱۰۶ ط باُفتخار جناب آقا حسین رجاء حضرت عبدالبهاء از فضل الهی در اتصاف احبّاء باخلاق و اعمالیکه لایق این یوم است

۱۰۷ باُفتخار جناب آقا علی عسکر ورقه ضلع آقا علی عسکر ورقه همشیره آقا علی عسکر و عدّه کثیری از احبّاء و اماءالله ظهور عنایت پیمان الهی در حق یاران

۱۰۹ ط باُفتخار جناب آقا علی عسکر ظهور عنایت طلعت میثاق در حق مشارٌالیه

۱۰۹ ط " " عموعلی عسکر و جمیع احبّاء دروازه شاهزاده عبدالعظیم ظهور عنایت مطلع عبودیّت در حق مشارٌالیه و جمیع احبّاء

۱۱۰ طهران خطاب بجناب آقا سید حسن نزول مناجات بدرگاه قاضی الحاجات از قلم میثاق و طلب مغفرت درباره عموعلی عسکر

۱۱۱ بعنوان (ای سمّی ذبیح) بیان مفسّر آیات در امتناع از فدا و نیل بشهادت کبری و قربانی بودن جمال رحمن

۱۱۲ باُفتخار جناب درویش اسمعیل بیان طلعت پیمان در جانفشانی مستمرّ و شهادت در کلّ آن در راه یزدان

۱۱۳ باُفتخار امّه ورقه طیّبه والده آقا ملّا باقر امر حضرت عبدالبهاء بمشارٌالیها

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

در قیام بنشر نفحات الهیه

۱۱۴ ط باُفتخار جناب آقا میرزا علی اکبر طهرانی بیان حضرت عبدالبهاء از عدم تحزن از مصیبت وارده و ابراز مسرت از اینکه شخص مرفوع راسخ بر عهد و پیمان بود

۱۱۴ ط باُفتخار متعلقان جناب آقا میرزا علی اکبر بیان طلعت پیمان بگشایش پر عرفان و طیران بفضای لامکان

۱۱۵ طهران باُفتخار جناب آقا محمد حسن اخوی جناب آقا محمد علی مناجات میثاق الهی بدرگاه حضرت کبریاء با فاضه رشحات عنایت و عطا در حق ابرار

۱۱۶ ط باُفتخار جناب آقا محمد حسن اخوی جناب آقا محمد رضا شکرانه طلعت پیمان از فضل جمال رحمن بظهور الفت و محبت بین قلوب

۱۱۷ باُفتخار جناب آقا میرزا امین الله نفحات بیان میثاق الهی باینکه هر دو رؤیا صادق و دلیل بر قربیت درگاه حضرت احدیت است

۱۱۸ یزد باُفتخار جناب حاجی میرزا ابراهیم عطار یزدی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیه

۱۱۸ ط باُفتخار جناب میرزا اسدالله جناب میرزا اسمعیل جناب محمود آقا دوخت آقا میرزا علی اکبر زائر بیان حضرت من اراده الله در تشرف جناب میرزا علی اکبر بعتبه مقدسه و امید حضرتش باینکه آنان نیز بواسطه ثبوت بر عهد و میثاق الهی نفحات قدسیه بقعه مبارکه را از فرسنگها استشمام نمایند

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۱۱۹ طهران خطاب بجناب امین الله نفحات نزول مناجات از یراعهٔ میثاق الهی و طلب مغفرت دربارهٔ امة الله والدهٔ مشارالیه

۱۲۰ بافتخار جناب آقا محمد حسین نراقی امر حضرت عبدالبهاء مشارالیه ببستن احرام کعبهٔ وجود و عزم کوی دوست و در ذیل لوح ابلاغ تحیت و عنایت بوالدهٔ محترمه و نیز در ذیل اظهار مکرمت بآقا حسن و کریم آقا و فیض الله و امة الله خدیجه و ایضاً در ذیل لوح مبارک ظهور عطوفت بضجیع منجذبه و همچنین در ذیل آن نزول مناجات طلب تأیید در حق مشارالیه و نیز در ذیل آن لوح بیان مبارک در حصول تمنای جناب آقا حسین و صدور خطابات مقدسه در حق نفوس مذکوره در فوق

۱۲۲ بدون عنوان نزول مناجات از یراعهٔ میثاق الهی و طلب نزول برکات جهة شرکت جدیده

۱۲۳ " " بیان حضرت عبدالبهاء در صدور الواح مبارکه خطاب باحبای الهی بخواهش حضرت زائر آقا حسین

۱۲۳ طهران بافتخار جناب حسین نراقی صدور اجازه از یراعهٔ طلعت میثاق بتشرف بساحت اقدس

۱۲۳ طهران بافتخار جناب حسین نراقی بیان پیمان رب منان در تبیین کواکب مفقوده و نجوم ذوات الاذناب و ابوین غافلین که چون بعالم دیگر انتقال یابند از فیض ابدی محروم مانند و امکان استجابت شفاعت پسر مؤمن در حق آنان

۱۲۵ طهران بافتخار جناب آقا محمد حسین نراقی نزول مناجات طلب مغفرت از قلم

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

میثاق الهی در حق نفسی از نفوس مرفوعه

۱۲۶ طهران بافتخار جناب آقا محمد حسین نراقی بیان حضرت عبدالبهاء در افاضهٔ انوار حضرت بهاءالله بشرق و غرب عالم و استدلال ببیان حضرت اعلی که میفرماید ایاک ایاک ان تحتجب بالواحد البیانیه او بما نزل فی البیان

۱۲۷ بافتخار جناب آقا محمد حسین نراقی بیان طلعت میثاق در عظمت امرالله و نفوذ کلمة الله و حرکت هیکل عالم ایجاد

۱۲۸ بافتخار جناب آقا محمد حسین نراقی ظهور عنایت میثاق الهی در حق مشارالیه

۱۲۹ طهران بافتخار جناب آقا محمد حسین نراقی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص ممنوعیت اهل ایمان از طلب غفران در حق خویشان غیر مؤمن در کور قرآن و مقبولیت غفران جهة بیگانه و خویش در این دور اصیل

۱۳۳ یزد بافتخار امة الله ربابه حرم آقا میرزا جواد شهید صباغ تسلیت مرکز میثاق بمشارالیها از شهادت قرین خویش و ظهور عنایت و الطاف در حق حرم شهید آقا مشهدی حسن و امة الله سکینه و طلب مغفرت درباره والده ایشان و اظهار مکرمت در حق جناب آقا علی اکبر و آقا علی محمد و امة الله سکینه سلطان و دو داماد

۱۳۴ بافتخار جناب آقا علی اصغر امر بادای شکرانه بدرگاه الهی از تشرف بعتبه مقدسه و اذن مراجعت

۱۳۵ رشت بافتخار آقا علی اصغر ظهور عنایت میثاق حضرت بیچون در حق مشارالیه

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۱۳۵ باافتخار جناب آقا علی اصغر شیرازی ظهور عنایت عهد وثیق الهی در حق مشارالیه

۱۳۶ " " زائر آقا علی اصغر امر بادای شکرانه بدرگاه حضرت احدیت از زیارت مطاف ملأ اعلی و امر بمراجعت بطهران

۱۳۶ طهران باافتخار جناب آقا علی اصغر شیرازی امر میثاق حضرت بیچون در قیام بخدمت ابن شهید

۱۳۷ ط باافتخار جناب آقا میرزا محمد امة الله فاطمه بیگم جناب آقا علی اکبر امة الله ربابه بیان هیکل پیمان باینکه آنچه در راه خدا وارد آید سبب عزت عظمی گردد مشارالیه

۱۳۸ باافتخار جناب آقا میرزا محمد ظهور عنایت و الطاف از قلم میثاق الهی در حق مشارالیه

۱۳۹ ط باافتخار جناب میرزا محمد بیان طلعت پیمان در اینکه الیوم میزان عظم ثبوت بعهد و میثاق است

۱۳۹ بدون عنوان امر حضرت عبدالبهاء بتقدیم حمد و ثنا بدرگاه الهی از اینکه رز صلب پاک قدم بعرصه وجود گذارده و در آغوش معرفت الله نشو و نما نموده

۱۴۰ باافتخار جناب میرزا محمد خان اخبار حضرت عبدالبهاء بمشارالیه باینکه بعضی در صدد تزلزل او هستند مراقب بوده که از امتحان لغزش نیاید

۱۴۱ نزول مناجات طلب تأیید از یراعه میثاق الهی در حق میرزا محمد

۱۴۲ باافتخار جناب آقا سید حسن و عده‌ئی از نهالهای باغ الهی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق آنان و طلب تأیید

۱۴۳ طهران باافتخار جناب میرزا نصرالله ظهور عطا از قلم حضرت مولی الوری در حق

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

مشارٌالیه از فراگرفتن درس تبلیغ و امید باینکه جمعی بنور هدایت رهبری نماید

۱۴۴ عراق عجم باُفتخار جناب آقا میرزا نصرالله طالقانی ظهور عنایت مرکز پیمان در حق مشارٌالیه و اظهار مکرمت در حق جناب میرزا آقاخان و جناب آقا شیخ احمد و جناب آقا مصطفی و جناب اکبر آقا و جناب سید فرج الله و جناب آقا میرزا محمود و جناب آقا میرزا مسیح

۱۴۶ باُفتخار جناب میرزا نصرالله طالقانی رجاء حضرت عبدالبهاء باینکه از طالقان نفوسی مبعوث شوند که سبب سرور قلوب یاران گردند

۱۴۷ طهران باُفتخار جناب میرزا نصرالله رستگار طالقانی ظهور عنایت میثاق حضرت یزدان درباره ایشان و طلب تأیید

۱۴۷ طهران باُفتخار جناب میرزا محمدخان بیان طلعت پیمان در اینکه بدنامی در سبیل الهی و شیدائی آن دلبر بیهمتا عزتی است و ذکر میرزا آقاخان نوری صدر اسبق که بواسطه شخص مورخ نسبت سلسله خاندان خویش باباصلت هروی رسانید

۱۵۰ طهران باُفتخار جناب میرزا محمدخان ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارٌالیه

۱۵۰ 〃 〃 آقا میرزا محمد استغاثه حضرت عبدالبهاء بدرگاه الهی از مصونیت از افتتان و امتحان

۱۵۱ مشهد باُفتخار جناب آقا میرزا محمدخان ظهور عنایت پیمان الهی در حق مشارٌالیه و امر بثبات و استقامت

۱۵۲ همدان باُفتخار جناب آقا نعمت الله رجاء حضرت عبدالبهاء در تبدیل عسر بیسر و

صفحه

فهرست

امر بطرح الفت با بیگانگان لاجل هدایت آنان و ظهور عنایت در حق میر اندره و معلمین مدرسه تأیید و رجوع حکم زنای محصن و محصنه به بیت عدل

۱۵۴ نزول مناجات طلب مغفرت از یراعه طلعت [illegible] بجهت [illegible] نعمت الله نراقی

۱۵۵ مشهد بافتخار جناب آقا نعمت الله ظهور مکرمت مرکز عهد الهی در حق مشار الیه و ضجیع محترمه

۱۵۵ " نزول مناجات از قلم طلعت پیمان و طلب مغفرت بجهت آقا محمد جواد نراقی

۱۵۴ بافتخار جناب آقا محمد جعفر همدانی ظهور عنایت حضرت غصن الله الاعظم در حق ایشان بجهت مهتدی شدن بفیض ایمان

۱۵۶ همدان بافتخار جناب آقا محمد جواد من اهل ظهور عنایت حضرت عبد البهاء در حق مشار الیه و طلب تأیید

۱۵۷ همدان بافتخار جناب آقا نعمت الله نراقی بیان طلعت پیمان بعدم ذکر فرقانی و کلیمی و تعبیر عموم بهائی و ظهور عنایت در حق صحیح آقا عباس و ضلع مرحوم آقا سید احمد و نزول مناجات مغفرت در حق آقا ابو القاسم شهید و لزوم قضاء صلوة فوت شده من دون نقصان در سفر و بیان اینکه حضرت اعلی امام ثانی عشر و موعود فرقان و مبشر بظهور من یظهره الله بودند و ارجاع حکم بیع محلی شرق الاذکار بیت العدل

۱۶۰ هـ م بافتخار جناب آقا محمد جواد نراقی ظهور فضل وجود از یراعه میثاق حضرت معبود در حق مشار الیه و ذیل لوح مبارک ظهور عنایت درباره جناب اخوی

۱۶۱ ط بافتخار جناب آقا سید احمد صدر ظهور عنایت حضرت عبد البهاء

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

در حق مشارالیه و امر بمسافرت بهمدان و اطراف آن لاجل اعلاء کلمة الله

۱۶۱ بعنوان جناب ابوی نافضل الله جناب آقا محمد جواد حضرت من طاف حوله الاسماء باین بیان اعلی ناطق قوله جل ذکره ((قد تنفس صبح الاشراق بانوار المیثاق ولاح فجر الوجود بنور الشهود فی یوم المشهود والغافلون لفی سکرتهم یعمهون ..

۱۶۲ همدان بافتخار احبای الهی خطاب میثاق یزدان بجنود ملکوت سلطان احدیت بهجوم سپاه ضلالت و لشکر جهالت و افواج ظلمت و درهم شکستن قوت و سطوت اهرمنان

۱۶۳ بافتخار احبای همدان بیان حضرت عبدالبهاء در اشراق آفاق بنور میثاق و وجد و طرب عاشقان جمال رحمن و خمودت افسردگان

۱۶۴ همدان بافتخار جناب آقا محمد جواد نراقی ستایش قلم میثاق از ثبوت مشارالیه بر عهد الهی

۱۶۴ کرمانشاهان بافتخار جناب آقا محمد علی بیان طلعت پیمان باینکه هر چند مشارالیه بظاهر دور است ولی بحقیقت نزدیک است

۱۶۵ بافتخار جناب آقا محمد جواد نراقی ستایش قلم پیمان از ثبوت مشارالیه بمیثاق و امر بمواظبت امر از القاآت ناقضان

۱۶۶ نراق بافتخار جناب آقا محمد باقر وعده‌ئی از احباء ستایش حضرت عبدالبهاء از استقامت در مقابل جفای ستمکاران و در ذیل بیان مبارک در خصوص تأثیر نفس زمهریر جعفر اعرج در نراق

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۱۶۸ باافتخار جناب ج و با نزول مناجات طلب تأیید رب مجید از قلم میثاق آلهی درباره آنها

۱۶۸ همدان باافتخار اعضاء محفل تبلیغ بیان حضرت عبدالبهاء در ستایش محفل تبلیغ

۱۶۹ " " احبای الهی فرقانی اظهار سرور هیکلی میثاق از دله و انجذاب یاران الهی

۱۷۰ باافتخار احبای الهی و آماء رحمن در همدان و امزاجرد و بهار و حسین آباد و غیرهم مژده طلعت پیمان از خلاصی از زندان و وفود باقلیم مصر و تأکید بعمل بوصایای جمال مبارک

۱۷۳ همدان باافتخار جناب حاجی آقاخان نراقی جناب آقا محمد نراقی جناب آقا میرزا عنایت نراقی جناب استاد احمد و خاندانش جناب قربانعلی امزاجردی جناب کربلائی محمد جعفر جناب آقا غلام حسین و سایر دوستان همدان و امزاجرد و بهار و عراق و توسرکان و بیجار و اطراف نزول مناجات از یراعه میثاق الهی در حق آنان و طلب تأیید

۱۷۴ بعنوان (ای حبیب قدیم) ظهور عنایت مرکز عهد الهی در حق مخاطب لوح

۱۷۴ " (ای بنده بها ای محمد باقر) تأکید قلم میثاق بتربیت اطفال دبستان الهی

۱۷۵ نزول مناجات از مخزن یراعه میثاق و طلب مغفرت در حق مهدی

۱۷۵ بعنوان (ای عبدالباقی) امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در خدمت به پدر

۱۷۵ مناجات قلم میثاق و طلب مغفرت بجهة جناب آقا حسین

۱۷۵ باافتخار جناب آقا عبدالحسین بیان طلعت میثاق در عدم تخزن از عارضه سامعه

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

جسمانی و ستایش از سمع رحمانی

۱۷۷ بافتخار جناب میرزا عبد الحسین ابن همشیره حرم ک ظهور فضلی و مکرمت طلعت عبودیت از ثبوت بر پیمان و استقامت در امر جمال رحمن

۱۷۸ بعنوان (ای موقن بآیات الله) امر قلم میثاق باداء شکرانه بدرگاه ملیک آفاق از مهتدی شدن بنور هدی

۱۷۸ بافتخار حضرت مؤید ظهور عنایت میثاق الهی در حق مشار الیه و اظهار حزن از دوری از سجن عکا و اقامت در تونون و عزم مسافرت باروپا

۱۸۰ بغداد بافتخار حضرت مؤید اظهار مسرت حضرت من اراده الله از سلامت وفود شان ببغداد

۱۸۱ طهران بافتخار جناب مؤید السلطنه بیان طلعت میثاق در اطاعت و انقیاد مرکز عهد الهی و استیذان از ساحت مقدسش در امور مهمه و حصر فکر در اعلاء کلمة الله

۱۸۳ بعنوان (ای متوجه بملکوت ابهی) رجاء طلعت عبودیت از درگاه حضرت احدیت بعروج ورقه مبارکه خاله خانم بمدارج عالیه انقطاع و وصول بخیر کل

۱۸۳ بیروت بافتخار حضرت مؤید امر حضرت عبد البهاء بعدم مراجعت مگر پس از اطمینان کامل و استقرار صلح حقیقی بین احباء بغداد

۱۸۴ بیروت بافتخار حضرت مؤید بیان مرکز عهد المتین بجواز استخاره در مواقع مهمه و عدم جواز آن در امور عادیه و مراجعت بایران باصلاح دید حضرت

فهرست

صفحه

فرمان و اجازهٔ نایب السلطنه و مجلس

۱۸۴ بیروت بافتخار حضرت مؤید امر حضرت عبدالبهاء در خصوص عدم لزوم مسافرت بعتبات عالیات برای تبلیغ و هدایت نفوس

۱۸۶ بافتخار جناب مؤید اطمینان قلم میثاق بمشارالیه از مصونیت در انقلاب و امر بالفت با حضرت سپه

۱۸۷ بافتخار حضرت ذ بیان عهد الهی در حصول مطلوب بواسطهٔ ثبوت و استقامت

۱۸۷ طهران بافتخار جناب آقا میرزا نعیم بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص تاریخ میرزا جانی و تحریف آن بواسطهٔ بیخردان و امر بتکمیل اطلاعات و تحقیقات راجعه بتاریخ و ارسال آن مع نسخه جوابیه بنزد جناب ابی الفضائل

۱۸۹ طهران بافتخار جناب آقا میرزا نعیم ستایش قلم میثاق از منظومهٔ مشارالیه و تأکید در اطلاعات راجعه بتاریخ میرزا جانی و ارسال آن بنزد جناب آقا میرزا ابوالفضل

۱۹۰ طهران بافتخار جناب آقا میرزا نعیم اظهار مسرت مرکز عهد الهی از مبادرت مشارالیه بتحصیل لسان انگلیسی و تأکید در اهتمام بتکمیل آن

۱۹۰ بافتخار جناب میرزا نعیم طلعت پیمان باین بیان احلی ذاکر قوله عز بیانه ((ای هزار هزار در این ریاض چه آهنگی آغاز نمودی که طیور حدائق قدس را بوجد و طرب آوردی ... خوشا بحال تو خوشا بهندی عزیزیکه رفیع او گشتی ...

۱۹۱ ط بافتخار جناب میرزا نعیم ظهور عنایت کبری از یراعهٔ عهد الله الاوفی در حق احبّاء

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

و اظهار مکرمت درباره ضجیع مشارالیه

۱۹۲ بعنوان (یا نعیم عبدالبهاء) اظهار حزن هیکل میثاق از صعود حضرت صدرالصدور
و امر بمشارالیه در تدریس تبلیغ بنوجوانان و نورسیدگان ملکوت ابهی

۱۹۴ طهران باافتخار سلیل جلیل حضرت نعیم من ادرک لقاء ربه جناب آقا میرزا عبدالحسین خان
ظهور عنایت طلعت عبودیت در حق مشارالیه و امة الله والده و امة الله محبوبه و امة الله
ثابته و جناب آقا میرزا احمد خان صمیمی

۱۹۵ طهران باافتخار جناب نعیم افندی اظهار مسرت حضرت غصن الله الاعظم از منظومه مشارالیه

۱۹۶ باافتخار آقا میرزا جلال خان ذبیح و آقا میرزا عبدالحسین خان نعیمی و دکتر ارسطو خان
اظهار مسرت حضرت عبدالبهاء از انعقاد محافل تبلیغ در منازل نفوس مذکور در فوق

۱۹۷ باافتخار جناب آقا محمد جواد نراقی ظهور مکرمت طلعت پیمان در حق مشارالیه

۱۹۸ 〃 〃 آقا میرزا عبدالله المطلق امر حضرت عبدالله الوثیق بمشارالیه در اشتغال
بتبلیغ در صفحات کرمان و سپس مراجعت بعراق و ظهور مکرمت در حق آقا میرزا محمدهای
اشراقی و جناب میرزا اسحاق خان متحده و آقا میرزا عبدالله خان

۱۹۹ تجارتخانه متحده و جناب عبدالله طهرانی و عده‌ئی از احباء الله و اماء الرحمن امر بادای
شکرانه بدرگاه الهی از اصغای ندای رب الجنود از شجره مبارکه

۲۰۰ بدون عنوان تسلیت حضرت عبدالبهاء بمخاطب لوح در حرقت از فقدان نفس مرفوعه

۲۰۱ بعنوان (ای ثابت راسخ) امر عهد حضرت ذوالمنن بابلاغ نوید فضل الهی باحباء الله

صفحه فهرست

و تأکید در ثبوت و استقامت

۲۰۱ بغداد بافتخار حضرت مؤید امر قلم میثاق بمشارالیه از مراجعت بوزراء جهة بازگشت بایران

۲۰۲ بافتخار سلیل جلیل حضرت مؤید ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و امر بجلوه در شاخسار حقیقت

۲۰۳ بافتخار جناب محمد میرزا تحسین حضرت من طاف حوله الاسماء از سفر مشارالیه *

۲۰۳ اصفهان بافتخار امة الله المقربه کوکب سلطان امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیها بادای شکرانه بدرگاه کبریا از فوز بایمان

۲۰۴ اصفهان بافتخار امة الله المشتعله بلقیس نفیس امر میثاق الهی بمشارالیها در قیام بتبلیغ امر الله

۲۰۴ " " بلقیس ظهور عنایت حضرت من اراده الله بمشارالیها و تأکید در قیام بخدمت امآء الرحمن

۲۰۵ طهران بافتخار جناب حاجی آقا محمد علاقه بند بیان طلعت پیمان در فساد بدخواهان و عدالت اعلیحضرت شهریاری و کاردانی و درایت حضرت صدارت پناهی

۲۰۸ بعنوان (احبای الهی) بیان طلعت میثاق در احاطه افتتان و امتحان و انتشار اوراق شبهات و امر باصغای منادی الی الحق

۲۰۹ طهران بافتخار جناب حاجی آقا محمد علاقه بند بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه وجوه ارسالی بجهت بنای حمام صرف ملزوم رجوع یاران گردید

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۲۱۱ طهران بافتخار جناب حاجی آقا محمد علاقه بند ظهور عنایت عهد وثیق الهی در حق مشارالیه و امر بطلبیدن اطفال از یزد بطهران

۲۱۲ ط بافتخار جناب حاجی آقا محمد علاقه بند ظهور عنایت در حق سرکار والا مظهر جلال (مقصود جلال الدوله حکمران یزد است)

۲۱۳ مناجات صادره از قلم میثاق و طلب مغفرت در حق ضجیع جناب آقا محمد علاقه بند و در ذیل لوح مبارک بیان تسلیت در حق مشارالیه

۲۱۵ بافتخار جناب سعید الملک امر میثاق حضرت منان ببیان شکرانه بدرگاه الهی از فوز بایمان و بیان اینکه چون برادر مکرمش بدعای عبدالبهاء فرج یافت و از غم آزاد شد در پی آزار و ایذاء اجتباء برخواست

۲۱۶ بافتخار جناب استاد آقای صباغ اذن و اجازه حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در تشرف باستان مقدس

۲۱۷ نشاد بافتخار اخوی رضی الروح جناب ملا علی اکبر ظهور عنایت طلعت میثاق در حق مشارالیه و دو پیکر دیگر (مقصود حضرت رضی الروح و حضرت ملا بابائی برادران ایشان هستند که هر دو بمقام رفیع شهادت نائل گشتند

۲۱۸ بافتخار امة الله ورقه موقنه حرم جناب زائر حاجی آقا محمد بیان حضرت عبدالبهاء در صحت شکوای مشارالیها از جناب حاجی بحضور مدعی و مدعی علیه برای صدور حکم و اجراء قصاص بمنظور زیارت روضه مقدسه

صفحه

فهرست

۲۲۰ بدون عنوان تسلی قلم میثاق بمخاطب لوح از وقوع مصیبت کبری و امر بتحمل آلام در سبیل جمال قدم

۲۲۱ بافتخار جناب فاضل تفتی جناب آقا حسنعلی فیروزآبادی جناب آقا علی مهرجردی جناب آقا سید علی محله ملی جناب آقا حسین صدرآبادی مصیبت زدگان یزد بیان میثاق حضرت سبحان آنکه در مواقع افتتان یکی چون ذهب ابریز در آتش امتحان جلوه نماید و یکی مانند نحاس منحوس افسرده گردد

۲۲۲ بدون عنوان بیان طلعت پیمان در ذکر ستایش جناب خان از اوصاف مخاطب لوح و مهتدی شدن جناب خان بواسطه انفاس قدسیه ایشان

۲۲۳ بافتخار امة الله حاجی بی بی صاحب نزول مناجات طلب تأیید از قلم میثاق درباره مشارالیها

۲۲۴ بافتخار امة الله بی بی فاطمه نزول مناجات از قلم مفسر آیات در حق مشارالیها و طلب تأیید

۲۲۴ ط بافتخار جناب حاجی آقا محمد علاقه بند بیان عهد الهی در خصوص تحریر الواح عدیده بافتخار او با وجود مشاغل کثیره

۲۲۴ طهران بافتخار جناب حاجی آقا محمد علاقه بند بیان مرکز پیمان در خصوص تقسیم میراث جناب استاد محمد حسین بعد از اجراء وصیت و در صورت رضایت وراثت ارسال آن بجهة مصاریف مشرق الاذکار بعشق آباد و یا توزیع بفقراء جمیع ملل

۲۲۶ طهران بافتخار جناب آقا محمد علاقه بند بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص کثرت

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

مشاغل مبارک و امر برفتن یزد و تفقد حال بازماندگان شهداء

۲۲۷ طهران باافتخار جناب آقا میرزا علی مازندرانی جناب آقا مشهدی علی اکبر جناب آقا مشهدی ابوالقاسم جناب آقا حاجی ابوالقاسم بیان حضرت غصن ابهی در خصوص استیلاء و یا بواسطه طغیان اهل ایران و عدم انتباه نفوس و امر باستغفار بدرگاه حضرت پروردگار در رفع بلا و مصونیت از افتتانات الهیه

۲۲۹ یزد باافتخار جناب علی ابن مرحوم حاجی عبدالرحیم بشارت قلم میثاق بمشارالیه از نزول زیارت در حق مستشهد فی سبیل الله

۲۳۰ باافتخار جناب حاجی آقا محمد علاقه بند بیان حضرت عبدالبهاء باینکه جناب حاجی و حضرتش هر دو در عتبه مقدسه کبریا همراز و هم آواز هستند

۲۳۱ بعنوان (ای ثابت بر میثاق) بیان پیمان حضرت یزدان در خصوص اینکه تکبیرات اربعه از حضرت رب اعلی و مقصود جمال ابهی است و هیچیک در شریعة الله منسوخ نه ولی سمه مؤمنین در ایام مبارک الله ابهی بود و تا یوم بعث جدید باقی خواهد بود

۲۳۵ بعنوان (ای ثابت راسخ بر عهد و میثاق) امر حضرت عبدالبهاء بمخاطب نوح در خصوص معاشرت با احباء در ارض یا و اهتمام در التیام بین قلوب و حرکت بارض ط بمعیت اهل و عیال و در صورت ماندن در ارض یا انتقال اشیاء حجره بآنجا

۲۳۷ بعنوان (ای بدیع الله) امر میثاق الهی باداء شکرانه بدرگاه حضرت احدیت از ورود در ظل کلمة الله

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۲۳۸ بافتخار جناب میرزا عبدالوهاب زاهدالزمان بیان طلعت میثاق در بعث نفوس مبارکه در زنجان و انفاق جان در سبیل جانان و امر بتلاوت بیان فارسی و تشریح آن جهت یاران

۲۴۰ زنجان بافتخار جناب آقا ملا عبدالوهاب زاهد ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء درباره مشارالیه و امر بجولان در میدان تبلیغ

۲۴۲ قزوین بواسطه حضرت حکیم الهی زنجان بافتخار جناب ملا عبدالوهاب زاهدالزمان اظهار سرور هیکل میثاق از تأسیس محفل ملاقات و محفل نشر نفحات در زنجان

۲۴۴ طی بافتخار جناب میرزا عبدالحسین شکوه قلم میثاق از معاندت اولوالبغضاء از جمیع امم و نزول مناجات طلب تأیید در حق مشارالیه

۲۴۵ نزول مناجات از یراعه حضرت عبدالبهاء در جای غفران بجهت متصاعد برفیق اعلی میرزا علی خان وحیدالملک

۲۴۷ طهران بافتخار جناب دکتور یونس خان بیان طلعت میثاق در خصوص تأسیس مدرسه نبات و اتحاد احباء بشأنیکه فرصت اخلالی برای یحیائیها باقی نماند و امر بانعقاد مهمانی نوزده روزه

۲۴۸ طهران بافتخار جناب یونس خان بیان حضرت عبدالبهاء در حشر با خلق بموجب تعلیم ربانی و اجتناب احباء مستخدمین حکومت از ارتشاء

۲۴۹ طهران بافتخار جناب میرزا یونس خان بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

ده هزار تومان میراث مرحوم میرزا هادیخان و صرف آن جهت تعمیر جدث حضرت رضی الروح

۲۵۰ طهران باافتخار جناب میرزا یونس خان اظهار مسرت طلعت عبودیت امر اقتران مشارالیه با ورقهٔ محترمه حفیده رضی الروح و بشارت نزول زیارت در حق حضرت رضی الروح

۲۵۱ طهران باافتخار جناب میرزا فضل الله و امة الله والدهٔ محترمه بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص جناب یونس و تکمیل علم طب و مراجعت بایران و تسبیح و تهلیل پدر مخاطب لوح در ملکوت مغفرت

۲۵۲ باافتخار سلالهٔ حضرت رضی الروح ستایش مرکز عهد الهی از حضرت رضی الروح و امر باعلاء ذکر آن بزرگوار

۲۵۳ عشق آباد باافتخار جناب حسن ابن حاجی ایمان نزول زیارت در حق یکی از ورقه (ام اشرف) که فرزند خود را در سبیل محبت الهی فدا نموده و اکنون خود نیز بملکوت ابهی صعود نموده است

۲۵۴ بعنوان (ای یادگار آن ورقهٔ محترمه) ظهور عنایت میثاق الهی در حق مخاطب لوح یادگار آقا سید اشرف مستشهد فی سبیل الله

۲۵۴ باافتخار جناب آقا ایمان زنجانی ستایش قلم میثاق از مسجونی مشارالیه در سبیل الهی و ابلاغ تکبیر بعموم مسجونین

۲۵۵ باافتخار جناب آقا حسن ولد جناب حاجی ایمان ظهور مکرمت حضرت عبدالبهاء

فهرست

صفحه

در حق مشارالیه

۲۵۵ بافتخار ام کلثوم ضلع سلیل حاجی ایمان ظهور مکرمت پیمان حضرت بیچون در حق مشارالیها

۲۵۶ بافتخار امة الله ضلع ابابصیر شهید ستایش حضرت عبدالبهاء از ابابصیر بجهت انفاق مال و جان در سبیل حضرت یزدان

۲۵۷ عشق آباد بافتخار ضجیع متصاعد الی الله الشهید ابابصیر طلعت پیمان باین بیان اصلی ذاکر قوله جل ثناؤه ((... آن جان پاک از اوج افلاک ملکوت ابهی ندا میفرماید که ای قرین دلنشین در ذروه علیینم و در اوج فردوس برین ...))

۲۵۸ عشق آباد بافتخار ضجیع متصاعد الی الله حضرت ابابصیر بیان حضرت من اراده الله در طیران حضرت ابابصیر بشاخسار رحمانی

۲۵۸ عشق آباد بافتخار جناب حسن ابن حاجی ایمان امر حضرت عبدالبهاء به پناهنده شدن در ظل صون و عون جمال ابهی

۲۵۹ زنجان بافتخار جناب آقا حسن کفاش حضرت من طاف حوله الاسماء باین بیان اصلی ناطق قوله عز و علا ((... بزم خوشی برپاست و جشن بلا در نهایت ترتیب و تنظیم آراسته گشته و عبدالبهاء در این بزم سرمست و می پرست و جام بلا در دست ...))

۲۶۰ زنجان بافتخار جناب پیغمبر قلی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه

فهرست

صفحه

۲۶۰ بافتخار جناب آقا محمد حسن زنجانی نزول مناجات از قلم میثاق الهی در حق مشارالیه و طلب تأیید

۲۶۱ بافتخار امة الله رقیه بیان طلعت پیمان بانکه اگر تمنای عزت قدیمه دارد باید مانند ورقه نورآء والده علی اشرف هر مشقتی را در سبیل الهی تحمل نماید

۲۶۱ عشق آباد بافتخار جناب استاد محمد حسن بیان حضرت عبدالبهاء بانکه حضرت اشرف بشهادت خویش تاجی بر سر آن دودمان نهاده است

۲۶۲ بدون عنوان مناجات قلم میثاق و طلب مغفرت در حق والد یکی از احباء

۲۶۲ بافتخار امة الله قدسیه بیان طلعت عبودیت بانکه هرگاه کام را شیرین خواهد ندا یا بهاء الابهی برآرد

۲۶۳ بافتخار امة الله والده آقا محمد حسن ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیها

۲۶۳ زنجان بافتخار داماد جناب حاجی ایمان بیان غصن الله الاعظم در ورود جناب حاجی بعتبه مقدسه و رجائش از آستان الهی از شمول فیض و برکت درباره مملکت و امت

۲۶۴ بافتخار بستگان و خویشان جناب حاجی ایمان بیان حضرت عبدالبهاء در قوت گرفتن امر الله بطوریکه عموم چون مریض در پی دوا برخیزند

۲۶۴ تبریز بافتخار جناب حاجی ایمان بیان حضرت عبدالبهاء در نصرت ملاء اعلی به تأمین بر میثاق و اشراق انوار شمس حقیقت بر کل آفاق.

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۲۶۵ زنجان ایران بافتخار احبای الهی بیان حضرت عبدالبهاء بلسان فارسی و ترکی
در اینکه خطهٔ زنجان بخون شهیدان آبیاری گردیده لذا باید بهمت احبای الهی تا دشت و دمن آن
رشک گلزار و چمن شود

۲۶۷ زنجان بافتخار جناب آقا یوسف ظهور عنایت طلعت پیمان بمشارالیه و رجاء
ارتقاء بمقام مصر محبت الله

۲۶۸ بافتخار احباء زنجان آقا محمد قلی و عده‌ئی از احباء و اماء رحمانی بیان حضرت عبدالبهاء
در الفت و محبت با جمیع طوائف و امم از دوست و دشمن

۲۷۳ بافتخار جناب میرزا هدایت الله و عده‌ئی از احباء نصح طلعت میثاق بآبیاری
کشت کشتگان و خدمت بعالم انسانی و آشتی دادن شرق و غرب

۲۷۵ بافتخار جناب آقا حسن کفش دوز امر میثاق الهی بمشارالیه باینکه بجوشد و بخروشد
تا آن اقلیم که بخون شهیدان رنگین شده بهشت برین گردد

۲۷۶ زنجان بافتخار جناب آقا حسن ارسی دوز و جناب آقا محمد صادق و والده محترمه
اظهار مسرت همگی میثاق از ورود آقا سید جلال و جناب آقا سید حسن و بشارت
بشمول تأییدات جمال مبارک

۲۷۷ زنجان بافتخار جناب نائب حسین بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عارضهٔ
موت مادر بواسطهٔ نفرین پسر و همچنین آمرزش مادر بجهة شفاعت پسر

۲۷۸ طهران بافتخار حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد بیان

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

طلعت میثاق بانکه هرگاه نفسی از یاران الهی بمأموریتی منصوب شود باید بکمال درستی عمل نموده و از ارتشا اجتناب نماید و امر برفتن بیزد نزد عائله و یا طلبیدن آنها بطهران

۲۸۰ ط بافتخار حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد امر حضرت عبدالبهاء باقامه جشن زفاف جناب ابن ابهر و تکفل یکصد تومان مخارج آن

۲۸۱ بافتخار حضرت افنان جناب حاجی میرزا سید محمد اظهار سرور هیکلی میثاق بخلاصی جناب ابن از قید و زنجیر و تقدیر از نصفت اعلیحضرت شهریاری

۲۸۳ ط بافتخار حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص توبه نامه آقا سید میرزا و اتهامات رئیس نظمیه و امر بجناب حاجی میرزا محمد افنان از اطاعت فرع جلیل سدرهٔ مقدسه

۲۸۴ سرای امیر ط بافتخار حضرت افنان سدرهٔ مقدسه جناب حاجی میرزا محمد امر مبارک حضرت عبدالبهاء بتسلیم پنجاه تومان بضلع حضرت ع قبل اکبر و پنجاه تومان بضلع حضرت میرزا حیدر ع و بجناب شیخ و جناب ملا آقا هر یک ده تومان

۲۸۵ بعنوان (ای افنان سدرهٔ مبارکه) توصیه هیکلی میثاق برجوع شغلی بجناب ابراهیم صفار

۲۸۵ ط بافتخار حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد افنان امر حضرت عبدالبهاء بتسلیم مبلغی بر سبیل استقراض بحضرت اسم الله

۲۸۶ ط بافتخار جناب حاجی میرزا محمد افنان نزول مناجات قلم میثاق الهی در حق مشارالیه و طلب تأیید.

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۲۸۷ ط بافتخار جناب حاجی میرزا محمد افنان بیان طلعت میثاق بحمایت
وصیانت ضعفای اجتبا و امر بارسال وجه نزد آقا محمد جواد

۲۸۷ ط بافتخار افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد امر حضرت عبدالبهاء
به ثبوت بر عهد الهی و ازاله وساوس متزلزلین بمیثاق

۲۸۹ ط بافتخار حضرت فرع سدرهٔ رحمانیه جناب حاجی میرزا محمد رجاء مظهر
عبودیت از درگاه الهی در موفقیت مشارالیه بخدمات امریه و در ذیل لوح مبارک
امر بتقدیم مکتوب بساحت اقدس

۲۹۰ ط بافتخار حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب حاجی میرزا محمد افنان نزول
مناجات از قلم میثاق الهی و طلب تأیید در حق ایشان و اظهار عنایت بجناب تاجرباشی

۲۹۱ بعنوان (ایها الفرع البدیع من السدرة المبارکه) امر حضرت عبدالبهاء برعایت
و احترام آقا میرزا محمود فروغی و رفع کدورت بین احباب

۲۹۲ بافتخار حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب حاجی میرزا محمد بیان طلعت میثاق
باینکه ثبوت بر عهد و پیمان الهی هر مشکلی را آسان نماید و امر بنگاهداری مشهدی عباد و
ارسال وجه باسم حاجی سید جواد

۲۹۳ ط بافتخار حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب حاجی میرزا محمد نصیحت بدر میثاق
بواگذاری اشارات و تمسک بعهد الهی و حواله تسلیم بیست و پنج تومان بجناب لطف الله

۲۹۴ ط بافتخار حضرت افنان سدرهٔ الهیه جناب حاجی میرزا محمد اظهار رضامندی

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

طلعت عبودیت از خدمات مشارالیه و حواله پرداخت هشتاد و چهار تومان بجناب
مشهدی عباد و ارسال آقا میرزا محمود و احیاناً تأدیه مصارف راه مشارالیه

۲۹۵ ارض ط بافتخار حضرت افنان شجره مبارکه جناب حاجی آقا میرزا محمد بیان
طلعت میثاق در سطوع شمس عهد پروردگار و فرح مؤمنین و عذاب ناقضین

۲۹۶ ط. بافتخار جناب حاجی میرزا محمد افنان بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص برات
جناب تاجر باشی و تشبث بعهد و میثاق الهی و حواله ماهی سه چهار تومان بجناب ابن ابهر

۲۹۷ ط بافتخار خادم حضرت افنان جناب آقا مرتضی بیان طلعت پیمان بانیکه
قیام مشارالیه بخدمت یاران بزرگواری و سلطنت است و منصب عبدالبهاء در ملاء اعلی

۲۹۸ بافتخار حضرت افنان سدره منتهی جناب میرزا محمد بیان حضرت عبدالبهاء
در توصیف کلمه‌ئی که از روی خلوص در امرالله صادر شود و تاکید در ثبوت و رسوخ
بر امرالله در رجوع مسئله حضرت مرفوع بصلاحدید آقا قاسم

۲۹۹ بعنوان (ایها الفرع المنشعب الممدود) بیان احزان طلعت پیمان از
تواری نیر اشراق و عدم تحمل بینی اعظم از این مصیبت و غرق کردن خود را در دریا

۳۰۰ بافتخار حضرت سدره منتهی جناب حاجی میرزا محمد امر حضرت عبدالبهاء بمراعات
بقیه حضرت ورقا بطوریکه امور معیشتشان بگذرد

۳۰۱ عشق آباد بافتخار حضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد اظهار مسرت
هیکل اطهر میثاق از وصول بمدینه عشق و امر بایصال مکاتیب مبارکه بجناب نایب تقی

صفحه

فهرست

و جناب مشهدی علی اکبر و جناب میرزا جلال

۳۰۲ طهران بافتخار جناب آقا لطف الله جهرمی ستایش مظهر عبودیت از مشقات وارده بر مشارالیه در سبیل بها

۳۰۳ رشت بافتخار جناب شفاء الملک بیان طلعت پیمان در زوال شفاء جسمانی و بقای شفاء روحانی

۳۰۴ بافتخار جناب علیقلی خان اشتعال بیان حضرت عبدالبهاء در وصول اشعار مشارالیه در مدح و ثنای مظهر عبودیت و امر بایصال خطاب مبارک باحباء امزاجرد

۳۰۵ سمنان بافتخار صبیه مرحوم میرزا سید حسین طلعت پیمان باین بیان اصلی ناطق قوله عز شانه ((... اعظم وقایع و آثار در ممر اعصار از جنس نساء صادر و ظاهر ولی بعضی مظاهر آیات کبری بودند و بعضی اسیر سطوت نفس و هوی ....

۳۰۶ بافتخار جناب آقا شیخ محسن ظهور عنایت حضرت من اراده الله در حق مشارالیه و رجای شمول تأیید

۳۰۷ همدان بافتخار جناب آقا شیخ محسن بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص لاتری و ارجاع احکام غیر مصرح در کتاب به بیت العدل و ذکر تاریخ اعیاد بهائی که بعضی شمسی و بعضی قمری است و در ذهن لوح مبارک نزول مناجات طلب تأیید در حق مشارالیه

۳۰۸ طهران بافتخار جناب شیخ محسن نائینی اظهار مسرت حضرت غصن الله الاعظم از ترقی تلامذه مدرسه تربیت و تأکید در تحسین اخلاق اطفال و نزول مناجات طلب تأیید

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

در حق مشارالیه

۳۱۱ طهران باُفتخار جناب آقا شیخ محسن بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص نامه منتشره در جریده و تفسیر از آیه پانزدهم تورات متی که مقصود از آیه مذکوره حضرت رسول است که از میان برادران اسرائیلی مبعوث گردید

۳۱۲ همدان باُفتخار جناب آقا شیخ محسن بشارت قلم میثاق نیّر آفاق در نزول مناجات و مکاتیب در حق مدارس همدان و نفوسیکه بذل اعانه جهت تبلیغ نموده اند

۳۱۳ همدان باُفتخار نفوس نفیسه که اقدام برای حرکت دادن مبلغین فرموده اند ستایش حضرت عبدالبهاء از نفوسی که انفاق مال در سبیل الهی نموده اند و نزول مناجات طلب تأیید در حق آنان

۳۱۴ همدان باُفتخار نفوس مبارکه که بجهت نشر نفحات الله و تبلیغ امرالله سالیانه مبلغی مبذول میدارند ستایش طلعت عبودیت از انفاق مال بجهت مسافرت مبلغین و نزول مناجات طلب تأیید در حق آنان

۳۱۵ همدان باُفتخار اشخاص محترمی که اعانه سالیانه تعهد نموده اند که بمدرستین تأیید و مرحمت رسانند ظهور مکرمت در حق منفقین بمدرستین و نزول مناجات در حق آنان

۳۱۶ همدان باُفتخار نفوس مبارکه که بجهت نشر نفحات الله و تبلیغ امرالله سالیانه مبلغی مبذول میدارند

۳۱۷ طهران باُفتخار جناب آقا شیخ محسن نائینی بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه نگاشتن نامه بعنوان

صفحه

فهرست

هر فردی علیحده مستحیل ولذا بیک کلمه اکتفا میشود

۳۱۸ بافتخار جناب آقا شیخ محسن دبیر مؤید تقدیر قلم میثاق از مشارالیه در خصوص قیام بتبلیغ امرالله

۳۱۹ همدان بافتخار جناب آقا شیخ محسن ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و احباء همدان و بیان در بیفکری علمای رسوم و امیدواری بالطاف حضرت رحمن

۳۲۰ بافتخار جناب دبیر مؤید بیان طلعت میثاق در ستایش قلم اعلی از امیر مدینه تدبر و مخاطب شدن مشارالیه از قلم میثاق بدبیر مؤید

۳۲۰ همدان بعنوان امة الله المقربه محبوبه بنت من ادرک لقاء ربه حضرت نعیم نزول مناجات طلب مغفرت از قلم میثاق الهی در حق آقا میرزا نعیم

۳۲۲ بافتخار جناب حاجی آقاجان نراقی و سلیل نجیب حاجی نصرالله ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق پدر و پسر

۳۲۴ مشهد بافتخار جناب حاجی آقاجان و سلیلشان حاجی آقا نصرالله تقدیر طلعت پیمان از خدمتگذاری آنان باحبای الهی

۳۲۴ بافتخار جناب سلیمان ولد داود بیان حضرت عبدالبهاء در تأسی بحضرت موسی و ندا بامر پروردگار

۳۲۵ ص بافتخار حضرت مؤید امر نیر میثاق بستودن خداوندی که تأییدش ابدیست

۳۲۵ بافتخار جناب محمد حسین میرزا مؤید مناجات قلم میثاق در طلب تأیید درباره مشارالیه

Provided by the Afnan Library

فهرست

صفحه

۳۲۷ بافتخار شاهزاده مؤید السلطنه نزول مناجات از قلم مبین آیات در حق مشارالیه و ذکر تقدیمی اعانه مشارالیه بجهت مشرق الاذکار و مقبولی آن بعز قبول

۳۲۸ شیراز بافتخار جناب مؤید بیان طلعت پیمان باقامه دلیل و برهان بر ظهور جمال یزدان و امر باستقامت و مقاومت سبیل امتحان

۳۳۰ شیراز بافتخار جناب مؤید السلطنه مناجات قلم میثاق در طلب تأیید بجهت مشارالیه و بیان اینکه استخاره امریست قلبی و رحمانی

۳۳۱ شیراز بواسطه حضرت مؤید بحضرت نصر و معتمد رجاء حضرت عبدالبهاء بعتبه رحمانیت از رفع اغبرار بین نفسین مذکوره در فوق

۳۳۳ شیراز بافتخار جناب غلام حسین میرزا ظهور عنایت من طاف حوله الاسماء در حق حضرت مؤید و خادم باشی آقا میرزا محمد صادق

۳۳۴ بعنوان (ای حضرت مؤید) امر حضرت عبدالبهاء باهتمام در رفع اختلاف بین حضرات افنان

۳۳۴ شیراز بافتخار حضرت مؤید تبیین مفسر آیات از آیه (بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن) و جمله (الهمنی ذکرک) در دعای کمیل و آیه مذکوره در کلم مکنون (ایاک ان تحرم نفسک ملکاً لایزال بسبب من الانزال) و بیان اینکه جنة اسماء لوح هیکلی است که باثر قلم نقطه اولی در اشتقاق کلمه بها مرقوم گردیده و یحیی آنرا مرتب نموده و نسخه از آن بخط یحیی مع الواح سائره در هند امانت بوده و بتحریک مرکز نقض

صفحه فهرست

امانات بصاحبانش مسترد نگردیده است

۳۴۱ اردمی باافتخار جناب میرزا رضاخان جناب باباخان سلیلی مؤید لشکر جناب باباخان سلیلی اعتضاد نظام جناب علیخان جناب بیوک آقا جناب یحیی امر حضرت عبدالبهاء بادای شکرانه بدرگاه الهی از فوز بنور ایمان بهمت و دلالت حضرت لسان حضور

۳۴۳ باافتخار جناب میرزا جلال ابن میرزا غلامعلی نجل حضرت ذبیح ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و ورقه موقنه والده و امة الله منور و امة الله اشراقیه

۳۴۴ طهران باافتخار حرم مرحوم آقا میرزا غلامعلی نجل ذبیح ظهور عنایت مظهر عبودیت در حق مشارالیها و امة الله منور خانم و امة الله اشراقیه خانم و ذیل لوح مبارک ظهور مکرمت درباره حضرت ذبیح

۳۴۵ ط باافتخار اخت وسطای آقا محمد کریم ضلع میرزا غلامعلی ظهور عنایت پیمان حضرت یزدان نسبت بمشارالیها

۳۴۵ باافتخار جناب آقا میرزا جلال ذبیح ظهور عنایت طلعت میثاق در حق مشارالیه و عائله ایشان

۳۴۶ ط باافتخار جناب آقا جلال ابن جناب آقا غلامعلی نجل حضرت ذبیح ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه

۳۴۶ ط باافتخار جناب آقا میرزا جلال ابن مرحوم آقا میرزا غلامعلی تقدیر قلم میثاق

صفحه

فهرست

از مشارالیه بواسطهٔ استقامت بر میثاق الهی

۳۴۷ بعنوان (ای حفید حضرت ذبیح) نصح حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در تأسی بجد بزرگوار

۳۴۷ بافتخار جناب آقا جلال نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در سلوک بر اقدام پدر بزرگوار

۳۴۸ بافتخار جناب میرزا جلال بیان حضرت غصن الله الاعظم بانکه آن سلالهٔ ذبیح قربانگاه عشق شاخی از شجرهٔ متصاعده گردد

۳۴۸ طهران بافتخار امة الله اشراقیه ذبیح زاده ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیها و والده و اخوی و همشیره و عزت الله و منوچهر و ملوک و ملیحه و دکتر مودی

۳۴۹ طهران بافتخار جناب ناظم الحکماء بیان طلعت پیمان در اشراق انوار شمس بها بر شرق و غرب عالم و ترویج بعضی از بیخبران از نفس موهوم یحیای الکن ابکم و ذلت ارباب عمائم و شهادت جناب آقا سید یحیی در سیرجان و دو نفس مقدس دیگر در تبریز و مخالفت و معاندت شیخ فضل الله و ظهور مکرمت در حق امة الله رباب خانم و قرین محترم و جناب میرزا شعاع الله خان و امة الله علویه تبریزیه و دو نجل سعید و امة الله قدسیه و امین الله خان و امة الله خدیجه و امة الله ربیعه و اخوان و اخوات و اولاد و ابناء و بنات

۳۵۴ طهران بافتخار جناب ناظم الحکماء آقا سید محمد خان بیان حضرت عبدالبهاء

صفحه

فهرست

از اشمئزاز بعض از ایرانیان خسیس از علو امر الله و مداخله علماء و یحیائیها در
امور سیاسی و رفتن میرزا محسن منسوب صدر العلماء بنجف و بوسیدن دست
خراسانی و ریش برای گرفتن فتوا از آنها بجهت بهم انداختن احزاب یکدیگر
و میدان یافتن ازلیها

۳۵۷ طهران باُفتخار جناب ناظم الاطباء شکوه قلم میثاق از ظلم اهل عدوان
و تأکید باُحباء در تجنب از احزاب و اطاعت از حکومت شهریاری و سلوک در
رضای الهی و تعدیل اخلاق

۳۶۰ باُفتخار جناب ناظم الاطباء آقا سید محمد رشتی ظهور مکرمت کبری از قلم
غصن ابهی در حق مشار الیه

۳۶۲ بدون عنوان بیان مفسر آیات الله در خصوص اخبار قلم اعلی از طیور لیلی
و ذکر شجره نفی (یحیای بیحیا) و قبایح خود و اولادش و شرح ملاقات میرزا یحیی
قزوینی با آن شخص مجهول در شیطان جزیره‌ای و در دست داشتن آیه قرآن
بخط شجره نفی که عاکفون را غافلون نوشته و ذکر تبری هادی مفتی در سر منابر
از حضرت اعلی

۳۶۴ ط باُفتخار جناب ناظم بیان حضرت عبدالبهاء در اینکه هیچ مقامی را دلو
ارتفاع باعلی افق جلال و جلوس بر عرش اجلال باشد با عشر بعشار ذره‌ئی از
عبودیت مقابله ننماید

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

۳۶۶ ط بافتخار جناب ناظم ذکر طلعت پیمان در مناقب استقامت و ستایش مشارالیه
از تفقد احوال منتسبان حضرت علی قبل اکبر هنگام مسجونی ایشان

۳۶۸ ط بافتخار جناب ناظم الاطباء میرزا سید محمد بیان حضرت عبدالبهاء در
حصر اذکار و احوال بنشر نفحات الله و خدمت باصل شجرهٔ وحدانیت

۳۷۰ بعنوان (ای مستبشر بشارات الله) بیان طلعت عبودیت بانکه در هر قرن
و عصری مطلع آفاق بتجلی خاصی مشرق و در ظهور جمال قدم عالم بجمیع فیوضات و
تجلیات مستفیض و امر در حصر فکر تبلیغ امر الله

۳۷۲ تبریز بافتخار جناب ناظم الحسینی بیان حضرت عبدالبهاء بقیام در اعلای
کلمة الله در تبریز و در ذیل لوح مبارک امر بمسافرت اطراف تا ارومیه

۳۷۳ ط بافتخار جناب آقا سید محمد طبیب بیان مرکز میثاق در خصوص امراض ساریه
بر جسد امکان و کشف نقاب طبیب حاذق الهی و اعطای دریاق فاروق اعظم
و منع طبیبان جاهل از ادویه الهیه و بذل آنچه که سبب طغیان مرض است

۳۷۴ تبریز بافتخار جناب میرزا سید محمد ناظم الحسینی لاهیجانی حضرت عبدالبهاء
باین بیان جان افزا ناطق قوله جل ذکره «... الحمد لله نسیم آذربایجان
معطر است و نفحات ریاض قلوب احباء الله جان پرور شمس حقیقت را عنقریب
در آن کشور پرتو جهان افروزی ساطع گردد که عقول حیران ماند ...

۳۷۶ ط بافتخار جناب ناظم بیان طلعت عبودیت در فرح مؤمنین و حسرة

صفحه

فهرست

مشرّ لزلین و امر بنشر نفحات الله

۳۷۶ ط بافتخار جناب ناظم امر حضرت عبدالبهاء باعلاء کلمهٔ الهیه و ایقاظ غافلین

۳۷۷ ط بافتخار جناب ناظم بیان طلعت غصن ابهی در خصوص استغراق اهل ارض در بحر ظلمات و قناعت بحیات فانیه و چشم پوشی از حیات باقیه

۳۷۸ طهران بافتخار جناب ناظم الحکماء بیان حضرت عبدالبهاء در مناقب استقامت و ثبوت بر صراط مستقیم الهی و مقاومت هجوم شبهات

۳۷۹ بافتخار جناب ناظم الاطباء آقا سید محمد رشتی بیان طلعت میثاق در عدم اقتضای تعیین قبله و ظهور عنایت در حق ضلعین و اولاد مشارالیه

۳۸۰ طهران بافتخار جناب شعاع الدین خان سلیل جلیل ناظم الحکماء رشتی تقدیر میثاق رب قدیر از همت مشارالیه در ارجاع خدمتی بآقا میرزا علی اکبر میلانی

۳۸۱ بافتخار جناب شعاع الله ابن جناب ناظم امر حضرت عبدالبهاء بجهان افروزی و عالم سوزی بنار محبت الله

۳۸۱ بافتخار جناب شعاع الله علائی ظهور عنایت مرکز میثاق در حق مشارالیه

۳۸۱ ط بافتخار متعلقین جناب ناظم الحکماء جناب حسین ابن ناظم امر حضرت عبدالبهاء بتمسک بذیل اطهر و انقطاع از ماسوی و در ذیل لوح مبارک اخبار از وصول دو نامه

۳۸۲ طهران بافتخار جناب ابن ابهر بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص اقتدای سید عبدالله اصفهانی بیاران و گرفتاری بجزای عمل خویش در نجف و تأیید جنود ملکوت

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

باحبّاء و اماء ناشرین نفحات الله و امر بتصفیه قضیه شاهزاده و جناب عزیز (مقصود
معامله جناب میرزا عزیزالله خان ورقا با شاهزاده جلال الدوله است) بکمال عدل و انصاف
و تقدیر از همت اعضاء شرکت خیریه و نگاشتن مدیر چهره نما بیانات حضرت عبدالبهاء را
در جریده خویش و عدم درج سه فقره آن

۳۸۶ طهران باُفتخار حضرت ایادی جناب ابن ابهر بشارت غصن الله الاعظم بعزم مسافرت
بامریکا و احاله امور بمحفل روحانی

۳۸۸ طهران باُفتخار حضرت ابن ابهر تأکید اکید قلم میثاق بعدم مداخله و حتی مذاکره در
امور سیاسی و اطاعت از اعلیحضرت پادشاهی و ذکر اختلاف صاحب روزنامه ثریا با علی محمد خان
در مصر و عداوت علی محمد خان با احبّاء و همچنین اختلاف ثریا با حبل المتین و مذمت
این جریده از امر الهی و امر مبارک بهندوستان و قفقاز و اروپا و امریکا در منع از
تأسیس جریده

۳۹۲ طهران باُفتخار حضرت ابن ابهر بیان حضرت عبدالبهاء در عدم فرصت
نگارش جواب یاران بواسطه مفاسد اهل غرور و تتابع اوراق از جمیع آفاق علی الخصوص
از خطه امریک و ذکر دسایس و مفتریات اهل طغیان که حکومت را مشغول و از تمشیت
امور جمهور باز میدارند

۳۹۴ طهران باُفتخار جناب ابن ابهر بیان حضرت من طاف حوله الاسماء راجع بقضیه آقا
عزیزالله خان و حضرت شخص محترم (جلال الدوله) و اینکه ورقه فوق العاده نجف از

صفحه فهرست

هدایات است یحیی و حاجی میرزا یحیی مروج این اراجیف است و صدر العلماء و پسرش
نیز یحیائی هستند

۳۹۶ طهران بافتخار حضرت ابن ابهر بشارت حضرت عبدالبهاء بنزول الواح مبارکه با بشارت عده‌ای
از احباء و عدم صلاحیت تکثیر لوح مبارک خطاب بمیرزا طراز و امر بتأسیس اعانت
خیریه بجهت معاش معلمین و متعلمین و مبلغین و توصیه بشرکت در ذکر اوامر مبارکه در اطاعت
بملوک نزد سفیر و احاله تشکیل بیت العدل بوقت مساعد

۳۹۹ طهران بافتخار حضرت ابن ابهر بیان حضرت من اراده الله در لزوم انقطاع و
محویت مبلغین سیار و انتظام شرکت خیریه و اهمیت مدرسه و امر بارسال استدلالیه
حضرت صدر الصدور بارض اقدس و اذن حضور به عزیز الله خان خیاط

۴۰۰ یزد بافتخار حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر بیان حضرت عبدالبهاء را بانعقاد
مجالس درس تبلیغ و تحریص و تشویق بر ترک دخان و اهمیت تأسیس مشرق الاذکار در اقطار

۴۰۲ بمبای بافتخار حضرت ایادی امر الله جناب ابن ابهر حضرت عبدالبهاء با این بیان
اتم اجلی ناطق قوله جل ذکره «... آن شخص که کتاب اقدسی را بدون اذن و اجازه اعلیحضرت
شهریاری طبع نموده فی الحقیقه مخالفت با حق کرده ... اگر مکاتیب عمومیه جمع شود و بخط
خوشی مرقوم گردد و طبع شود فی الحقیقه مفید است ...

۴۰۴ تبریز بافتخار حضرت ابن ابهر تقدیر قلم میثاق از مشار الیه در وقف اوقات خویش
بنشر نفحات الله و خدمت بامر الهی

صفحه

فهرست

۴۰۵ تبریز بافتخار جناب ابن ابهر نزول مناجات قلم میثاق در حق مشارالیه و طلب تأیید ذیل لوح مبارک امر بعدم انعقاد محافل کثیر الجمعیه و نیز تأکید از احتراز از نفوس متزلزله

۴۰۸ رنگون بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه و مستر هریس و مستر اوبر و جناب میرزا محمود بجهت توفیق بر اعلاء کلمة الله و اعطاء جبه تنپوش مبارک بحضرت بیضاء

۴۰۹ طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص ارسال معلم باسکندرونه در صورت طلب ثانوی و منکوس خواستن اهل ایران علم مبین الهی و عجز و ضعف کلی در عاقبت

۴۱۱ بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر اظهار مسرت حضرت عبدالبهاء در نشر نفحات الله و تأسیس مشرق الاذکار در مدینه قم و همچنین ارسال جناب حاجی میرزا محمد تقی افنان بعشق آباد بجهت تأسیس مشرق الاذکار با وجود مخالفت ملت غافله ایران

۴۱۲ طهران بافتخار حضرت ابن ابهر بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص ارسال مکاتیب به نیریز و عدم تعلق و طرفداری از دولت قاهره و افکار ملت باهره و صلح و آشتی با جمیع ملل

۴۱۳ طهران بافتخار حضرت ایادی جناب ابن ابهر اظهار حزن هیکل میثاق از صعود جناب میرزا عبدالله و اظهار سرور از مسافرت جناب اخوان صفا و آقا سید جلال و جناب آقا میرزا حاجی آقا سنگسری بجهت ابلاغ کلمة الله

فهرست

صفحه

۴۱۵ طهران بافتخار جناب ایادی حضرت ابن ابهر اظهار مسرت حضرت عبدالبهاء از عدالت پادشاهی و ظهور عنایت در حق صبایای حضرت رضی الروح و صنعت جناب بینش و جناب محمد علی آباده

۴۱۶ تبریز بافتخار حضرت ابن ابهر بیان حضرت عبدالبهاء در عظمت شمس میثاق و قرب اشراق آن بعالم امکان و خسران و زوال متزلزلین و ناقضین عهد الهی و امر بمرور در قراء و قصبات و تعیین نفوس بعدد اسم اعظم بجهت حفظ میثاق الله

۴۱۹ طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر امر طلعت میثاق بمسافرت مشارالیه به یزد و عدم مصاحبه با جناب میرزا سید علی در جمع و سلوک بحکمت و احتراز از اهل بغضا

۴۲۰ بعنوان (یا من جعله الله من ایادی امره) بیان حضرت عبدالبهاء در عدم امکان تحریر اجوبه مکاتیب بعلت ضعف مزاج و ظهور کمالات در نفوس مبارکه بواسطه امتحانات الهیه

۴۲۲ عشق آباد بافتخار حضرت ابن ابهر بیان حضرت من اراده الله در صدمات وارده بر مشارالیه در سبیل امر الهی و صدور جواب مکاتیب مشارالیه از یراعه میثاق

۴۲۲ طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر رجاء حضرت عبدالبهاء بجهت موفقیت مدیر و محرر روزنامه و وصیت به احباء در تحسین اخلاق و جهد در عزت ابدیه ایران

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۴۲۳ بافتخار حضرت ایادی امرالله ابن ابهر امر حضرت عبدالبهاء به تسلیم مکتوب جوف بشخص معلوم و در ذیل لوح مبارک نزول لوح مذکور در حضور حاجی میرزا حسن و در ذیل آن سعی در رفع اغبرار فیمابین شخصین معلومین

۴۲۴ بعنوان (ای منادی پیمان) تقدیر قلم میثاق از مشارالیه بوفای بحقوق پدر و ذکر اینکه چون زیارت مخصوص از قلم اعلی در حق آن متصاعد بملکوت نازل گردیده دیگر نزول زیارت از قلم میثاق جائز نه

۴۲۵ طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر بیان میثاق نیر آفاق در تحسین وضع مدرسه و احترام صاحب جریده ایران و ارسال جناب آقا میرزا اسدالله مازندرانی بعتبات

۴۲۷ بدون عنوان مناجات قلم میثاق بعتبه رحمانیت و شکایت از اینکه با وجود اعلان و اشتهار در عبودیت بعضی از عباد توجهی بحقیقت حال ننموده و باوهام خویش سالک هستند

۴۲۸ بعنوان (ای شخص شخیص) بیان طلعت پیمان در ضعف و مکر نفوس و نگاه داشتن آنها بخوف و رجا تا بکلی از عفو آدمی مأیوس نگردد و نیز از باز نمودن خائف باشد

۴۲۸ طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر سرور هیکلی میثاق از حسن انتظام مدرسه و اشعار وصول خاتم صنیع السلطان

۴۲۹ طهران بافتخار حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر امر حضرت عبدالبهاء بتأسیس مکتب در اسکندرونه و لزوم امر مشورت و مسافرخانه که مشرق الاذکار نیز باشد

فهرست

صفحه

۴۳۰ طهران بافتخار جناب ابن ابهر رجاء حضرت عبدالبهاء ملکوتی رحمت
لائحی شفاء مشارالیه

۴۳۰ بدون عنوان بیان طلعت میثاق در نکته محکمه در سبیل حضرت احدیت عین
غایت است و ستوجب شکرانیت

۴۳۱ طهران بافتخار حضرت ابادی امر الله جناب ابن ابهر اوراق راپورت انتشار
امر الله در خط امریک و امر حضرت عبدالبهاء و ترجمه و اشاعه آن بین ناران

۴۳۲ طهران بافتخار جناب میرزا مسیح جناب میرزا محمد طاهر جناب میرزا ابهدی
و جناب میرزا هادی نصیحت حضرت عبدالبهاء مشارالیهم در سلوک در مقصد و نهج
اب میرفوع

۴۳۳ بافتخار جناب میرزا ابوالقاسم خان کمپانی نزول مناجات قلم میثاق و طلب
تائید در حق مشارالیه

۴۳۴ طهران بافتخار جناب آقا ابراهیم طالقانی ظهور غایت طلبت پیمان در
حق مشارالیه در جایگاه بشیر در امر ظاهره

۴۳۴ بافتخار جناب آقا سید احمد نزول مناجات قلم میثاق در حق مشارالیه و طلب تائید

۴۳۵ " " آقا میرزا عثمان نزول مناجات از یراعه میثاق الهی در حق
مشارالیه و طلب تائید

۴۳۵ بافتخار جناب آقا میرزا عبدالکریم جناب آقا میرزا محمود جناب آقا میرزا ابهدی

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

جناب آقا میرزا هادی جناب آقا میرزا ابوطالب نزول مناجات قلم میثاق در حق آنان و طلب تأیید

۴۳۶ طهران بافتخار جناب آقا میرزا مهدی ولد حاجی لاله‌زار و سلیمان مجید آقا میرزا آقا ظهور عنایت طلعت عبودیت در حق مشارالیهما و نوید قرب مواهب موعود

۴۳۷ طهران مناجات طلب مغفرت از یراعه میثاق حی قدیر بجهت حاجی لاله‌زار و ضجیع محترمه

۴۳۸ بافتخار جناب عزت‌الله خان و عده‌ئی از احبای الهی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق آنان و طلب مغفرت بجهت قاسم متصاعد بملکوت

۴۴۰ بافتخار جناب میرزا اسدالله جهرمی ظهور مکرمت از قلم میثاق قدم در حق مشارالیه و تأکید در بذل جهد برای نیل بسابقین الی الخیرات

۴۴۱ مصر بافتخار نوه حاجی محمدعلی برادرزاده حاجی ملاعلی تبریزی امر قلم میثاق بادای شکرانه بدرگاه الهی از نیل بشریعه احدیت بدون واسطه

۴۴۲ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بشارت قلم میثاق از کون در شهر مالدن امریکا و نعره در محافل و مجامع بامر بها

۴۴۳ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بیان طلعت پیمان بعزیمت بصوب گرین عکا و امر بارسال وجه بحیفا

۴۴۳ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی امر حضرت عبدالبهاء بادای وجه از حقوق

صفحه

فهرست

بجناب عندلیب و ذکر اخلاق والدهٔ عبدالحسین که امور مشارالیه را مشوش نموده است

۴۴۴ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی مژدهٔ قلم میثاق از صحت مبارک و مراجعت از طبریا بحیفا

۴۴۵ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه

۴۴۶ " " " " امر مبارک حضرت من طاف حوله الاسماء بتأدیه هفتاد تومان بجناب عندلیب

۴۴۶ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص بی صولت شدن صولة الدوله و اظهار حزن از اعتلال مزاج جناب عندلیب

۴۴۷ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی ظهور عنایت میثاق احدیت باحباء الله و حضرت عندلیب

۴۴۷ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی اظهار مسرت هیکل میثاق از قیام احباء بخدمت امرالله و حواله شصت تومان باهل خانهٔ جناب عندلیب

۴۴۸ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بیان مفسر آیات در خصوص تینا و زیتا و عدم صلاحیت اجتماع احباء الهی در بیت مبارک شیراز بجهت احتراز از جلب انظار معترضین

۴۵۰ شیراز بافتخار بشیر الهی بیان حضرت عبدالبهاء در کون در شهر آماها امریکا و آرزوی خدمت بامر جمال قدم و در ذیل لوح مبارک اخبار از وصول بسانفرانسیسکو

۴۵۱ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی امر حضرت من اراده الله بمشارالیه در ارسال

صفحه فهرست

مکاتیب بپورت سعید بعنوان جناب آقا احمد یزدی

۴۵۲ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی اخبار حضرت عبدالبهاء بآمدن لرد لانگتون به شیراز
و امر برعایت و محبت در حق ایشان

۴۵۲ شیراز بافتخار اجزاء محفل خادمین عهد محفل خادمین میثاق محفل خادمین پیمان
نزول مناجات از یراعه میثاق و طلب تأیید در حق آنان

۴۵۳ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی اظهار مسرت طلعت میثاق از فهمانی لیلهٔ مبارکه
ولادت حضرت رب جلیل عزیز و همچنین اظهار سرور از اعانه بباز ماندگان و محطی زدگان یزد

۴۵۴ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی امر حضرت عبدالبهاء بوصول صد و پنجاه عکس و اظهار
مسرت از سفر جناب عندلیب و نجات حضرت بینش از اتهام

۴۵۴ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی امر حضرت عبدالبهاء بمسافرت جناب شیخ علی اکبر
باطراف شیراز و هندوستان و ارض اقدس و تأدیه معیشت معتدلانه بجناب عندلیب

۴۵۵ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی امر طلعت پیمان بمعاونت جناب عندلیب

۴۵۵ 〃 〃 〃 〃 بیان هیکل میثاق در خصوص هرج و مرج
فارس و امتناع علاج آن مگر بنفحات قدس

۴۵۶ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی ظهور عنایت از قلم میثاق حی قدیر در حق مشارالیه

۴۵۷ 〃 〃 〃 〃 بشارت قلم میثاق از مراجعت از سفر امریک
و فرنگ بپورت سعید و اضاءهٔ انوار ملکوت ابهی بشرق و غرب .

صفحه

۴۵۷ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بیان حضرت عبدالبهاء راجع بوصول فهرست اشعار جناب محرق و جناب بینش و کون در رمله اسکندریه

۴۵۸ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی اظهار خوشنودی و رضایت طلعت میثاق از احبای شیراز

۴۵۹ بعنوان (یا امة الله) ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشار الیها

۴۵۹ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بیان طلعت میثاق در عدم آرزوی برداشتن عکس مگر در یوم فدا و اصرار ارباب جراید ببرداشتن عکس مبارک و مراجعه بعکاس ماهر بجهة عکس

۴۶۱ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی اظهار حزن میثاق الهی از صعود حضرت افنان جناب آقا میرزا عبدالحسین خان و نزول مناجات طلب مغفرت در حق آنجناب

۴۶۲ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی تقدیر حضرت عبدالبهاء از جناب آقا میرزا محمد باقرخان بجهت اعانه یکصد و پنجاه تومان بباز ماندگان شهدای یزد و تعبیر رویای جناب بشیر الهی

۴۶۲ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی تسلیت حضرت عبدالبهاء بمشار الیه از مصیبت جدیده

۴۶۳ بعنوان (ای ثابت پریمان) نصیحت پیمان الهی در عدم تحزن از مشاکل و غوائل

۴۶۴ شیراز بافتخار حضرت بشیر الهی امر حضرت عبدالبهاء بمشار الیه بگماشتن

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

شخص مهم کاروانی نزد میرزا حسینعلی جهرمی که اظهار رجوع از نقض مینماید تا سر مکنون او آشکار شود

۴۶۴ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بیان طلعت پیمان راجع بعبارت مندرجه در لوح عندلیب که میفرماید: جلوه‌ئی در خارج بغداد بود و جلوه‌ئی دیگر در عکا

۴۶۵ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بشارت قلم میثاق بتصمیم مسافرت بدیار غرب

۴۶۶ " بافتخار جناب بشیر روحانی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص طلوع صبح حقیقت از شیراز و هجوم اعداء و امر بتوکل بخداوند و عدم اضطراب

۴۶۷ شیراز بافتخار جناب بشیر الهی بیان طلعت پیمان در خصوص ویرانی ایران و لزوم طبیب حاذق و قوهٔ ربانیه بجهت تمشیت امور

۴۶۸ بافتخار جناب بشیر الهی بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص وصول شال کشمیر و بشارت اقامت حضرتش در پاریس و ندای بامر جمال رحمن در مجامع عمومی

۴۶۹ بافتخار جناب بشیر الهی ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و مزین فرمودن قبوضات بمهر مبارک بنا بخواهش جناب افنان

۴۷۰ ط بافتخار جناب آقا عزیزالله نجل من استشهد فی سبیل الله بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عدم اقتضای تشرف مشارالیه بارض مقصود و امر بمشورت در امور خویش با جناب ادیب و نزول زیارت در حق جد ایشان و امر بتلاوت زیارت نامه از قبل حضرت عبدالبهاء

صفحه

فهرست

۴۷۲ بافتخار جناب آقا عزیزالله بیان حضرت من اراده الله در خصوص حضور ایشان در مدینهٔ عکا و امر بتوجه باطراف و اکناف

۴۷۲ زنجان بافتخار حرم من استشهد فی سبیل الله اظهار حزن قلم میثاق از مظلومیت مشارالیها و بیان اینکه چون آن ستاره روشن از افق عالم متواری گردید از مشرق ملکوت طلوع نمود

۴۷۳ ط بافتخار ثمره شجره شهادت جناب آقا میرزا عزیزالله بیان حضرت عبدالبهاء در عدم صلاحیت تشرف بارض مقصود بواسطهٔ اضطراب آن ارض و ظهور عنایت بجناب خان

۴۷۴ ط بافتخار یادگار حضرت ورقا جناب آقا میرزا عزیزالله ظهور عنایت مرکز میثاق در حق مشارالیه و موکول فرمودن تشرف بآتیه

۴۷۵ بافتخار جناب ورقا نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه باستقامت و بشارت بطلوع شمس حقیقت و تصدیق بر صحت تاج مبارک که موفق بتحصیل آن گردیده و در ذیل لوح مبارک موکول فرمودن مسئله معهوده بمراجعت از اروپ و نیز در ذیل آن توصیه بارجاع شغل بسلیل آقا رضا و صدور جواب بجناب مؤید و امر بعضویت حضرات ایادی در مجلس روحانی

۴۷۷ بعنوان (ای امین عبدالبهاء) بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص جناب عزیزالله خان و مسئله معلومه و واگذاری آن بموجب شریعة الله بخود ورقه

Provided by the Afnan Library

صفحه

فهرست

۴۷۸ طهران بافتخار جناب میرزا ولی الله خان ابن شهید ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه و تصویب مأموریت ایشان در نظارت خارجه و اظهار مسرت از تنظیم امور مدرسه

۴۷۹ بعنوان (ای عزیز عبدالبهاء) ظهور مکرمت هیکلی میثاق در حق مشارالیه و امر بمشورت با جناب امین و عدم مخابره با نفوس ساکن ارض مقصود

۴۸۰ بافتخار حضرت مؤیدالدوله ظهور عنایت مظهر عبودیت در حق مشارالیه و تفسیر آیه مبارکه قال اولم تؤمن قال ولکن لیطمئن قلبی که حضرت ابراهیم مفاد آیه را برای ضعفا خواست ولی نسبت بخود داد و تسمیه شخص محترم بمحرم جنوبی و در ذیل لوح مبارک مداوای جناب محرم جنوبی بماء الشعیر و قرص تباشیر

۴۸۲ ط بافتخار سلیل حضرت شهید سبیل الهی جناب آقا عزیزالله نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه بقیام بخدمت و تزکیه اخلاق و سعی در امور کسب در کمال امانت

۴۸۳ ط بافتخار جناب ابن الشهید آقا عزیزالله امر حضرت عبدالبهاء باشتغال بتجارت و تحصیل طب و صلاح اندیشی با حضرت ادیب و بیان اینکه عکس مرقوم عکس جناب کلیم و سید محمد و حاجی میرزا احمد کاشی است

۴۸۴ طهران بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله خان ابن شهید بیان طلعت میثاق در خصوص استیذان از مقام معلوم بجهت گشودن مکتب در یزد و در ذیل لوح مبارک بشارت از ازاله ابرهای تاریک از افق امکان و فلاح و نجاح دولت و ملت ایران اگر بآنچه

فهرست

صفحه

باید و شاید ثبت شود

۴۸۶ بعنوان (ای عزیز عبدالبهاء) امر حضرت عبدالبهاء باطاعت از سریر سلطنت و منصوص بودن سلطنت این پادشاه در کتاب و ارائه نصوص بشخص محترم و بیان اطاعت و انقیاد و اعتبار بدولت و عدم توسل باجانب

۴۸۸ طهران بافتخار سلیلی شهید مجید آقا میرزا عزیزالله خان بیان هیکل میثاق بوصول عکس های حضرت ورقا و حضرت روح الله و نوید تأیید بشخص معهود در صورت معاونت مظلومین و امر بتأسیس مریضخانه در طهران

۴۸۹ طهران بافتخار جناب میرزا عزیزالله خان ابن شهید بیان میثاق حضرت رحمن بوصول ورقه تبریک عید نوروز

۴۹۰ بعنوان (ای عزیز من) امر حضرت عبدالبهاء بمکتوم داشتن اسرار شخص شخیص و وعده متلاشی شدن ابر اختلال و اختلاف و تابش آفتاب شرق از خاور عزت

۴۹۱ طهران بافتخار جناب آقا عزیزالله اظهار عنایت طلعت میثاق بمشارالیه و امر بتسلیم و رضا

۴۹۲ بعنوان (ای یادگار حضرت ورقاء کبریا) بیان حضرت عبدالبهاء بادامه خدمت در بنگ و عدم مداخله در پولتیک که سبب توهم انگلیس ها گردد و ارائه آیه کتاب مستطاب اقدس (سوف تنقلب فیک الامور و یحکم علیک جمهور) بشخص معهود

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

۴۹۳ محرمانه بعنوان (ای عزیز عبدالبهاء) امر حضرت عبدالبهاء باستخلاص جناب میرزا عباس خان و آقا علی اصغر از دام شیاد

۴۹۴ طهران بافتخار جناب آقا عزیزالله خان بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص مدیون نمودن شخص مکار جناب خداداد را و امر بتحصیل اموال آن شخص لاجل پرداخت دیون

۴۹۴ بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله خان ابن شهید امر مرکز پیمان بمشارالیه بنگارش عریضه در هر ماه

۴۹۵ طهران بافتخار جناب ابن شهید آقا میرزا عزیزالله خان بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص انحطاط قوم عرب و بزوغ نور نبوت و حصول رستخیز عظیم و ترقی و تعالی ایران بسبب ظهور امر اعظم و ذکر بیان حضرت رسول در موقع حفر خندق بفتح ممالک اکاسره و تسخیر اقالیم قیاصره

۴۹۹ طهران بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله خان سلیل حضرت شهید بیان طلعت میثاق در خصوص اعتلای امر مبارک در خطه آلمان و نصب بیرق ایران و بیرق آلمان معاً در احتفال آنان و عدم التفات سروران ایران بعظمت امرالله و مرهون بودن ترقی و تعالی ایران بورود در ظل شریعة الله

۵۰۲ طهران بافتخار جناب عزیزالله خان ابن شهید امر حضرت عبدالبهاء بتخصیص منزل خویش بجهت تبلیغ اعاظم رجال و تفهیم شخص مهم در عدم ارتباط بهائیان با حزب انقلاب حزب یحیی و ابلاغ پیام آشنائی بحضرت احمد و سالار محترم و توصیه حال

فهرست

صفحه

جلال معلوم و ظهور مکرمت در حق اخوی و ضلع محترم

۵۰۴ بعنوان (یا ابن الرجل الرشید الشهید) بیان حضرت من طاف حوله الاسماء
بتصمیم عزیمت از مالدن بمنتریال و حضور جناب ولی الله خان در ساحت مبارک

۵۰۵ طهران بافتخار جناب عزیزالله خان در قا ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء
در حق شخص محترم و والاحضرت پدر مکرم و برادر مبارک اختر ایشان و اخبار از بروز
انقلاب بواسطهٔ عدم تنبه ایرانیان

۵۰۶ طهران بافتخار جناب عزیزالله خان ابن الشهید بیان مظهر عبودیت در
خصوص میرزا حسن مجتهد و فتوای قتل یاران الهی و مخذولی او قضیه سنگسر و شهادت
آقا سید یحیای بزرگوار در سیرجان و حصول فتور در تأیید و اجازهٔ تشرف بمشارالیه
و جناب ارسطو خان و جناب آقا سید جلال

۵۰۸ بافتخار سلیل جلیل حضرت شهید جناب آقا عزیزالله خان بیان حضرت
عبدالبهاء در خصوص انقلاب ایران و عدم حصول راحت و سکون مگر بتعالیم الهیه
و ظهور عنایت در حق جناب اخوی

۵۰۹ طهران بافتخار سلیل شهید مجید جناب عزیزالله خان بیان حضرت عبدالبهاء
در عدم صلاحیت بمسافرت اروپا و عدم جواز تشرف بساحت اقدس بواسطهٔ
احتراز از توهم اولیای امور از گذارش راپورت وقایع ایران بخارج

۵۱۱ طهران بافتخار جناب ابن الشهید آقا میرزا عزیزالله و آقا میرزا ولی الله

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

آقا میرزا فضل الله ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق آنان و عدم اجازهٔ تشرف بساحت اقدس

۵۱۱ طهران بافتخار جناب میرزا عزیزالله خان ابن الشهید ظهور عنایت طلعت میثاق در حق مشارالیه و نصیحت بحشر بکمالات و فضائل عالم انسانی و ابراز صداقت و امانت برئیس نفیس

۵۱۲ طهران بافتخار جناب میرزا عزیزالله خان سلیل حضرت شهید نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در ابراز خدمت و صداقت برئیس بنگ

۵۱۳ بافتخار جناب میرزا عبدالله خان نزول مناجات از قلم حضرت عبدالبهاء در حق یکی از اولیاء و رجاء توفیق دربارهٔ صاحب لوح

۵۱۷ طهران بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله ابن حضرت شهید امر حضرت عبدالبهاء بمشاوره با جناب ادیب بجهت مسافرت با رئیس بنگ و بشارت بصدور لوح مبارک بافتخار میرزا تقی خان

۵۱۷ بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله ابن حضرت شهید سلیل عهد و میثاق نصیحت حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در ابراز صداقت و راستی در خدمت و در ذیل لوح مبارک توصیه از نصوحی بیک سفیر و اطمینان بشخص محترم در عدم مداخلهٔ بهائیان در انقلابات

۵۱۹ نزول مناجات طلب تأیید از یراعه میثاق رب مجید بجهت حضرت م س

۵۲۰ طهران بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله خان امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیه در

فهرست

صفحه

بذل جهد برفع اختلاف بین احباب طهران

۵۲۱ طهران بافتخار جناب آقا عزیزالله ابن الشهید نصیحت میثاق نیر آفاق بمشارالیه بقیام بخدمت آستان و اعطاء نام بهائیه بصبیه . در ذیل لوح رک تأکید باجراء آنچه از پیش مرقوم گردیده

۵۲۲ طهران (بعنوان آی ابن الشهید) اظهار عنایت در حق صاحب لوح

۵۲۲ طهران بافتخار جناب آقا عزیزالله ابن شهید بیان حضرت عبدالبهاء در اتباع از اوامر میثاق و تحصیل فن طبابت

۵۲۲ طهران بافتخار جناب آقا عزیزالله ابن الشهید بیان طلعت میثاق بانیکه جوهر کل خیر رضاست و تأکید در بذل همت بتمشیت مغازه و اشتغال بکسب و تجارت

۵۲۴ طهران بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله ابن حضرت شهید ظهور عنایت میثاق الهی در حق مشارالیه و تأکید در تحصیل طب

۵۲۴ ط بافتخار جناب آقا عزیزالله تصویب هیکل میثاق بمحل حجره که یاران مناسب دانند و شرکت با حضرت افنان و حضرت ادیب و خبر از انقلاب ارض مقدس

۵۲۵ طهران بافتخار جناب عزیزالله خان بیان حضرت عبدالبهاء راجع بلائحه مزوره و گرفتاری شخص محیل و نصیحت باحباء در عدم تأثر از بلایای وارده هیکل انور و عدم اجازه طبع کتب بدون اذن دولت

۵۲۸ طهران بافتخار شخص محترم امام معهود نزول مناجات از قلم میثاق الهی و طلب

Provided by the Afnan Library

صفحه فهرست

تأیید در حق مشارالیه و در ذیل لوح مبارک نوید بالطاف الهیه

۵۲۹ طهران بواسطهٔ جناب آقا عزیزالله خان ابن شهید امة الله موقنه والده محترمه ایشان بیان حضرت عبدالبهاء در تمسک بحبل استقامت و ادای شکرانه بدرگاه از اینکه ام شهید و ضلع شهید است

۵۳۰ طهران بافتخار آقا سید نصرالله باقراف و آقا میرزا عزیزالله خان ورقا امر حضرت غصن الله الاعظم در رعایت حرمت سرکار لرد لامنگتون

۵۳۱ بافتخار حضرت میرزا عزیزالله خان سلیل حضرت شهید اظهار حزن مظهر عبودیت از صعود حضرت علی قبل اکبر و ظهور عنایت در حق رئیس المجاهدین و جناب میرزا ولی الله خان و حضرت نصرالهی و جناب حاجی محمد رضا

۵۳۲ این لوح مبارک مکرر نوشته شده و در صفحه ۴۹۹ مندرج است

۵۳۴ پورتسعید بافتخار جناب عزیزالله خان امر حضرت عبدالبهاء بمشارالیه بمراجعت بایران و شکست شوکت دیموقرات و خسران شخص معهود برجوع بایران و مدارا با ارباب کیخسرو و معرفی بحیائیها ببزرگان ایران و تنبیه میرزا علی محمد و بنای قبر حضرت ادیب و حضرت ابن ابهر و ملاقات حضرت والا نصرة العدل

۵۳۶ طهران بافتخار جناب آقا میرزا عزیزالله خان امر حضرت من اراده الله بتحصیل شغلی بجهت جناب میرزا حبیب الله و در ذیل لوح نیز تأکید در خصوص تهیه شغلی برای ایشان

۵۳۶ طهران بافتخار جناب میرزا عزیزالله خان ابن الشهید بیان حضرت عبدالبهاء

فهرست

صفحه

در مقبولیت خدمات مشارالیه در آستان حضرت احدیت

۵۳۷ بافتخار جناب میرزا عزیزالله خان بیان حضرت من طاف حوله الاسماء در عدم جواز طلب اعانه از ایران باسم مدرسه و اجازهٔ اخذ آن از احبّاء آمریکا لاجل ازدیاد ارتباط شرق و غرب

۵۳۷ طهران بافتخار جناب میرزا عزیزالله خان توصیه حضرت عبدالبهاء در حق جناب قائم مقام و واسطهٔ قرار دادن ایشان بجهت بینائی بزرگان

۵۳۸ طهران بافتخار جناب عزیزالله خان بیان حضرت عبدالبهاء در قضیه املاک جلال و معامله بعدل و انصاف و در ذیل لوح مبارک تأکید در تحصیل شغلی بجهت جناب میرزا حبیب الله ولد آقا رضای مهاجر مجاهد

۵۳۹ طهران بافتخار سلیل حضرت شهید جناب عزیز بیان حضرت عبدالبهاء در خصوص عظمت مستقبل ایران و بذل همت در خصوص میرزا حبیب الله و توصیه بحضرت اخوی در ابراز صداقت و امانت در خدمات دولتی و قناعت بحقوق خود

۵۴۱ طهران بافتخار جناب آقا غلامعلی دوا فروش بیان عهدالله الاوفی در خصوص عصیان ایرانیان و مظالم بیاران و اخیراً گلوله زدن بسینهٔ جناب میرزا باباخان در صفحات قم و پریشانی افکار عمومی در نتیجهٔ آن

۵۴۲ ط مناجات لطلب المغفرة لمن صعد الی الله جناب غلامحسین از یراعهٔ میثاق الهی

۵۴۳ طهران بافتخار جناب آقا غلام علی صهر من ادرک لقاء ربه بیان حضرت عبدالبهاء

صفحه فهرست

بعدم تحزن در مصیبت هائله و اینکه خروج از این جهان و دخول در جهان جانان از اعظم مواهب رحمن است

۵۳۴ بعنوان (جناب آقا غلام ع) ظهور عنایت طلعت میثاق در حق مشارالیه و امر برسانیدن مکاتیب مبارکه

۵۴۵ ط بافتخار جناب میرزا غلام حسین امر حضرت عبدالبهاء بابراز شور و حرارت و گشودن لسان فصیح و نطق بلیغ و ظهور عنایت بعائله مشارالیه

۵۴۶ ط بافتخار جناب میرزا غلام حسین اهل حق حضرت عبدالبهاء باین بیان اصلی ناطق قوله جل بیانه ((. . . این کره خاک آشیان مرغ خاکی و پرنده ظلمانیست لهذا پرندگان حدائق الهی آشیان در این خرابه دیرینه ننمایند . . . و در خاتمه لوح مبارک طلب مغفرت بجهت ورقه زکیه مرفوعه

۵۴۶ طهران بافتخار جناب آقا غلام ع امر حضرت عبدالبهاء بارسال پوسته بپورت سعید بعنوان جناب آقا احمد

۵۴۷ طهران بافتخار جناب آقا غلام ع دوا فروش بیان حضرت عبدالبهاء به وصول بروات

۵۴۷ طهران بافتخار آقا میرزا غلام ع دوا فروش بیان مرکز پیمان الهی در خصوص مشکلات ایران بواسطه عدم تأثیر نصایح مبارکه بایرانیان و در ذیل لوح مبارک دستور ارسال عرایض فوق

فهرست

صفحه

۵۴۸ طهران بافتخار اجزاء دواخانه آقا غلام علی ظهور مکرمت مظهر عبودیت در حق آنان

۵۴۸ « « یاران و اماء رحمن ظهور عنایت میثاق الهی در حق آنان

۵۴۹ « « جناب آقا غلام علی دوافروشی ستایش حضرت عبدالبهاء از خدمات مشارالیه

۵۵۰ طهران بافتخار جناب محمود ولد حاجی محمد علی بن عمه ظهور عنایت حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه

۵۵۰ طهران جناب میرزا محمد اخوی آقا میرزا علی اکبر زائر بیان میثاق نیر آفاق در اینکه حصول فیض مشروط بسعی و کوشش است

۵۵۰ سبزوار بافتخار جناب میرزا محمد میلانی امر حضرت عبدالبهاء باقامه دلائل و براهین در محافل

۵۵۱ بافتخار جناب آقا میرزا محمد نزول مناجات از یراعه حضرت عبدالبهاء در حق مشارالیه و طلب تأیید . —

[illegible]